انجمن جغرافیایی ایران
IRANIAN GEOGRAPHICAL ASSOCIATION

دانشگاه فردوسی مشهد

مجلّهٔ

جغرافیا و توسعهٔ ناحیه‌ای

(نشریهٔ علمی)

سال بیست و سوم، شمارهٔ ۳، پاییز ۱۴۰۴، شمارهٔ پیاپی ۵۲

- **تحلیل اثرات اقدامات کشاورزان روستایی در مدیریت و سازگاری با مخاطرهٔ خشکسالی (منطقهٔ مورد مطالعه: دهستان کاخک شهرستان گناباد) ۱**
  سمیه علی‌حسینی؛ طاهره صادقلو؛ خدیجه بوزرجمهری
- **تحلیل تأثیرگذاری شاخص‌های حاشیه‌نشینی بر فقر شهری نمونه محلات حاشیه‌نشین شهر مشهد ۲۷**
  حسن اعمی بنده‌قرائی؛ جواد طاهری‌زاده اناری‌پور؛ احمد لطفی
- **ارائهٔ مدل تجربی تعیین‌کننده‌های توانمندسازی زنان روستایی در بخش گیاهان دارویی (مورد مطالعه: استان چهارمحال و بختیاری) ۵۷**
  آیدا الالدین‌وندی؛ یوسف قنبری؛ حمید برقی
- **نقش گردشگری شهری در توسعهٔ پایدار شهرها (نمونه موردی: شهر شیروان) ۹۳**
  ربابه حسین‌نژاد دوین؛ محمد معتمدی؛ رمضانعلی نادری مایوان
- **تحلیل نابرابری‌های توسعه میان استان‌های مرزی و مرکزی ایران ۱۲۵**
  حبیب‌اله فصیحی؛ طاهر پریزادی؛ عاطفه کلیائی؛ فریما نجفی
- **تبیین رابطهٔ ویژگی‌های فضای اجتماع‌پذیر و امنیت مجتمع‌های مسکونی در شهر کرمانشاه ۱۵۵**
  زهره خاموشی؛ سارا جلالیان؛ محمدمهدی سروش
- **واکاوی و ارزیابی تفاوت ادراک ذی‌نفعان روستایی از موانع توسعهٔ تعاونی‌ها در استان گیلان ۱۹۷**
  مهدی حسام؛ حبیب محمودی‌چناری
- **واکاوی کیفیت ورودی‌های شهرها از دیدگاه شهروندان و مسافران، مطالعه موردی شهر شیروان ۲۲۳**
  مهدی زنگنه؛ زهره پیرزاده؛ مبینا رجبی
- **تبیین الگوی شبکهٔ همکاری دست‌اندرکاران سازمانی توسعهٔ روستایی براساس شاخص‌های کلان و میانی (مطالعه موردی: استان قزوین) ۲۵۷**
  فروزان قاسمی؛ محمدرضا رضوانی؛ سیدعلی بدری؛ علیرضا دربان آستانه
- **واکاوی راهکارهای توسعهٔ کارآفرینی سبز در حوزهٔ مدیریت پسماندهای شهری (مورد مطالعه: شهر کرمانشاه) ۲۹۳**
  نادر نادری؛ مهتاب ژیان؛ خدیجه عزیزی

ISSN: ۲۰۰۸-۱۳۹۱

بسم الله الرحمن الرحيم

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

مجلّهٔ جغرافیا و توسعهٔ ناحیه‌ای

(نشریهٔ علمی)

سال بیست و سوم، شمارهٔ ۳ ، پاییز ۱۴۰۴ ، شمارهٔ پیاپی ۵۲

صاحب امتیاز: دانشگاه فردوسی مشهد

مدیر مسئول: دکتر محمّد رحیم رهنما

سردبیر: دکتر حمید شایان

هیئت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا)**:**

محمدعلی احمدیان- دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد (دکتـرای جغرافیای شهری و ناحیه‌ای)

عبدالرضا رکن‌الدین افتخاری- استاد دانشگاه تربیت مدرس (دکترای جغرافیا و برنامه ریزی روستایی)

مهدی پورطاهری- استاد دانشگاه تربیت مدرس (دکترای جغرافیا و برنامه ریزی روستایی)

سیدرضا حسین‌زاده- دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد (دکترای جغرافیای طبیعی ـ ژئومورفولوژی)

کریم حسین‌زاده دلیر- استاد دانشگاه تبریز (دکترای جغرافیای شهری)

محمدرحیم رهنما- استاد دانشگاه فردوسی مشهد (دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری)

شهرام روستایی- استاد دانشگاه تبریز (دکترای جغرافیای طبیعی ـ ژئومورفولوژی)

حمدالله سجاسی قیداری- دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد (دکترای جغرافیا و برنامه ریزی روستایی)

حمید شایان- استاد دانشگاه فردوسی مشهد (دکترای جغرافیای روستایی)

حسن کامران دستجردی- دانشیار دانشگاه تهران (دکترای جغرافیای سیاسی)

حسن لشکری- استاد دانشگاه شهید بهشتی (دکترای آب و هواشناسی)

عزت‌الله مافی- دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد (دکترای جغرافیای شهری)

غلامعلی مظفری - استاد دانشگاه یزد (دکترای آب و هواشناسی)

سعدالله ولایتی- استاد دانشگاه فردوسی مشهد (دکترای زمین شناسی)

وحید قاسمی- استادیار دانشگاه اروپا، لیسبون پرتغال (دکترای گردشگری و مدیریت مارکتینگ)

خلنظر محبتوف - استاد آکادمی ملی علوم تاجیکستان (دکترای علوم جغرافیا)

مقالات نمودار آرای نویسندگان است و به ترتیب وصول و تصویب درج می‌شود.

مدیر داخلی: دکتر رضا دوستان **ویراستار ادبی متن مقالات :** راهله کمالی

مترجم انگلیسی: مرکز ویراستاری انگلیسی دانشکده ادبیّات و علوم انسانی **ویراستار این شماره :** دکتر وحید مردانی کلاته قشلاق

کارشناس اجرایی دفتر مجله: زهرا بنی‌اسد **حروف‌نگاری و صفحه‌آرایی :** محبوبه ایران‌پاک **شمارگان:** ۳۰ نسخه

نشانی: مشهد، دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده‌ی ادبیّات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی، کد پستی ۹۱۷۷۹۴۸۸۸۳ ، نمابر: ۸۷۹۴۱۴۴ (۰۵۱۱)

بها: داخل کشور: ۲۰۰۰۰ ریال (تک‌شماره) خارج کشور: ۲۵ دلار (آمریکا- سالانه)، ۲۰ دلار (سایر کشورها- سالانه)

نشانی اینترنتی: http://jgrd.um.ac.ir/ E-mail:JRD@Ferdowsi.um.ac.ir

شماره‌ی پروانه: ۱۲۴/۷۲۷- **این مجله در نشست کمیسیون بررسی نشریات علمی کشور مورّخ ۸۶/۱۲/۱، رتبه علمی- پژوهشی دریافت نموده است.**

بر اساس مصوبه وزارت عتف از سال ۱۳۹۸،کلیه نشریات دارای درجه "علمی - پژوهشی" به نشریه "علمی " تغییر نام یافتند.

این مجلّه در پایگاه های زیر نمایه می شود:

- **پایگاه استنادی علوم جهان اسلام(ISC)**
- **پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (SID)**
- **پایگاه بانک اطلاعات نشریات کشور (Magiran)**

شرایط تدوین مقاله

به منظور ایجاد تسهیل در روند داوری و چاپ مقالات، از کلیه‌ی پژوهشگران که مایل به چاپ مقالات علمی خـود در این نشریه‌اند، خواهشمند است به نکات زیر توجه نمایند در غیر این‌صورت مقاله به نویسنده عودت داده خواهد شد:

۱. دریافت مقاله صرفاً از طریق سامانه مجله (https://jgrd.um.ac.ir) خواهد بود و مجله از پذیرش مقالات دستی یا پستی معذور خواهد بود.

۲ . مقالهٔ ارسالی نباید قبلاً در هیچ یک از نشریات داخلی یا خارجی چاپ شده باشـد. هیئـت تحریریـهٔ مجلـه، انتظـار دارد نویسندگان محترم تا زمانی که جواب پذیرش از نشریه نرسیده است، مقالهٔ خود را به مجلهٔ دیگـری بـرای چـاپ ارسال ننمایند.

۳ . مقالات فارسی با قلم لوتوس نازک ۱۳ و مقالات انگلیسی با قلم نـازک Times New Roman11 بـا نـرم افـزار Word تحت Windows XP تهیه شود. مقالات روی کاغذ A4 (با حاشیه از بالا ۵/۵ و پایین ۵/۵ و راست ۴ و چـپ ۴ سانتی‌متر) تایپ شده و فواصل بین خطوط به صورت single باشد.

۴ . حجم مقاله نباید حداکثر بیست و پنج صفحهٔ چاپی به قطع نشریه بیشتر شود (با احتساب فضای مـورد نیـاز بـرای جداول، اشکال، خلاصه، نتایج و فهرست منابع).

۵ . برای مقالات فارسی، عنوان مقاله با در نظر گرفتن فواصل بین کلمـات نبایـد از ۶۰ حـرف بیشـتر شـود و بـا قلـم لوتوس سیاه ۱۳ تایپ شود.

۶ . مشخصات مقاله: نام نویسنده(گان) مقاله با قلم B لوتوس سیاه ۱۰، عنوان علمی یا شغلی او نیز با قلـم B لوتـوس سیاه ۱۰ و آدرس الکترونیکی نویسنده با قلم Times New Roman9 باید در زیر عنوان مقاله به صـورت وسـط‌چین ذکر شود. ضمناً شماره تلفن تماس و ایمیل نویسندهٔ مسئول مکاتبات در پاورقی آورده شود.

* لازم به ذکر است که بعد از ارسال مقاله به مجله امکان تغییر و یا جابجایی نویسندگان وجود نخواهد داشت.

۷ . برای مقالات انگلیسی، عنوان با قلم Times New Roman12 ، نام نویسـنده مقالـه بـا قلـم سـیاه Times New Roman10، عنوان علمی یا شغلی او با قلم Times New Roman10 در زیر عنوان مقاله ذکر شود.

۸ . چکیده مقاله برای مقالات فارسی با قلم B لوتوس نازک ۱۲ و برای مقالات انگلیسی با قلم نـازک Times New Roman 12 به صورت تک ستونی صرفاً در یک پاراگراف ارائه شود.

۹ . اشکال و نمودارهای مقاله حتما اصل بوده و دارای کیفیت مطلوب باشد. فایل اصلی اشـکال (تحـت Word، PDF، Excel) و با دقت 600 dpi ارائه گردد. اندازه قلم‌ها به ویژه در مورد منحنی ها (legend) به گونه‌ای انتخـاب شـوند که پس از کوچک شدن مقیاس شکل برای چاپ نیز خوانا باشند (زیرنویس اشکال، Bلوتوس سیاه ۱۲).

۱۰. در متن مقاله به شماره عکس‌ها، جداول و نمودارها اشاره شود و محل تقریبی آنها مشخص گردد.

در تنظیم جداول، منحنی‌ها، اشکال و تصاویر، رعایت نکات زیر الزامی است:

الف- اطلاعات جداول نباید به صورت منحنی و یا به شکل دیگر در مقالـه تکـرار شـوند. شـماره و عنـوان در بـالای جدول ذکر گردد.

ب- هر ستون جدول باید دارای عنوان و واحد مربوط به خود باشد، چنانچه تمام ارقام جدول دارای واحد یکسان باشند، می توان واحد را در عنوان جدول ذکر نمود.

ج- توضیحات اضافی عنوان و متن جدول، به صورت زیرنویس ارائه گردد. نتایج بررسی‌های آماری، باید به یکی از روش‌های علمی در جدول منعکس شود و در هر صفحه نباید بیش از دو جدول آورده شود.

د- شکل‌های هر مقاله شامل منحنی، نمودار، عکس و نقشه بوده و همه به طور یکسان به عنوان شکل شماره‌گذاری می‌شوند. شکل‌ها باید بصورت رنگی یا سیاه و سفید و با کیفیت مناسب و مطلوب تهیه شود و شماره و عنوان آنها در بالا بیاید. عکس ها باید واضح، مطالب آنها خوانا و دارای مقیاس باشند. ذکر مأخذ عکس‌ها یا شکل‌هایی که از منابع دیگر اقتباس شده‌اند الزامی است.

۱۱ . معادل انگلیسی واژه‌های مهم در داخل متن با شماره‌گذاری مستقیم برای هر صفحه، در پاورقی آورده شود.

۱۲. ساختار مقاله شامل عناصر زیر است:

۱۲-۱. صفحهٔ عنوان: در صفحهٔ شناسنامه باید عنوان مقاله، نام و نام خانوادگی نویسنده(گان) درجهٔعلمی، نشانی دقیق شامل: (کد پستی، تلفن، دورنگار و پست الکترونیکی، محل انجام پژوهش، مسئول مقاله و تاریخ ارسال) درج شود.نویسنده مسئول باید با علامت ستاره مشخص شود.

۱۲-۲ . چکیده: شامل چکیده فارسی و انگلیسی مقاله و واژگان کلیدی (سه تا شش کلمه) است. حتی‌الامکان چکیده مقاله از ۳۰۰ کلمه بیشتر نباشد و بیانگر طرح مسأله، روش تحقیق، ابزار جمع آوری داده‌ها، تکنیک به کار رفته، یافته‌ها و نتیجه‌گیری باشد. چکیده انگلیسی و فارسی در مطابقت کامل با یکدیگر تهیه شود.

۱۲-۳. مقدمه: که در بر گیرنده طرح مسأله، اهمیت و ضرورت، اهداف، سوابق تحقیق می باشد.

۱۲-۴. مواد و روش‌ها: که در بر گیرنده محدوده و قلمرو پژوهش، روش تحقیق و مراحل آن (روش تحقیق، جامعهٔ آماری، روش نمونه‌گیری، حجم نمونه و روش تعیین آن، ابزار گردآوری داده‌ها و اعتبارسنجی آنها)، سؤال‌ها و فرضیه‌ها، معرفی متغیرها و شاخص‌ها کاربرد روش‌ها و تکنیک‌ها می باشد.

۱۲-۵. مفاهیم، دیدگاه‌ها و مبانی نظری: که در برگیرنده تعاریف و مفاهیم، دیدگاه‌ها و مبانی نظری، و ... می باشد.

۱۲-۶. یافته‌ها: ارائهٔ نتایج دقیق یافته‌های مهم با رعایت اصول علمی و با استفاده از جداول و نمودارهای لازم.

۱۲-۷. بحث و نتیجه‌گیری: متضمن آثار و اهمیت یافته‌های پژوهش و یافته‌های پژوهش‌های مشابه دیگر، با تأکید بر مغایرت‌ها و علل آن، توضیح قابلیت تعمیم‌پذیری و کاربرد علمی یافته‌ها و ارایهٔ رهنمودهای لازم برای ادامهٔ پژوهش در ارتباط با موضوع، نتیجه‌گیری و توصیه‌ها و پیشنهادهای احتمالی.

۱۲- ۸ . تشکر و قدردانی: قبل از منابع مورد استفاده ارائه شده و از ذکرافراد (شامل: دکتر، مهندس و...) خودداری شود.

۱۳ . نحوهٔ ارجاعات: منابع و مآخذ باید به صورت درون متنی و همچنین در پایان مقاله ذکر شود. دقت شود که ارجاعات داخل متن به لحاظ تعداد و محتوی منابع همخوانی داشته باشد.

۱۳-۱. ارجاعات در متن مقاله باید به شیوه داخل پرانتز (APA) باشد، به گونه‌ای که ابتدا نام مؤلف یا مؤلفان، سال انتشار و صفحه ذکر شود. شایان ذکر است که ارجاع به کارهای چاپ شده به همان زبان اصلی (فارسی یا انگلیسی) باشد . به عنوان نمونه: (ولایتی، ۱۳۸۷: ۵۰) یا (Woods, 2005: 8) و این حالت برای دو نویسنده نیز صادق می‌باشد اما برای

ارجاعاتی که بیش از دو نویسنده دارند نام خانوادگی نفر اول امده و از واژه همکاران بـه جـای سـایر نویسـندگان اسـتفاده شود؛ به عنوان نمونه برای منابع فارسی (سجاسی قیداری و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۱) برای منابع لاتـین نیـز (Gilbert et al, 1994:76)

۱۳-۲. در پایان مقاله، منابع مورد استفاده در متن مقاله، به ترتیب الفبایی نام خانوادگی نویسنده، به شرح زیر آورده شود:

نمونهٔ فارسی:

۱ . نام خانوادگی، نام نویسنده یا نویسندگان(سال انتشار)؛ *عنوان کتاب*(به صورت ایتالیـک باشـد)؛ شـماره جلـد، نوبـت چاپ، محل انتشار، نام ناشر. نحوهٔ درج در فهرست منابع و مأخذ به ترتیب حروف الفبا خواهد بود.

مثال برای کتاب: توسلی، محمود(۱۳۸۶)؛ اصول و روش‌های طراحـی شـهری و فضـاهای مسـکونی در ایـران؛ مرکـز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، جلد اول، چاپ چهارم، تهران.

۲. مثال برای نشریه: نام خانوادگی، نام نویسنده یا نویسندگان(سال انتشار)؛ عنوان مقاله؛ *نـام نشـریه*(بـه صـورت ایتالیـک باشد)، دوره، محل انتشار.

مثال برای مقاله: سرور، رحیم(۱۳۸۳)؛ استفاده از AHP در مکانیابی جغرافیایی(مطالعه موردی: مکانیابی جهـت توسـعه آتی شهر میاندوآب)؛ مجله پژوهش های جغرافیایی، شماره ۴۹، صص۱۹-۳۸.

۱۴ . نقل قول‌ها – مستقیم و غیر مستقیم – نقل به مضمون و مطالب استنتاج شده از منـابع و مآخـذ، بـا حـروف نـازک و استفاده از نشانه‌گذاری‌های مرسوم، مشخص شود و نام صاحبان آثار، تاریخ، و شماره صـفحات منـابع و مآخـذ، بلافاصـله در میان پرانتز نوشته شود.

۱۵ . مقالات برگرفته از رساله و پایان‌نامه دانشجویان با نام دانشجو،استاد راهنما و مشـاوران و بـا مسـئولیّت اسـتاد راهنمـا انتشار می یابد.

۱۶ . چنانچه مخارج تحقیق یا تهیهٔ مقاله توسط مؤسسه‌ای تأمین مالی شده باشـد، بایـد نـام مؤسسـه در صـفحهٔ اول درج شود.

۱۷ . شیوه ارزشیابی مقالات: مقالات ارسالی که شرایط پذیرش از جنبه‌های نـوآوری در حـوزهٔ نظریـه و روش‌شـناختی کاربردی، شرایط لازم را احراز نمایند، برای داوران خبره در آن موضوع ارسال می‌شوند. داوران محترم، جدای از ارزشـیابی کیفی مقالات، راهبردهای سازنده‌ای پیشنهاد می‌کنند. پیشنهادهای داوران محترم به طور کامل، اما بـدون نـام و نشـان داور، برای نویسنده مقاله ارسال خواهد شد.

۱۸. فایل های ضروری برای ارسال از طریق سامانه عبارتند از:

الف) فایل مربوط به مشخصات کامل نویسندگان(شناسنامه مقاله) متناسب با بند ۶ شرایط تدوین مقاله به صـورت word در یک صفحه

ب) فایل اصلی مقاله: یک نسخه word و pdf از متن اصلی مقاله بدون اسامی و مشخصات نویسندگان و بـدون چکیـده انگلیسی.

ج) فایل مربوط به چکیده مقاله: یک نسخه word از چکیده مبسوط انگلیسی به همراه متن فارسی آن بر اساس بنده ۲-۱۲ تنظیم و ارسال گردد

۱۹ . مجله حق رد یا قبول و نیز ویراستاری مقالات را برای خود محفوظ می‌دارد و مقالات مسترد نمی‌شود. اصل مقالات رد یا انصراف داده شده پس از سه ماه از مجموعه ی بایگانی مجله خارج شده و مجلّهٔ **جغرافیا و توسعهٔ ناحیه‌ای** هیچ مسئولّیتی در این ارتباط نخواهد داشت.

۲۰ . مسئولّیت ارائه صحیح مطالب مقاله بر عهدهٔ نویسندگان است. از این‌رو، نسخه‌ای از مقالهٔ آماده چاپ برای انجام آخرین تصحیحات احتمالی به نشانی الکترونیکی نویسنده مسئول ارسال خواهد شد. چنانچه ظرف مدت یک هفته پاسخی از سوی نویسندگان دریافت نگردد به معنای انصراف قلمداد شده و به شماره‌های آتی موکول خواهد شد و چنانچه پاسخی دوباره دریافت نشود مقاله از اولویت چاپ در مجله خارج می‌شود.

آدرس پستی: مشهد ، میدان آزادی، پردیس دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی، دفتر مجلّهٔ جغرافیا و توسعهٔ ناحیه‌ای- کد پستی ۹۱۷۷۹۴۸۸۸۳ و نمابر: ۰۵۱۳۸۸۰۷۰۶۰ تلفن: ۰۵۱۳۸۸۰۶۷۲۴

پست الکترونیکی E-mail:jrd@Ferdowsi.um.ac.ir

داوران این شماره به ترتیب حروف الفبا

دکتر روح اله اسدی (استادیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه فردوسی مشهد)
دکتر حسن پارسی پور (استادیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه کوثر بجنورد)
دکتر مجتبی پالوج (دانشیار موسسهٔ پژوهش های برنامه‌ریزی اقتصاد کشاورزی و توسعه روستایی تهران)
دکتر علی‌اکبر تقی پور (استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه دامغان)
دکتر علی اکبر تقیلو (استاد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه ارومیه)
دکتر داود جمینی (استادیار گروه ژئومورفولوژی دانشگاه کردستان)
دکتر امین دهقانی (استادیار گروه جغرافیا دانشگاه جیرفت)
دکتر احمد رومیانی (دانش‌آموختهٔ دکتری جغرافیا و برنامه ریزی روستایی دانشگاه فردوسی مشهد)
دکتر طاهره صادقلو (استادیار جغرافیا و برنامه ریزی روستایی دانشگاه فردوسی مشهد)
دکتر شیرین صباغی ابکوه (دانش آموختهٔ دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه فردوسی مشهد)
دکتر فروزان طاهری (دانش آموختهٔ دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه فردوسی مشهد)
دکتر سیروس قنبری (دانشیار جغرافیا وبرنامه ریزی روستایی دانشگاه سیستان وبلوچستان)
دکتر ژیلا کلالی مقدم (استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه پیام نور تهران)
دکتر مجید گودرزی (دانشیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه شهید چمران اهواز)
دکتر رسول لوائی آدریانی (استادیار موسسهٔ پژوهش های برنامه‌ریزی، اقتصاد کشاورزی و توسعه روستایی تهران)
دکتر حمیده محمودی (استادیار جغرافیا و برنامه ریزی روستایی دانشکده گردشگری دانشگاه تهران)
دکتر علی اکبر نجفی کانی (دانشیار گروه جغرافیا دانشگاه مازندران)
دکتر محمد یاپنگ غراوی (دانش‌آموختهٔ دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه تبریز)

جغرافیا و توسعهٔ ناحیه‌ای (نشریهٔ علمی)
سال بیست و دوم، شمارهٔ۳۲، پاییز ۱۴۰۴ ، شمارهٔ پیاپی ۵۲

عنوان **صفحه**

■ **تحلیل اثرات اقدامات کشاورزان روستایی در مدیریت و سازگاری با مخاطرهٔ خشکسالی (منطقهٔ مورد مطالعه: دهستان کاخک شهرستان گناباد)** **۱-۲۵**
سمیه علی‌حسینی، طاهره صادقلو، خدیجه بوزرجمهری

■ **تحلیل تأثیرگذاری شاخص‌های حاشیه‌نشینی بر فقر شهری نمونه محلات حاشیه‌نشین شهر مشهد** **۲۷-۵۶**
حسن اعمی بنده‌قرائی، جواد طاهری‌زاده اناری‌پور، احمد لطفی

■ **ارائهٔ مدل تجربی تعیین‌کننده‌های توانمندسازی زنان روستایی در بخش گیاهان دارویی (مورد مطالعه: استان چهارمحال و بختیاری)** **۵۷-۹۱**
آیدا الاالدین‌وندی، یوسف قنبری، حمید برقی

■ **نقش گردشگری شهری در توسعهٔ پایدار شهرها (نمونه موردی: شهر شیروان)** **۹۳-۱۲۴**
ربابه حسین‌نژاد دوین، محمد معتمدی، رمضانعلی نادری مایوان

■ **تحلیل نابرابری‌های توسعه میان استان‌های مرزی و مرکزی ایران** **۱۲۵-۱۵۴**
حبیب‌اله فصیحی، طاهر پریزادی، عاطفه کلیائی، فریما نجفی

■ **تبیین رابطهٔ ویژگی‌های فضای اجتماع‌پذیر و امنیت مجتمع‌های مسکونی در شهر کرمانشاه** **۱۵۵-۱۹۶**
زهره خاموشی، سارا جلالیان، محمدمهدی سروش

■ **واکاوی و ارزیابی تفاوت ادراک ذی‌نفعان روستایی از موانع توسعهٔ تعاونی‌ها در استان گیلان** **۱۹۷-۲۲۲**
مهدی حسام، حبیب محمودی‌چناری

■ **واکاوی کیفیت ورودی‌های شهرها از دیدگاه شهروندان و مسافران،مطالعه موردی شهر شیروان** **۲۲۳-۲۵۵**
مهدی زنگنه، زهره پیرزاده، مبینا رجبی

■ **تبیین الگوی شبکهٔ همکاری دست‌اندرکاران سازمانی توسعهٔ روستایی براساس شاخص‌های کلان و میانی (مطالعه موردی: استان قزوین)** **۲۵۷-۲۹۲**
فروزان قاسمی، محمدرضا رضوانی، سیدعلی بدری، علیرضا دربان آستانه

■ **واکاوی راهکارهای توسعهٔ کارآفرینی سبز در حوزهٔ مدیریت پسماندهای شهری (مورد مطالعه: شهر کرمانشاه)** **۲۹۳-۳۲۳**
نادر نادری، مهتاب ژیان، خدیجه عزیزی

Journal of Geography and Regional Development Vol 23, No. 3 (2025) – Serial Number 52

Analysis of the Effects of Rural Farmers' Actions on Drought Hazard Management and Adaptation (Case Study: Kakhk Rural District, Gonabad County)[1]

Somayeh Ali Hosseini
MA student in Geography and Rural Planning, Faculty of Letters and Humanities, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

Tahereh Sadeghloo[2]
Assistant Professor, Department of Geography, Faculty of Literature and Humanities, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

Khadijah Bozarjomehri
Associate Professor, Department of Geography, Faculty of Literature and Humanities, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

Received: 29 January 2023 ***Revised: 6 February 2023*** ***Accepted: 8 February 2023***

Abstract

Drought is one of the hazards that directly affects the lives of rural people. Accordingly, the present study aims to investigate the level of farmers' perception of drought, to identify the measures taken by rural people in managing and coping with drought, and to measure the impact of these measures on the adaptation of these communities to drought hazard in the villages of Kakhk rural district. This study has a descriptive-analytical design and data collection was conducted using the survey method. First, the research indicators and variables were extracted to design the research tool, i.e., the questionnaire. In the survey phase, the data were collected using a researcher-made questionnaire. The statistical population includes 197 farmers from the Kakhk rural district. According to the results, on average, the variable of farmers'

1. This article is an excerpt from the first author's master's thesis submitted to Ferdowsi University of Mashhad.

2. Corresponding Author. Email: tsadeghloo@um.ac.ir

©2024 The author(s). This is an open access article under the CC BY license: https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/

How to cite this article: Ali Hosseini, S., Sadeghloo, T. and Bozarjomehri, K. (2025). Analysis of the Effects of Rural Farmers' Actions on Drought Hazard Management and Adaptation (Case Study: Kakhk Rural District, Gonabad County). Journal of Geography and Regional Development, 23(3), 01-25. Doi: 10.22067/jgrd.2023.80856.1241

perception of drought, as well as farmers' measures in economic-livelihood, socio-behavioral, infrastructural and agricultural-exploitation areas, is lower than the median (3) and therefore below average. This indicates the limited and faint role of these measures in coping with drought. The economic variable has the highest average (2.42), wielding the highest impact in drought coping. The evaluation of the adaptation variable suggests that farmers' adaptation is above average. The results of the regression test on evaluating the impact of these measures on the adaptation variable show that these measures explain about 50% of the variance in the adaptation variable, and the model fit is fairly high.

Keywords: Local Communities, Adaptation, Drought Management, Kakhk Rural District, Resilience.

https://doi.org/10.22067/jgrd.2023.80856.1241
مقالهٔ پژوهشی

تحلیل اثرات اقدامات کشاورزان روستایی در مدیریت و سازگاری با مخاطرهٔ خشکسالی (منطقهٔ مورد مطالعه: دهستان کاخک شهرستان گناباد)[1]

سمیه علی‌حسینی (دانشجوی کارشناسی‌ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)
somitaaskari@gmail.com

طاهره صادقلو (استادیار گروه جغرافیا، دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران، نویسندهٔ مسئول)
tsadeghloo@um.ac.ir

خدیجه بوزرجمهری (دانشیار گروه جغرافیا، دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)
azar@ferdowsi.um.ac.ir

چکیده

خشکسالی یکی از مخاطراتی است که زندگی روستاییان را به‌طور مستقیم تحت تأثیر قرار می‌دهد. دراین‌راستا، هدف تحقیق حاضر بررسی سطح ادراک کشاورزان از خشکسالی، شناسایی اقدامات روستاییان در مدیریت و مقابله با خشکسالی و همچنین سنجش تأثیرگذاری این اقدامات بر سازگاری این جوامع با مخاطرهٔ خشکسالی در روستاهای دهستان کاخک است. پژوهش حاضر را می‌توان به لحاظ ماهیت از نوع توصیفی– تحلیلی و به لحاظ روش جمع‌آوری داده‌ها از نوع میدانی دانست. ابتدا شاخص‌ها و متغیرهای تحقیق استخراج و مبنای طراحی ابزار تحقیق یعنی پرسشنامه قرار گرفته است. در مرحلهٔ مطالعهٔ میدانی با استفاده از پرسشنامهٔ محقق‌ساخته داده‌های مورد نیاز جمع آوری شده است. جامعهٔ آماری شامل۱۹۷ نفر از کشاورزان دهستان کاخک است. براساس نتایج به‌دست‌آمده میانگین متغیر سطح ادراک کشاورزان از خشکسالی و همچنین اقدامات کشاورزان در ابعاد اقتصادی- معیشتی، اجتماعی- رفتاری، زیرساختی و

۱. این مقاله مستخرج از پایان نامه کارشناسی ارشد نویسندهٔ اول در دانشگاه فردوسی مشهد است.

نشریه جغرافیا و توسعه ناحیه ای، سال بیست و سوم، شماره ۳، پاییز ۱۴۰۴، شماره پیاپی ۵۲ صص ۲۵-۱
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۰۹ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۱۱/۱۷ تاریخ تصویب: ۱۴۰۱/۱۱/۱۹

زراعی- بهره برداری دارای میانگینی پایین‌تر از ارزش میانه ۳ و کمتر از حد متوسط ارزیابی شده است و بیانگر محدود و کمرنگ‌بودن نقش این اقدامات در مقابله با خشکسالی است. بیشترین میانگین را متغیر اقتصادی با مقدار ۲.۴۲ به خود اختصاص داده که بیشترین تأثیر را در مقابله با خشکسالی داشته است. ارزیابی متغیر سازگاری بیانگر سازگاری بالاتر از حد متوسط در بین کشاورزان است. نتایج آزمون رگرسیون در سنجش تأثیر این اقدامات بر متغیر سازگاری نشان‌دهندهٔ این است که این اقدامات حدود ۵۰ درصد از متغیر میزان سازگاری را تبیین می‌نماید و مدل از برازش بالایی برخوردار است.

واژگان‌کلیدی: اجتماعات محلی، سازگاری، مدیریت خشکسالی، دهستان کاخک، تاب‌آوری.

۱. مقدمه

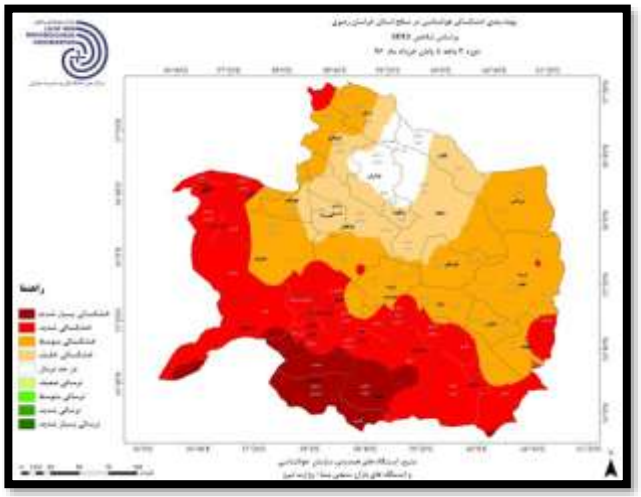
زندگی بشر همواره با انواع مخاطرات طبیعی همراه بوده است؛ از جمله زلزله، طوفان، خشکسالی، سیل و یخبندان که در این میان خشکسالی اهمیت ویژه‌ای دارد (کابلی و همکاران، ۱۳۹۱: ۳۳)؛ زیرا نسبت به سایر بلایای طبیعی از نظر شدت، طول مدت وقوع، گسترش منطقه و خسارات جانی و مالی بسیار قوی است (کرمی نسب و همکاران، ۱۳۹۸: ۴۰۷). در سال‌های اخیر، بحران آب، یکی از مهم‌ترین مسائل زیست‌محیطی ایران بوده و در مرکز توجه دولت و گروههای مختلف اجتماعی قرار گرفته است (فتاحی و بهروزی، ۱۳۹۶: ۲۹۹). درواقع با وقوع خشکسالی‌های پی‌درپی (ویرکسور[1] و همکاران، ۲۰۱۵: ۵۰۸)، رشد روزافزون جمعیت و تقاضای بیش‌ازحد برای محصولات کشاورزی، تعادل بین دو بخش مدیریتی عرضه‌وتقاضا برای مصرف آب به هم خورده است (تیسمن[2] و همکاران، ۲۰۱۳: ۱۱). بنابراین تفاوت‌های بارز میان کشاورزان از نظر درک، میزان دانش، نحوهٔ تأمین آب و معیارهای اجتماعی، اقتصادی و فنی سبب می‌شود آسیب‌پذیری از خشکسالی، پیامدهای حاصل از وقوع آن و همچنین شیوهٔ مقابله با آن، از منطقه‌ای به منطقهٔ دیگر و از گروهی به گروه دیگر متفاوت باشد (کشاورز و کرمی، ۱۳۸۹: ۲۶۷). براین‌اساس، نخستین گام برای مقابله با خشکسالی، شناخت

1. Werkheiser
2. Teisman

درست آن و در گام دوم، انتخاب راهکارهایی برای مقابله با این پدیده و پیامدهای آن است (سواری و شکوتی‌آمقانی، ۱۳۸۸: ۳۵). بنابراین بخش کشاورزی نیاز ویژه‌ای به سازگاری و مقابله با کمبود آب و خشکسالی دارد (یزدان‌پناه، ۱۴۰۰: ۱۷). کشاورزی ذاتاً به آب وابسته است و تغییرات آب‌وهوایی به‌طور مستقیم بر سیستم تولید محصولات کشاورزی تأثیرگذار است (ویلر و وان برون[1]، ۲۰۱۳: ۵۰۸). خشکسالی با کاهش منابع آب سطحی و زیرزمینی، می‌تواند اثرات منفی متعدد در همهٔ ابعاد زندگی روستایی و به‌خصوص در بعد اقتصادی و ساختار کشاورزی داشته باشد (لیو[2] و همکاران، ۲۰۸۸: ۵۵۱). از سوی دیگر، کاهش تولید و سطح زیرکشت محصولات زراعی می‌تواند منجر به کاهش درآمد کشاورزان و شاغلین این بخش، افزایش قیمت غذا، رشد بیکاری، کاهش درآمدهای مالیاتی، افزایش جرایم و اعلام دعوی و مشکلات حقوقی در زمینهٔ تأخیر در بازپرداخت وام‌های بانکی گردد (جمشیدی و همکاران، ۱۳۹۴: ۴). با توجه به روند رو به گسترش تغییرات اقلیمی و خشکسالی‌های گسترده، لزوم انطباق و سازگاری با این مخاطرات برای مدیریت شرایط ضروری است. سازگاری، فعالیتی به‌منظور کاهش آسیب‌پذیری و مقاوم‌شدن در برابر مخاطرات طبیعی است. ظرفیت سازگاری به‌صورت توانایی یک سیستم برای تعدیل تغییرات اقلیمی (شامل قابلیت تغییر جوّ و شدت‌ها) به‌منظور متعادل‌ساختن خسارات بالقوه با هدف بهره‌گیری از فرصت‌ها یا مقابله با پیامدها تعریف می‌شود (ادگر[3] و همکاران، ۲۰۰۷: ۹) و سازگاری با تغییرات اقلیمی به فعالیت‌هایی اطلاق می‌شود که آثار منفی این تغییرات را کاهش دهد (اینگل[4]، ۲۰۱۱: ۶۴۷). توانمندسازی کشاورزان در مدیریت و سازگاری با خشکسالی، امنیت کشورها را در مقابله با تهدیدات خارجی افزایش می‌دهد و از وابستگی ملت‌ها به جوامع دیگر می‌کاهد (لیپر[5] و همکاران، ۲۰۱۴: ۶۸).

1. Wheeler & Von Braun
2. liu
3. Adger
4. Engle
5. Lipper

در این راستا درک نقش عوامل تأثیرگذار بر سازگاری کشاورزان برای اطمینان از توسعهٔ اقدامات سیاسی مناسب و طراحی پروژه‌های موفق به‌منظور توسعه مهم است (گیبریوتو وندروین[1]، ۲۰۱۳: ۲۹). به همین منظور در این تحقیق سعی بر این است که ابتدا به بررسی ادراک خطر در بین کشاورزان و بررسی اقدامات کشاورزان در جهت مدیریت و سازگاری با مخاطرهٔ خشکسالی پرداخته شود، سپس میزان تأثیرگذاری دو متغیر اقدامات و ادراک خطر بر میزان سازگاری ارزیابی شود. بررسی این موضوع در این منطقه بسیار ضروری است؛ زیرا در سال‌های اخیر در این دهستان خشکسالی‌های پی‌درپی پیامدهای گسترده‌ای را به همراه داشته است. در نتیجهٔ این خشکسالی‌ها بسیاری از ساکنین راهکارهای مختلفی برای مقابله با خشکسالی و کاهش تأثیرات آن به کار بسته‌اند که موجب ایستادگی ساکنان به جای مهاجرت و تخلیهٔ منطقه شده است. نقشهٔ زیر براساس شاخص‌های اقلیمی موقعیت دهستان مورد مطالعه را در منطقه‌ای با تنش خشکسالی بالا نشان می‌دهد (شکل ۱).



شکل ۱. نقشهٔ وضعیت تنش خشکسالی در منطقهٔ مورد مطالعه در استان

مأخذ: (یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۴)

1. Gebrehiwot & van der Veen

۲. پیشینهٔ تحقیق

مطالعات بسیاری درخصوص خشکسالی و اثرات آن در نواحی روستایی و اقدامات کشاورزان برای مدیریت و سازگاری با آن انجام شده است که در ادامه به برخی از این مطالعات و نتایج آنها پرداخته شده است (جدول ۱).

جدول ۱. نتایج مطالعات انجام شده در زمینهٔ راهکارها و اقدامات روستاییان در مدیریت و سازگاری با خشکسالی

مأخذ: (یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۴)

نویسنده/ سال	عنوان تحقیق	یافته‌ها
سبزه‌ای و همکاران، ۱۳۹۸	بررسی تأثیر سرمایهٔ اجتماعی بر تاب‌آوری اجتماعی روستاییان در مخاطرات محیطی (با تأکید بر خشکسالی)	یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بین سطح سرمایهٔ اجتماعی و زیرشاخه‌های آن شامل شبکه‌های روابط، مشارکت، اعتماد و هنجارهای معاملهٔ متقابل و تاب‌آوری اجتماعی روستاهای نمونه رابطهٔ مثبت و معناداری وجود دارد.
کرمی‌نسب و شهبازی، ۱۳۹۸	نقش مخاطرات طبیعی (خشکسالی) در مهاجرت روستایی	یافته‌ها نشان می‌دهد که بخش عمده از روستاییان ساکن در شهر و اطراف آن به دلیل عامل اقتصادی از جمله کاهش تولید کشاورزی و جستجوی فرصت‌های شغلی جدید ناشی از دورهٔ خشکسالی به شهر مهاجرت نموده‌اند.
عینالی و جهانسوزی، ۱۳۹۹	نقش مدیریت ریسک در کاهش آسیب‌پذیری اقتصادی-اجتماعی سکونتگاه‌های روستایی با تأکید بر خشکسالی (مطالعه موردی: دهستان میان خواف شهرستان خواف)	یافته‌های مقاله آسیب‌پذیری سکونتگاه‌های روستایی از خشکسالی نشان داد که سکونتگاه‌ها بعد از وقوع خشکسالی بیشترین آسیب را دیده‌اند و مدیریت ریسک خشکسالی برمبنای ابعاد اقتصادی، اجتماعی و اقتصادی-اجتماعی با میانگین ۳.۷۹ می‌تواند در کاهش آسیب‌پذیری سکونتگاه های روستایی تأثیر بسزایی داشته باشد.
شیوماک[1]، ۲۰۰۸	آسیب‌پذیری کشاورزان در برابر خشکسالی	یافته‌ها نشان داد عوامل فنی مانند دسترسی به منابع آبی، استفاده از ارقام مقاوم به خشکی، فناوری‌های کشاورزی، روش آبیاری، نوع کاشت،

1. Shewmake

نویسنده/ سال	عنوان تحقیق	یافته‌ها
		عملیات خاک‌ورزی، نوع محصول، کشت جایگزین و... بر میزان آسیب‌پذیری کشاورزان در برابر خشکسالی تأثیرگذار است.
کامپبل و همکاران[1]، ۲۰۱۱	راهکارهای مقابلهٔ کشاورزان جاماییکا دربرابر خشکسالی	یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که روش‌های کاشت (کاشت محصولات مقاوم به خشکسالی، کاشت زودهنگام محصولات، کاهش سطح زیر کشت، اجتناب از کاشت در زمان خشکسالی)، فنون حفظ رطوبت (استفاده از مالچ، آبیاری قطره‌ای، تنظیم دورهٔ آبیاری) و راهبردهای جبران خشکسالی (کاهش سطح زیر کشت، جست‌وجوی کار غیرکشاورزی، فروش دام)، از جملهٔ راهکارها بوده است.
اسانت[2]، ۲۰۱۱	راهکارهای توانمندسازی کشاورزان در مقابله با تغییر اقلیم در کشور غنا	یافته‌ها نشان می‌دهد که دانش و آگاهی کشاورزان از نوآوری‌های دردسترس، دسترسی به منابع و خدمات مالی و اعتباری، شبکه‌های اجتماعی (نهادها)، درآمد خانوار، دردسترس‌بودن نوآوری (تکنولوژی) و تعداد افراد خانوار، مهم‌ترین راهکارها بودند.
هابیبا و همکاران[3]، ۲۰۱۲	دیدگاه کشاورزان دربارهٔ شیوه‌های مقابله با خشکسالی	یافته‌های پژوهش نشان داد که مدیریت مزرعه، کشت آبی، کشف منابع آبی، کشت ارقام مقاوم، تغییر شغل، فروش دام، مهاجرت و قرض‌گرفتن از همسایگان و نزدیکان و افزایش یارانه‌های مواد غذایی، مهم‌ترین شیوه‌های مقابله با خشکسالی بوده‌اند.
لیندل[4]، ۲۰۱۳	عوامل تأثیرگذار بر سازگاری اقلیمی	یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که دارایی‌های فیزیکی (ساختمان‌ها و محتویات) و متغیرهای روانی (دانش، مهارت‌ها و توانایی‌ها)، اجتماعی (یکپارچگی جامعه)، اقتصادی (صرفه‌جویی مالی) و منابع سیاسی (نفوذ سیاست‌های عمومی)، مهم‌ترین راهکارهای سازگاری‌اند.

1. Campbel
2. Asante
3. Habiba et al
4. Lindel

نویسنده/ سال	عنوان تحقیق	یافته‌ها
استورانگ و همکاران[1]	راهکارهای کاهش آسیب‌پذیری دربرابر تغییرات اقلیمی	یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که ویژگی‌های فردی و توانایی محافظت افراد در برابر خطر با مکانیسم‌های اجتماعی ساختارها و نهادهای دولتی از راهکارهای کاهش آسیب‌پذیری دربرابر تغییرات اقلیمی است.
تریپاسی و میشرا[2]، ۲۰۱۷	راهکارهای سازگاری با تغییرات اقلیمی	یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مهم‌ترین راهکارهای سازگاری شامل افزایش دوره‌های ترویجی، توان مهارتی، اعتبارات و تسهیلات و آموزش روش‌های سازگاری است.

همانطور که از بررسی پیشینه بر می‌آید، مطالعات بسیاری در محورهای شناسایی اثرات، اقدامات و راهکارهای سازگاری صورت گرفته است. در این مطالعه ضمن بررسی این اقدامات به شناسایی متغیرهای سازگاری و تحلیل اثرات این اقدامات بر میزان سازگاری پرداخته شده است.

۳. مبانی نظری تحقیق

رشد جمعیت در جهان باعث شده که استفاده از مواد غذایی افزایش یابد و بروز خشکسالی در یک منطقه باعث می‌شود که دستیابی به مواد غذایی با مشکل روبه‌رو شود (سو و همکاران[3]، ۲۰۱۴: ۵۴۱). خشکسالی‌ها اساساً در اثر کمبود بارندگی حاصل می‌شوند، اما وقوع خشکسالی‌های متوالی به سبب تغییرات جدی در شدت، مدت و توزیع مکانی بارندگی است (زرقانی و همکاران، ۱۳۹۸: ۶۵). در تعریف خشکسالی می‌توان نظر اسمیت را بیان کرد که خشکسالی‌ها را باید مفهومی از یک رژیم اقلیمی ویژه در نظر گرفت (اسمیت[4]، ۲۰۰۱: ۵۴). خشکسالی به‌عنوان یک واقعیت بحرانی، در نوع خود پدیده‌ای پیچیده و دارای ابعاد مختلف است و با وقوع در مناطق روستایی، زمینهٔ بروز

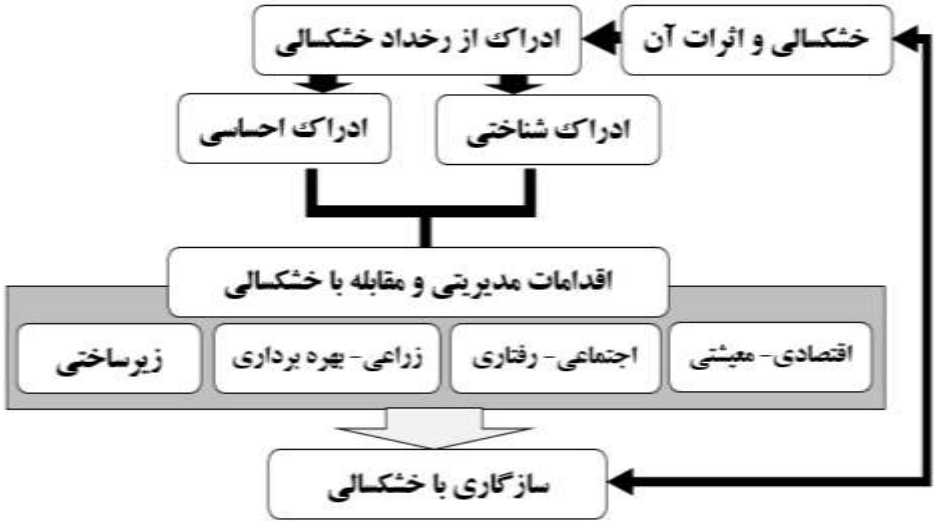
1. Storeng et al
2. Tripathi and Mishra
3. Xu et al
4. Smith

چالش‌های زیست‌محیطی، اقتصادی، اجتماعی و روان‌شناختی را فراهم می‌آورد (ظاهری و همکاران، ۱۳۹۴: ۳۰). توانمندسازی روستاییان در مقابله با خشکسالی، امنیت کشورها را در مقابله با چالش‌های خارجی افزایش می‌دهد و از وابستگی جوامع به یکدیگر می‌کاهد (لیپر و همکاران[1]، ۲۰۱۴: ۶۸). استراتژی‌های متعددی برای استفاده کشاورزان به منظور پیشگیری از اثرات تغییرات اقلیمی در جهان وجود دارد. این استرتژی‌های در قالب پیشگیری، آمادگی و یا واکنش می‌تواند در نظریه‌های پایه‌ای نظیر تاب‌آورسازی اجتماعات محلی، تنوع بخشی اقتصاد اجتماعات محلی، رویکردهای مقابله سازه‌ای و غیرسازه‌ای و همچنین مدیریت مشارکتی یا اجتماع‌محور تبیین و به‌کار گرفته شود. اقداماتی نظیر زراعت جنگلی، تغییر تقویم کشت، استفاده از پیش‌بینی‌های آب‌وهوایی، استفاده از تنوع مقاومت در برابر خشکسالی، تقویت خاک از طریق استفاده از کود (صادقلو و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۶۸) ناشی از این رویکردها و استراتژی‌ها هستند. از طرفی می‌توان بیان کرد که افزایش آگاهی از هزینه‌های اقتصادی و اجتماعی و زیست‌محیطی خشکسالی باعث رشد رویکردهای فعال در زمینهٔ مدیریت ریسک خشکسالی در کشورهای توسعه‌یافته و درحال‌توسعه شده است (پورطاهری و همکاران، ۱۳۹۲: ۲). سازگاری به‌عنوان یکی از مهم‌ترین رویکردها در مقابله با مخاطرات عبارت از «توانایی یک سیستم، جوامع محلی یا جامعه، برای مقاومت و جذب و رفع آثار یک مخاطره و تداوم حیات در طول زمان و به شکل کارآمد با انطباق بخشی ساختارها و کارکردهای خود با اثرات و نتایج آن مخاطره است (ابراهیمی و سلیمی، ۱۴۰۰: ۲). به گفتهٔ بسیاری از کارشناسان عدم سازگاری با بسیاری از مخاطرات موجب کاهش تدریجی و یا آنی توان جوامع برای ادامهٔ حیات و ایجاد خسارت‌های متوالی در زمان رخداد هر مخاطره می‌شود (ایرتستین و همکاران[2]، ۲۰۱۰: ۱۱۲). سازگاری معیشت با تغییر اقلیمی در مقیاس کوچک به معنای تنظیم معیشت خانوار و منابع و فعالیت‌های او برای افزایش توانمندی در جهت تداوم معاش و زندگی در زمان وقوع مخاطره (خشکسالی) است (نوبل

1. Lipper et al
2. Erenstein et al

و همکاران[1]، ۲۰۱۴: ۵۲۱). بنابراین از نظر مدیسون (۲۰۰۷) درک و اتخاذ راهبردهای سازگاری، دو مؤلفهٔ اصلی سازگاری هستند، یعنی کشاورزان ابتدا باید تغییر در شرایط اقلیمی را درک کنند و سپس مجموعه‌ای از راهبردها را برای مواجهه با آن به کار گیرند. سازگاری کشاورزان می‌تواند براساس شرایط اقلیمی و بوم‌شناختی کشاورزی و نوع مزرعه تغییر کند (مدیسون[2]، ۲۰۰۷: ۲). همانطور که پیشتر بیان شد، نظریه‌های پایهٔ بسیاری برای مدیریت خشکسالی طرح و به کار گرفته شده است. در این مطالعه نیز بر پایهٔ این رویکردها، متغیر ادراک خطر، اقدامات اجرایی روستاییان در سه بعد اقتصادی- معیشتی، اجتماعی- رفتاری، زیرساختی و زراعی- بهره‌برداری استخراج و مبنای ارزیابی قرار گرفته است. از سویی متغیر سازگاری در برابر خشکسالی با گویه‌های حفظ درآمد پیشین در بخش کشاورزی، حفظ قدرت خرید پیشین، میزان تحمل و انطباق با شرایط، رضایت از شرایط زیستی، عدم احساس استرس، فشار و دشواری زیستی و کاهش تنش و آشفتگی و حفظ روابط اجتماعی با سایر روستاییان مورد ارزیابی قرار گرفته است تا در نهایت اثرات این اقدامات بر میزان سازگاری تحلیل شود. در ادامه مدل مفهومی تحقیق نمایی از متغیرها و شاخص‌های تحقیق را ارائه می‌دهد.

1. Noble et al
2. Maddison



شکل۲- مدل مفهومی تحقیق

۴. روش‌شناسی و منطقهٔ مورد مطالعه

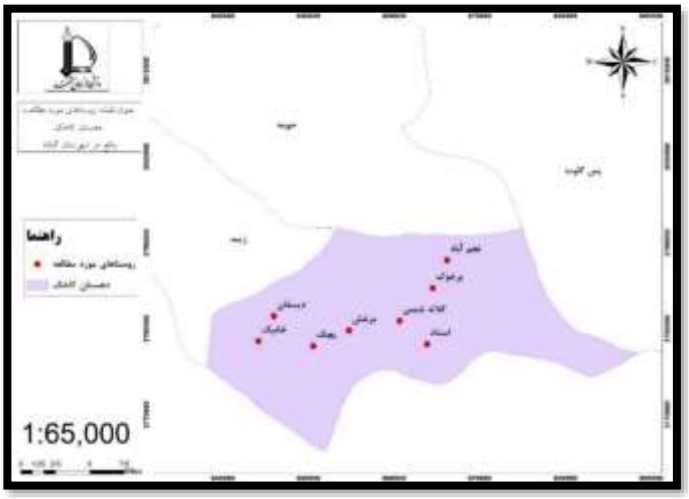
پژوهش حاضر جهت ارزیابی اقدامات روستاییان برای سازگاری با خشکسالی را می‌توان به لحاظ ماهیت از نوع توصیفی- تحلیلی و به لحاظ روش جمع‌آوری داده‌ها از نوع میدانی دانست. در آغاز، مطالعات سازمان یافته‌ای به‌منظور تهیهٔ ادبیات و مبانی نظری به‌صورت کتابخانه‌ای انجام گرفته و در مرحلهٔ مطالعه میدانی با استفاده از ابزارهای مورد نیاز تحقیق (پرسشنامهٔ محقق‌ساخته) به جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز در سطح سه متغیر سطح ادارک کشاورزان از خشکسالی، متغیر اقدامات کشاورزان برای مقابله با خشکسالی و متغیر میزان سازگاری در برابر خشکسالی پرداخته شده است. در گام بعد به جمع‌آوری داده‌های حاصل از تکمیل پرسشنامه و تحلیل آنها از طریق آزمون‌های آماری اقدام شده است. طبق سرشماری سال ۱۳۹۵، جمعیت دهستان کاخک برابر با ۴۶۲۵ نفر بوده است. این دهستان دارای ۲۶ روستای دارای سکنه است که براساس فرمول N0 تعداد ۱۰روستا با ۴۰۵ بهره‌بردار کشاورز

به‌عنوان جامعهٔ آماری مبنای مطالعهٔ میدانی قرار گرفتند. براساس فرمول کوکران و با میزان خطای ۰.۰۵، تعداد ۱۹۷ نفر از کشاورزان به‌عنوان حجم نمونه تحقیق انتخاب شدند که تعداد کشاورز مورد مطالعه در هر روستا براساس قاعدهٔ تسهیم نسبت در جدول زیر ارائه شده است.

جدول ۲. روستاهای مورد مطالعه و حجم نمونهٔ آن‌ها در دهستان کاخک

مأخذ: (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵)

نام روستا	خانوار	جمعیت	تعداد کشاورزان	حجم نمونه
کلاته شمس	۳۰	۸۶	۲۰	۱۰
برجوک	۳۳	۹۲	۳۰	۱۵
نجم اباد	۵۱	۱۵۰	۴۰	۱۹
مرغش	۵۸	۱۵۳	۳۰	۱۵
پچک	۷۵	۱۶۴	۶۰	۲۹
استاد	۱۳۴	۴۰۷	۵۰	۲۴
خانیک	۱۴۳	۲۶۶	۵۵	۲۷
دیسفان	۱۵۰	۲۷۸	۶۰	۲۹
کلاته شیخی	۲۸	۶۶	۲۵	۱۲
ایدو	۲۸	۶۷	۳۵	۱۷
جمع	۷۶۴	۱۸۴۷	۴۰۵	۱۹۷



شکل ۳. نقشهٔ موقعیت روستاهای مورد مطالعه در دهستان کاخک

مأخذ: (یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۴)

در این تحقیق روایی تحقیق با استناد به نظرات اساتید راهنما و متخصص در این حوزه و همچنین مطالعات پیشین تأیید شده است. پایایی مؤلفه‌های تحقیق نیز از طریق آزمون کرونباخ سنجش شد که بالا بودن ضریب الفای کرونباخ در تمامی مؤلفه‌های (میزان ۰/۷) مؤید مطلوبیت و پایایی متغیرهای مورد سنجش در پرسشنامه بود.

۵. یافته‌های تحقیق

نتایج توصیفی به‌دست آمده از پژوهش نشان می‌دهد که ۱۲.۷ درصد از پاسخگویان زن و ۸۷.۳ درصد دیگر مردان هستند. از نظر سطح تحصیلات در بین پاسخگویان، بیشترین میزان تحصیلات در گروه تحصیلی زیردیپلم با مقدار ۳۷.۶ درصد است و مابقی آن در گروه‌های تحصیلی دیگر توزیع شده است. ۳۴ درصد پاسخگویان کشاورز و ۲۳.۴ درصد دیگر دامدار هستند که بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند. از نظر درآمدی اکثر پاسخگویان درآمدی کمتر از یک میلیون با میزان ۴۸.۷

درصد داشته‌اند. از نظر سنی ۶۷ درصد پاسخگویان در گروه سنی بیشتر از ۶۴ سال قرار دارند. در ادامه برای تبیین و تحلیل متغیرها به سنجش وضعیت توزیع داده‌ها اقدام شد. برای بررسی نرمال بودن توزیع داده ها از آزمون چولگی و کشیدگی استفاده گردید که مقدار ضرایب چولگی و کشیدگی متغیرها بین ۱.۵- و ۱.۵+ است. بنابراین توزیع داده‌ها در تمامی ابعاد نرمال است.

در گام اول به بررسی و مقایسهٔ میانگین اقدامات روستاییان در ابعاد مختلف برای مدیریت خشکسالی و سازگاری آنها در برابر اثرات خشکسالی در نتیجهٔ این اقدامات پرداخته شد. برای این منظور با توجه به نرمال بودن متغیرها از آزمون تی تک نمونه‌ای استفاده شد. طبق بررسی‌های انجام‌شده از طریق آزمون t تک نمونه‌ای مقدار میانگین نظری برای تحلیل میانگین متغیرها ۳ در نظر گرفته شد. طبق نتایج به‌دست آمده، میانگین تأثیرگذاری در کلیهٔ متغیرها کمتر از حد نظری یعنی ۳ بوده است که نشان می‌دهد این اقدامات بسیارمحدود و کمرنگ در زمینهٔ مقابله با خشکسالی بوده‌اند. از طرفی براساس یافته‌های به‌دست آمده از آزمون t تک نمونه‌ای می‌توان بیان کرد که سطح معناداری در تمامی متغیرها کمتر از ۰.۰۵ بوده و تمام ابعاد مختلف اقدامات مقابله‌ای با خشکسالی در مقابله با این مخاطره مؤثر و تأثیرگذار بوده‌اند. از طرفی بیشترین میانگین را متغیر اقتصادی با مقدار ۲.۴۲ به خود اختصاص داده که بیشترین تأثیر را در مقابله با خشکسالی داشته است.

جدول ۳. مقایسهٔ میانگین در بین ابعاد مختلف اقدامات مقابله‌ای با خشکسالی

مأخذ: (یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۴)

متغیرها	میانگین	مقدار t	مقدار df	سطح معناداری	خطای استاندارد میانگین	حد بالا	حد پایین
اقتصادی- معیشتی	۲.۴۶	۱۸.۱۷-	۱۹۶.۰۰	۰.۰۰	۰.۵۴-	۰.۶۰-	۰.۴۸-
اجتماعی- رفتاری	۲.۳۹	۲۰.۸۶-	۱۹۶.۰۰	۰.۰۰	۰.۶۱-	۰.۶۷-	۰.۵۵-
زیرساختی	۲.۴۶	۱۹.۲۸-	۱۹۶.۰۰	۰.۰۰	۰.۵۴-	۰.۶۰-	۰.۴۹-
زراعی- بهره برداری	۲.۴۳	۱۹.۹۵-	۱۹۶.۰۰	۰.۰۰	۰.۵۷-	۰.۶۲-	۰.۵۱-

برای بررسی شاخص‌های سازگاری در برابر مخاطرهٔ خشکسالی از آزمون فریدمن استفاده شد. نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد که سطح معناداری در کلیهٔ شاخص‌های سازگاری کمتر از ۰.۰۵ است که نشان از رابطهٔ معنادار بین این شاخص‌ها است. در بین شاخص‌های سازگاری شاخص رضایت از شرایط زیستی با مقدار میانگین ۳.۷۷ بیشترین مقدار سازگاری افراد را با مخاطرهٔ خشکسالی را به خود اختصاص داده است. کمترین مقدار میانگین در سازگاری با مخاطرهٔ خشکسالی را شاخص کاهش تنش و آشفتگی و حفظ روابط اجتماعی با سایر روستاییان با مقدار ۳.۳۳ دارد.

جدول ۴. مقایسهٔ میانگین در بین شاخص‌های سازگاری با مخاطرهٔ خشکسالی براساس آزمون فریدمن

مأخذ: (یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۴)

متغیرها	میانگین	رتبه	سطح معناداری
حفظ درآمد پیشین در بخش کشاورزی	۳.۳۶	۵	۰.۰۰۰
حفظ قدرت خرید پیشین	۳.۳۹	۴	۰.۰۰۰
میزان تحمل و انطباق با شرایط	۳.۶۶	۲	۰.۰۰۰
رضایت از شرایط زیستی	۳.۷۷	۱	۰.۰۰۰
عدم احساس استرس، فشار و دشواری زیستی	۳.۴۹	۳	۰.۰۰۰
کاهش تنش و آشفتگی و حفظ روابط اجتماعی با سایر روستاییان	۳.۳۳	۶	۰.۰۰۰

برای بررسی میانگین شاخص‌های ادراک خطر از آزمون تی تک نمونه‌ای استفاده شد و نتایج یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که شاخص‌های ادراک خطر میانگین آن از حد نظری که ۳ بوده کمتر است و نشان‌دهندهٔ این است که میانگین متغیر ادراک خطر در بین کشاورزان کمتر از حد متوسط است. علاوه بر آن سطح معناداری در کلیهٔ شاخص‌های متغیر ادراک خطر کمتر از ۰.۰۵ است که بیانگر این است که رابطهٔ معنی‌داری بین شاخص‌های ادراک خطر وجود دارد. طبق میانگین‌ها، بیشترین مقدار میانگین را شاخص احساس تسلط و کنترل بر شرایط کم‌آبی و خشکسالی با مقدار

۲.۶۸ دارد و کمترین مقدار میانگین را شاخص احساس وقوع و تشدید خشکسالی و کم آبی با مقدار ۲.۲۸ دارد.

جدول ۵. مقایسهٔ میانگین در بین شاخص‌های ادراک خطر

مأخذ: (یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۴)

متغیرها	میانگین	مقدار t	مقدار df	سطح معناداری	خطای استاندارد میانگین	حد بالا	حد پایین
آگاهی و شناخت از علل و علائم خشکسالی	۲.۵۵	-۵.۸۳	۱۹۶.۰۰	۰.۰۰	-۰.۴۵	-۰.۶۰	-۰.۳۰
آگاهی از اثرات و پیامدهای خشکسالی	۲.۵۹	-۵.۰۳	۱۹۶.۰۰	۰.۰۰	-۰.۴۱	-۰.۵۷	-۰.۲۵
تجربهٔ قرارگیری در شرایط کم‌آبی و خشکسالی	۲.۴۰	-۷.۹۸	۱۹۶.۰۰	۰.۰۰	-۰.۶۰	-۰.۷۵	-۰.۴۵
آگاهی از احتمال تشدید خشکسالی و انتظار بدتر شدن شرایط	۲.۳۹	-۸.۰۵	۱۹۶.۰۰	۰.۰۰	-۰.۶۱	-۰.۷۶	-۰.۴۶
آگاهی و شناخت از مسئلهٔ کم‌آبی و احتمال تشدید آن	۲.۳۵	-۸.۴۰	۱۹۶.۰۰	۰.۰۰	-۰.۶۵	-۰.۸۰	-۰.۵۰
آگاهی از وقوع و تشدید خشکسالی و کم‌آبی	۲.۲۸	-۸.۴۴	۱۹۶.۰۰	۰.۰۰	-۰.۷۲	-۰.۸۹	-۰.۵۵
آگاهی از تشدید خشکسالی و اثرات آن	۲.۵۴	-۵.۳۲	۱۹۶.۰۰	۰.۰۰	-۰.۴۶	-۰.۶۳	-۰.۲۹
آگاهی و شناخت از شرایط کم‌آبی و خشکسالی و تسلط و کنترل آن	۲.۶۸	-۴.۵۰	۱۹۶.۰۰	۰.۰۰	-۰.۳۲	-۰.۴۷	-۰.۱۸

در ادامه جهت بررسی رابطهٔ بین ادراک خطر و شناخت روستاییان با سازگاری در بین کشاورزان از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد و نتایج در جدول ۶ ارائه گردید. طبق بررسی‌های انجام‌شده سطح معنی‌داری آزمون پیرسون برابر با ۰/۰۰ است که از سطح خطای ۰/۰۵ بیشتر است. لذا فرض صفر (عدم رابطه) رد می‌شود و شدت این همبستگی برابر با ۰/۶۵۵ است. لذا در سطح اطمینان ۹۵ درصد بین ادراک خطر و شناخت روستاییان با سازگاری در بین کشاورزان رابطهٔ مثبت معنی‌داری وجود دارد.

جدول ۶. ارتباط بین ادراک خطر و شناخت کشاورزان از خشکسالی با متغیر سازگاری در بین کشاورزان

مأخذ: (یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۴)

متغیر	سازگاری		
	تعداد (n)	همبستگی (r)	سطح معنی داری (p)
ادراک خطر	۱۹۷	۰.۶۵۵	۰.۰۰۰

جهت بررسی رابطهٔ بین ادراک خطر و شناخت روستاییان با ابعاد مختلف اقدامات مقابله با خشکسالی در بین کشاورزان از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. همانگونه که در جدول ۷ ملاحظه می‌شود سطح معنی‌داری آزمون پیرسون برابر با ۰/۰۰ است که از سطح خطای ۰/۰۵ کمتر است، لذا فرض صفر (عدم رابطه) رد می‌شود و شدت این همبستگی برابر با ۰/۶۵۵ است. لذا در سطح اطمینان ۹۵ درصد بین ادراک خطر و ابعاد مختلف اقدامات مقابله با خشکسالی در بین کشاورزان رابطهٔ مثبت معنی‌داری وجود دارد. طبق نتایج به‌دست آمده بیشترین ارتباط ادراک خطر و شناخت روستاییان با اقدامات زیرساختی و زراعی بوده است. از طرفی رابطهٔ بین ادراک خطر و شناخت روستاییان در بعد اقتصادی و اجتماعی به دلیل مقدار سطح معنی‌داری بیشتر از ۰.۰۵ بسیارکم بوده است و مقدار پیرسون نیز نشان می‌هد که رابطهٔ بسیارضعیفی در بین ادراک خطر و شناخت روستاییان با اقدامات اقتصادی و اجتماعی وجود دارد.

برای بررسی دو متغیر ادراک خطر و اقدامات اجتماعات محلی برای مدیریت خشکسالی از آزمون پیرسون استفاده شد. نتایج نشان می‌دهد که سطح معنی‌داری کمتر از ۰.۰۵ است و رابطهٔ معنی‌دار و مستقیمی بین این دو متغیر وجود دارد. از طرفی مقدار پیرسون برابر ۰.۷۶۸ که به هر میزان این عدد به ۱ نزدیک باشد، نشان از رابطهٔ قوی بین این دو متغیر است. به‌طور کلی می‌توان بیان کرد که بین متغیر ادراک خطر و اقدامات سازگاری اجتماعات محلی برای مدیریت خشکسالی رابطهٔ قوی وجود دارد.

جدول ۷. بررسی رابطهٔ بین ادراک خطر و شناخت روستاییان با ابعاد مختلف اقدامات مقابله با خشکسالی

مأخذ: (یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۴)

متغیرها		اقتصادی	اجتماعی	زیرساختی	زراعی	مدیریت و کنترل خشکسالی
ادراک خطر و شناخت روستاییان	همبستگی پیرسون	۰.۰۴	۰.۱۱۳	۰.۹۱۷	۰.۹۳۴	۰.۷۶۸
	سطح معناداری	۰.۵۰۳	۰.۱۱۴	۰	۰	۰.۰۰۰

آزمون مقایسهٔ ادراک خطر و سازگاری بین گروه‌های مختلف سنی، جنسی، درآمدی و تحصیلی انجام شد. طبق بررسی‌های صورت‌گرفته مقایسهٔ میانگین در بین جنسیت با متغیر سازگاری انجام شد و نتایج نشان می‌دهد که میانگین مردان در متغیر سازگاری ۲.۳۸ و در زنان ۲.۵۴ است که براساس سطح معناداری بیشتر از ۰.۰۵ بین دو گروه زنان ومردان در برابر سازگاری اختلاف میانگین وجود دارد. در متغیر ادراک خطر نیز بین زنان و مردان اختلاف میانگین وجود دارد و نظر این دو گروه در برابر خطر ادراک یکسان نیست. میانگین مردان با مقدار ۲.۴۶ کمتر و میانگین زنان با مقدار ۲.۵۸ بیشترین میانگین را در برابر ادراک خطر دارند. به‌طور کلی ادراک خطر در بین زنان بیشتر از مردان است.

جدول ۸. مقایسهٔ میانگین جنسیت افراد با متغیر سازگاری و ادراک خطر

مأخذ: (یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۴)

جنسیت		میانگین	انحراف معیار	Levene's Test for Equality of Variances		Equality of t-test for Means		
				آماره F	میزان معناداری	آماره t	درجه آزادی	میزان معناداری
سازگاری	مرد	۲.۳۸	۰.۵۰	۰.۰۲	۰.۹۰	۱.۴۸-	۱۹۵.۰۰	۰.۱۴
	زن	۲.۵۴	۰.۴۸			۱.۵۱-	۳۱.۸۵	۰.۱۴
ادراک خطر	مرد	۲.۴۶	۰.۴۲	۰.۰۹	۰.۷۷	۱.۴۱-	۱۹۵.۰۰	۰.۱۶
	زن	۲.۵۸	۰.۳۶			۱.۵۸-	۳۴.۲۳	۰.۱۲

در نهایت برای بررسی میزان تأثیرگذاری اقدامات روستاییان در جهت مدیریت خشکسالی با میزان سازگاری با این مخاطره از آزمون رگرسیون چندگانه استفاده شد. نتایج نشان می‌دهد که مقدار ضریب همبستگی برابر با ۰.۷۴۵ است که هر چه مقدار آن به ۱ نزدیک‌تر باشد نشان‌دهندهٔ همبستگی قوی در بین مقادیر واقعی و مقادیر مشاهده‌شدهٔ متغیر سازگاری است. مقدار ضریب تعیین‌شده نیز برابر با ۰.۵۵۶ به دست آمده است و بدین معناست که متغیرهای اقدامات و راهکارهای روستاییان توانسته است ۵۵ درصد از واریانس متغیر سازگاری را تبیین و پیش‌بینی کند.

جدول ۹. مقدار ضریب همبستگی چندگانه

مأخذ: (یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۴)

مدل	ضریب همبستگی چندگانه	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	خطای استاندارد تخمین
۱	۰.۷۴۵	۰.۵۵۶	۰.۵۴۶	۰.۶۷۴

در جدول ۱۰ به نتایج تحلیل واریانس یا مقدار آنوا پرداخته شده است. از آن جا که سطح معنی‌داری کمتر از ۰.۰۵ است، مدل معنی‌دار است. معنی‌دار بودن آزمون تحلیل واریانس (مقدار F) نشان می‌دهد که متغیرهای اقدامات سازگاری روستاییان توانسته‌اند به‌طور معنی‌داری تغییرات متغیر سازگاری را پیش‌بینی کنند.

جدول ۱۰. نتایج آزمون تحلیل واریانس یا آنوا

مأخذ: (یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۴)

مدل	جمع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	مقدار F	سطح معنی داری
مقدار رگرسیون	۱۰۸.۹۱	۴.۰۰	۲۷.۲۳	۶۰.۰۲	۰.۰۰
مقدار باقی مانده	۸۷.۰۹	۱۹۲.۰۰	۰.۴۵		
جمع	۱۹۶.۰۰	۱۹۶.۰۰			

براساس یافته‌های به‌دست آمده در جدول ۱۱، می‌توان گفت که متغیر اقدامات اقتصادی و اجتماعی روستاییان با سطح معنی‌داری بیشتر از ۰.۰۵ در سازگاری با مخاطرهٔ خشکسالی تأثیری را نداشته‌اند و اقدامات زیرساختی و زراعی – بهره‌برداری با سطح معنی‌داری کمتر از ۰.۰۵ در سازگاری روستاییان با خشکسالی تأثیر زیادی داشته است.

جدول ۱۱. نتایج تأثیر اقدامات سازگاری روستاییان بر سازگاری با مخاطرهٔ خشکسالی

مأخذ: (یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۴)

متغیر	ضرایب رگرسیونی استاندارد نشده		ضرایب رگرسیونی استاندارد شده	آماره t	سطح معناداری
	مقدار بتا	انحراف استاندارد	Beta		
مقدار ثابت	۴.۷۸۰-	۰.۵۳۲		۸.۹۸۶-	۰.۰۰۰
اقتصادی- معیشتی	۰.۰۲۴	۰.۱۱۸	۰.۰۱۰	۰.۲۰۵	۰.۸۳۸
اجتماعی- رفتاری	۰.۲۲۲	۰.۱۱۷	۰.۰۹۱	۱.۸۹۵	۰.۰۶۰
زیرساختی	۱.۰۴۳-	۰.۳۴۴	۰.۴۱۲-	۳.۰۳۴-	۰.۰۰۳
زراعی-بهره برداری	۲.۷۷۸	۰.۳۳۷	۱.۱۱۰	۸.۲۳۴	۰.۰۰۰

.

۶. نتیجه‌گیری

کم‌توجهی به پدیدهٔ خشکسالی در ایران، به‌عنوان کشوری مستعد خشکسالی، باعث شده است هر ساله آسیب‌های اقتصادی و اجتماعی بسیاری به پیکرهٔ اقتصادی کشور وارد آید. خشکسالی با کاهش منابع آب سطحی و زیرزمینی، می‌تواند اثرات منفی متعدد در همهٔ ابعاد زندگی روستایی و به‌خصوص در بعد اقتصادی و ساختار کشاورزی داشته باشد. در این راستا، به بررسی راهکارها و اقدامات روستاییان در مدیریت و سازگاری با مخاطرهٔ خشکسالی در دهستان کاخک پرداخته شد. یافته‌های تحقیق در جهت بررسی راهکارها و اقدامات روستاییان در مدیریت و سازگاری با مخاطرهٔ خشکسالی نشان می‌دهد که سطح معناداری در تمامی متغیرهای، اقتصادی، اجتماعی – فرهنگی،

زیرساختی، زراعی – بهره‌برداری کمتر از ۰.۰۵ بوده و تمام ابعاد مختلف اقدامات مقابله‌ای با خشکسالی در مقابله با این مخاطره مؤثر و تأثیرگذار بوده‌اند. از طرفی بیشترین میانگین را متغیر اقتصادی با مقدار ۲.۴۲ به خود اختصاص داده که بیشترین تأثیر را در مقابله با خشکسالی داشته است. برای بررسی شاخص‌های سازگاری در برابر مخاطرهٔ خشکسالی از آزمون فریدمن استفاده شد. نتایج نشان می‌دهد که سطح معناداری در کلیهٔ شاخص‌های سازگاری کمتر از ۰.۰۵ است که نشان از رابطهٔ معنادار بین این شاخص‌ها است. در بین شاخص‌های سازگاری شاخص رضایت از شرایط زیستی با مقدار میانگین ۳.۷۷ بیشترین مقدار سازگاری افراد را با مخاطره خشکسالی را به خود اختصاص داده است. کمترین مقدار میانگین در سازگاری با مخاطرهٔ خشکسالی را شاخص تنش و آشفتگی و کاهش روابط اجتماعی با سایر روستاییان با مقدار ۳.۳۳ داشته است. برای بررسی میزان تأثیرگذاری اقدامات سازگاری روستاییان در جهت مدیریت خشکسالی با سازگاری با این مخاطره از آزمون رگرسیون چندگانه استفاده شد. براساس یافته‌های به دست آمده می‌توان گفت که متغیر اقدامات اقتصادی و اجتماعی روستاییان با سطح معنی‌داری بیشتر از ۰.۰۵ در سازگاری با مخاطرهٔ خشکسالی تأثیری نداشته‌اند و اقدامات زیرساختی و زراعی – بهره برداری با سطح معنی‌داری کمتر از ۰.۰۵ در سازگاری روستاییان با خشکسالی تأثیر زیادی داشته‌اند. طبق اطلاعات و داده‌های جمع‌آوری شده در اقدامات و راهکارهای روستاییان در جهت مدیریت خشکسالی عوامل مختلفی مؤثر است از جمله سطح تحصیلات روستاییان، مشارکت آن‌ها با مدیران روستایی، تجربهٔ وقوع مخاطره در روستا و...

یافته‌های آماری تحقیق حاضر در جهت تحلیل تأثیر و اقدامات و راهکارهای روستاییان در مدیریت و سازگاری با مخاطرهٔ خشکسالی نشانگر نتایج کلی به شرح زیر است:

– گام اول برای موفقیت مدیریت خشکسالی و دستیابی به سازگاری ارتقای شناخت و آگاهی و در نهایت ادراک اجتماعات ملی از مخاطرهٔ خشکسالی است. براین اساس با شکل‌گیری این ادراک

از دو بعد شناختی و احساسی (تجربه) روستاییان ناگزیر به دنبال راه‌حل این چالش‌ها برای مقابله با اثرات آن خواهند بود.

– اقدامات و راهکارهای اجرایی برای روستاییان باید در ابعاد مختلف با اتکا به توان‌های اجتماعی و محیطی و اقتصادی آنها و همچنین با نگاه پیگشیرانه، آماده‌سازی و واکنشی طراحی شود.

– سازگاری و تلاش برای دستیابی به آن و همچنین ادراک و اثرات مخاطرات در اجتماعات مختلف بین گروه‌های مختلف با میزان اراضی، توانایی مالی، سواد و تحصیلات، جنسیت و فاکتورهای دیگر متفاوت خواهد بود.

– ضمن اینکه همان‌طور که نتایج نشان داد، بخش عمده‌ای از سازگاری ممکن است در گروه متغیرهایی باشد که در تحقیق حاضر سنجش نشده است.

– در این بین براساس مشاهدات میدانی گرایش به راهکارهای بومی و مستقل در بین روستاییان بسیار رایج است.

مقایسهٔ نتایج تحقیق با مطالعات بسیاری از محققان نظیر سبزه‌ای و همکاران (۱۳۹۸)، کمپل و همکاران (۲۰۱۱)، آسانته (۲۰۱۱)، لیندل (۲۰۱۳) و ... همسو و بیانگر نیازمندی به مجموعه‌ای از راهکارها با نگرش‌های مختلف برای مقابله با خشکسالی و ایجاد سازگاری در برابر آن است. در نهایت می‌توان گفت، با توجه به مشاهدات میدانی و اقدامات صورت گرفته، هنوز بسیاری از کشاورزان منطقه در راستای مقابله با خشکسالی اقدامات سنتی و بومی را اجرا می‌کنند که تا حد زیادی به مدیریت خشکسالی کمک نموده است. دراین راستا، تقویت و احیا دانش بومی در بین اجتماعات محلی و تلاش برای توسعهٔ حمایت‌های نهادی از کشاورزان برای تلفیق راه‌های نوین و بومی می‌تواند در کنار سایر موارد نظیر حمایت‌های مالی و آموزشی برای تنوع‌بخشی اقتصاد روستایی، راهکار مهم پیشنهادی باشد.

کتابنامه

۱. ابراهیمی، پ؛ و سلیمی، ج. (۱۴۰۰). سازگاری جوامع محلی در برخورد با مخاطرات اقلیمی. *دهمین کنفرانس بین‌المللی سامانه‌های سطوح آبگیر باران.*

۲. بوزرجمهری، خ؛ صادقلو، ط؛ و خواجه، م. (۱۳۹۷). نقش دانش بومی روستاییان در کاهش آسیب‌پذیری سکونتگاه‌های روستایی در برابر مخاطرات طبیعی (مطالعه موردی: بخش مرکزی شهرستان جیرفت). *مجلهٔ مهندسی جغرافیایی سرزمین*، ۲(۳)، ۱۷-۳۲.

۳. پورطاهری، م؛ رکن‌الدین‌افتخاری، ع.ر؛ و کاظمی، ن. (۱۳۹۲). نقش رویکرد مدیریت ریسک خشکسالی در کاهش آسیب‌پذیری اقتصادی – اجتماعی کشاورزان روستایی (از دیدگاه مسئولان و کارشناسان)(مطالعه موردی: دهستان سولدوز، آذربایجان غربی). *مجلهٔ پژوهش‌های روستایی*، ۴(۴)، ۱-۲۲.

۴. جمشیدی، م؛ نوری‌زمان‌آبادی، س.ه؛ صیدایی‌گل‌سفیدی، س.ا؛ و رحیمی، د. (۱۳۹۴). اثرات خشکسالی بر اقتصاد نواحی روستایی شهرستان‌های سیروان و چرداول. *فصلنامهٔ اقتصاد فضا و توسعهٔ روستایی*. ۴(۳)، ۱-۱۷.

۵. زرقانی، س.ه؛ عباس‌زاده، م؛ موسوی، م.ب؛ و سعادتی، ز. (۱۳۹۸). تحلیل آثار و پیامدهای اجتماعی-امنیتی خشکسالی با تأکید بر استان‌های شرقی. *فصلنامهٔ دانش انتظامی خراسان جنوبی*، ۸(۴)، ۶۴-۸۱.

۶. سبزه‌ای، م.ت؛ سلیمانی، ع؛ و یوسفی، ن. (۱۳۹۸). بررسی تأثیر سرمایهٔ اجتماعی بر تاب‌آوری اجتماعی روستاییان در مخاطرات محیطی (با تاکید بر خشکسالی). *دو فصلنامهٔ پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر*، ۸(۱۴)، ۳۱۰-۲۸۳.

۷. سواری، م؛ و شوکتی‌آمقانی، م. (۱۳۹۸). شناسایی راهکارهای سازگاری کشاورزان کوچک مقیاس در مقابله با خشکسالی در استان آذربایجان غربی. *فصلنامهٔ علمی برنامه‌ریزی فضایی*، ۹(۴)، ۱۷-۴۲.

۸. صادقلو، ط؛ بوزرجمهری، خ؛ و معینی، ع.ر. (۱۳۹۹). تحلیل ظرفیت رویارویی کشاورزان در برابر مخاطرهٔ خشکسالی (نمونه موردی: کشاورزان شهرستان فریمان). *مجلهٔ جغرافیا و مخاطرات محیطی*، ۲(۳۴)، ۱۶۵-۱۸۵.

۹. طهان، ف؛ و خیری، ش. (۱۳۸۸). مدیریت بحران خشکسالی و راهکارهای مقابله با خشکسالی. *همایش ملی مدیریت بحران آب*، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مرودشت.

۱۰. ظاهری، م؛ طالبی‌فرد، ر؛ و خالقی، ع. (۱۳۹۴). ارزیابی نیمه‌کمّی خطرپذیری خشکسالی با استفاده از مدل"مدیریت ریسک" مطالعهٔ موردی: دهستان دولت‌آباد شهرستان جیرفت. مطالعات جغرافیایی مناطق خشک، ۶(۲۱)، ۳۰-۴۹.

۱۱. فال‌سلیمان، م؛ و صادقی، ح.ا. (۱۳۹۰). روش‌های سنتی مقابله با خشکسالی و کم‌آبی در مناطق خشک کشور (دانش و تجربیات بومی استان خراسان جنوبی). *همایش بین‌المللی دانش سنتی مدیریت منابع آب*، یزد.

۱۲. فتاحی، م؛ و بهورزی، م. (۱۳۹۶). توسعهٔ مدل مدیریتی حکمرانی آب بر پایهٔ استفاده از پساب شهری در کشاورزان. *اولین کنفرانس بین‌المللی دستاوردهای نوین در علوم و تکنولوژی*، قرچک.

۱۳. کابلی، ن؛ و پزشکی‌راد، غ. (۱۳۹۱). واکاوی اثرات اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی خشکسالی کشاورزی از دیدگاه کارشناسان. *اولین کنفرانس ملی راه‌کارهای دستیابی به توسعهٔ پایدار (کشاورزی، منابع طبیعی و محیط زیست)*، تهران.

۱۴. کرمی‌نسب، ص؛ و شهبازی، ح.ر. (۱۳۹۸). نقش مخاطرات طبیعی (خشکسالی) در مهاجرت روستایی (بخش کردیان – شهرستان جهرم). *مجلهٔ جغرافیا و روابط انسانی*، ۱(۴)، ۴۰۱-۴۱۱.

۱۵. نظری، ا؛ و نجفی‌کانی، ع.ا. (۱۳۹۶). بررسی راهکارهای بومی مدیریت مخاطرات طبیعی فعالیت‌های زراعی روستایی با تأکید بر سرمازدگی، سیل و خشکسالی مطالعه موردی: شهرستان رازوجرگلان. *دوماهنامهٔ مطالعات کاربردی در علوم مدیریت و توسعه*، ۲(۳)، ۳۹-۵۰.

۱۶. یزدان‌پناه، ح. (۱۴۰۰). راهبردهای سازگاری با تغییرات اقلیم در بخش کشاورزی (شهرستان رستم). *مجلهٔ مخاطرات طبیعی*، ۱۰(۲۹)، ۱۹-۳۲.

17. Smith, K. (2001). *Assessing Risk and Reducing Disaster*. London, Routledge Press, Thirded.

18. Liu, C., Golding, D., & Gong, G. (2008). Farmers` coping response to the low flows in the lower Yellow River: A case study of temporal dimension of vulnerability. *Global Environmental Change, 18*(2), 543-553.
19. Erenstein, O., Hellin, J., & Chandna, P. (2010). Poverty mapping based on livelihood assets: Ameso-level application in the Indo-Gangetic Plains, India. *Applied Geography, 30*, 112–125.
20. Xu, H., Huang, X., Zhong, T., Chen, Z., & Yu, J. (2014). Chinese land policies and farmers' adoption of organic fertilizer for saline soils. *Land Use Policy 38*(2), 541-549.
21. Lipper, L., Thornton, P., Campbell, B.M., Baedeker, T., Braimoh, A., Bwalya, M., & Hottle, R. (2014). Climate-smart agriculture for food security, Nature climate change. *Mit uns können Sie rechnen, 4*(12), 68-72.
22. Noble, I.R., Huq, S., Anokhin, Y.A., Carmin, J., Goudou, D., Lansigan, F.P., ... & Shaw, R. (2006). Community-based climate change adaptation in Vietnam: inter-linkages of environment, disaster, and human security. In: Sonak, J. (Ed.). Multiple dimensions of global environmental changes. *TERI publications, 2*(8), 521-547
23. World Bank. (1381). *Combating Poverty - World Development Report 2000-2001*, translated by the Office of Social Security Affairs of the Country Management and Planning Organization, first edition, Tehran.
24. Tabet Behavah, A. (2004). *study and analysis of the effects of drought on the quantity and quality of the country's water resources and providing practical solutions to deal with it*. Dissertation for obtaining a doctorate degree from Islamic Azad University, Science and Research Unit Tehran.
25. Yazdani, S., & Haq Sheno, M. (2016). Managing drought and providing solutions to deal with drought. *the 6th Conference on Agricultural Economics of Iran*, Mashhad.
26. Nakhai, E. (2014). *Monitoring and zoning of meteorological drought indicators and providing solutions to deal with drought, a case study: Sistan and Baluchistan province*. master's thesis, water engineering field, University of Sistan and Baluchistan, supervisor: Bahare Pirzadeh.
27. Smith, K (2001). *Assessing Risk and Reducing Disaster*. London, Routledge Press, Thirded.
28. Liu, C., Golding, D., & Gong. G. (2008). Farmers` coping response to the low flows in the lower Yellow River: A case study of temporal dimension of vulnerability, *Global Environmental Change, 18*(2), 543-553.
29. Zhou, H., Wan, J., & Jia, H. (2010). Resilience to natural hazards: a geographic perspective. *Natural Hazards, 53*(1), 21-41.

30. Erenstein, O., Hellin, J., & Chandna, P. (2010). Poverty mapping based on livelihood assets: Ameso-level application in the Indo-Gangetic Plains, India. Applied *Geography, 30,* 112–125.
31. Dyke, G., Gill, S., Davies, R., Betorz, F., Andalsvik, Y., Cackler, J., ...& Verstappen, N. (2011). Dream project: Applications of Earth Observations to Disaster Risk Management. *Acta Astronautica, 68*(2), 301-315.
32. Xu, H., Huang, X., Zhong, T., Chen, Z., & Yu, J. (2014). Chinese land policies and farmers' adoption of organic fertilizer for saline soils. *Land Use Policy, 38*(2), 541-549.
33. Lipper, L., Thornton, P., Campbell, B.M., Baedeker, T., Braimoh, A., Bwalya, M., & Hottle, R. (2014). Climate-smart agriculture for food security, Nature climate change. *Mit uns können Sie rechnen, 4*(12), 68-72.
34. Noble, I.R., Huq, S., Anokhin, Y.A., Carmin, J., Goudou, D., Lansigan, F.P., ... & Shaw, R. (2006). Community-based climate change adaptation in Vietnam: inter-linkages of environment, disaster, and human security. In: Sonak, J. (Ed.). Multiple dimensions of global environmental changes. *TERI publications, 2*(8), 521-547

Journal of Geography and Regional Development Vol 23, No. 3 (2025) – Serial Number 52

Analysis of the Impact of Marginalization Indicators on Urban Poverty: (Case Study: Marginal Settlements in Mashhad)

Hasan Aama Bandeh Gharaei[1]
Assistant Professor, Department of Economics, Payame Noor University, Tehran, Iran

Javad Taherizadeh Anaripour
Assistant Professor, Department of Economics, Payame Noor University, Tehran, Iran

Ahmad Lotfi
Assistant Professor, Department of Economics, Payame Noor University, Tehran, Iran

Received: 20 November 2023 Revised: 2 December 2023 Accepted: 3 April 2024

Abstract

Today, urbanization is growing at a faster rate in developing countries than in developed nations. The rapid expansion of urban populations and extensive migration to cities, particularly in developing regions, presents myriads of challenges to urban planning and the provision of social welfare. Among these challenges, marginalization (informal settlements) has emerged as a major consequence of this accelerated growth, producing a multitude of economic and social problems that demand serious attention from authorities and policymakers. In Iran, following the 1979 Revolution and the subsequent eight-year Iran-Iraq war, structural changes in the country prompted unbridled urban sprawl and marginalization, which influenced the socioeconomic conditions of people in these informal settlements. This phenomenon has profoundly impacted the economy and social fabric of individuals residing in these areas. The objective of this research is to analyze the effect of informal settlement on urban poverty within the informal settlement of Mashhad. This is an applied study with a descriptive-analytical design and data are gathered through both library research and field surveys (questionnaires). The statistical population of this study comprises all citizens, of whom

1. Corresponding Author. Email: hasanaama@pnu.ac.ir



©2024 The author(s). This is an open access article under the CC BY license: https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/

How to cite this article: Aama Bandeh Gharaei, H. , Taherizadeh Anaripour, J. and Lotfi, A. (2025). Analysis of the Impact of Marginalization Indicators on Urban Poverty: (Case Study: Marginal Settlements in Mashhad). Journal of Geography and Regional Development, 23(3), 27-56. Doi: 10.22067/jgrd.2024.84545.1333

a sample of n= 196 was determined by Cochran's formula to fill out the questionnaires that were randomly distributed in the informal settlement of Mashhad. Descriptive and inferential statistics (correlation and multiple regression analysis), and the VIKOR method were used for data analysis. The results suggest that the economic indicator is among the most fundamental factors cited by residents of informal settlements. Furthermore, the findings exhibit a strong correlation between indicators of poverty and informal settlement. The intensity of this relationship varies across different indicators: economic (0.845), social (0.821), environmental (0.562), and physical/spatial (0.689). Additionally, the regression model fit shows that marginalization indicators explain 0.726 of the variance in the dependent variable (growing poverty) within the informal settlements of Mashhad.

Keywords: Informal Settlements, Urban Poverty, Economic, Social, and Physical Indicators, Prediction, Informal Settlement of Mashhad.

https://doi.org/10.22067/jgrd.2024.84545.1333
مقالهٔ پژوهشی

تحلیل تأثیرگذاری شاخص‌های حاشیه‌نشینی بر فقر شهری نمونه محلات حاشیه‌نشین شهر مشهد

حسن اعمی بنده‌قرائی (استادیار، گروه اقتصاد، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران، نویسندهٔ مسئول)
hasanaama@pnu.ac.ir

جواد طاهری‌زاده اناری‌پور (استادیار، گروه اقتصاد، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران)
taherizadeh@pnu.ac.ir

احمد لطفی (استادیار، گروه اقتصاد، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران)
lotfiahmad@pnu.ac.ir

چکیده

امروزه رشد شهرنشینی در کشورهای درحال‌توسعه، بیشتر از کشورهای توسعه‌یافته است. رشد گستردهٔ جمعیت شهری و مهاجرت گسترده به شهرها، به‌ویژه در کشورهای درحال‌توسعه، چالش‌های متعددی را برای برنامه‌ریزی شهری و تأمین رفاه اجتماعی ایجاد کرده است. در این میان، حاشیه‌نشینی به‌عنوان یکی از پیامدهای این رشد شتابان، با خود مشکلات اقتصادی و اجتماعی فراوانی را به همراه دارد که نیازمند توجه جدی مسئولان و سیاست‌گذاران است. در کشور ایران، پس از پیروزی انقلاب اسلامی و به دنبال آن، وقوع ۸ سال جنگ تحمیلی، تغییراتی در شرایط ساختاری کشور رخ داده است و همین امر سبب رشد بی‌رویه شهرها و حاشیه‌نشینی گردیده و اقتصاد و اجتماع افراد را در این مناطق تحت تاثیر خود قرار داده است. هدف از این پژوهش، تحلیل تأثیرگذاری شاخص‌های حاشیه‌نشینی بر فقر شهری در محلات حاشیه‌نشین شهر مشهد است. نوع تحقیق کاربردی و روش مورد استفاده توصیفی- تحلیلی و برای گردآوری داده‌ها و اطلاعات از روش‌های کتابخانه‌ای و میدانی(پرسشنامه) استفاده شده است. جامعهٔ آماری این تحقیق شامل شهروندان است که براساس فرمول کوکران، ۱۹۶ پرسشنامه در محلات حاشیه نشین شهر مشهد به صورت تصادفی پخش شده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و اطلاعات از آمارهای توصیفی و استنباطی(همبستگی

نشریه جغرافیا و توسعه ناحیه ای، سال بیست و سوم، شماره ۳، پاییز ۱۴۰۴، شماره پیاپی ۵۲ صص ۵۶-۲۷
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۲۹ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۹/۱۱ تاریخ تصویب: ۱۴۰۳/۰۱/۱۵

و رگرسیون چند متغیره) و مدل وایکور استفاده شده است. نتایج بررسی روند یافته‌های توصیفی جامعهٔ تحقیق نشان می‌دهد که شاخص اقتصادی از دلایل اساسی و بنیادی است که شهروندان حاشیه‌نشین به آن اذعان کردند. همچنین یافته‌های تحقیق نشان داد که همبستگی قوی بین شاخص‌های فقر و حاشیه‌نشینی وجود دارد، اما شدت ارتباط در بین ۴ شاخص اقتصادی با میزان (۰/۸۴۵)، اجتماعی با میزان(۸۲۱)، زیست‌محیطی با میزان (۰/۵۶۲) و کالبدی با میزان (۰/۶۸۹) است. همچنین پیش‌بینی مدل برازش رگرسیونی نشان می‌دهد که شاخص‌های حاشیه‌نشینی ۰/۷۲۶ تأثیرگذاری بر متغیر وابسته (افزایش فقر) را در محلات حاشیه‌نشین شهر مشهد تبیین می‌کند.

واژگان‌کلیدی: حاشیه‌نشینی، فقر شهری، شاخص‌های قتصادی، اجتماعی و کالبدی، پیش‌بینی، محلات حاشیه‌نشین شهر مشهد.

۱. مقدمه

یکی از بزرگ‌ترین تحولات حاصل از روند انتقال جمعیتی، جابه‌جایی جمعیت جهان از مناطق روستایی به مناطق شهری است که زمینه را برای افزایش حاشیه‌نشینی فراهم کرده است (دایسون[1]، ۲۰۱۱). واقعیتی که به‌عنوان عامل اساسی رشد شهرنشینی در کشورهای درحال‌توسعه و توسعه‌نیافته مورد توجه قرار گرفته است (ربانی و همکاران، ۱۳۸۵: ۹۰). امروزه ۵۵ درصد از جمعیت جهان در مناطق شهری زندگی می‌کنند و پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۵۰، ۲/۵ میلیارد نفر دیگر به مناطق شهری افزوده خواهد شود (سازمان ملل متحد نیویورک[2]، ۲۰۱۹). لذا روند افزایش شهرنشینی و پیدایش مناطق کلان‌شهری در کشورهای جهان سوم با روند شهرنشینی در کشورهای جهان صنعتی غرب که از انقلاب صنعتی در کشورهای مذکور آغاز گردیده بسیار متفاوت است (ربانی و همکاران، ۱۳۸۳: ۱۲۰). هجوم سیل‌آسای روستاییان به شهرها به‌ویژه شهرهای بزرگ در کشورهای

1. Dyson
2. United Nations New York

درحال‌توسعه با از هم پاشیده شدن نظام‌های سنتی تولید روستایی از یک سو و وجود فرصت‌های شغلی مناسب از سوی دیگر به وجود آمد (هائو و همکاران[1]، ۲۰۱۱: ۲۱۵؛ گیچوکی[2]، ۲۰۰۵: ۱۷). به عبارت دیگر، رشد سریع شهرنشینی و در نتیجه افزایش تصاعدی جمعیت شهری، با مشکلاتی نظیر افزایش و گسترش مناطق زاغه‌ای و سکونت‌گاه‌های حاشیه‌نشین با درصد بالای بیکاری، به وجود آمدن گروه‌های فقیر شهری و محرومیت از حداقل امکانات و خدمات شهری و در یک مفهوم کلی با فقر شهری همراه بوده است (بوطیب و سرگینی[3]، ۲۰۰۶: ۲۶). در این چارچوب، ساخت‌وسازهای غیرمجاز و ایجاد مناطق مسکونی حاشیه‌نشین که دیر یا زود ساکنان آن، سهم خود را از امکانات شهری طلب خواهند کرد، مسائلی برای مدیریت شهری و به‌ویژه شهرداری‌ها، ایجاد کرده است. درواقع، رشد بالای حاشیه‌نشینی، در چارچوب اقتصادهای راکد و برنامه‌ریزی و حاکمیت ضعیف شکل می‌گیرد و باعث افزایش فقر در بخش مسکن، انتقال و دسترسی به زیرساخت‌های اساسی و خدمات می‌شود (سینگ[4]، ۲۰۰۶).

در کشورهای درحال‌توسعه، ۸۸۱ میلیون نفر در سال ۲۰۱۴ در محله‌های فقیرنشین زندگی می کنند، درحالی‌که این رقم در سال ۲۰۰۰، ۷۹۲ میلیون نفر و در سال ۱۹۹۰، ۶۸۹ میلیون نفر بود. این رقم از سال ۲۰۰۰ تاکنون حدود ۹ میلیون نفر در سال رشد داشته است. به‌عنوان مثال، در جنوب صحرای آفریقا (SSA) اکثریت جمعیت شهری آن در محله‌های فقیرنشین زندگی می‌کنند. برآورد اخیر UN-Habitat این نسبت را ۵۶ درصد می‌داند. حدود ۲۰۱ میلیون نفر در جنوب صحرای آفریقا در سال ۲۰۱۴ در محله‌های فقیرنشین زندگی می‌کردند (امبرو[5]، ۲۰۱۶). همچنین در طول ۴۰ سال

1. Hao et al
2. Gichuki
3. Boutayeb & Serghini
4. Singh
5. Mberu

گذشته، مقدار قابل توجهی از مداخلات برای ارتقاء محله‌های فقیرنشین در آمریکای لاتین و منطقهٔ کارائیب صورت گرفته است. بااین‌حال، تعداد مطلق جمعیت ساکن در سکونتگاه‌های غیررسمی تا به امروز کاهش نیافته است. در مقابل، این جمعیت از ۱۰۶ به ۱۱۳ میلیون نفر از سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۰ افزایش یافته است، با کاهش جزئی در سال ۲۰۱۴ به ۱۰۵ میلیون نفر. این احتمالاً با روند روبه‌افزایش جمعیت شهری جهان به رشد خود ادامه خواهد داد (پرز- کاساس و همکاران[1]، ۲۰۱۷: ۲). بنابراین در حال حاضر تقریباً از هر سه نفر ساکن شهری (بیش از ۹۰۰ میلیون نفر)، یک نفر در جنوب جهانی در «زاغه‌ها» زندگی می‌کنند، یعنی سکونتگاه‌های غیررسمی با خانه‌های موقت، کمبود خدمات اولیه و تصدی ناامن زندگی می‌کنند (توروک و بورل‌سالادین[2]، ۲۰۱۸: ۷۶۷). حاشیه‌نشینی تحت تأثیر پارامترهایی بی‌سوادی، هویت قومی، فرهنگی و فقدان کنترل است که عوارض آن در قالب برخی از پیامدهای حاد مسائل شهری تجلی می‌یابد. محققین، علل حاشیه‌نشینی و به‌طور کلی مهاجرت را در جهارچوب الگوی رانش - کشش بررسی کرده و به توصیف عواملی نظیر فقر و نبود امکانات رفاهی- بهداشتی و از همه مهم‌تر کار و درآمد زیادتر در شهر اشاره دارند (سلیمانی‌مقدم و همکاران، ۱۳۹۸: ۳۴).

در ایران نیز، شهرنشینی بی‌رویه و شتابان زمینه‌های مسائل و معظلاتی را برای محیط‌های شهری ایجاد کرده است که این عامل به علت برون‌زا بودن آن، باعث مسائل مختلفی نظیر حاشیه‌نشینی در چهرهٔ خود شده است. این دوره که موسوم به شهرنشینی مشکل‌زاست از دههٔ ۱۳۴۰ آغاز شده است (سلیمانی‌مقدم و همکاران، ۱۳۹۸: ۳۴). لذا وجود شاخص‌های مهمی مانند اقتصادی، اجتماعی، خدمات‌رسانی و پتانسیل وجود نابرابری در مناطق حاشیه‌نشین ما را بر آن داشت تا مناطق حاشیهٔ کلان‌شهر مشهد را مورد بررسی قرار دهیم. یکی از شهرهایی که وضعیت حاشیه‌نشینی در آن بسیار

1. Pérez-Casas et al
2. Turok & Borel-Saladin

بالاست، شهرمشهد است. مشهد بزرگ‌ترین کلان‌شهر مذهبی جهان اسلام است و عنوان پایتخت معنوی ایران و دومین کلان‌شهر کشور را هم دارد. بررسی‌ها نشان داده است در مشهد به‌ازای هر سه نفر بیش از یک نفر حاشیه‌نشین وجود دارد. درواقع از جمعیت نزدیک به سه میلیون نفری این شهر حدود یک میلیون و دویست هزار نفر آن حاشیه‌نشین هستند. مقایسهٔ حاشیه‌نشینی مشهد با کل ایران نشان می‌دهد متوسط حاشیه‌نشینی در کلان‌شهرها ۱۶ درصد جمعیت است، اما مشهد، ۳۰ درصد جمعیت حاشیه‌نشین دارد. بنابراین هدف از این تحقیق، تحلیل تأثیرگذاری شاخص‌های حاشیه‌نشین شهر مشهد است و به دنبال پاسخگویی به این سؤالات کلیدی است: ۱-کدام شاخص حاشیه‌نشینی بیشترین تأثیرگذاری بر فقر در شهر مشهد را به دنبال داشته است؟۲- آیا بین شاخص‌های حاشیه‌نشینی و افزایش فقر رابطهٔ معنی‌داری وجود دارد؟

۲. پیشینهٔ تحقیق

متون مرتبط با ارزیابی تأثیر مداخلات ارتقاء حاشیه‌نشینی نادر است. از این میان جیتمن و براکرز[1](۲۰۱۳) بیان می‌کنند که ارزیابی‌های پیش‌بینی‌کننده‌ای در مورد مداخلات زیرساختی بخش محله، مانند مسکن، تنظیم عنوان، جاده‌ها و موارد دیگر وجود دارد، اما شکافی در ادبیات مربوط به ارزیابی‌های دقیق تأثیر بر پروژه‌های بهسازی جامع زاغه‌ها وجود دارد. بنابراین در مناطق حاشیه‌ای با خشونت علیه کودکان و محروم ساختن آنها از غذا، لباس، سرپناه و محبت والدین تا مواردی که در آن کودکان از نظر جسمی توسط یک فرد بالغ مورد آزار و بدرفتاری قرار می‌گیرند و منجر به صدمه دیدن و گاهاً مرگ آنان می‌شود (جونز و همکاران[2]، ۲۰۱۲). رحیمی (۱۳۷۵) و رشیدی‌فر (۱۳۷۵) معتقدند که بیکاری و تحصیلات پایین پدر عوامل مؤثری بر فقر افراد هستند. پژوهش

1. Jaitman & Brakarz
2. Jones et al

محمدخانی (۱۳۸۷) نیز بالا بودن بعد خانوار، پایین بودن تحصیلات و بیکاری پدر و فقر اقتصادی را عامل‌های مؤثری بر حاشیه‌نشینی می‌داند.

شیعه و همکاران (۱۳۹۰)، در بررسی تجربی شهر کرج به این نتیجه رسیدند که ریشهٔ شکل‌گیری سکونتگاه‌های حاشیه‌نشین به سال ۱۳۴۳ باز می‌گردد. اولین ساکنان این محلات به دنبال انجام اصلاحات ارضی و به علت وجود بسترهای مناسب طبیعی به آنجا آمده‌اند. بعد از انقلاب و به دنبال تشدید روند مهاجرپذیری اصلاحات ارضی و همچنین وجود مزیت‌های متعدد برای مهاجرین کم‌درآمد از قبیل ارزان بودن زمین، نزدیکی به شهر کرج و وجود جادهٔ قزل‌حصار به‌عنوان محور اتصالی و عدم نظارت دقیق شهرداری بر ساخت‌وسازهای غیرمجاز، این محله مقصد بسیاری از مهاجرین گردیده است.

روستایی و همکاران (۱۳۹۴)، گزارش کردند که به‌طور معمول زندگی در زاغه‌های پرازدحام، فقدان زیرساخت، کیفیت پایین ابنیه، دسترسی محدود به خدمات، تصرف زمین‌های غیرقانونی از ویژگی‌های شهرهای حاشیه‌نشینی و افزایش فقر است. از دیگر مشخصه‌های فقیران حاشیه‌نشینی می‌توان به درآمدهای کم، کمبود بهداشت و بی‌سوادی، دسترسی به امکانات بهداشتی پایین اشاره کرد که از مسائل اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ریشه گرفته است. ملک‌افضلی و همکاران (۱۳۹۷)، بیان کردند که شاخص‌هایی چون مهاجرت، فقرساکنان، ناکارآمدی مدیریت شهری و شکاف عمیق بین سطح زندگی مسئلهٔ حاشیه‌نشینی را ایجاد و تشدید کرده است.

لاند و همکاران[1] (۲۰۱۰) بیان کردند که ۷۹ درصد از مطالعات به رابطهٔ مستقیم بین شاخص فقر و اختلالات روانی اشاره دارند. گرومبر[2] (۲۰۱۱) نشان داد که فقر بر سلامت روان در بین جمعیت

1. Lund et al
2. Groomer

۱۵ سال به بالا یکی از موارد رایج مناطق حاشیه‌نشن است. جانکوسکا و همکاران[1](۲۰۱۳) گزارش کردند که حاشیه‌نشینی با عؤامل محیطی مانند، کیفیت مسکن، شرایطی شبیه‌زاغه و پوشش گیاهی ارتباط دارد. ازه و همکاران[2](۲۰۱۷) بیان کردند که ادبیات سلامت در زاغه‌ها در مقایسه با شهرها و فقر و سلامت خیلی اندک است. نتایج تحقیقات اتوی و لاگینا[3](۲۰۱۷) نشان داد که در خانواده‌هایی که با ناامنی غذایی بالاتر و یا متوسط مواجه هستند، در مقایسه با خانواده‌هایی که امنیت غذایی بیشتری دارند احتمال ابتلا به اختلالات روانی افزایش می‌یابد. پارتنر و سو (۲۰۱۸) نشان دادند که کودکان روستایی فقیرترین قشر و کودکان شهری بهترین وضعیت را دارند و کودکان حاشیه‌نشین در بین این دو قشر قرار دارند و کودکان حاشیه‌نشین، وضعیت بدتری نسبت به کودکان روستایی دارند. پرزکاساس[4] (۲۰۱۷) به این نتیجه رسید که حاشیه‌نشینی تأثیر مثبتی در افزایش فقر دارد و می‌توان آن را اندازه‌گیری کرد. این محقق بیان کرد که درس‌های مهمی را در مورد کاهش کسری‌های کیفی در سطح مسکن و فقر ارائه کرد که می‌تواند به سیاست‌گذاران کمک کند تا کسری‌های مسکن و زیرساخت‌ها را در آمریکای لاتین و کارائیب بازطراحی کرده و با دقت بیشتری بررسی کنند. توروک و بورل–سالادین[5] (۲۰۱۸) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که نرخ اشتغال به مناطق شهری رسمی بسیار نزدیک‌تر از مناطق روستایی است، اما شرایط اشتغال به‌طور قابل توجهی بدتر است. سایر اشکال داده برای ارزیابی میزان و مقیاس زمانی پیشرفت اقتصادی برای خانوارها مورد نیاز است. رانی و همکاران[6](۲۰۱۸)، گزارش کردند که دختران نوجوان خانواده‌های ناامن نسبت به

1. Jankoska et al
2. Eze et al
3. Iron & Lagina
4. Pérez-Casas
5. Turok & Borel-Saladin
6. Rani

دخترانی که در خانواده‌های امن زندگی می‌کنند، بیشتر احتمال دارد که سطوح بالایی از اضطراب، افسردگی، از دست دادن کنترل رفتاری و پریشانی روانی داشته باشند. این مطالعه نشان می‌دهد که ناامنی غذایی به‌طور مستقل با مشکلات سلامت روان در دختران نوجوان مرتبط است. ناامنی غذایی در محله‌های فقیرنشین هند باید با برنامه‌های مداخله‌ای ویژه در سلامت عمومی که دسترسی به غذای کافی و ایمن و مغذی را فراهم می‌کند، برطرف شود.

۳. روش تحقیق

تحقیق حاضر از نظر ماهیت از نوع تحقیقات کمّی و از لحاظ هدف، از نوع تحقیقات کاربردی و از لحاظ گردآوری داده‌ها جزء تحقیقات توصیفی و پیمایشی (میدانی) است، همچنین از نظر زمان، این تحقیق مقطعی بوده و داده‌ها در دورهٔ زمانی ۱۳۹۷–۱۳۹۸ گردآوری شده‌اند. جامعهٔ آماری شامل شامل ۸ شهرک حاشیه‌نشینی مشهد است که براساس سرشماری مرکز آمار در سال ۱۴۰۰؛ بالغ بر ۳۹۸۷۱۱ نفر برآورد شده است. این جامعهٔ آماری در برگیرندهٔ نظرات (افراد ۱۵ سال به بالا) است و براساس فرمول کوکران ۱۹۶ نمونه مشخص شد و به‌صورت تصادفی بین جامعهٔ آماری توزیع و پخش گردید.

جدول۱- سهم پرسشنامهٔ محلات حاشیه‌نشین شهر مشهد

مأخذ: مرکز آمار بهداشت شهر مشهد، ۱۴۰۰

محلات حاشیه‌نشین	جمعیت	سهم پرسشنامه
خواجه‌ربیع	۶۵۴۱۲	۳۲
قدس	۵۱۲۵۳	۲۵
شهرک نوید	۴۵۲۵۱	۲۲
شهرک حجت	۴۵۲۱۱	۲۲
شهرک آزادگان	۶۲۵۱۱	۳۱
شهرک شهیدرجایی	۴۲۵۶۵	۲۱

محلات حاشیه‌نشین	جمعیت	سهم پرسشنامه
شهرک شهیدبهشتی	۴۳۲۵۶	۲۱
کوی شیخ‌حسن	۴۳۲۵۲	۲۱
جمع	۳۹۸۷۱۱	۱۹۶

به‌منظور تعیین روایی پرسشنامه از روش اعتبار ظاهری استفاده شد و طبق نظر استادان و متخصصان پس از چند مرحله اصلاح و بازنگری به عمل آمد. برای تعیین پایایی پرسشنامه؛ پیش‌آزمون با ۲۵ پرسشنامه انجام شد و مقدار ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۵۵ به دست آمد که نشان از اعتبار پرسشنامهٔ طراحی‌شده داشت. برای تجزیه‌وتحلیل داده‌ها از روش‌های آماری توصیفی (فراوانی و نرمال بودن) و استنباطی (همبستگی و رگرسیون چندمتغیره) استفاده شد.

جدول۲- شاخص‌های مورد استفاده در تحقیق

مأخذ: نگارندگان با استفاده از منابع قابل دسترس، ۱۴۰۲

متغیر	شاخص	گویه‌ها	منبع
متغیر مستقل (حاشیه‌نشینی)	اقتصادی	وجود فرصت‌های شغلی، تمایل به کسب درآمد و تمکن مالی بیشتر، تمایل به پس‌انداز و سرمایه‌گذاری	امیری و همکاران، ۱۳۸۹؛ ربانی و همکاران، ۱۳۸۵
	اجتماعی	نزدیکی به اقوام و آشنایان، نزدیکی به محل کار، اختلافات و درگیرهای قومی، ازدواج و تبعیت از خانواده؛ دسترسی به خدمات درمانی، دسترسی به خدمات رفاهی و آموزشی، وضعیت جرم و جنایت در محله، وقوع جنگ تحمیلی	ربانی و همکاران، ۱۳۸۳؛ روستایی و همکاران، ۱۳۹۴؛ آنتوی-آگی و همکاران[1]، ۲۰۲۰

1. Antwi-Agyei et al

متغیر	شاخص	گویه‌ها	منبع
	زیست‌محیطی	عوامل طبیعی سیل، زلزله، خشکسالی و .... نحوهٔ دفع فاضلاب، نحوهٔ جمع‌آوری زباله، مجاورت با مخاطراتی چون دکل برق فشارقوی، قرار گرفتن در مجاورت منابع آلودگی	ساعی‌فر (۱۳۹۴)، شعیه و همکاران، ۱۳۹۰؛ ملک افضلی و همکاران، ۱۳۹۷
	کالبدی	بناها و ساختمان‌های نیمه‌تمام و رها شده، وجود معابر تاریک و پر پیچ‌وخم، وسعت مسکن، جنس مصالح ضعیف، تعداد اتاق در واحد، تعداد طبقات، ویژگی حقوقی تصرف زمین، برخورداری مناسب منزل از نور و رنگ، برخورداری از تهویه مناسب منزل، مجاورت محل زندگی با منابع آلودگی مانند محل دفن زباله	امیری و همکاران، ۱۳۸۹؛ ربانی و همکاران، ۱۳۸۵؛ داتو و باست[1]، ۲۰۰۹ جیتمن و براکرز[2]، ۲۰۱۳
متغیر وابسته	فقر	افزایش زادوولد در خانواده، محرومیت از مواد خوراکی و تغذیه، نداشتن بیمه‌های درمانی، کمبود درآمد، بیکاری و مهاجرت، محرومیت از خدمات و امکانات، ضعف‌های زیرساختی، نداشتن آب اشامیدنی، مسکن نامناسب، ضعف دستری به خدمات آموزشی و بهداشتی، ضعف امکانات گرمایش و سرمایشی، محرومیت از جاروبرقی، فریزر، ماشین لباسشویی، کامپیوتر	ساعی‌فر(۱۳۹۴)، شعیه و همکاران، ۱۳۹۰؛ ملک افضلی و همکاران ، ۱۳۹۷ آگاروال و تانجا[3]، ۲۰۰۵

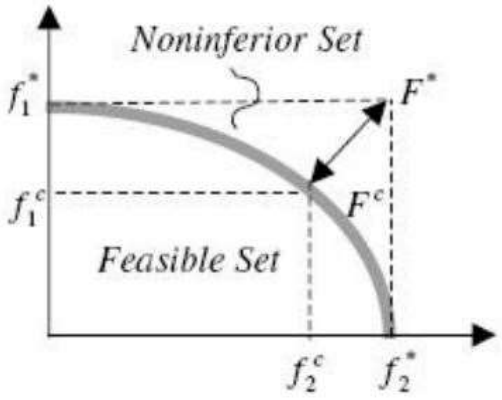
1. Jaitman and Brakarz
2. Adato & Bassett
3. Agarwal & Taneja

وایکور یکی از روش‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره کاربردی است که کارآیی آن در حل مسائل گسسته است (اپرکوئیک و تزنگ[1]،۲۰۰۴ : ۴۴۷). این روش براساس برنامه‌ریزی توافقی ارائه شده و در آن، راه‌حل توافقی تبیین‌کنندهٔ راه حل‌هایی موجه است که به راه‌حل ایده‌آل نزدیک بوده و در قالب توافق از طریق اعتبارات ویژه تصمیم‌گیرندگان ایجاد شده است (راوو[2]، ۲۰۰۸: ۱۹۵۰). بنابراین، گزینه‌هایی که به راه‌حل ایده‌آل نزدیک‌ترند، نسبت به گزینه‌های دورتر از آن ارجحیت دارند. معمولاً ارزیابی معیارها با استفاده از چند تابع ارزیابی انجام می‌شود و سپس نتایج به‌ترتیب اولویت رتبه‌بندی می‌شوند. در این روش، تأکید بر رتبه‌بندی و انتخاب از مجموعه‌ای گزینه و تعیین راه‌حل‌های توافقی برای مسئله با معیارهای متضاد است (چن و وانگ[3]، ۲۰۰۹: ۲۳۴). راه‌حل توافقی گزینه‌ای است که به ایده‌آل نزدیک‌تر باشد. شاخص ادغام به‌صورت معیار سنجش نزدیکی شناخته می‌شود. توسعهٔ وایکور براساس رابطهٔ ۱، به‌عنوان تابع تجمیع آغاز شد. در یان مدل از L_1,j به‌عنوانSj و L_c,j به‌عنوان R_j برای فرمول‌کردن رتبه‌بندی استفاده می‌شود (راوو، ۲۰۰۸: ۱۹۵۰).

$$f_i = f^* - f_i^c, i = 1,....,n \qquad (۱)$$
$$1 \le p \le oo_i j = 1,2,....,J$$

سنجه $L_{p,j}$ توسط داکشتاین و اپریکویچ معرفی شده و نشان‌دهندهٔ فاصلهٔ گزینهٔ A_j با راه‌حل ایده‌آل است. راه‌حل جبرانی $F^c = (f_1^c,.....,f_n^c)$ راه‌حل ممکن و نزدیک به f^* ایده‌آل است. ازاین‌رو، جبرانی بودن بدین معنا است که توافق با اعضای طرفین، که به‌صورت $f_i = f^* - f_i^c, i = 1,....,n$ ارائه می‌شود حاصل شده است (شکل ۱).

1. Aperkoik & Tzang
2. Rao
3. Chen & Wang



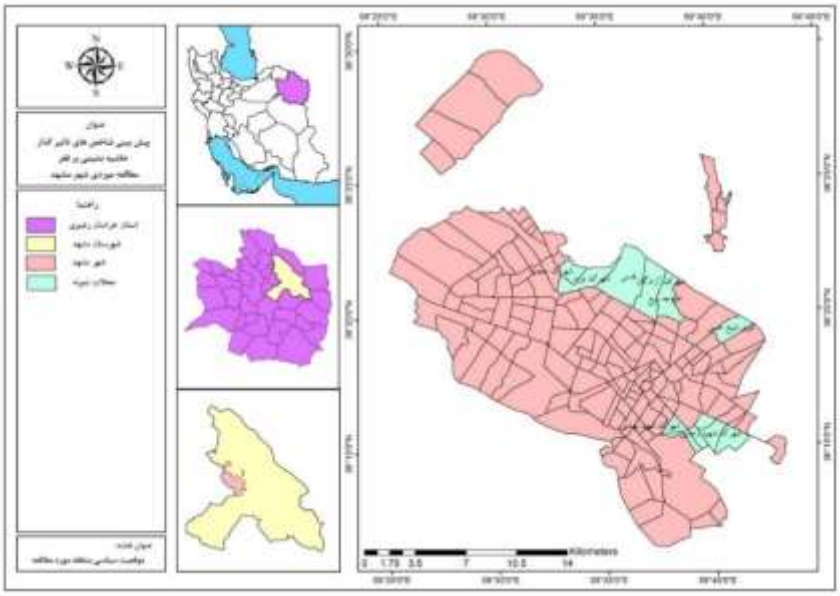
شکل ۱- راه‌حل توافقی و ایده‌آل.

مأخذ: اپرکوئیک و تزنگ، ۲۰۰۴ : ۴۴۸

این روش برای حل مسائل تصمیم گسسته بر مبنای انتخاب گزینهٔ بهینه از میان گزینه‌های موجود براساس رتبه‌بندی است.

۴. منطقهٔ مورد مطالعه

در شهر مشهد براساس آمار سال ۱۴۰۰ بیش از یک میلیون نفر از جمعیت بیش از سه میلیون نفری در سکونتگاه‌های غیررسمی سکونت دارند (۳۰ درصد) که جزء بزرگ‌ترین شهرهای دارای حاشیه‌نشین کشور محسوب می‌گردد. این تراکم جمعیتی در سایهٔ غفلت و عدم توجه مسئولین شهری و ملی در سالیان گذشته، ضمن دامن زدن به فقر و محرومیت، موجب کمبود خدمات زیرساختی و عمرانی، مقاوم نبودن سازه‌ها، حضور اتباع بیگانه غیرمجاز، معظات اجتماعی و فرهنگی مانند، اعتیاد، طلاق، فساد و غیره شده است (شکل۲).



شکل۲- محدودهٔ مورد مطالعه

مأخذ: سازمان نقشه‌برداری کشور،۱۴۰۰

۵. مبانی نظری

امروزه توسعهٔ شهرنشینی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مسائل اساسی کشورهای جهان شناخته شده است که می‌تواند فرصت‌ها و قوت‌هایی را به وجود آورد و هم‌زمان زندگی انسان را با مسائل جدید مواجه کند. براساس برآوردهای سازمان ملل متحد (۲۰۰۹)، شهرها کمتر از ۴٪ از سطح زمین را اشغال می‌کنند، اما هنوز بیش از نیمی از جمعیت جهان در این مناطق زندگی می‌کنند. مناطق شهری نزدیک به سه‌چهارم از منابع طبیعی جهان را مصرف می‌کنند و سه‌چهارم از آلودگی و زباله‌های جهان را تولید می‌کنند. شهرنشینی سریع یک چالش قریب‌الوقوع و ترسناک برای کسانی است که به رفاه انسان اهمیت می‌دهند. سازمان ملل متحد گزارش کرده است که تقریباً تمام جمعیت جهان و رشد

خالص اقتصادی طی ۳۰ سال آینده در شهرها رخ خواهد داد که منجر به دو برابر شدن جمعیت فعلی تا سال ۲۰۴۰ خواهد شد. جهت انجام این امر، زیرساخت‌های جدیدی برای حمایت از جمعیت شهری مورد نیاز است (راوالیون[1]، ۲۰۰۱؛ ردمن و نانسی[2]، ۲۰۰۵). در این چارچوب، ساخت‌وسازهای غیرمجاز و ایجاد مناطق مسکونی حاشیه‌نشین، پیترلئونارد در کتاب *«شخصیت و ایدئولوژی»* حاشیه‌نشینی اجتماعی را «ساکن بودن» تعریف می‌کند (یعنی خارج از جریان اصلی فعالیت تولیدی و یا فعالیت تولید اجتماعی). حاشیه‌نشینان شامل دو گروه هستند؛ گروه نسبتاً کمی از افراد که داوطلبانه در حاشیهٔ اجتماع هستند، مانند (هنرمندان، فرقه‌های مذهبی) و گروه‌هایی که به‌طور غیرارادی از نظر اجتماعی در حاشیه به سر می‌برند. لئونارد این افراد را «حاشیهٔ اجتماعی غیرارادی» توصیف می‌کند (پساچاروپولوس[3]، ۲۰۰۷). همچنین پارک معتقد است، حاشیه‌نشینی، بر اثر نتیجهٔ عملکردهای اقتصادی و اجتماعی نابرابر به‌وجود آمده است. ارنست برگس[4] و لویس ورث[5] نیز اظهار می‌کنند که علت شکل‌گیری مناطق حاشیه‌نشین، فقر اقتصادی و تمرکز گروه‌های فقیر در نواحی فاقد خدمات کافی است (راکودی[6]، ۲۰۰۵).دیوید هاروی نیز بیان می‌کند، که تنها با حذف سازوکارهای حاکم بر نظام کاربری زمین، می‌توان از تشکیل گتوهای فقر جلوگیری کرد (دیویس[7]، ۲۰۰۴).

درواقع، حاشیه‌نشینی مسئله‌ای نیست که تنها مختص کشورهای جهان سوم باشد؛ بلکه در کشورهای پیشرفته نیز می‌توان نمونه‌هایی از حاشیه‌نشینی، البته با اختلافاتی از نظر کمّی و کیفی

1. Ravallion
2. Redman & Nancy
3. Psacharopoulos
4. Ernest Burgess
5. Lewis Worth
6. Rakodi
7. Davis

مشاهد کرد. مطالعاتی که در سطح جهان به عمل آمده، حاکی از آن است که درصد حاشیه‌نشینی به جمعیت شهرهای مهم دنیا از ۹ درصد در لیماتا تا ۶۵ درصد در ازمیر متغیر است. به‌طور متوسط ۳۳ درصد جمعیت شهرهای بزرگ به‌صورت حاشیه‌نشینی زندگی می‌کنند. اما آمار بیان شده در مورد کشورهای درحال‌توسعه، نشان می‌دهد که این مسئله (حاشیه‌نشین) به‌صورت حادتری دامن‌گیر کشورهای درحال‌توسعه است. بنابراین براساس گزارش شهر جهانی[1] در سال ۲۰۱۶ جمعیت اسکان حاشیه‌نشین در کشورهای درحال‌توسعه به‌تدریج از ۶۸۹ میلیون نفر به ۸۸۰ میلیون نفر در سال ۲۰۱۴ افزایش یافته است (زمان و همکاران، ۲۰۱۸: ۵۵). این سکونت‌گاه‌ها به دلیل ویژگی‌های مشترکی که دارند، اکثر مهاجران هستند و به دلیل فقر به شهر رانده می‌شوند و زندگی خود را در بدترین مناطق آغاز می‌کنند (نالاری[2]، ۲۰۱۵: ۸۸-۷۳).

دراین راستا می توان گفت، برخلاف عقاید و اعتقادات رایج که سکونت‌گاه‌های غیررسمی را به‌عنوان محیط‌های مسکونی همگن در نظر می‌گیرند، گزارش‌ها حاکی از آن است که آن‌ها، یک محیط بسیار پویا و ناهمگن هستند؛ درحالی‌که جمعیت حاشیه‌نشین بسیارمتحرک است. به‌طور تقریبی، نیمی از جمعیت ساکنین بیش از ۱۰ سال در سکونت‌گاه‌های حاشیه زندگی کرده‌اند. مناطق حاشیهٔ شهرها به وسیلهٔ ویژگی‌هایی همچون، خدمات اجتماعی ضعیف، امکانات اولیهٔ ضعیف، پیامدهای بهداشتی ضعیف، ناامنی در درآمد و معیشت ناپایدار مشخص می‌گردند (زولو و همکاران[3]، ۲۰۱۱: ۱۸۶). ازدحام جمعیت و نبود سیستم جمع‌آوری زباله و شبکهٔ فاضلاب و هزینه‌هایی که دفع فاضلاب به همراه دارد موجب بروز آلودگی و بیماری‌های ناشی از آن می‌گردد. اکثر خانوارهای حاشیه‌نشین باید آب خود را از یک منبع آب تأمین نمایند و زباله‌های خود را در زهکشی‌های باز

1. World Town Report
2. Nallari
3. zulu et al

قرار دهند (برون و همکاران[1]، ۲۰۰۳: ۱۸)؛ مثلاً در سکونت‌گاه‌های غیررسمی برای تهیهٔ آب آشامیدنی از طریق تانکرها تأمین می‌شود که هزینهٔ آن ۵۰ برابر هزینهٔ آب لوله‌کشی است که در مناطق اطراف آن وجود دارد (انتوی آگیئی و همکاران[2]، ۲۰۲۰). همچنین ساکنین حاشیه‌نشین درآمد اندک دارند و کودکان دچار سوءتغذیه می‌شوند. به دلیل فقیرنشین بودن این مناطق و نبود حمایت‌های اجتماعی، امکان تشدید فقر اقتصادی فراهم می‌شود. تراکم جمعیت و نامناسب بودن مسکن، فقر مالی و فرهنگی، کمبود تأسیسات و تسهیلات شهری از جمله مشکلاتی است که ساکنین این مناطق با آن روبه‌رو هستند (ساعی‌فر، ۱۳۸۱: ۸۸). همهٔ این نکات باعث شده است که کودکان مناطق حاشیه‌نشین اولین آسیب‌دیدگان این مناطق باشند که آنها را در معرض خطراتی چون سوء تغذیه و عدم لذت از زندگی قرار داده است. نبود درآمد کافی خانواده موجب شده که بسیاری از افراد این مناطق به شغل‌های کاذب روی بیاورند و در نتیجه سلامت آن‌ها به خطر بیفتد (رضایی و همکاران، ۱۳۹۵: ۶۰). بررسی‌های در سایر نقاط دنیا نشان‌دهندهٔ تأثیر حاشیه‌نشینی بر وضع فقر است. اغلب خانوارهای پرجمعیت از وضعیت اقتصادی، اجتماعی پایینی برخوردار هستند؛ حتی سرانهٔ آن‌ها در مورد هزینهٔ خوراک، پوشاک و مراقبت‌های بهداشتی، تحصیلات و مسکن بسیار پایین است (آداتو و باست[3]، ۲۰۰۹).

۶. یافته‌های تحقیق

یافته‌های توصیفی نشان داد که از بین ۱۹۶ نفر نمونه، بیشترین پاسخگویان مرد با ۱۵۶ نفر که معادل ۷۸/۵۹ درصد و ۴۲ نفر یعنی ۲۰/۴۲ درصد زن بودند. از لحاظ ویژگی‌های سنی، ۳۸/۴ درصد سن آنها ۴۱ سال و بیشتر بودند. از لحاظ تحصیلات، گزینه دیپلم، با تعداد فراوانی ۱۶۶نفر و ۴۴/۴

1. Burunn et al
2. Antwi-Agyei et al
3. Adato & Bassett

درصد بیشترین پاسخ را به خود اختصاص دادند. همچنین ۱۵۲ نفر پاسخ‌گویان متأهل بودند و از لحاظ شغلی، گزینهٔ آزاد با فراوانی ۱۴۲ نفر و با میزان ۵۶/۵ درصد، بیشترین پاسخ‌ها و از ۱۶۲ نفر تعداد اعضای خانواده آنها بین ۴-۶ نفر بودند.

در رابطه با بررسی پیش‌بینی شاخص‌های تأثیرگذار حاشیه‌نشینی بر فقر، با توجه به نتایج مرور منابع و مطالعات میدانی (با استفاده از پرسشنامه) در محلات محدودهٔ مورد مطالعه؛ لیستی از ۳۷ گویه در راستای سنجش آنها در قالب درونی و بیرونی مرتبط با محلات حاشیه‌نشین به شرح جدول (۳) استخراج گردید. برای سنجش میزان اهمیت هر کدام از عوامل فوق و تعیین میزان نقش هر یک از شاخص‌های تأثیرگذار از طیف لیکرت استفاده گردید. همانطور که جدول (۳) نشان می‌دهد؛ شاخص‌های فرصت‌های شغلی با ضریب تغییرات (۰/۰۴۴)، تمایل به کسب درآمد و تمکن مالی بیشتر با (۰/۲۳۶) و تمایل به پس‌انداز و سرمایه‌گذاری با (۰/۳۰۵)، وقوع جنگ تحمیلی با میزان (۰/۳۳۱) و دسترسی به خدمات درمانی با (۰/۳۳۲)، رتبه‌های اول را به خود اختصاص دادند. این شاخص‌ها نشان می‌دهد که اولین اهداف حاشیه‌نشینان ساکن شهر مشهد، ایجاد شرایط اقتصادی و اجتماعی بوده است و این امر باعث افزایش جمعیت در شهر مشهد شده است.

جدول۳- میانگین توصیفی شاخص‌های تحقیق

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۲

شاخص	گویه	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	میانگین	انحراف معیار	ضریب تغییرات
اقتصادی	وجود فرصت‌های شغلی	۷۳/۱	۰/۸	۸/۷	۱۰/۶	۵/۷	۱/۰۳	۰/۲۰۹	۰/۰۴۴
	تمایل به کسب درآمد و تمکن مالی بیشتر	۱۸/۹	۳۷/۹	۲۶/۰	۱۴/۱	۳/۱	۱/۳۰	۰/۴۸۵	۰/۲۳۶
	تمایل به پس انداز و سرمایه گذاری	۶/۶	۳۷/۲	۱۳/۷	۳۲/۳	۱۰/۲	۱/۳۱	۰/۵۵۳	۰/۳۰۵

شاخص	گویه	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	میانگین	انحراف معیار	ضریب تغییرات
اجتماعی و فرهنگی	نزدیکی به اقوام و آشنایان، نزدیکی به محل کار	۱۴/۱	۳۵/۹	۱۵/۶	۱۳/۳	۵/۲	۲/۵۲	۱/۱۳۰	۱/۲۷
	اختلافات و درگیرهای قومی	۱۹/۸	۲۳/۸	۳/۵۳	۰/۹	۲/۲	۱/۴۲	۰/۸۹۱	۰/۷۹۳
	ازدواج و تبعیت از خانواده	۵۶/۴	۲۹/۵	۱۰/۶	۳/۱	۰/۴	۱/۶۲	۰/۸۳۰	۰/۶۸۹
	دسترسی به خدمات درمانی	۰/۸	۷/۵	۳۷/۹	۲۳/۳	۲۳/۳	۲/۸۵	۱/۱۲	۱/۲۵
	دسترسی به خدمات رفاهی و آموزشی	۷/۰	۴۵/۴	۲۳/۸	۱۴/۱	۹/۴	۱/۲۵	۰/۵۶۷	۰/۳۲۲
	وضعیت جرم و جنایت در محله	۵۱/۵	۴۴/۱	۲/۲	۱/۳	۰/۹	۱/۵۶	۰/۶۹۱	۰/۴۷۸
	وقوع جنگ تحمیلی	۲۴/۲	۳۵/۲	۳۵/۷	۴/۸	۰	۱/۴۹	۰/۵۷۵	۰/۳۳۱
زیست محیطی	عوامل طبیعی سیل، زلزله، خشکسالی	۶۵/۲	۲/۲۱	۵/۱۲	۱۱/۸	۱۳/۸	۲/۳۰	۱/۱۷	۱/۳۷
	نحوه دفع فاضلاب	۶۳/۳	۷/۹	۱۷/۶	۵/۷	۴/۴	۱/۱۷۸	۱/۱۸	۱/۴۰
	نحوه جمع‌آوری زباله	۷۱/۷	۲۶/۵	۰/۴	۱/۳	۰	۱/۶۲	۱/۱۳	۱/۲۹
	مجاورت با مخاطراتی چون دکل برق فشارقوی	۳۰/۴	۳۲/۲	۲۰/۳	۱۱/۹	۵/۳	۱/۵۶	۰/۶۹۱	۰/۴۷۸
	قرار گرفتن در مجاورت منابع آلودگی	۳۴/۴	۲۳/۸	۳۹/۶	۲/۲	۰	۳/۰۲	۱/۱۷	۱/۳۷
کالبدی	بناها و ساختمانهای نیمه‌تمام و رها شده	۸۰/۰	۱۶/۹	۱/۳	۱/۸	۰	۲/۱۰	۰/۹۰۷	۰/۸۲۲
	وجود معابر تاریک و پرپیچ‌وخم	۱۵/۴	۲۷/۸	۹/۷	۲۸/۶	۱۸/۵	۳/۰۷	۱/۳۸	۱/۹۲
	نامناسب بود زیربنای مسکن	۱۲/۸	۳۶/۶	۸/۸	۲۹/۵	۱۱/۹	۲/۷۷	۱/۱۷	۱/۳۸
	جنس مصالح ضعیف	۵۴/۴	۴۳/۴	۱/۳	۰/۹	۰	۲/۹۳	۱/۳۲	۱/۷۶
	عدم رضایت از تعداد اتاق در واحد	۶۳/۴	۲۷/۸	۵/۳	۲/۶	۰/۹	۱/۵۰	۰/۷۸۹	۰/۶۲۳
	عدم رضایت از تعداد طبقات	۶۲/۱	۳۳/۹	۳/۱	۰/۹	۰	۲/۲۱	۰/۸۶۷	۰/۷۵۲

شاخص	گویه	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	میانگین	انحراف معیار	ضریب تغییرات
	داشتن ویژگی حقوقی تصرف زمین	۶۵/۸	۲۱/۹	۵.۶	۶.۲	۰.۴	۱/۴۳	۰/۶۰۱	۰/۳۶۱
	برخورداری منزل از نور گیری و رنگ مناسب	۵۸/۶	۱۰/۶	۱۱/۵	۱۵/۹	۳/۵	۱/۹۵	۱/۲۸	۱/۶۵
	برخورداری از تهویه مناسب منزل	۴۲/۳	۱۵/۷	۳۶/۶	۵.۱	۰/۲	۲/۴۴	۱/۰۴	۱/۰۹
	مجاورت محل زندگی با منابع آلودگی مانند محل دفن	۶۹/۵	۲۷/۸	۲/۲	۰/۴	۰	۱/۹۵	۰/۸۹۹	۰/۸۰۷
فقر	افزایش زاد ولد در خانواده	۳/۱	۱۴/۳	۵۵/۹	۱۵/۴	۱۰/۵	۱/۳۴	۰/۵۷۰	۰/۳۲۵
	محرومیت از مواد خوراکی و تغذیه	۱۱/۰	۵۹/۵	۱۹/۴	۹/۳	۰/۸	۲/۳۸	۱/۰۸	۱/۱۸
	نداشتن بیمه‌های درمانی	۵۱/۵	۴۵/۴	۱/۳	۱/۳	۰	۲/۳۰	۰/۵۸۷	۰/۷۳۵
	کمبود درآمد	۲۳/۳	۲۷/۳	۳۲/۶	۱۱/۵	۵/۳	۱/۵۳	۰/۶۱۹	۰/۳۸۳
	بیکاری و مهاجرت	۴۵/۴	۲۶/۴	۱۶/۷	۱۱/۰	۰/۴	۲/۴۸	۱/۱۲	۱/۲۶
	محرومیت از خدمات و امکانات،	۲۱/۶	۵۹/۰	۱۴/۱	۴/۸	۰/۴	۱/۹۵	۱/۰۵	۱/۱۰
	ضعف‌های زیرساختی	۱۱/۵	۳۷/۰	۱۸/۹	۲۷/۳	۵/۳	۲/۰۴	۰/۷۶۹	۰/۵۹۲
	نداشتن آب اشامیدنی	۲۱/۶	۳۲/۶	۴۰/۱	۱/۸	۴/۰	۲/۷۸	۱/۱۲	۱/۲۷
	مسکن نامناسب	۱۱/۰	۲۴/۸	۲۶/۴	۲۰/۷	۷/۰	۲/۳۴	۰/۹۶۶	۰/۹۳۳
	ضعف دسترسی به خدمات آموزشی و بهداشتی	۱۰/۶	۳۷/۰	۲۴/۲	۱۸/۹	۹/۳	۲/۷۸	۱/۱۱	۱/۲۳
	ضعف امکانات گرمایش و سرمایشی	۲۰/۷	۴۱/۹	۱۳/۷	۱۹/۸	۴/۰	۲/۴۴	۱/۱۴	۱/۳۰
	محرومیت از جاروبرقی، فریزر، ماشین لباسشویی، کامپیوتر	۱۷/۲	۳۷/۹	۴۱/۴	۲/۲	۱/۳	۲/۳۳	۰/۸۳۰	۰/۶۹۰

۶. ۱. بررسی نرمال بودن متغیرها

با توجه به این‌که متغیرهای تحقیق از ترکیب شاخص‌هایی در طیف لیکرت حاصل‌شده‌اند، مقیاس رتبه‌ای به مقیاس فاصله‌ای تغییر یافته است (اصغرپورماسوله، ۱۳۹۲: ۲۲). به‌منظور بررسی نرمال بودن توزیع صفات شاخص‌ها و متغیرها از خطای استاندارد ضرایب چولگی و کشیدگی استفاده شد. بدین‌صورت که اگر مقدار این خطا کوچک‌تر از ۲- و یا بزرگ‌تر از ۲+ باشد، در آن صورت فرض نرمال بودن توزیع رد می‌شود (حبیب‌پور و صفری، ۱۳۸۸:۱۹۰-۱۹۱). همچنین چنانچه ضرایب چولگی و کشیدگی بین ۱.۵- و ۱.۵+ باشد توزیع شاخص‌ها و متغیرهای تحقیق نرمال است (جدول۴). بنابراین با توجه به نرمال بودن داده‌ها از آزمون‌های همبستگی ورگرسیون چند متغیره استفاده شده است.

جدول۴- نتایج آزمون نرمال بودن

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۲

گروه	نوع	ابعاد	کشیدگی		چولگی		نتیجه آزمون
			ضریب	خطا	ضریب	خطا	
شهروندان	مستقل	اقتصادی	۱/۳۳۵	۰/۱۶۲	۰/۴۶۲	۰/۳۲۲	نرمال است
		اجتماعی	۰/۹۴۱	۰/۱۶۲	-۰/۳۵۸	۰/۳۲۲	نرمال است
		زیست محیطی	۰/۵۱۳	۰/۱۶۲	۱/۳۳۸	۰/۳۲۲	نرمال است
		کالبدی	۱/۲۵۹	۰/۱۶۲	۰/۵۷۸	۰/۳۲۲	نرمال است
	وابسته	فقر	۰/۱۳۳	۰/۱۶۲	-۰/۲۴۲	۰/۳۲۲	نرمال است

در ادامهٔ تحقیق جهت بررسی رابطه میان فقر و شاخص‌های حاشیه‌نشینی (اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و کالبدی) از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد. برای معنادار بودن رابطه بین متغیرها از طریق ضریب همبستگی پیرسون، اگر سطح معناداری آزمون (sig) کمتر از ۵ درصد باشد، با ۹۵ درصد اطمینان می‌توان رابطهٔ دو متغیر را ثابت نمود. نتایج این آزمون نشان داد که همبستگی

قوی بین شاخص‌های فقر و حاشیه‌نشینی وجود دارد، اما شدت ارتباط در بین ۴ شاخص اقتصادی با میزان (۰/۸۴۵)، اجتماعی با میزان (۸۲۱)، زیست‌محیطی با میزان (۰/۵۶۲) و کالبدی با میزان (۰/۶۸۹) بوده است. پس می‌توان بیان کرد که بین شاخص‌های حاشیه‌نشینی و افزایش فقر در شهر مورد مطالعه رابطهٔ قوی داشته است. بنابراین در کل می‌توان بیان کرد که بین شاخص‌های اقتصادی با فقر در سطح ۰.۰۵ درصد آلفا رابطهٔ مثبتی وجود دارد (جدول ۵).

جدول۵- ضرایب همبستگی بین فقر و حاشیه‌نشینی از (دیدگاه شهروندان)

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۲

مجموع	پیرسون	فقر	اقتصادی	اجتماعی	زیست محیطی	کالبدی
فقر	ضریب همبستگی	۱	۰/۸۴۵	۰/۸۲۱	۰/۵۶۲	۰/۶۸۹
	سطح معناداری	-	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰

همچنین جهت پیش‌بینی شاخص‌های تأثیرگذاری حاشیه‌نشینی بر فقر از رگرسیون چندمتغیره استفاده گردید که شاخص‌های فقر به‌عنوان متغیر وابسته و از شاخص‌های مربوط به حاشیه‌نشینی (اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و کالبدی) به‌عنوان متغیر مستقل برای ترسیم مدل رگرسیون چندمتغیره استفاده شد. پیش‌بینی مدل برازش رگرسیونی نشان می‌دهد که شاخص‌های حاشیه‌نشینی ۰/۷۲۶ رابطهٔ بین متغیرها مستقل و وابسته را در شهر مورد مطالعه را تبیین می‌کند (جدول ۶). نکتهٔ قابل توجه این است که مدل رگرسیون رابطهٔ بین اثرات شاخص‌های حاشیه‌نشینی بر فقر را نشان می‌دهد؛ به‌طوری که در شاخص اقتصادی حاشیه‌نشینی اثرات مستقیمی بر کمبود درآمد، بیکاری و مهاجرت داشته است، همچنین در شاخص اجتماعی، زمینهٔ محرومیت از مواد خوراکی و تغذیه، نداشتن بیمه‌های درمانی و ضعف‌های آموزشی و بهداشتی داشته است. در شاخص کالبدی، زمینهٔ

محرومیت از خدمات و امکانات رفاهی، مساکن نامناسب و ضعف‌های زیرساختی را به دنبال داشته است.

جدول۶- تحلیل رگرسیون پیش‌بینی شاخص‌های تأثیرگذار حاشیه‌نشینی بر فقر

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۲

اشتباه معیار	ضریب تعیین تصحیح شده	ضریب تعیین	ضریب همبستگی چندگانه
۰/۲۳۰۹۶	۰/۵۱۹	۰/۵۲۸	۰/۷۲۶

همچنین با استفاده از مدل رگرسیونی چندگانه، پیش‌بینی تأثیرگذاری شاخص‌های حاشیه‌نشینی بر فقر در شهر مورد مطالعه مشخص گردید. نتایج حاصل نشان می‌دهد که رابطهٔ بین شاخص‌های حاشیه‌نشینی و افزایش فقر کاملا معنادار است (جدول ۷).

جدول ۷- تحلیل رگرسیون مبتنی بر وجود رابطه خطی بین اثرگذاری شاخص‌های حاشیه‌نشینی بر فقر

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۲

مولفه‌ها	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	آماره آزمون f	سطح معناداری
اثر رگرسیونی	۱۳/۲۳۲	۴	۳/۳۰۸	۶۲/۰۱۱	۰/۰۰۰
باقیمانده	۱۱/۸۴۲	۱۹۱	۰/۰۵۳		
کل	۲۵/۰۷۴	۱۹۵			

با نگاهی به مقادیر β روشن است که یک واحد تغییر در انحراف معیار شاخص‌های حاشیه‌نشینی (اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و کالبدی)، به‌ترتیب به اندازه ۰/۵۹۶، ۰/۵۴۱۶، ۰/۴۱۸، ۰/۵۴۲ واحد در افزایش فقر در سطح محلات شهری مورد مطالعه نقش داشته است که بیشترین تأثیر مربوط به شاخص اقتصادی موجود و کمترین تأثیر مربوط به شاخص‌های زیست‌محیطی بوده است (جدول ۸).

جدول۸- ضرایب شدت روابط میان شاخص‌های تأثیرگذاری حاشیه‌نشینی و فقر

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۲

نام متغیر	ضرایب غیر استاندارد		ضرایب استاندارد شده	T	سطح معناداری
	B	خطای B	ß		
عرض از مبدا	۰/۹۰۲	۰/۱۱۱		۸/۱۵۵	۰/۰۰۰
اقتصادی	۰/۱۶۳	۰/۰۱۷	۰/۵۹۶	۸/۴۴۳	۰/۰۰۰
اجتماعی	۰/۱۴۲	۰/۰۱۷	۰/۵۴۱	۹/۴۲۲	۰/۰۰۰
زیست محیطی	۰/۱۶۴	۰/۰۳۵	۰/۴۱۸	۴/۷۰۲	۰/۰۰۰
کالبدی	۰/۱۶۶	۰/۰۲۳	۰/۵۴۲	۷/۳۵۸	۰/۰۰۰

به‌منظور استفاده از تکنیک ویکور برای سنجش تفاوت شهرک‌های حاشیه‌نشین نمونه از نظر میزان اهمیت شاخص‌های پنج‌گانه، ابتدا از داده‌های پرسشنامه‌ای میانگین گرفته شده و در ماتریس اولیه ارائه شده است. جدول (۹) نشانگر شاخص‌های به‌کار رفته و تعداد آن‌ها در شهرک‌های مورد مطالعه است.

جدول ۹. ماتریس میانگین پرسشنامهٔ روستاها

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۲

محلات	اقتصادی	اجتماعی	زیست محیطی	کالبدی	فقر
خواجه ربیع	۲/۳۷	۳/۱۱	۲/۲۶	۲/۰۴	۳/۰۶
قدس	۱/۹۰	۲/۹۱	۲/۲۱	۲/۲۹	۲/۷۰
شهرک نوید	۲/۳۶	۲/۷۴	۲/۲۷	۲/۰۶	۲/۹۷
شهرک حجت	۲/۳۱	۲/۴۴	۲/۱۹	۲/۶۴	۲/۷۰
شهرک آزادگان	۲/۰۷	۲/۶۱	۲/۳۲	۲/۳۳	۲/۹۲
شهرک شهید رجایی	۲/۱۲	۲/۴۱	۲/۲۴	۲/۳۶	۲/۱۰
شهرک شهید بهشتی	۲/۱۱	۲/۴۶	۲/۱۹	۲/۰۶	۲/۶۹
کوی شیخ حسن	۲/۶۱	۲/۵۹	۲/۳۷	۲/۲۶	۳/۲۱

برای اولویت‌بندی شهرک‌های حاشیه‌نشین پیشنهادی در شهر مشهد و برای تعیین وزن هر یک از معیارها در ابتدا پرسشنامه‌ای تدوین شد و از ۱۰ نفر متخصص حاشیه‌نشینی درباره اهمیّت شاخص‌های حاشیه‌نشینی (اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی، کالبدی و فقر) نظرخواهی شد و در نهایت میزان اهمیت آنها در قالب وزن متغیرها مشخص گردید؛ به‌طوری که برای مشخص کردن وزن، ابتدا تعداد گویه با هم جمع و سپس میانگین گرفته شده است و در نهایت در هم ضرب شده‌اند.

تابع توان رتبه‌ای $(n - r_i + ۱)^۲$

جدول۱۰-ضریب وزن شاخص‌ها

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۲

حاشیه‌نشینی	اقتصادی	اجتماعی	زیست محیطی	کالبدی	فقر
وزن	۰/۲۶	۰/۲۱	۰/۱۷	۰/۱۹	۰/۱۷

همان‌طوری که شکل (۲) نشان می‌دهد، تحلیل فضایی توزیع محلات حاشیه‌نشین در شهر مشهد در شاخص‌های (اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی، کالبدی و فقر) نشان‌دهندهٔ تفاوت معنادار زیادی است؛ به‌طوری که شهرک قدس و کوی شیخ‌حسن با میزان (۰/۰۱) و (۰/۰۶) به‌دلیل ضعف‌های زیرساختی و خدماتی و اقتصادی بیشتری حاشیه‌نشینی و فقر را به خود اختصاص داده است.

جدول۱۱-رتبه‌های نهایی شهرک‌های شهر مشهد براساس میزان حاشیه‌نشینی

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۲

محلات	خواجه ربیع	قدس	شهرک نوید	شهرک حجت	شهرک آزادگان	شهرک شهید رجایی	شهرک شهید بهشتی	کوی شیخ حسن
رتبه								
Si	۰.۹۵۳	۰.۱۱۵۲	۰.۲۶۸	۰.۸۱۸	۰.۳۱۱	۰.۸۸۰	۰.۸۲۴	۰.۱۳۸
Ri	۰.۱۸۱	۰.۵۱۲	۰.۰۱۳	۰.۱۸۰	۰.۱۳۲	۰.۱۸۸	۰.۱۸۳	۰.۰۸۷
Qi	۰.۹۸	۰/۰۱	۰/۱۶	۰/۳۶	۰/۲۰	۰/۴۵	۰/۳۱	۰/۰۶
رتبه	۸	۱	۳	۶	۴	۷	۵	۲



شکل۳- رتبه‌بندی محلات حاشیه‌نشینی شهر مشهد

مأخذ: سازمان نقشه برداری شهر مشهد، ۱۳۹۵

۷. نتیجه‌گیری

همان‌طوری که قبلا در چهارچوب مبانی نظری بیان شد؛ بررسی ادبیات پژوهش نشان داد که هنوز مناطق حاشیه‌نشین شهری در کشورهای درحال‌توسعه با چالش‌های متعددی از قبیل آسیب‌پذیری و شکننده بودن اقتصادی، تغییرات فنّاورانه و بروز مسائلی از قبیل بیکاری، نابرابری درآمدی، نبود فرصت‌های سرمایه‌گذاری، مهاجرت داخلی، کمبود مسکن قابل دسترس، فقر، جمعیت‌پذیری، سالخورده شدن افراد و نیروی کار، کاهش تحرک اقتصادی–اجتماعی، محرومیت از امکانات خدماتی و رفاهی، افزایش بیماریها، سوء تغذیهٔ کودکان و آلودگی‌های زیست‌محیطی مواجه هستند. از سوی دیگر، قرن بیست‌ویکم را باید دههٔ طرح مباحث تجدید ساختار در نظام برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری در کلان‌شهرها در کشورهای درحال‌توسعه قلمداد کرد. این قرن تبیین‌گر سیاست‌گذاری و خط مشی‌های هر کشوری در جهت پایه‌ریزی چارچوب‌های توسعه در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و حاشیه‌نشینی در محلات کلان‌شهرها به شمار می‌آید که از دهه‌های قبل در مناطق حاشیه‌نشین گسترش‌یافته و به شکل ملال‌آوری برای مردم زاغه‌نشین نیز آشکار گردیده است و زمینهٔ توجه به ارائهٔ راهبردها و الگوهای جدید بهبود حاشیه‌نشینی را بیش‌ازپیش ضروری ساخته است. بنابراین تغییر و تحول در کلان‌شهرها، در کشورهای درحال‌توسعه و از جمله ایران به‌عنوان یکی از راهبردی کلیدی و مهم در بهبود محلات حاشیه‌نشین است. توجه و حمایت مناطق حاشیه‌نشین بر این نکته تأکید دارد که به‌منظور رفع نابرابری اجتماعی و فراهم کردن مسکن مناسب و شرایط اقتصادی، باید آن را به‌عنوان رویکرد جامع در نظر گرفت؛ زیرا به‌صورت کلی به مسئله نگاه می‌کند و تلاش می کند تا چهارچوب و ساختار تبیین مسائل حاشیه‌نشینی شهری و اجزا و عناصر آن را بیشتر مد نظر قرار دهد.

افزون براین، نتایج بررسی روند یافته‌های توصیفی جامعهٔ تحقیق نشان می‌دهد که در شاخص اقتصادی (فرصت‌های شغلی، کسب درآمد، پس‌انداز و سرمایه‌گذاری) از دلایل اساسی و بنیادی است که شهروندان حاشیه‌نشین به آن اذعان کردند. نتایج آزمون پیرسون نشان داد که همبستگی قوی بین شاخص‌های فقر و

حاشیه‌نشینی وجود دارد، اما شدت ارتباط در بین ۴ شاخص اقتصادی با میزان (۰/۸۴۵)، اجتماعی با میزان (۸۲۱)، زیست‌محیطی با میزان (۰/۵۶۲) و کالبدی با میزان (۰/۶۸۹) است. پس می‌توان بیان کرد سؤالات مورد بررسی تأیید می‌شود. همچنین پیش‌بینی مدل برازش رگرسیونی نشان می‌دهد که شاخص‌های حاشیه‌نشینی ۰/۷۲۶ رابطهٔ بین متغیرها مستقل و وابسته را در محلات حاشیه‌نشین شهر مورد مطالعه را تبیین می‌کند. با توجه به جمع‌بندی از یافته‌های تحقیق می‌توان در راستای اثرات حاشیه‌نشینی بر افزایش فقر پیشنهادهایی ارائه کرد که نیازمند توجه در برنامه‌ها و طرح‌های شهرسازی و توسعهٔ استانی در سطح محلات حاشیه‌نشینی شهر مورد مطالعه است:

۱- افزایش سهم بودجه‌های عمرانی مسکن در محلات شهری مشهد و ایجاد اشتغال‌زایی

۲- تشویق و ترغیب بخش خصوصی از طریق اعمال سیاست‌های حمایتی نظیر معافیت‌های مالیاتی و عوارض در زمینهٔ ایجاد و توسعهٔ اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

۳- تأمین حداقل اشتغال در محلات حاشیه‌نشین توسط دولت و ایجاد فضایی جهت کسب‌وکارهای کوچک برای آنها

۴-دولت با خصوصی‌سازی و توسعهٔ اشتغال ضمن جلوگیری از بسیاری از آثار سوء بیکاری در بلندمدت با کاهش متغیر حضور تعداد اعضای بیکار در یک خانوادهٔ حاشیه‌نشین را کاهش دهد.

۵-تغییر چهارچوب سازمانی و اصلاح قوانین دست‌وپاگیر با توجه به رعایت مقررات دولتی و نیازهای محلات حاشیه‌نشین

۴-تدوین و اجرای قوانین شفاف، جامع و معقول مسکن در راستای توسعهٔ حاشیه‌نشینی و سلامت شهری

۵-فرهنگ‌سازی و آموزش مردم برای مشارکت در بافت‌های حاشیه‌نشین

۶-توسعهٔ امکانات زیربنایی و زیرساختی (بهداشتی) محلات محروم متناسب با جمعیت آن مناطق مورد مطالعه

۷-آموزش مدیران و برنامه‌ریزان شهری به اهمیت و ضروت توجه به اصول سیاست‌گذاری و برنامه‌های حاشیه‌نشین شهری

۸- توجه و زمینه‌های ارتقای سلامت افراد مناطق حاشیه‌نشین (ناپایدار) را فراهم کنند و بدین ترتیب عدالت در سلامت از نظر دسترسی به خدمات، بهره‌مندی از خدمات ارائه شده و حفاظت مالی از آنـان در بستر پوشش بیمه همگانی و بهبود کیفیت و کنترل قیمـت خـدمات سلامت مسیر شود.

کتابنامه

۱. ربانی، ر؛ وارثی، ح.ر؛ عریضی، ف.ا؛ و حسینی، م. ر . (۱۳۸۵). بررسی عؤامل مؤثر بر شکل‌گیری مسئلهٔ حاشیه‌نشینی و پیامدهای اجتماعی آن در شهر اهواز. *مجلهٔ جغرافیا و توسعه*، ۴ (۷)،۸۹-۱۱۴.

۲. ربانی، ر؛ کلانتری، ص؛ و باروی، ن. (۱۳۸۳). پدیدهٔ حاشیه‌نشینی و پیامدهای اجتماعی، فرهنگی آن (ارزنان و دارک اصفهان). *مجلهٔ پژوهشی دانشگاه اصفهان*، *۷*(۲)،۱۱۹-۱۵۴.

۳. روستایی، ش؛ زادولی، ف؛ و زادولی‌خواجه، ش. (۱۳۹۴). تحلیل فضایی پراکنش فقر اجتماعی در مناطق حاشیه‌نشین، نمونه موردی: مناطق حاشه‌نشین شمال شهر تبریز. *فصلنامهٔ برنامه‌ریزی توسعهٔ شهری و منطقه‌ای*،*۱* (۱)،۷۲-۹۸.

۴. ساعی‌فر؛ م. (۱۳۹۴). *بررسی روند و تغییرات جمعیت حاشیه‌نشینی دراستان تهران از سال ۱۳۹۰-۱۳۷۵ (با استفاده از داده‌های آماری، سنجش از دور و سیستم اطلاعات جغرافیایی)*. پایان‌نامهٔ کارشناسی‌ارشد، دانشکدهٔ روانشناسی و علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

۵. سلیمانی‌مقدم، ه؛ پرنداور، س؛ و فرهادی، ج. (۱۳۹۸). نقش استراتژی توسعهٔ شهری در جمعیت‌پذیری حاشیهٔ شهر مشهد. *پژوهشنامهٔ خراسان بزرگ*،۳۴، ۳۳-۵۰.

۶. شیعه، ا؛ حبیبی، ک؛ و کمالی‌نسب، ح. (۱۳۹۰). فرایند شکل‌گیری و گسترش سکونتگاه‌های غیررسمی نمونه موردی، محله سهرابیه کرج. *نشریهٔ مسکن و محیط روستا*،۳۰(۱۳۳)، ۳۹-۴۸.

۷. صالحی‌امیری، س. ر؛ و خدایی، ز. (۱۳۸۹). ویژگی‌ها و پیامدهای اسکان غیررسمی و حاشیه‌نشینی شهری. *مجلهٔ بررسی مسائل اجتماعی ایران*، *۱*(۳)، ۶۶-۸۰.

۸. ملک‌افضلی، ع. ا؛ کلانتری، م؛ و بهارستانی، ش. (۱۳۹۷). بررسی شاخصه‌های توسعهٔ پایدار در محله‌های حاشیه‌نشین، مطالعه موردی: محله قلعه‌کامکار قم. *فصلنامهٔ شهر پایدار*، *۱*(۳)، ۸۱-۹۴.

9. Adato, M., & Bassett, L. (2009). Social protection to support vulnerable children and families: the potential of cash transfers to protect education, health and nutrition. *AIDS care, 21*(sup1), 60-75.
10. Agarwal, S., & Taneja, S. (2005). Agarwal, S., & Taneja, S. (2005). All slums are not equal: child health conditions among the urban poor. *Indian Pediatrics, 42*(3), 233-244.
11. Antwi-Agyei, P., Dwumfour-Asare, B., Amaning Adjei, K., Kweyu, R., & Simiyu, S. (2020). Understanding the barriers and opportunities for effective management of shared sanitation in low-income settlements—the case of Kumasi, Ghana. *International journal of environmental research and public health, 17*(12), 4528.
12. Davis, M. (2004). "Planet of Slums" (Urban Involution and the Informal Proletariat), *New Left Review, No. 26*. pp5-34.
13. Dyson, T. (2011). The role of the demographic transition in the process of urbanization*. Population and development review, 37*, 34-54.
14. Gulis, G., Mulumba, J. A. A., Juma, O., & Kakosova, B. (2004). Health status of people of slums in Nairobi, Kenya. *Environmental research, 96*(2), 219-227.
15. Hao, P., Sliuzas, R., & Geertman, S. (2011). The development and redevelopment of urban villages in Shenzhen*. Habitat International, 35*(2), 214-224.
16. Izutsu, T., Tsutsumi, A., Islam, M. A., Matsuo, Y., Yamada, H. S., Kurita, H., &..... Wakai, S. (2005). Validity and reliability of the Bangla version of WHOQOL-BREF on an adolescent population in Bangladesh. *Quality of Life Research, 14*(7), 1783-1789.
17. Jaitman, L., & Brakarz, J. (2013). Evaluation of Slums Upgrading Programs, Literature Review and Methodological Approaches. December 2020IOP *Conference Series Materials Science and Engineering 974*(1),012032.
18. Jones, L., Bellis, M. A., Wood, S., Hughes, K., McCoy, E., Eckley, L., ... & Officer, A. (2012). Prevalence and risk of violence against children with disabilities: a systematic review and meta-analysis of observational studies. *The Lancet*, *380*(9845), 899-907.

19. Mberu, B. U., Haregu, T. N., Kyobutungi, C., & Ezeh, A. C. (2016). Health and health-related indicators in slum, rural, and urban communities: a comparative analysis. *Global health action, 9*(1), 33163.
20. Nallari, A. (2015). "All we want are toilets inside our homes!" The critical role of sanitation in the lives of urban poor adolescent girls in Bengaluru, India. *Environment and Urbanization, 27*(1), 73-88.
21. Pérez-Casas, M. (2017). Impact Evaluation for Comprehensive Slum Upgrading Projects: Effects in Housing Deficits, Health, Poverty, Security and Life Quality in Nicaragua. Health, Poverty, Security and Life Quality in Nicaragua. *Elsevier BV,4*,1-25.
22. Rani, D., Singh, J. K., Acharya, D., Paudel, R., Lee, K., & Singh, S. P. (2018). Household food insecurity and mental health among teenage girls living in urban slums in Varanasi, India: a cross-sectional study. *International journal of environmental research and public health*, *15*(8), 1585.
23. Riley, L. W., Ko, A. I., Unger, A., & Reis, M. G. (2007). Slum health: diseases of neglected populations. *BMC international health and human rights*, *7*(1), 1-6.
24. Singh-Manoux, A., Martikainen, P., Ferrie, J., Zins, M., Marmot, M., & Goldberg, M. (2006). What does self-rated health measure? Results from the British Whitehall II and French Gazel cohort studies. *Journal of Epidemiology and Community Health, 60*, 364– 372.
25. Stren, R. (2014). Urban service delivery in Africa and the role of international assistance. *Development Policy Review 32*(S1): S19–S37.
26. Turok, I., & Borel-Saladin, J. (2018). The theory and reality of urban slums: Pathways-out-of-poverty or cul-de-sacs?. *Urban Studies*, *55*(4), 767-789.
27. Unger, A., & Riley, LW. (2007). Slum health: from understanding to action. *PLoS Med 4*(10), 1561-1566.
28. UN-Habitat. (2012). Prosperity of Cities: State of the World's Cities 2012/2013, *Nairobi: UNHabitat*. https://unhabitat.org/prosperity-of-cities-state-of-the-worlds-cities-20122013
29. Obeng-Odoom, F. (2016). The state of African cities 2014. *Journal of Asian and African studies, 51*(4), 389-397.
30. United Nations New York. (2019). *World Urbanization Prospects The 2018*. https://population.un.org/wup/assets/WUP2018-Report.pdf
31. United Nations. (2018). *World urbanization Prospects*: The 2018 revision.

Journal of Geography and Regional Development Vol 23, No. 3 (2025) – Serial Number 52

Presenting the Empirical Model of Determinants of Rural Women's Empowerment in the Medicinal Plants Sector (Case Study: Chaharmahal and Bakhtiari Province)[1]

Ayda Alahdinivandi
PhD student in Geography and Rural Planning, University of Isfahan, Isfahan, Iran

Yousef Ghanbari[2]
Associate Professor of Geography and Rural Planning, University of Isfahan, Isfahan, Iran

Hamid Barghi
Associate Professor of Geography and Rural Planning, University of Isfahan, Isfahan, Iran

Received: March 25, 2024 Revised: May 28, 2024 Accepted: June 1, 2024

Abstract

Given the high potential of activities in the agricultural sector, empowering rural women in the cultivation and production of medicinal plants would be an appropriate strategy for improving the social and economic status of rural women. However, a review of studies shows that scant attention has been paid to this issue. Considering that Chaharmahal and Bakhtiari Province is one of the hubs of medicinal plant production in Iran, this study aims to present an empirical model of the determinants of rural women's empowerment in the medicinal plants sector in this province. This is a quantitative-applied study that combines descriptive-analytical methods with structural equations. The statistical population includes all rural women in Chaharmahal and Bakhtiari Province, among whom a sample of 209 individuals was surveyed. SPSS and Amos software were used to analyze the data. The results showed that the four dimensions of

1. The article is extracted from the PhD thesis of the first author submitted to the University of Isfahan.

2. Corresponding Author. Email: y.ghanbari@geo.ui.ac.ir

©2024 The author(s). This is an open access article under the CC BY license: https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/

How to cite this article: Alahdinivandi, A. , Ghanbari, Y. and Barghi, H. (2025). Presenting the Empirical Model of Determinants of Rural Women's Empowerment in the Medicinal Plants Sector (Case Study: Chaharmahal and Bakhtiari Province). Journal of Geography and Regional Development, 23(3),57-91. Doi: 10.22067/jgrd.2024.87397.1416

rural women's empowerment in the medicinal plants sector (economic empowerment, social and cultural, environmental, and individual and psychological dimensions) are undesirable. The main determinants of rural women's empowerment in the medicinal plants sector are: formation and development of cooperatives, efficient government support, classes and training courses, land ownership, and income. The final model indicates that these factors explain 70% of the variance in the dependent variable. Practical recommendations, such as targeted allocation of bank credits, development of multi-purpose cooperatives, and organizing skill-oriented training courses, can enhance empowerment. By focusing on the climatic capacities of the province, this research fills a research gap in this field and could serve as a basis for policymaking.

Keywords: Rural Development, Rural Women's Empowerment, Medicinal Plants, Chaharmahal and Bakhtiari Province.

https://doi.org/10.22067/jgrd.2024.87397.1416
مقالهٔ پژوهشی

ارائهٔ مدل تجربی تعیین‌کننده‌های توانمندسازی زنان روستایی در بخش گیاهان دارویی (مورد مطالعه: استان چهارمحال و بختیاری)[1]

آیدا الالدین‌وندی (دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی،دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران)
ayda.alahdini@gmail.com

یوسف قنبری (دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران، نویسندهٔ مسئول)
y.ghanbari@geo.ui.ac.ir

حمید برقی (دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران)
h.barghi@geo.ui.ac.ir

چکیده

با توجه به ظرفیت بالای فعالیت در بخش کشاورزی، توانمندسازی زنان روستایی در بخش کشت و تولید گیاهان دارویی می‌تواند استراتژی مناسبی برای ارتقای جایگاه اجتماعی و اقتصادی زنان روستایی باشد. بااین‌وجود بررسی‌ها نشان می‌دهد این موضوع کمتر مورد توجه محققان قرار گرفته است. با توجه به اینکه استان چهارمحال و بختیاری از مناطق کلیدی کشور به لحاظ تولید گیاهان دارویی است، هدف اصلی این پژوهش کمّی و کاربردی که با ترکیبی از روش‌های توصیفی ـ تحلیلی و معادلات ساختاری انجام گرفته است، ارائهٔ مدل تجربی تعیین‌کننده‌های توانمندسازی زنان روستایی در بخش گیاهان دارویی در این استان است. جامعهٔ آماری پژوهش شامل تمامی زنان روستایی استان چهارمحال و بختیاری است که در میان آن‌ها ۲۰۹ نفر به‌عنوان نمونه آماری مورد پرسشگری قرار گرفته‌اند. برای تجزیه‌وتحلیل داده‌ها از نرم‌افزارهای SPSS و Amos استفاده شده است. نتایج پژوهش نشان داد که ابعاد چهارگانهٔ توانمندسازی زنان روستایی در بخش گیاهان دارویی (توانمندی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، زیست‌محیطی و فردی و روان‌شناختی)

۱. این **مقاله مستخرج از رسالهٔ دکتری نویسنده اول در دانشگاه اصفهان است**.

نشریه جغرافیا و توسعه ناحیه ای، سال بیست و سوم، شماره ۳، پاییز ۱۴۰۴، شماره پیاپی ۵۲ صص ۹۱-۵۷
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۰۶ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۳/۰۸ تاریخ تصویب: ۱۴۰۳/۰۳/۱۲

در وضعیت نامناسبی قرار دارد و مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده‌های توانمندسازی زنان روستایی در بخش گیاهان دارویی عبارت‌اند از: تشکیل و توسعهٔ تعاونی‌ها، حمایت کارآمد بخش دولتی، برگزاری کلاس‌ها، دوره‌های آموزشی، میزان مالکیت اراضی و درآمد. مدل نهایی نشان می‌دهد که این عوامل ۷۰ درصد واریانس متغیر وابسته را تبیین می‌کنند و پیشنهادهای عملی مانند تخصیص اعتبارات بانکی هدفمند، توسعهٔ تعاونی‌های چندمنظوره و برگزاری دوره‌های آموزشی مهارت‌محور می‌تواند به ارتقای توانمندسازی کمک کند. این پژوهش با تمرکز بر ظرفیت‌های اقلیمی استان، خلأ مطالعاتی را پر کرده و مبنایی برای سیاست‌گذاری‌های آینده ارائه می‌دهد.

واژگان‌کلیدی: توسعهٔ روستایی، توانمندسازی زنان روستایی، گیاهان دارویی.

۱. مقدمه

با وجود اینکه زنان تقریباً نیمی از جمعیت و نیمی از نیروی کار جهان را تشکیل می‌دهند (اوبایلو و چیمه[1]، ۲۰۲۰: ۳۱۵)، تنها مالک یک‌هزارم کل ثروت جهان هستند و تنها ۱۰ درصد از کل حقوق (دستمزد) جهانی را دریافت می‌کنند (پاکانا[2] و همکاران، ۲۰۲۰: ۳۹۹۴). در خوشبینانه‌ترین حالت در اکثر فعالیت‌ها علی‌رغم فعالیت همسان زنان با مردان، میزان دریافت دستمزد زنان، ۱۰ تا ۳۰ درصد کمتر از مردان است (اوبایلو و چیمه، ۲۰۲۰: ۳۱۵). علاوه‌بر موارد فوق، فقر، سطح سواد پایین، بیکاری (احمدی و فکور[3]، ۲۰۲۰: ۱۸)، محدودیت‌های فرهنگی، مردسالارانه بودن محیط کار، تبعیض جنسیتی، خشونت اجتماعی، ناامنی اجتماعی، محدودیت‌های فرهنگی، کم توجهی به زنان در برنامه‌های توسعه، در نظر نگرفتن فعالیت آن‌ها در منزل به‌عنوان فعالیت اقتصادی و ... از دیگر چالش‌های مختص زنان به‌ویژه زنان روستایی است (جابن[4] و همکاران، ۲۰۲۰: ۳). این در حالی است که در اکثر جوامع سنتی و حتی امروزی، زنان حدود ۵۰ درصد از کل مواد غذایی را تولید

1. Obayelu & Chime
2. Pakkanna
3. Ahmadi & Fakour
4. Jabeen

می‌کنند (وی[1] و همکاران، ۲۰۲۱: ۲) و به‌عنوان بازیگران کلیدی در تولیدات کشاورزی شناخته می‌شوند و در مدیریت فعالیت در بخش کشاورزی نقش مؤثری را ایفا می‌نمایند (رحمان[2] و همکاران، ۲۰۲۳: ۱). زنان علاوه بر فعالیت در بخش کشاورزی، دارای وظایف و تعهدات درون خانواده مانند مراقبت از کودکان و سالمندان، پخت‌وپز و تهیهٔ غذا، نظافت خانه و ... هستند که همهٔ این فعالیت‌ها فاقد دستمزد هستند (جابن و همکاران، ۲۰۲۰: ۳).

براساس دیدگاه صاحب‌نظران، بخش عمده‌ای از توانمندی‌های اجتماعی و اقتصادی یک کشور در گرو میزان توانمندی جمعیت زنان فعال در آن کشور است (بیسواس[3] و همکاران، ۲۰۲۴: ۲) و رشد اقتصادی فراگیر هر کشوری بدون مشارکت زنان امکان‌پذیر نیست (نایک[4] و همکاران، ۲۰۲۴: ۳۰۱). به‌طور کلی مشارکت فعال زنان در سطوح مختلف جامعه ضمن افزایش درآمد آن‌ها، زمینهٔ توسعهٔ هر کشوری را فراهم می‌نماید (بیسواس و همکاران، ۲۰۲۴: ۲).

یک از مؤثرترین راهبردها برای کاهش و یا از بین بردن انواع مختلف چالش‌ها و مشکلاتی که زنان علی‌الخصوص زنان روستایی با آن مواجه هستند، توانمندسازی زنان است (مانوج[5] و همکاران، ۲۰۲۳: ۱). توانمندسازی زنان به‌عنوان پنجمین هدف از اهداف توسعهٔ پایدار در قرن ۲۱ (سهروردی و احمد[6]، ۲۰۲۰: ۹۵۷)، توانمندسازی زنان در سراسر جهان، به‌ویژه کشورهای توسعه‌یافته، به یکی از اولویت‌های اصلی توسعهٔ پایدار تبدیل شده است. درواقع، توانمندسازی زنان به‌عنوان معیاری برای میزان تحقق رفاه آن‌ها در نظر گرفته می‌شود (اختر و چنگ،۲۰۲۰: ۲). بدین ترتیب، توانمندسازی زنان عموماً با هدف بهبود دسترسی آن‌ها به عدالت اجتماعی و ارتقاء سطح رفاه انسانی

1. Wei
2. Rahman
3. Biswas
4. Naik
5. Manoj
6. Soharwardi & Ahmad

صورت می‌گیرد (حقو[1] و همکاران، ۲۰۲۴: ۳). زمانی که زنان توانمند نباشند، دسترسی آن‌ها به منابع فیزیکی و انسانی مورد نیاز برای اتخاذ شیوه‌های تغذیه‌ای بهینه محدود می‌شود و در نتیجه قابلیت کافی برای ارتقاء سطح امنیت غذایی خود و خانواده‌شان را نخواهند داشت. افزون بر این، زنان در مقایسه با مردان تمایل دارند سهم بیشتری از درآمد خانوار را برای خرید مواد غذایی اختصاص دهند. بدین ترتیب، زمانی که زنان توانمندتر باشند، قادر به کسب سطحی از دانش تغذیه‌ای خواهند بود که در بهبود کیفیت تغذیه‌ای خانوار نقش اساسی دارد. بنابراین، درک نقش توانمندسازی زنان در بهبود نظام تغذیه‌ای خانوار و در نتیجه تأمین امنیت غذایی اهمیت ویژه‌ای دارد (مادزورا و همکاران، ۲۰۲۳: ۲).

با توجه به نقش مؤثر زنان روستایی در بخش کشاورزی و تنوع فعالیت‌های این بخش کلیدی توسعهٔ اقتصادی (رحمان و همکاران، ۲۰۲۳: ۱)، فعالیت در بخش کشت و تولید گیاهان دارویی، می‌تواند در ابعاد مختلف توسعهٔ روستایی از جمله توانمندسازی زنان روستایی مؤثر باشد. فعالیت در بخش گیاهان دارویی می‌تواند ضمن کاهش چالش‌های مختلف نواحی روستایی (جعفری و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۷۴)، می‌تواند زمینه‌ساز تنوع شغلی، درآمدزایی، افزایش پس‌انداز، ارتقای کیفیت زندگی، کاهش نابرابری‌ها و ارتقای سطح بهداشت و درمان، کاهش مصرف منابع آب (کمترین نیاز آب برای رشد)، حفاظت از محیط زیست و افزایش آگاهی زیست‌محیط گردد (دهبان‌نژادیان[2] و همکاران، ۲۰۲۳: ۲۰).

ایران به واسطهٔ ظرفیت‌های جغرافیایی و اقلیمی متنوع (از ۱۳ اقلیم جهانی ۱۱ اقلیم در ایران وجود دارد) و همچنین وجود ۸۵۰۰ گونه گیاهی، از کشورهای مستعد در زمینهٔ تولید گیاهان دارویی است (جعفری و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۷۴). در ایران کشت گیاهان دارویی و معطر از دیرباز در نظام‌های سنتی کشاورزی جایگاه ویژه‌ای داشته و این سیستم‌ها نقش مهمی در ایجاد تنوع و پایداری داشته‌اند

1. Haque
2. Dehban Nejadian

(کشت[1] و همکاران، ۲۰۲۱: ۲). با این اوصاف می‌توان از فعالیت در بخش گیاهان دارویی به‌عنوان یکی از بسترهای کلیدی توانمندسازی جامعه روستایی به‌ویژه زنان روستایی یاد کرد.

در ۸۰۳ روستای دارای سکنهٔ استان چهارمحال و بختیاری، ۳۳۰۲۷۳ نفر (معادل ۳۴/۸۵ درصد جمعیت استان) زندگی می‌کنند که از این تعداد ۴۶۵۴۰۷ (۴۹/۱ درصد جمعیت روستایی استان) را زنان روستایی تشکیل می‌دهند (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). با توجه به اینکه حدود نیمی از جمعیت روستایی استان را گروه زنان تشکیل می‌دهند، استفاده از این بخش از نیروی انسانی در راستای دستیابی به اهدف اصلی توسعهٔ پایدار روستایی از ضروریات است. سکونتگاه‌های روستایی استان چهارمحال و بختیاری به لحاظ برخورداری از گیاهان دارویی از جمله موسیر، آویشن، کرفس کوهی، زره سبز، گل گاوزبان، زعفران و ...، از مناطق مطرح کشور هستند که براساس آمار رسمی سالانه حدود ۱۰۰۰ تن از انواع گیاهان دارویی در این استان تولید می‌شود (جهادکشاورزی استان چهارمحال و بختیاری، ۱۳۹۸). از یک طرف با توجه به اهمیت توانمندسازی در ارتقای جایگاه اقتصادی و اجتماعی زنان و همچنین نقش توانمندسازی زنان در راستای نیل به توسعهٔ پایدار روستایی و از طرف دیگر با توجه به ظرفیت‌های متعدد سکونتگاه‌های روستایی استان چهارمحال و بختیاری در زمینهٔ کشت و تولید گیاهان دارویی و مزایای متعدد فعالیت در این بخش، توانمندسازی زنان روستایی استان در بخش گیاهان دارویی می‌تواند منجر به ارتقایِ امنیت غذاییِ ساکنان روستاها و ارتقای جایگاه اقتصادیشان مؤثر واقع شود.

با توجه به مطالب بیان‌شده و از آنجایی که تاکنون بررسی جامعی در زمینهٔ توانمندسازی زنان روستایی در بخش تولید گیاهان دارویی در استان چهارمحال و بختیاری صورت نگرفته است، در هدف اصلی این پژوهش کمی و کاربردی، ارائه یک مدل تجربی برای شناسایی و تبیین عوامل تعیین کننده توانمند سازی زنان روستایی فعال در بخش تولید گیاهان دارویی استان چهارمحال بختیاری

1. Khesht

است. این پژوهش با بهره گیری از روش‌های توصیفی-تحلیلی و مدل سازی معادلات ساختاری انجام شده است.

۲. پیشینهٔ تحقیق

جوانبخت و اسمعیلی (۱۳۹۳)، در بررسی "مطالعهٔ ترجیحات افراد مختلف در مصرف گیاهان دارویی در شهر تبریز" به این نتیجه رسیده‌اند که هر چه میزان آگاهی افراد از گیاهان دارویی و اثرات درمانی آنها بیشتر می‌شود، مصرف آنها نیز افزایش می‌یابد. همچنین زنان بیشتر از مردان تمایل به مصرف گیاهان دارویی دارند. پس با توجه به اهمیت سطح آگاهی افراد در مصرف گیاهان دارویی، می‌توان با افزایش آگاهی آنها نسبت به این گیاهان، نه‌تنها سلامت آنها را با افزایش مصرف گیاهان دارویی تأمین نمود، بلکه قدرت اقتصادی افراد را نیز به دلیل هزینهٔ پایین‌تر گیاهان دارویی نسبت به داروهای شیمیایی افزایش داد.

نتایج پژوهش نجفی‌کانی و وصال (۱۳۹۴) با هدف بررسی نقش مدیریت محلی در توانمندسازی زنان روستایی دهستان استرآباد جنوبی در شهرستان گرگان نشان داد که مدیران محلی با ایجاد فرصت‌های شغلی، افزایش درآمد، تقویت و توسعهٔ تعاونی‌ها و تشکّل‌های زنان و توجه به مهارت‌های زنان روستایی، عملکرد مثبتی را در توانمندسازی زنان روستایی داشته‌اند. جعفری و همکاران (۱۳۹۶) "در پژوهشی با هدف بررسی و تحلیل اثرات تولید گیاهان دارویی در پایداری اقتصاد روستاهای شهرستان قوچان" نشان دادند که حمایت دولت عامل مهمی در افزایش گرایش جامعهٔ روستایی به کشت گیاهان دارویی است.

نتایج پژوهش رضایی و همکاران (۱۳۹۶)، با عنوان «عامل‌های مؤثر بر قصد استفادهٔ زنان روستایی از گیاهان دارویی در شهرستان کرج» نشان دادند که متغیرهای هنجارهای اجتماعی و کنترل رفتاری درک شده دارای اثری مثبت و معنی‌دار بر نگرش زنان روستایی نسبت به استفاده از گیاهان دارویی بودند. همچنین براساس نتایج پژوهش مشخص شد که متغیرهای هنجارهای اجتماعی کنترل رفتاری

درک شده و نگرش اثری مثبت و معنی‌دار بر قصد استفادهٔ زنان روستایی از گیاهان دارویی داشته است.

نتایج پژوهش سعیدی و همکاران (۱۳۹۷) با هدف "بررسی نقش صندوق‌های اعتبارات خرد بر توانمندسازی اقتصادی زنان روستایی شهرستان چرداول" نشان داد میان متغیرهای مستقل پژوهش (درآمد ماهیانه خانوار، برگزاری کلاس‌ها و دوره‌های حرفه‌آموزی، مشارکت زنان در طرح خودکفایی، متنوع‌سازی درآمد و مشاوره اجتماعی ـ شغلی) با متغیر وابستهٔ پژوهش (توانمندی اقتصادی زنان روستایی) ارتباط آماری معنی‌داری وجود دارد. تاراسی و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی با هدف بررسی رابطهٔ ظرفیت‌سازی و توانمندسازی زنان روستایی در شهرستان زنجان نشان دادند توانمندسازی زنان روستایی شهرستان زنجان در سطح نامناسبی قرار دارد و میان ظرفیت‌های اقتصادی، اجتماعی، محیطی و نهادی با توانمندسازی زنان روستایی ارتباط آماری معنی‌داری وجود دارد. نتایج پژوهش عظیمی و همکاران (۱۴۰۱) با هدف "ارائهٔ الگویی برای توانمندسازی زنان در روستاهای شهرستان کرمانشاه" نشان داد آموزش هدفمند و مستمر زنان، تحول در اقدامات حمایتی از زنان و بازآفرینی ساختار برنامه‌ریزی توسعهٔ کشور با تأکید بر حمایت از زنان، از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر توانمندسازی زنان روستایی هستند.

ششادری[1] و همکاران (۲۰۲۰) در مطالعه‌ای با هدف ارائهٔ چارچوب یادگیری تحول‌آفرین در راستای توانمندسازی زنان در روستاهای هند به این نتیجه رسیدند که آموزش مهارت‌های زندگی و فنی و حرفه‌ای نقش مؤثری را در توانمندسازی زنان روستایی داشته است. پاکانا و همکاران (۲۰۲۰) در مطالعه‌ای با هدف بررسی اثر مؤسسات خرد مالی از طریق تشکل تعاونی‌ها بر توانمندسازی زنان روستایی منطقهٔ تنگرنگ[2] در کشور اندونزی نشان دادند تعاونی‌های زنان روستایی به واسطه حمایت‌های مالی از زنان، در توسعهٔ توانمندسازی زنان روستایی موفق عمل کرده‌اند. یافته‌های

1. Sheshadri
2. Tangerang

پژوهش بانرجی[1] (۲۰۲۰) در خصوص توانمندسازی زنان روستایی در هند در طول پاندمی کووید-۱۹ نشان داد فعالیت‌های مشارکتی و مهارت‌آموزی از عوامل مؤثر بر توانمندسازی زنان روستایی است. نتایج مطالعهٔ اوبایلو و چیمه (۲۰۲۰) در خصوص محرک‌های توانمندسازی زنان در روستاهای نیجریه نشان داد توانمندسازی زنان روستایی در سطح پایینی قرار دارد و تحصیلات، سرپرست خانوار بودن زنان و بعد خانوار، با توانمندسازی زنان دارای ارتباط آماری مثبت و معنی‌دار بوده‌اند.

مادزوره[2] و همکاران (۲۰۲۳)، در تحقیقی با عنوان «زنان و تصمیم‌گیری در کشاورزی با کیفیت رژیم غذایی» نشان داده‌اند زمانی که زنان توانمند نباشند، دسترسی آن‌ها به منابع فیزیکی و انسانی مورد نیاز برای اتخاذ شیوه‌های تغذیه‌ای بهینه برای بهبود سلامتشان محدود می‌شود. زنان تمایل دارند نسبت بیشتری از درآمد خانوار را نسبت به مردان برای خرید مواد غذایی اختصاص دهند. همچنین، زمانی که زنان در تصمیم‌گیری مشارکت بیشتری داشته و از دانش تغذیه‌ای برخوردار باشند، می‌توانند با استفاده از این دانش، رژیم غذایی باکیفیت‌تری را برای خود و خانواده‌شان فراهم کنند. بنابراین، درک نقش توانمندسازی زنان، مشارکت و تصمیم‌گیری آن‌ها در کشاورزی و تأثیر آن بر تغذیه، اهمیت ویژه‌ای دارد.

نتایج پژوهش جمانه و شیبشی (۲۰۲۳)، در تحقیقی با عنوان «توانمندسازی زنان در کشاورزی و تأثیر آن بر امنیت غذایی خانوار: شواهدی از منطقه گامو در جنوب اتیوپی. کشاورزی و امنیت غذایی» نشان داد که افزایش توانمندسازی زنان به‌طور مثبت و معنی‌دار با همهٔ شاخص‌های امنیت غذایی ارتباط دارد و نقش کلیدی در تولید و تضمین امنیت غذایی در جوامع کشاورزی دارد. سازمان‌های مربوطه باید توجه ویژه‌ای به ترویج توانمندسازی زنان و برنامه‌های امنیت غذایی همچنین داشته باشند و از اولویت‌بندی آموزش زنان و ترویج تنوع کشاورزی (در زمینهٔ محصولات کشاورزی و

1. Banerjee
2. Madzora

دامداری) و استراتژی‌های تنوع درآمد خارج از مزرعه به‌عنوان سرمایه‌گذاری‌های ارزشمند برای بهبود امنیت غذایی خانوار بهره‌مند شوند.

نتایج پژوهش اشفق[1] و همکاران (۲۰۲۳) با هدف شناسایی عوامل تعیین‌کنندهٔ توانمندسازی زنان روستایی در پاکستان نشان داد دسترسی به اعتبار، وضعیت تأهل، رسانه‌های جمعی، اشتغال و تحصیلات، از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر توانمندسازی زنان روستایی هستند. بیسواس[2] و همکاران (۲۰۲۴) در مطالعه‌ای در خصوص بررسی نقش قانون ضمانت اشتغال روستایی ملی مهاتما گاندی بر توانمندسازی زنان در مناطق بنگال غربی در کشور هند نشان دادند این قانون دولتی با افزایش روزهای کاری سالانه زنان و درآمد آن‌ها اثر قابل توجهی را بر توانمندسازی زنان روستایی داشته است.

کهیند و همکاران (۲۰۲۴)، در مقاله‌ای با عنوان «رابطهٔ بین ارزش افزوده در ذرت و توانمندسازی زنان روستایی: شواهدی از ایالت اوسون، نیجریه» نشان دادند که زنان روستایی در ایالت اوسون که عمدتاً در زنجیرهٔ ارزش ذرت مشغول هستند، به دلیل عوامل مختلف اجتماعی–اقتصادی عمدتاً با سطوح پایین توانمندسازی روبه‌رو هستند. توصیه‌ها شامل حمایت دولت از ابتکارات توسعهٔ مالی، آموزشی و مهارتی و تسهیلات اعتباری است. این اقدامات با هدف توانمندسازی زنان روستایی و تقویت مشارکت آنها در فعالیت‌های زنجیرهٔ ارزش، در نتیجهٔ ارتقای برابری جنسیتی و بهبود معیشت آنها انجام می‌شود. بااین‌حال، مطالعه نشان می‌دهد که بسیاری از این زنان به دلیل محدودیت‌های مختلف، از جمله دسترسی محدود به منابع، آموزش و فناوری، نمی‌توانند به‌طور کامل از مزایای ارزش افزوده ذرت بهره‌مند شوند.

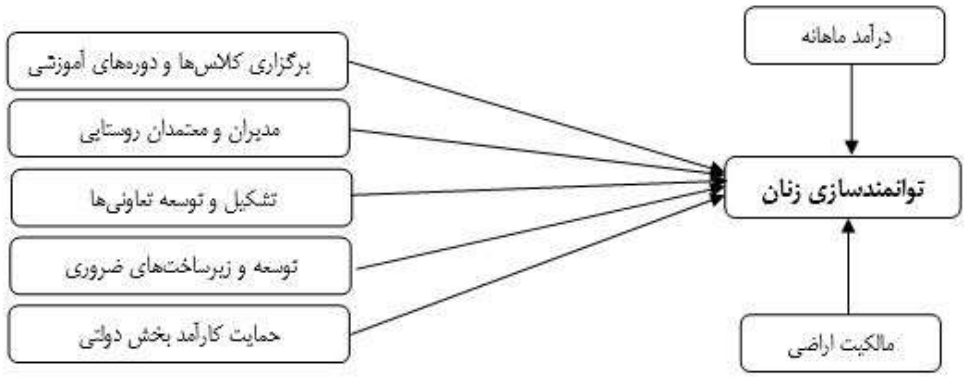
1. Ishfaq
2. Biswas

نتایج پژوهش حقو[1] و همکاران (۲۰۲۴) با هدف شناسایی عوامل مؤثر بر توانمندسازی زنان روستایی بنگلادش نشان داد وضعیت توانمندسازی زنان در سطح پایینی قرار دارد و متغیرهای سال‌های تحصیل زنان و بعد خانوار، دارای ارتباط آماری مثبت با توانمندسازی زنان روستایی هستند. نینگومبام و بودولوی[2] (۲۰۲۴) در مطالعهٔ خود با هدف بررسی اثرات طرح توانمندی معیشت و تأثیر آن بر توانمندسازی زنان روستایی در ناحیهٔ موریگان در آسام کشور هند نشان دادند طرح دولتی مذکور توانسته است در توانمندسازی زنان روستایی اثر قابل توجهی را بر جای بگذارد.

نتایج پژوهش بخاری و همکاران (۲۰۲۳)، درخصوص سطح توانمندسازی در بین زنان روستایی سند (پاکستان) که در قالب یک تحلیل اجتماعی بود، نشان داد که زنان روستایی سند از نظر اجتماعی، روان‌شناختی، اقتصادی و سیاسی دارای زمینهٔ اجتماعی–اقتصادی ضعیفی هستند. این مطالعه همچنین توصیه‌هایی برای توانمندسازی بانوان در مناطق روستایی پاکستان ارائه می‌دهد. این توصیه‌ها شامل سیاست‌گذاری قوی به همراه معرفی طرح‌های مختلف در حمایت از امنیت جنسیتی توسط دولت‌های استانی و فدرال و اتخاذ تدابیر سخت جهت اجرای سیاست‌ها است.

بررسی و مرور پیشینهٔ پژوهش نشان می‌دهد علی‌رغم انجام مطالعات متعدد در خصوص توانمندسازی زنان روستایی در زمینه‌های مختلف، تاکنون درخصوص توانمندسازی زنان روستایی در بخش تولید گیاهان دارویی مطالعه‌ای صورت نگرفته است. از این‌رو پژوهش حاضر به لحاظ موضوع مورد بررسی دارای نوآوری است و می‌تواند شکاف مطالعاتی در این زمینه را تا حدودی تکمیل نماید و مبنایی برای سایر مطالعات در آینده باشد.

1. Hogho
2. Ningombam & Bordoloi



شکل ۱.مدل مفهومی تحقیق

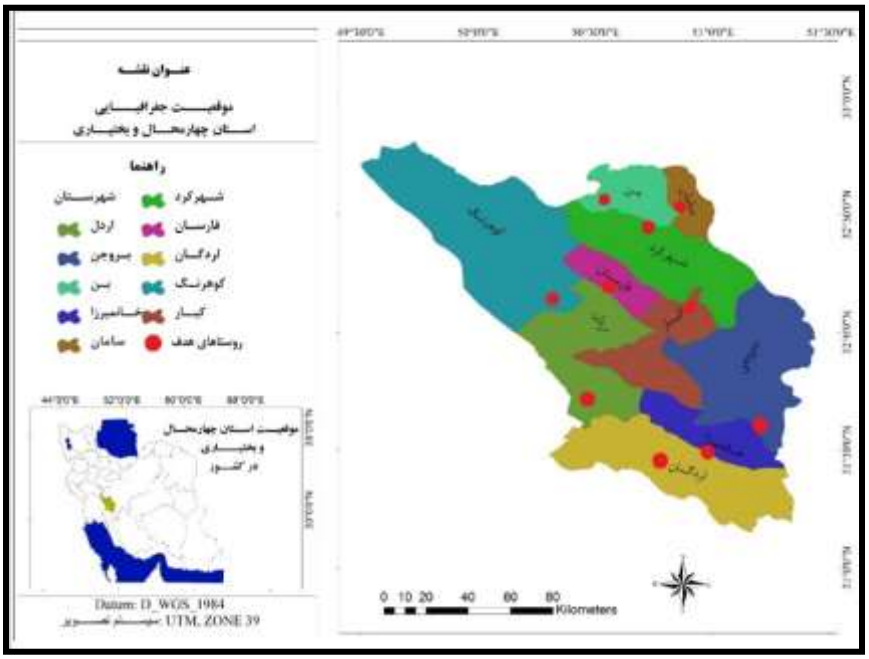
مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۲)

۳. روش‌شناسی تحقیق

هدف اصلی پژوهش کمّی و کاربردی حاضر، ارائهٔ مدل تجربی تعیین‌کننده‌های توانمندسازی زنان روستایی در بخش گیاهان دارویی است. قلمرو مکانی پژوهش استان چهارمحال و بختیاری است و به لحاظ زمانی، این پژوهش تک‌مقطعی است که در بازه زمانی ۹ ماهه (خرداد تا اسفند سال ۱۴۰۲) انجام گرفته است. جامعهٔ آماری پژوهش شامل تمامی زنان روستایی استان چهارمحال و بختیاری است و با توجه به محدودیت‌های زمانی، مالی و دشواری دسترسی به تمامی زنان روستایی، امکان سرشماری وجود نداشته است و با استفاده از جدول بارتلت[1] و همکاران (۲۰۰۱) که یکی از روش‌های متداول و پرکاربرد برآورد حجم نمونه است، تعداد ۲۰۹ نفر از زنان روستایی به‌عنوان نمونه آماری در نظر گرفته شده‌اند (سطح خطای ۱ درصد و حاشیه خطای ۰/۰۳). برای توزیع پرسشنامه‌ها در محدودهٔ مورد مطالعه با توجه به گستردگی محدودهٔ مورد مطالعه، ۱۰ روستا به روش هدفمند انتخاب گردید (شکل۲). انتخاب روستاها به گونه‌ای بوده است که نمایندهٔ مناسبی برای

1. Bartlett

شهرستان خود باشند و این مهم با کسب نظرات اساتید دانشگاهی و کارشناسان و محققان استان چهارمحال و بختیاری انجام شده است. در نهایت متناسب با جمعیت زنان هر روستا، پرسشنامه‌ها به صورت کاملاً تصادفی در میان زنان توزیع و تکمیل گردیده است (جدول ۱).



شکل ۲- موقعیت روستاهای هدف مطالعه در استان چهارمحال و بختیاری

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۲)

جدول ۱- اسامی روستاهای هدف و تعداد پرسشنامه توزیع شده در آن‌ها

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۲)

ردیف	شهرستان	دهستان	روستا	زنان	پرسشنامه توزیع شده
۱	شهرکرد	حومه	هرچگان	۹۸۹	۲۴
۲	بروجن	دوراهان	دوراهان	۳۰۵	۷
۳	فارسان	میزدج علیا	ده چشمه	۲۱۵۳	۵۳

ردیف	شهرستان	دهستان	روستا	زنان	پرسشنامه توزیع شده
۴	لردگان	میلاس	دهنو میلاس	۱۷۴	۵
۵	اردل	شلیل	شلیل سلفی	۲۱۷	۵
۶	کوهرنگ	دوآب	دزک علیا	۱۲۶	۵
۷	کیار	کیار شرقی	سرتشنیز	۱۴۳۹	۳۵
۸	سامان	هوره	سوادجان	۶۲۸	۱۵
۹	بن	وردنجان	بارده	۱۱۴۷	۲۸
۱۰	خانمیرزا	خانمیرزا	بردبر	۱۳۰۲	۳۲
مجموع	-	-	۱۰	۸۴۸۰	۲۰۹

لازم به ذکر است ابزار اصلی جمع‌آوری داده‌های میدانی، پرسشنامهٔ محقق‌ساخته است که روایی (صوری) آن با مراجعه به اساتید دانشکده علوم جغرافیایی و برنامه‌ریزی دانشگاه اصفهان و چند نفر از اساتید دیگر دانشگاه پس از چندین مرحله اصلاح، تأیید شده است. برای بررسی پایایی ابزار مورد استفاده از پیش آزمون با تعداد ۳۰ پرسشنامه استفاده شده است. پیش آزمون در روستای سرمازه از توابع شهرستان اردل انجام گرفته است. ضریب آلفای کرونباخ حاصل شده برای ابعاد مختلف پرسشنامه، بیشتر از ۰/۷ بود و نشانگر پایایی پرسشنامه طراحی شده بود (جدول ۲). پرسشنامهٔ مذکور در سه بخش اصلی طراحی شده است (جدول ۲). بخش اول ویژگی‌های شخصی و جمعیت‌شناختی زنان و بخش دوم به پنج متغیر کیفی مرتبط به توانمندسازی زنان روستایی اختصاص دارد. بخش سوم پرسشنامه به ابعاد اصلی توانمندسازی زنان روستایی اختصاص دارد. بخش دوم و سوم پرسشنامه در قالب طیف پنج قسمتی لیکرت (بسیار کم = ۱، کم = ۲، متوسط = ۳، زیاد = ۴ و بسیار زیاد = ۵) طراحی شده است. برای تجزیه‌وتحلیل داده‌ها، از نرم‌افزارهای SPSS و Amos استفاده شده است.

جدول ۲- جزئیات پرسشنامه طراحی شده و ضرایب پایایی

مأخذ: لطیفی و همکاران (۱۳۹۳)، نجفی‌کانی و وصال (۱۳۹۴)، فاضل و همکاران (۱۳۹۶)، جعفری و همکاران (۱۳۹۶)، سعیدی و همکاران (۱۳۹۷)، عظیمی و همکاران (۱۴۰۱)، ظفری‌نسب و همکاران (۱۴۰۲)، ششادری و همکاران (۲۰۲۰)، پاکانا و همکاران (۲۰۲۰)، بانرجی (۲۰۲۰)، اوبایلو و چیمه (۲۰۲۰)، شارما و داس (۲۰۲۱)، وی و همکاران (۲۰۲۱)، باسوامتاری و همکاران (۲۰۲۲)، اشفق و همکاران (۲۰۲۳)، مانوج و همکاران (۲۰۲۳)، بیسوال و همکاران (۲۰۲۳)، بیسواس و همکاران (۲۰۲۴)، حقو و همکاران (۲۰۲۴)، نینگومبام و بودولوی (۲۰۲۴)، دار و موتوکومار (۲۰۲۴)، نایک و همکاران (۲۰۲۴) و نینگومبام و بودولوی (۲۰۲۴).

نوع متغیر	عنوان متغیر	شرح	آلفای کرونباخ
مستقل	ویژگی‌های شخصی و جمعیت‌شناختی	سن، تعداد افراد خانوار، سطح تحصیلات، شغل اصلی، شغل فرعی، سابقه سکونت در روستا، میزان مالکیت کل اراضی (هکتار)، تعداد افراد شاغل در خانواده، داشتن ادوات کشاورزی، دسترسی به اینترنت، درآمد ماهیانه و تحت پوشش بیمه	-
مستقل	تشکیل و توسعهٔ تعاونی‌ها	اثر تشکیل تعاونی‌های روستایی بر (افزایش درآمد، کاهش نقش واسطه‌ها و دلالان، افزایش ارتباط با بازارهای اصلی، افزایش همکاری و مشارکت، افزایش استفاده از تجهیزات جدید، و افزایش جمع‌آوری سرمایه‌های خرد) در بخش گیاهان دارویی	۰/۹۴۳
	برگزاری کلاس‌ها و دوره‌های آموزشی	اثر برگزاری کلاس‌ها و دوره‌های آموزشی بر (افزایش گرایش به فعالیت، برقراری ارتباط آموزشی با کارآفرینان نمونه، بر افزایش محصولات، افزایش دانش و اگاهی و تشویق به استفاده از فضای مجازی وشبکه‌های اجتماعی برای بازاریابی) در بخش گیاهان دارویی	۰/۸۴۳
	حمایت کارآمد بخش دولتی	حمایت (مالی بلاعوض دولتی، حمایت مالی دولتی از طریق وام، تخصیص ادوات و تجهیزات از طریق دولت، خرید تضمینی محصولات، سهولت شرایط دریافت وام از طریق دولت، بازاریابی از طریق دولت و تحت پوشش بیمه قرارگرفتن از طریق دولت) در بخش گیاهان دارویی	۰/۹۳۹
	مدیران و معتمدان روستایی	حمایت (شوراهای روستا، دهیار روستا، معتمدان روستا و افراد نخبه محلی روستا) در بخش گیاهان دارویی	۰/۸۵۱

نوع متغیر	عنوان متغیر	شرح	آلفای کرونباخ
	توسعهٔ زیرساخت‌های ضروری	اثر بهبود وضعیت (راه، اینترنت، کیفیت آب و گاز و برق، صنایع تبدیلی (کارگاه)، کیفیت تجهیزات و ادوات کشاورزی و انبار و سردخانه) در بخش گیاهان دارویی	۰/۹۲۷
وابسته	توانمندی اقتصادی	(کسب درآمد، استقلال مالی، اشتغال، متنوع‌سازی فرصت شغلی، پس انداز، کسب و کارخانگی، فروش محصولات محلی و تشکیل صندوق‌های خرد اعتباری) به واسطه فعالیت در بخش گیاهان دارویی	۰/۷۸۷
	توانمندی اجتماعی و فرهنگی،	(همکاری در امور خانه، سطح آگاهی، اعتماد به یکدیگر، فعالیت‌های مشارکتی و گروهی، استفاده از دانش بومی، ارتقای جایگاه و نقش زنان در جامعه و ماندگاری جمعیت زنان در روستا) به واسطه فعالیت در بخش گیاهان دارویی	۰/۹۶۱
	توانمندی زیست‌محیطی	(حفاظت از منابع آب و خاک، استفاده از کودهای ارگانیک در مزارع و مراتع، حفاظت از گونه‌های گیاهی، توجه به مخاطرات اقلیمی مانند خشکسالی، توجه به کشت محصولات دیم و توجه به توصیه‌های کارشناسان) به واسطه فعالیت در بخش گیاهان دارویی	۰/۹۱
	توانمندی فردی و روانشناختی	(خودباوری، گرایش به ریسک‌پذیری حساب شده، اعتماد به نفس، نوآوری، افزایش انگیزه پیشرفت، استقلال فکری، خوداتکایی و افزایش میزان نقش آفرینی در خانواده) به واسطه فعالیت بخش گیاهان دارویی	۰/۷۰۱

۴. مبانی نظری تحقیق

۴ .۱. ریشهٔ توانمندسازی و تعاریف آن

ریشهٔ کلمه توانمندسازی در کلمهٔ «قدرت[1]» نهفته است. در فرهنگ لغت‌های وبستر و آکسفورد، برای توانمندسازی معانی مانند دادن قدرت یا اختیار و فعال کردن توانایی ذکر شده است (پاکانا و همکاران، ۲۰۲۰: ۳۹۹۶). بررسی‌ها نشان می‌دهد سرآغاز پدیدار شدن اصطلاح «توانمندسازی» به وقوع جنبش‌های کلیدی در سرتاسر تاریخ جهان (به‌ویژه مرتبط با فمینیسم، ضد آپارتاید و آزادی از حکومت استعماری) برمی‌گردد. در اواخر دههٔ ۱۹۷۰، اصطلاح توانمندسازی به‌طور فزاینده‌ای در

1. power

رسانه‌های رسمی، تحقیقات و ادبیات با هدف اصلی حمایت از افراد آسیب دیده مورد استفاده قرار گرفت (شارما و داس[1]، ۲۰۲۱: ۵۹۴).

به‌طور کلی توانمندسازی یک مفهوم چند وجهی است. بانک جهانی توانمندسازی را به‌عنوان «فرایند افزایش ظرفیت یک فرد یا گروه برای انتخاب هدفمند و تبدیل آن انتخاب به اقدامات و نتایج مطلوب» تعریف کرده است (حقو و همکاران، ۲۰۲۴: ۱). در تعریفی دیگر، توانمندسازی به‌عنوان سیستمی تعریف می‌شود که از طریق آن افراد، جوامع و مؤسسات از حقوقی برخوردار می‌شوند که به واسطهٔ آن بر مشکلاتی که آنها را آزار می‌دهد، مسلط شوند (عزیز[2] و همکاران، ۲۰۲۰: ۲). یکی از مهم‌ترین زیربخش‌های مفهوم کلان و چندبعدی توانمندسازی، توانمندسازی زنان است که توسط صندوق توسعهٔ سازمان ملل متحد این‌گونه تعریف شده است: «دسترسی و کنترل بر ابزارهای تأمین معیشت به صورت پایدار و بلندمدت و دریافت منافع مادی از طریق این دسترسی و کنترل» (وی و همکاران، ۲۰۲۱: ۴). در تعریفی دیگر، توانمندسازی زنان فرآیندی است که از طریق آن زنان کنترل بیشتری بر منابع قدرت و دسترسی به آنها پیدا می‌کنند و می‌توانند در تصمیم‌گیری در مورد منابع و محیط مشارکت نمایند (بوذرجمهری و جوانی[3]، ۲۰۲۰: ۷۳). در این میان توانمندسازی زنان روستایی به معنای توانمندسازی این بخش از جامعه برای ایفای نقش پیشرو در توسعهٔ فعال و مشارکت آنان در تصمیم گیری است که یکی از الزامات دستیابی به توسعهٔ پایدار است (قاسمی[4] و همکاران، ۲۰۲۱: ۶). به عبارتی دیگر، توانمندسازی زنان روستایی توأم با افزایش میزان درک هویت، سطح قدرت و ارتقای جایگاه و موقعیت زنان و سطح رفاه آن‌ها است (بیسوال و همکاران، ۲۰۲۳: ۶۰۸).

1. Sharma & Das
2. Aziz
3. Bouzarjomehri & Javani
4. Ghasemi

۲.۴. نظریات مرتبط با توانمندسازی

در میان نظرات و دیدگاه‌های مرتبط با توانمندسازی، در این بخش از پژوهش پرکاربردترین دیدگاه‌ها و نظریات مورد بررسی قرار گرفته است.

۱.۲.۴ نظریهٔ نایلا کبیر[1]

براساس چارچوب مفهومی ارائه شده توسط کبیر، توانمندسازی بر سه بعد منابع، عاملیت و دستاوردها[2] تمرکز دارد. در این نظریه، منابع نه‌تنها شامل دارایی‌های مادی به معنای متعارف اقتصادی می‌شود، بلکه منابع اجتماعی و امکانات ارتباطی مختلفی را نیز در بر می‌گیرد که می‌تواند عاملیت را افزایش دهد. عاملیت به‌عنوان حق و توانایی برای ورود به فرآیند چانه‌زنی خانوار و توانایی بیان نیازهای عملی و منافع استراتژیک تعریف شده است. کلمهٔ دستاورد شامل دستیابی به توانمندسازی در قالب درآمد بیشتر، کاهش آسیب‌پذیری و سطوح بالاتر امنیت غذایی است. ابعاد منابع و عاملیت به‌طور مشترک قابلیت‌های بالقوهٔ یک فرد را برای زندگی کردن به زندگی مورد نظر خود تشکیل می‌دهند. به گفتهٔ چاکرابارتی و بیسواس، توانمندسازی فرآیند افزایش قابلیت‌ها (منابع و عاملیت) افراد برای تبدیل این انتخاب‌ها به دستاوردها و نتایج مطلوب است (عزیز و همکاران، ۲۰۲۰: ۳).

۲.۲.۴. نظریهٔ مالهوترا[3] و همکاران

مالهوترا و همکاران بر این باور هستند که توانمندسازی توسط فرآیند تغییر و عاملیتی که آن را از مفهوم "قدرت" متمایز می‌کند، تعبیه شده است. اولین عنصر «فرآیند» بیانگر این واقعیت است که توانمندسازی یک وضعیت بهبود یافته است و به زنان شمول اجتماعی می‌دهد. بنابراین، توانمند شدن برای داشتن آزادی در اعمال کنترل، انتخاب بدون عواقب شدید و زندگی کردن آن‌گونه که فرد

1. Naila Kabeer
2. resources, agency and achievements
3. Malhotra

مناسب می‌داند، حیاتی است. بنابراین، توانمندسازی ابعاد منابع (پیش‌شرط)، عاملیت (فرآیند) و دستاوردها (نتیجه‌ها) را یکپارچه می‌کند (اوبایلو و چیمه، ۲۰۲۰: ۳۱۷).

۴ .۲ .۳. نظریهٔ فمنیستی

توانمندسازی زنان ریشه در تئوری فمینیستی دارد و تفاسیر و تعاریف در مورد آن متفاوت است (ششادری و همکاران، ۲۰۲۰: ۳). توانمندسازی زنان و برابری جنسیتی اغلب دو روی یک سکه در نظر گرفته می‌شوند؛ به این صورت که پیشرفت به سوی برابری جنسیتی مستلزم توانمندسازی زنان است، از سوی دیگر، توانمندسازی زنان به افزایش برابری جنسیتی کمک می‌کند (وی و همکاران، ۲۰۲۱: ۲). این نظریه چنین ادعا می‌کند که وضعیت شخصی زنان توسط روابط قدرت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی شکل می‌گیرد و دسترسی عادلانه به تمام اشکال قدرت باید به زنان داده شود. فمینیست‌ها به توانمندسازی به‌عنوان چارچوبی نظری نگاه می‌کنند که به افراد کمک می‌کند کنترل بیشتری بر زندگی خود داشته باشند. بنابراین آنها زنان را به ابراز وجود، ایجاد اعتمادبه‌نفس و بازیابی قدرت شخصی، بین فردی و سیاسی خود تا حد امکان در جامعه تشویق کردند. به‌عنوان مثال، مرکز تئوری فمینیستی لیبرال، دولت ایده‌آلی است که به همهٔ شهروندان خود احترام می‌گذارد و از این طریق حقوق برابر و فرصت‌های برابر را برای زنان و مردان اعطا می‌کند و از آنها حمایت می‌کند (اوبایلو و چیمه، ۲۰۲۰: ۳۱۷).

۴ .۳. عوامل مؤثر بر توانمندسازی زنان روستایی

با توجه به ماهیت چندبعدی توانمندسازی زنان روستایی، متناسب با شرایط طبیعی و انسانی حاکم بر فضاهای مختلف جغرافیایی، عوامل متعدد بر روی آن اثرگذار هستند. از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر توانمندسازی زنان روستایی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: اعتبارات خرد مالی (باسوامتاری[1] و همکاران، ۲۰۲۲: ۱؛ نایک و همکاران، ۲۰۲۴: ۳۰۰)، توزیع برابر منابع، فرصت‌های شغلی و توانایی

1. Basumatary

تصمیم‌گیری در داخل خانه، سن، تحصیلات، اشتغال، سرمایهٔ اجتماعی و مالکیت دارایی‌ها (وی و همکاران، ۲۰۲۱: ۳)، دسترسی به منابع و استفاده از آن‌ها (نینگومبام و بودولوی، ۲۰۲۴: ۴)، استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) و کسب‌وکارهایی که توسط زنان اداره می‌شوند (مانوج[1] و همکاران، ۲۰۲۳: ۱).

۴ .۴. ابعاد اصلی توانمندسازی زنان روستایی

به‌طور کلی با توجه به چندوجهی بودن مقولهٔ توانمندسازی، محققان برای سنجش و ارزیابی آن از ابعاد مختلفی استفاده کرده‌اند. در بعضی از مطالعات توانمندسازی زنان روستایی با استفاده از ابعاد آموزشی، اقتصادی، اجتماعی، خانوادگی، سیاسی و روانی بررسی شده است (بیسوال و همکاران، ۲۰۲۳: ۶۰۸). در مطالعات دیگری ابعاد توانمندسازی زنان روستایی شامل توانمندسازی اقتصادی، توانمندسازی اقتصادی اجتماعی و انسانی و توانمندسازی قانونی است (شارما و داس[2]، ۲۰۲۱: ۵۹۵). در این میان از مهم‌ترین و پرکاربردترین ابعاد توانمندسازی می‌توان به توانمندی فردی ـ روان‌شناختی، توانمندی اقتصادی، توانمندی اجتماعی ـ فرهنگی (فاضل و همکاران، ۱۳۹۶: ۴۶۰) و توانمندی زیست‌محیطی (ظفری‌نسب و همکاران، ۱۴۰۲: ۲۴۹) اشاره کرد.

۵. یافته‌های تحقیق

۵ .۱. توصیف متغیرهای مستقل پژوهش

نتایج بررسی وضعیت سنی پاسخگویان نشان داد میانگین سنی آن‌ها ۲۸ سال بوده است و در این میان سن جوان‌ترین و مسن‌ترین پاسخگو به‌ترتیب ۱۵ سال و ۷۵ سال بوده است. نتایج در خصوص متغیرهای بعد خانوار، سابقهٔ سکونت در روستا، مالکیت اراضی و درآمد ماهیانه خانوار نشان داد مقادیر حاصل شده به‌ترتیب ۴/۵، ۲۵ سال، ۳ هکتار و ۵ میلیون تومان بوده است. در خصوص سطح

1. Manoj
2. Sharma & Das

تحصیلات نتایج نشان داد اکثر آن‌ها (۳۵/۴ درصد) درصد دارای تحصیلات در سطح دیپلم بوده‌اند. در ارتباط با وضعیت شغلی (فعالیت اصلی) نتایج نشان داد ۴۲/۱ درصد خانه‌دار، ۷/۷ درصد بیکار، ۱۳/۹ درصد محصل و دانشجو، ۴/۳ درصد معلم، ۲۱/۱ در بخش کشاورزی (دامداری، زراعت و ...)، ۲/۴ درصد مغازه‌دار و ۸/۶ درصد در سایر مشاغل مشغول به فعالیت هستند. در ارتباط با تعداد شاغلین خانوارها نتایج نشان داد ۱/۹ درصد پاسخگویان عنوان کرده‌اند که فرد شاغلی در خانوار ندارند و از نظر ۴۸/۳ درصد ۱ نفر، ۳۲/۱ درصد ۲ نفر و ۱۷/۷ درصد ۳ نفر و بیشتر شاغل در خانواده آن‌ها وجود دارد. نتایج حاصل از بررسی وضعیت برخورداری خانوارهای از متغیرهای ادوات کشاورزی، دسترسی به اینترنت و تحت پوشش بیمه بودن نشان داد مقادیر حاصل شده به‌ترتیب ۵۰ درصد، ۶۸ درصد و ۸۵/۶ درصد بوده است.

۵ .۲. مقایسهٔ میانگین متغیرهای تحقیق

به‌منظور مقایسهٔ میانگین متغیرهای مورد مطالعه با یک معیار استاندارد از آزمون t تک نمونه استفاده شد. پیش از انجام این آزمون t با استفاده از آزمون شاپرو–ویلک از نرمالیته داده‌ها بر روی متغیرهای مورد نظر اطمینان حاصل شد. در این راستا، میانگین تمام متغیرهای تحقیق با معیار ۳ (متوسط طیف لیکرت پنج سطحی) مورد مقایسه قرار گرفت. همانگونه که مندرجات (جدول ۳) نشان می‌دهد میانگین تمامی متغیرهای تحقیق به‌جز متغیرهای مدیران و معتمدان روستایی و توانمندی اجتماعی و فرهنگی از مقدار ۳ کمتر است و این اختلاف از نظر آماری معنی‌دار است؛ بدین معنا که جامعهٔ مورد مطالعه از نظر تمامی متغیرهای مورد بررسی (به‌جز متغیرهای مدیران و معتمدان روستایی و توانمندی اجتماعی و فرهنگی) در سطح کمتر از متوسط قرار دارند. برای نمونه، نتایج آزمون t تک‌نمونه مربوط به متغیر حمایت کارآمد بخش دولتی نشان می‌دهد که متوسط این متغیر برابر ۲/۰۰۳ است که از نظر آماری در سطح خطای یک درصد با مقدار ۳ (متوسط طیف لیکرت) اختلاف معنی‌داری دارد (t=–۱۴/۳۵۷). بنابراین، می‌توان استنباط نمود که جامعهٔ مورد بررسی، حمایت‌های

کارآمد بخش دولتی را کمتر از حد متوسط ارزیابی کرده‌اند. نتایج آزمون t تک‌نمونه مربوط به سایر متغیرها در (جدول۳) قابل مشاهده است.

جدول ۳- نتایج آزمون t تک نمونه مربوط به متغیرهای تحقیق

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۲)

متغیر[1]	میانگین	آماره t	درجه آزادی	سطح معنی‌داری	اختلاف از میانگین	فاصله اطمینان در سطح ۹۵ درصد	
						حد پایین	حد بالا
تشکیل و توسعهٔ تعاونی‌ها	۲/۴۱۴	-۹/۰۵۱	۲۰۸	۰/۰۰۰	-۰/۵۸۵	-۰/۷۱۳	-۰/۴۵۸
برگزاری کلاس‌ها و دوره‌های آموزشی	۲/۱۲۳	-۱۶/۴۰۲	۲۰۸	۰/۰۰۰	-۰/۸۷۷	-۰/۹۸۳	-۰/۷۷۲
حمایت کارآمد بخش دولتی	۲/۰۰۳	-۱۴/۳۵۷	۲۰۸	۰/۰۰۰	-۰/۹۹۶	-۱/۱۳۳	-۰/۸۵۹
مدیران و معتمدان روستایی	۳/۳۱۶	۶/۱۷۸	۲۰۸	۰/۰۰۰	۰/۳۱۶	۰/۲۱۵	۰/۴۱۷
توسعهٔ زیرساخت‌های ضروری	۲/۲۷۶	۱۲/۱۵۴	۲۰۸	۰/۰۰۰	-۰/۷۲۳	-۰/۸۴۱	-۰/۶۰۶
توانمندی اقتصادی	۲/۶۱۷	-۶/۱۹۳	۲۰۸	۰/۰۰۰	-۰/۳۸۲	-۰/۵۰۴	-۰/۲۶۰
توانمندی اجتماعی و فرهنگی	۳/۲۱۸	۲/۷۴۰	۲۰۸	۰/۰۰۷	۰/۲۱۸	۰/۰۶۱	۰/۳۷۶
توانمندی زیست‌محیطی	۲/۰۲۸	-۲۰/۶۸۲	۲۰۸	۰/۰۰۰	-۰/۹۷۱	-۱/۰۶۳	-۰/۸۷۸
توانمندی فردی و روانشناختی	۱/۸۴۹	-۲۰/۶۵۳	۲۰۸	۰/۰۰۰	-۱/۱۵۰	-۱/۲۶۰	-۱/۰۴۰

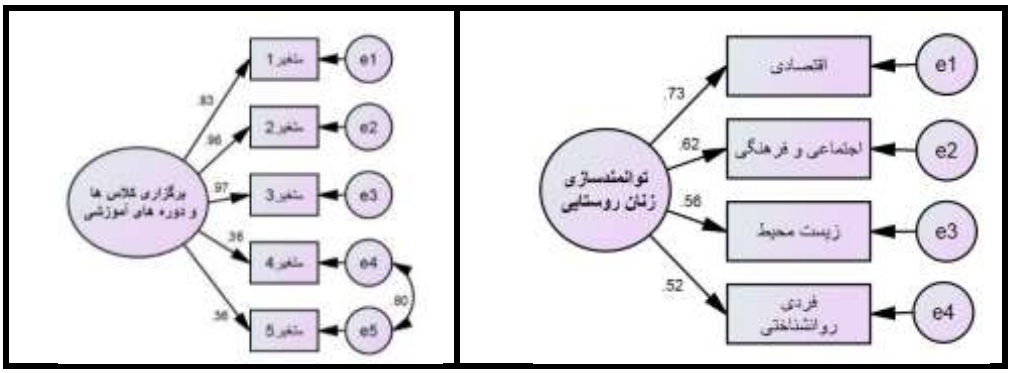
معیار مقایسه = ۳ (متوسط طیف لیکرت)

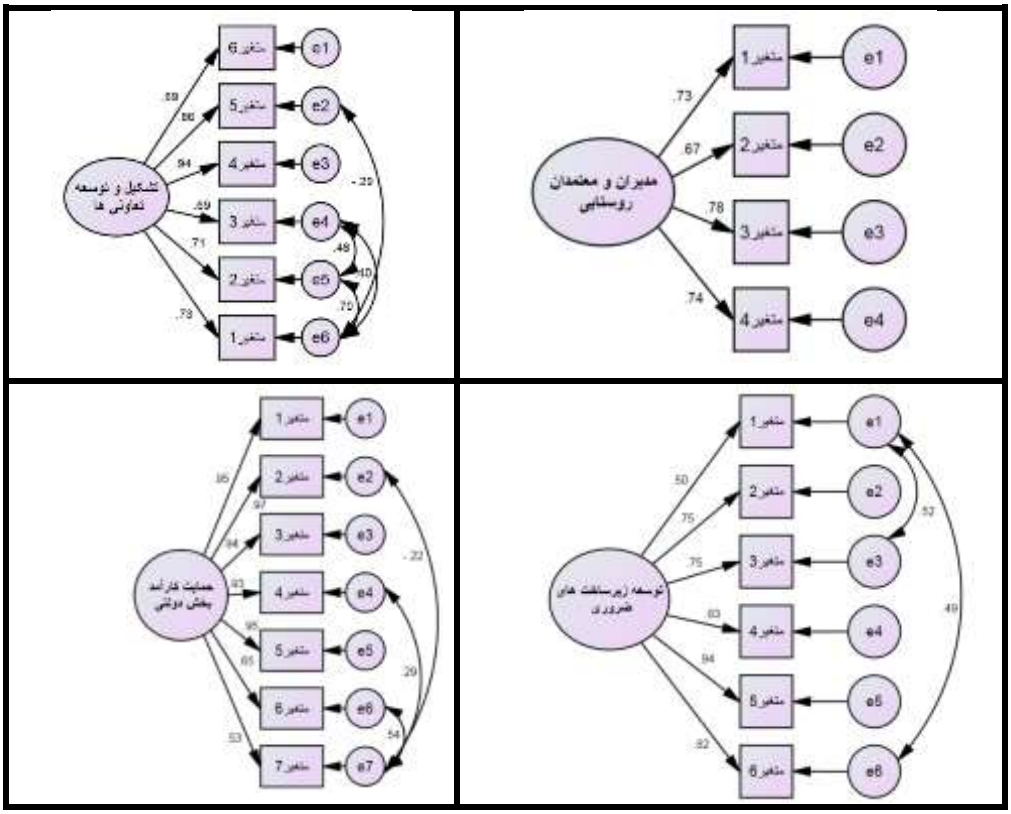
۵ .۳. ارائهٔ مدل تجربی تعیین‌کننده‌های توانمندسازی زنان روستایی در بخش گیاهان دارویی

در این بخش از پژوهش برای ارائهٔ یک مدل تجربی بومی از تعیین‌کننده‌های توانمندسازی زنان روستایی در بخش گیاهان دارویی، از رویکرد مدل‌سازی معادلات ساختاری استفاده شده است. برای دستیابی به این هدف، متغیرهای دارای ارتباط معنی‌دار با توانمندسازی زنان روستایی در مدل‌سازی

۱. متغیرهای مورد استفاده در این تحلیل حاصل نمرهٔ کل (میانگین) نشانگرهایی است که در قالب طیف لیکرت سنجیده شده‌اند. بنابراین، این متغیرها اساساً فاصله‌ای محسوب شده و برای انجام تحلیل‌های پارامتری مناسب هستند (کلانتری، ۱۳۸۹).

وارد شده‌اند. با توجه به اینکه دو متغیر درآمد ماهیانه و میزان مالکیت اراضی متغیرهای آشکاری هستند، این دو متغیر به‌صورت مشاهده‌شده و مستقیماً وارد مدل شده‌اند، اما با توجه به ماهیت پنهان دیگر متغیرها (توانمندسازی زنان روستایی در بخش گیاهان دارویی، برگزاری کلاس‌ها و دوره‌های آموزشی، مدیران و معتمدان روستایی، تشکیل و توسعهٔ تعاونی‌ها، توسعه زیرساخت‌های ضروری و حمایت کارآمد بخش دولتی)، ابتدا مدل اندازه‌گیری تحلیل عاملی تأییدی مرتبه اولِ مربوط به این متغیرها با استفاده از نرم‌افزار Amos Graphics ترسیم شد و پس از تأیید برازش آن‌ها، در مدل نهایی وارد شده‌اند (شکل ۳). در نگاه اول نتایج اعتبارسنجی مدل‌های اندازه‌گیری مربوط به شش متغیر مذکور نشان می‌دهد بارهای عاملی مربوط به هریک از عوامل پنهان مورد بررسی در وضعیت قابل قبول و مطلوبی قرار دارد. لازم به ذکر است در مدل تحلیل عاملی تأییدی اگر میزان بار عاملی هر متغیری بیشتر از ۰/۳ باشد، نشانگر مناسب بودن متغیر مد نظر برای استفاده در مدل تحلیل عاملی تأییدی است. با توجه به نتایج حاصل شده می‌توان چنین بیان کرد که بار عاملی همهٔ متغیرهای بیشتر از ۰/۳ است و این متغیرها همراه با عامل پنهان آن‌ها، ظرفیت استفاده در مدل‌سازی معادلات ساختاری را دارند.





شکل ۳. مدل اندازه‌گیری مربوط به متغیرهای مستقل و وابسته پژوهش

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۲)

پس از بررسی و تأیید بار عاملی متغیرهای مورد بررسی، برای بررسی برازش کلیت شش مدل اندازه‌گیری ترسیم شده، مهم‌ترین معیارهای برازش مدل‌های اندازه‌گیری از منابع معتبر استخراج شد و مقادیر استخراج شده از مدل‌ها با معیارهای پیشنهادی مطابقت داده شده‌اند. نتایج نشان می‌دهد (جدول ۴) معیارهای حاصل شده از شش مدل ترسیم شده با معیارهای پیشنهادی مطابق و همخوانی دارند و می‌توان چنین عنوان کرد که مدل‌های اندازه‌گیری ترسیم شده قابلیت ورود به مدل نهایی

پژوهش را دارند. لازم به ذکر است که مطابق دیدگاه هیر و همکاران (۲۰۲۱) برای اطمینان از برازش مدل و حصول به آستانهٔ قابل قبول شاخص‌های برازش، برخی نشانگرها از مدل اندازه‌گیری حذف شدند.

جدول ۴- شاخص‌های ارزیابی برازش متغیر وابسته و متغیرهای مستقل پژوهش

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۲)

متغیر پنهان	CMIN[1]	[3]DF	[4]CMIN/DF	[5]CFI	[6]RMSEA	[7]HOELTER	[8]RMR	[9]GFI	[10]NFI	[11]PRATIO
توانمندسازی زنان روستایی در بخش گیاهان دارویی	۰/۲۳۰	۲	۰/۱۱۵	۱	۰	۵۴۱۹	۰/۰۰۵	۰/۹۹۹	۰/۹۹۸	۰/۳۳۳
برگزاری کلاس‌ها و دوره‌های آموزشی	۳/۸۹۲	۴	۰/۹۷۳	۱	۰	۵۰۸	۰/۰۰۶	۰/۹۹۳	۰/۹۹۶	۰/۴۰۰
مدیران و معتمدان روستایی	۴/۶۴۹	۲	۲/۳۲۵	۰/۹۹۰	۰/۰۷۹	۲۶۹	۰/۰۱۹	۰/۹۸۸	۰/۹۸۴	۰/۳۳۳
تشکیل و توسعهٔ تعاونی‌ها	۱۴/۲۳۱	۵	۲/۸۴۶	۰/۹۹۲	۰/۰۷۸	۰/۲۶۲	۰/۰۲۵	۰/۹۷۸	۰/۹۸۸	۰/۳۳۳
توسعهٔ زیرساخت‌های ضروری	۲۰/۰۳۳	۷	۲/۸۶۲	۰/۹۸۶	۰/۰۷۹	۱۹۷	۰/۰۲۶	۰/۹۷۱	۰/۹۷۸	۰/۴۶۷
حمایت کارآمد بخش دولتی	۱۲/۵۵۱	۱۱	۱/۱۴۱	۰/۹۹۹	۰/۰۲۶	۳۲۷	۰/۰۱۲	۰/۹۸۳	۰/۹۹۳	۰/۵۲۴
مقادیر پیشنهادی*	-	-	< ۵	>۰/۹	<۰/۰۸	> ۷۵	≈ ۰	>۰/۹	>۰/۹	۰-۱

پس از ارزیابی برازش کلیت مدل‌های اندازه‌گیری، مدل نهایی پژوهش در محیط نرم‌افزار Amos Graphics ترسیم شد. نتایج حاصل از بررسی بارهای عاملی نشان می‌دهد همهٔ آن‌ها از ۰/۳ بیشتر

۱. کای اسکوئر؛ ۳- درجهٔ آزادی؛ ۴- کای اسکوئر نسبی؛ ۵- برازش تطبیقی؛ ۶- ریشهٔ میانگین مربعات خطای برآورد؛ ۷- شاخص هلتر؛ ۸- ریشهٔ دوم مربع باقیمانده؛ ۹- شاخص نیکویی برازش؛ ۱۰- شاخص نرمال شده بنتلر- بونت؛ ۱۱- نسبت صرفه‌جویی.

هستند. نتایج بررسی برازش کلیت مدل نشان می‌دهد (جدول ۷) مقادیر حاصل شده، با مقادیر پیشنهادی دارای همخوانی بالایی هستند و کلیت مدل، از اعتبار قابل قبولی برخوردار است.

جدول ۵- شاخص‌های ارزیابی کلیت الگوی (مدل) توانمندسازی زنان روستایی در بخش گیاهان دارویی

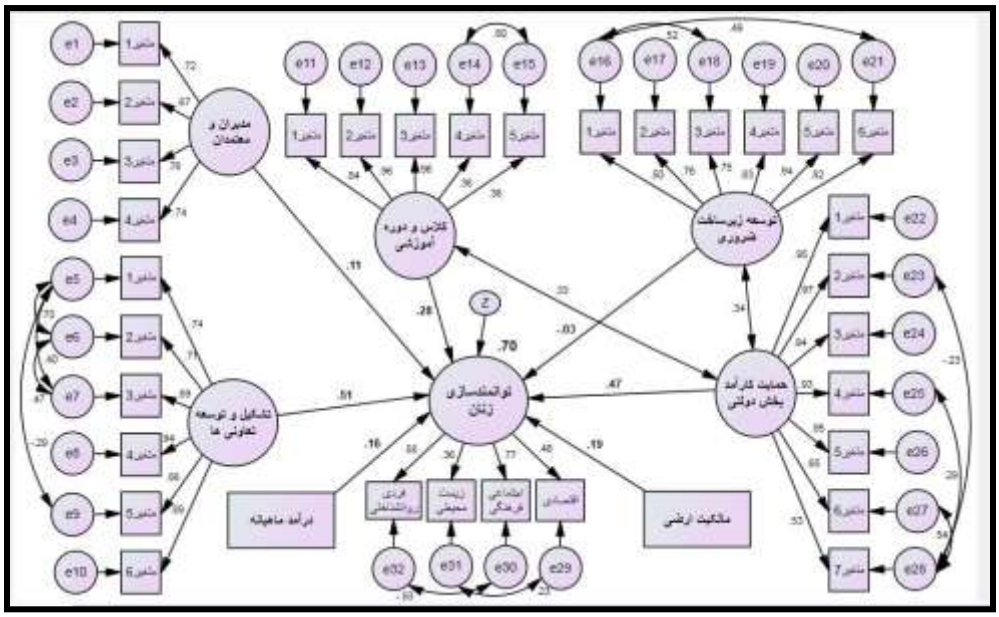
مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۲

متغیر	CMIN	DF	CMIN/DF	CFI	RMSEA	HOELTER	RMR	GFI	NFI	PRATIO
مدل نهایی	۸۶۸/۶۳۴	۵۰۸	۱/۷۰۹	۰/۹۰۶	۰/۰۷۸	۱۷۹	۰/۰۹۵	۰/۹۰۹	۰/۹۱۱	۰/۴۱۶
مقادیر پیشنهادی*	-	-	< ۵	>۰/۹	<۰/۰۸	> ۷۵	≈ ۰	>۰/۹	>۰/۹	۰-۱

نتایج مدل نهایی نشان می‌دهد (شکل ۴ و جدول ۶) در مجموع هفت متغیر قرار گرفته در مدل توانسته‌اند ۷۰ واریانس توانمندسازی زنان روستایی در بخش گیاهان دارویی را تبیین نمایند. نتایج حاصل از بررسی اثرات متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته پژوهش نشان می‌دهد (جدول ۸) در میان هفت متغیر قرار گرفته در مدل نهایی، به لحاظ آماری اثر پنج متغیر معنی‌دار و اثر دو متغیر معنی‌دار نبوده است. بیشتر بودن نسبت بحرانی[1] برآورد شده برای پنج متغیر برگزاری کلاس‌ها و دوره‌های آموزشی، تشکیل و توسعهٔ تعاونی‌ها، درآمد ماهیانه، حمایت کارآمد بخش دولتی و میزان مالکیت اراضی به‌ترتیب با مقادیر ۴/۱۳۷، ۶/۲۰۴، ۲/۷۲۳، ۵/۲۳۷ و ۳/۰۱۰، نشانگر اثر معنی‌دار این متغیرها بر متغیر وابسته پژوهش است (نسبت بحرانی بالاتر از ۲/۵۸ نشان‌دهنده اثر معنادار است). در مجموع با توجه به نتایج حاصل شده و اثر کل استانداراد متغیرهای دارای اثر معنی‌دار بر متغیر وابسته پژوهش، می‌توان چنین بیان کرد که مهم‌ترین عوامل مؤثر بر توانمندسازی زنان روستایی در بخش گیاهان دارویی در استان چهارمحال و بختیاری به‌ترتیب اهمیت عبارت‌اند از: تشکیل و توسعهٔ تعاونی‌ها، حمایت کارآمد بخش دولتی، برگزاری کلاس‌ها و دوره‌های آموزشی، میزان مالکیت اراضی و درآمد ماهیانه که اثرات آن‌ها به‌ترتیب ۰/۵۱۰، ۰/۴۶۵، ۰/۲۸۰، ۰/۱۹۳ و ۰/۱۵۹، است. درواقع این متغیرها

1. CR

مهم‌ترین عوامل مؤثر بر توانمندسازی زنان روستایی در بخش گیاهان دارویی در محدودهٔ مورد مطالعه هستند و برای توسعهٔ توانمندسازی زنان روستایی در بخش گیاهان دارویی باید تمامی سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها بر روی تقویت این متغیرها معطوف گردد.



شکل ۴- مدل تجربی تعیین‌کننده‌های توانمندسازی زنان روستایی در بخش گیاهان دارویی

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۲)

جدول ۶- اثرات استاندارد و غیراستاندارد متغیرهای مستقل بر متغیر وابستهٔ پژوهش

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۲)

متغیر	درصد تبیین متغیر وابسته	اثر		نسبت بحرانی	معنی‌داری
		غیراستاندارد	استاندارد		
برگزاری کلاس‌ها و دوره‌های آموزشی	۷۰	۰/۱۲۳	۰/۲۸۰	۴/۱۳۷	۰/۰۰۰
مدیران و معتمدان روستایی		۰/۰۶۱	۰/۱۰۵	۱/۵۹۸	۰/۱۱۰
تشکیل و توسعهٔ تعاونی‌ها		۰/۱۹۶	۰/۵۱۰	۶/۲۰۴	۰/۰۰۰

متغیر	درصد تبیین متغیر وابسته	اثر		نسبت بحرانی	معنی‌داری
		غیراستاندارد	استاندارد		
درآمد ماهیانه		۰/۳۴	۰/۱۵۹	۲/۷۲۳	۰/۰۰۶
توسعه زیرساخت‌های ضروری		-۰/۰۱۸	-۰/۰۳۴	-۰/۵۶۳	۰/۵۷۳
حمایت کارآمد بخش دولتی		۰/۱۶۸	۰/۴۶۵	۵/۲۳۷	۰/۰۰۰
میزان مالکیت اراضی		۰/۰۴۷	۰/۱۹۳	۳/۰۱۰	۰/۰۰۳

۶. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

توانمندسازی زنان به‌عنوان نیمی از جمعیت جوامع روستایی علاوه‌بر مزایای متعدد اقتصادی و اجتماعی، گام مهمی در راستای دستیابی به اهداف توسعهٔ پایدار است. زنان روستایی علاوه بر انجام وظایف و تعهدات خانواداگی، در بخش‌های مختلف فعالیت اقتصادی به‌ویژه بخش کشاورزی نقش کلیدی را ایفا می‌کنند. یکی از مهم‌ترین زیربخش‌های فعالیت در بخش کشاورزی، کشت و تولید گیاهان دارویی است. فعالیت زنان در این بخش علاوه بر اشتغال‌زایی، کسب درآمد، کمک به اقتصاد خانوار و ...، یکی از جنبه‌های حیاتی توسعهٔ پایدار و محیط‌زیست است. از این‌رو توانمندسازی زنان روستایی در بخش تولید گیاهان دارویی می‌تواند در ابعاد مختلف توسعهٔ اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی در سطوح محلی تا ملی مفید واقع گردد. با این وجود ظرفیت بالای کشورمان و علی‌الخصوص استان چهارمحال و بختیاری در زمینهٔ کشت و تولید گیاهان دارویی، بررسی‌ها نشان می‌دهد در خصوص توانمندسازی زنان روستایی در بخش تولید گیاهان دارویی و شناسایی تعیین‌کننده‌های توسعهٔ آن مطالعه منسجمی انجام نگرفته است و در این زمینه خلأ مطالعاتی شدیدی وجود دارد. از این‌رو پژوهش حاضر با هدف ارائهٔ مدل تجربی تعیین‌کننده‌های توانمندسازی زنان روستایی در بخش گیاهان دارویی در استان چهارمحال و بختیاری انجام گرفته است.

نتایج پژوهش نشان داد وضعیت ابعاد چهارگانهٔ توانمندسازی زنان روستایی در بخش تولید گیاهان دارویی (به استثنای بعد اجتماعی و فرهنگی) در وضعیت مناسبی قرار ندارد. از آنجایی که

تاراسی و همکاران (۱۳۹۸)، اوبایلو و چیمه (۲۰۲۰) و حقو و همکاران (۲۰۲۴)، در مطالعات خود به وضعیت نامناسب توانمندسازی زنان روستایی اشاره کرده‌اند، بنابراین نتیجهٔ این پژوهش همسو با مطالعات مذکور است و این همسویی در افزایش اعتبار پژوهش مؤثر است. وضعیت نامناسب توانمندسازی زنان روستایی در محدودهٔ مورد مطالعه به معنای توان و ظرفیت ضعیف نیمی از نیروی انسانی ساکن در سکونتگاه‌های روستایی استان چهارمحال و بختیاری است و می‌تواند پیامدهایی همچون کاهش بنیهٔ اقتصادی خانوار، فقر، بیکاری، مهاجرت، کاهش سطح سلامت روحی و جسمی زنان و ... را به همراه داشته باشد. از این رو با توجه به وضعیت نامناسب توانمندسازی زنان روستایی در بخش تولید گیاهان دارویی، شناسایی عوامل مرتبط و مؤثر بر آن می‌توان گام مهم در راستای توسعهٔ این فعالیت باشد. نتایج پژوهش در خصوص عوامل مرتبط با توانمندسازی زنان روستایی در بخش گیاهان دارویی نشان داد متغیرهای میزان مالکیت اراضی، درآمد ماهیانه، تشکیل و توسعهٔ تعاونی‌ها، برگزاری کلاس‌ها و دوره‌های آموزشی، حمایت کارآمد بخش دولتی، مدیران و معتمدان روستایی و توسعهٔ زیرساخت‌های ضروری دارای ارتباط آماری مثبت و معنی‌دار با متغیر وابستهٔ پژوهش هستند. با توجه به اینکه لطیفی و همکاران (۱۳۹۳)، نجفی‌کانی و وصال (۱۳۹۴)، جعفری و همکاران (۱۳۹۶)، سعیدی و همکاران (۱۳۹۷)، عظیمی و همکاران (۱۴۰۱)، ششادری و همکاران (۲۰۲۰)، پاکانا و همکاران (۲۰۲۰)، بانرجی (۲۰۲۰)، اشفق و همکاران (۲۰۲۳)، بیسواس و همکاران (۲۰۲۴)، نینگومبام و بودولوی (۲۰۲۴) و موتوکومار (۲۰۲۴) هر یک در مطالعات خود به نوعی به متغیرهای شناسایی شده در مطالعهٔ حاضر اشاره کرده‌اند، لذا نتایج این بخش از پژوهش با مطالعات مذکور همسو است، با این تفاوت که متغیرهای مرتبط با توانمندسازی زنان روستایی در این مطالعه مربوط به بخش تولید گیاهان دارویی است. با توجه به جهت ارتباط متغیرهای مذکور با توانمندسازی زنان روستایی می‌توان چنین بیان نمود که با افزایش و کاهش سطح این متغیرها، وضعیت توانمندسازی زنان روستایی در بخش تولید گیاهان دارویی به‌ترتیب ارتقا و تنزل می‌یابد.

نتایج پژوهش در خصوص مدل تجربی تعیین‌کننده‌های توانمندسازی زنان روستایی در بخش تولید گیاهان دارویی نشان داد این متغیرها در مجموع ۷۰ درصد واریانس متغیر وابسته را تبیین کرده‌اند و این نتیجه نشانگر اثر قابل توجه متغیرهای دارای اثر معنی‌دار بر توانمندسازی زنان روستایی در بخش تولید گیاهان دارویی در استان چهار محال و بختیاری است. متغیرهای نهایی دارای اثر آماری معنی‌دار بر توانمندسازی زنان روستایی در بخش تولید گیاهان دارویی به‌ترتیب میزان اهمیت عبارت‌اند از: تشکیل و توسعهٔ تعاونی‌ها، حمایت کارآمد بخش دولتی، برگزاری کلاس‌ها و دوره‌های آموزشی، میزان مالکیت اراضی و درآمد ماهیانه. بررسی‌ها نشان می‌دهد لطیفی و همکاران (۱۳۹۳)، نجفی‌کانی و وصال (۱۳۹۴)، جعفری و همکاران (۱۳۹۶)، سعیدی و همکاران (۱۳۹۷)، عظیمی و همکاران (۱۴۰۱)، ششادری و همکاران (۲۰۲۰)، پاکانا و همکاران (۲۰۲۰)، بانرجی (۲۰۲۰)، بیسواس و همکاران (۲۰۲۴)، نینگومبام و بودولوی (۲۰۲۴) و موتوکومار (۲۰۲۴)، در مطالعات خود به متغیرهای شناسایی شده در پژوهش حاضر به‌عنوان عوامل مؤثر بر توانمندسازی زنان روستایی اشاره کرده‌اند. بنابراین نتیجهٔ این بخش از مطالعه حاضر با مطالعات مذکور همسو بوده و در افزایش میزان اعتبار و دقت نتایج حاصل شده اثرگذار است. دقت در ماهیت متغیرهای قرار گرفته در مدل تجربی پژوهش نشان می‌دهد این عوامل از عوامل کلیدی توسعهٔ روستایی هستند و ارتقای سطح و وضعیت آن‌ها می‌تواند ضمن توانمندسازی زنان روستایی گام مستحکمی در راستای دستیابی به اهدف اصلی توسعهٔ پایدار روستایی باشد. در مجموع با توجه به نتایج حاصل شده می‌توان چنین بیان کرد که برای تقویت و توسعهٔ توانمندسازی زنان روستایی در بخش تولید گیاهان دارویی در استان چهار محال و بختیاری توجه به ارتقای وضعیت پنج متغیر مذکور که درصد واریانس قابل توجهی از متغیر وابسته را تبیین کرده‌اند، از اهمیت زیادی برخوردار است و نیاز است در این زمینه توسط سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان توسعهٔ روستایی اقدامات عملیاتی جدی و کارآمد صورت بگیرد. در این راستا راهکارهای عملیاتی زیر پیشنهاد می‌گردند:

- با توجه به نقش توسعهٔ بخش تعاون در توانمندسازی زنان پیشنهاد می‌شود، تشکیل‌های تعاونی در قالب تعاونی‌های چندمنظورهٔ کشت، تولید، فرآوری و فروش گیاهان دارویی توسعه یابد و راهبردهای افزایش مشارکت زنان در این تعاونی‌ها نیز طراحی گردد. طراحی راهبردها باید به گونه‌ای باشد که حضور و مشارکت فعال زنان روستایی در مدیریت تعاونی‌های چندمنظورهٔ کشت، تولید، فرآوری و فروش گیاهان دارویی تحقق یابد. در این زمینه ضروری است از تکنیک‌های نیازسنجی برای بهبود مشارکت زنان استفاده شود.
- با توجه به اینکه توانمندسازی نیازمند وجود منابع مالی است، پیشنهاد می‌شود، تخصیص و تسهیل اعتبارت بانکی (ضامن، وثیقه، کارمزد، سود، دوره بازپرداخت) از سوی بخش دولتی به زنان روستایی در راستای توسعهٔ کشت و تولید گیاهان دارویی صورت پذیرد. در این زمینه تخصیص هدفمند اعتبارات بر مبنای میزان مهارت و پروژه‌های توانمندسازی صورت گیرد.
- با توجه به اینکه یکی از مهمترین دغدغه‌ها در خصوص توانمندسازی زنان، وجود ساختارهای بازار است، ضروری است از طریق توسعهٔ سیاست‌های توسعه خرید تضمینی تولیدات گیاهان دارویی توسط دولت به کنشگران این اطمینان داده شود که ساختارهای ضروری بازار برای اجرای پروژه‌های توانمندسازی در دسترس است.
- توانمندسازی نیازمند توسعهٔ مهارت‌های فنی و آگاهی‌بخشی به دست‌اندرکاران اصلی است. در این راستا پیشنهاد می‌شود، مهارت‌آموزی از طریق برگزاری دوره‌های آموزشی کاشت، داشت، برداشت، فرآوری و بسته‌بندی و عرضهٔ گیاهان دارویی، اجرای طرح‌های پایلوت، بازدید از طرح‌های موفق و نظایر آن در کانون توجه قرار گیرد.

کتابنامه

۱. تاراسی، ز؛ کریم‌زاده، ح؛ و آقایاری هیر، م. (۱۳۹۸). بررسی ارتباط ظرفیت‌سازی و توانمندسازی زنان روستایی مطالعهٔ موردی: شهرستان زنجان. *نشریهٔ جغرافیا و توسعه، ۱۸*(۵۸)، ۲۰۳-۲۲۴.

۲. جعفری، ح؛ احمدیان، م.ع؛ و طرهانی، ع. (۱۳۹۶). تولید گیاهان دارویی رویکردی در جهت پایدارسازی اقتصاد روستایی (مطالعهٔ موردی: روستاهای شهرستان قوچان). *مجلهٔ پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی، ۶*(۱)، ۱۸۷-۱۷۳.

۳. جمینی، د؛ و جمشیدی، ع. (۱۴۰۰). مدل‌سازی عوامل مؤثر بر توسعهٔ شاخص‌های کارآفرینی در مناطق روستایی ایران نمونهٔ پژوهش: منطقهٔ اورامانات، استان کرمانشاه. *برنامه‌ریزی فضایی، ۱۱*(۳)، ۷۳-۹۴.

٤. جهادکشاورزی استان چهارمحال و بختیاری. (۱۳۹۸). *آمارنامهٔ کشاورزی استان چهارمحال و بختیاری در سال ۱۳۹۸*. انتشارات جهادکشاورزی استان چهارمحال و بختیاری.

٥. دهقانی، ا؛ و جمینی، د. (۱۳۹۶). سنجش وضعیت شاخص‌های کارآفرینی، تعیین‌کننده‌ها و راهکارهای توسعهٔ آن در سکونتگاه‌های روستایی (مورد مطالعه: شهرستان جوانرود). *فضای جغرافیایی، ۱۷*(۶۰)، ۲۴۷-۲۶۵.

٦. رضایی، ر؛ صفا، ل؛ و میانجی، س. (۱۳۹۶). عامل‌های مؤثر بر قصد استفاده زنان روستایی از گیاهان دارویی در شهرستان کرج. *فصلنامهٔ علمی-پژوهشی زن و جامعه، ۸*(۳)، ۱۲۷-۱۴۸.

۷. سعیدی، م؛ چهارسوقی‌امین، ح؛ مومنی‌هلالی، ه؛ نوروزی، ع؛ و واحدی، م. (۱۳۹۷). بررسی نقش صندوق اعتبارات خرد بر توانمندسازی اقتصادی زنان روستایی (مورد پژوهشی: شهرستان چرداول، استان ایلام). *مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان، ۱۵*(۴)، ۱۴۹-۱۷۵.

۸. ظفری‌نسب، م؛ گلزاری، ز؛ نوریان، م؛ و رضوی، س. ح. (۱۴۰۲). شناسایی و تبیین ابعاد و مؤلفه‌های توانمندسازی زنان روستایی استان لرستان با استفاده از پژوهش روش‌های آمیخته. *روستا و توسعه، ۲۶*(۲)، ۲۲۷-۲۵۴.

۹. عظیمی، ن؛ علی‌بیگی، ا. ح؛ و پاپ‌زن، ع. (۱۴۰۱). الگویی برای توانمندسازی زنان روستایی شهرستان کرمانشاه. *روستا و توسعه، ۲۵*(۴)، ۶۷-۸۶.

۱۰. فاضل، ا؛ کمالیان، ا. ر؛ و روشن، ع. (۱۳۹۶). شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های مؤثر بر توانمندسازی منابع انسانی دانشگاهی با تأکید بر دانشگاه‌های نسل سوم و چهارم با استفاده از رویکرد دلفی فازی: ارائهٔ یک الگوی مفهومی. *راهبردهای آموزش در علوم پزشکی، ۱۰*(۶)، ۴۵۵-۴۶۸.

۱۱. کلانتری، خ. (۱۳۹۸). *پردازش و تحلیل داده‌ها در تحقیقات اجتماعی-اقتصادی*. تهران. نشر فرهنگ صبا.

۱۲. مرکز آمار ایران. (۱۳۹۵). *نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن استان چهارمحال و بختیاری*. انتشارات مرکز آمار ایران.

۱۳. نجفی‌کانی، ع. ا؛ و وصال، ز. (۱۳۹۴). نقش مدیریت محلی در توانمندسازی زنان روستایی (مورد مطالعه: دهستان استرآباد جنوبی شهرستان گرگان). *مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی، ۱*(۱۰)، ۴۷-۵۶.

14. Ahmadi, M., & Fakour, V. (2020). The impact of micro credit on empowerment of female heads of rural households covered by Imam Khomeini Relief Committee (Case study: Central District of Zanjan County). *Journal of Research & Rural Planning, 9*(1), 17–33.
15. Akhter, J., & Cheng, K. (2020). Sustainable empowerment initiatives among rural women through microcredit borrowings in Bangladesh. *Sustainability, 12*(6), Article 2275. https://doi.org/10.3390/su12062275
16. Aziz, N., Nisar, Q. A., Koondhar, M. A., Meo, M. S., & Rong, K. (2020). Analyzing the women's empowerment and food security nexus in rural areas of Azad Jammu & Kashmir, Pakistan: By giving consideration to sense of land entitlement and infrastructural facilities. *Land Use Policy, 94*, Article 104529. https://doi.org/10.1016/j.landusepol.2020.104529
17. Bukhari, M., Khushk, G. M., Khoso, K., & Shah, S. (2023). Empowerment level among rural women of Sindh: A sociological analysis. *Pakistan Journal of Agriculture, Agricultural Engineering and Veterinary Sciences, 39*(2), 133–140. https://doi.org/10.47432/2023.39.2.8
18. Banerjee, M. (2020). Empowering rural women in India during Covid-19: A brief study considering future sustainability. *Journal of Studies in Social Sciences, 19*(3), 1–7.
19. Bartlett, J. E., Kotrlik, J. W., & Higgins, C. C. (2001). Organizational research: Determining appropriate sample size in survey research. *Information Technology, Learning, and Performance Journal, 19*(1), 43–50.

20. Basumatary, H., Chhetri, P. C., & Raj, S. N. (2022). Hitting the target, missing the point? Microcredit and women empowerment in rural India. *Journal of Poverty, 27*(3), 217–234.
21. Biswal, S. N., Mishra, S. K., & Sarangi, M. (2023). Does women's empowerment influence multidimensional poverty? Empirical insight from rural Odisha of India. *Pertanika Journal of Social Sciences & Humanities, 31*(2), 607–635.
22. Biswas, A., Roy, C., Sati, V. P., & Kumar, S. (2024). The role of Mahatma Gandhi National Rural Employment Guarantee Act on women empowerment in selected districts of West Bengal, India. *SN Social Sciences, 4*(2), Article 38. https://doi.org/10.1007/s43545-024-00808-9
23. Bouzarjomehri, K., & Javani, K. (2020). The role of non-governmental organizations (NGOs) in women's empowerment and environmental protection in the rural areas (Case study: Rural areas of County Roshtkhar). *Journal of Research & Rural Planning, 9*(2), 69–82.
24. Dar, S. A., & Muthukumar, J. (2024). Women's empowerment in Kashmir through welfare programs and schemes: Progress and persisting challenges. *Migration Letters, 21*(S5), 747–756.
25. Dehban Nejadian, A., Ghanbari, Y., & Barghi, H. (2023). Assessing and measuring the sustainability of rural settlements active in the field of medicinal plants (Case study: Kohgiluyeh & Boyerahmad Province). *Journal of Research & Rural Planning, 12*(2), 19–36.
26. Ghasemi, M., Badsar, M., Falahati, L., & Karamidehkordi, E. (2021). The mediation effect of rural women empowerment between social factors and environment conservation (combination of empowerment and ecofeminist theories). *Environment, Development and Sustainability, 23*, 16959–16981. https://doi.org/10.1007/s10668-021-01237-y
27. Hair, J. F., Hult, G. T. M., Ringle, C. M., & Sarstedt, M. (2022). *A primer on partial least squares structural equation modeling* (PLS-SEM) (3rd ed.). Sage.
28. Haque, S., Salman, M., Hasan, M. M., Prithi, A. A., & Hossain, M. E. (2024). Women's empowerment and its role in household food security to achieve SDGs: Empirical evidence from rural Bangladesh. *Sustainable Development, 32*(1), 1–18.
29. Ishfaq, S., Abedullah, A., & Kouser, S. (2023). Measurement and determinants of rural women's empowerment in Pakistan. *Global Social Welfare, 10*(2), 139–152.
30. Jabeen, S., Haq, S., Jameel, A., Hussain, A., Asif, M., Hwang, J., & Jabeen, A. (2020). Impacts of rural women's traditional economic activities on household economy: Changing economic contributions through empowered women in rural Pakistan. *Sustainability, 12*(7), Article 2731. Htt1

31. Jemaneh, S. A., & Shibeshi, E. M. (2023). Women empowerment in agriculture and its effect on household food security: Evidence from Gamo Zone of Southern Ethiopia. *Agriculture & Food Security, 12*, Article 26. https://doi.org/10.1186/s40066-023-00437-1
32. Kehinde, O. K., Osasona, K. K., Temitope, O. O., Funke, S. M., & Racheal, O. A. (2024). Nexus between value addition in maize and empowerment of rural women: Evidence from Osun state, Nigeria. *SVU-International Journal of Agricultural Sciences*, 6(1). https://doi.org/10.21608/svuijas.2024.267116.1339
33. Khesht, M. A., Jafari, H., & Alizadeh, K. (2021). The effect of cultivation of medicinal plants on the economic development of rural settlements (Case study: Villages of Kalat city). *Propósitos y Representaciones, 9*(SPE2), Article e957. https://doi.org/10.20511/pyr2021.v9nSPE2.957
34. Madzorera, I., Bliznashka, L., Blakstad, M. M., Bellows, A. L., Canavan, C. R., Mosha, D., ... & Fawzi, W. W. (2023). Women's input and decision-making in agriculture are associated with diet quality in rural Tanzania. *Frontiers in Public Health, 11,* Article 1215462. https://doi.org/10.3389/fpubh.2023.1215462
35. Manoj, P. K., Lakshmi, Krishna, S., & Sebastian, R. (2023). Women empowerment in Digital India and the Kerala Knowledge Economy. *Academy of Marketing Studies Journal, 27*(1), 1–11.
36. Naik, S. N., Aslam, A., & Bhatti, M. I. (2024). Microfinance's business breakthrough for women empowerment. *Journal of Entrepreneurship and Business Venturing, 4*(1), 299–316.
37. Ningombam, S. K., & Bordoloi, S. (2024). DAY NRLM scheme and its impact on women empowerment: A case of Morrigan district of Assam, India. *Indian Growth and Development Review.* Advance online publication. https://doi.org/10.1108/IGDR-08-2022-0103
38. Obayelu, O. A., & Chime, A. C. (2020). Dimensions and drivers of women's empowerment in rural Nigeria. *International Journal of Social Economics, 47*(3), 315–333.
39. Pakkanna, M., Rasulong, I., & Akhmad, S. I. W. (2020). Microfinance institutions and women empowerment: Evidence in the rural areas of Tangerang, Indonesia. *International Journal of Scientific and Technology Research, 9*(2), 3994–3999.
40. Rahman, Md. M., Huq, H., & Hossen, A. M. (2023). Patriarchal challenges for women empowerment in neoliberal agricultural development: A study in Northwestern Bangladesh. *Social Sciences, 12*(9), Article 482. https://doi.org/10.3390/socsci12090482
41. Sharma, E., & Das, S. (2021). Integrated model for women empowerment in rural India. *Journal of International Development, 33*(3), 594–611.

42. Sheshadri, S., Coley, C., Devanathan, S., & Rao, R. B. (2020). Towards synergistic women's empowerment-transformative learning framework for TVET in rural India. *Journal of Vocational Education & Training, 75*(2), 255–277.
43. Soharwardi, M. A., & Ahmad, T. I. (2020). Dimensions and determinants of women empowerment in developing countries. *International Journal of Sustainable Development and Planning, 15*(6), 957–964.
44. Wei, W., Sarker, T., Zukiewicz-Sobczak, W., Roy, R., Alam, G. M. M., Rabbany, M. G., ... & Aziz, N. (2021). The influence of women's empowerment on poverty reduction in the rural areas of Bangladesh: Focus on health, education and living standard. *International Journal of Environmental Research and Public Health, 18*(13), Article 6909. https://doi.org/10.3390/ijerph18136909

Journal of Geography and Regional Development Vol 23, No. 3 (2025) – Serial Number 52

The Role of Urban Tourism in Sustainable Urban Development (Case Study: Shirvan City)[1]

Robabe Hosseinnezhad Devin
PhD Student, Department of Geography and Urban Planning, Shirvan Branch, Islamic Azad University, Shirvan, Iran

Mohammad Motamedi[2]
Associate Professor, Department of Geography and Urban Planning, Shirvan Branch, IslamicAzad University, Shirvan, Iran

Ramazanali Naderi Mayvan
Assistant Professor, Department of Geography and Urban Planning, Kosar University of Bojnord, Bojnord, Iran

Received: 18 April 2024 ***Revised: 2 September 2024*** ***Accepted: 6 September 2024***

Abstract

Identifying the factors influencing the development of urban tourism facilitates planning for urban development. The interaction between tourists and host communities, along with the creation of tourism spaces, is the result of traveling to urban areas with diverse motivations, visiting attractions, and enjoying tourism-related facilities and services. These processes have undeniable impacts on various economic, social, cultural, and ecological dimensions. The aim of the present study is to explore the role of urban tourism in the sustainable development of Shirvan City in North Khorasan Province. In this applied research, a descriptive–analytical approach has been adopted. Data were collected using a questionnaire. The statistical population consisted of two groups: the first group included residents over 20 years of age in Shirvan City, with a total population of n=56,271 people based on the latest national census. Using Cochran's formula and a

1. The article is extracted from the thesis of the first author submitted to Islamic Azad University, Shirvan Branch.
2. Corresponding Author. Email: motamedi45@gmail.com

©2024 The author(s). This is an open access article under the CC BY license: https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/

How to cite this article: Hosseinnezhad Devin, R., Motamedi, M. and Naderi Mayvan, R. (2025). The Role of Urban Tourism in Sustainable Urban Development (Case Study: Shirvan City). Journal of Geography and Regional Development, 23(3), 93-124. Doi: 10.22067/jgrd.2024.87647.1421

CI=95%, a sample of 384 respondents was selected. The second group comprised 50 tourism experts in Shirvan County, who were randomly selected and surveyed. The results suggest that for the economic, physical, and environmental development indices, the significance level was above 0.05, indicating that, to both citizens and tourism experts, urban tourism has not played a significant role in the economic development of Shirvan. Urban tourism has a pivotal role in the socio-cultural and environmental development of Shirvan. Finally, in examining the relationship between urban tourism and the dimensions of sustainable urban development in Shirvan based on the views of the two groups of citizens and experts, a T-value above 1.96 was obtained. Hence, in light of the results, it can be posited that there is a statistically significant relationship between urban tourism and the dimensions of sustainable urban development.

Keywords: Tourism Development, Urban Tourism, Sustainable Urban Development, Shirvan City.

https://doi.org/10.22067/jgrd.2024.87647.1421
مقالهٔ پژوهشی

نقش گردشگری شهری در توسعهٔ پایدار شهرها (نمونه موردی: شهر شیروان)[1]

ربابه حسین‌نژاد دوین (دانشجوی دکتری، گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، واحد شیروان، دانشگاه آزاد اسلامی، شیروان، ایران)
goleroz3185@gmail.com

محمد معتمدی (دانشیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، واحد شیروان، دانشگاه آزاد اسلامی، شیروان، ایران، نویسندهٔ مسئول)
motamedi45@gmail.com

رمضانعلی نادری مایوان (استادیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه کوثر بجنورد، بجنورد، ایران)
dr.naderi@kub.ac.ir

چکیده

شناخت عوامل مؤثر بر توسعهٔ گردشگری شهری موجب تسهیل برنامه‌ریزی برای توسعهٔ شهرها می‌شود. همچنین عملکرد متقابل گردشگر- میزبان و تولید فضای گردشگری در رابطه با سفر به مناطق شهری با انگیزه‌های متفاوت و بازدید از جاذبه‌ها و استفاده از تسهیلات و خدمات مربوط به گردشگری انجام می‌شود که تأثیرات انکارناپذیری بر ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، اکولوژیکی و غیره دارد. هدف پژوهش حاضر، بررسی نقش گردشگری در توسعهٔ پایدار شهر شیروان در خراسان شمالی است. روش تحقیق در پژوهش حاضر از حیث هدف، کاربردی و حیث روش انجام نیز توصیفی تحلیلی بوده که داده‌های آن از طریق پرسشنامه گردآوری شده است. جامعهٔ آماری پژوهش شامل دو گروه بودند که گروه اول، جمعیت بالای ۲۰ سال ساکن در شهر شیروان که براساس آخرین آمار سرشماری رسمی کشور ۵۶۲۷۱ نفر هستند که با استفاده از فرمول کوکران و با درصد اطمینان ۹۵ درصد ۳۸۴ نفر به‌عنوان نمونه انتخاب و مورد بررسی قرار گرفتند و گروه دوم شامل ۵۰ نفر از کارشناسان مرتبط با امور گردشگری شهرستان شیروان بودند که

۱. این مقاله مستخرج از رسالهٔ دکتری نویسندهٔ اول در دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیروان است.

نشریه جغرافیا و توسعه ناحیه ای، سال بیست و سوم، شماره ۳، پاییز ۱۴۰۴، شماره پیاپی ۵۲ صص ۱۲۴-۹۳
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۳۰ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۶/۱۲ تاریخ تصویب: ۱۴۰۳/۰۶/۱۶

به‌عنوان نمونه آماری انتخاب و به روش نمونه‌گیری اتفاقی پرسشنامه‌ها تکمیل شدند. نتایج به‌دست آمده نشان داد برای شاخص توسعهٔ اقتصادی، کالبدی و زیست‌محیطی مقدار معناداری بزرگتر از ۰/۰۵ به‌دست آمده است که نشان می‌دهد از نظر شهروندان و کارشناسان گردشگری شهری، نقش قابل توجهی در توسعهٔ اقتصادی شیروان نداشته است. در مقابل برای توسعهٔ فرهنگی – اجتماعی و زیست‌محیطی از نظر شهروندان و کارشناسان گردشگری شهری نقش قابل توجهی داشته است و در نهایت در بررسی رابطهٔ گردشگری شهری و ابعاد توسعهٔ پایدار شهری در شیروان، برای دو گروه شهروندان و کارشناسان، T Value بزرگتر از ۱/۹۶ به‌دست آمده است. بنابراین می‌توان گفت بین گردشگری شهری و ابعاد توسعهٔ پایدار شهری در شیروان رابطهٔ معناداری وجود دارد.

واژگان کلیدی: توسعهٔ گردشگری، گردشگری شهری، توسعهٔ پایدار شهری، شهر شیروان.

۱. مقدمه

یکی از بخش‌هایی که می‌توان گفت عامل ایجاد تغییرات اساسی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در شهرها بوده و امروزه به‌عنوان یک صنعت پویای اقتصادی از آن نام برده می‌شود، گردشگری است که نقشی کلیدی در توسعهٔ شهرها ایفاء می‌کند (مامیرکولاوا و همکاران[1]، ۲۰۲۰: ۳). امروزه، صنعت گردشگری یا جهانگردی به منزلهٔ یکی از ابزارها و راهکارهای مناسب جهت کسب درآمد و شکوفایی اقتصاد دولت‌ها و ملت‌ها از یک‌سو و توسعه و آبادانی مناطق در نقاط مختلف دنیا از سوی دیگر مطرح است (ابراهیم‌زاده، ۱۳۹۰: ۶). همچنین در مطالعات متعدد به واژهٔ گردشگری به‌عنوان یک پدیده وجریان مثبت در راستای ایجاد اشتغال و توسعهٔ اقتصادی اشاره شده است (سارپونگ و همکاران[2]، ۲۰۲۰: ۲)؛ به طوری‌که سومین پدیدهٔ اقتصادی پویا پس از صنایع نفت و خودروسازی به شمار می‌رود. گردشگری به‌طور عام و گردشگری شهری به‌طور خاص بر اقتصاد شهرهای دنیا تأثیرگذار است. این پدیدهٔ نه چندان نوظهور معادلات اقتصادی جهان را به‌طور گسترده‌ای تحت تأثیر

1. Mamirkulova et al
2. Sarpong et al

خود قرار داده است؛ چنانچه هم‌اکنون بسیاری از اقتصادهای کلان دنیا به‌ویژه اقتصادهای شهری وابستگی شدیدی به آن دارند (قهرمانی‌فرد و همکاران، ۱۴۰۰: ۶۸). همچنین به‌عنوان یکی از عوامل تأثیرگذار بر تغییرات فضایی شهرها محسوب می‌شود. از سوی دیگر، ویژگی شهرها سبب شده است گردشگران شهری متفاوت‌تر از سایر گروه‌های گردشگری باشند (نادری و همکاران، ۱۳۹۷: ۵۷۴). فضاهای شهری و عوامل تأثیرگذار بر توسعهٔ شهری در هر شهر، از گردشگری تأثیر می‌پذیرد و باید در برنامه‌ریزی‌های توسعهٔ شهری و اسناد بالادستی به آن توجه کرد. امروزه ظاهر شهرها بسیار شبیه به هم است و اتحاد و همسانی بیشتری در آنها نمایان شده است که این مسئله تمایز را سخت‌تر می کند (آرباسل[1]، ۲۰۰۰: ۸۰)؛ به‌طوری‌که این نواحی به دلیل برخورداری از جاذبه‌های متنوع گردشگری مثل موزه‌ها، بناهای یادبود، سالن‌های تئاتر، رستوران‌ها، استادیوم‌های بزرگ ورزشی، پارک‌ها، شهربازی‌ها، مراکز خرید، معماری مدرن، بهره‌گیری از فناوری جدید در این زمینه‌ها، غالباً مقاصد گردشگری مهمی محسوب می‌شود (شمس‌الدینی و سنایی‌مقدم، ۱۳۹۷: ۶۷). بنابراین تقویت و توجه به جایگاه گردشگری در طرح‌های توسعهٔ شهری، می‌تواند در جذب گردشگر و توسعهٔ این صنعت نقش بسزایی داشته باشد (اسدی و همکاران، ۱۳۹۹: ۳۷). گردشگری شهری با ابعاد اقتصادی، فرهنگی-اجتماعی و زیست‌محیطی زندگی شهرنشینی به شکل پیچیده‌ای در ارتباط بوده و به‌تدریج به ابزار شناخت و آگاهی از زندگی مردمان، شناخت جهان و غنای بینش و نگرش آدمیان به مفاهیم زندگی تبدیل شده است (بیضایی و صداقتی، ۱۳۹۸: ۱۱۱). درواقع برای موفقیت و توسعهٔ گردشگری، شناخت روابط بین سه جنبهٔ اقتصادی، زیست‌محیطی و فرهنگی- اجتماعی توسعه باید مورد توجه قرار بگیرند (کریس[2]، ۲۰۱۲: ۳۴۱). در برنامه‌ریزی توسعهٔ گردشگری پایدار، هرگونه برنامه‌ریزی برای توسعهٔ گردشگری در آینده با رویکرد توسعهٔ پایدار باید انجام شود و توجه اساسی

1. Orbasl
2. Chris

آن به حفظ محیط زیست در کنار سود اقتصادی و حفظ محیط اجتماعی- فرهنگی است (توآ و وال[1]، ۲۰۰۹: ۹۳). از طرفی، دو محیط طبیعی و فرهنگی–اجتماعی از جمله عواملی هستند که نه‌تنها تأثیر بسزایی بر توسعه و شکل‌گیری گردشگری دارند، بلکه خود نیز به‌طور متقابل از پیامدها و تحولات ناشی از فعالیت‌های گردشگری تأثیر می‌پذیرند. معمولا گردشگری آثار متفاوت و چشمگیری بر منطقهٔ گردشگرپذیر بر جای می‌گذارد. با توجه به پیچیدگی و گستردگی فعالیت‌های گردشگری آثار ناشی از آن نیز ابعاد به هم پیوستهٔ بسیاری دارد که باید در مطالعهٔ آثار گردشگری به آنها توجه شود (ماسون[2]، ۲۰۱۵: ۲۶) در چند سال اخیر عدم توجه کافی مدیریت شهری کشور به مقولهٔ گردشگری پایدار شهری، نتوانسته به نیازهای روزافزون شهروندان به محیط‌های تفریحی و استراحتگاهی پاسخ مناسب بدهد و گردشگری را به سمت پایداری سوق دهد. کم‌توجهی مدیران شهری به این مقوله موجب آثار منفی عدیده‌ای چون هزینه‌های بیشتر زندگی برای شهروندان، تغییر زندگی سنتی، افزایش جرائم، آلودگی زیست‌محیطی، فشار بر روی تسهیلات و خدمات در بسیاری از شهرها شده است (رحیمی‌فرد، ۱۳۹۶: ۲).

شهر شیروان واقع در استان خراسان شمالی، از ظرفیت‌های بسیار بالایی مانند جاذبه‌های طبیعی و تفریحی و تاریخی همچون شیرکوه، تپه‌نادر و جاذبه‌های مذهبی مانند زیارتگاه امامزاده حمزه رضا و بی‌بی هور و بی‌بی نور برخوردار است و از طرفی شیروان با توجه به قرار گرفتن در جادهٔ ترانزیت و شاهراه رفت‌وآمد ملی به شهرهای شمالی کشور و پایتخت (تهران) و برخوردار از قدمت تاریخی دیرینه، می‌تواند یکی از مقصدهای شهری و به‌عنوان کانون اصلی گردشگری ایران در سطح ملی و منطقه‌ای ایفاء نقش کند. برای انجام این مهم لازم است که مدیران شهری قبل از هر چیز عوامل پیش‌ران و تأثیرگذار بر توسعهٔ اقتصادی و کالبدی شهر را شناسایی نمایند.

1.Tao & Wall
2. Mason

همچنین شهر شیروان یکی از چشم‌اندازهای گردشگری منطقهٔ شمال شرق کشور به‌شمار می‌رود. در این تحقیق ظرفیت‌های این شهر برای گردشگری به‌عنوان فعالیتی متناسب با ویژگی‌های محیطی آن بررسی خواهد شد و راهکارهایی برای توسعهٔ این فعالیت و درآمدزایی و پایداری شهری و احیای اقتصاد شهر ارائه می‌شود. بنابراین مقالهٔ حاضر در پی این است که تأثیر گردشگری را بر ابعاد توسعهٔ پایدار شهری یعنی (اقتصادی، کالبدی، زیست‌محیطی، اجتماعی، فرهنگی)، مورد بررسی قرار دهد تا با تبیین و شناخت عوامل مؤثر موجبات توسعهٔ پایدار را در این شهر فراهم کند.

۲. پیشینهٔ پژوهش

مطالعات زیادی در زمینه گردشگری انجام شده است که در این قسمت به مهم‌ترین این مطالعات اشاره شده است:

جدول ۱. پیشینهٔ پژوهش

منبع: نگارندگان ۱۴۰۳

نویسنده/نویسندگان	سال	عنوان	نتیجه
فان و همکاران	۲۰۲۳	شناسایی و اولویت‌بندی استراتژیهای توسعهٔ گردشگری با استفاده از SWOT،QSPM و AHP: مطالعه موردی کوه چانگبای در چین	استفاده از پتانسیل‌های طبیعی، تاریخی و غیره»و استراتژی "ایجاد مکانیزم مناسب برای سرمایه‌گذاری بخش دولتی و خصوصی"برای بهبود شرایط در کوه چانگ بای بسیار مهم هستند. بنابراین باید به ظرفیت‌های گردشگری این منطقه توجه ویژه‌ای شود و در جهت تقویت صنعت گردشگری، جایگاه اقتصادی منطقه و ایجاد فرصت‌های شغلی در دستور کار مدیران و برنامه‌ریزان قرار گیرد.
فرزین	۱۴۰۳	ارائهٔ یک مدل فرآیندی یکپارچه جهت ارزیابی گردشگری به‌عنوان ابزاری جهت بازآفرینی	استفاده از عناصر گردشگری به‌عنوان ابزاری جهت بازآفرینی شهری نیازمند یک برخورد چهار سطحی از روابط میان آن‌ها است که در آن عناصر زیرساختی همچون گونه‌های حمل‌ونقل و دسترسی و آموزش و اطلاع‌رسانی به‌عنوان سطح پایه (چهارم) و

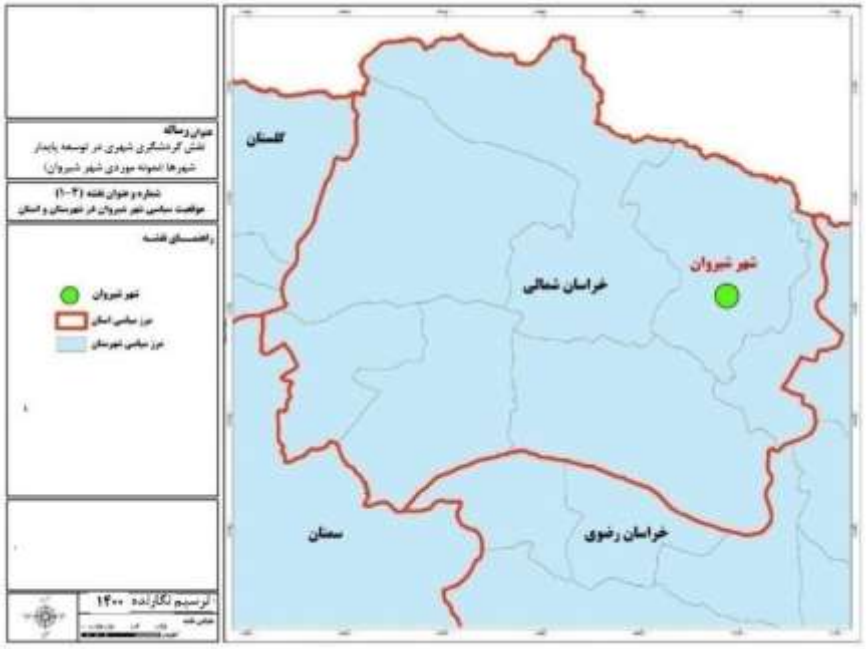
نویسنده/نویسندگان	سال	عنوان	نتیجه
		شهری با رویکرد مدلسازی ساختاری	مستقل‌ترین سطح و گونهٔ خرده‌فروشی به‌عنوان سطح اول و وابسته‌ترین سطح روابط عمل می‌نمایند.
بالیده و تقوایی	۱۴۰۳	تبیین شاخص‌های مدل شکوفایی گردشگری شهری	بیشترین میزان میانگین واریانس استخراج شده مربوط به شاخص «اجتماعی -فرهنگی» با (۰/۸۱)، و کمترین مقدار آن مربوط به شاخص «اقتصادی» با (۰/۴۷)، بوده است.
احمدی و همکاران	۱۴۰۰	تبیین نگاه فن سالارانه در طرح‌های توسعه شهری بر گردشگری با روش سه سوسازی (مطالعه موردی: استان کرمانشاه	نتایج ابعاد سه‌گانه نشان داده که نگاه فن سالارانه و تکنوکرات در طرحهای شهری، گردشگری را به حاشیه رانده و پتانسیل‌های گردشگری شهری را کمرنگ نموده و منجر به از دست رفتن هویتهای اصلی جاذبه‌های گردشگری شده است.
بزرگ‌نیا و همکاران	۱۴۰۰	به بررسی تأثیر پروژه‌های محرک توسعه بر ارتقاء گردشگری شهری در منطقه ۱۱شهر تهران	ابعاد اقتصادی، کالبدی- فضایی، اجتماعی و زیست‌محیطی بر پروژه‌های محرک توسعه و در نهایت پروژه‌های محرک توسعه با ضریب مسیر 0/63بر توسعه گردشگری تأثیر مثبت و معناداری دارد. به‌گونه‌ای که هر تغییری به‌صورت مثبت در ابعاد موردنظر باعث ارتقا کیفیت فضای گردشگری شهری خواهد شد.
بیکی	۱۳۹۹	تبیین نقش گردشگری بر ابعاد پایداری شهری مطالعه موردی: شهر مرزی خواف	وضعیت شهر مرزی خواف به لحاظ ابعاد پایداری شهری مطلوب نیست. در این میان پایداری اقتصادی پایین‌ترین سطح مطلوبیت را کسب نمود. همچنین گردشگری بر تمامی ابعاد پایداری شهری تأثیر مثبت و معنادار داشته که بیشترین آن ترتیب بر پایداری کالبدی (۰.۹۱)، و پایداری اجتماعی (۰.۴۱) بوده است.
موسوی و همکاران	۱۳۹۸	ارزیابی عناصر مؤثر بر توسعهٔ گردشگری شهری مطالعه موردی: ارومیه	جاذبه‌های گردشگری با ضریب مستقیم و مثبت ۰/۹۹ و خدمات گردشگری با ضریب مستقیم و مثبت ۰/۸۵ در توسعه گردشگری شهری شهر ارومیه نقش داشته اند
محمدی فر و علوی‌نسب	۱۳۹۷	نقش مدیریت شهری در توسعهٔ پایدار گردشگری شهر مشهد	مدیریت شهری در توسعهٔ گردشگری شهری می‌تواند نقش بسیار بالایی ایفا کند. همچنین در راستای تحقق توسعهٔ گردشگری، مدیریت شهری مهمترین ابزار است و مدیریت باید برای شهر

نویسنده/نویسندگان	سال	عنوان	نتیجه
			برنامه‌ریزی کند و فعالیتهای شهری را سامان دهد و بر فعالیت‌های انجام‌شده نظارت کند.
بانک جهانی	2018	«تجربهٔ سئول در میراث- فرهنگی، گردشگری پایدار و بازسازی شهری	سرمایه‌گذاری هدفمند، بازسازی شهری، بازسازی میراث فرهنگی و توسعهٔ گردشگری را احیا کرده است.
کلیپوایز و زردوا	2012	توسعه گردشگری در یک محیط در حال تغییر	گردشگری پایدار و مسائل پایداری به‌ویژه در کشورهای درحال‌توسعه باید به‌صورت ویژه مورد توجه قرار گیرد. ترکیب آگاهی و مدیریت زیست‌محیطی در صنعت گردشگری یک گام مهم در تضمین اجرای سیاست‌های زیست‌محیطی است.
اویسال و ایزدن	2011	گردشگری فرهنگی به‌عنوان ابزار بازسازی شهری در استانبول»	گردشگری فرهنگی، یکی از انگیزه‌های اصلی این استراتژی‌های بازاریابی، به‌طور گسترده‌ای به‌عنوان یک سیاست شهری سازگار است.

۳. روش‌شناسی تحقیق

تحقیق حاضر از نوع کاربردی است؛ چراکه تلاش دارد با استفاده از زمینه‌ها و مبانی نظری موجود به مطالعهٔ مسائل و مشکلات گردشگری شهر شیروان بپردازد و در نهایت بهترین راهکارهای اجرایی را جهت توسعهٔ گردشگری و توسعهٔ پایدار شهر شیروان ارائه کند. جامعهٔ آماری پژوهش حاضر، شهروندان شهر شیروان هستند که براساس آخرین آمار رسمی سرشماری کشور، جمعیتی برابر با ۸۲۶۸۹ نفر دارد. از این میان، جامعهٔ آماری مورد مطالعه شامل افراد بالای ۲۰ سال بوده که تعداد آنان ۵۶۲۷۱ نفر برآورد شده است. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران و با سطح اطمینان ۹۵ درصد، ۳۸۴ نفر تعیین شد و پرسشنامه‌ها به‌صورت تصادفی در میان شهروندان توزیع و مورد بررسی قرار گرفت. همچنین گروه دوم شامل کارشناسان مرتبط با امور گردشگری شهرستان شیروان هستند

و ۵۰ نفر نیز به‌عنوان نمونه آماری برای گروه دوم انتخاب و به روش نمونه‌گیری اتفاقی پرسشنامه‌ها تکمیل شدند.



شکل ۱. موقعیت سیاسی شهر شیروان

منبع: نگارنگان، ۱۴۰۰

به‌منظور تجزیه‌وتحلیل داده‌های جمع‌آوری‌شده از پرسشنامه و همچنین ارزیابی عوامل مؤثر بر توسعهٔ پایدار شهری از نرم‌افزار SPSS بهره گرفته شده است. در بخش آمار استنباطی، برای مقایسهٔ میانگین متغیرهای تحقیق در سطوح متغیرهای جمعیت‌شناختی و پاسخگویی به سؤالات پژوهش از تحلیل عاملی تأییدی (CFA) و آزمون‌های t تک‌نمونه‌ای، t گروه‌های مستقل و آنالیز واریانس استفاده شده است.

جدول ۲. شاخص‌ها و مؤلفه‌های مورد سنجش در تحقیق

منبع: آرتور و منساه ۲۰۱۶ ، آریانی و فازی، ۲۰۱۹ ؛صادقی‌ها و نوری،۱۴۰۰؛ حمصیان اتفاق و همکاران،۱۴۰۰؛حسین‌زهی و کریمیان بستانی ،۱۴۰۰؛ خواجه نبی و همکاران،۱۳۹۹

مولفه‌ها	شاخص	گویه	واحدهای سنجش
اقتصادی	اقامتگاه‌ها	مراکز اقامتی	کیفیت اقامتگاه‌ها و دسترسی
		اتاق ها	کیفیت اتاق‌ها و هزینه‌ها
	رستوران و پذیرایی	رستوران‌های داخل شهری	تنوع غذایی، کیفیت غذاها و قیمت غذاها
		واحدهای پذیرایی بین‌راهی	
	آزانس گردشگری		تعداد تورهای ورودی
	مراکز اطلاع‌رسانی و تبلیغات		تعداد مراکز ۰ تنوع روش ها
	اشتغالزایی		صنایع دستی، غذا و..
	تجاری و مالی		تنوع و تعداد مراکز تجاری و خرید تعداد و کیفیت فروشگاه صنایع دستی
کالبدی و محیطی	حمل‌ونقلی	راهها و جاده ها	تنوع راه کیفیت انواع راهها
	عمومی	اب و فاضلاب	تراکم شبکهٔ آب و فاضلاب
		برق	تراکم شبکه گاز رسانی
		گاز	تراکم شبکه تلفن ثابت و شبکه های موبایلی
		تلفن و ارتباطات	
	دسترسی	پارک و فضای سبز، شهربازی و مراکز تفریحی و پارکینگ	
	استفاده‌های مجاز و پایدار از طبیعت و محیط زیست، برنامه‌ریزی برای کاهش آسیب‌های زیست‌محیطی		
اجتماعی – فرهنگی	فرهنگی	سالنهای (نمایش، کنسرت ، استخر و ...)	دسترسی و کیفیت
	بهداشتی درمانی	بیمارستان	دسترسی کیفیت و خدمات
		مراکز بهداشتی درمانی	
		پایگاه اورژانس	
		داروخانه	

مولفه‌ها	شاخص	گویه	واحدهای سنجش
	انتظامی – امنیتی	پلیس راه	تعداد
		احساس امنیت	وضعیت امنیت
	سوخت و انرژی	پمب بنزین	تعداد
		پمب گاز	تنوع
	تبادلات فرهنگی و رویداد های فرهنکی		دسترسی
	مهمان نوازی امنیت در شهر صدور فرهنگ گردشگرپذیری و مهمان نوازی		کیفیت

۴. مبانی نظری پژوهش

در رابطه بارویکردهای توسعهٔ گردشگری، یکی از پرکاربردترین و مشهورترین فهرست‌بندی‌ها در زمینهٔ توسعهٔ گردشگری مربوط به گتس (۱۹۸۷) می‌شود. او چهار رویکرد یا رهیافت عمده را با ویژگی‌های هر یک از آنها مطرح کرد: رویکرد منفعت‌طلبی یا بهره‌کشی؛ رویکرد اقتصادی، رویکرد فضایی/کالبدی؛ رویکرد اجتماع‌محور (حسنی‌مقدم و همکاران، ۱۴۰۲: ۱۱۸). با توجه به اینکه گردشگری، مفهومی میان رشته‌ای وچندوجهی است؛ می‌توان آن را ازدیدگاه‌های مختلفی همچون جغرافیایی، اقتصادی، جامعه‌شناختی و مدیریتی مورد بررسی قرار داد و بدین سبب تعاریف متعددی نیز از این دیدگاه‌ها برای گردشگری صورت گرفته است (حضرتی و همکاران، ۱۴۰۲: ۲۱). واژهٔ توریسم از ریشهٔ تور است که در زبان فرانسوی به معنای پیمودن و سیر کردن و گردش نمودن است. ازگذشته تاکنون مردم به جهت خرید، بازدید و گشت‌وگذار از شهرهای بزرگ و اماکن تاریخی با آن وسایل ابتدایی و با کاروانها اقدام به مسافرت می‌نمودند، ولی اکنون روند آن و نیز وسایل و امکانات بسیار تغییر نموده است (فازندا و همکاران[1]، ۲۰۱۰: ۴۲۹) تحقق توسعهٔ پایدار گردشگری درگرو لحاظ نمودن سه رویکرد همه‌جانبه‌نگر و کل‌گرا، آینده‌نگر و مساوات‌گرا است. نگرش اول

1. Fazenda et al

بر این باور است که توسعه، هنگامی پایدار است که در بستر سیاسی، اقتصادی، اکولوژیک ملاحظه گردد .در رویکرد دوم برآورد احتیاجات کنونی گردشگران، جامعهٔ میزبان و به‌موازات آن محافظت و پاس‌داشت از محیط‌زیست و حفظ فرصت‌های برابر برای آیندگان مطرح است. در رویکرد سوم مساوات درون‌نسلی و فرانسلی در استفاده از امکانات، داده‌ها و منابع موردنظراست (تولایی، ۱۳۸۶: ۱۴۲).

۵. یافته‌های پژوهش

از کل شهروندان، ۲۳۰ نفر معادل ۵۹/۹ درصد مرد و ۱۵۴ نفر معادل ۴۰/۱ درصد زن و از کل کارشناسان، ۳۲ نفر معادل ۶۴ درصد مرد و ۱۸ نفر معادل ۳۶ درصد زن بوده‌اند. در بین شهروندان، بیشترین فراوانی معادل ۴۸/۲ درصد مربوط به گروه سنی ۳۱ تا ۴۰ سال و کمترین فراوانی معادل ۳/۶ درصد مربوط به گروه سنی ۵۱ تا ۶۰ سال بوده است. در بین کارشناسان، بیشترین فراوانی معادل ۵۴ درصد مربوط به گروه سنی ۳۱ تا ۴۰ سال و کمترین فراوانی معادل ۴ درصد مربوط به گروه سنی کمتر از ۲۰ سال بوده است. همچنین در بین شهروندان، بیشترین فراوانی معادل ۳۶/۷ درصد مربوط به گروه شغلی آزاد و در بین کارشناسان بیشترین فراوانی معادل ۷۰ درصد مربوط به کارمندان دولت است.

۵. ۱. مقایسهٔ میزان همبستگی یک عامل با سؤال‌هایش در مقابل همبستگی آن عامل با سایر عامل‌ها

معیار مهمی که با روایی واگرا مشخص می‌گردد، میزان رابطهٔ یک عامل با سؤالاتش در مقایسه با رابطهٔ آن عامل با سایر عامل‌هاست؛ به‌طوری که روایی واگرای قابل قبول یک مدل حاکی از آن است که یک عامل در مدل تعامل بیشتری با سؤالات خود دارد تا با عامل‌های دیگر. روایی واگرا وقتی در سطح قابل قبول است که میزان AVE برای هر عامل بیشتر از واریانس اشتراکی بین آن عامل و عامل‌های دیگر در مدل باشد.

جدول ۳. روایی واگرای مؤلفه‌های اصلی پژوهش به روش فورنل و لارکر – پرسشنامه شهروندان

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۳

نام متغیر	توسعهٔ اقتصادی	توسعهٔ زیست‌محیطی	توسعهٔ فرهنگی - اجتماعی	توسعهٔ کالبدی
توسعهٔ اقتصادی	۰/۷۵۷			
توسعهٔ زیست‌محیطی	۰/۴۳۲	۰/۷۸۶		
توسعهٔ فرهنگی - اجتماعی	۰/۴۶۹	۰/۳۲۹	۰/۷۰۸	
توسعهٔ کالبدی	۰/۳۲	۰/۳۶۵	۰/۵۹۵	۰/۸۴۱

جدول ۴. روایی واگرای مؤلفه‌های اصلی پژوهش به روش فورنل و لارکر – پرسشنامه کارشناسان

منبع: یافته‌های پژوهش ۱۴۰۳

نام متغیر	توسعهٔ اقتصادی	توسعهٔ زیست‌محیطی	توسعهٔ فرهنگی - اجتماعی	توسعهٔ کالبدی
توسعهٔ اقتصادی	۰/۷۶۲			
توسعهٔ زیست‌محیطی	۰/۲۴۱	۰/۷۱۴		
توسعهٔ فرهنگی - اجتماعی	۰/۳۷۶	۰/۳۸۷	۰/۷۹۶	
توسعهٔ کالبدی	۰/۰۹۷	۰/۰۷۳	۰/۲۲۹	۰/۸۴۳

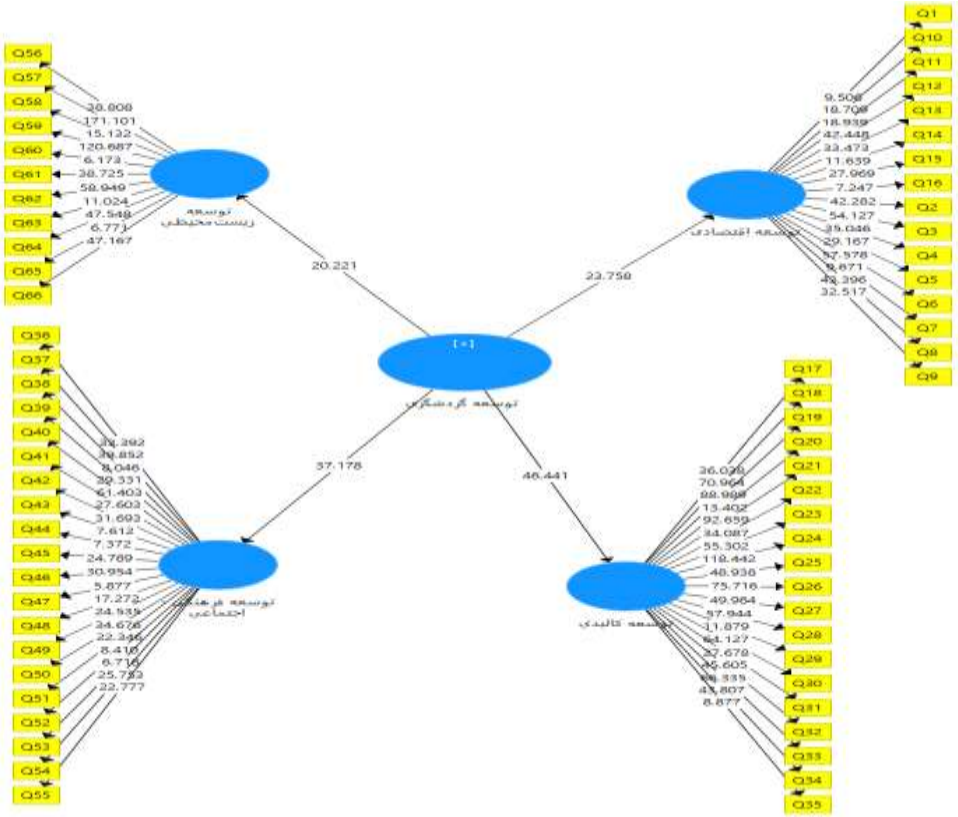
همان گونه که در دو جدول ۳ و ۴ مشخص شده است، در جاهایی که با رنگ تیره مشخص شده مقدار جذر AVE هر عامل از مقدار همبستگی دو عامل بیشتر است. بنابراین روایی واگرای تحقیق تأیید می‌شود.

۵. ۲. آزمون مدل ساختاری

بخش مدل ساختاری برخلاف مدل‌های اندازه‌گیری، به سؤالات (متغیرهای آشکار) کاری ندارد و تنها عامل‌های پنهان همراه با روابط میان آن‌ها بررسی می‌گردد.

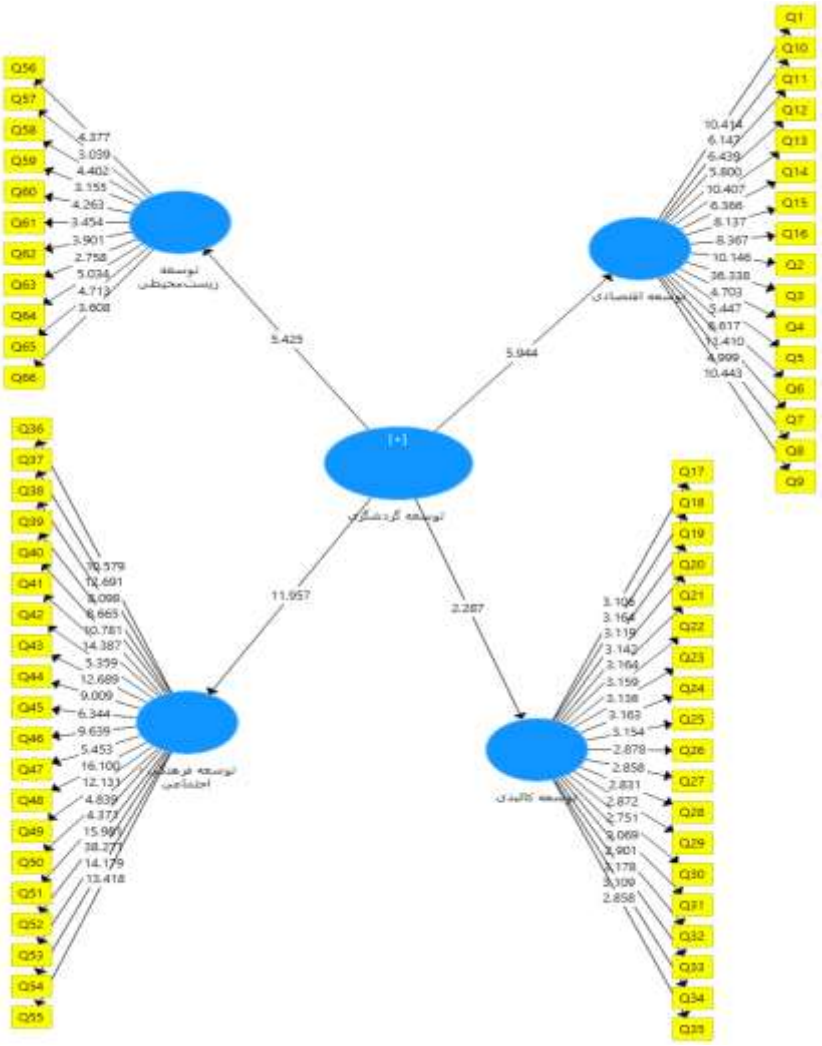
برای بررسی برازش مدل پژوهش از چندین معیار استفاده می‌شود که اولین و اساسی‌ترین معیار، ضرایب معنی‌داری t یا همان مقادیر t-values است. ابتدایی‌ترین معیار برای سنجش رابطهٔ بین عامل‌ها در مدل، اعداد معنی‌داری t است. در صورتی که مقدار این اعداد از ۱/۹۶ بیشتر شود، نشان

از صحت رابطهٔ بین عامل‌ها و در سطح اطمینان ۰/۹۵ است. البته باید توجه داشت که اعداد فقط صحت رابطه را نشان می‌دهند و شدت رابطه بین عامل‌ها را نمی‌توان با آن سنجید.



شکل ۲. مدل ضرایب معناداری – شهروندان

منبع: یافته‌های پژوهش ۱۴۰۳



شکل ۳. مدل ضرایب معناداری – کارشناسان

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۳

جدول ۵. بررسی روابط درون مدل ساختاریبررسی رابطه‌ها درون مدل ساختاری تحقیق

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۳

	ضرایب استاندارد	خطای استاندارد	T Value	P Value
پرسشنامهٔ شهروندان				
توسعهٔ گردشگری ← توسعهٔ اقتصادی	۰/۷۳۸	۰/۰۳۱	۲۳/۷۵۸	۰/۰۰۰
توسعهٔ گردشگری ← توسعهٔ زیست‌محیطی	۰/۶۷۷	۰/۰۳۳	۲۰/۲۲۱	۰/۰۰۰
توسعهٔ گردشگری ← توسعهٔ فرهنگی - اجتماعی	۰/۸۱۵	۰/۰۲۲	۳۷/۱۷۸	۰/۰۰۰
توسعهٔ گردشگری ← توسعهٔ کالبدی	۰/۷۶۷	۰/۰۱۷	۴۶/۴۴۱	۰/۰۰۰
پرسشنامهٔ کارشناسان				
توسعهٔ گردشگری ← توسعهٔ اقتصادی	۰/۶۹	۰/۱۱۶	۵/۹۴۴	۰/۰۰۰
توسعهٔ گردشگری ← توسعهٔ زیست‌محیطی	۰/۶۷۴	۰/۱۲۴	۵/۴۲۵	۰/۰۰۰
توسعهٔ گردشگری ← توسعهٔ فرهنگی - اجتماعی	۰/۸۰۶	۰/۰۶۷	۱۱/۹۵۷	۰/۰۰۰
توسعهٔ گردشگری ← توسعهٔ کالبدی	۰/۴۰۷	۰/۱۷۸	۲/۲۸۷	۰/۰۲۳

با توجه به مندرجات جدول ۵ که برای همهٔ رابطه‌ها نشان داده شده است بین متغیرهایی رابطهٔ معنی‌داری برقرار است که مقدار تی ولیو برای این رابطه‌ها بیشتر از ۱/۹۶ باشد. ضریب R2 معیاری است که نشان از تأثیر یک عامل برون‌زا بر یک عامل درون‌زا دارد و سه مقدار ۰/۱۹، ۰/۳۳ و ۰/۶۷ به‌عنوان ملاک‌هایی برای مقادیر ضعیف، متوسط و قوی در نظر گرفته می‌شود. مقدار R2 برای عامل‌های برون‌زا یا مستقل برابر صفر است.

در صورتی که مقادیر Q2 در مورد یک عامل وابسته صفر و یا کمتر از صفر شود، نشان از آن دارد که روابط بین عامل‌های دیگر مدل و آن عامل وابسته به‌خوبی تبیین نشده است و در نتیجه مدل احتیاج به اصلاح دارد. این معیارها قدرت پیش‌بینی مدل را مشخص می‌سازد و در صورتی که مقدار

این شاخص در مورد یکی از عامل‌های درون‌زا سه مقدار ۰/۰۲، ۰/۱۵ و ۰/۳۵ را کسب نماید، به‌ترتیب نشان از قدرت پیش‌بینی ضعیف، متوسط و قوی عامل یا عامل‌های برون‌زای مربوط به آن دارد.

جدول ۶. بررسی معیارهای R2 و Q2

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۳

نام متغیر	R2	Q2
پرسشنامهٔ شهروندان		
توسعهٔ اقتصادی	۰/۵۴۴	۰/۲۸۵
توسعهٔ زیست‌محیطی	۰/۴۵۸	۰/۲۵۲
توسعهٔ فرهنگی – اجتماعی	۰/۶۶۴	۰/۳۰۶
توسعهٔ کالبدی	۰/۵۸۸	۰/۳۷۶
پرسشنامهٔ کارشناسان		
توسعهٔ اقتصادی	۰/۴۷۶	۰/۲۴۱
توسعهٔ زیست‌محیطی	۰/۴۵۴	۰/۲۰۶
توسعهٔ فرهنگی – اجتماعی	۰/۶۵۰	۰/۳۶۷
توسعهٔ کالبدی	۰/۱۶۵	۰/۱۰۲

با توجه به مندرجات جدول ۶ معیارهای R2 و Q2 برای متغیرهای وابسته در حد متوسط و قوی است.

۵. ۳. توصیف براساس پاسخ‌های پرسشنامه

۵. ۳. ۱. توسعهٔ اقتصادی

در سؤالات ۱ تا ۱۶ پرسشنامه مربوط به "توسعهٔ اقتصادی" بیشترین میانگین مربوط به "افزایش سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی" و برابر ۲/۹۱۵ است. یعنی در پاسخ به این سؤال اکثر پاسخگویان گزینه‌های خیلی‌زیاد و زیاد با کدهای ۵ و ۴ را انتخاب کرده‌اند. کمترین میانگین هم

مربوط به "افزایش درآمد شهرداری شیروان" و برابر ۲/۳۰۶ است. یعنی در پاسخ به این سؤال اکثر پاسخگویان گزینه‌های خیلی‌کم و کم با کدهای ۱ و ۲ را انتخاب کرده‌اند.

جدول ۷. آماره‌های فراوانی و توصیفی سؤالات پرسشنامه – توسعهٔ اقتصادی

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۳

نام متغیر	گروه	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	میانگین	انحراف معیار
توسعهٔ مراکز تجاری	شهروندان	۱۷/۲	۲۹/۹	۲۴/۷	۱۶/۴	۱۱/۷	۲/۷۵۵	۱/۲۵۱
	کارشناسان	۳۴	۳۲	۱۸	۱۰	۶	۲/۲۲	۱/۲
	کل	۱۹/۱	۳۰/۲	۲۴	۱۵/۷	۱۱/۱	۲/۶۹۴	۱/۲۵۵
فروش غذاهای محلی و تولید و افزایش درآمد سرانه	شهروندان	۱۸/۵	۲۵	۲۸/۴	۲۶/۸	۱/۳	۲/۶۷۴	۱/۰۹۹
	کارشناسان	۳۲	۳۴	۱۶	۱۲	۶	۲/۲۶	۱/۲۰۹
	کل	۲۰	۲۶	۲۷	۲۵/۱	۱/۸	۲/۶۲۷	۱/۱۱۸
رونق صنایع دستی و اشتغال‌زایی	شهروندان	۱۷/۷	۳۱	۲۱/۱	۲۸/۹	۱/۳	۲/۶۵۱	۱/۱۱۴
	کارشناسان	۳۴	۳۴	۱۸	۶	۸	۲/۲	۱/۲۱۲
	کل	۱۹/۶	۳۱/۳	۲۰/۷	۲۶/۳	۲/۱	۲/۵۹۹	۱/۱۳۳
افزایش درآمد شهرداری شیروان	شهروندان	۲۹/۹	۲۳/۴	۳۲/۶	۱۴/۱	۰	۲/۳۰۷	۱/۰۴۷
	کارشناسان	۲۸	۳۸	۱۶	۱۲	۶	۲/۳	۱/۱۸۲
	کل	۲۹/۷	۲۵/۱	۳۰/۶	۱۳/۸	۰/۷	۲/۳۰۶	۱/۰۶۲
افزایش درآمد کسبه	شهروندان	۹/۶	۳۴/۹	۳۴/۶	۱۶/۷	۴/۲	۲/۷۰۸	۰/۹۹۳
	کارشناسان	۳۴	۲۶	۲۲	۱۰	۸	۲/۳۲	۱/۲۶۹
	کل	۱۲/۴	۳۳/۹	۳۳/۲	۱۵/۹	۴/۶	۲/۶۶۴	۱/۰۳۴
افزایش منابع درآمدی ساکنین شهر	شهروندان	۱۸	۲۶/۸	۲۸/۱	۲۵/۸	۱/۳	۲/۶۵۶	۱/۰۸۷
	کارشناسان	۳۲	۲۸	۱۶	۱۲	۱۲	۲/۴۴	۱/۳۷۳
	کل	۱۹/۶	۲۷	۲۶/۷	۲۴/۲	۲/۵	۲/۶۳۱	۱/۱۲۴

نام متغیر	گروه	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	میانگین	انحراف معیار
افزایش میزان دسترسی فیزیکی به بازارها و فروشگاه ها	شهروندان	۱۹/۵	۲۷/۳	۲۳/۴	۱۷/۷	۱۲	۲/۷۵۳	۱/۲۸۶
	کارشناسان	۳۰	۳۴	۱۸	۱۲	۶	۲/۳	۱/۱۹۹
	کل	۲۰/۷	۲۸/۱	۲۲/۸	۱۷/۱	۱۱/۳	۲/۷	۱/۲۸۳
ایجاد مراکز تفریحی	شهروندان	۱۸/۸	۲۶	۲۶/۸	۲۶/۸	۱/۶	۲/۶۶۴	۱/۱۱
	کارشناسان	۲۸	۳۲	۲۰	۱۰	۱۰	۲/۴۲	۱/۲۷۹
	کل	۱۹/۸	۲۶/۷	۲۶	۲۴/۹	۲/۵	۲/۶۳۶	۱/۱۳۲
شکل‌گیری بازارهای جدید	شهروندان	۱۹/۵	۲۷/۱	۲۵	۲۶/۳	۲/۱	۲/۶۴۳	۱/۱۲۹
	کارشناسان	۳۲	۳۴	۱۲	۱۲	۱۰	۲/۳۴	۱/۳۱۹
	کل	۲۱	۲۷/۹	۲۳/۵	۲۴/۷	۳	۲/۶۰۸	۱/۱۵۵
درآمدزایی خانوارهای منطقه از طریق اجاره منزل، ویلا، سوئیت و ...	شهروندان	۲۸/۶	۲۵/۵	۲۹/۲	۱۳/۸	۲/۹	۲/۳۶۷	۱/۱۲۱
	کارشناسان	۳۲	۲۶	۲۲	۱۲	۸	۲/۳۸	۱/۲۷۶
	کل	۲۹	۲۵/۶	۲۸/۳	۱۳/۶	۳/۵	۲/۳۶۹	۱/۱۳۸
رونق جاذبه‌های تاریخی در نتیجهٔ توسعهٔ اقتصادی	شهروندان	۹/۶	۳۳/۶	۳۴/۹	۱۵/۶	۶/۳	۲/۷۵۳	۱/۰۳۴
	کارشناسان	۳۴	۳۰	۲۰	۱۰	۶	۲/۲۴	۱/۲۰۵
	کل	۱۲/۴	۳۳/۲	۳۳/۲	۱۵	۶/۲	۲/۶۹۴	۱/۰۶۶
جلب توجه مدیران دولتی	شهروندان	۱۷/۲	۲۹/۹	۲۶/۶	۲۳/۴	۲/۹	۲/۶۴۸	۱/۱۰۳
	کارشناسان	۳۲	۳۰	۲۰	۱۲	۶	۲/۳	۱/۲۱۶
	کل	۱۸/۹	۳۰	۲۵/۸	۲۲/۱	۳/۲	۲/۶۰۸	۱/۱۲
افزایش تخصیص بودجه مستقل برای رونق و توسعهٔ گردشگری	شهروندان	۱۷/۲	۲۶	۲۹/۲	۲۳/۷	۳/۹	۲/۷۱۱	۱/۱۲۳
	کارشناسان	۳۰	۳۶	۱۶	۱۰	۸	۲/۳	۱/۲۳۳
	کل	۱۸/۷	۲۷/۲	۲۷/۶	۲۲/۱	۴/۴	۲/۶۶۴	۱/۱۴۲
جلب حمایت دستگاه‌های دولتی از طریق اعطای تسهیلات	شهروندان	۱۲/۸	۲۴	۲۷/۱	۲۹/۹	۶/۳	۲/۹۳	۱/۱۳۹
	کارشناسان	۳۲	۳۰	۱۸	۱۰	۱۰	۲/۳۶	۱/۳۰۶
	کل	۱۵	۲۴/۷	۲۶	۲۷/۶	۶/۷	۲/۸۶۴	۱/۱۷۲
ایجاد تقاضا برای محصولات کشاورزی منطقه و رونق اقتصادی	شهروندان	۱۸/۸	۲۳/۷	۳۱/۵	۲۲/۹	۳/۱	۲/۶۸	۱/۱۱۴
	کارشناسان	۳۲	۳۶	۱۶	۱۰	۶	۲/۲۲	۱/۱۸۳
	کل	۲۰/۳	۲۵/۱	۲۹/۷	۲۱/۴	۳/۵	۲/۶۲۷	۱/۱۳۱

نام متغیر	گروه	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	میانگین	انحراف معیار
افزایش سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی	شهروندان	۱۱/۲	۲۶/۶	۲۲/۹	۲۹/۴	۹/۹	۳/۰۰۳	۱/۱۸۶
	کارشناسان	۳۶	۲۸	۱۸	۱۲	۶	۲/۲۴	۱/۲۳۸
	کل	۱۴/۱	۲۶/۷	۲۲/۴	۲۷/۴	۹/۴	۲/۹۱۵	۱/۲۱۶

۵. ۳. ۲. توسعهٔ کالبدی

در سؤالات ۱۷ تا ۳۵ پرسشنامه مربوط به "توسعهٔ کالبدی" بیشترین میانگین مربوط به "افزایش میزان گسترش فیزیکی" و برابر ۲/۹۱۲ است؛ یعنی در پاسخ به این سؤال اکثر پاسخگویان گزینه‌های خیلی‌زیاد و زیاد با کدهای ۵ و ۴ را انتخاب کرده‌اند. کمترین میانگین هم مربوط به "افزایش تعداد رستوران‌ها در سطح شهر" و برابر ۲/۴۲۲ است؛ یعنی در پاسخ به این سؤال اکثر پاسخگویان گزینه‌های خیلی‌کم و کم با کدهای ۱ و ۲ را انتخاب کرده‌اند.

جدول ۸. آماره‌های فراوانی و توصیفی سؤالات پرسشنامه – توسعهٔ کالبدی

منبع: یافته‌های پژوهش ۱۴۰۳

نام متغیر	گروه	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	میانگین	انحراف معیار
ارتقاء سطح زیرساخت‌ها	شهروندان	۲۳/۴	۲۰/۸	۳۴/۶	۹/۶	۱۱/۵	۲/۶۴۸	۱/۲۵۷
	کارشناسان	۲۸	۲۴	۲۶	۲۲	۰	۲/۴۲	۱/۱۲۶
	کل	۲۴	۲۱/۲	۳۳/۶	۱۱/۱	۱۰/۱	۲/۶۲۲	۱/۲۴۴
افزایش میزان دسترسی به خدمات درمانی	شهروندان	۲۴/۲	۱۸	۳۷/۵	۹/۹	۱۰/۴	۲/۶۴۳	۱/۲۴۱
	کارشناسان	۲۶	۲۰	۳۲	۲۲	۰	۲/۵	۱/۱۱۱
	کل	۲۴/۴	۱۸/۲	۳۶/۹	۱۱/۳	۹/۲	۲/۶۲۷	۱/۲۲۷
تأثیرگذاری در توسعهٔ معابر و خیابان‌ها	شهروندان	۲۴/۲	۲۰/۱	۳۷/۲	۸/۶	۹/۹	۲/۵۹۹	۱/۲۲۲
	کارشناسان	۲۸	۲۸	۲۶	۱۸	۰	۲/۳۴	۱/۰۸۱
	کل	۲۴/۷	۲۱	۳۵/۹	۹/۷	۸/۸	۲/۵۶۹	۱/۲۰۹

نام متغیر	گروه	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	میانگین	انحراف معیار
افزایش و ارتقاء مراکز خدماتی و رفاهی	شهروندان	۱۶/۴	۲۸/۹	۲۰/۱	۲۴/۵	۱۰/۲	۲/۸۳۱	۱/۲۵۴
	کارشناسان	۲۲	۲۲	۳۲	۲۴	۰	۲/۵۸	۱/۰۹
	کل	۱۷/۱	۲۸/۱	۲۱/۴	۲۴/۴	۹	۲/۸۰۲	۱/۲۳۷
ایجاد امکانات اقامتی و پذیرایی مناسب	شهروندان	۲۴/۵	۱۷/۴	۳۸/۸	۹/۶	۹/۶	۲/۶۲۵	۱/۲۲۴
	کارشناسان	۲۴	۲۴	۳۰	۲۲	۰	۲/۵	۱/۰۹۳
	کل	۲۴/۴	۱۸/۲	۳۷/۸	۱۱/۱	۸/۵	۲/۶۱۱	۱/۲۰۹
افزایش فعالیت‌های بازاریابی به‌منظور استفادهٔ بهینه از جاذبه‌ها	شهروندان	۲۶	۲۹/۴	۳۰/۷	۱	۱۲/۸	۲/۴۵۱	۱/۲۴۹
	کارشناسان	۳۰	۲۰	۲۶	۲۴	۰	۲/۴۴	۱/۱۶۳
	کل	۲۶/۵	۲۸/۳	۳۰/۲	۳/۷	۱۱/۳	۲/۴۴۹	۱/۲۳۸
افزایش میزان تمیزی شهر و معابر افزایش	شهروندان	۳۶/۵	۲۰/۶	۱۶/۴	۵/۲	۲۱/۴	۲/۵۴۴	۱/۵۳۹
	کارشناسان	۲۴	۲۶	۲۶	۲۴	۰	۲/۵	۱/۱۱۱
	کل	۳۵	۲۱/۲	۱۷/۵	۷/۴	۱۸/۹	۲/۵۳۹	۱/۴۹۵
بهبود سیمای بصری شهر	شهروندان	۲۳/۴	۲۳/۷	۳۳/۱	۸/۶	۱۱/۲	۲/۶۰۴	۱/۲۴۷
	کارشناسان	۲۸	۱۸	۳۰	۲۴	۰	۲/۵	۱/۱۴۷
	کل	۲۴	۲۳	۳۲/۷	۱۰/۴	۹/۹	۲/۵۹۲	۱/۲۳۵
افزایش کیفیت پیاده‌روها	شهروندان	۲۴/۷	۳۷/۲	۷/۳	۱۹/۸	۱۰/۹	۲/۵۴۹	۱/۳۴۱
	کارشناسان	۲۸	۲۶	۲۶	۲۰	۰	۲/۳۸	۱/۱۰۵
	کل	۲۵/۱	۳۵/۹	۹/۴	۱۹/۸	۹/۷	۲/۵۳	۱/۳۱۶
توسعهٔ پارکینگ‌های عمومی	شهروندان	۲۲/۱	۲۶	۳۳/۶	۷/۶	۱۰/۷	۲/۵۸۶	۱/۲۱۷
	کارشناسان	۲۴	۲۶	۲۶	۲۲	۲	۲/۵۲	۱/۱۴۷
	کل	۲۲/۴	۲۶	۳۲/۷	۹/۲	۹/۷	۲/۵۷۸	۱/۲۰۸
توسعهٔ جشنواره‌های بومی	شهروندان	۲۹/۴	۱۸/۵	۳۱	۱۰/۴	۱۰/۷	۲/۵۴۴	۱/۳
	کارشناسان	۲۸	۲۲	۲۲	۲۰	۸	۲/۵۸	۱/۳۱۱
	کل	۲۹/۳	۱۸/۹	۳۰	۱۱/۵	۱۰/۴	۲/۵۴۸	۱/۳
افزایش میزان دسترسی به فضای سبز	شهروندان	۲۶	۱۹	۳۴/۶	۹/۹	۱۰/۴	۲/۵۹۶	۱/۲۶
	کارشناسان	۲۴	۱۶	۲۶	۲۲	۱۲	۲/۸۲	۱/۳۵۱
	کل	۲۵/۸	۱۸/۷	۳۳/۶	۱۱/۳	۱۰/۶	۲/۶۲۲	۱/۲۷۱

نام متغیر	گروه	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	میانگین	انحراف معیار
افزایش میزان گسترش فیزیکی	شهروندان	۱۳/۸	۲۷/۳	۲۱/۶	۲۶/۶	۱۰/۷	۲/۹۳	۱/۲۳۲
	کارشناسان	۲۰	۲۰	۳۲	۱۸	۱۰	۲/۷۸	۱/۲۵
	کل	۱۴/۵	۲۶/۵	۲۲/۸	۲۵/۶	۱۰/۶	۲/۹۱۲	۱/۲۳۳
بهبود کیفیت بنای مساکن	شهروندان	۲۲/۴	۲۵	۳۲/۸	۹/۱	۱۰/۷	۲/۶۰۷	۱/۲۳
	کارشناسان	۱۸	۲۰	۳۰	۲۰	۱۲	۲/۸۸	۱/۲۷۲
	کل	۲۱/۹	۲۴/۴	۳۲/۵	۱۰/۴	۱۰/۸	۲/۶۳۸	۱/۲۳۷
افزایش دسترسی به خدمات روزمره هفتگی (میوه‌فروشی، سبزی‌فروشی و ..)	شهروندان	۲۷/۹	۲۸/۴	۲۸/۴	۲/۹	۱۲/۵	۲/۴۳۸	۱/۲۷۱
	کارشناسان	۲۶	۱۴	۲۴	۲۲	۱۴	۲/۸۴	۱/۴۰۵
	کل	۲۷/۶	۲۶/۷	۲۷/۹	۵/۱	۱۲/۷	۲/۴۸۴	۱/۲۹۲
افزایش تعداد آژانس‌های مسافرتی	شهروندان	۳۸/۵	۱۵/۹	۱۶/۱	۸/۶	۲۰/۸	۲/۵۷۳	۱/۵۶۳
	کارشناسان	۲۲	۲۲	۲۴	۱۸	۱۴	۲/۸	۱/۳۵۵
	کل	۳۶/۶	۱۶/۶	۱۷/۱	۹/۷	۲۰	۲/۵۹۹	۱/۵۴۱
بهبود دسترسی بهتر معلولان و جانبازان	شهروندان	۲۴	۱۸/۲	۳۶/۲	۱۱/۲	۱۰/۴	۲/۶۵۹	۱/۲۴۸
	کارشناسان	۲۴	۱۸	۲۶	۱۸	۱۴	۲/۸	۱/۳۷
	کل	۲۴	۱۸/۲	۳۵	۱۲	۱۰/۸	۲/۶۷۵	۱/۲۶۲
افزایش ترافیک شهری	شهروندان	۲۶	۳۱/۵	۹/۹	۲۲/۴	۱۰/۲	۲/۵۹۱	۱/۳۵۱
	کارشناسان	۲۸	۲۲	۲۲	۱۴	۱۴	۲/۶۴	۱/۳۹۶
	کل	۲۶/۳	۳۰/۴	۱۱/۳	۲۱/۴	۱۰/۶	۲/۵۹۷	۱/۳۵۵
افزایش تعداد رستوران‌ها در سطح شهر	شهروندان	۲۷/۶	۲۵/۸	۳۰/۲	۱۲/۵	۳/۹	۲/۳۹۳	۱/۱۳۱
	کارشناسان	۲۴	۲۴	۲۴	۲۰	۸	۲/۶۴	۱/۲۷۴
	کل	۲۷/۲	۲۵/۶	۲۹/۵	۱۳/۴	۴/۴	۲/۴۲۲	۱/۱۴۹

۵. ۳. ۳. توسعهٔ فرهنگی – اجتماعی

در سؤالات ۳۶ تا ۵۵ پرسشنامه مربوط به "توسعهٔ فرهنگی – اجتماعی" بیشترین میانگین مربوط به "افزایش تضاد فرهنگی و اجتماعی بین ساکنین و گردشگران" و برابر ۳/۸۶۹ است؛ یعنی در پاسخ به این سؤال اکثر پاسخگویان گزینه‌های خیلی‌زیاد و زیاد با کدهای ۵ و ۴ را انتخاب کرده‌اند. کمترین میانگین هم مربوط به "تأثیرگذاری در تحکیم روابط خانوادگی" و برابر ۳/۵۳۵ است؛ یعنی در پاسخ به این سؤال اکثر پاسخگویان گزینه‌های خیلی‌کم و کم با کدهای ۱ و ۲ را انتخاب کرده‌اند.

جدول ۹. آماره‌های فراوانی و توصیفی سؤالات پرسشنامه – توسعهٔ فرهنگی – اجتماعی

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۳

نام متغیر	گروه	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	میانگین	انحراف معیار
افزایش میزان حس غرور به‌عنوان شهروند شهر	شهروندان	۰/۳	۱۵/۶	۳۲/۶	۲۳/۷	۲۷/۹	۳/۶۳۳	۱/۰۵۹
	کارشناسان	۴	۳۰	۲۴	۱۸	۲۴	۳/۲۸	۱/۲۴۶
	کل	۰/۷	۱۷/۳	۳۱/۶	۲۳	۲۷/۴	۳/۵۹۲	۱/۰۸۶
افزایش میزان تنوع و تبادلات فرهنگی	شهروندان	۰/۵	۲۰/۳	۲۲/۷	۲۹/۹	۲۶/۶	۳/۶۱۷	۱/۰۹۹
	کارشناسان	۴	۳۰	۱۶	۲۲	۲۸	۳/۴	۱/۲۹۴
	کل	۰/۹	۲۱/۴	۲۱/۹	۲۹	۲۶/۷	۳/۵۹۲	۱/۱۲۴
افزایش تعداد رویدادهای فرهنگی	شهروندان	۰/۵	۸/۱	۳۴/۹	۴۳	۱۳/۵	۳/۶۰۹	۰/۸۳۹
	کارشناسان	۴	۲۸	۱۸	۱۸	۳۲	۳/۴۶	۱/۳۱۳
	کل	۰/۹	۱۰/۴	۳۲/۹	۴۰/۱	۱۵/۷	۳/۵۹۲	۰/۹۰۵
افزایش سطح مهمان‌نوازی ساکنان	شهروندان	۰/۵	۹/۴	۲۵	۳۳/۹	۳۱/۳	۳/۸۵۹	۰/۹۸۳
	کارشناسان	۴	۲۸	۲۰	۲۲	۲۶	۳/۳۸	۱/۲۶
	کل	۰/۹	۱۱/۵	۲۴/۴	۳۲/۵	۳۰/۶	۳/۸۰۴	۱/۰۲۹
نامتوازن‌تر شدن نسبت سنی جمعیت	شهروندان	۰/۵	۱۳	۲۶/۳	۳۱/۸	۲۸/۴	۳/۷۴۵	۱/۰۲۶
	کارشناسان	۲	۳۲	۲۲	۲۰	۲۴	۳/۳۲	۱/۲۲
	کل	۰/۷	۱۵/۲	۲۵/۸	۳۰/۴	۲۷/۹	۳/۶۹۶	۱/۰۵۷

نام متغیر	گروه	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	میانگین	انحراف معیار
افزایش ازدواج غیربومی	شهروندان	۱/۶	۲۰/۳	۲۳/۴	۲۶	۲۸/۶	۳/۵۹۹	۱/۱۴۷
	کارشناسان	۶	۲۴	۲۲	۲۰	۲۸	۳/۴	۱/۲۹۴
	کل	۲/۱	۲۰/۷	۲۳/۳	۲۵/۳	۲۸/۶	۳/۵۷۶	۱/۱۶۵
افزایش رضایت کلی از زندگی	شهروندان	۱/۶	۱۸/۸	۲۴/۵	۲۷/۶	۲۷/۶	۳/۶۰۹	۱/۱۲۳
	کارشناسان	۴	۲۶	۲۲	۲۸	۲۰	۳/۳۴	۱/۱۸۹
	کل	۱/۸	۱۹/۶	۲۴/۲	۲۷/۶	۲۶/۷	۳/۵۷۸	۱/۱۳۳
افزایش امنیت در شهر	شهروندان	۱/۶	۱۰/۲	۱۵/۶	۵۵/۷	۱۶/۹	۳/۷۶۳	۰/۹۰۵
	کارشناسان	۴	۲۸	۲۲	۱۸	۲۸	۳/۳۸	۱/۲۷۶
	کل	۱/۸	۱۲/۲	۱۶/۴	۵۱/۴	۱۸/۲	۳/۷۱۹	۰/۹۶۱
افزایش تضاد فرهنگی و اجتماعی بین ساکنین و گردشگران	شهروندان	۱	۷/۶	۱۹/۸	۳۹/۸	۳۱/۸	۳/۹۳۸	۰/۹۵۴
	کارشناسان	۶	۲۶	۲۲	۲۰	۲۶	۳/۳۴	۱/۲۸۷
	کل	۱/۶	۹/۷	۲۰	۳۷/۶	۳۱/۱	۳/۸۶۹	۱/۰۱۴
افزایش توجه و حمایت مسئولان کشوری و استانی	شهروندان	۱/۳	۱۷/۷	۲۹/۲	۲۵/۵	۲۶/۳	۳/۵۷۸	۱/۰۹۸
	کارشناسان	۴	۲۸	۲۲	۲۴	۲۲	۳/۳۲	۱/۲۲
	کل	۱/۶	۱۸/۹	۲۸/۳	۲۵/۳	۲۵/۸	۳/۵۴۸	۱/۱۱۴
شناخته شدن جاذبه‌های تاریخی و فرهنگی	شهروندان	۱/۳	۱۶/۹	۲۶	۲۹/۲	۲۶/۶	۳/۶۲۸	۱/۰۸۸
	کارشناسان	۶	۲۸	۲۲	۱۸	۲۶	۳/۳	۱/۲۹۸
	کل	۱/۸	۱۸/۲	۲۵/۶	۲۷/۹	۲۶/۵	۳/۵۹	۱/۱۱۸
تأثیرگذاری بر توسعهٔ مراسم ورزشی محلی	شهروندان	۱/۶	۸/۶	۳۳/۹	۴۲/۴	۱۳/۵	۳/۵۷۸	۰/۸۸۵
	کارشناسان	۴	۳۰	۱۶	۲۶	۲۴	۳/۳۶	۱/۲۵۸
	کل	۱/۸	۱۱/۱	۳۱/۸	۴۰/۶	۱۴/۷	۳/۵۵۳	۰/۹۳۶
کاهش اعتیاد	شهروندان	۱/۶	۱۰/۴	۲۷/۶	۳۳/۶	۲۶/۸	۳/۷۳۷	۱/۰۱۷
	کارشناسان	۴	۲۸	۲۲	۲۴	۲۲	۳/۳۲	۱/۲۲
	کل	۱/۸	۱۲/۴	۲۷	۳۲/۵	۲۶/۳	۳/۶۸۹	۱/۰۵

نام متغیر	گروه	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	میانگین	انحراف معیار
تأثیرگذاری در ارتقاء فرهنگ حفاظت از محیط زیست شهری	شهروندان	۱/۳	۱۳/۳	۲۳/۷	۳۳/۹	۲۷/۹	۳/۷۳۷	۱/۰۴۸
	کارشناسان	۶	۲۶	۲۰	۲۲	۲۶	۳/۳۶	۱/۲۹
	کل	۱/۸	۱۴/۷	۲۳/۳	۳۲/۵	۲۷/۶	۳/۶۹۴	۱/۰۸۳
ارتقاء دانش مدیریتی در مدیران و مسئولان محلی	شهروندان	۱	۱۶/۹	۲۵/۵	۳۰/۷	۲۵/۸	۳/۶۳۳	۱/۰۷۳
	کارشناسان	۴	۲۴	۱۸	۲۴	۳۰	۳/۵۲	۱/۲۶۶
	کل	۱/۴	۱۷/۷	۲۴/۷	۳۰	۲۶/۳	۳/۶۲	۱/۰۹۶
صدور فرهنگ گردشگرپذیری و مهمان‌نوازی منطقه به سایر نقاط	شهروندان	۱/۳	۱۵/۹	۲۶/۶	۲۷/۶	۲۸/۶	۳/۶۶۴	۱/۰۹۳
	کارشناسان	۴	۲۴	۲۰	۲۸	۲۴	۳/۴۴	۱/۲۱۵
	کل	۱/۶	۱۶/۸	۲۵/۸	۲۷/۶	۲۸/۱	۳/۶۳۸	۱/۱۰۹
افزایش میزان قدرت و اعمال نفوذ مردم محلی	شهروندان	۱/۳	۸/۱	۱۸/۵	۵۳/۶	۱۸/۵	۳/۷۹۹	۰/۸۷۸
	کارشناسان	۶	۲۸	۲۰	۳۰	۱۶	۳/۲۲	۱/۲
	کل	۱/۸	۱۰/۴	۱۸/۷	۵۰/۹	۱۸/۲	۳/۷۳۳	۰/۹۳۸
افزایش تعداد سازمان‌های مردم‌نهاد در سطح شهر	شهروندان	۱	۹/۱	۱۸/۸	۴۱/۹	۲۹/۲	۳/۸۹۱	۰/۹۶۳
	کارشناسان	۴	۳۰	۲۰	۲۴	۲۲	۳/۳	۱/۲۳۳
	کل	۱/۴	۱۱/۵	۱۸/۹	۳۹/۹	۲۸/۳	۳/۸۲۳	۱/۰۱۴
تأثیرگذاری در تحکیم روابط خانوادگی	شهروندان	۱	۱۸/۸	۲۸/۶	۲۵/۵	۲۶	۳/۵۶۸	۱/۰۹۹
	کارشناسان	۴	۲۸	۲۰	۳۲	۱۶	۳/۲۸	۱/۱۶۱
	کل	۱/۴	۱۹/۸	۲۷/۶	۲۶/۳	۲۴/۹	۳/۵۳۵	۱/۱۰۸
افزایش کیفیت ارائهٔ خدمات و نظارت بر آنها در سطح شهر	شهروندان	۱/۳	۱۵/۶	۲۵/۵	۲۹/۷	۲۷/۹	۳/۶۷۲	۱/۰۸۲
	کارشناسان	۶	۱۸	۲۰	۳۶	۲۰	۳/۴۶	۱/۱۸۲
	کل	۱/۸	۱۵/۹	۲۴/۹	۳۰/۴	۲۷	۳/۶۴۷	۱/۰۹۵

۵. ۳. ۴. توسعهٔ زیست‌محیطی

در سؤالات ۵۶ تا ۶۶ پرسشنامه مربوط به "توسعهٔ زیست‌محیطی" بیشترین میانگین مربوط به "افزایش میزان آلودگی آب‌های روان" و برابر ۲/۴۹۵ است؛ یعنی در پاسخ به این سؤال اکثر پاسخگویان گزینه‌های خیلی‌زیاد و زیاد با کدهای ۵ و ۴ را انتخاب کرده‌اند. کمترین میانگین هم مربوط به "تخریب زمین‌های کشاورزی و مزارع اطراف شهر" و برابر ۱/۸۰۶ است؛ یعنی در پاسخ به این سؤال اکثر پاسخگویان گزینه‌های خیلی‌کم و کم با کدهای ۱ و ۲ را انتخاب کرده‌اند.

جدول ۱۰. آماره‌های فراوانی و توصیفی سؤالات پرسشنامه – توسعهٔ زیست‌محیطی

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۳

نام متغیر	گروه	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	میانگین	انحراف معیار
دسترسی مناسب به نواحی و چشم‌اندازهای زیبای منطقه	شهروندان	۲۹/۹	۲۹/۷	۲۴/۵	۸/۳	۷/۶	۲/۳۳۹	۱/۲۰۳
	کارشناسان	۴۰	۱۰	۲۶	۱۴	۱۰	۲/۴۴	۱/۴۰۲
	کل	۳۱/۱	۲۷/۴	۲۴/۷	۹	۷/۸	۲/۳۵	۱/۲۲۶
افزایش سرانهٔ تولید پسماند شهری	شهروندان	۲۹/۹	۲۸/۹	۲۰/۱	۱۱/۷	۹/۴	۲/۴۱۷	۱/۲۸۲
	کارشناسان	۵۶	۶	۱۸	۸	۱۲	۲/۱۴	۱/۴۷۱
	کل	۳۲/۹	۲۶/۳	۱۹/۸	۱۱/۳	۹/۷	۲/۳۸۵	۱/۳۰۶
افزایش آلودگی هوا در سطح شهر شیروان	شهروندان	۳۳/۹	۲۹/۲	۲۲/۱	۱۳/۵	۱/۳	۲/۱۹۳	۱/۰۸۸
	کارشناسان	۴۰	۱۲	۲۶	۱۰	۱۲	۲/۴۲	۱/۴۱۶
	کل	۳۴/۶	۲۷/۲	۲۲/۶	۱۳/۱	۲/۵	۲/۲۱۹	۱/۱۳۱
افزایش زباله‌ها و انباشتگی آشغال در محیط زیست شهری	شهروندان	۲۸/۱	۲۷/۶	۲۴/۲	۱۰/۷	۹/۴	۲/۴۵۶	۱/۲۶۱
	کارشناسان	۵۶	۶	۱۸	۱۰	۱۰	۲/۱۲	۱/۴۳۸
	کل	۳۱/۳	۲۵/۱	۲۳/۵	۱۰/۶	۹/۴	۲/۴۱۷	۱/۲۸۵

نام متغیر	گروه	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	میانگین	انحراف معیار
تخریب زمین‌های کشاورزی و مزارع اطراف شهر	شهروندان	۴۵/۶	۴۱/۷	۹/۴	۲/۳	۱	۱/۷۱۶	۰/۸۱۱
	کارشناسان	۳۸	۱۴	۲۲	۱۲	۱۴	۲/۵	۱/۴۶
	کل	۴۴/۷	۳۸/۵	۱۰/۸	۳/۵	۲/۵	۱/۸۰۶	۰/۹۴۱
ایجاد پارک‌های طبیعی و مصنوعی در منطقه	شهروندان	۲۷/۱	۲۶/۶	۲۴	۱۱/۲	۱۱/۲	۲/۵۲۹	۱/۳
	کارشناسان	۵۶	۶	۲۰	۸	۱۰	۲/۱	۱/۴۱۸
	کل	۳۰/۴	۲۴/۲	۲۳/۵	۱۰/۸	۱۱/۱	۲/۴۷۹	۱/۳۲
افزایش حفاظت بیشتر و بهتر محیط زیست منطقه	شهروندان	۲۹/۴	۲۷/۶	۲۰/۱	۱۱/۷	۱۱/۲	۲/۴۷۷	۱/۳۲۲
	کارشناسان	۳۸	۸	۲۸	۱۴	۱۲	۲/۵۴	۱/۴۳۲
	کل	۳۰/۴	۲۵/۳	۲۱	۱۲	۱۱/۳	۲/۴۸۴	۱/۳۳۴
افزایش آگاهی ساکنان نسبت به محیط طبیعی منطقه	شهروندان	۳۲/۸	۲۹/۲	۲۱/۶	۱۳/۳	۳/۱	۲/۲۴۷	۱/۱۴
	کارشناسان	۵۴	۸	۱۶	۱۰	۱۲	۲/۱۸	۱/۴۸
	کل	۳۵/۳	۲۶/۷	۲۱	۱۲/۹	۴/۱	۲/۲۴	۱/۱۸۲
افزایش میزان آلودگی آب های روان	شهروندان	۲۷/۳	۲۷/۳	۲۴	۱۰/۲	۱۱/۲	۲/۵۰۵	۱/۲۹۵
	کارشناسان	۴۲	۸	۲۸	۱۰	۱۲	۲/۴۲	۱/۴۳
	کل	۲۹	۲۵/۱	۲۴/۴	۱۰/۱	۱۱/۳	۲/۴۹۵	۱/۳۰۹
افزایش فرهنگ احترام به طبیعت	شهروندان	۴۵/۳	۴۱/۴	۹/۴	۲/۳	۱/۶	۱/۷۳۴	۰/۸۴۴
	کارشناسان	۴۰	۱۲	۲۴	۱۲	۱۲	۲/۴۴	۱/۴۳۱
	کل	۴۴/۷	۳۸	۱۱/۱	۳/۵	۲/۸	۱/۸۱۶	۰/۹۵۵
افزایش آلودگی صوتی شهری	شهروندان	۲۷/۹	۲۷/۱	۲۳/۷	۱۰/۹	۱۰/۴	۲/۴۹	۱/۲۸۷
	کارشناسان	۵۴	۶	۲۰	۱۰	۱۰	۲/۱۶	۱/۴۳۴
	کل	۳۰/۹	۲۴/۷	۲۳/۳	۱۰/۸	۱۰/۴	۲/۴۵۲	۱/۳۰۷

۶. نتیجه‌گیری

یکی از نخستین شروط موفقیت هر شهر، توسعه و گسترش فعالیت‌هایی است که به درآمدزایی پایدار منجر شود. در این میان، گردشگری به‌عنوان یکی از فعالیت‌های مؤثر در اقتصاد شهری، نقش مهمی در تحقق توسعهٔ پایدار ایفا می‌کند. از آنجا که هدف اصلی پایداری شهری، پاسخ‌گویی به نیازهای ساکنان است، تحقق آن مستلزم تغییر در نوع فعالیت‌ها، تراکم، کاربری اراضی و نگرش به شیوه‌های مدیریت شهری است؛ به‌گونه‌ای که شهر از نظر زیست‌محیطی قابل سکونت، از نظر اقتصادی بادوام، از نظر اجتماعی متعادل و از نظر مدیریتی باثبات و پایدار باشد. از این رو برای رسیدن به دوام اقتصادی و تعادل اجتماعی نیاز به تغییر و ترویج فعالیت‌هایی است که با منابع و امکانات محلی سازگاری داشته باشند. ترویج و تشویق فعالیتهای گردشگری می‌تواند در مناطقی که دارای ظرفیت‌های محلی برای این فعالیت هستند، نقش مهمی ایفا کند. همچنین توجه به منابع بومی و نگرش یکپارچه به مدیریت منابع نیز در پایداری محیطی و ثبات مدیریتی اثرگذار خواهد بود.

در پژوهش حاضر، شهر شیروان که به‌عنوان یکی از چشم‌اندازهای گردشگری منطقهٔ شمال شرق کشور محسوب می‌شود و به دلیل وجود ظرفیت‌های این شهر برای توسعهٔ گردشگری به‌عنوان فعالیتی متناسب با ویژگی‌های محیطی آن مورد بررسی قرار گرفت تا وضعیت میزان تأثیرگذاری گردشگری بر ابعاد توسعهٔ پایدار شهری یعنی (اقتصادی، کالبدی، زیست‌محیطی، اجتماعی، فرهنگی)، مشخص شود نتایج ذیل به‌دست آمد:

در بررسی ابعاد توسعهٔ اقتصادی بیشترین میانگین مربوط به گویهٔ"افزایش سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی" و برابر ۲/۹۱۵ است و کمترین میانگین هم مربوط به "افزایش درآمد شهرداری شیروان" و برابر ۲/۳۰۶ است. در شاخص توسعهٔ کالبدی بیشترین میانگین مربوط به "افزایش میزان گسترش فیزیکی" و برابر ۲/۹۱۲ بوده و کمترین میانگین هم مربوط به "افزایش تعداد رستوران‌ها در سطح شهر" و برابر ۲/۴۲۲ است. در ارزیابی شاخص مربوط به "توسعهٔ فرهنگی – اجتماعی"

بیشترین میانگین مربوط به "افزایش تضاد فرهنگی و اجتماعی بین ساکنین و گردشگران" و برابر ۳/۸۶۹ و کمترین میانگین هم مربوط به "تأثیرگذاری در تحکیم روابط خانوادگی" و برابر ۳/۵۳۵ بوده و در نهایت در ارزیابی شاخص "توسعهٔ زیست‌محیطی" بیشترین میانگین مربوط به "افزایش میزان آلودگی آب‌های روان" و برابر ۲/۴۹۵ و کمترین میانگین هم مربوط به "تخریب زمین‌های کشاورزی و مزارع اطراف شهر" و برابر ۱/۸۰۶ بوده است.

در مجموع با عنایت به نتایج به‌دست آمده باید گفت با توجه به مراحلی که جهت تصدیق مدل اندازه‌گیری و محاسبات روایی سازه و تشخیصی و به‌دنبال آن آزمون روابط بین سازه‌های تحقیق انجام شد، باید گفت مدل ارائه شده توسط پژوهشگر تأیید می‌شود. در نهایت نتایج به‌دست آمده نشان داد برای شاخص توسعهٔ اقتصادی، کالبدی و زیست‌محیطی مقدار معناداری بزرگتر از ۰/۰۵ به‌دست آمده است که نشان می‌دهد از نظر شهروندان و کارشناسان گردشگری شهری نقش قابل توجهی در توسعهٔ اقتصادی شیروان نداشته است. در مقابل برای توسعهٔ فرهنگی – اجتماعی و زیست‌محیطی از نظر شهروندان و کارشناسان گردشگری شهری نقش قابل توجهی داشته است و در نهایت در بررسی رابطهٔ گردشگری شهری و ابعاد توسعهٔ پایدار شهری در شیروان، برای دو گروه شهروندان و کارشناسان، T Value بزرگتر از ۱/۹۶ به‌دست آمده است. بنابراین می‌توان گفت بین گردشگری شهری و ابعاد توسعهٔ پایدار شهری در شیروان رابطهٔ معناداری وجود دارد.

۷. پیشنهادها

۱) ایجاد فضای شهری مناسب با کارکردهای اجتماعی و فرهنگی در فضاهای عمومی موجود در شهر شیروان.

۲) ایجاد تسهیلات رفاهی به مجموعه‌های فرهنگی، تجاری و تفریحی و توجه به کارآفرینی گردشگری.

۳) بهبود و افزایش سرمایهٔ اجتماعی، معیارها و شبکه‌هایی که عملکرد جمعی را امکان‌پذیر می‌سازد.

۴) شهر شیروان نتوانسته است از فرصت عظیم ناشی از موقعیت قرارگیری خود در مسیر گردشگری مشهد- شمال و همچنین وجود جاذبه‌های فراوان بهره کافی را ببرد؛ بنابراین پیشنهاد برنامه‌ریزی و مطالعه در این زمینه جهت آسیب‌شناسی این جریان، توصیه می‌شود.

کتابنامه

۱. احمدی، م.ص؛ رهنمایی، م.ت؛ و علی‌اکبری، ا. (۱۴۰۰). تبیین نگاه فن سالارانه در طرح‌های توسعهٔ شهری بر گردشگری با روش سه سوسازی (مطالعه موردی: استان کرمانشاه). *فصلنامهٔ مطالعات مدیریت گردشگری*، ۱۶(۵۳)، ۱-۳۲.

۲. اسدی پیمان، ز؛ توکلی‌نیا، ج؛ رضویان، م. ت؛ و قورچی، م. (۱۳۹۹). ارزیابی کیفیت مقصد گردشگری مرکز شهر تهران (مطالعه موردی: بازار بزرگ، منطقه ۱۲تهران،). *فصلنامهٔ گردشگری شهری، ۷* (۲)، ۵-۳۵.

۳. بالیده، ا.ا؛ و قوایی، م. (۱۴۰۳). تبیین شاخص‌های مدل شکوفایی گردشگری شهری. *جغرافیا و توسعهٔ ناحیه‌ای، ۲۲(۱)، ۱-۲۵.*

۴. بزرگ‌نیا، م؛ استعلاجی، ع. ر؛ و شیخ‌اعظمی، ع. (۱۴۰۰). تأثیر پروژه‌های محرک توسعه بر ارتقاء گردشگری شهری مطالعه موردی: منطقه ۱۱ شهر تهران. *فصلنامهٔ گردشگری شهری، ۸*(۲)، تابستان ۱۴۰۰، ۱۳۷-۱۴۰.

۵. بیضایی، م؛ و صداقتی، ع. (۱۳۹۸) برنامه‌ریزی توسعهٔ گردشگری پایدار و شناسایی عناصر پایه مطالعه موردی شهرستان بجنورد. *فصلنامه جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی*، ۳۰(۱) پیاپی ۷۳، ۱۱۱-۱۳۶.

۶. بیکی، پ. (۱۳۹۹). تبیین نقش گردشگری بر ابعاد پایداری شهری مطالعه موردی: شهر مرزی خواف، *فصلنامه علمی علوم و فنون مرزی*، ۹(۲)، ۴۵-۹۲.

۷. تولایی، س. (۱۳۸۶)، *مروری بر صنعت گردشگری*، تهران، نشر دانشگاه تربیت‌معلم.

۸. حسنی‌مقدم، م؛ کلانتری‌خلیل‌آباد، ح؛ و رزقی، م. (۱۴۰۲). تبیین اصول توسعهٔ گردشگری شهری در شمال ایران؛ مورد پژوهی شهر کلاردشت. *نشریهٔ گردشگری شهری*، ۱۰(۴)، ۱۱۵-۱۳۵.

۹. حسینی، س. ع؛ سالاروندیان، ف؛ دبیر، ع؛ و نعمت‌فرح‌زادی، ن. (۱۴۰۲). بررسی عوامل مؤثر بر گردشگری دوچرخه در شهرها مطالعه موردی: شهر تهران. *نشریهٔ گردشگری شهری، ۱۰*(۱)، ۳-۳۴.

۱۰. حضرتی، م. ح؛ احمدزاده، ح؛ و پناهی، ع. (۱۴۰۲). ارزیابی فضایی اثرات توسعهٔ گردشگری بر کیفیت زندگی شهروندان در کلان‌شهر تبریز. *نشریهٔ گردشگری شهری، ۱۰*(۲)، ۱۹-۳۵.

۱۱. حمصیان‌اتفاق، س؛ کلانتری‌خلیل‌آباد، ح؛ و میره‌ای، م. (۱۴۰۰). ارائهٔ الگوی مدیریت اکوتوریسم با تأکید بر بافت‌های اکولوژیک شهری (مطالعه موردی منطقه ۹ شهرداری اصفهان). *تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی (علوم جغرافیایی)، ۲۱*(۶۳)، ۳۳۵-۳۵۹.

۱۲. خواجه‌نبی، ف؛ زندمقدم؛ م. ر؛ و کرکه‌آبادی، ز. (۱۳۹۹). تحلیل ساختارهای اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، محیطی و نهادی در رشد و توسعهٔ گردشگری شهری، مطالعه موردی: شهر گلوگاه. *فصلنامهٔ علمی پژوهش‌های بوم‌شناسی شهری، ۱۱*(۲۱)،۲۸-۱۱.

۱۳. رحیمی‌فرد، ق. (۱۳۹۶). *تحلیلی بر نقش مدیریت شهری در توسعهٔ پایدار گردشگری شهری (مطالعه موردی شهر خوی*. پایان‌نامهٔ کارشناسی‌ارشد رشتهٔ‌جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری گرایش آمایش شهری، دانشگاه تبریز، دانشکدهٔ برنامه‌ریزی و علوم محیطی.

۱۴. شمس‌الدینی، ع؛ و سنایی‌مقدم، س. (۱۳۹۷). تحلیلی بر سنجش زیرساخت‌های گردشگری در فضاهای شهری (مطالعه موردی: شهر زنجان). *فصلنامهٔ گردشگری شهری، ۵*(۳)، ۶۵-۸۲.

۱۵. صادقی‌ها، م؛ و نوری، س. (۱۴۰۰). برنامه‌ریزی توسعه گردشگری و فضایی شهر نور با بهره‌گیری از رهیافت شهر خردورز، *فصلنامهٔ جغرافیایی فضای گردشگری*، ۱۰(۳۸)، پیاپی ۲۵، ۱-۱۸.

۱۶. عربشاهی‌کریزی، ا؛ و تقدیسی، م. (۱۳۹۷). گردشگری شهری و توسعهٔ پایدار شهری: تحلیل و بررسی جایگاه، نقش و پیامدهای توسعهٔ گردشگری شهری. *جغرافیا و روابط انسانی، ۱*(۲)، ۳۹۷-۴۱۶.

۱۷. قهرمانی‌فرد، ح؛ حسین‌زاده‌دلیر، ک؛ و موسوی، م. (۱۴۰۰). شناخت و ارزیابی پیشران‌های حیاتی مؤثر بر آیندهٔ توسعهٔ گردشگری مطالعه موردی: کلان‌شهر تبریز. *فصلنامهٔ گردشگری شهری، ۸*(۱)، ۶۷-۸۲.

۱۸. محمدی‌فر، م؛ و علوی‌نسب، س ه. (۱۳۹۷). برنامه‌ریزی و مدیریت شهری: نقش مدیریت شهری در توسعهٔ پایدار گردشگری شهری (نمونه مورد مطالعه: شهر مشهد). *کنفرانس ملی برنامه‌ریزی و مدیریت شهری، شهرداری مشهد، شورای اسلامی شهر مشهد*، دانشگاه فردوسی مشهد.

۱۹. محمودی‌پاتی، ف. (۱۴۰۳). ارائهٔ یک مدل فرآیندی یکپارچه جهت ارزیابی گردشگری به‌عنوان ابزاری جهت بازآفرینی شهری با رویکرد مدلسازی ساختاری ـ تفسیری. *نشریهٔ گردشگری شهری، ۱۱*(۱)، ۱-۲۵.

۲۰. معتمدی، م؛ فخار، ز؛ و مافی، ف. (۱۴۰۰). شناسایی و اولویت‌بندی عوامل راهبردی توسعهٔ گردشگری شهر سنقر. *نشریهٔ گردشگری شهری، ۸*(۴)، ۷۳-۸۶.

۲۱. موسوی، م؛ کهکی، ف. س؛ و جلالیا، س. (۱۳۹۸).ارزیابی عناصر مؤثر بر توسعهٔ گردشگری شهری مطالعه موردی: شهر ارومیه. *فصلنامهٔ گردشگری شهری، ۶*(۲)، ۶۱-۷۷.

۲۲. نادری، ک؛ بادکو، ب؛ حدیدی، م؛ آزادی، س؛ نجفی، پ؛ و حامد، ب. (۱۳۹۷). اولویت‌بندی راهبردی توسعهٔ گردشگری به‌منظور تعیین جایگاه آن در برنامه‌های توسعهٔ شهری (مطالعهٔ موردی: استان کرمانشاه). *فصلنامهٔ پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ۵۰*(۳)، ۵۷۳-۵۸۹.

23. Ariyani, N., & Fauzi, A. (2019). Analysis of Strategic Variables for Ecotourism Development; an Application of Micmac. *South Asian Journal of Social Studies and Economics*, *3*(3), 1-12.
24. Arthur, G., & Mensah, A. (2016). urban management and heritage tourism for sustainable development. *Management , Vol 37*, pp 146-154.
25. Chris, R. (2012). Assisting the poor in China through tourism development: An eview of research. *Tourism Management, Vol 33*, pp 239-248.
26. Fazenda, N., Da silva, F.N., & Costa, C. (2010). Douro Valley Tourism Plan; The plan as part of a sustainable tourist destination development. *process, Journal of World Hospitality and tourism, 2*(4), 428-440.
27. Kilipivis, F., & Zardava, T. (2012). Developing sustainable tourism in a changing environment: issues for the tourism enterprises (travel agencies and hospitality enterprises). *Procedia-Social and Behavioral Sciences, 44*, 44-52.

28. Mamirkulova, G., Mi, J., Abbas, J., Mahmood, S., Mubeen, R., & Ziapour, A. (2020). New Silk Road infrastructure opportunities in developing tourism environment for residents' better quality of life. *Global Ecology and Conservation*, *24*, e01194.
29. Mason, P. (2015). *Tourism Impacts, Planning and Management,* Butterworth Heinman. by Routledge.
30. Sarpong, S. Y., Bein, M. A., Gyamfi, B. A., & Sarkodie, S. A. (2020). The impact of tourism arrivals, tourism receipts and renewable energy consumption on quality of life: A panel study of Southern African region. *Heliyon*, *6*(11), e05351.
31. Tao, T. C. H., & Wall, G. (2009). Tourism as a Sustainable Livelihood Strategy . *Tourism Management Journal*, *30* (1), 90-98.
32. World Bank. (2018). Seoul's experience in culture heritage. *sustainable tourism, and urban regeneration* (English). Washington, D.C.: World Bank.

Journal of Geography and Regional Development Vol 23, No. 3 (2025) – Serial Number 52

Analysis of Development Inequalities between the Border and Central Provinces of Iran

Habibollah Fasihi[1]
Associate Professor of Geography and Urban Planning, Faculty of Geographical Sciences, Kharazmi University, Tehran, Iran

Taher Parizadi
Associate Professor of Geography and Urban Planning, Faculty of Geographical Sciences, Kharazmi University, Tehran, Iran

Atefeh Kolyaei
MSc Student in Geography and Urban Planning, Kharazmi University, Tehran, Iran

Farima Najafi
MSc Student in Geography and Urban Planning, Kharazmi University, Tehran, Iran

Received: 27 November 2024 ***Revised: 27 February 2025*** ***Accepted: 4 April 2025***

Abstract

Uneven development of the national space and the development gap between different regions of a country can have adverse political-security consequences for a country and detrimental economic and social effects for people. In this paper, 9 border provinces and 5 central provinces of Iran are evaluated and compared in terms of 30 development criteria. The data was extracted from the national official statistical sources, which were then converted into indicators based on models. Then, a measure called "Province Index" was determined by multiplying the number of indices by the number of the studied provinces (14x30 = 420), and the relevant values were put into a matrix with 420 cells and subjected to analysis and interpretation using some central tendency statistics. Findings showed that the values of central provinces in the 69 province indices and border provinces in 34 province indices were higher than the average in all provinces. This implies that the non-border provinces are much more

1. Corresponding Author. Email: fasihi@khu.ac.ir

©2024 The author(s). This is an open access article under the CC BY license: https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/

How to cite this article: Fasihi, H., Parizadi, T., Kolyaei, A. and Najafi, F. (2025). Analysis of Development Inequalities between the Border and Central Provinces of Iran. Journal of Geography and Regional Development, 23(3), 125-154. Doi: 10.22067/jgrd.2025.89192.1467

developed than the border provinces. The mean value of 20 of 30 indicators is higher in the central provinces than in the border provinces. The difference in mean indicators suggests the central provinces have a more desirable status in some indicators. Also, on average, the non-border provinces ranked lower in all indicators (-1.38), revealing that they are less developed. The development gap is reflected in population shifts from border provinces to non-border provinces, because from 2011 to 2016, the border and non-border provinces recorded positive and negative migration rates, respectively. Findings also shed light on provinces that should be given priority for each indicator to ensure a balanced development.

Keywords: Development Gap, Spatial Inequality, Border Provinces, Iran.

https://doi.org/10.22067/jgrd.2025.89192.1467
مقالهٔ پژوهشی

تحلیل نابرابری‌های توسعه میان استان‌های مرزی و مرکزی ایران

حبیب‌اله فصیحی (دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکدهٔ علوم جغرافیایی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران، نویسندهٔ مسئول)
fasihi@khu.ac.ir

طاهر پریزادی (دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکدهٔ علوم جغرافیایی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران)
tparizadi@khu.ac.ir

عاطفه کلیائی (دانشجوی کارشناسی‌ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران)
atefekoliaee@gmail.com

فریما نجفی (دانشجوی کارشناسی‌ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران)
najafifarima@gmail.com

چکیده

توسعهٔ ناموزون فضای ملّی و شکاف توسعه میان مناطق مختلف یک کشور می‌تواند پیامدهای منفی سیاسی–امنیتی برای یک کشور و آثار ناگوار اقتصادی و اجتماعی برای مردم داشته باشد. در این مقاله، ۹ استان مرزی ایران و ۵ استان واقع در مرکز کشور از نظر ۳۰ شاخص توسعه مورد ارزیابی و مقایسه قرار گرفته‌اند. داده‌ها از منابع آمارهای رسمی کشور استخراج شده و با استفاده از مدل‌هایی، هر کدام به‌صورت یک شاخص درآمده‌اند. سپس معیاری با عنوان «شاخص‌استان» از حاصل‌ضرب تعداد شاخص‌ها در تعداد استان‌های مورد مطالعه (۴۲۰= ۳۰×۱۴) تعیین شده و مقادیر مربوط، در ماتریسی متشکل از ۴۲۰ خانه وارد شده‌اند تا با استفاده از برخی آماره‌های گرایش مرکزی محاسباتی بر روی آنها انجام شده و مورد تفسیر قرار بگیرند. یافته‌های تحقیق نشان دادند که استان‌های مرکزی در ۶۹ شاخص‌استان و استان‌های مرزی در ۳۴ شاخص‌استان، رقمی بالاتر از رقم میانگین مشابه برای کل استان‌ها دارند. بنابراین، سطح توسعه‌یافتگی استان‌های غیرمرزی به‌مراتب بالاتر از استان‌های مرزی است. میانگین ۲۰ شاخص از مجموع ۳۰ شاخص،

نشریه جغرافیا و توسعه ناحیه ای، سال بیست و سوم، شماره ۳، پاییز ۱۴۰۴، شماره پیاپی ۵۲ صص ۱۵۴–۱۲۵
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۰۷ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۱۲/۰۹ تاریخ تصویب: ۱۴۰۴/۰۱/۱۶

در استان‌های مرکزی بیشتر از میانگین مشابه در استان‌های مرزی است، این تفاوت در میانگین شاخص‌ها بیانگر وضعیت مطلوب‌تر استان‌های مرکزی در برخی از جنبه‌های مورد بررسی است. همچنین میانگین رقم رتبه‌های استان‌های غیرمرزی در کل شاخص‌ها به میزان۱/۳۸ پایین‌تر است که دلالت بر توسعه‌یافتگی پایین‌تر آنها دارد. بازتاب شکاف توسعه، جابه‌جایی‌های جمعیتی از استان‌های مرزی به استان‌های غیرمرزی بوده چنان‌چه در دوره زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵، موزانهٔ مهاجرت برای استان‌های مرزی منفی و برای استان‌های غیرمرزی مثبت بوده است. یافته‌های تحقیق مشخص نموده که در راستای ایجاد توازن توسعه برای هر کدام از شاخص‌ها، کدام استان‌ها بایستی در اولویت توجه باشند.

واژگان‌کلیدی: شکاف توسعه، نابرابری فضایی، استان‌های مرزی، ایران.

۱. مقدمه

عدم توازن در توسعهٔ منطقه‌ای، مسئله‌ای فراگیر در اغلب کشورهاست. این مسئله در محافل دانشگاهی و عرصه‌های سیاسی علایق زیادی را برانگیخته است، مخصوصاً از این نظر که نگرانی‌هایی دربارهٔ افزایش نارضایتی در مناطق محروم وجود دارد که می‌تواند تهدیدی برای ثبات سیاسی باشد. نابرابری‌های فضایی در درآمد، بهداشت، آموزش و فقر چالش‌های اقتصادی و سیاسی قابل توجهی را برای دولت‌های بسیاری از کشورهای در حال توسعه ایجاد نموده است (کیم[1]، ۲۰۰۸: ۸). قطبی‌شدن درآمدها، تسهیلات، خدمات و امکانات، از منابع اصلی تنش اجتماعی به‌شمار رفته و منجر به افزایش بی ثباتی سیاسی–اجتماعی در بین طبقات اجتماعی یا مناطق فقیر و غنی می‌گردد (گورگور[2] و لاچ، ۲۰۱۱: ۱۸). تخلیهٔ جمعیت از مناطق نابرخوردار و حرکت و تمرکز و توده‌شدن آن در مناطق برخوردارتر (قدیری‌معصوم و همکاران، ۱۳۹۲: ۶۴) و پدیدار شدن دور باطل توسعه‌نیافتگی با فرار سرمایه‌های پولی و انسانی (امیری و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۲)، در برخی مناطق، پیامد دیگر نابرابری‌های فضایی در سطح ملی است. کشور ایران نیز در این زمینه ویژگی‌ها و مسائل خاص خود را دارد. یکی

1. Kim
2. Gurgur and Lach

از خصوصیات ساختار فضایی ایران عدم توازن فاحش در شاخص‌های توسعه یافتگی جای جای سرزمین ملی است. نابرابری‌های فضایی حادّ در سال‌های پیش از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران مشهود بوده و پس از آن نیز استمرار پیدا کرده است؛ به‌طوری که بخش زیادی از امکانات و جمعیت در محدوده‌های کوچکی تمرکز یافته و سایر مناطق در حاشیه قرار گرفته‌اند (احمدی و اسماعیل‌زاده، ۱۳۹۸). تبدیل شدن برخی شهرها به قطب‌های اقتصادی و جمعیتی که در اغلب موارد فراتر از ظرفیت و توان محیط نیز است، سبب فشار بر منابع طبیعی و تهدیدهای محیط زیستی گردیده درحالی که در جاهای دیگری با وجود ظرفیت‌های نهفتهٔ زیاد، استعدادها و توان‌های محیط، ابتر و ناشکوفا باقی مانده‌اند (موسوی و رحیمی، ۱۳۹۶). عوامل متعددی سبب ظهور شبکه‌ای از مکان‌های مرکزی یا سلسله‌مراتب سکونتگاهی شده که از مناطق اطراف خود بهره‌کشی می‌نماید. نابرابری‌های منطقه‌ای در اشکال و سطوح مختلف می‌تواند پیامدهای ناگواری به همراه آورد. بی‌توجهی به نواحی پیرامونی در طول تاریخ در روند توسعه‌ای این نواحی اختلال ایجاد کرده و سبب مشکلاتی چون بی‌کاری، پایین‌بودن درآمد و محرومیت از خدمات گردیده و زمینه را برای معضلات دیگری چون ناامنی، قاچاق و فرار سرمایه‌های پولی و انسانی فراهم آورده است (احمدی و همکاران، ۱۴۰۳: ۸۲). امروزه توسعهٔ منطقه‌ای و توسعهٔ پایدار از مفاهیم مورد توجه در سیاستگذاری در ابعاد کلان است و براساس آن، توجه به توزیع بین منطقه‌ای منابع در جهت دستیابی به توسعهٔ همه‌جانبه و استفاده از قابلیت‌های مناطق مختلف در رسیدن به اهداف توسعه، به‌عنوان محورهای مهم تصمیم‌گیری مطرح می‌شوند. بنابراین، توجه به مناطق مختلف برای یکسان‌سازی فرصت‌ها از اولویت‌های هر جامعه‌ای است که می‌خواهد به توسعه دست یابد (دادگر و نظری، ۱۳۹۹).

پرداختن به بی‌عدالتی و از جمله نابرابری‌های فضایی و منطقه‌ای، سابقه‌ای طولانی در علوم مختلف دارد. در مطالعات جغرافیایی توجه به این موضوع، از سال‌های دههٔ ۱۹۷۰ ظاهر شده و گسترهٔ وسیعی از تحقیقات را به خود متوجه ساخته است؛ تاجایی که سه جغرافی‌دان معاصر یعنی

جانستون[1]، ناکس[2] و کوتس[3]، مطالعهٔ نابرابری‌های فضایی را کانون جغرافیای نو قلمداد نموده‌اند (شکویی، ۱۳۸۳: ۲۷۷). فرآیندهایی که به عدالت و بی‌عدالتی می‌انجامند، اغلب نمود فضایی دارند و زیست‌بوم انسان را متأثر می‌سازند (کاویانی‌راد، ۱۳۹۲: ۱۱۴). مسائلی همانند ناکارآمدی نظام توزیع، اقتصاد رانتی، انفجار جمعیتی، محرومیت اجتماعی و فروسایی محیطی به نابرابری‌های فضایی، قطبی شدن فضاها، ناپایداری محیطی، ناکارآمدی زیرساخت‌ها و آشفتگی جستار امنیت می‌انجامد. الگوهای فضایی برخاسته از چنین فرآیندهایی می‌توانند سازمان اجتماعی و کُنش ساکنان این محدوده‌ها را متأثر کنند. در این‌باره، جغرافی‌دانان علاقه‌مند هستند بدانند چگونه بی‌عدالتی در فضا نمود می‌یابد و تولید فضا می‌کند (بولارد[4]، ۲۰۰۰). تحقیقات جغرافیایی در خصوص نابرابری‌ها در فضای ملی ایران نیز گسترده هستند که از آن جمله می‌توان به تحقیقات داداش‌پور و رضایی (۱۴۰۱)، فطرس و فاطمی‌زرندان (۱۳۹۹)، جعفری و همکاران (۱۳۹۹)، سرکش و آل‌عمران (۱۳۹۹)، پریزادی و میرزازاده (۱۳۹۷)، قادری‌حاجت و حافظنیا (۱۳۹۷)، حافظنیا و همکاران (۱۳۹۴)، موسوی و مدیری (۱۳۹۴)، کاویانی‌راد (۱۳۹۲)، پوراصغر سنگاچین و همکاران (۱۳۹۱)، ابراهیم‌زاده و اسکندی‌ثانی (۱۳۸۹)، سرور و اسماعیل‌زاده (۱۳۸۶) اشاره نمود. این پژوهش با مقایسهٔ توسعه‌یافتگی فضایی در قالب ۲۵ شاخص میان ۵ استان مرکزی و ۱۰ استان مرزی بر آن است که وضعیت نابرابری‌های فضایی توسعه در مرکز و حاشیهٔ کشور را آشکار ساخته و مورد تحلیل قرار دهد. تمایز تحقیق اخیر از آنچه پیش از این صورت گرفته، تمرکز بر تفاوت‌های فضایی مناطق مرکزی و مرزی است که در تحقیقات گذشته به‌صورت تطبیقی به آن پرداخته نشده و نیز اتکاء به آمارها و داده‌های جدیدتر در مقایسه با تحقیقات گذشته است.

1. R.J. Johnston
2. Paul Knox
3. D. Kotes
4. Bullard

۲.پیشینهٔ تحقیق

تاکنون مطالعات داخلی و خارجی متعددی در ارتباط با موضوع تحقیق صورت گرفته است که به برخی از مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود. در سطح داخلی، ویسی و همکاران (۱۳۹۶) در مقاله‌ای تحت عنوان «سنجش توسعه‌یافتگی نواحی روستایی مرزیِ به‌منظور شناسایی تفاوت سطح توسعه‌یافتگی دهستان‌های شهرستان مرزی مریوان با استفاده از تکنیک تاپسیس» نشان دادند که در نظم فضایی و تفاوت توسعه‌یافتگی دهستان‌ها، عدم تعادل وجود دارد.

در پژوهش دیگری با عنوان «سنجش توسعه‌یافتگی صنعتی شهرستان‌های استان اردبیل با رویکرد عدالت فضایی» که توسط محمدی و نوری (۱۳۹۷) نگارش شده است، نگارندگان به این نتیجه رسیدند که شهرستان اردبیل کانون مسلط و مرکز انباشت فعالیت‌های صنعتی استان بوده و شاخص‌های صنعت و معدن بین مناطق مختلف به‌صورت ناعادلانه توزیع شده است. افراخته و صالح‌پور (۱۳۹۵) نیز در مقاله‌ای به تحلیل سطح توسعهٔ خدمات بهداشتی-درمانی از منظر عدالت فضایی در سکونتگاه‌های روستایی استان آذربایجان غربی پرداخته‌اند.

اطاعت و موسوی (۱۳۹۰)، در سال ۱۳۸۸ با استفاده از ۸ شاخص اقتصادی-زیربنایی و ۶ شاخص اجتماعی-فرهنگی و با مدل تاکسونومی عددی، توسعهٔ استان‌های کشور را مورد بررسی قرار داده و آنها را در دو دستهٔ محروم (۱۶ استان) و توسعه‌یافته (۱۶ استان) دسته‌بندی کرده‌اند. در این مطالعه، از استان‌های مرزی ۱۳ استان محروم و یک استان توسعه‌یافته تشخیص داده شده است.

میرزازاده و پریزادی (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «توسعهٔ منطقه‌ای در ایران با رویکرد عدالت توزیعی»، سطح توسعه‌یافتگی استان‌های ایران را با استفاده از ۳۳ شاخص در چهار بعد (اقتصادی، زیربنایی- کالبدی، اجتماعی- فرهنگی و بهداشتی- درمانی) با استفاده از تکنیک‌های تحلیل عاملی و تحلیل خوشه‌ای بررسی کردند و نشان دادند که استان تهران به‌تنهایی درطول چند دهه بالاترین سطح توسعه‌یافتگی و استان سیستان و بلوچستان پایین‌ترین سطح توسعه را دارد.

حسن‌پور و یزدانی (۱۴۰۰) در پژوهشی تحت عنوان «سنجش نابرابری فضایی توسعه‌یافتگی زیرساختی در استان اردبیل»، دریافتند که توسعه و توزیع زیرساخت‌ها در استان اردبیل نامتوازن است.

در سطح خارجی، دونابور[1] و همکاران (۲۰۱۴) با استفاده از ۴ گروه شاخص و استفاده از مدل PCA به رتبه‌بندی کشورهای جهان پرداختند و هنگ‌کنگ را توسعه‌یافته‌ترین و کنگو را توسعه‌نیافته‌ترین کشور از لحاظ امکانات زیرساختی معرفی کردند.

پندی[2] و گاتمن (۲۰۲۰) با مطالعه در خصوص ایالت‌های هند، نابرابری‌ها را در چهار موضوع معیشت، آموزش، بهداشت و جنسیت تجزیه‌وتحلیل کردند. این مطالعه نشان می‌دهد که بیهار همچنان در هر چهار موضوع در پایین‌ترین جایگاه قرار دارد.

آرتلاریس[3] (۲۰۲۱) با تحلیل داده‌های مکانی اکتشافی، اقتصادسنجی فضایی و تکنیک‌های تجزیه (فضایی) نابرابری‌های منطقه‌ای در یونان را بررسی کرده است. او نتیجه گرفته که تکامل نابرابری‌های منطقه‌ای در یونان به سمت یک حالت چرخه‌ای است؛ به‌طوری‌که در دوره‌های رشد آهسته کاهش یافته و در دوره‌های توسعهٔ اقتصادی افزایش می‌یابد.

برینگ[4] (۲۰۲۱) در پایان‌نامهٔ تحصیلی خود نابرابری‌های منطقه‌ای در برزیل را بررسی کرده است. در این مطالعه داده‌های پیملیشی و آمارهای مالیات و حساب‌های ملی استفاده شده و نتیجه‌گرفته شده که مالیات بر ارث و هدیه می‌تواند سازوکاری برای افزایش درآمد و کاهش نابرابری درآمد باشد.

1. Donaubauer
2. Pandey and Gautam
3. Artelaris
4. Bhering

دی‌کروت[1] و همکاران (۲۰۲۳) تأثیر سیاست پولی بر نابرابری منطقه‌ای را با استفاده از داده‌های دانه‌بندی فعالیت اقتصادی در سطح شهر و شهرستان در اروپا بررسی کرده‌اند. آنها نشان دادند که واکنش تولید به شوک‌های سیاست پولی در مناطق فقیرتر، قوی‌تر و پایدارتر است.

مطالعات صورت گرفته اغلب نقش یک عامل را در نابرابری‌های منطقه‌ای بررسی کرده و یا نابرابری‌ها را از جنبه‌های محدودی مورد مطالعه قرار داده‌اند. مطالعهٔ اخیر از شاخص‌های توسعه‌ای جامع‌تری در مقایسه با پژوهش‌های پیشین استفاده کرده و برای محاسبه از مدل‌های آماری متعددی بهره برده است.

۳. روش‌شناسی تحقیق

این پژوهش روشی توصیفی-تحلیلی و هدفی کاربردی دارد. داده‌های مورد تحلیل از سالنامهٔ آماری کشور مربوط به سال ۱۳۹۹ اخذ شده‌اند. شاخص‌های قابل ارزیابی تطبیقی با اجرای تکنیک دلفی و حضور ۱۵ فرد خبره با تحصیلات کارشناسی‌ارشد و بالاتر در حوزهٔ برنامه‌ریزی منطقه‌ای، از میان معرّفه‌های سالنامهٔ آماری کشور، انتخاب گردیده‌اند (جدول ۱). معیار گزینش هر شاخص، انتخاب آن توسط نصف یا بیشتر، از گروه دلفی بوده است. آمار مربوط به هر معرفّه، با استفاده از مدل‌های معرفی‌شده در جدول ۱ به‌صورت شاخص درآمده و مورد تجزیه‌وتحلیل قرار گرفته‌اند.

جدول ۱. شاخص‌ها و نحوهٔ محاسبهٔ آنها

منبع: نگارندان با استفاده از پارامترهای آمار توصیفی

بعد	شماره	شاخص	مدل محاسبه	بعد	شماره	شاخص	مدل محاسبه
محیطی-کالبدی	۱	نسبت زمین‌های پوشیده از جنگل	$\frac{\text{مساحت جنگلهای استان}}{\text{مساحت استان}} * 100$		۱۷	تراکم خانوار در واحد مسکونی	$\frac{\text{تعداد واحد مسکونی}}{\text{تعداد جمعیت}} * 100$

1. de Groot

بعد	شماره	شاخص	مدل محاسبه	بعد	شماره	شاخص	مدل محاسبه
	۲	نسبت جمعیت تحت پوشش فاضلاب شهری	$\frac{\text{کل مشترکان فاضلاب شهری}}{\text{تعداد کل جمعیت استان}} * 100$		۱۸	ضریب نفوذ تلفن همراه	$\frac{\text{تعداد شماره فعال تلفن همراه}}{\text{تعداد جمعیت}}$
	۳	نسبت خانوار روستایی برخوردار از آب آشامیدنی سالم	$\frac{\text{روستاهای بیش 20 خانوار}}{\text{جمعیت این روستاها}} 100$		۱۹	جرم‌خیزی استان	$\frac{\text{رمین دستگیر شده} * 1000}{\text{تعداد جمعیت}} /1$
	۴	تراکم آزاد راه و بزرگراه	$\frac{\text{طول آزاد راه و بزرگراه} km}{\text{مساحت استان} km2} * 100$		۲۰	خدمات بستری	$\frac{\text{تعداد تخت بیمارستان}}{\text{تعداد جمعیت}} * 10000$
	۵	نسبت راه‌های روستایی آسفالته و شوسه	$\frac{\text{طول راههای روستایی شوسه و آسفالته } km}{\text{مساحت استان} km2} * 100$		۲۱	خدمات مراقبت بهداشتی شهری	$\frac{\text{تعداد مراکز مراقبت بهداشتی}}{\text{تعداد جمعیت}} * 10000$
	۶	ایمنی سفر	$\frac{\text{تعداد جمعیت استان}}{\text{فات درون شهری و برون شهری}}$		۲۲	خدمات مراقبت بهداشتی روستایی	$\frac{\text{تعداد مراکز مراقبت بهداشتی}}{\text{تعداد جمعیت}} * 10000$
اقتصادی	۷	نسبت جمعیت فعال	$\frac{\text{جمعیت } 64-15 \text{ سال}}{\text{تعداد کل جمعیت}} * 100$		۲۳	خدمات پیراپزشکی	$\frac{\text{تعداد مراکز پیراپزشکی}}{\text{تعداد جمعیت}} * 10000$
	۸	نرخ بی‌کاری	$\frac{\text{جمعیت بی کاران}}{\text{جمعیتداد } 64-15 \text{ سال}} /1$		۲۴	خدمات دارویی	$\frac{\text{تعداد داروخانه}}{\text{تعداد جمعیت}} * 10000$
	۹	ضریب توسعه صنعت	$\frac{\text{تعداد کارگاه 10 نفر کارکن و بیشتر}}{\text{تعداد جمعیت}} * 10000$	عمرانی	۲۵	آموزش	$\frac{\text{تعداد معلم}}{\text{تعداد دانش آموز}} * 100$

بعد	شماره	شاخص	مدل محاسبه	بعد	شماره	شاخص	مدل محاسبه
	۱۰	نسبت مالکیت وسیله نقلیه	$\frac{\text{تعداد وسایل نقلیه موتوری شماره گذاری شده}}{\text{تعداد جمعیت}} * 1000$		۲۶	فضای آموزشی	$\frac{\text{تعداد کلاس درس در متوسطه اول و ابتدایی}}{\text{تعداد دانش آموز مقاطع فوق}} * 100$
	۱۱	پوشش بیمه	$\frac{\text{تعداد بیمه شدگان اجتماعی}}{\text{تعداد جمعیت}} * 100$		۲۷	خدمات فرهنگی	$\frac{\text{تعداد کتاب منتشر شده}}{\text{تعداد جمعیت}} * 100000$
	۱۲	متوسط درآمد سرانه خانوار شهری	$\frac{\text{متوسط درآمد شهری استان}}{\text{متوسط درآمد شهری کشور}}$		۲۸	خدمات نشر	$\frac{\text{تعداد ناشر فعال}}{\text{تعداد جمعیت}} * 10000$
	۱۳	متوسط درآمد سرانه خانوار روستایی	$\frac{\text{متوسط درآمد روستایی استان}}{\text{متوسط درآمد روستایی کشور}}$		۲۹	خدمات هنری	$\frac{\text{تعداد سینما}}{\text{تعداد جمعیت}} * 100000$
اجتماعی	۱۴	نسبت تعداد کارکنان دولت	$\frac{\text{تعداد کارکنان دولت در استان}}{\text{تعداد جمعیت استان}} * 1000$		۳۰	آموزش عالی	$\frac{\text{تعداد دانشجویان}}{\text{تعداد جمعیت}} * 1000$
	۱۵	خدمات قضایی	$\frac{\text{تعداد شعبه قضایی استان}}{\text{تعداد جمعیت استان}} * 10000$				
	۱۶	خدمات توانبخشی	$\frac{\text{تعداد مراکز توانبخشی}}{\text{تعداد جمعیت استان}} * 10000$				

۴. مبانی نظری تحقیق

نابرابری در هر مقیاس، با عدالت در تضاد است. عدالت فضایی که به جنبه‌های مکانی یا جغرافیایی عدالت و بی‌عدالتی اشاره دارد، از مفهوم‌سازی عدالت اجتماعی به جنبه‌های فضایی پیرامون ما نشأت می‌گیرد. کاوش سوجا[1] در نظریهٔ فضایی، دیدگاه لوفور[2] در اینکه فضا تولیدی اجتماعی است را بسط داده و این‌گونه اذعان نموده که همهٔ اشکال فضایی انسان به‌صورت اجتماعی تولید می‌شوند، و از آنجا که هیچ فرآیند اجتماعی به‌طور یکنواخت در فضا رخ نمی‌دهد، فرآیندهای اجتماعی، جغرافیای ناهمگوهی ایجاد می‌کنند و محیطی که توسط این فرآیندهای اجتماعی ساخته می‌شود، ساختار سود و زیان مبتنی بر تفاوت در ثروت و قدرت خواهد بود.

عدالت فضایی ریشه در بحث‌های آکادمیک طولانی‌مدت در مورد «عدالت اجتماعی توزیع‌ها در فضا» داشته (پیریه[3]، ۱۹۸۳: ۴۷۰) و جهت‌گیری‌های نظری، سیاسی و هنجاری بسیار متنوعی در خصوص آن صورت پذیرفته است (داودی[4] و بروکز، ۲۰۱۴؛ اسرائل[5] و فرنکل، ۲۰۱۷؛ یوتیمارک[6] و نیکلاس، ۲۰۱۷). در موجزترین کلام می‌توان گفت که این مفهوم به تأکید عمدی و متمرکز بر جنبه‌های مکانی یا جغرافیایی عدالت و بی‌عدالتی اشاره دارد. بنابراین عدالت فضایی توجه تحلیلی و سیاسی را بر نحوهٔ تخصیص منابع در فضا متمرکز می‌کند و اینکه چگونه الگوهای فضایی تأثیرگذار در زندگی، فرصت‌های را در اختیار افراد می‌گذارد یا از افراد سلب می‌کند (پیریه، ۱۹۸۳). پژوهش‌های موجود به‌درستی به تمرکز بر فرآیندهای تصمیم‌گیری و سازوکارهای قدرت اشاره می‌کند و اینکه چگونه توزیع منابع و فرصت‌ها (عدالت توزیعی) با تصمیم‌گیری عادلانه و شفاف از

1. Soja
2. Lefebvre
3. Pirie
4. Davoudi and Brooks
5. Israel and Frenkel
6. Uitermark and Nicholls

نظر منابع مرتبط است (عدالت رویه‌ای) (پیریه، ۱۹۸۳؛ رینولدز و شلی[1]، ۱۹۸۵؛ داودی و بروکز، ۲۰۱۴؛ اسرائل و فرانکل، ۲۰۱۷). عدالت فضایی اغلب با توزیع منابع در فضا و تأمین فرصت‌های استفاده از آنها مرتبط است. عدالت فضایی در کلیتی فراگیر به رعایت حقوق برابر انسان‌ها یا بازیگران اجتماعی در کلیهٔ زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و ... توجه فراوان دارد (یزدانی و فیروزی، ۱۳۹۵: ۱۸).

از نظراستیگلیتز[2] (۲۰۱۳)، نابرابری هم علت و هم پیامد سیستم اقتصادی است که به نوبهٔ خود توسط سیستم سیاسی شکل می‌گیرد. این‌چنین نظام سیاسی خود سرشار از نابرابری های درونی بوده و دور باطلی را به‌وجود می‌آورد که تنها از طریق تلاش‌های هماهنگ برای اصلاح خط‌مشی عمومی شکسته می‌شود. با توجه به این موضوع، دولت نقش مهمی در پویایی نابرابری دارد، چه به‌خاطر اقدامی که انجام می‌دهد و چه به‌خاطر کاری که از انجام آن خودداری می‌کند. این دولت است که قوانین بازی را ایجاد و اجرا می‌کند و تعیین می‌کند چه زمانی رقابت منصفانه است و چه زمانی اقدامات غیرقانونی و ضدرقابتی هستند و چه اقداماتی متقلبانه و ممنوع هستند. دولت همچنین ممکن است با اعطای دسترسی ممتاز به منابع طبیعی، نرخ‌های مالی انحصاری، معافیت‌های مالیاتی، کنترل خدمات ضروری و یا با عدم سرکوب انحصار یا انحصارطلبی بازارها، منابع را به بخش خصوصی واگذار کند. دولت همچنین می‌تواند توزیع درآمد را از طریق مالیات‌ها و هزینه‌های اجتماعی از جمله تأمین مالی خدمات آموزشی عمومی تداوم بخشد یا حتی تشدید کند و سبب گردد که نابرابری فرصت‌ها از نسلی به نسل دیگر منتقل شود. به‌طور کلی نظام‌های سیاسی تمایل دارند به کسانی که در بالای سلسله‌مراتب اجتماعی هستند، قدرت فوق العاده‌ای بدهند. این قدرت نه‌تنها برای محدود کردن بازتوزیع ثروت، بلکه برای شکل‌دادن به «قوانین بازی» به نفع این نخبگان، تصاحب بخشی از

1. Reynolds and Shelley
2. Stiglitz

درآمد تولید شده توسط بقیهٔ جامعه بدون افشای سازوکارهای مصرف، می‌گردد (رانت‌جویی[1]). زیرا نهادهای دولتی تمایل دارند توسط افرادی از بالای هرم اجتماعی یا کسانی که طرز فکر مشابه آنها دارند، بر قلمرو خود تسلط داشته باشند. از نظر اتکینسون[2] (۲۰۱۵)، با توجه به این اصل که دولت یکی از بازیگران اصلی است که بر توزیع و بازتوزیع ثروت در جوامع مدرن تأثیر می‌گذارد، توجه به مسائل مربوط به سیاست داخلی و خارجی در تحلیل نابرابری‌های منطقه‌ای، ضروری است. از نظر هاروی[3] (۲۰۱۳: ۴۷۸-۴۷۷)، توسعهٔ جغرافیایی نابرابر مربوط به تمرکز سرمایه و نیروی کار در مناطق خاصی است که خود نشأت گرفته از پدیده‌های مختلفی است.

عدالت یا بی‌عدالتی فضایی را می‌توان در مقیاس‌های مختلف جغرافیایی مشاهده کرد؛ چنان‌که نظریه‌پردازان وابستگی مانند سمیر امین[4] (۱۹۷۷) و امانوئل والرشتاین[5] (۱۹۸۴) روابط قدرت و مسائل مربوط به عدالت را در میان مناطق، کشورها یا قاره‌های مختلف تحلیل کرده‌اند. آنها در درجهٔ اول به الگوهای وابستگی، سلطه و ستم بین مناطق توجه دارند. نقاط قوت اقتصادی یا فرهنگی متفاوتی که به‌وضوح بین «مناطق جهان اول» از یک سو و «مناطق جهان سوم» از سوی دیگر آشکار می‌شود. بااین‌حال، با بزرگنمایی در قلمروها و فراتر از آنچه می‌توان در آمار ثبت کرد، واضح است که سرزمین‌ها به هیچ وجه همگن نیستند. آنها پر از افرادی هستند که زندگی بسیار متفاوتی دارند و ایده‌های بسیار متفاوتی در مورد اینکه توسعه چیست و محیط‌های خوب و بد واجد چه مشخصاتی هستند، دارند. درحالی‌که مفهوم عدالت فضایی در اصل، در مقیاس کشورها مطرح شده و توسعه‌یافته است اما پس از آن در مقیاس‌های خردتر نیز مطرح شده است. در دهه‌های اخیر توجه روزافزونی به مدل‌های نابرابری‌های منطقه‌ای در داخل کشورها شده است. این مدل‌ها غالباً بر این فرض استوار

1. Rent seeking
2. Atkinson
3. Harvey
4. Samir Amin
5. Immanuel Wallerstein

هستند که اقتصاد آزاد (نئولیبرالیسم) عامل نابرابری‌های منطقه‌ای در داخل کشورهاست. یکی از نظریه‌های رایج، نظریهٔ رشد درونزاد[1] است که بر میزان تمرکز برخی از فعالیت‌های اقتصادی که حاصل اثرات رشد سود مقیاس ناشی از سرمایه‌گذاری است و سبب رشد سرمایهٔ انسانی و تحقیق و توسعه می‌گردد، تمرکز دارد. براساس این نظریه، تمرکز عوامل یاد شده در نواحی مرکزی (نه نواحی پیرامونی) نمایانگر پیامد فرآیند یکپارچگی اقتصادی هستند. مدل‌هایی که براین‌اساس ارائه شده‌اند از جمله مدل‌های مبتنی بر نوآوری (نظریهٔ رشد شومپیتر[2]) تغییرات سازگار و کارآمد و تخصیص‌های بهینهٔ کمتر سازگار مکان‌های معین را مد نظر قرار داده و بر یکپارچگی و تجارت، توجه دارند. رشد اقتصادی در سطح منطقه‌ای براساس تقویت فرآیند یادگیری-دانش-همسان‌سازی نوآوریِ متناسب با نیروی کار صورت می‌گیرد. این فرآیند، مفاهیم فضایی قابل توجهی را تا لحظه‌ای که هزینه‌های معاملات مربوط به انتقال عناصر دانش، بسیاربالا باقی باشد، ارائه می‌دهد (دانیلا[3]، ۲۰۱۴: ۵).

نظریهٔ جغرافیای اقتصادی جدید، این فرضیه را در نظر می‌گیرد که خوشه‌های منطقه‌ای، نشان‌دهندهٔ تأثیر پدیده‌های انباشتگی برخی نیروها در زمینه‌های خاصی هستند که روابط مهمی بین آنها دیده می‌شود. مطابق این نظریه، هزینه‌های حمل‌ونقل بالا از شرکت‌ها در بازارهای کوچک محافظت می‌کند. هنگامی که هزینه‌های حمل‌ونقل کاهش می‌یابد، رقابت بین شرکت‌ها افزایش می‌یابد و درنهایت، پراکندگی نیروها کاهش می‌یابد. این نظریه به‌ویژه بر یکپارچگی بازار، صرفه‌جویی در مقیاس، هزینه‌های حمل‌ونقل و بازارهای محلی تأکید می‌کند و اثرات ترکیبی تمرکز اقتصادی در مرکز منطقه را با مزایای به‌دست‌آمده در بازار نیروی کار و بومی‌سازی فناوری‌های پیشرفته ارتقا می‌دهد (پیکتی[4]، ۲۰۱۴).

1. Endogenous growth
2. Schumpeter
3. Daniela
4. Piketty

در نظریهٔ نهادی، عنصر کلیدی توسعهٔ یک منطقه توسط نهادهایی نشان داده می‌شود که موانع تکنولوژیکی سلسله‌مراتب عملکردهای اقتصادی را ایجاد می‌کنند. دلیل آن این است که این مؤسسات می‌توانند توانایی اقتصاد در استفاده و توسعهٔ منابع خود را به شیوه‌ای خاص کنترل کنند. هر گاه ظرفیت نهادی به‌طور نابرابر در فضا توزیع شود، عامل نهادی به انباشته شدن فعالیت‌های اقتصادی کمک می‌کند و تمرکز فعالیت‌های پیشرفته‌تر را در بیشتر مناطق توسعه‌یافته تقویت می‌کند. ویژگی مهم این مؤسسات این است که نوآوری، تحقیق و توسعه، حمایت از کسب‌وکار را تسهیل می‌کنند و همهٔ اینها به‌عنوان «سیستم نوآورانه» شناخته می‌شوند (اتکینسون[1]، ۲۰۱۵).

۵. یافته‌های تحقیق

در این مطالعه، ۱۴ استان ایران به دو دسته اصلی تقسیم شده‌اند:

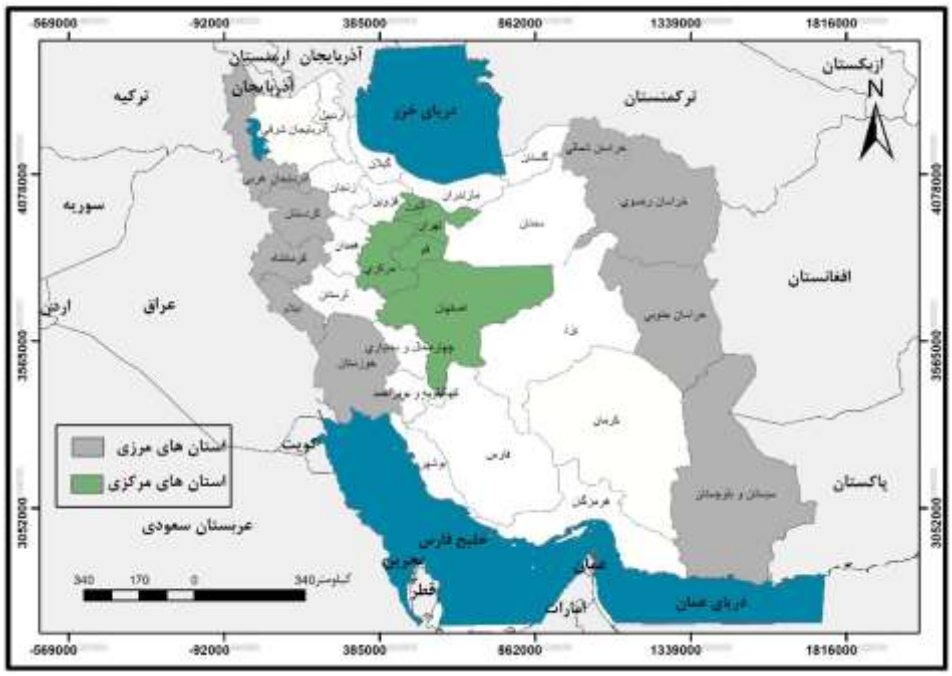
استان‌های مرزی: شامل آذربایجان غربی، ایلام، خراسان جنوبی، خراسان رضوی، خراسان شمالی، خوزستان، سیستان‌وبلوچستان، کردستان، کرمانشاه و با مجموع مساحتی معادل ۶۵۴۰۸۵ کیلومتر مربع و جمعیتی برابر با ۲۲۹۵۲۸۳۶ نفر براساس سرشماری سال ۱۳۹۵ (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۶).

استان‌های مرکزی: شامل اصفهان، البرز، تهران، قم، مرکزی و با مجموع مساحت ۱۶۶۱۹۹ کیلومتر مربع و جمعیتی بالغ بر ۲۳۸۲۲۶۴۵ نفر طبق سرشماری سال ۱۳۹۵ (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۶).

این تقسیم‌بندی به‌عنوان چهارچوب اصلی تحلیل در این پژوهش استفاده شده است تا تفاوت‌ها و شباهت‌های این مناطق از نظر شاخص‌های مختلف مورد بررسی قرار گیرد.

(شکل ۱).

1. Atkinson



شکل ۱. موقعیت محدوده مطالعاتی

منبع: ترسیم نگارندگان از روی شیپ‌فایل‌های استانهای ایران (۱۳۹۵)

در جدول ۲ مقادیر مربوط به شاخص‌های تعریف شده در جدول ۱ آورده شده‌اند.

جدول ۲. مقادیر مربوط به شاخص‌ها

مأخذ: مرکز آمار ایران ۱۳۹۵، ۱۳۹۹، ۱۴۰۰ و محاسبات نگارندگان

	استان‌های مرزی									استان‌های مرکزی						میانگین رقم برای کل استانهای مورد مطالعه
شماره شاخص	آذربایجان غربی	ایلام	خراسان جنوبی	خراسان رضوی	خراسان شمالی	خوزستان	سیستان و بلوچستان	کردستان	کرمانشاه	میانگین	اصفهان	البرز	تهران	قم	مرکزی	میانگین	
۱	۱/۹۷	۳/۳۹	۴/۵۵	۵/۰۵	۱/۳۱	۱/۵۴	۴/۸۸	۸/۶۵	۲/۶۹	۱/۷۸	۴/۲۳	۲/۹۸	۳/۹۸	۱/۰۷	۰/۹۰	۲/۶۳	۸/۵۱
۲	۲۹/۸۱	۳۰/۱۳	۱۷/۰۱	۲۲/۰۱	۱۷/۹۲	۳۶/۵۵	۶/۵۲	۵۵/۰۱	۵۴/۵۷	۲۹/۹۵	۳۴/۹۳	۵/۹۳	۱۹/۵۸	۱۱/۴۹	۲۹/۰۴	۲۰/۱۹	۲۶/۴۶
۴	۷۶/۲۰	۷۹/۲۰	۷۶/۲۰	۷۵/۷۰	۶۹/۷۰	۸۴/۲۰	۷۰/۱۰	۶۶/۹۰	۸۰/۲۰	۷۵/۳۸	۷۱/۴۰	۷۴/۲۰	۷۸/۴۰	۸۷/۱۰	۸۵/۵۰	۷۹/۳۲	۷۶/۷۹
۴	۱/۲۳	۰/۸۰	۰/۴۹	۱/۰۶	۰/۷۴	۲/۲۳	۰/۲۳	۱/۱۶	۱/۸۶	۱/۰۹	۲/۳۴	۳/۶۵	۶/۱۱	۴/۷۱	۲/۴۵	۳/۸۵	۲/۰۷
۵	۱/۶۵	۷/۲۵	۴/۶۴	۷/۲۴	۸/۳۰	۱/۷۶	۴/۱۳	۱/۹۹	۱/۹۹	۹/۸۸	۴/۲۴	۱/۹۷	۱/۵۲	۴/۶۵	۱/۳۳	۸/۹۴	۹/۵۵
۶	۶۸/۹۰	۴۵/۵۹	۵۴/۶۷	۱۴/۵۷	۶۶/۳۵	۱۰/۴۸	۳۴/۳۸	۸۵/۶۵	۱۳/۱۹	۱۱/۹۸	۳۹/۸۹	۲۴/۹۶	۳۲/۱۷	۲۹/۹۴	۳۰/۶۴	۳۱/۵۲	۸۵/۸۱
۷	۶۸/۷۰	۷۱/۲۰	۶۴/۸۰	۶۷/۵۰	۶۷/۲۰	۶۸/۲۰	۵۸/۵۰	۷۰/۰۰	۷۱/۷۰	۶۷/۵۳	۷۱/۴۰	۷۳/۰۰	۷۳/۰۰	۶۹/۱۰	۷۰/۶۰	۷۱/۴۲	۶۸/۹۲
۸	۸/۰۶	۱۱/۱۱	۱۳/۷۰	۱۵/۱۵	۱۰/۳۱	۷/۹۴	۱۰/۶۴	۸/۵۵	۶/۷۱	۱۰/۲۴	۹/۴۳	۱۰/۳۱	۱۳/۷۰	۱۰/۷۵	۱۲/۸۲	۱۱/۴۰	۱۰/۶۶
۹	۲/۱۶	۰/۸۴	۱/۹۲	۳/۵۰	۱/۵۳	۱/۵۲	۱/۳۶	۱/۳۵	۱/۴۰	۱/۷۳	۷/۲۵	۶/۰۵	۴/۸۲	۶/۹۹	۷/۷۷	۶/۵۸	۳/۴۶

۱۰	۱۲/۸۹	۲۰/۳۵	۱۵/۱۷	۲۴/۸۸	۲۲/۷۶	۲۸/۸۴	۱۵/۳۹	۱۱/۳۴	۱۷/۵۷	۱۸/۸۰	۳۳/۵۹	۳۸/۵۵	۴۲/۷۴	۲۷/۵۷	۲۱/۳۶	۳۲/۷۶	۲۳/۷۹
۱۱	۱۲/۰۴	۱۸/۰۲	۱۶/۴۸	۱۴/۹۷	۱۲/۲۳	۱۹/۰۳	۸/۱۶	۱۳/۴۵	۱۳/۱۷	۱۴/۱۷	۲۳/۵۳	۱۸/۳۹	۲۶/۴۷	۱۸/۹۷	۲۲/۹۰	۲۲/۰۵	۱۶/۹۹
۱۲	۰/۹۱	۰/۷۷	۰/۷۲	۰/۸۲	۰/۶۵	۰/۸۳	۰/۶۴	۰/۷۵	۰/۶۸	۰/۷۵	۰/۹۰	۱/۲۰	۱/۴۷	۰/۸۰	۰/۸۱	۱/۰۴	۰/۸۵
۱۳	۱/۳۰	۰/۸۷	۰/۶۲	۰/۸۱	۰/۶۰	۱/۱۰	۰/۴۳	۰/۸۲	۰/۸۸	۰/۸۳	۱/۱۴	۱/۶۱	۱/۵۴	۱/۰۸	۱/۰۵	۱/۲۸	۰/۹۹
۱۴	۲۲/۸۱	۴۴/۶۹	۳۹/۶۲	۲۳/۴۵	۳۵/۹۴	۳۱/۵۹	۲۶/۱۸	۲۷/۳۳	۲۸/۸۴	۳۱/۱۶	۲۱/۷۰	۱۸/۶۰	۳۲/۲۰	۲۲/۴۴	۲۷/۹۲	۲۴/۵۷	۲۸/۸۱
۱۵	۲/۰۵	۴/۰۲	۳/۰۲	۱/۵۹	۳/۲۸	۱/۷۳	۱/۲۶	۲/۰۰	۱/۹۸	۲/۳۳	۱/۷۲	۱/۴۵	۱/۵۸	۱/۸۷	۲/۳۹	۱/۸۰	۲/۱۴
۱۶	۰/۵۵	۰/۷۴	۱/۳۸	۱/۰۷	۰/۱۲	۰/۸۷	۰/۵۶	۰/۶۱	۰/۹۴	۰/۷۶	۰/۸۹	۱/۰۲	۱/۴۱	۰/۸۷	۱/۰۴	۱/۰۵	۰/۸۶
۱۷	۸۹/۷۵	۹۳/۰۷	۹۵/۶۹	۹۶/۱۳	۹۳/۰۰	۸۸/۱۵	۷۳/۹۱	۹۵/۹۰	۹۳/۵۴	۹۱/۰۲	۹۷/۰۷	۹۸/۴۲	۹۸/۵۱	۹۸/۲۸	۹۷/۴۳	۹۷/۹۴	۹۳/۴۹
۱۸	۱/۶۵	۱/۶۶	۱/۵۷	۱/۸۰	۱/۸۶	۱/۷۶	۱/۴۹	۱/۶۵	۱/۷۱	۱/۶۸	۱/۷۲	۲/۱۴	۱/۹۳	۱/۸۰	۱/۶۹	۱/۸۶	۱/۷۴
۱۹	۰/۲۶	۰/۲۲	۰/۱۹	۰/۱۲	۰/۲۱	۰/۲۳	۰/۲۶	۰/۴۲	۰/۱۷	۰/۲۳	۰/۱۶	۰/۱۵	۰/۱۲	۰/۲۹	۰/۱۴	۰/۱۷	۰/۲۱
۲۰	۱۸/۸۶	۱۹/۸۲	۲۲/۰۷	۲۰/۴۶	۱۶/۵۵	۲۰/۳۸	۱۳/۳۰	۲۲/۴۴	۲۰/۷۸	۱۹/۴۱	۲۰/۳۰	۱۲/۳۵	۲۲/۰۹	۲۱/۰۲	۲۱/۷۵	۱۹/۵۰	۱۹/۴۴
۲۱	۴/۵۸	۵/۰۷	۶/۴۹	۳/۷۶	۶/۲۳	۳/۵۱	۵/۳۹	۵/۶۰	۴/۷۰	۵/۰۴	۲/۶۹	۱/۳۰	۰/۸۲	۱/۵۶	۴/۶۳	۲/۲۰	۴/۰۲
۲۲	۹/۷۴	۱۲/۴۹	۱۲/۱۹	۹/۰۵	۱۱/۳۳	۹/۰۲	۷/۶۸	۱۴/۷۶	۱۴/۶۳	۱۱/۲۱	۱۰/۵۳	۴/۵۱	۴/۰۷	۱۰/۹۱	۱۳/۷۴	۸/۷۵	۱۰/۳۳
۲۳	۰/۸۰	۱/۳۸	۰/۸۳	۱/۰۴	۱/۱۶	۰/۸۸	۰/۵۷	۰/۶۰	۱/۱۰	۰/۹۳	۱/۳۶	۱/۰۱	۲/۰۷	۰/۷۵	۱/۲۸	۱/۲۹	۱/۰۶

۲۴	۱/۱۸	۲/۰۹	۱/۰۸	۱/۳۰	۱/۱۱	۱/۳۵	۰/۶۱	۰/۹۰	۱/۲۵	۱/۲۱	۱/۶۱	۱/۵۷	۱/۸۷	۱/۲۷	۱/۱۲	۱/۴۹	۱/۳۱
۲۵	۳/۶۸	۶/۰۳	۴/۴۴	۲/۹۰	۴/۵۱	۳/۸۰	۳/۱۹	۴/۸۴	۴/۶۸	۴/۲۳	۲/۹۱	۲/۸۷	۲/۵۶	۳/۰۲	۳/۳۳	۲/۹۶	۳/۷۸
۲۶	۳/۹۷	۵/۰۷	۴/۶۱	۳/۸۹	۴/۵۲	۴/۲۹	۳/۸۹	۴/۴۷	۴/۲۰	۴/۳۲	۳/۹۲	۳/۴۲	۳/۳۲	۳/۴۴	۴/۱۶	۳/۶۵	۴/۰۸
۲۷	۱۶/۷۸	۵۷/۹۲	۸/۹۷	۷۵/۵۵	۳۹/۷۴	۱۷/۲۸	۵/۳۳	۴۴/۶۷	۱۲/۵۰	۳۰/۹۷	۴۸/۸۶	۷۸/۱۶	۶۰/۵۲	۵۹/۶۸	۲۱/۹۰	۲۷/۲۲	۱۱/۴۲ ۶
۲۸	۰/۰۹	۰/۳۳	۰/۱۷	۰/۲۵	۰/۲۰	۰/۰۸	۰/۰۴	۰/۱۸	۰/۱۱	۰/۱۶	۰/۳۰	۰/۳۵	۲/۰۷	۳/۰۶	۰/۱۴	۱/۱۹	۰/۵۳
۲۹	۰/۰۹	۰/۳۴	۰/۳۹	۰/۱۹	۰/۴۶	۰/۲۸	۰/۰۷	۰/۳۱	۰/۲۰	۰/۲۶	۰/۳۷	۰/۱۸	۰/۴۵	۰/۳۱	۰/۲۱	۰/۳۱	۰/۲۸
۳۰	۲۷/۱۲	۵۱/۰۸	۵۲/۴۶	۳۶/۰۱	۳۷/۶۶	۳۳/۶۳	۳۰/۱۱	۲۸/۵۴	۳۱/۴۸	۳۶/۴۵	۴۳/۱۷	۳۴/۲۰	۵۴/۰۳	۶۰/۶۶	۴۳/۴۵	۴۷/۱۰	۴۰/۲۶

با توجه به اطلاعات جدول ۲، استان‌های مرکزی در ۶۹ شاخص‌استان و استان‌های مرزی در ۳۴ شاخص‌استان، رقمی بالاتر از رقم میانگین مشابه برای کل استان‌ها را به خود اختصاص داده‌اند. همچنین رقم میانگین ۲۰ شاخص از کل ۳۰ شاخص، در استان‌های مرکزی بالاتر از رقم مشابه برای استان‌های مرزی است. به‌این‌ترتیب می‌توان نتیجه گرفت که در مجموع، سطح توسعه‌یافتگی استان‌های مرکزی بالاتر از استان‌های مرزی است. تنها در ۱۰ شاخص یعنی یک‌سوم شاخص‌ها استان‌های مرزی وضعیت توسعه‌یافتگی برتری را نشان می‌دهند. یکی از این‌ها نسبت زمین‌های پوشیده از جنگل است. استان‌های سیستان‌وبلوچستان و خراسان جنوبی به دلیل شرایط بیابانی رقم پایینی از پوشش جنگل را دارند اما در استان‌های مرزی، ایلام با ۳۲ درصد و کرمانشاه با ۲۶ درصد از سطح پوشیده از جنگل، از تمامی استان‌های مطالعه شده، متمایز هستند. نسبت بالاتر جمعیت روستایی و وجود سکونتگاه‌های روستایی بیشتری که شرایط تبدیل‌شدن به شهر را نیافته‌اند، مخصوصاً در شرایط بیابانی خشک بسیاری از استان‌های مرزی، احداث جاده‌های روستایی طولانی‌تر

که نقاط روستایی را در فواصل زیاد به شهرها و به یکدیگر ارتباط می‌دهند، امری طبیعی و اجتناب‌ناپذیر بوده که این شاخص را برای استان‌های مرزی برتر نشان داده است. تراکم جمعیت کمتر در سکونتگاههای کوچک‌تر و شرایط مهاجرفرستی سبب شده که در مناطق محروم و روستایی کشور، الزاماً با تعداد کمتری از دانش‌آموز، یک پایهٔ تحصیلی تشکیل شود و نفرات اداری- مدیریتی مدارس نیز به‌نسبت تعداد دانش‌آموز، زیادتر باشند. همین موضوع و نبود مشکل زمین سبب شده که ساختمان‌های آموزشی با هزینهٔ کمتری ساخته شده و تعداد کلاس‌های درس و فضاهای آموزشی به نسبت جمعیت زیادتر باشد. به همین دلیل شاخص‌های آموزشی در استان‌های مرزی، برتری را نشان داده‌اند. تمرکز کمتر جمعیت در واحد سطح و تشکیل نقاط سکونتگاهی با فاصله بیشتر در استان‌های مرزی موجب شده که ادارات دولتی با پوشش جمعیتی کمتر تشکیل شوند و این موضوع نسبت کارکنان دولت و نسبت تعداد ادارات دولتی به جمعیت را بالا برده است. به همین دلیل در یک تناقض، از یک سو شاخص جرم‌خیزی در استان‌های مرزی شرایط داشته و از سوی دیگر نسبت تعداد دفاتر قضایی به جمعیت نیز رقم بالاتری دارد.

جدول ۳. رتبه‌بندی استان‌ها با توجه به مقادیر شاخص‌های جدول ۲

مأخذ: مرکز آمار ایران ۱۳۹۵، ۱۳۹۹، ۱۴۰۰ و محاسبات نگارندگان

	استان‌های مرزی										استان‌های مرکزی					
شماره شاخص	آذربایجان غربی	ایلام	خراسان جنوبی	خراسان رضوی	خراسان شمالی	خوزستان	سیستان و بلوچستان	کردستان	کرمانشاه	میانگین رتبه	اصفهان	البرز	تهران	قم	مرکزی	میانگین رتبه
۱	۱۲	۱	۸	۶	۴	۳	۷	۵	۲	۵/۳۳	۹	۱۱	۱۰	۱۳	۱۴	۱۱/۴۰
۲	۶	۵	۱۱	۸	۱۰	۳	۱۳	۱	۲	۶/۵۶	۴	۱۴	۹	۱۲	۷	۹/۲۰
۳	۷	۵	۸	۹	۱۳	۳	۱۲	۱۴	۴	۸/۳۳	۱۱	۱۰	۶	۱	۲	۶/۰۰
۴	۸	۱۱	۱۳	۱۰	۱۲	۶	۱۴	۹	۷	۱۰/۰۰	۵	۳	۱	۲	۴	۳/۰۰
۵	۲	۹	۱۲	۱۰	۸	۳	۱۴	۶	۱	۷/۲۲	۱۳	۷	۴	۱۱	۵	۸/۰۰

	استان‌های مرزی										استان‌های مرکزی					
شماره شاخص	آذربایجان غربی	ایلام	خراسان جنوبی	خراسان رضوی	خراسان شمالی	خوزستان	سیستان و بلوچستان	کردستان	کرمانشاه	میانگین رتبه	اصفهان	البرز	تهران	قم	مرکزی	میانگین رتبه
۶	۶	۹	۸	۲	۷	۴	۱	۵	۳	۵/۰۰	۱۰	۱۴	۱۱	۱۳	۱۲	۱۲/۰۰
۷	۷	۶	۱۰	۳	۸	۴	۱	۵	۲	۵/۱۱	۱۱	۱۴	۱۲	۱۳	۹	۱۱/۸۰
۸	۱۲	۵	۳	۱	۹	۱۳	۷	۱۱	۱۴	۸/۳۳	۱۰	۸	۲	۶	۴	۶/۰۰
۹	۷	۱۴	۸	۶	۹	۱۰	۱۲	۱۳	۱۱	۱۰/۰۰	۲	۴	۵	۳	۱	۳/۰۰
۱۰	۱۳	۹	۱۲	۶	۷	۴	۱۱	۱۴	۱۰	۹/۵۶	۳	۲	۱	۵	۸	۳/۸۰
۱۱	۱۳	۷	۸	۹	۱۲	۴	۱۴	۱۰	۱۱	۹/۷۸	۲	۶	۱	۵	۳	۳/۴۰
۱۲	۳	۹	۱۱	۶	۱۳	۵	۱۴	۱۰	۱۲	۹/۲۲	۴	۲	۱	۸	۷	۴/۴۰
۱۳	۳	۹	۱۲	۱۱	۱۳	۵	۱۴	۱۰	۸	۹/۴۴	۴	۱	۲	۶	۷	۴/۰۰
۱۴	۱۱	۱	۲	۱۰	۳	۵	۹	۸	۶	۶/۱۱	۱۳	۱۴	۴	۱۲	۷	۱۰/۰۰
۱۵	۵	۱	۳	۱۱	۲	۹	۱۴	۶	۷	۶/۴۴	۱۰	۱۳	۱۲	۸	۴	۹/۴۰
۱۶	۱۳	۱۰	۲	۳	۱۴	۹	۱۲	۱۱	۶	۸/۸۹	۷	۵	۱	۸	۴	۵/۰۰
۱۷	۱۲	۱۰	۸	۶	۱۱	۱۳	۱۴	۷	۹	۱۰/۰۰	۵	۲	۱	۳	۴	۳/۰۰
۱۸	۱۲	۱۰	۱۳	۵	۳	۶	۱۴	۱۱	۸	۹/۱۱	۷	۱	۲	۴	۹	۴/۶۰
۱۹	۳	۶	۸	۱۳	۷	۵	۴	۱	۹	۶/۲۲	۱۰	۱۱	۱۴	۲	۱۲	۹/۸۰
۲۰	۱۱	۱۰	۳	۷	۱۲	۸	۱۳	۱	۶	۷/۸۹	۹	۱۴	۲	۵	۴	۶/۸۰
۲۱	۸	۵	۱	۹	۲	۱۰	۴	۳	۶	۵/۳۳	۱۱	۱۳	۱۴	۱۲	۷	۱۱/۴۰
۲۲	۹	۴	۵	۱۰	۶	۱۱	۱۲	۱	۲	۶/۶۷	۸	۱۳	۱۴	۷	۳	۹/۰۰
۲۳	۱۱	۲	۱۰	۷	۵	۹	۱۴	۱۳	۶	۸/۵۶	۳	۸	۱	۱۲	۴	۵/۶۰
۲۴	۹	۱	۱۲	۶	۱۱	۵	۱۴	۱۳	۸	۸/۷۸	۳	۴	۲	۷	۱۰	۵/۲۰
۲۵	۷	۱	۵	۱۲	۴	۶	۹	۲	۳	۵/۴۴	۱۱	۱۳	۱۴	۱۰	۸	۱۱/۲۰
۲۶	۸	۱	۲	۱۱	۳	۵	۱۰	۴	۶	۵/۵۶	۹	۱۳	۱۴	۱۲	۷	۱۱/۰۰
۲۷	۱۱	۵	۱۳	۴	۸	۱۰	۱۴	۷	۱۲	۹/۳۳	۶	۳	۱	۲	۹	۴/۲۰
۲۸	۱۲	۴	۹	۶	۷	۱۳	۱۴	۸	۱۱	۹/۳۳	۵	۳	۲	۱	۱۰	۴/۲۰

	استان‌های مرزی										استان‌های مرکزی					
شماره شاخص	آذربایجان غربی	ایلام	خراسان جنوبی	خراسان رضوی	خراسان شمالی	خوزستان	سیستان و بلوچستان	کردستان	کرمانشاه	میانگین رتبه	اصفهان	البرز	تهران	قم	مرکزی	میانگین رتبه
۲۹	۱۳	۵	۳	۱۱	۱	۸	۱۴	۶	۱۰	۷/۸۹	۴	۱۲	۲	۷	۹	۶/۸۰
۳۰	۱۴	۴	۳	۸	۷	۱۰	۱۲	۱۳	۱۱	۹/۱۱	۶	۹	۲	۱	۵	۴/۶۰
میانگین	۸/۹۳	۵/۹۷	۷/۵۳	۷/۵۳	۷/۷۰	۶/۹۷	۱۱/۰۳	۷/۶۰	۷/۱۰	**۷/۸۲**	۷/۱۷	۸/۲۳	۵/۵۷	۷/۰۳	۶/۶۳	**۶/۹۳**
انحراف معیار	۳/۵۲	۳/۶۳	۳/۹۸	۳/۱۰	۳/۸۳	۳/۲۲	۴/۰۲	۴/۲۴	۳/۵۹	**۱/۷۲**	۳/۳۸	۴/۸۰	۵/۱۶	۴/۱۵	۳/۱۹	**۳/۱۰**

با توجه به اطلاعات جدول ۳، میانگین رقم رتبه‌های استان‌های غیرمرزی در کل شاخص‌ها به میزان ۱/۳۸ پایین‌تر است که دلالت بر توسعه‌یافتگی بیشتر آنها دارد. استان‌های غیرمرزی در۱۴ شاخص‌استان از مجموع ۴۲۰ شاخص‌استان (تعداد شاخص‌ها ضرب در تعداد استان‌های مورد مطالعه: ۴۲۰= ۳۰×۱۴) یعنی در ۳/۳۴ درصد از آنها رتبه نخست را دارا هستند. این در حالی است که استان‌های مرزی تنها در ۱۶ شاخص استان (۳/۸۱ درصد) واجد رتبه نخست هستند. همچنین استان‌های غیرمرزی در ۱۷ شاخص استان (۴/۰۵ درصد) رتبهٔ دوم، در۱۰شاخص استان (۲/۳۹ درصد) رتبهٔ سوم، در ۱۶شاخص (۳/۹ درصد) رتبهٔ چهارم و در ۸۵ شاخص (۱۹/۵۲ درصد) واجد رتبهٔ پایین‌تر از رتبهٔ میانه (۷/۵) هستند. تعداد و درصد شاخص‌استان‌ها برای رتبه‌های نخست تا چهارم و نیز برای رتبه‌های پایین‌تر از ۷/۵ برای استان‌های مرزی به‌ترتیب این گونه هستند: رتبهٔ نخست ۱۶شاخص‌استان (۳/۸۱ درصد)، رتبهٔ دوم ۱۳ شاخص (۳/۱۰ درصد)، رتبهٔ سوم ۲۰

شاخص‌استان (۴/۷۷ درصد)، رتبه چهارم ۱۴ شاخص‌استان (۳/۳۴ درصد) و بالاخره شاخص‌استان‌های کمتر از ۷/۵، ۱۲۵شاخص‌استان (۲۹/۷۷ درصد).

توسعه‌یافته‌ترین استان در میان استان‌ها، استان تهران است که یک استان غیرمرزی است. استان اخیر در ۸ شاخص از مجموع ۳۰ شاخص رتبه ۱، در ۸ شاخص رتبه ۲، در ۱شاخص رتبه ۳ و در ۲ شاخص رتبه ۴ را دارد. همچنین این استان در ۲۰شاخص‌استان واجد رتبه‌ای پایین‌تر از ۷/۵ است.

دومین استان با سطح بالاتر توسعه‌یافتگی استان ایلام است. استان اخیر یک استان مرزی است. میانگین رقم رتبهٔ استان در شاخص‌ها برابر ۵/۹۷ است که ۰/۵۴ واحد ۱از رتبه میانه (۷/۵) پایین‌تر است. این استان در ۶ شاخص از مجموع ۳۰ شاخص رتبهٔ ۱، در ۱ شاخص رتبهٔ ۲، در ۱ شاخص رتبهٔ ۳ و در ۳ شاخص رتبهٔ ۴ را دارد. همچنین این استان در ۱۹ شاخص واجد رتبه‌ای پایین تر از ۷/۵ است.

سومین استان با سطح بالاتر توسعه‌یافتگی استان قم است. استان اخیر یک استان غیرمرزی است. میانگین رقم رتبهٔ استان در شاخص‌ها برابر ۷/۰۳ است که۰/۴۷ واحد از رتبه میانه (۷/۵) پایین‌تر است. این استان در ۳ شاخص از مجموع ۳۰ شاخص رتبهٔ ۱، در ۳ شاخص رتبهٔ ۲، در ۲ شاخص رتبهٔ ۳ و در ۱ شاخص رتبهٔ ۴ را دارد. همچنین این استان در ۱۷ شاخص واجد رتبه‌ای پایین تر از ۷/۵ است.

سطح توسعه‌یافتگی در استان سیستان‌وبلوچستان که یک استان مرزی است از همه پایین‌تر است. میانگین رقم رتبهٔ شاخص‌ها در این استان ۳/۴۳ واحد از رقم میانگین کل استان‌ها بالاتر بوده و در آن رتبه‌های مربوط به ۲۴ شاخص رقمی بالاتر از رقم میانه (۷/۵) دارند. پس از استان اخیر، استان آذربایجان غربی در مرتبهٔ پایین‌تری از توسعه‌یافتگی قرار گرفته است. این استان نیز استانی مرزی محسوب شده و ۱۱ شاخص با رقم رتبهٔ پایین‌تز از میانه دارد.

پایین‌ترین رقم انحراف‌معیار رتبه‌ها که بیانگر توازن بیشتر در میزان توسعهٔ شاخص‌های مورد بررسی است به‌ترتیب به استان‌های خراسان رضوی، مرکزی و خوزستان اختصاص دارد. از این

استان‌ها، به‌ترتیب استان‌های مرکزی، خوزستان و خراسان رضوی در ردیف استان‌های توسعه‌یافته‌تر بوده و این معیار دلالت بر این دارد که آنها نه‌تنها توسعه‌یافته‌تر هستند، بلکه در آنها شاخص‌های با درجه توسعهٔ بسیاربالا و مخصوصاً بسیارپایین، کمتر مشهود است. در مقابل، رقم انحراف معیار بالاتر برای استان‌های تهران، البرز و کردستان که توسعه‌یافته‌تر نیز هستند، بیانگر پراکندگی زیاد شاخص‌های توسعه است.

۶. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

نتایج این تحقیق، شکاف توسعه میان استان‌های مرزی و غیرمرزی را در ابعادی تا حدودی متفاوت از آنچه پیش از این در تحقیقات مشابه به اثبات رسیده نمایان می‌سازد. برای مثال در تحقیق اطاعت و همکاران در سال ۱۳۸۸ که در آن از ۱۴ شاخص اقتصادی-زیربنایی و اجتماعی استفاده شده، ۱۶ استان کشور محروم شناخته شده‌اند. از این استان‌ها، تنها سه استان قزوین، لرستان و کهکیلویه و بویراحمد، مرزی نیستند؛ درحالی که استانی مثل گلستان که غیرمحروم تشخیص داده شده، یک استان مرزی است. نتایج حاصل از مطالعهٔ ویسی و همکاران (۱۳۹۵) و محمدی و نوری (۱۳۹۷) و مطالعات یزدانی و حسن‌پور (۱۴۰۰) مشخص کرده توسعه‌یافتگی و عدالت فضایی در سطح استان‌ها و شهرستان‌های کشور به‌طور چشم‌گیری ناعادلانه بوده و عدم تعادل در این سطوح به‌وضوح به چشم می‌خورد و از قاعدهٔ متناسب و متعادلی تبعیت ندارد. همچنین نتایج به دست آمده از مطالعات احمدی و همکاران (۱۴۰۳) حاکی از این است که مناطق مرزی از نظر توسعه‌یافتگی در وضعیت محروم قرار دارند و همچنین از ظرفیت‌های این مناطق به‌نحو درستی استفاده نشده است. قنبری و همکاران (۱۳۹۰) در مقاله‌ای به بررسی توسعه‌یافتگی نقاط شهری استان‌های کشور با استفاده از۵۴ شاخص پرداخته‌اند که در مجموع ۳۰ استان کشور، تهران، سمنان، یزد، مازندران، زنجان و کهکیلویه و بویر احمد را جزو مناطق توسعه‌یافته قلمداد کردند و ۱۷ استان کشور جزو مناطق نیمه‌توسعه‌یافته و ۷ استان کشور در ردیف استان‌های محروم قرار گرفته‌اند و استان

سیستان‌وبلوچستان به‌عنوان محروم‌ترین استان شناخته شده است. بنابراین، به لحاظی این نتایج با نتایج پژوهش اخیر همسو است. در تحقیقات مشابهی که در موضوع صورت گرفته (برای مثال: هاسلزبرگر[1]، ۲۰۱۴؛ کوک-هامیلتون[2]، ۲۰۲۴؛ استاگن[3]، ۲۰۲۰)، مناطق مرزی در سرحدات آبی کشورها در اغلب موارد به لحاظ توسعه در سطحی بالاتر از مناطق محصور در خشکی نمایان شده‌اند امّا سطح توسعهٔ مناطق مرزی در سرحدات خشکی بیشتر تابع وضعیت سیاسی-اجتماعی کشور همسایه بوده است. نتایج این تحقیق نشان داد که در کشور ما گذشته از مناطق مرزی در سرحدات خشکی که عمدتاً وضعیت نابسامان سیاسی-اجتماعی کشورهای همسایه در کنار برخی سیاست‌گذاری‌های داخلی، سطح نازل‌تری از توسعه را نشان دادند، حتی مناطق مرزی در سرحدات آبی نیز سطح توسعهٔ پایین‌تری از مناطق داخلی را آشکار نمودند. نابرابری‌های توسعه در جابه‌جایی‌های جمعیتی میان دو دسته استان‌های یاد شده آشکارا بازتاب یافته است؛ چنان‌که آمارهای سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵ حکایت از این دارد که در دوره پنج‌ساله سرشماری‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵، از ۹ استانی که بالاترین موازنهٔ منفی مهاجرت را داشته‌اند، ۶ استان از استان‌های مرزی بوده‌اند که ۴ استان مورد مطالعه یعنی کرمانشاه، سیستان‌وبلوچستان، خوزستان، و کردستان نیز در زمرهٔ این ۹ استان هستند. همچنین در این دوره، از ۷ استان با بالاترین موازنهٔ مثبت مهاجرت، ۴ استان البرز، اصفهان، قم، تهران از استان‌های مرکزی مورد مطالعه هستند. در دورهٔ اخیر، استان‌های مرزی مورد مطالعه به‌جز خراسان رضوی که موازنهٔ مهاجرت مثبتی با رقم ناچیز ۴۲۴۱ نفر دارد، ۸ استان دیگر همه مهاجرفرست بوده و در مجموع این ۹ استان موازنهٔ مهاجرت ۲۰۰,۰۰۱- بوده است. این درحالی است که در استان‌های غیرمرزی مورد مطالعه، به‌جز استان مرکزی با موازنه منفی با رقم ناچیز ۵۵۵۶ نفر، چهار استان دیگر موازنهٔ مهاجرتی مثبتی با ارقام قابل توجه داشته و در

1. Haselsberger
2. Coke-Hamilton
3. Sthagen

مجموع، رقم اخیر برای این ۵ استان ۳۴۸۷۴۶ + بوده است. تخلیهٔ جمعیت به دلیل عقب‌ماندگی از توسعه در استان‌های مرزی و متعاقب آن، قطبی‌شدن جمعیت در مناطق معدودی از فضای ملی می‌تواند مشکلات امنیتی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مهمی در پی داشته باشد. ازاین‌رو سزاوار است که به این موضوع مهم توجه شود.

براساس نتایج این تحقیق، بایستی در خصوص هر یک از شاخص‌های سی‌گانهٔ مورد بررسی اولویت توجه به استان‌های ذیل باشد: در خصوص توجه به جنگل و فضای سبز استان‌های مرکزی، قم، آذربایجان غربی و البرز؛ گسترش پوشش شبکهٔ فاضلاب استان‌های البرز، سیستان‌وبلوچستان و قم؛ توجه به تأمین آب سالم استان‌های سیستان‌وبلوچستان، خراسان شمالی و کردستان؛ توسعهٔ آزادراه‌ها استان‌های سیستان‌وبلوچستان، خراسان جنوبی، خراسان شمالی و ایلام؛ توسعهٔ راه‌های روستایی استان‌های سیستان‌وبلوچستان، اصفهان و قم؛ ایمنی سفر استان‌های البرز، قم و تهران؛ اشتغال استان‌های کرمانشاه، خوزستان، آذربایجان غربی و کردستان؛ توسعهٔ صنعت استان‌های ایلام، کردستان، سیستان‌وبلوچستان، خراسان جنوبی و خراسان شمالی؛ توسعهٔ پوشش بیمه استان‌های سیستان‌وبلوچستان، آذربایجان غربی و خراسان شمالی؛ گسترش ادارات دولتی و استخدام‌های دولت استان‌های البرز، اصفهان و آذربایجان غربی؛ توسعهٔ خدمات قضایی استان‌های سیستان‌وبلوچستان، البرز، تهران و خراسان رضوی خدمات توانبخشی استان‌های خراسان شمالی، آذربایجان غربی، سیستان‌وبلوچستان و کردستان؛ توسعهٔ تلفن همراه استان‌های سیستان‌وبلوچستان، خراسان شمالی، کردستان، آذربایجان غربی و ایلام؛ توسعهٔ بیمارستان استان‌های البرز، سیستان‌وبلوچستان و خراسان شمالی؛ توسعهٔ مدارس و آموزش‌وپرورش استان‌های تهران، خراسان رضوی و اصفهان؛ آموزش عالی استان‌های آذربایجان غربی، کردستان و کرمانشاه؛ خدمات نشر استان‌های سیستان‌وبلوچستان، خوزستان و آذربایجان غربی و بالاخره خدمات فرهنگی استان‌های سیستان‌وبلوچستان و خراسان جنوبی و در نهایت در جهت کاهش عدم نابرابری‌های منطقه‌ای پیشنهاد می‌گردد مواردی از جمله

تمرکززدایی منابع و تصمیم‌گیری، بهره‌گیری از رویکردهای مدیریت یکپارچه و توزیع عدالت در فضا در دستور کار قرار گیرد.

کتابنامه

۱. احمدی، ح؛ و اسماعیل‌زاده، ی. (۱۳۹۸). ارزیابی سطح توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان تهران. *چشم‌انداز جغرافیایی در مطالعات انسانی*، *۲۷*، ۷۹-۹۶.
https://srb.sanad.iau.ir/fa/Article/1032668

۲. احمدی، ع؛ زارعی، ب؛ حیدری‌فر، م؛ عزمی، آ؛ و رحیمی، س. (۱۴۰۳). عوامل توسعه‌نیافتگی نواحی مرزی (مطالعهٔ موردی: شهرستان‌های مرزی استان کرمانشاه). *مهندسی جغرافیایی سرزمین*، *۸*(۱)، ۸۱-۱۰۲. DOI: 10.22034/JGET.2024.163961

۳. ابراهیم‌زاده، ع؛ اسکندری‌ثانی، م؛ و اسمعیل‌نژاد، م. (۱۳۸۹). کاربرد تحلیل عاملی در تبیین الگوی فضایی توسعه و توسعه‌نیافتگی شهری - منطقه‌ای در ایران. *نشریهٔ جغرافیا و توسعه*، *۸*(۱۷)، ۷-۲۸. doi:10.22111/gdij.2010.1131 doi: 10.22111/gdij.2010.1131

۴. اطاعت، ج؛ و موسوی، س. ز. (۱۳۹۰). رابطهٔ متقابل امنیت ناحیه‌ای و توسعه‌یافتگی فضاهای سیاسی با تأکید بر سیستان‌وبلوچستان. *فصلنامهٔ ژئوپلیتیک*، *۷*(۱)، ۷۰-۸۷.
SID. https://sid.ir/paper/116060/fa

۵. افراخته، ح؛ و صالح‌پور، ش.(۱۳۹۵). تحلیل سطح توسعه خدمات بهداشتی - درمانی از منظر عدالت فضایی (مطالعه موردی: سکونتگاه‌های روستایی استان آذربایجان غربی). *مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی*، *۱۱*(۶)، ۱۷-۳۴.

۶. امیری، ع؛ آموزگار، س؛ و عارفی، م. (۱۳۹۹). تبیین رابطه بین سطوح توسعه‌یافتگی و امنیت در استان‌های ایران. *فصلنامهٔ علمی برنامه‌ریزی منطقه‌ای*،*۱۰*(۴۰)، ۳۴-۱۵.
https://jzpm.marvdasht.iau.ir/article_4256.html

۷. پوراصغرسنگاچین، ف؛ صالحی، اغ و دیناروندی، م. (۱۳۹۱). سنجش سطح توسعه‌یافتگی استان‌های کشور ایران با رویکرد تحلیل عاملی. *مجلهٔ علمی آمایش سرزمین*، *۴*(۷)، ۲۶-۵.
doi: 10.22059/jtcp.2013.30343

۸. جعفری، ف؛ کرمی، س؛ حاتمی، ا؛ و اسدزاده، ه. (۱۳۹۹). تحلیل فضایی توسعهٔ منطقه‌ای کشور بر مبنای شاخص‌های اجتماعی. *مجلهٔ علمی آمایش سرزمین*، ۱۲(۱)، ۲۸-۱.
doi: 10.22059/jtcp.2020.287361.670015

۹. داداش‌پور، ه؛ وشجاعی، د. (۱۴۰۱). نابرابری فضایی و رابطهٔ مرکز- پیرامون در ایران: ارائهٔ یک مدل نظری با استفاده از روش نظریه‌پردازی لینهام. *مجلهٔ علمی آمایش سرزمین*، ۱۴(۱)، ۵۹-۲۵.
doi: 10.22059/jtcp.2022.334526.670279

۱۰. دادگر، ی؛ و نظری، ر (۱۳۹۹). آسیب‌های اجتماعی-اقتصادی و توسعهٔ پایدار در استان کرمانشاه. *همایش ملی توسعهٔ پایدار در استان کرمانشاه: فرصت‌ها، چالش‌ها و چشم‌انداز*. دانشگاه رازی کرمانشاه.

۱۱. سرکش، ع؛ و آل‌عمران، ر.(۱۳۹۹). بررسی تأثیرپذیری نابرابری درآمد از مؤلفه‌های اقتصاد دانش‌بنیان در کشور ایران از منظر عدالت اسلامی. *اقتصاد اسلامی*، ۸۰(۲۰)، ۱۰۷-۱۳۲.
https://eghtesad.iict.ac.ir/article_243092_ace2afe7bc2b36e7973981d9345e75ba.pdf

۱۲. سرور، ر؛ و اسماعیل‌زاده، ح. (۱۳۸۶). آمایش سرزمین، پیش‌نیاز عدالت اجتماعی مقدمه‌ای بر نقش آمایش سرزمین در تحقق عدالت اجتماعی و توسعهٔ پایدار. *پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*، ۱۴(۲)، ۴۱-۳۳.
https://ensani.ir/file/download/article/1649673891-10539-1400-107.pdf

۱۳. شکویی، ح. (۱۳۸۳). *اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا*. جلد اول. چاپ چهارم. تهران: انتشارات گیتاشانسی.

۱۴. فصیحی، ح؛ شماعی، ع؛ و آذرخش، ف. (۱۳۹۹). تحلیل دسترسی به بوستان‌های شهری با رویکرد عدالت فضایی (نمونهٔ مطالعه: شهر ایلام)، *برنامه‌ریزی فضایی*، ۱۰(۲)، ۱۱۸-۱۰۵. doi: 10.22108/sppl.2020.115754.1356

۱۵. فطرس، م. ح؛ و فاطمی‌زردان، ی. (۱۳۹۹). مقایسهٔ تطبیقی روند توسعه و میزان نابرابری استان‌های کشور طی سه مقطع ۱۳۸۵، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵: رویکرد مرکز-پیرامون. *فصلنامهٔ مطالعات اقتصادی کاربردی ایران*، ۹(۳۵)، ۸۹-۶۳. doi: 10.22084/aes.2020.20138.2942

۱۶. قادری‌حاجت، م؛ و حافظ‌نیا، م. ر. (۱۳۹۷). راهکارهای دستیابی به عدالت فضایی در ایرن. *پژوهش های جغرافیای سیاسی*،۳(۳)،۲۵-۵۷. doi: 10.22067/pg.v4i9.75411

۱۷. قدیری‌معصوم، م؛ باغیانی، ح. ر؛ و قدیری‌معصوم، م.(۱۳۹۲). تحرکات جمعیت در نواحی جغرافیایی ایران و پیامدهای آن. *پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ۴۵*(۴)، ۷۴-۵۷.
doi: 10.22059/jhgr.2013.36136 doi: 10.22059/jhgr.2013.36136

۱۸. قنبری، ا؛ و موسوی، م. ن. (۱۳۹۰). قطب‌های رشد به‌مثابه رویکردی در عدم تعادلهای ناحیه‌ای ایران. *فصلنامهٔ علمی- پژوهشی فضای جغرافیایی*، ۱۱(۳۴)، ۵۰-۷۲.

۱۹. کاویانی‌راد، م. (۱۳۹۳). تبیین نسبت عدالت محیطی و امنیت ملی. *فصلنامهٔ مطالعات راهبردی. ۱۶*(۶۱)، ۱۳۰-۱۱۳.
https://quarterly.risstudies.org/article_5116_c1bdb4f3954eab859fdced3a57864dde.pdf

۲۰. محمدی، ع؛ و نوری، س. (۱۳۹۷). سنجش توسعه‌یافتگی صنعتی شهرستان‌های استان اردبیل با رویکرد عدالت فضایی. *پژوهش‌های جغرافیای انسانی*، ۵۰(۱)، ۱۴۵-۱۶۲.
DOI: 10.22059/jhgr.2018.137203.1007112

۲۱. مرکز آمار ایران (۱۳۹۵). *نتایج نهایی سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵ (استان‌های مختلف).*

۲۲. مرکز آمار ایران (۱۳۹۹). *سالنامهٔ آماری کشور.*

۲۳. مرکز آمار ایران (۱۴۰۰). *سالنامهٔ آماری کشور.*

۲۴. موسوی، م.ن؛ و مدیری، م. (۱۳۹۶). اولویت سنجی شاخص‌های عدالت اسلامی - ایرانی در تحقق آمایش سرزمین و توسعهٔ متعادل در ایران. *فصلنامهٔ علمی- پژوهشی اطلاعات جغرافیایی سپهر*، ۲۴(۹۵)، ۳۵-۱۷. doi: 10.22131/sepehr.2015.15547

۲۵. میرزازاده ح؛ و پریزادی ط. (۱۳۹۷). توسعهٔ منطقه‌ای در ایران با رویکرد عدالت توزیعی. *نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، ۱۸*(۵۰)، ۱۷۹-۱۹۸. doi:10.29252/jgs.18.50.179

۲۶. ویسی، ف؛ منوچهری، س؛ و تابا، ب. (۱۳۹۶). سنجش توسعه‌یافتگی نواحی روستایی مرزی (مورد مطالعه: دهستان‌های شهرستان مریوان). *پژوهشنامهٔ مطالعات مرزی*، ۵(۱۵)، ۱۱۱-۱۳۲.
https://sid.ir/paper/519456/fa

۲۷. یزدانی، م. ح؛ و فیروزی، ا. (۱۳۹۵). سنجش عدالت فضایی در توزیع مکانی کاربری‌های آموزشی شهر اردبیل. *فصلنامهٔ برنامه‌ریزی فضایی*، ۶(۳)، ۱۷-۳۶.
https://sppl.ui.ac.ir/article_21638_a5343586036ef4eb65435747cbe45217.pdf

28. Artelaris, P. (2021). Regional economic growth and inequality in Greece. *Regional Science Policy & Practice*, *13*(1), 141-159. https://doi.org/10.1111/rsp3.12363.
29. Atkinson, A.B. (2015). Desigualdade: o que pode ser feito? São Paulo: LeYa
30. Bullard, R. (2000). *Dumping in Dixie: Race, Class and Environmental Quality*. Westview Press, Third Edition.
31. Bhering, D. (2021). *Regional inequality in Brazil. Master thesis in Analysis and Policy in Economic*. Paris School of Economics. http://piketty.pse.ens.fr/files/Bhering2021.pdf
32. Coke-Hamilton, P. (2024). Land linked: Innovating in cross-border trade. *Third UN Conference on Landlocked Developing Countries*. Awaza, Turkmenistan. https://www.un.org/en/landlocked/think-pieces/itc
33. Daniela, A. (2014). *Theoretical approaches of regional development*. Munich Personal RePEc Archive. https://mpra.ub.uni-muenchen.de/60287/MPRA Paper No. 60287.
34. Davoudi, S., & Brooks, E. (2014). When does unequal become unfair? Judging Claims of Environmental Injustice. *Environment and Planning*, *46* (11), 2686–2702. doi:10.1068/a130346p
35. de Groot, O., Hauptmeier, S., Holm-Hadulla, F., & Nikalexi, K. (2023). *Working Paper Series. Monetary policy and regional inequality*. European Center Bank Publication.
36. Donaubauer, J., Meyer, B., & Nunnenkamp, P. (2014). *A new global index of infrastructure: Construction, rankings and applications*. Kiel Working Paper1929 , Kiel Institute for the World Economy, Germany.
37. Gurgul, H., & Lach, L. (2011), The impacts of regional disparities on economic growth. *Operations Research and Decisions*, *22*(2), 37-63. https://mpra.ub.uni-muenchen.de/52258/
38. Harvey, D. (2013). *Os limites do capital*. São Paulo: Boitempo.
39. Haselsberger, B. (2014). Decoding borders. Appreciating border impacts on space and people. *Planning Theory & Practice*, *15*(4), 505–526. https://doi.org/10.1080/14649357.2014.963652.
40. Israel, E., & Frenkel, A. (2017), Social justice and spatial inequality: toward a conceptual Framework. *Progress in Human Geography, 42* (5), 647–665. doi:10.1177/0309132517702969
41. Kim, S. (2008). Spatial inequality and economic development: theories, facts, and policies. *Commission on Growth and Development Working Paper; No. 16*. *World Bank*, Washington, DC. http://hdl.handle.net/10986/28050

42. Pandey, A., & Gautam, R. (2020). Regional inequality in India: A state level analysis. *MPRA: Munich Personal RePEc Archive. MPRA Paper No. 101980*. https://mpra.ub.uni-muenchen.de/101980.
43. Piketty, T. (2014). *O capital no século XXI*. Rio de Janeiro: Intrinsic. https://doi.org/10.4215/rm2021.e20014.
44. Pirie, G. (1983). On Spatial Justice. *Environment and Planning*, *15* (4), 465–473. doi:10.1068/a150465.
45. Reynolds, D., & Shelley, F., (1985). Procedural justice and local democracy. *Political Geography Quarterly*, *4* (4), 267–288. doi:10.1016/0260-9827(85)90035-7.
46. Sthagen, R. (2020). Maritime boundary disputes: What are they and why do they matter? *Marine Policy,Vol. 120*, pp 1-9. https://doi.org/10.1016/j.marpol.2020.104118.

Journal of Geography and Regional Development Vol 23, No. 3 (2025) – Serial Number 52

Exploring the Relationship between Characteristics of Sociable Spaces and Security of Residential Complexes in Kermanshah City[1]

Zohreh Khamoushiz
PhD student in Architecture, Hamedan Branch, Islamic Azad University, Hamedan, Iran

Sara Jalalian
Associate Professor, Department of Architecture, Hamedan Branch, Islamic Azad University, Hamedan, Iran

Mohammad Mehdi Soroush
Associate Professor, Department of Architecture, Hamedan Branch, Islamic Azad University, Hamedan, Iran

Received: 21 January 2025 ***Revised: 15 February 2025*** ***Accepted: 2 March 2025***

Abstract

Considering the interplay of social interactions and environmental security, especially in a specific cultural context, can offer new insights and broaden the literature. This study aims to develop a conceptual model of the relationship between the indicators of sociable spaces and security in residential complexes. This is an applied study with a descriptive-analytical design. The study data were collected using both library research and a field survey. In the qualitative part, an interview was conducted by presenting open-ended questions to a group of specialists and experts in this field (n=30). After collecting the data, the answers were coded and entered into the MAXQDA 2020 software, and finally, the research indicators were obtained. In the next step, data

1. This article is extracted from the first author's doctoral thesis titled "Explanation of the relationship between the characteristics of sociable space and the security of residential complexes (Case study: residential complexes in Kermanshah city)" submitted to the Islamic Azad University, Hamedan Branch.

2. Corresponding Author. Email: sjalalian@iau.ac.ir

©2024 The author(s). This is an open access article under the CC BY license: https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/

How to cite this article: Khamoushiz, Z., Jalalian, S. and Soroush, M. M. (2025). Exploring the Relationship between Characteristics of Sociable Spaces and Security of Residential Complexes in Kermanshah City. Journal of Geography and Regional Development, 23(3),155-196. Doi: 10.22067/jgrd.2025.91747.1524

collection was conducted according to the research questions using a 5-point Likert-scale questionnaire. The statistical population of the study consists of people living in the residential complexes of Kasra, Azadi, Rezvan, Rahan, Hasht Behesht, and Zeytun in Kermanshah, which consists of 6588 people. A sample size of n=364 people was estimated using the Cochran formula. Data analysis revealed that in residential complexes, physical factors and their characteristics, such as space form, legibility, continuity, permeability, scale, light and brightness, contribute to natural monitoring. In these cases, the necessary condition for monitoring was light and brightness. According to the respondents, the main variable "characteristics of social spaces" had a positive relationship with the dependent variable "social security of Kermanshah residential complexes".

Keywords: Social Space, Security, Social Interactions, Residential Complexes, Kermanshah.

تبیین رابطهٔ ویژگی‌های فضای اجتماع‌پذیر و امنیت مجتمع‌های مسکونی در شهر کرمانشاه[1]

زهره خاموشی (دانشجوی دکتری معماری، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران)
khamoushiz@gmail.com

سارا جلالیان (دانشیارگروه معماری، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران. نویسندهٔ مسئول)
sjalalian@iau.ac.ir

محمدمهدی سروش (دانشیارگروه معماری، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران)
soroush@gmail.com

https://doi.org/10.22067/jgrd.2025.91747.1524
مقالهٔ پژوهشی

چکیده

توجه به رابطهٔ دوسویهٔ تعاملات اجتماعی و امنیت محیطی خصوصاً در یک بستر فرهنگی خاص می‌تواند دیدی نوین و توسعه‌ای از مطالعات پیشین باشد. هدف این پژوهش تدوین مدلی مفهومی از رابطهٔ بین شاخص‌های فضاهای اجتماع‌پذیر و امنیت در مجتمع‌های مسکونی است. پژوهش حاضر به لحاظ هدف، کاربردی و از نظر نوع و ماهیت، در زمرهٔ تحقیقات توصیفی – تحلیلی است. اطلاعات موردنیاز این پژوهش به دو روش کتابخانه‌ای و میدانی جمع‌آوری گردیده است. در بخش کیفی مصاحبه به‌صورت سؤالات باز از گروه متخصصان و خبرگان این حوزه به تعداد سی نفر تهیه گردید. پس از جمع‌آوری داده‌ها، پاسخ‌ها کدگذاری شده و در نرم‌افزار MAXQDA 2020 وارد شده و در نهایت شاخص‌های مورد پژوهش به‌دست آمده است. پس از آن، در روش میدانی، جمع‌آوری داده‌های اولیه با توجه به پرسش‌های پژوهش از طریق طراحی پرسش‌نامه طیف لیکرت ۵ مقیاسی انجام شده است. جامعهٔ آماری پژوهش را شهروندان ساکن مجتمع‌های مسکونی کسری، آزادی، رضوان، راهان، هشت‌بهشت و زیتون در شهر کرمانشاه که مشتمل بر ۶۵۸۸ نفر است، تشکیل می‌دهد و حجم نمونه با فرمول کوکران ۳۶۴ نفر برآورد گردیده است. تحلیل داده‌ها

۱. این مقاله برگرفته از رسالهٔ دکتری معماری زهره خاموشی با عنوان «تبیین رابطهٔ ویژگی‌های فضای اجتماع‌پذیر و امنیت مجتمع‌های مسکونی نمونهٔ مطالعاتی (مجتمع‌های مسکونی شهر کرمانشاه)» در دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان است.

نشریه جغرافیا و توسعه ناحیه ای، سال بیست و سوم، شماره ۳، پاییز ۱۴۰۴، شماره پیاپی ۵۲ صص ۱۹۶-۱۵۵
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۰۲ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۱۱/۲۷ تاریخ تصویب: ۱۴۰۳/۱۲/۱۲

نشان داده است که در مجتمع‌های مسکونی، عوامل کالبدی و ویژگی‌های آن‌ها که منجر به نظارت طبیعی می‌شوند؛ مواردی از قبیل فرم فضا، خوانایی، پیوستگی، نفوذپذیری، مقیاس، نور و روشنایی است. در این موارد، شرط لازم برای نظارت نور و روشنایی بوده است. از دیدگاه پاسخگویان متغیر اصلی «ویژگی‌های فضاهای اجتماع‌پذیر» با متغیر وابسته «امنیت اجتماعی مجتمع‌های مسکونی کرمانشاه» رابطهٔ مثبت داشته است.

واژگان‌کلیدی: فضای اجتماع‌پذیر، امنیت، تعاملات اجتماعی، مجتمع‌های مسکونی، کرمانشاه.

۱. مقدمه

روند کاهشی اجتماع‌پذیری، یکی از مباحث موردعلاقهٔ صاحب‌نظران معماری معاصر است. در دهه‌های اخیر ابعاد انسانی و کیفیت اجتماعی مکان موردتوجه محققان قرارگرفته است. برخی از پژوهشگران به بررسی عوامل تسهیل‌کنندهٔ تعامل اجتماعی در فضاهای جمعی توجه کرده‌اند (لینچ[1]، ۲۰۰۸: ۲۹؛ جاکوبز[2]، ۲۰۱۶: ۴۹). فضاهای جمعی و اجتماع‌پذیر، طیف گسترده‌ای از فضاها را شامل می‌شوند. یکی از مهم‌ترین جنبه‌های فضای جمعی، ایجاد فرصت‌های لازم برای تعاملات اجتماعی است. هنگامی‌که افراد با دیگران ارتباط برقرار می‌کنند، ارتباط قوی خود با جامعه و فضا دارند. این عامل می‌تواند براساس میزان حضور گروه‌های مختلف اجتماعی، شبکه‌های اجتماعی و زندگی در یک روز اندازه‌گیری و ارزیابی شود (ایرانمنش و بیگدلی، ۱۳۹۲: ۵۱). یک فضای جمعی خوب باید به اندازه‌ای مفید باشد که هم امکان ایجاد اجتماع را فراهم کند و هم برای افراد انعطاف‌پذیر باشد. فضای جمعی خوب باید به‌جای تقسیم شدن به فضاهای دیگر به‌طور کامل به هم مرتبط و یکپارچه

1. Lynch
2. Jacobs

باشد و فرصت‌هایی برای مردم فراهم کند تا فعالیت‌های خود را انجام دهند (گل[1] و اسور[2]، ۲۰۱۳: ۹۴).

با نگاهی به تجربهٔ کشورمان در زمینهٔ ساخت مجتمع‌های مسکونی، آشکار می‌شود که رویکرد غالب آنها، رویکردی تک‌بعدی‌نگر بوده که در آن صرفاً به ساخت فضایی برای اقامت و استراحت، اشتغال و یا مکانی برای جذب سرریز جمعیت کلان‌شهرها توجه شده است (جهانبخش[3] و قلی‌پوردمیه[4]، ۲۰۱۲). از سوی دیگر فقدان تاریخ، فرهنگ و خاطرهٔ جمعی در این مجتمع‌ها و به دنبال آن در اولویت قرار دادن مسائل مالی، توجیهات اقتصادی و... باعث گردیده که مسئلهٔ هویت و در پی آن حس تعلق مکانی در آنها، به‌مثابه مسئله‌ای فرعی تلقی گردد (حاجیان‌زیدی[5] و همکاران، ۲۰۲۰ و زرقانی[6] و همکاران، ۲۰۲۲). درواقع در این زمینه، توسعهٔ شتابان عرصه‌های شهری طی دهه‌های اخیر حیات اجتماعی ساکنان را تحت تأثیر قرار داده است و باعث شده توجه معماران و شهرسازان بیشتر بر جنبه‌های کالبدی و فیزیکی شهر معطوف گردد که پیامد این رویکردِ تک‌بعدی به توسعهٔ شهری، غافل ماندن از تأثیرگذاری فضاهای طبیعی و سبز شهری، اجتماع‌پذیری، حس تعلق و هویت ساکنان است (بهزادپور،۱۳۹۷: ۱۸۴؛ حسینی و همکاران، ۱۳۹۸). ازاین‌رو در طول سال‌ها، محققان و متخصصان متعددی به بررسی فضاهای جمعی پرداخته‌اند تا نوع‌شناسی، توابع، تحولات و مشارکت‌ها در این فضاها را موردبررسی قرار دهند. مطالعات در این حوزه به‌سرعت در حال گسترش هستند، زیرا اجتماع‌پذیری در جوامع اهمیت زیادی پیدا کرده است. اکثر مطالعات نشان داده‌اند که نقش فضاهای جمعی به‌عنوان فضایی اجتماعی هنوز به همان اندازه که درگذشته بوده است، بسیارمهم و باارزش است. بااین‌حال، مهم است که ما به هر فضای جمعی در ارتباط با زمینهٔ اجتماعی و محلی

1. Gehl
2. Svarre
3. Jahanbakhsh
4. Gholipourdomyeh
5. Hajian Zeidy
6. Zarghani

خود، ازلحاظ کالبدی، فیزیکی و اجتماعی نگاه کنیم (ناسوشن[1] و زارا[2]، ۲۰۱۲: ۴۷۰؛ علمی و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۰۷-۱۸۷؛ برهانی‌فر و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۰۶-۹۱). علاوه بر این درطی سالیان متمادی پژوهشگران و متخصصان متعددی به بررسی فضاهای جمعی پرداخته‌اند تا تحولات و مشارکت‌ها را در این فضاها موردبررسی قرار دهند. مطالعاتی از این قبیل امروزه هم از اهمیت بالای برخوردار است؛ زیرا همواره فضاهای جمعی در سراسر جهان به‌صورت پویا در حال رشد و تغییر هستند (حاجیان‌زیدی و همکاران، ۲۰۱۷؛ صادق‌صابری و همکاران، ۲۰۱۶). علاوه‌براین، در دهه‌های اخیر ابعاد انسانی و کیفیت اجتماعی مکان مورد توجه برنامه‌ریزان و طراحان قرار گرفته است؛ اما ارتباط میان فضاهای جمعی مختلف کمتر بررسی شده است. در این پژوهش، با بررسی ارتباط متقابل فضاهای جمعی و تعامل‌پذیری، ضمن اشاره به روند رو به کاهش تعاملات اجتماعی در فضاهای جمعی معاصر، اهمیت موضوع براساس نظریه‌های زبان‌شناسی و روان‌شناسی محیط تبیین خواهد شد. مباحث زبان‌شناختی با تأکید بر مؤلفه‌های کالبدی و مدل‌های روان‌شناختی با تأکید بر مؤلفه‌های رفتاری- ادراکی، جایگاه اصل ارتباط در طراحی محیط را روشن‌تر می‌سازند. در چارچوب تحقیق و براساس مفهوم ارتباط، هرگونه تعامل مبتنی بر اصولی چون جزء، کل و رابطهٔ فضاهای متقابل تحقق‌یافته و ارتباط فضاها نقش اساسی در تعامل‌پذیری دارد. بنابراین میزان تعامل با معیارهایی چون عملکرد (نوع کاربری)، مجاورت و جهت‌گیری قابل تبیین و سنجش است، بنابراین ضرورت تحقیق متوجه فضاهای جمعی است که تشویق افراد به تعامل، فرصت‌هایی برای ارتباط و کنار هم بودن ایجاد می‌نماید.

علاوه براین، ایجاد فضاهای آرام و به دور از نابسامانی اجتماعی و نیز افزایش کیفیت محیطی از طریق توجه به نیازهای اساسی زندگی شهری به‌عنوان مطلوبیت فضای شهری به حساب می‌آید. در بسیاری از موارد نوع طراحی فضای کالبدی، نقشی که مکان خاص به خود می‌گیرد و ابعاد اجتماعی

1. Nasution
2. Zahrah

یک محدوده منجر می‌گردد که فضاها امن یا بالعکس ناامن گردند. به عبارتی دیگر فضاهای شهری با ویژگی‌هایشان به نحوی محرک بروز جرم هستند. جدای از اثرات اجتماعی و فرهنگی ناشی از برنامه‌ریزی و طراحی، محیط‌های امن شهری بر الگوهای رفتار شهروندی و بهبود کیفیت محیطی فضاهای شهری، کاهش جرائم شهری و کاستن وقوع جرم، موضوع مستقل با اهمیتی است (لطفی و همکاران، ۱۳۹۳: ۴۱). کلان‌شهرهای ایران روزبه‌روز در حال گسترش هستند؛ گسترش شهرهای امروزی و کمبود فضاهای عمومی شهری مناسب، ازدحام و ترافیک بیش از حد جمعیت و فعالیت‌ها را در این فضاهای عمومی بیش از پیش کرده‌اند. فرآیند شکل‌گیری این درهم‌تنیدگی‌ها، کلان‌شهرها را با افزایش بی‌سابقهٔ ناامنی مواجه ساخته است. جین جیکوبز با انتشار کتاب *«مرگ و زندگی شهرهای آمریکایی»* (۱۹۶۱)، به‌عنوان یکی از نخستین نظریه‌پردازان در حوزهٔ امنیت شهری شناخته می‌شود. او با تفکیک واضح عرصه‌های عمومی و خصوصی، معتقد است که امنیت در فضاهای عمومی با حضور و نظارت طبیعی ساکنین از طریق تنوع فعالیت‌ها و عملکردهایی که مردم را جذب می‌کند، تقویت می‌شود. همچنین نیومن (۱۹۷۳)، در کتاب *«مردم و طراحی در شهر پرخشونت»* دربارهٔ تغییر ساختار محیط شهری پیشنهادهایی ارائه می‌دهد. از جمله ایجاد ظرفیت کالبدی نظارتی در فضا تا فرصت نظارت برای ساکنان و دیگر نهادها ممکن گردد.

شهر کرمانشاه، مانند بسیاری از شهرهای درحال‌توسعه، شاهد گسترش مجتمع‌های مسکونی بوده است. این مجتمع‌ها، درحالی‌که پاسخی به نیاز فزاینده به مسکن هستند، چالش‌هایی را نیز به همراه دارند. یکی از مهم‌ترین این چالش‌ها، مسئلهٔ امنیت و کیفیت فضاهای اجتماع‌پذیر در این مجتمع‌ها است. در شهر کرمانشاه، فضاهای اجتماع‌پذیر در مجتمع‌های مسکونی اغلب فاقد طراحی مناسب و برنامه‌ریزی کافی هستند. این امر منجر به کاهش تعاملات اجتماعی، افزایش حس انزوا و در نهایت، کاهش امنیت ساکنان می‌شود. از یک سو، طراحی نامناسب این فضاها می‌تواند فرصت‌هایی را برای ارتکاب جرم ایجاد کند و از سوی دیگر، عدم وجود فضاهای مناسب برای تعاملات اجتماعی، حس تعلق و مسئولیت‌پذیری را در بین ساکنان کاهش می‌دهد. بنابراین، مسئلهٔ اصلی این پژوهش بررسی

چگونگی طراحی و بهسازی فضاهای اجتماع‌پذیر در مجتمع‌های مسکونی شهر کرمانشاه است؛ به گونه‌ای که همزمان امنیت ساکنان ارتقا یابد و تعاملات اجتماعی تقویت شود. این پژوهش به دنبال شناسایی ویژگی‌های فضایی و اجتماعی است که می‌توانند به ایجاد فضاهای اجتماع‌پذیر امن‌تر و تعاملی‌تر در مجتمع‌های مسکونی کرمانشاه کمک کنند.

۲. پیشینهٔ تحقیق

در ارتباط با موضوع پژوهش تحقیقات مختلفی انجام‌گرفته که در ادامه به پاره‌ای از این پژوهش‌ها اشاره می‌گردد:

فاستر[1] و همکاران در سال ۲۰۱۴ با یک مدل رگرسیون خطی تأثیرات ترس از جرم در راه‌رفتن و پیاده‌روی افراد را در استرالیا بررسی و تحلیل کردند. نتایج یافته‌های آن‌ها نشان می‌دهد که با افزایش مداخلات و بهبود تصمیم‌گیری‌ها می‌توان ترس از جرم را کاهش و میزان پیاده‌روی را افزایش داد. در سال ۲۰۱۳، اشنایدر و کیتچن[2] روند توسعهٔ پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی را در ایالات متحده و بریتانیا به‌طور جداگانه تجزیه‌وتحلیل و سپس مقایسه کردند. هدف آن‌ها ارائهٔ تجارب این دو کشور به سایر کشورهایی بود که مایل به استفاده از این رویکرد هستند. پائول[3] و همکاران در سال ۲۰۱۳ پس از بررسی روند پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی در کشورهای غربی، انتقال این نظریه را در امارات متحده عربی مورد بررسی قرار داده اند. آنها همچنین چالش های پیش روی این نظریه در این مناطق را برجسته کرده‌اند و معتقدند که با دانش میان‌فرهنگی می‌توان پیشگیری از جرم را در این مناطق توسعه داد. علاوه‌براین، پژوهش‌های انجام‌شده نشان می‌دهد، ازجمله عوامل کیفی محیط مصنوع که به لحاظ نظری یا طبق شواهد تجربی بر تعاملات اجتماعی تأثیرگذارند می‌توان به وجود عناصر و نقاط کانونی مانند عناصر هنر جمعی، اغذیه‌فروشی، پیاده‌راه پیوسته و

1. Foster
2. Schneider & Kitchen
3. Paul

مکان نشستن (اونس[۱]، ۲۰۰۳؛ سمنزا[۲]، ۲۰۰۳)، طبیعت (کو[۳] و همکاران، ۱۹۹۸؛ کولی[۴] و همکاران، ۱۹۹۷)، ساختمان‌ها و مناظر جذاب (بادرورث[۵]، ۲۰۰۰؛ لاند[۶]، ۲۰۰۲؛ ناسر[۷]، ۱۹۹۴)، تأثیر فضای سبز بر حس اجتماعی مکان و دوستانه‌بودن محیط (بوبر[۸] و همکاران، ۲۰۰۷؛ جوی[۹] و همکاران، ۲۰۱۰؛ کرنی[۱۰]، ۲۰۰۶؛ لاند[۱۱]، ۲۰۰۳)، عدم بروز رفتارهای غیرمدنی مانند: تخریب‌گرایی محیطی و رهاسازی زباله‌ها (فرانسیس[۱۲]، ۱۹۸۹؛ پرکینس و لانگ[۱۳]، ۲۰۰۲) اشاره داشت. در پروژهٔ آمریکایی موسوم به PPS (۲۰۰۸) که براساس تحقیق ویلیام وایت پایه‌گذاری شده است، فضاهای جمعی موفق و باکیفیت بالا، واجد مشخصه‌هایی چون پاسخگویی به مسائل دسترسی، فعالیت و استفاده، آسایش، تصورپذیری و نیز اجتماع‌پذیری شناخته‌شده‌اند. چنین فضاهایی شامل طیفی از فعالیت‌ها برای کاربران مختلف، احساس ایمنی، تمیزی و جذابیت، صندلی‌های نشستن و امکان تعامل اجتماعی هستند.

جلالیان و همکاران (۱۴۰۱) پژوهشی با عنوان «تبیین نقش عناصر کالبدی محیط در امنیت مجتمع‌های مسکونی (نمونه مطالعاتی: مجتمع‌های مسکونی شهر همدان)» انجام داده‌اند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد برخی عوامل کالبدی به‌تنهایی و برخی از طریق عوامل اجتماعی در امنیت مجتمع‌های مسکونی نقش دارند. دسته‌بندی مطالعات امنیت مجتمع‌های مسکونی در سه سطح کلان، میانه و خرد، همچنین معرفی عوامل فرهنگی، منطقهٔ شهری و بافت پیرامون مجتمع در سطح کلان

1. Evans
2. Semenza
3. Kuo
4. Coley
5. Butterworth
6. Lund
7. Nasar
8. Buber
9. Joye
10. Kearney
11. Lund
12. Francis
13. Perkins & Lung

مطالعات امنیت از مهم‌ترین دستاوردهای این پژوهش هستند. برهانی‌فر و همکاران (۱۴۰۰) پژوهشی با عنوان «بررسی مؤلفه‌های تأثیرگذار بر اجتماع‌پذیری مجتمع‌های مسکونی با رویکرد حفظ خلوت (نمونه مورد مطالعه: مجتمع مسکونی ششصد دستگاه مشهد)» انجام داده‌اند. یافته‌های آزمون تی‌تک نمونه جامعهٔ آماری نشان داد میانگین تمامی مؤلفه‌ها و زیرمؤلفه‌ها بالاتر از مقدار متوسط به دست آمده و تمامی مؤلفه‌ها و شاخص‌های تعیین‌شده دارای تأثیر نسبتاً زیادی بر تعاملات اجتماعی هستند (p<۰/۰۵). میانگین مؤلفهٔ فواصل میان‌فردی برابر با ۴۸/۴، مرز و قلمرو برابر با ۳۸/۴، مشخصات کالبدی برابر با ۱۲/۴ و حریم سمعی بصری برابر با ۰۶/۴ هستند. نتایج آزمون رتبه‌بندی فریدمن همچنین نشان داد که مؤلفه‌های مرز و قلمرو و فواصل میان‌فردی دارای بیشترین میانگین رتبه و در نتیجه بیشترین تأثیر را بر تعاملات اجتماعی دارند. همچنین در میان زیرمؤلفه‌ها، انعطاف‌پذیری کالبدی، همگنی اجتماعی و انعطاف‌پذیری میان‌فردی دارای بالاترین میانگین رتبه و بیشترین تأثیر بر تعاملات اجتماعی هستند. علمی و همکاران (۱۳۹۹) پژوهشی با عنوان «اجتماع‌پذیری کالبدی مجتمع‌های مسکونی برای گروه سالمندان در تبریز (مطالعه موردی: مجتمع‌های مسکونی ستارخان، آسمان، علامه امینی و سپیدار)» انجام داده‌اند. براساس نتایج حاصل از مشاهده در مجتمع ستارخان فضای نشستن، امکانات رفاهی، عناصر طبیعی، مبلمان سالم و دسترسی در محوطه، در مجتمع آسمان طبیعت، عناصر تزیینی، در مجتمع سپیدار ایمنی و کفسازی پیاده، دسترسی مناسب و در مجتمع علامه امینی امکانات رفاهی در اولویت بالاتری قرار داشته‌اند. براساس جمع‌بندی کلی در چهار مجتمع منتخب، راهکارهایی جهت بهبود اجتماع‌پذیری مجتمع‌های مسکونی برای سالمندان به‌دست آمد. هاشم‌پور و سامی (۱۳۹۸) پژوهشی با عنوان «کیفیت محیطی مؤثر در حیات‌پذیری مجتمع‌های مسکونی (مطالعه موردی مجتمع مسکونی امام، چمران، آسمان شهر تبریز)» انجام داده‌اند. نتایج تحقیق حاکی از آن است که تحقیق کیفیت محیطی با توجه به نیازهای حیات انسان در حیات‌پذیری مجتمع‌های مسکونی مؤثر هستند. کیفیت محیطی در برگیرندهٔ مؤلفه‌های مادی (عوامل کالبدی، زیست‌محیطی) و ادراکی (فرهنگی، روانی و اجتماعی) است و در نهایت مشخص شد که عوامل

روانی تأثیر بیشتری در حیات‌پذیری مجتمع‌های مسکونی دارد. کرمی و محمدحسینی (۱۳۹۷) پژوهشی با عنوان «بررسی تأثیر اجتماع‌پذیری فضاهای عمومی بر پایداری اجتماعی مجتمع‌های مسکونی، نمونه موردی: مجتمع‌های مسکن مهر اردبیل» انجام داده‌اند. نتایج حاصل از آزمون داده‌ها مبین این موضوع است که وجود فضاهای اجتماع‌پذیر بر افزایش سطح پایداری اجتماعی در مجتمع‌های مسکونی تأثیرگذار است؛ موضوعی که به وسیلهٔ مصاحبه‌ها و مشاهدات نیز تأیید گردید. از طریق انطباق داده‌های حاصل از تحلیل پرسشنامه‌ها، مصاحبه‌ها و مشاهدات، متغیرها و ویژگی‌های محیطی مرتبط با اجتماع‌پذیری فضاهای عمومی مجتمع‌های مسکونی استخراج و دسته‌بندی شد. در پایان اشاره می‌شود که راهکارهای ایجاد فضاهای اجتماع‌پذیر چون فضاهای سبز، فضاهای بازی کودکان، مراکز تجاری و مراکز فرهنگی، اندازهٔ مناسب کالبدی – اجتماعی فضا، بهبود آسایش زیستی و تنوع بصری، نقش بسزایی در تأمین اجتماع‌پذیری فضاهای عمومی و ارتقای پایداری اجتماعی مجتمع‌های مسکونی دارند. لطفی و همکاران (۱۳۹۳)، در مقالهٔ خود با عنوان «بررسی و تحلیل حضور زنان در فضاهای عمومی (مطالعه موردی: شهر میاندوآب)»، به بررسی و تحلیل حضور زنان در فضاهای عمومی پرداختند. نتایج نشان می‌دهد که مؤلفهٔ فرهنگی- اجتماعی بیشترین تأثیر را بر میزان حضور زنان در فضاهای شهری داشته است. همچنین نتایج تحلیل مسیر نشان می‌دهد که تمام متغیرها به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم بر میزان حضور زنان مؤثر بوده‌اند. کار و همکاران (۱۹۹۲) فضای جمعی خوب را حمایتگر، مردمی و واجد معنا تعریف می‌کنند که پاسخگوی نیازهای بنیادین انسانی مانند آسایش، تعامل فعال و غیرفعال بوده و امکان کشف محیط را فراهم می‌سازد. یان گل (۲۰۰۸) بر ضرورت طراحی فضاهای جمعی برای مردم و تعاملات اجتماعی تأکید می‌کند.

فرآیند اجتماع‌پذیری، با برقراری تعامل و ارتباط اجتماعی بین بهره‌برداران هر فضای عمومی و مشترک معماری قابل حصول است (فرگاس، ۱۳۹۹، ۴۸) و قابلیت شرکت مؤثر در تعامل با دیگران، چه در زندگی خصوصی و چه در زندگی عمومی و حرفه‌ای انسان‌ها، از اهمیت حیاتی برخوردار است. وجود فضاهای عمومی دارای خصیصهٔ اجتماع‌پذیری، مکمل مهمی در جهت اجتماعی شدن

افراد است. علاوه‌بر این اجتماع‌پذیری فضاهای عمومی موجب ارتقاء روحیهٔ همبستگی و رشد فردی، می‌شود و برای همهٔ شهروندان بدون در نظر گرفتن جنسیت، نژاد، قومیت، سن یا سطح اجتماعی و اقتصادی است (طباطباییان و تمنایی، ۱۳۹۲: ۱۰۱). محله‌ها و مجتمع‌ها مکان تلافی تعاملات و عوامل اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و زیست‌محیطی هستند (حاجیان‌زیدی و همکاران، ۲۰۲۱: ۲۶).

در جمع‌بندی از پیشینهٔ تحقیقات، مشخص می‌شود که ایجاد فضاهای اجتماع‌پذیر در مجتمع‌های مسکونی، به‌طور کلی، با ارتقاء کیفیت زندگی و افزایش تعاملات اجتماعی ساکنین مرتبط است. این فضاها با تقویت حس تعلق و همبستگی اجتماعی، می‌توانند به بهبود احساس امنیت در ساکنین کمک کنند. بااین‌حال، تحقیقات کافی در مورد چگونگی تأثیر متقابل ویژگی‌های فضاهای اجتماع‌پذیر و امنیت، به‌ویژه در بافت و شرایط خاص مجتمع‌های مسکونی شهر کرمانشاه، انجام نشده است. به‌طور خاص، چگونگی تأثیرگذاری مؤلفه‌های کالبدی و اجتماعی فضاهای اجتماع‌پذیر بر احساس امنیت و رفتارهای پیشگیرانه از جرم در این مجتمع‌ها نیازمند بررسی دقیق‌تری است.

مطالعات امنیتی جدید، بر نقش کلیدی تعاملات اجتماعی (وابسته به عوامل فرهنگی) در ایجاد امنیت تأکید دارند. پژوهش حاضر با تبیین رابطهٔ ویژگی‌های فضای اجتماع‌پذیر و امنیت مجتمع‌های مسکونی در شهر کرمانشاه، به بررسی همین موضوع در بافت فرهنگی کرمانشاه می‌پردازد. تمرکز بر رابطهٔ دوسویهٔ تعاملات اجتماعی و امنیت در یک بستر فرهنگی خاص، رویکردی نوآورانه است که می‌تواند به ارتقاء حس امنیت و اجتماع‌پذیری در مجتمع‌های مسکونی و در نتیجه، شهر کرمانشاه منجر شود.

۳. روش‌شناسی تحقیق

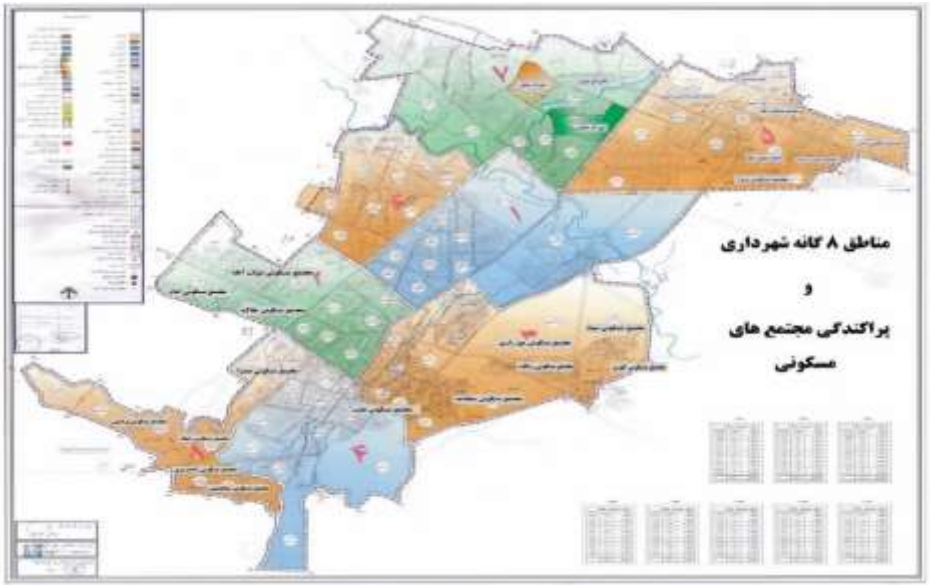
این پژوهش از روش‌های کیفی-کمی استفاده می‌کند و به دنبال آزمون فرضیهٔ تحقیق است که با استفاده از راهبرد همبستگی میسر می‌شود. در این استراتژی کشف ارتباط بین متغیرها مدنظر است و یکی از مزیت‌های آن، استفاده از طیف زیادی از متغیرهاست. پژوهش حاضر ازنظر روش

توصیفی- تحلیلی است و از نظر هدف در زمرهٔ تحقیقات کاربردی قرار دارد. اطلاعات موردنیاز این پژوهش به دو روش کتابخانه‌ای و میدانی جمع‌آوری گردیده است. در بخش کیفی مصاحبه به‌صورت سؤالات باز از گروه متخصصان و خبرگان این حوزه به تعداد سی نفر تهیه گردید. پس از جمع‌آوری داده‌ها، پاسخ‌ها کدگذاری شده و در نرم‌افزار MAXQDA 2020 وارد شده و در نهایت شاخص‌های مورد پژوهش به‌دست آمده است. پس از آن، در مطالعات میدانی، جمع‌آوری داده‌های اولیه با توجه به پرسش‌های پژوهش از طریق طراحی پرسش‌نامه طیف لیکرت ۵ مقیاسی انجام شده است. جامعهٔ آماری پژوهش را شهروندان ساکن مجتمع‌های مسکونی کسری، آزادی، رضوان، راهان، هشت‌بهشت و زیتون تشکیل می‌دهند که مشتمل بر ۶۵۸۸ نفر بودند و حجم نمونه با فرمول کوکران ۳۶۴ نفر برآورد گردید. در انتخاب نمونه‌های مورد مطالعه برای این پژوهش، عواملی مانند سهولت دسترسی به مجتمع‌ها، میزان تمایل و همکاری ساکنین و مدیریت مجتمع‌ها نیز مد نظر قرار گرفته شده است. داده‌های حاصل از پرسشنامه‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS تحلیل شده است. به این منظور از آزمون‌های Tتک‌نمونه‌ای برای بررسی تفاوت وضع موجود با معیار مقایسه و آزمون آنوا برای تحلیل همبستگی استفاده شده است.

۳. ۱. محدودهٔ موردمطالعه

استان کرمانشاه با وسعت ۲۴۵۸۶ کیلومترمربع به مرکزیت شهر کرمانشاه در غرب کشور واقع شده است (جباری و عبدلی، ۱۳۹۸: ۷۳). شهر کرمانشاه با طول جغرافیایی ۴۷ درجه و ۷ دقیقه شرقی و عرض ۳۴ درجه و ۱۹ دقیقه شمالی بر دامنه‌های جنوبی کوه‌های طاق بستان از سلسله‌جبال زاگرس واقع شده و در جهات مختلف توسعه و گسترش یافته است. شهر کرمانشاه به‌عنوان دومین شهر بزرگ و پرجمعیت منطقهٔ غرب و شمال غربی کشور پس از شهر تبریز، بزرگ‌ترین شهر استان کرمانشاه محسوب می‌شود. کرمانشاه یکی از شهرهای باستانی ایران است (شاطریان و همکاران، ۱۳۹۸: ۵۴). این شهر مهم‌ترین کانون جذب مهاجرین روستائی استان کرمانشاه و بخشی از استان‌های

ایلام و کردستان است. از بین نمونه‌های موجود در شهر کرمانشاه، با توجه به پارامترهای مورد بررسی، تعداد شش مجتمع برای بررسی در این تحقیق انتخاب شده که در جدول (۱) شرح داده شده‌است.



شکل ۱: پراکندگی مجتمع‌های مسکونی مورد مطالعه

مأخذ: شهرداری استان کرمانشاه ۱۳۹۰

جدول ۱. مهم‌ترین ویژگی‌های نمونه‌های مورد مطالعه مجتمع مسکونی در شهر کرمانشاه

مأخذ: نگارنده، ۱۳۹۶

ردیف	نام مجتمع	سال ساخت	موقعیت قرارگیری	جمعیت	تعداد طبقات	تعداد بلوک	فرم پلان	منطقه
۱	کسری	۱۳۹۵	خیابان کسری	۸۰۰ نفر	۴	۱۲	شیب‌دار و نواری	منطقه ۸
۲	آزادی	۱۳۷۹	منطقه ۴	۵۰۰ نفر	۱۰	۱۴	فشرده و متمرکز	منطقه ۴

ردیف	نام مجتمع	سال ساخت	موقعیت قرارگیری	جمعیت	تعداد طبقات	تعداد بلوک	فرم پلان	منطقه
۳	رضوان	۱۳۹۰	میدان نیایش	۴۰۰۰ نفر	۷	۲۰	متمرکز	منطقه ۵
۶	راهان	۱۳۹۶	دهخدا	۴۰۰ نفر	۸	۱۰	متمرکز	منطقه ۷
۵	هشت بهشت	۱۳۷۰	الهیه	۲۸۸ نفر	۶	۸	متمرکز	منطقه ۶
۶	زیتون	۱۳۹۴	۹۵ متری	۶۰۰ نفر	۸	۱۴	نواری و فشرده	منطقه ۳

از میان مجتمع‌های موجود در شهر کرمانشاه، مجتمع کسری با فرم پلان شیب‌دار و نواری انتخاب شده، مجتمع آزادی از نوع فشرده و متمرکز انتخاب شده، مجتمع زیتون از نوع نواری و فشرده انتخاب و مجتمع‌های رضوان، راهان و هشت‌بهشت از نوع متمرکز در پلان انتخاب شده است.

۴. مبانی نظری تحقیق

مسکن، تجلی ارزش‌های درحال تغییر و نیز تصویر خانه و جهان‌بینی و شیوهٔ زندگی است (جهانبخش و همکاران، ۲۰۲۱؛ حاجیان‌زیدی و همکاران، ۲۰۲۴). تحولات برای مدرن‌سازی ابعاد مختلف جامعه در دورهٔ معاصر، منجر به ایجاد تغییرات اساسی در ابعاد زندگی فردی و اجتماعی شده است (قنبرپور و همکاران، ۲۰۲۲، ۳۹۴). استفاده از واژه‌های اجتماع‌پذیر و اجتماع‌گریز بیانگر کیفیت‌های فضایی هستند که مردم را دور هم جمع می‌آورند یا از هم دور می‌کنند (پریرا[1]، ۲۰۱۸: ۱۲۷). این واژه‌ها را برای نخستین بار همفری اسموند با همراهی رابرت سامر، زمانی که مدیریت بیمارستانی در کانادا را بر عهده داشت تعریف کردند (رضوی‌امرئی و همکاران، ۱۴۰۱). سرزندگی

1. Pereira

اجتماعی به وسیلهٔ سطوح فعالیت‌ها و تعاملات اجتماعی به‌علاوهٔ ماهیت ارتباطات اجتماعی سنجیده می‌شود (حمزه‌نژاد و همکاران، ۲۰۲۰: ۱۱۸). یک محلهٔ سرزنده و زیست‌پذیر به لحاظ اجتماعی می‌تواند به واسطهٔ سطوح پایین محرومیت، پیوستگی اجتماعی قوی، ارتباطات خوب و پویایی میان لایه‌های اجتماعی، روحیهٔ جمعی و غرور مدنی، دامنهٔ وسیعی از شیوه‌های زندگی، روابط موزون و یک جامعهٔ خوب با طراوت توصیف گردد (معماریان و همکاران، ۲۰۰۹: ۱۳۷). یکی از مهم‌ترین فضاهایی که نقش‌های مختلف مادی، کالبدی و معنوی و فرهنگ در ساختار معماری آن از سطوح مختلف نمود پیدا می‌کند فضاهای مسکونی هستند (ظاهری و همکاران، ۲۰۲۲: ۳). امروزه مسکن و زیستگاه همواره با ایجاد راحتی ممکن ساختمان‌ها در سراسر جهان مرتبط هستند (محرابی و همکاران، ۲۰۲۰: ۵۴۶). کاربری مسکونی از لحاظ کمّی بیشترین درصد از بناهای شهری را دربرگرفته‌اند (حاجیان‌زیدی و همکاران، ۲۰۲۲: ۱۷۸۴).

در جدول شمارهٔ (۲) بخشی از این پژوهش‌ها و ابعاد مختلف فضاهای اجتماع‌پذیر از دیدگاه پژوهشگران بیان شده است.

جدول ۲. ابعاد مختلف فضاهای عمومی موفق و اجتماع‌پذیر براساس دیدگاه پژوهشگران

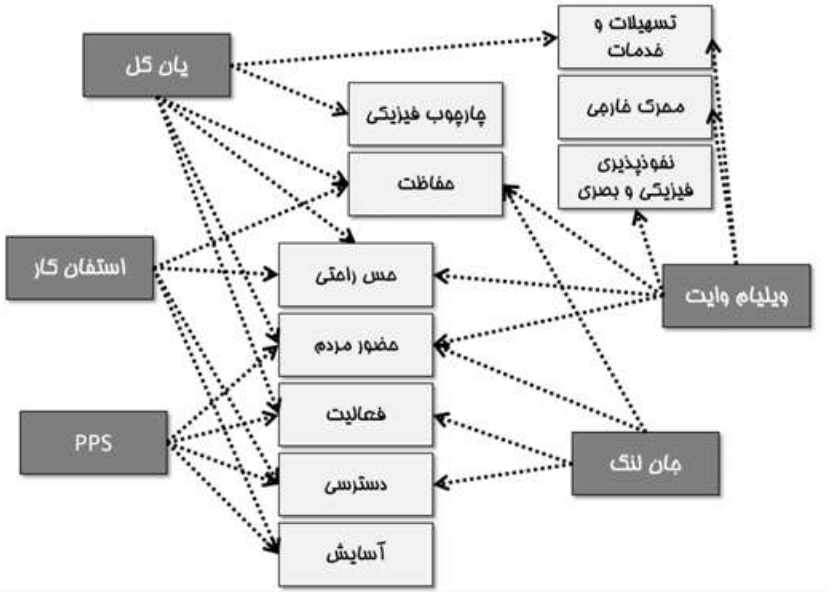
مأخذ: (خاموشی و همکاران، ۱۴۰۱)

پژوهشگر	ابعاد فضاهای عمومی موفق و اجتماع‌پذیر	
	بعد کالبدی	بعد فعالیتی
جیکوبز (Jane Jacobs, 1961)	دسترسی‌پذیری انعطاف‌پذیری	فعالیت‌ها و کاربری‌های مناسب اختلاط اجتماعی کاربری‌های مختلط
کارمونا و همکاران (Carmona, 2003)	دسترسی ایمنی و امنیت منظر شهری تراکم	فضای همگانی – اختلاط همه‌شمول بودن

پژوهشگر	ابعاد فضاهای عمومی موفق و اجتماع‌پذیر	
	بعد کالبدی	بعد فعالیتی
	سخت فضا و نرم فضا	
پروژهPPS (Public Places Urban Spaces)	دسترسی آسایش زیبایی	فعالیت و کاربری ها
گهل (Jane Gehl, 1987)	دعوت کنندگی مقیاس انسانی کیفیت کالبد کاهش سرعت سواره توجه به شرایط اقلیمی حس امنیت نظارت	تعامل انسانی تجمع فعالیت‌ها
بنتلی و همکاران (Bentley et al., 1985)	نفوذ پذیری خوانایی تناسبات بصری گوناگونی انعطاف پذیری (عوامل کالبدی)غنای حسی و رنگ تعلق	(عوامل فعالیتی)غنای حسی و رنگ تعلق
کار و همکاران (Carr et al., 1991)	راحتی آسودگی کشف (پیچیدگی و رمزآلودگی) حضور غیرفعال	حضور فعال
اولدنبرگ (Oldenburg, 1999)	امکان برخورد امکان نشستن و صحبت کردن دسترس بودن مرکزگرا خوانا	گروههای مشابه فضای سرزنده تجارب مثبت

پژوهشگر	ابعاد فضاهای عمومی موفق و اجتماع‌پذیر	
	بعد کالبدی	بعد فعالیتی
لنارد و همکاران (Lennard and Lennard, 1984)	تصور وتشخص مکان خوانایی	حس مکان و تجارب به یاد ماندنی تنوع فعالیت

نهایتاً، در شکل شمارهٔ ۲، دیدگاه‌های مختلف پژوهشگران در مورد فضاهای عمومی اجتماع‌پذیر، تلفیق و خلاصه شده است:



شکل۲. جمع‌بندی نظریات پیرامون عوامل مؤثر بر اجتماع‌پذیری فضای عمومی

مأخذ: (شجاعی و پرتوی، ۱۳۹۴: ۹۹)

در پژوهش حاضر نقش فضاهای عمومی، به‌عنوان یک معیار کالبدی در اجتماع‌پذیری در فضاهای مجتمع مسکونی مدنظر قرار گرفته که از میان عوامل تأثیرگذار بر این بحث، آن دسته از عوامل

کالبدی که بر اجتماع‌پذیری فضاهای مجتمع مسکونی تأثیر دارند، مورد بررسی و تحلیل و مقایسه قرار گرفته است که در زیر توضیح داده خواهد شد:

ارتباط‌پذیری[1]: به‌عنوان تعداد نقاطی تعریف می‌شود که یک نقطه به‌طور مستقیم با نقاط دیگر ارتباط پیدا می‌کند. به‌عنوان مثال میزان ارتباط یک اتاق که دارای دو ورودی به فضاهای مجاور خود باشد، دو است.

هم‌پیوندی: هم‌پیوندی یک نقطه نشانگر پیوستگی یا جدایی یک نقطه از سیستم کلی یا سیستم پایین‌تر، درجه دو است. فضایی دارای هم‌پیوندی زیاد است که با فضاهای دیگر دارای یکپارچگی بیشتری باشد. این شاخصه با شاخص ارتباط‌پذیری رابطهٔ خطی دارد (ویلمز[2]، ۲۰۱۹ : ۱۱۹۳).

کنترل: پارامتری است که درجهٔ اختیار نقطه‌ای از نقاطی دیگر که به آن‌ها متصل شده‌اند را، مشخص می‌کند. به‌عبارت دیگر هرچه یک نقطه نسبت به نقطه‌ای مشخص دارای درجه انتحاب کمتری باشد، میزان کنترل بر آن کمتر است.

انتخاب: یک مقیاس کلی از میزان جریان در یک فضا است. درواقع یک فضا وقتی دارای میزان بالایی از انتخاب است که تعداد زیادی از کوتاه‌ترین مسیرهای ارتباط‌دهنده از آن فضا عبور کنند.

عمق: ایدهٔ اولیهٔ عمق به‌عنوان تعداد قدم‌هایی است که برای گذر از یک نقطه به نقطهٔ دیگر باید طی شود، تعریف می‌شود. یک نقطه در صورتی عمیق خوانده می‌شود که قدم‌های زیادی بین آن نقطه و دیگر نقطه وجود داشته باشد.

بسیاری از پژوهش‌های اخیر رابطهٔ مشخصه‌های کالبدی فضا و تعاملات جمعی را محور خود قرار داده‌اند. شناخت، اندازه‌گیری و بهبود کیفیت سطح زندگی یکی از هدف‌های اصلی پژوهشگران، برنامه‌ریزان و دولت‌ها در دهه‌های اخیر قرار گرفته است (صادق‌صابری و همکاران، ۲۰۱۸: ۱۱). محور این پژوهش‌ها بر این است که در هر محیطی فضای کالبدی به‌مثابه سامانهٔ فضایی عمل می‌کند

1. Connectivity
2. Willems

و مشخصه‌های این سامانهٔ فضایی بر تعاملات جمعی کاربران مؤثر است (بوئن[1]، ۲۰۱۸: ۴۴). با توجه به این نکته‌ها محیط فیزیکی فراهم‌کنندهٔ امکانات و سازماندهی فضایی است که نظام‌ها و الگوهای ویژه فعالیت در فضا را قوام می‌بخشد و دیگر فعالیت‌ها را کمرنگ می‌کند. به عبارت دیگر محیط فیزیکی شکل‌گیری روابط جمعی را تسهیل نموده، سطح مطلوبی از خلوت را در فضای فعالیت فراهم می‌آورد. این امر شامل موارد ابعاد هندسهٔ فضا و روابط و ارتباطات فضایی در فضاهای فعالیت است (لینک و همکاران، ۲۰۲۲: ۹۶۳). درنهایت محیط انسان‌ساخت مولد و تضمین‌کنندهٔ احساسات، تجارب و ادراکات نمادین و زیبایی‌شناسانه است که به‌مثابه کیفیاتی در محیط، ادراکات کاربران را تحت تأثیر قرار می‌دهند. فضا دارای منطق اجتماعی- جمعی بوده که از طریق تحلیل ساختار فضایی و فعالیت‌های کاربران، چگونگی سازماندهی فضا توسط معماران قابل درک است. سطح همسایگی، جانمایی ساختمان‌ها و فضاهای آن در مجتمع‌های مسکونی مطرح است (حاجیان‌زیدی، ۲۰۲۱: ۳۱). در محیط انسان‌ساخت از یک طرف الگوهای جمعی در محیط برخوردار از نظام‌های فضایی هستند و از طرف دیگر محتوای فضایی محیط دارای الگوهای جمعی است (لاسم و لایتون[2]، ۲۰۱۹: ۲۳). باتوجه به مبانی نظری مربوطه و آرای صاحب‌نظران تأمین بعد اجتماعی فضاهای عمومی در مجتمع‌های مسکونی نیاز به شناخت نیازهای ساکنان و گروه‌های مختلف استفاده‌کنندگان از فضا و از طرفی شناخت امکانات و قابلیت‌های کالبدی فضا دارد. بنابراین می‌توان گفت اجتماع‌پذیری فضا دارای ابعاد کالبدی انسانی و اجتماعی است که مکمل و ارتقادهندهٔ یکدیگرند. در این میان بعد کالبدی که ناظر بر ویژگی‌های کالبدی ساختاری و کیفیت محیطی است بعد غالب اجتماع‌پذیری فضاست؛ چراکه در مقولهٔ اجتماع‌پذیری فضا بعد کالبدی زمینه‌ساز ابعاد اجتماعی انسانی و رفتاری محسوب می‌شود (علی‌تاجر، ۲۰۱۹: ۱۰۰). از این رو در تحقیق حاضر ابعاد کالبدی و نقش آنها در اجتماع‌پذیری مدنظر بوده است.

1. Bowen
2. Latham, & Layton

۵. یافته‌های پژوهش

سی پرسشنامۀ باز با استفاده از تکنیک مصاحبه از متخصصان و خبرگان این حوزه تهیه شد. از تحلیل پاسخ‌های این پرسشنامه‌ها، شاخص‌های مورد نیاز برای پژوهش استخراج گردید و براساس آن‌ها، پرسشنامه‌های کمی طراحی شد.

۵. ۱. تأثیر نوع استقرار کالبد نسبت به فضای باز بر امنیت مجتمع‌های مسکونی

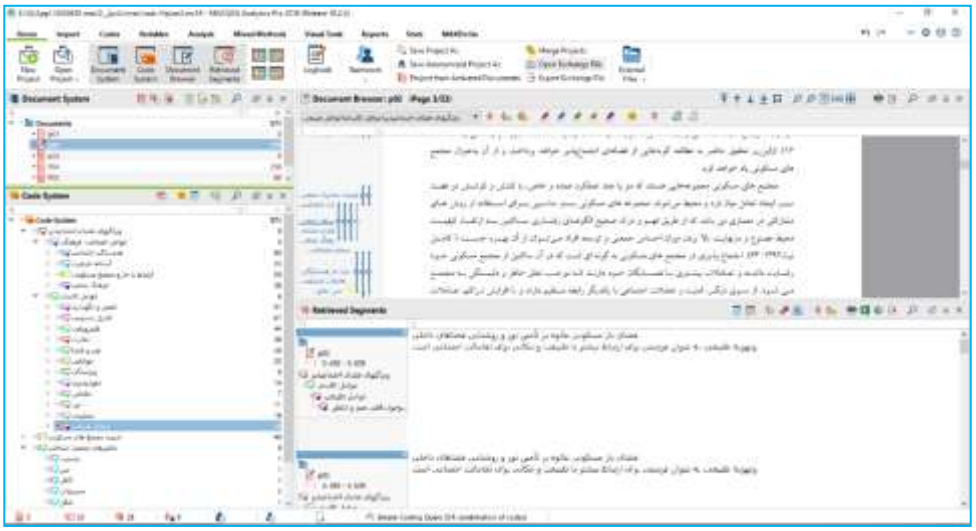
به‌منظور بررسی تأثیر نوع استقرار کالبد نسبت به فضای باز بر امنیت مجتمع‌های مسکونی، از روش اسنادپژوهی برای مطالعۀ پژوهش‌ها و اسناد علمی معتبر استفاده شد. شاخص‌های تأثیرگذار بر امنیت در مجتمع‌های مسکونی در جدول ۳ و مفاهیم مرتبط با امنیت در جدول ۴ ارائه شده‌اند. پس از تکمیل پرسشنامه‌ها توسط خبرگان و متخصصین، شاخص‌های فضاهای اجتماع‌پذیر از نوع استقرار کالبدیِ تأثیرگذار بر امنیت مجتمع مسکونی استخراج گردید.

فاز اول این تحقیق به روش کیفی انجام شد. در این مرحله از تحقیق، از روش تحلیل محتوای کیفی استفاده گردید و برای تجزیه‌وتحلیل داده‌ها از نرم‌افزار Maxqda Ver2018 که مناسب تحلیل‌های کیفی است، استفاده شد. هدف از تجزیه‌وتحلیل کیفی، استخراج عوامل مؤثر بر امنیت مجتمع‌های مسکونی با رویکرد فضاهای اجتماع‌پذیر است.

نمونۀ آماری در این بخش عبارت بودند از خبرگانی که تجربه و اطلاعات کافی و دانش مشهود و مستند در زمینۀ شهرسازی، مبلمان شهری، انبوه‌سازی و طراحی فضاهای شهری داشته‌اند. این افراد براساس نمونه‌گیری هدفمند به روش گلوله‌برفی، از میان خبرگان دانشگاهی و کارشناسان شرکت‌های معماری و مهندسان شهرسازی و مدیران شهرداری، انتخاب شدند و پس از ۱۲ مصاحبه اشباع نظری حاصل شد.

اسناد مکتوب انتخاب شده و اسناد مصاحبه، برای استخراج اطلاعات و شناسایی مؤلفه‌ها و ابعاد موضوع مورد تحقیق، به روش تحلیل محتوای کیفی استفاده شدند. برای این منظور، ابتدا اسناد گردآوری‌شده در نرم‌افزار مکس‌کیودا (MaxQda2018) فراخوانی و و فرایند استخراج و طبقه‌بندی

کدها در محیط این نرم‌افزار انجام شد. برای این کار محتوای هر سند با دقت بازخوانی شد و مفاهیم و عبارت با توجه به ارتباطی که به موضوع تحقیق داشتند، با یک عنوان مشخص به نام کد، نام‌گذاری و طبقه‌بندی شدند. نرم‌افزار مکس‌کیودا برای این کار کلیدهای ویژه‌ای دارد و کدهای تعیین شده در پنجره‌ای مجزا (پنجرهٔ سیستم کد یاKode System) در دسترس کاربر قرار دارد. در شکل ۳ زیرنمایی از ۴ پنجرهٔ این نرم‌افزار قابل مشاهده است.

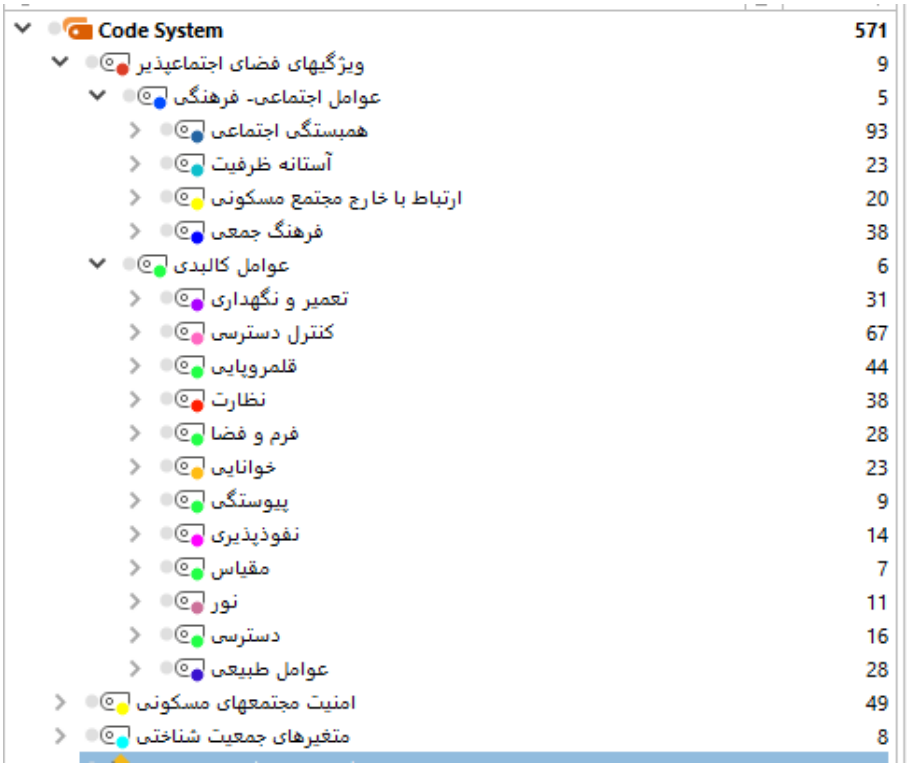


شکل ۳. تصویری از فرایند کدگذاری در نرم‌افزار مکس‌کیودا و ۴ پنجرهٔ اصلی آن

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۳)

از تجزیه‌وتحلیل مجموعه اسناد و داده‌های جمع‌آوری شده و کدگذاری سه‌مرحله‌ای (باز، محوری، گزینشی)، مقوله‌ها و عوامل مؤثر بر امنیت فضاهای مسکونی شناسایی و استخراج گردید. در مرحلهٔ نخست، طی فرایند کدگذاری باز تعداد ۵۷۱ کد شناسایی گردید. در مرحلهٔ بعد کدگذاری محوری انجام گرفت؛ به‌این‌صورت که کدهای نزدیک به هم و با معانی مشترک در قالب مضامین کلی‌تر و انتزاعی‌تری تحت عناوین و کدهای جدیدی دسته‌بندی شدند. فرایند بازبینی و اصلاح کدها

و پالایش دسته‌بندی‌ها به‌طور مستمر با مرور چندباره انجام شد تا در نهایت ترکیب بهینه و قابل قبولی حاصل گردد. در این مرحله ۱۶ مؤلفهٔ اصلی و کلیدی حاصل گردید. آخرین مرحلهٔ کدگذاری تحت عنوان کدگذاری بسته یا انتخابی، به‌این‌صورت انجام گرفت که هر یک از مفاهیم در قالب مقولات انتزاعی‌تری دسته‌بندی شدند و به هر یک از این مقولات، کد و عنوان جدیدی اختصاص داده شد. این مقوله‌ها بیانگر عوامل اصلی مؤثر در امنیت مجتمع‌های مسکونی با رویکرد طراحی فضاهای مجتمع و محیط آن هستند.



شکل ۴. سیستم کدهای شناسایی‌شده و فراوانی هریک در متن‌ها

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۳)

در نهایت پس از تجزیه‌وتحلیل تمامی کدها و در سه مرحله کدگذاری باز، بسته و محوری، عوامل و مؤلفه‌های مؤثر بر امنیت فضاهای اجتماع‌پذیر مجتمع‌های مسکونی در جدول ۳ به‌صورت خلاصه طبقه‌بندی شد.

جدول ۳. عوامل و مؤلفه‌های مؤثر بر امنیت فضاهای اجتماع‌پذیر مجتمع‌های مسکونی

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۳)

ردیف	متغیر	مؤلفه	شاخص‌ها (آیتم‌ها)
۱	عوامل اجتماعی فرهنگی	همبستگی اجتماعی	تقویت روابط همسایگی- احساس غربت و تنهایی- پاسخگو و پاسخ‌دهندگی - گفتمان اجتماعی- حضور زنان در فضاهای شهری- حضور گسترده و شلوغی- ارتباطات چهره‌به‌چهره- افزایش احساس مکان و مالکیت- تنوع برنامه‌ها- حضور اجتماعی فعال- هویت‌بخشی- حس تعلق - الگوهای رفتاری مشابه- باهم‌نشینی- ایجاد فرهنگ جمعی- محیطی برای توسعهٔ جمعی- حس مسئولیت مشترک جمعی- خاطرات ماندگار- برداشت ذهنی از مکان –اجتماع‌پذیری- انسجام اجتماعی - پذیرابودن فضا برای حضور افراد- ایجاد تعاملات اجتماعی- وجود فضاها و مکان‌هایی جهت جذب شهروندان- رضایت از همسایگان
۲		آستانه ظرفیت	آرامش خاطر - تمایل به ادامهٔ زندگی در مجتمع- عدم تمایل به جابه‌جایی و تغییر مکان – زیبایی‌شناختی در ساختمان - توجه به تناسبات در معماری و فیزیک ساختمان - توجه به طراحی و مبلمان شهری - توجه به شکل و اندازه و ابعاد ساختمان- توجه به مناظر اطراف- رعایت سازگاری در مجتمع- سازگاری در کاربری‌های همجوار- هماهنگی بین اماکن با کاربری‌های تجاری و مسکونی و آموزشی و اداری
۳		ارتباط با خارج مجتمع مسکونی	نزدیکی مجتمع به مدارس و اماکن آموزشی - نزدیکی مجتمع به اماکن اداری و دولتی - نزدیکی مجتمع به مراکز تجاری فروشگاهی - میزان دسترسی به اماکن تفریحی پارک و بازی - میزان دسترسی به خدمات عمومی - دسترسی آسان حمل‌ونقل عمومی - نزدیکی مجتمع به ایستگاه مترو - نزدیکی مجتمع به ایستگاه اتوبوس - تعداد کارکنان دولت در مجتمع - ارتباطات ساکنان با ارگانهای دولتی - وجود یکی از مدیریان دولتی در مجتمع - ارتباط اعضا با

ردیف	متغیر	مؤلفه	شاخص‌ها (آیتم‌ها)
			مدیران دولتی
۴		فرهنگ جمعی	تصـــویر فضـــا و مکان – اقلیم‌پذیری – بیگانگی – رفتارهای مدنی و شهروندی – قانونمندی و قانونمداری – تاریخ مشترک – آموزش – مشارکت جمعی – ارتباط با دیگران – وجود روحیه جمعی بین همســـایه‌ها – تمایل به کارهای گروهی در بین همسایه‌ها – تعمیرات با مشارکت هم – حس دوستی و برادری بین همسایگان – وجود دورهمی‌ها و شب‌نشینی‌ها – وجود خاطرات شیرین و زیبا از محل سکونت – حس تعلق ساکنین به مجتمع – اجرای نماز جماعت در مجتمع – برگزاری جشـــن – برگزاری مراســم قران دعا و روضــه خوانی در مجتمع – برگزاری مراسمات مذهبی در مجتمع – سکونت اعضای شورای مجتمع در ساختمان
۵	عوامل کالبدی	تعمیر و نگهداری	توجه به دیوارنویســی‌های ناهنجار – تبدیل ســاختمان‌های رهاشـــده – پیگیری وضــعیت ســاختمان‌های درحال‌تعمیر – توجه به بهداشـــت محیط – نظافت منظم – مراقبت خوب از ساختمان – رعایت نکات در دفع زباله – نظم در جمع‌آوری زباله – پرداخت منظم شــارژ آپارتمان – نگهداری ســاختمان – استفادهٔ حداکثری از فضا – فضای مطلوب – ساخت هنرمندانه – ساختمان محکم – ساختمان شیک – محیط جذاب – فضای زیبا – رعایت بهداشت – محیط تمیز – محیط پاکیزه
۶		کنترل دسترسی	وجود نظارت رسمی در ساختمان – خودانتظامی بودن محیط – اتحاد در برابر مجرمان – حضور پلیس امنیت – چشم‌های ناظر – ایجاد سطوح چندگانه دسترسی – تفکیک دروازه‌های ورودی خصوصی و عمومی – محدودیت در ورودی‌های خصــوصــی برای غریبه‌ها – حفاظت ســاختمان – وجود نگهبانی دائمی – نگهبان خوب – کنترل امنیت با دوربین‌های مداربســـته – پوشـــش گستردهٔ دوربین‌ها – وجود دوربین‌های امنیتی – وجود موانع برای ورود اجنبی و افزایش امنیت – آرامش ســـاکنان مجتمع نســـبت به حفاظ‌های اطراف – حفاظت مجتمع و حصـــارکشـــی برای ورود بیگانه‌ها – دیوارهای بلند اطراف مجتمع – حصـــارهای محکم – رضـــایت ســـاکنان از امنیت موجود در برابر مزاحمت‌های خیابانی – امنیت مجتمع در ارتباط با جرم و جنایت – امنیت مجتمع در برابر سارقان – سرقت زیاد – رفت و شد معتادان و مجرمان – اعتیاد

ردیف	متغیر	مؤلفه	شاخص‌ها (آیتم‌ها)
			– خشونت – جرم و بز کاری – مزاحمت خیابانی
۷		قلمروپایی	انعطاف در انتخاب مسیر – تسهیل دسترسی مجتمع با محیط کار و بازار – شبکه‌های ارتباطی مجتمع – مسیرهای بازی و ورزش کودکان – مسیرهای دوچرخه‌سواری – مسیرهای پیاده‌روی – معابر تمیز و امن – معابر مناسب – بهسازی فضا برای تعاملات اجتماعی مناسب – فضا برای صحبت و دورهمی بانوان – وجود محل‌هایی برای نشستن و آرامش – تدارک مکانی برای بازی – امکانات تفریح و سرگرمی بچه‌ها – وجود امکاناتی برای استفاده معلولان – امکان فعالیت‌های ورزشی بانوان – احساس خوب معلولان از حضور در فضای عمومی – امکان حضور معلولان – احترام به حریم شخصی – تفکیک فضاهای استفاده مردان از زنان – تفکیک حریم شخصی و عمومی – رعایت حریم خصوصی – عدم دلشورگی والدین از حضور بچه‌ها در محیط مجتمع – احساس امنیت در فضاهای عمومی – وجود گشت امنیتی در فضاهای عمومی – پایش محیط بازی – پارک‌های تمیز و امن – فضاهای امن بازی – امنیت دختران – رفاه کودکان
۸		نظارت	ارتباط بصری و دید کافی – نظارت اجتماعی و طبیعی – زاویهٔ دید پنجره‌ها – افزایش کنترل مزاحمت‌های خیابانی – امنیت شهروندان از وقوع سرقت در مجتمع – روشهای کنترل سرقت و مزاحمت – توجه به جرم‌زدایی – نظارت بر فضاهای کور – نظارت بر محیط – امنیت ساکنان – افزایش اعتماد عمومی – فضاهای قابل کنترل – دقت در طراحی
۹		فرم و فضا	بافت جمعیت – تعداد خانه در هر مجتمع – پیچیدگی و رازآلود – رضایت از کیفیت مصالح و بنا – ارزیابی ساکنان از استحکام – کیفیت مطلوب مصالح – استحکام – توجه به مطلوبیت فضا – توجه به کیفیت فضا – روش‌های کاهش مصرف انرژی – عناصر یکدست – مبلمان هماهنگ – هماهنگی در طراحی – فرم مطلوب – محیط متنوع – طراحی رضایت‌بخش – کاربرد فرم‌های مختلف – استفاده از جنس های متنوع در طراحی – طراحی فضا – طراحی فرم
۱۰		خوانایی	استفاده از المان‌های محلی – توجه به معماری سنتی – معماری شکیل فضا – تناسب در طراحی های محیطی – ساختمان‌های مدرن – طراحی مبلمان

ردیف	متغیر	مؤلفه	شاخص‌ها (آیتم‌ها)
			جالب – عناصر شهری قابل درک – ایجاد پل‌های ارتباطی – وجود عناصر ارتباطی – ارتباط محیط با مجتمع – ارتباط آسان با محیط – نشانه‌های خاص برای تشخیص مسیر – تابلوهای راهنمای مسیر – وجود نمادهای خاص برای تشخیص مجتمع – خوانش آسان مسیر برای غیربومی‌ها – خوانایی مسیر – دسترسی و مسیریابی مجتمع‌ها – مسیریابی آسان
۱۱		پیوستگی	احساس و درک افراد از پیوستگی فضا – همنشینی فضای باز و بسته – ایجاد فضا برای فعالیت‌های مشترک – وجود فضاهایی برای جذب حضور – ارتفاع مناسب حصار – پیوستگی حصار اطراف مجتمع – وجود حصارهای مناسب
۱۲		نفوذپذیری	دسترس بودن راه فرار – افزایش قیمت زمین و خانه کاهش نفوذ افراد مجرم – استفاده از درب‌های رمزدار در ورودی مجتمع – وجود دروازه‌های با کنترل شدید – عدم امکان ورود بیگانه‌ها به مجتمع – دسترسی غریبه‌ها محدود شده – گذرگاه‌های کنترل برای ورود افراد غریبه – محدودیت در ورود افراد غریبه به مجتمع – وجود نگهبانی برای کنترل ورود و خروج – احساس امنیت از لحاظ دسترسی به مجتمع
۱۳		مقیاس	تأثیر دوربین‌ها در کنترل دسترسی – رضایت ساکنان از وجود دوربین – وجود دوربین های کنترلی – استفاده از دوربین مدار بسته – کنترل مجتمع بوسیله دوربین
۱۴		نور	نور و روشنایی محیط مجتمع – میزان رضایت ساکنان از وضعیت روشنایی معابر – رضایت ساکنان از وضعیت نور محل – احساس امنیت برای کار در شب – امنیت شبانه – دسترسی به خدمات – روشنایی محل
۱۵		دسترسی	دسترسی به معابر خروجی – دسترسی به فروشگاه‌ها – دسترسی به محل کار – دسترسی به درمانگاه – دسترسی به مدرسه – دسترسی به اماکن فرهنگی کانون‌ها و مکاتب و مساجد – دسترسی به مراکز ورزشی باشگاه‌ها و استادیوم‌ها – دسترسی به ایستگاه آتش‌نشانی – دسترسی به خدمات ایمنی درمانگاه هلال احمر – دسترسی به پزشک و بیمارستان – دسترسی به داروخانه
۱۶		عوامل طبیعی	سرزندگی و مطلوبیت – مصالح طبیعی – چشم‌انداز طبیعی – انتخاب باغبان و مراقبت دائمی از فضای سبز – درختکاری منظم و مراقبت از آنها در

ردیف	متغیر	مؤلفه	شاخص‌ها (آیتم‌ها)
			طول سال – هماهنگی و همکاری ساکنان در ایجاد ساختمان سبز و پاک – توجه به کیفیت زندگی و سرزندگی فضا – توجه به رعایت بهداشت محیط – ایجاد دریاچه و آبنما در محیط مشترک – وجود بافتی سبز و دلنشین در ساختمان – توجه به آبیاری منظم و هرس درختان – گذاشتن گلدان در راهرو و محیط اطراف – دلپذیر کردن فضا با گل و گلکاری – کاشت گل و نهال در فضاهای خالی – افزایش گلکاری – افزایش فضای سبز مجتمع – توجه ویژه به فضاهای مشارکتی و فعال – توجه به ایجاد فضاهای پویا – توجه به ایجاد فضای سبز

از تعداد ۳۶۴ نفر نمونه آماری از نظر جنسیت، ۱۹۸ نفر زن و ۱۶۶ نفر مرد، از نظر سطح تحصیلات بیشترین تعداد نمونهٔ آماری یعنی ۲۰۸ نفر کارشناسی، از نظر وضعیت تأهل ۹۵ نفر مجرد و ۲۸۹ نفر متأهل بودند و پرسشنامه‌ها به تعداد مساوی در هر مجتمع تکمیل شده است.

جدول ۴. مقایسهٔ شاخص‌های مورد پژوهش در کل فضاهای عمومی

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۳)

مجتمع	فضاها	ارتباط‌پذیری	همپیوندی	کنترل	انتخاب	عمق
کسری	کل	۰.۵۲	۰.۴۵	۰.۴۹	۰.۱	۰.۲۲
آزادی	کل	۰.۴۵	۰.۴۶	۰.۴۵	۰.۱۱	۰.۲۵
رضوان	کل	۰.۴۸	۰.۴۵	۰.۴۴	۰.۰۱	۰.۲۸
راهان	کل	۰.۲۶	۰.۲۲	۰.۴۷	۰.۱۳	۰.۵۲
هشت بهشت	کل	۰.۴۶	۰.۴۶	۰.۴۹	۰.۱۴	۰.۲۵
زیتون	کل	۰.۳۶	۰.۴۳	۰.۳	۰.۰۱۷	۰.۳۷

از میان نمونه‌های مورد مطالعه، مجتمع مسکونی راهان کم‌ترین میزان برخورداری از شاخص ارتباط‌پذیری را نسبت به بقیهٔ مجتمع‌ها داشته و بیشترین سهم از این مقایسه به مجتمع مسکونی

کسری می‌رسد. در این بین به‌ترتیب مجتمع مسکونی زیتون، سپس آزادی، هشت‌بهشت و رضوان از کم‌ترین مقدار تا بیشترین مقدار را دارا هستند.

نتایج به‌دست‌آمده از بررسی داده‌های جمع‌آوری شده از جامعهٔ آماری پژوهش ارائه می‌شود. هدف اصلی این پژوهش، بررسی رابطهٔ بین ویژگی‌های محیط اجتماع‌پذیر و امنیت مبتنی بر پیشگیری از جرم از طریق طراحی مناسب محیطی در مجتمع‌های مسکونی شهر کرمانشاه بود.

۵. ۲. شفافیت جداره‌های اجتماع‌پذیر و تأثیر آن بر امنیت مجتمع‌های مسکونی

به‌طور کلی، ایجاد یک فضای عمومی موفق مستلزم تأمین عواملی چون قلمرو، امنیت، ساختار منسجم، خوانایی، تسهیلات مناسب، آسایش محیطی و تعاملات اجتماعی است. دراین‌راستا، تأثیر شفافیت جداره‌های اجتماع‌پذیر براساس دیدگاه پاسخگویان بررسی شد.

نتایج نشان داد که متغیرهای زیر رابطهٔ مثبت و معناداری با امنیت اجتماعی مجتمع‌های مسکونی کرمانشاه دارند:

- همبستگی اجتماعی
- ارتباطات اجتماعی
- فرهنگ جمعی
- تعمیر و نگهداری
- کنترل دسترسی
- قلمروپایی
- نظارت اجتماعی
- فرم و فضای اجتماعی
- خوانایی
- نفوذپذیری
- نور و روشنایی

- عوامل محیطی
- عوامل اجتماعی - فرهنگی

در مقابل، متغیرهای زیر رابطهٔ معناداری با امنیت اجتماعی مجتمع‌های مسکونی کرمانشاه ندارند:

- آستانهٔ ظرفیت
- پیوستگی (تأثیر منفی)
- مقیاس
- دسترسی

براساس این یافته‌ها، می‌توان گفت که شفافیت جداره‌های اجتماع‌پذیر بر امنیت مجتمع‌های مسکونی تأثیرگذار است.

۵. ۳. ویژگی‌های کالبدی عرصه‌های نیمه‌عمومی و تأثیر آن بر امنیت مجتمع‌های مسکونی

با توجه به اینکه عوامل کالبدی با امنیت مجتمع‌ها رابطهٔ مثبتی دارد یا خیر، نتایج آزمون تی-استودنت نشان داد که مقدار سطح معناداری آزمون (۰.۰۰۰) کمتر از ۰.۰۵ است. بنابراین، با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت که میانگین جامعه بالاتر از حد متوسط است. این بدان معناست که از دیدگاه پاسخگویان، عوامل کالبدی با امنیت اجتماعی مجتمع‌های مسکونی کرمانشاه رابطهٔ مثبت داشته‌اند (جدول ۵).

جدول ۵. نتایج آزمون t تک متغیره فرضیه فرعی هجدهم تحقیق (مقایسه میانگین با عدد ثابت ۳)

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۳)

فرضیه	تعداد	میانگین مشاهده شده	میانگین مفروض	انحراف معیار	آماره T	درجه آزادی	ضریب معنی‌داری
Var02	360	2.5613	3	.50553	-16.464	359	.000

جدول ۶ نشان می‌دهد که میزان تأثیر عوامل کالبدی در امنیت مجتمع‌های مسکونی از نظر ساکنان مجتمع‌های آزادی و کسری بالاترین و از نظر ساکنان مجتمع هشت‌بهشت کمترین میزان ارزیابی شده است.

جدول ۶. رتبه‌بندی نمرات مؤلفهٔ عوامل کالبدی در مجتمع‌های مسکونی کرمانشاه

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۳)

متغیر	مجتمع مسکونی	تعداد	میانگین
عوامل کالبدی	آزادی	60	303.73
	کسری	60	291.40
	زیتون	60	184.10
	راهان	60	141.43
	رضوان	60	112.77
	هشت بهشت	60	49.57

۵. ۴. رابطهٔ بین ویژگی‌های محیط اجتماع‌پذیر و امنیت مبتنی بر جلوگیری از جرائم از طریق طراحی مناسب محیطی در مجتمع‌های مسکونی شهر کرمانشاه

طبق جدول شمارهٔ ۷ نتایج آزمون تی-استودنت و خروجی آزمون t تک‌متغیره در نرم‌افزار نشان داد که مقدار سطح معناداری آزمون (۰.۰۰۰) کمتر از ۰.۰۵ است. بنابراین، با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت که میانگین جامعه بالاتر از حد متوسط است. این بدان معناست که از دیدگاه پاسخگویان، ویژگی‌های فضاهای اجتماع‌پذیر با امنیت اجتماعی مجتمع‌های مسکونی کرمانشاه رابطهٔ مثبت داشته است.

جدول ۷. نتایج آزمون t تک متغیره فرضیه فرعی نوزدهم (مقایسه میانگین با عدد ثابت ۳)

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۳)

فرضیه	تعداد	میانگین مشاهده شده	میانگین مفروض	انحراف معیار	آماره T	درجه آزادی	ضریب معنی‌داری
H19	360	2.5443	3	.51221	-16.786	355	.000

جدول ۸ نشان می‌دهد که میزان تأثیر عوامل امنیتی در امنیت مجتمع‌های مسکونی از نظر ساکنان مجتمع‌های آزادی و کسری بالاترین و از نظر ساکنان مجتمع هشت‌بهشت کمترین میزان ارزیابی شده است.

جدول ۸. رتبه‌بندی نمرات متغیر اصلی امنیت در مجتمع‌های مسکونی کرمانشاه

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۳)

متغیر	مجتمع مسکونی	تعداد	میانگین
امنیت	آزادی	60	297.60
	کسری	60	284.33
	زیتون	60	148.23
	راهان	60	122.79
	رضوان	60	120.10
	هشت بهشت	60	94.23

۵. ۵. مقایسهٔ دیدگاه ساکنان مجتمع‌های مختلف

با توجه به نتایج تحلیل آماری، در بررسی رابطهٔ بین ویژگی‌های فضاهای اجتماع‌پذیر و متغیر امنیت، با در نظر گرفتن کل نمونه ۳۶۰ نفری به‌عنوان یک گروه واحد، از آزمون مقایسهٔ میانگین

جامعه با عدد ثابت استفاده شد. نتایج نشان داد که بین بیشتر ویژگی‌های فضاهای اجتماع‌پذیر و امنیت رابطهٔ معناداری وجود دارد، به جز در مواردی خاص که این رابطه معنادار نبود (جدول ۹).

جدول ۹. خلاصه نتایج آزمون‌های آماری

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۳)

فرضیه	آماره T	ضریب معنی‌داری
M1	-8.116	.000
M2	-7.140	.064
M3	-7.413	.000
M4	-24.577	.000
M5	-14.108	.000
M6	-4.823	.000
M7	-22.688	.000
M8	-14.886	.000
M9	-7.334	.000
M10	-19.624	.000
M11	-7.807	.091
M12	-9.671	.000
M13	-4.065	.056
M14	-5.959	.000
M15	-5.102	.235
M16	-29.724	.000
مؤلفهٔ عوامل اجتماعی فرهنگی	-15.126	.000
مؤلفهٔ عوامل کالبدی	-16.464	.000
متغیر اصلی امنیت مجتمع مسکونی	-16.786	.000

در ادامه، با در نظر گرفتن هر مجتمع مسکونی به‌عنوان یک گروه مستقل، از آزمون مقایسهٔ میانگین چند جامعه مستقل (ANOVA) برای مقایسهٔ میانگین مؤلفه‌ها و متغیرها در بین ۶ مجتمع در شهر کرمانشاه استفاده شد. نتایج این آزمون نشان داد که مجتمع‌های آزادی، کسری، زیتون، راهان، رضوان

و هشت‌بهشت به‌ترتیب دارای بالاترین امتیاز از نظر امنیت هستند. این یافته‌ها نشان می‌دهد که تفاوت معناداری در میزان امنیت ادراک‌شده بین ساکنان مجتمع‌های مختلف وجود دارد.

۶. نتیجه‌گیری

در مطالعات اخیر امنیت‌پژوهی، تعاملات اجتماعی به‌عنوان یک متغیر تعدیل‌کننده و وابسته به عوامل فرهنگی، در ایجاد امنیت، در نظر گرفته شده است. توجه به رابطهٔ دوسویهٔ تعاملات اجتماعی و امنیت محیطی خصوصاً در یک بستر فرهنگی خاص می‌تواند دیدی نوین و توسعه‌ای از مطالعات پیشین باشد و همواره درصدر کار معماران و طراحان شهری قرار داشته است. اهمیت این موضوع اساساً به جهت نقش مؤثری است که این گونه محیط‌ها در جامعه دارند و این مهم بارها از سوی بسیاری از دست‌اندرکاران مسائل شهری، اجتماعی و روان‌شناسی مطرح شده است. دراین‌راستا با توجه به اینکه موضوع "تبیین رابطهٔ ویژگی‌های فضای اجتماع‌پذیر و امنیت مجتمع‌های مسکونی در شهر کرمانشاه" است، در این پژوهش به‌صورت اختصاصی به موضوع شناخت شاخص‌ها و ویژگی‌های فضای اجتماع‌پذیر و بحث امنیت در مجتمع‌های مسکونی شهر کرمانشاه پرداخته شد که با توجه به نمونه موردی، خود موجبات جدید بودن و نوآوری را به‌دنبال داشته؛ چراکه می‌تواند در جهت ارتقاء حس امنیت و تعاملات اجتماعی و اجتماع‌پذیری محدوده و به تبع شهر کرمانشاه تأثیر بسزایی داشته باشد.

در عصر حاضر لزوم توجه به میزان امنیت ساکنین از محیط سکونتشان، به‌خصوص در بحث اجتماع‌پذیری آنها و تعاملات اجتماعی شهروندان در لوای امنیت بسیار مهم و ضروری است و باید در برنامه‌ریزی و طراحی‌ها به آنها توجه ویژه داشت؛ چراکه به‌عنوان یکی از ابعاد مهم کیفیت محیط زندگی می‌تواند تأثیرات همه‌جانبه‌ای در زندگی شهروندان داشته باشد. بنابراین این پژوهش سعی نموده تا با مطالعه موردی مجتمع‌های مسکونی شهر کرمانشاه، به سنجش و تبیین رابطهٔ ویژگی‌های

فضای اجتماع‌پذیر و امنیت مجتمع‌های مسکونی در دستیابی به مدلی جهت ایجاد فضاهای اجتماع‌پذیر و امن در مجتمع‌های مسکونی بپردازد.

عوامل محیطی مؤثر بر امنیت مجتمع‌های مسکونی در زمینهٔ مطالعاتی پژوهش حاضر، در دو دسته عوامل کالبدی و عوامل اجتماعی- فرهنگی قابل دسته‌بندی است. مطابق مبانی نظری تحقیق، عوامل کالبدی محیط که منجر به چهار عامل تعمیر و نگهداری، کنترل دسترسی، قلمروپایی و نظارت می‌شوند، در امنیت مجتمع‌های مسکونی نقش دارند. در مجتمع‌های مسکونی، عوامل کالبدی و ویژگی‌های آن‌ها که منجر به نظارت طبیعی می‌شوند مواردی از قبیل فرم فضا، خوانایی، پیوستگی، نفوذپذیری، مقیاس، نور و روشنایی است. در این موارد، شرط لازم برای نظارت نور و روشنایی بوده است.

پژوهش حاضر در تبیین رابطهٔ میان فضاهای اجتماع‌پذیر و امنیت در مجتمع‌های مسکونی شهر کرمانشاه، ضمن بهره‌گیری از دانش موجود، نتایج جدیدی را ارائه می‌دهد. نتایج پژوهش فوستر و همکاران (۲۰۱۴) مبنی بر اهمیت طراحی محیطی مناسب برای کاهش ترس از جرم و افزایش استفاده از فضاها، در نتایج پژوهش حاضر نیز مورد تأیید قرار می‌گیرد، با این تفاوت که پژوهش حاضر به‌طور خاص بر نقش اجتماع‌پذیری در این میان تأکید دارد. به‌همین‌ترتیب، نتایج پژوهش‌های اشنایدر و کیتچن (۲۰۱۳) و پائول و همکاران (۲۰۱۳) در زمینهٔ پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی، با نتایج این پژوهش هم‌راستا است، اما پژوهش حاضر با بررسی عوامل مؤثر بر امنیت در بستر فرهنگی کرمانشاه، رویکردی بومی‌تر را اتخاذ می‌کند. پژوهش حاضر از این نظر که عوامل کالبدی و اجتماعی به‌طور توأمان در ارتقای امنیت مجتمع‌های مسکونی نقش دارند، همسو با یافته‌های جلالیان و همکاران (۱۴۰۱) است، اما بر فضاهای اجتماع‌پذیر تمرکز ویژه‌ای دارد. نتایج پژوهش برهانی‌فر و همکاران (۱۴۰۰) مبنی بر اهمیت تعاملات اجتماعی و فضاهای جمعی در مجتمع‌های مسکونی، در پژوهش حاضر نیز انعکاس یافته است، با این تفاوت که پژوهش حاضر به بررسی رابطهٔ مستقیم میان فضاهای اجتماع‌پذیر و امنیت می‌پردازد. در راستای پژوهش علمی و همکاران (۱۳۹۹) و هاشم‌پور

و سامی (۱۳۹۸)، پژوهش حاضر نیز در پی ارائهٔ راهکارهایی برای بهبود فضاهای مسکونی است، اما رویکردی جامع‌تر را در نظر گرفته و به هر دو بعد کالبدی و اجتماعی–فرهنگی توجه می‌کند. نتایج پژوهش کرمی و محمدحسینی (۱۳۹۷) مبنی بر تأثیر فضاهای اجتماع‌پذیر بر پایداری اجتماعی مجتمع‌های مسکونی، در پژوهش حاضر نیز تقویت می‌شود، اما پژوهش حاضر نقش امنیت را به‌عنوان یک عامل کلیدی در این رابطه برجسته می‌سازد.

باوجود این همسویی‌ها، پژوهش حاضر در برخی جنبه‌ها از مطالعات پیشین متمایز می‌شود؛ درحالی که بسیاری از مطالعات به بررسی عوامل مؤثر بر ترس از جرم یا طراحی محیطی به‌طور کلی پرداخته‌اند، پژوهش حاضر نقش محوری اجتماع‌پذیری در ارتقای امنیت را به‌عنوان نقطهٔ کانونی خود برگزیده است. علاوه‌براین، پژوهش حاضر با تمرکز ویژه بر فضاهای اجتماع‌پذیر، نشان می‌دهد که چگونه می‌توان با طراحی مناسب این فضاها، حس امنیت و تعلق را در ساکنان مجتمع‌های مسکونی تقویت کرد. برخلاف پژوهش لطفی و همکاران (۱۳۹۳) که به بررسی حضور زنان در فضاهای عمومی می‌پردازد، پژوهش حاضر به‌طور مستقیم به این موضوع نپرداخته و تمرکز خود را بر رابطهٔ میان فضاهای اجتماع‌پذیر و امنیت معطوف کرده است.

به‌این‌ترتیب، یافته‌های این پژوهش ضمن تکیه بر دانش موجود، گامی رو به جلو در جهت درک بهتر رابطهٔ بین فضاهای اجتماع‌پذیر و امنیت برداشته و راه را برای طراحی فضاهای مسکونی امن‌تر، پویاتر و اجتماع‌پذیرتر هموار می‌سازد.

۷. محدودیت‌ها و پیشنهادات موضوعی جهت انجام پژوهش‌های آینده

- پژوهش مورد مطالعه محدود به نمونه‌های مورد بررسی بوده و گذر زمان و تاریخ امکان اشتباه شدن نتایج تحقیق را به عمل می‌آورد.
- جامعهٔ هدف پژوهش شامل تعدادی از مجتمع‌های مسکونی واقع در شهر کرمانشاه بوده است. این محدودیت نمونه می‌تواند خطای نمونه‌گیری محسوب شود و تعمیم‌پذیر نباشد. البته در این

پژوهش خطای اندازه‌گیری وجود ندارد؛ چراکه به دلیل انتخاب نمونه‌های درست از هر نمونه استقرار در جامعهٔ آماری موجود، مقادیر آلفای استخراج شده مناسب بودند و ادراک جامعه مورد بررسی با مفاهیم ابزار مطابقت داشته است.

- خطای پیش‌بینی در این پژوهش وجود داشته که محقق سعی نموده اصلاح صورت گیرد و در رابطه‌هایی که معنی‌دار نشده، می‌توان احتمال اشتباه شدن را ذکر کرد.
- از آنجایی‌که در این پژوهش خطای اجزا وجود ندارد، به همان گونه که تشریح شده، می‌توان مجدداً آن را اجرا و تکرارپذیر دانست.
- به‌منظور بررسی بیشتر پیرامون سطح سنجش شاخص‌ها و عوامل مهم دیگر اجتماع‌پذیری از جنبه‌های متفاوت جهت ارتقاء مجتمع‌های مسکونی شهر کرمانشاه مطالعات انجام شود تا عوامل پنهان دیگری که مرتبط به این تأثیرات هستند و بر مسائل و چالش‌های امنیت شهری تأثیرگذارند، شناسایی و تبیین شوند.
- بررسی ضرورت مدیریت شهری در جهت عوامل مؤثر در حیطهٔ ارتقاء امنیت مجتمع مسکونی.
- تحلیل و ارزیابی مجتمع‌های دیگر در شهر کرمانشاه در جهت رتبه‌بندی عامل اجتماع‌پذیری در ارتقاء امنیت مجتمع مسکونی.
- بررسی رتبه‌بندی مناطق هشت‌گانهٔ شهر کرمانشاه از نظر عوامل و شاخص‌های مهم و تأثیرگذار در امنیت مجتمع‌های مسکونی

کتابنامه

۱. ایرانمنش، ن؛ و بیگدلی، ا. (۱۳۹۲). *پیشگیری از جرائم توسط طراحی محیطی*. (ب. فرهمندپور، ویراستار). چاپ اول. تهران: انتشارات هنر معماری قرن (وابسته به مؤسسهٔ فرهنگی هنری معماری قرن).

۲. برهانی‌فر، س؛ مظهری، م.ا؛ تقوایی، و؛ وثیق، ب؛ و اشرف‌زاده، ر. (۱۴۰۰). بررسی مؤلفه‌های تأثیرگذار بر اجتماع‌پذیری مجتمع‌های مسکونی با رویکرد حفظ خلوت (نمونه مورد مطالعه: مجتمع مسکونی ششصد دستگاه مشهد. *فصلنامهٔ مطالعات شهری*،*۱۰*(۳۸)، ۹۱-۱۰۶.

۳. بهزادپور، م. (۱۳۹۷). بررسی حس تعلق مکانی در مجتمع‌های مسکونی و نقش طبیعت بر آن (مطالعه موردی: مجتمع‌های مسکونی اکباتان، پردیسان، زیتون و مهرگان). *فصلنامهٔ علمی - پژوهشی پژوهش و برنامه‌ریزی شهری*، ۹(۳۴)، ۱۸۳-۲۰۰.

۴. جباری، ا؛ و عبدلی، ش. (۱۳۹۸). بهره‌برداری‌های اقتصادی و گردشگری از رودخانه‌های استان کرمانشاه و تأثیر آن در ویژگی‌های زیبایی‌شناختی. *مجلهٔ آمایش جغرافیایی فضا*، ۹(۳۳)، ۷۱-۸۸.

۵. جلالیان، س؛ حبیب، ف؛ و ذاکرحقیقی، ک. (۱۴۰۱). تبیین نقش عناصر کالبدی محیط در امنیت مجتمع‌های مسکونی (نمونه مطالعاتی: مجتمع‌های مسکونی شهر همدان). *هویت شهر*، *۱۶*(۵۰)، ۳۵-۴۶.

۶. جهان‌بخش، ح؛ و قلی پوردمیه، ط. (۱۴۰۰). شناسایی و تبیین مؤلفه‌های ارتقای کیفیت منظر برمبنای شاخص‌های طراحی پایدار شهری تحت رویکرد شهر پاک (نمونه موردی: شهر پردیس تهران). *فصلنامهٔ گفتمان طراحی شهری؛ مروری بر ادبیات و نظریه‌های معاصر*، ۲(۴)، ۴۵- ۵۸.

۷. جیکوبز، ج. (۱۹۶۱). *مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی*. (پارسی. ح.ر؛ افلاطونی. آ، مترجمان). ۱۴۰۳ش. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

۸. حاجیان‌زیدی، م؛ قدرجانی، ر؛ گمار، م؛ و صادق‌صابری، م.ج. (۱۳۹۵). تحلیل عناصر هویت‌بخش در شهرهای اسلامی، نمونه موردی: شهر اصفهان. *چهارمین کنفرانس ملی پژوهش‌های کاربردی در مهندسی عمران، معماری و مدیریت شهری*، ۱-۱۹.

۹. حاجیان‌زیدی، م؛ روحی، م؛ و رضوی امرئی، س.غ.ر. (۱۳۹۹). بررسی انواع سامانه‌های غیرفعال خورشیدی در طراحی معماری. *چهارمین مجمع توسعهٔ فناوری و کنفرانس بین‌المللی یافته‌های نوین عمران، معماری و صنعت ساختمان ایران. پایگاه مقالات مرکز همایش‌های مهندسی توسعه، جلد ۱، شماره ۱*. https://pubs.bcnf.ir/index.php/Articles/article/view/45

۱۰. حاجیان‌زیدی، م. (۱۴۰۰). *اصول دریافت غیرفعال انرژی از جزایر حرارتی شهری*. انتشارات جهاد دانشگاهی واحد مازندران.

۱۱. حسینی، م.ر؛ حسینی‌زاده‌آرانی، س. س؛ و محمدی، م. (۱۳۹۷)، تنهایی در شهر: بررسی تجربهٔ زیستهٔ احساس تنهایی و ارتباط آن با میزان رضایت از زندگی در میان شهروندان بالغ شهر تهران. *مطالعات جامعه‌شناختی شهری (مطالعات شهری)*، ۹(۲۹)، ۲۵-۵۰.

۱۲. حسینی، م.ر؛ نوابخش، م؛ و رحیمی، ز. (۱۳۹۸)، بررسی جامعه‌شناختی تأثیر سبک زندگی بر پرخاشگری و وندالیسم شهری نوجوانان و جوانان استان لرستان. *جامعه‌پژوهی فرهنگی*، ۱۰(۲)، ۱-۲۷.

۱۳. حمزه‌نژاد، م؛ نقره‌کار، ع.ح؛ و جهانبخش، ح. (۱۳۹۶). *انسان، طبیعت، معماری*. تهران: انتشارات پیام نور.

۱۴. دانشپور، س. ع. ه؛ و چرخچیان، م. (۱۳۸۶). فضاهای عمومی و عوامل مؤثر بر حیات عمومی. *باغ نظر*، ۷(۱۲)، ۲۸-۱۹.

۱۵. رئیسی‌نژاد، ا.ا؛ جهانبخش، ح؛ و میرحسینی. م. (۱۴۰۰). بررسی ارتباط ساختار معماری اقامتگاه‌های بومگردی با میزان رضایتمندی گردشگران (مطالعه‌موردی: اقامتگاه بومگردی روستای جنت رودبار، رامسر، استان مازندران). *مجلهٔ گردشگری و توسعه* ۱۰(۱)، ۸۱- ۹۴.

۱۶. رضوی‌امرئی، غ.ر؛ جهان‌بخش، ح؛ و ابراهیمی، ع. (۱۴۰۱)، بررسی تأثیر نماهای ساختمانی بر تغییرات دما در دره‌های شهری در اقلیم کلان‌شهرها (نمونه موردی: کلان شهر تهران). *فصلنامهٔ جغرافیا و برنامه‌ریزی منطقه‌ای*، ۱۲(۴۹)، ۳۲۷-۳۴۰.

۱۷. زرقانی، م؛ بخشی، ا؛ حاجیان‌زیدی، م؛ و رسولی، س.ح. (۱۴۰۱). رابطهٔ عوامل جغرافیایی – محیطی با استرس شغلی کارکنان پروژه‌های بزرگ ساخت‌وساز (مطالعه‌موردی: ایران‌مال تهران). *جغرافیا و برنامه‌ریزی منطقه‌ای* ۱۲(۴)، (پیاپی ۴۸)، ۶۳۵-۶۱۷.

۱۸. شاطریان، م؛ حیدری‌سورشجانی، ر؛ و ورفی‌نژاد، ژ. (۱۳۹۸). مدل‌سازی تأثیرات گردشگری شهری بر کیفیت زندگی و شهر خلاق در شهر کرمانشاه. *مجلهٔ آمایش جغرافیایی فضا*، ۹(۳۳)، ۵۱-۶۰.

۱۹. شجاعی، د؛ و پرتوی، پ.(۱۳۹۴). عوامل مؤثر بر ایجاد و ارتقاء اجتماع‌پذیری در فضاهای عمومی با مقیاس‌های مختلف شهر تهران (نمونه موردی: فضاهای عمومی دو محله و یک ناحیه در منطقه ۷ تهران). *باغ نظر*، ۲(۳۴)، ۹۳-۱۰۸.

۲۰. صادق‌صابری، م.ج؛ زاهدی‌یگانه، ا؛ حاجیان‌زیدی، م؛ و قدرجانی، ر. (۱۳۹۷). ارزیابی شاخص‌های کیفیت زندگی در طرح مسکن مهر با رویکرد پایداری (نمونه‌موردی: محله بهشتی همدان). *جغرافیا و مطالعات محیطی*، ۷(۲۷)، ۱-۲۴.

۲۱. صادق‌صابری، م.ج؛ قدرجانی، ر؛ و حاجیان‌زیدی، م. (۱۳۹۵). طراحی فضای کنش اجتماعی کودکان در محوطه باز مجتمع‌های مسکونی با رویکرد خلاقیت و تعاملات اجتماعی. *مطالعات هنر و معماری*، ۲(۶) پیاپی ۱۳، ۱۳-۲۷.

۲۲. ظاهری، م؛ صارمی، ح.ر؛ و حاجیان‌زیدی. م. (۱۴۰۱). سنجش تأثیر مؤلفه‌های تکنولوژی بر فرهنگ اسلامی – ایرانی برای ساخت سکونتگاه‌های نوین شهری پایدار در شهر دورود. *فصلنامهٔ جغرافیا و برنامه‌ریزی منطقه‌ای*، ۱۲(۴۹)، ۳۵۹ -۳۷۳.

۲۳. ظاهری، م؛ قدرجانی، ر؛ و حاجیان‌زیدی، م. (۱۴۰۱). *بازآفرینی پایدار شهری در بافت‌های تاریخی*. انتشارات جهاد دانشگاهی واحد مازندران.

۲۴. علمی، ز؛ هاشم‌پور، پ؛ و مدقالچی، ل. (۱۳۹۹). اجتماع‌پذیری کالبدی مجتمع‌های مسکونی برای گروه سالمندان در تبریز (مطالعه موردی: مجتمع‌های مسکونی ستارخان، آسمان، علامه امینی و سپیدار). *معماری و شهرسازی ایران*، ۱۱(۱۹)، ۱۸۷-۲۰۷.

۲۵. فرگاس، ج. (۱۳۹۹). *روانشناسی تعامل اجتماعی (رفتار میان‌فردی)*. (فیروزبخت. م؛ بیگی. خ، مترجمان). چاپ هشتم. تهران: انتشارات ابجد.

۲۶. فضلی، م؛ و حاجیان‌زیدی، م. (۱۳۹۶). طراحی موزهٔ هنرهای مردمی شهر ساری با تکیه و توجه بر معماری زمینه‌گرا. *دومین کنفرانس ملی یافته‌های نوین پژوهشی و آموزشی عمران و معماری شهرسازی و محیط زیست ایران*. ۱۳۹۶.

۲۷. قنبرپور، م؛ سروش، م.م؛ جهانبخش، ح؛ و فروتن. م. (۱۴۰۱). ظرفیت محیط‌های معماری برگرفته از نقوش هویت‌ساز با هدف ارتقای حس مکان فضاهای آموزشی. *نشریهٔ مطالعات هنر اسلامی، ۱۹*(۴۶)، ۳۹۳-۴۰۵.

۲۸. کرمی، ا؛ و محمدحسینی، پ. (۱۳۹۷). بررسی تأثیر اجتماع‌پذیری فضاهای عمومی بر پایداری اجتماعی مجتمع‌های مسکونی، نمونه موردی: مجتمع‌های مسکن مهر اردبیل. *نشریهٔ مدیریت شهری، ۷*(۲۶)، ۴۳-۵۶.

۲۹. گل، ی. (۱۳۸۷). زندگی در فضای میان ساختمان‌ها. (شصتی. ش، مترجم). تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.

۳۰. لطفی، ص؛ موسوی، م.ن؛ و منوچهری‌میاندوآب، ا. (۱۳۹۳). بررسی و تحلیل حضور زنان در فضاهای عمومی (مطالعه موردی: شهر میاندوآب). *همایش آسیب‌های اجتماعی زنان و خانواده*، دانشگاه مازندران.

۳۱. لطفی، ص؛ بردی‌آنامرادنژاد، ر؛ و ساسانی‌پور، م. (۱۳۹۳). بررسی احساس امنیت در فضاهای عمومی (مطالعه موردی کلان‌شهر شیراز). *مجلهٔ پژوهش و برنامه‌ریزی شهری ۵*(۱۹)، ۳۹-۵۶. https://dorl.net/dor/20.1001.1.22285229.1393.5.19.3.6

۳۲. لینچ، ک. (۲۰۰۸). سیمای *شهر*. (مزینی. م، مترجم). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

۳۳. معماریان، غ.ح؛ جهانبخش، ح؛ و میرکاظمی، ف. (۱۳۸۷). روش‌شناسی ارائهٔ درس انسان طبیعت معماری با تأکید بر تأثیر شناخت محیط زیست در فرایند ارتقای بینش معمارانه. *فصلنامهٔ فناوری آموزش (TEJ)*، ۳(۲)، ۱۳۳- ۱۴۹.

۳۴. هاشم‌پور، پ؛ و سامی، ز. (۱۳۹۸). کیفیت محیطی مؤثر در حیات‌پذیری مجتمع‌های مسکونی (مطالعه موردی مجتمع مسکونی امام، چمران، آسمان شهر تبریز). *مطالعات شهری، ۸*(۳۰)، ۵۵-۶۸.

35. Alitajer, S., Saadati Vaghar, P., Heidari, A., Farrokhi, A. M., & Sajjadzadeh, H. (2019). Evaluation of sociability of urban environment using “Cognitive maps” and “Spatial configuration maps”. *Armanshahr Architecture & Urban Development*, *12*(27), 99-109.

36. Bentley, I., Alcock, A., Murrain, P., McGlynn, S., & Smith, G. (1985). *Responsive Environment, a Manual for Designers* (pp. 85-95). Oxford: Butterworth Architecture.
37. Bowen, J. P. (2018). A provincial frost fair: urban space, sociability and spectacle in Shrewsbury during the great frost of 1739. *Midland History*, *43*(1), 43-61.
38. Buber, R., Ruso, B., Gadner, J., Atzwanger, K., & Gruber, S. (2007). Evolutionary Store Design. How Water, Plants, Animals and Sight Protection affect Consumer Behavior. *In Proceedings of the 2007 ANZMAC conference*. Dunedin, New Zealand: University of Otago.
39. Butterworth, I. (2000). The Relationship between the Built Environment and Wellbeing: *A Literature Review. Melbourne: Victorian Health Promotion Foundation.*
40. Car, S., Francis, M., Rivlin, L., & Stome, A. (1991). *Public Space*. Massachusetts: Cambrige university press.
41. Carmona, M. (2003). *Public places – urban spaces*. The dimention of urban design. Oxford: Architectural press.
42. Coley, R. L., Sullivan, W. C., & Kuo, F. E. (1997). Where dose Community Grow? The Social Context Created by Nature in Urban Public Housing. *Environment and Behavior, 29*, 468- 494.
43. Evans, G. W. (2003). The Built Environment and Mental Health. *Journal of Urban health, 80*, 536-555.
44. Foster, S., Knuiman, M., Villanueva, K., Wood, L., Christian, H., & Giles-Corti, B. (2014).”Does walkable neighbourhood design influence the association between objective crime and walking?” *International Journal of Behavioral Nutrition and Physical Activity 2014, 11*,100.
45. Francis, M. (1989). Control as a Dimension of Public- Space Quality. In I. Altman, & E. H. Zube (Eds.), Public places and spaces. *Human Behavior and Environment: Advances in Theory and Research, 10*, 147-172. New York: Plenum Press.
46. Gehl, J., & Svarre, B. (2013). *“How to Study Public Life*”. Publisher: Island Press; Illustrated edition (October 15, 2013), p: 200.
47. Jacobs, J. (2016). *The death and life of great American cities*. Published by Vintage, New York.
48. Joye, Y., Williems, K., Brengman, M., & Wolf, K. (2010). The Effects of Urban Retail Greenery on Consumer Experience: Reviewing the Evidence from a Restorative Perspective. *Urban Forestry Urban Greening, 9*, 57-64.
49. Kearney, A. R. (2006). Residential Development Patterns and Neighborhood Satisfaction- Impacts of Density and Nearby Nature. *Environment and Behavior, 38,* 112- 139.

50. Kuo. F. E., Sullivan. W. C., Coley .R. L., & Brunson .L. (1998). *Fertile Ground for Community: Inner-City Neighborhood Common Spaces*. Volume26, Issue6, pp 823-851.
51. Latham, A., & Layton, J. (2019). Social infrastructure and the public life of cities: Studying urban sociality and public spaces. *Geography Compass*, *13*(7), 20-34.
52. Lennard, S. H., & Lennard, H. (1984). *Public life in urban places*. Southampton: Godlier.
53. Link, F., Señoret, A., & Valenzuela, F. (2022). From community to public familiarity: Neighborhood, sociability, and belonging in the neoliberal city. *Urban Affairs Review*, *58*(4), 960-995.
54. Lund, H. (2002). Pedestrian Environments and Sense of Community. *Journal of Planning Education and Research, 21*, 301-312.
55. Lund, H. (2003). Testing the Claims of New Urbanism: Local Access, Pedestrian Travel and Neighboring Behaviors. *Journal of the American Planning Association, 69,* 414-429.
56. Nasar, J. L. (1994). Urban Design Aesthetics: The Evaluative Qualities of Building Exteriors. *Environment and Behavior, 26*, 377-401.
57. Nasution, A.D., & Zahrah, W. (2012). Public Open Space Privatization and Quality of Life, Case Study Merdeka Square Medan. *Procedia - Social and Behavioral Sciences 36,* (2012) 466 – 475.
58. Oldenburg, R. (1999). *The Great Good Place: Cafes, Coffee Shops, Community Centers, Beauty Parlors, General Stores, Bars, Hangouts, and how they Get You Through the Day*. New York: Paragon House.
59. Paul, E., Rachel, A., Leanne, M., & Ben, C. (2013).”Crime Prevention Through Environmental Design in the United Arab Emirates: A Suitable Case for Reorientation?” *Built Environment, Volume 39*, Number 1, March 2013, pp. 92-113(22) Alexandrine Press.
60. Pereira, V. B. (2018). Urban distinctions: Class, culture and sociability in the city of Porto. *International Journal of Urban and Regional Research*, *42*(1), 126-137.
61. Perkins, D. D., & Long, D. A. (2002). *Neighborhood Sense of Community and Social Capital (Chapter 15).* In Fisher, A. T., Sonn, C. C. & Bishop, B. j. (Eds). Psychological Sense of Community: Research, Application and Implication. New York: Kluwer Academic / Plenum Publishers.
62. Schneider, R., & Kitchen, T. (2013). “Putting Crime Prevention Through Environmental Design into Practice via Planning Systems: A Comparison of Experience in the US and UK”. *Built Environment, Volume 39*, Number 1, March 2013, pp 9-30(22). Alexandrine Press.

63. Semenza, j. (2003). The intersection of urban planning, art . And public health: The Sunnyside Piazza. *American Journal of Public Health, 93*, 1439.
64. Willems, W. (2019). 'The politics of things': digital media, urban space, and the materiality of publics. *Media, Culture & Society*, *41*(8), 1192-1209.
65. www.kermanshah.ir

Journal of Geography and Regional Development Vol 23, No. 3 (2025) – Serial Number 52

Analysis of Perceptual Differences of Rural Stakeholders Regarding Obstacles to Cooperative Development in Gilan Province

Mehdi Hesam [1]
Associate Professor, Department of Geography and Urban Planning, Faculty of Literature and Humanities, University of Guilan, Rasht, Iran

Habib Mahmoudi Chenari
Assistant Professor, Department of Regional Studies, Environmental Sciences Research Institute, Academic Center for Education, Culture and Research (ACECR), Rasht, Iran

Received: 26 January 2025 Revised: 1 July 2025 Accepted: 11 July 2025

Abstract

Rural cooperatives have long served as supportive institutions for development in line with government policies to improve livelihoods, production conditions, service provision, income levels, and the overall social well-being of local communities. However, there are some challenges facing the expansion of these institutions that need to be addressed. This study aims to analyze the perceptual differences of rural stakeholders regarding obstacles to cooperative development across four macro planning regions of Gilan Province, as defined in the provincial regional development plan. The statistical population includes experts, specialists, and members of rural cooperatives. The sample consisted of 23 experts, 18 specialists from the Departments of Labor, Cooperatives, and Social Welfare in the counties of Gilan Province, and 236 cooperative members. Data was analyzed using descriptive and inferential statistical methods. The results of the Friedman test identified five key components as the major obstacles to cooperative development: economic (3.58), institutional–managerial (3.00), legal (2.87),

1. Corresponding Author. Email: mhesam@guilan.ac.ir

©2024 The author(s). This is an open access article under the CC BY license: https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/

How to cite this article: Hesam, M. and Mahmoudi Chenari, H. (2025). Analysis of Perceptual Differences of Rural Stakeholders Regarding Obstacles to Cooperative Development in Gilan Province. Journal of Geography and Regional Development, 23(3), 197-222. Doi: 10.22067/jgrd.2025.88689.1448

awareness (2.86), and socio-cultural (2.69) components. Additionally, according to the binomial test findings, more than 50% of respondents believed these factors play a significant role in hindering cooperative development. Furthermore, statistically significant differences were observed between perception levels of the population in the five categories (identified obstacles and challenges) in three groups of respondents across four planning regions of Gilan Province (western, central, eastern and southern regions). These findings highlight the importance of prioritizing key obstacles and incorporating spatial and regional differences in stakeholders' perceptions when formulating effective development strategies for rural cooperatives.

Keywords: Rural Stakeholders; Rural Cooperatives; Gilan Province.

https://doi.org/10.22067/jgrd.2025.88689.1448
مقالهٔ پژوهشی

واکاوی و ارزیابی تفاوت ادراک ذی‌نفعان روستایی از موانع توسعهٔ تعاونی‌ها در استان گیلان

مهدی حسام (دانشیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران، نویسندهٔ مسئول)
mhesam@guilan.ac.ir

حبیب محمودی‌چناری (استادیار گروه مطالعات ناحیه‌ای، پژوهشکدهٔ محیط زیست، جهاد دانشگاهی،رشت، ایران)
habib.mahmoodi@alumni.ut.ac.ir

چکیده

تعاونی‌های روستایی همواره به‌عنوان نهادهایی که پشتیبان توسعه هستند، همگام با سیاست‌های دولت در بهبود زندگی، وضعیت تولید، ارائهٔ خدمات، ارتقاء سطح درآمد و وضعیت اجتماعی جوامع محلی نقش مؤثری ایفا می‌نمایند. در این بین مشکلاتی در مسیر توسعهٔ این نهادها وجود دارد که باید برطرف شوند. این مقاله با هدف بررسی و ارزیابی تفاوت‌های ادراکی ذی‌نفعان روستایی از موانع توسعهٔ تعاونی‌ها در چهار منطقهٔ کلان برنامه‌ریزی استان گیلان براساس سند آمایش سرزمین است. جامعهٔ آماری این تحقیق شامل کلیهٔ متخصصین، کارشناسان و اعضای تعاونی‌های روستایی است که شامل ۲۳ نفر از متخصصان، ۱۸ نفر از کارشناسان ادارات کار، تعاون و رفاه اجتماعی شهرستان‌های استان گیلان و ۲۳۶ نفر از اعضای تعاونی‌های روستایی استان می‌شود. داده‌های به‌دست آمده با استفاده از آزمون‌های توصیفی و استنباطی مورد تجزیه‌وتحلیل قرار گرفته است. نتایج حاصل از آزمون فریدمن به‌ترتیب پنج مؤلفهٔ اقتصادی (۳/۵۸) نهادی – مدیریتی(۳/۰۰)، قوانین(۲/۸۷)، آگاهی(۲/۸۶) و اجتماعی – فرهنگی(۲/۶۹) را از مهم‌ترین موانع توسعهٔ تعاونی‌ها معرفی می‌کند. همچنین نتایج به‌دست آمده براساس آزمون دوجمله‌ای نشان می‌دهد که بیش از ۵۰ درصد پاسخ‌دهندگان اعتقاد داشتند که موانع مذکور در توسعهٔ تعاونی‌های روستایی نقش داشته‌اند، اما بین سطح ادراک جامعهٔ نمونه ازمقولات پنجگانه (موانع و چالش‌های شناسایی) در سه گروه پرسش‌شوندگان براساس تقسیم‌بندی نواحی چهارگانه کلان برنامه‌ریزی که در طرح آمایش سرزمین استان گیلان پیشنهاد شده است، تفاوت معناداری در هریک از این نواحی چهارگانه **غربی، مرکزی، شرقی و جنوبی استان گیلان** وجود

نشریه جغرافیا و توسعه ناحیه ای، سال بیست و سوم، شماره ۳، پاییز ۱۴۰۴، شماره پیاپی ۵۲ صص ۲۲۲-۱۹۷
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۰۷ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۴/۱۱ تاریخ تصویب: ۱۴۰۴/۰۴/۲۱

دارد. یافته‌ها حاکی از آن است که برای تدوین راهبردهای توسعه‌ای مؤثر، اولویت‌بندی این موانع و توجه به تفاوت‌های فضایی–منطقه‌ای در ادراک ذی‌نفعان امری ضروری به نظر می‌رسد.

واژگان کلیدی: ذی‌نفعان روستایی، تعاونی‌های روستایی، استان گیلان.

۱. مقدمه

تعاونی‌های روستایی به‌عنوان یکی از ابزارهای مؤثر در تحقق توسعهٔ پایدار روستایی، نقشی کلیدی در تقویت سرمایهٔ اجتماعی، توانمندسازی اقتصادی و بهبود معیشت جوامع محلی ایفا می‌کنند. این تعاونی‌ها با تکیه بر مشارکت داوطلبانهٔ روستاییان و در راستای پاسخ‌گویی به نیازهای مشترک آن‌ها شکل گرفته‌اند (درویشی، شریف‌زاده و عبدالله‌زاده، ۱۳۹۶: ۴۴). درحالی که اهمیت این نهادها در اسناد بالادستی نظیر اصل ۴۴ قانون اساسی و سند چشم‌انداز توسعهٔ اقتصادی کشور به رسمیت شناخته شده است (حضرتی، مجیدی و رحمانی، ۱۳۸۹)، اما عملکرد عملی آن‌ها همواره با چالش‌ها و موانعی روبه‌رو بوده که مانع از تحقق ظرفیت‌های بالقوهٔ آن‌ها شده است.

در سال‌های اخیر، تحولات جهانی در ابعاد سیاسی، اقتصادی و فناوری، ساختار سنتی و عملکرد تعاونی‌ها را تحت‌تأثیر قرار داده‌اند. بسیاری از تعاونی‌ها در پاسخ‌گویی به فشارهای ناشی از جهانی‌شدن، رقابت‌های فزاینده و تغییرات فناوری، با دشواری مواجه شده‌اند (صفری، ۱۳۸۸). از سوی دیگر، در ایران، حضور گسترده و مداخله‌گرایانهٔ دولت در ادارهٔ شرکت‌های تعاونی، به کاهش استقلال و انگیزه در میان فعالان اقتصادی انجامیده و از پویایی این بخش کاسته است (گوهریان، ۱۳۸۹).

با توجه اینکه پژوهش‌های پیشین عمدتاً بر موانع ساختاری یا اقتصادی در سطح ملی تمرکز داشته‌اند و مطالعات اندکی به تحلیل تفاوت دیدگاه‌ها و برداشت‌های ذی‌نفعان محلی در خصوص موانع توسعهٔ تعاونی‌ها پرداخته‌اند؛ در این پژوهش تلاش می‌شود تا با تمرکز بر مناطق چهارگانهٔ برنامه‌ریزی استان گیلان به استناد طرح آمایش سرزمین، به بررسی و واکاوی این موضوع پرداخته

شود که ذی‌نفعان روستایی، شامل اعضای تعاونی، مدیران محلی، کارشناسان و نهادهای پشتیبان، چه موانعی را در مسیر توسعهٔ تعاونی‌های روستایی درک می‌کنند و این ادراکات تا چه اندازه با یکدیگر تفاوت دارد.

به‌عبارتی هدف اصلی تحقیق حاضر، شناخت دقیق موانع توسعهٔ تعاونی‌ها از منظر ذی‌نفعان محلی و تحلیل تفاوت‌های موجود در ادراک آن‌ها از این چالش‌ها در سطوح چهارگانهٔ نظام برنامه‌ریزی استان گیلان برمبنای سند آمایش است. این بررسی می‌تواند به شناسایی شکاف‌های موجود میان سیاست‌گذاران، مجریان و بهره‌برداران کمک کرده و زمینه‌ساز ارائهٔ پیشنهادهایی برای بهبود عملکرد تعاونی‌ها بر پایهٔ واقعیت‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی بومی شود. براین‌اساس پژوهش حاضر به‌جای پرداختن صرف به موانع عینی و ساختاری، بر ادراک ذهنی و اجتماعی ذی‌نفعان محلی از موانع توسعه تمرکز دارد و این ادراکات را با یکدیگر مقایسه می‌کند. این رویکرد می‌تواند دریچه‌ای تازه به شناخت شکاف‌های پنهان در سیاست‌گذاری‌ها و عملکرد تعاونی‌ها در مناطق روستایی گیلان باز کند.

۲. پیشینهٔ تحقیق

تعاونی‌های روستایی به‌عنوان نهادهای محوری توسعه، با چالش‌های متعددی روبه‌رو هستند که شناسایی آن‌ها برای موفقیت و پایداری این تشکل‌ها ضروری است. در این زمینه، پژوهش‌های داخلی متعددی به بررسی ابعاد مختلف این موانع پرداخته‌اند. در ادامه، مروری بر مهم‌ترین مطالعات مرتبط ارائه می‌شود تا ضمن بررسی سیر پیشینه، جایگاه و ضرورت پژوهش حاضر نیز تبیین گردد.

نوروزی اجیرلو و همکاران (۱۴۰۳) در مطالعه‌ای با عنوان «واکاوی موانع و مشکلات توسعهٔ کارآفرینی روستایی در شرکت‌های تعاونی و کشاورزی» با رویکردی کیفی و تفسیری نشان می‌دهند که توسعهٔ کارآفرینی در تعاونی‌های روستایی با چالش‌های چندبعدی پیچیده‌ای مواجه است. یافته‌های ایشان حاکی از آن است که این موانع در قالب پنج دستهٔ اصلی فرهنگی، ساختار سازمانی،

حمایت‌های کارآفرینی، ساختار فنی و ساختار مدیریتی قابل‌توصیف هستند و ضعف مهارت‌های مدیریتی تأثیری مثبت و مستقیم بر شکست این کسب‌وکارها دارد.

حسام و محمودی‌چناری (۱۴۰۴) در پژوهشی کیفی، موانع توسعهٔ تعاونی‌های روستایی گیلان را در قالب پنج مقوله‌ی نهادی–مدیریتی، اقتصادی، اجتماعی–فرهنگی، سطح آگاهی و قوانین شناسایی کردند. امدادی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی در استان گلستان، با تحلیل SWOT نشان دادند تعاونی‌های روستایی در موضع راهبرد تهاجمی قرار دارند؛ یعنی باید از نقاط قوت داخلی (مانند امکان تسهیلات) برای بهره‌برداری از فرصت‌های خارجی (مانند معافیت‌های مالیاتی) استفاده کنند. مهم‌ترین ضعف‌ها، فردگرایی، مشکل وثیقه و ضعف فناوری بود. کریم (۱۳۹۴) در مطالعه‌ای با عنوان «چالش‌های شبکه‌های تعاونی روستایی ایران»، به روش توصیفی–تحلیلی و با استفاده از نظرات متخصصان، خبرگان و ذی‌نفعان این حوزه، به شناخت و اولویت‌بندی موانع پیش روی تعاونی‌های روستایی در سطح ملی پرداخت. یافته‌های این پژوهش که با بهره‌گیری از تحلیل‌های آماری پیشرفته مانند رگرسیون گام‌به‌گام حاصل شده، نشان می‌دهد که مهم‌ترین چالش‌ها به‌ترتیب اولویت مربوط به عوامل سیاسی (با ضریب تأثیر ۰.۵۹۴)، عوامل اقتصادی، عوامل ساختاری–مدیریتی و در نهایت عوامل اجتماعی–فرهنگی (با کمترین ضریب تأثیر ۰.۰۹۹) است. نظری و همکاران (۱۴۰۴) در پژوهشی کیفی با مدیران تعاونی‌های شهرکرد، چالش‌های توسعه را در سه حوزهٔ اقتصادی، دولتی و اجتماعی شناسایی کردند. این چالش‌ها تحت تأثیر عوامل علّی (مانند ضعف مدیریت)، زمینه‌ای (مانند زیرساخت) و مداخله‌گر (مانند قوانین) قرار داشتند. آجیلی، کاظمی و خسروی‌پور (۱۴۰۱) در مطالعه‌ای پیمایشی، دیدگاه ۲۲۶ عضو تعاونی‌های تولیدی در شرق کرمانشاه را بررسی کردند. نتایج نشان داد که سطح تحصیلات، سابقهٔ عضویت و آموزش با درک آنان از موانع و راهکارهای توسعهٔ تعاونی رابطهٔ معنادار دارد. این یافته‌ها بر نقش دانش و تجربهٔ عملی در شکل‌دهی به ادراک ذی‌نفعان تأکید می‌کند. مطالعات پیشین نشان می‌دهد موانع توسعهٔ تعاونی‌های روستایی چندبعدی است و عمدتاً در چهار حوزهٔ کلی دسته‌بندی می‌شوند: مدیریتی و نهادی،

اقتصادی و زیرساختی، اجتماعی-فرهنگی و قانونی و سیاسی. این پژوهش‌ها همچنین نشان داده‌اند که ویژگی‌های فردی مانند سطح تحصیلات و تجربهٔ عملی بر درک این موانع تأثیر می‌گذارد. بااین‌حال، علیرغم اشاره به نقش ذی‌نفعان متنوع، تمرکز غالب بر ارائهٔ دیدگاه کلی و یکپارچه بوده و تفاوت نظام‌مند در ادراک و اولویت‌بندی این موانع بین گروه‌های کلیدی ذی‌نفع مانند اعضای عادی، مدیران، زنان و کشاورزان در یک بافت جغرافیایی مشخص به‌طور عمیق بررسی نشده است. پژوهش حاضر با هدف پرکردن این شکاف، به واکاوی تفاوت ادراک میان ذی‌نفعان مختلف روستایی در استان گیلان می‌پردازد.

۳. روش‌شناسی

تحقیق حاضر از نظر هدف، نوعی تحقیق کاربردی و از لحاظ روش و ماهیت جزو تحقیقات توصیفی است و از نظر بازه زمانی، مقطعی محسوب می‌شود. روشی که در این پژوهش به کار رفته شد، آمیزه‌ای از روش‌های تحقیق کتابخانه‌ای، میدانی و پیمایشی است. دراین راستا جهت ارزیابی موانع توسعهٔ تعاونی‌های روستایی در استان گیلان، از پرسشنامه با طیف لیکرت ۵ گزینه‌ای بهره گرفته شده است. سؤالات پرسشنامه در ۵ بخش (فرهنگی و هویتی، اجتماعی، اقتصادی، آموزشی و پژوهشی، نهادی و محیطی و زیرساختی) طراحی شده است که در هر بخش به تناسب سؤالات مربوط به هر شاخص درج شده است. در ادامه جهت پایایی پرسشنامه با روش آلفای کرونباخ و استفاده از نرم‌افزار SPSS استفاده شد؛ به این شکل که بعد از توزیع ۲۰ پرسشنامه به‌عنوان آزمون ابتدایی ضریب آلفای کرونباخ به میزان ۰/۹۴۱ به دست آمد. تعداد افراد پاسخگو به سؤالات شامل ۲۳ نفر از متخصصان، ۱۸ نفر از کارشناسان ادارات کار، تعاون و رفاه اجتماعی شهرستان‌های استان گیلان و ۲۳۶ نفر از اعضای تعاونی‌های روستایی استان هستند. نمونه‌گیری به‌صورت روش در دسترس و به شکل تصادفی از بین کلیهٔ این افراد انتخاب گردید. بدین‌ترتیب برای انتخاب نمونه‌ها در جامعهٔ آماری متخصصان از روش گلوله‌برفی استفاده شد؛ به‌این‌ترتیب که از همهٔ متخصصان

معرفی شده در استان گیلان جهت تکمیل پرسشنامه استفاده گردید. در انتخاب کارشناسان نیز از همهٔ کارشناسان حوزهٔ تعاون ادارات کار، تعاون و رفاه اجتماعی شهرستان‌های استان گیلان بهره گرفته شد. برای تعداد نمونهٔ اعضای تعاونی‌های روستایی استان نیز از فرمول کوکران استفاده شد. در این روش میزانd ، ۰/۰۵، P، ۰/۷ و میزان Q، ۰/۳ در نظر گرفته شده است. با توجه به این موارد تعداد ۲۴۱ نفر به‌عنوان نمونهٔ آماری این تحقیق انتخاب شدند که ۲۳۶ نفر پرسشنامه را پاسخ دادند. داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از روش‌های آمار توصیفی (جدول و نمودارهای توزیع فراوانی) و استنباطی مورد تجزیه‌وتحلیل قرار گرفت. سپس به‌منظور شناسایی و اولویت‌بندی موانع توسعهٔ تعاونی‌ها و تحلیل تفاوت ادراکات ذی‌نفعان از آزمون‌های دوجمله‌ای و فریدمن استفاده شده است. در این تحقیق همچنین، استفاده از تقسیم‌بندی نواحی چهارگانه طرح آمایش سرزمین استان گیلان به‌عنوان چارچوب جغرافیایی، امکان تحلیل تفاوت‌های منطقه‌ای را فراهم کرد و به شناسایی الگوهای منطقه‌ای موانع کمک نمود.

محدودهٔ مورد مطالعه نیز شامل استان گیلان و واحد مورد مطالعه تعاونی‌های روستایی است. در مجموع استان گیلان ۲۸۹۵ روستا دارد (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵) که از این تعداد، ۴۸۰ روستا دارای ۹۳۷ تعاونی هستند. براساس آمار سال ۱۴۰۲، استان گیلان دارای ۲۴۵۴ تعاونی فعال است که ۶۱/۸۲٪ (۱۵۱۷ تعاونی) در مناطق شهری و ۳۸/۱۸٪ (۹۳۷ تعاونی) در مناطق روستایی قرار دارند. شهرستان رشت با ۴۵۴ تعاونی (۳۹۷ شهری، ۵۷ روستایی) بیشترین تعداد تعاونی را دارد و رضوان‌شهر با ۶۱ تعاونی (۴۱ شهری، ۲۰ روستایی) کمترین تعداد را دارد. بالاترین درصد تعاونی‌های روستایی نسبت به شهری در صومعه‌سرا (۶۲/۷۷٪)، فومن (۵۹/۷۵٪)، و شفت (۵۹/۰۶٪) و کمترین در رشت (۱۲/۵۶٪)، آستارا (۲۴/۲۹٪)، و بندرانزلی (۲۶/۲۹٪) مشاهده می‌شود.

۴. مبانی نظری

تعاون یکی از ارکان کلیدی در نظام اقتصادی کشورها به‌ویژه کشورهای درحال‌توسعه به‌شمار می‌آید و بر مبنای اصول اجتماعی و اقتصادی خود، در بهبود تولید، اشتغال و سرمایهٔ اجتماعی نقش مؤثری ایفا می‌کند (هانگ[1]، ۲۰۱۷). طبق تعریف اتحادیهٔ بین‌المللی تعاون (ایکا[2]، ۲۰۰۵) ، تعاونی‌ها تشکل‌هایی خودگردان با مالکیت مشترک و کنترل دموکراتیک هستند که برای رفع نیازها و آرمان‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اعضا شکل می‌گیرند (لاوآنگن[3]، ۲۰۲۱). این نهادها با پوشش حوزه‌هایی چون کشاورزی، امنیت غذایی، امور مالی و بازاریابی، نقش محوری در توسعهٔ جوامع روستایی دارند (شفیعی و همکاران، ۲۰۱۹؛ ممبه و دوبی، ۲۰۱۷)[4] . تعاونی‌ها با بهبود دسترسی به منابع مالی و ارتقای بهره‌وری اقتصادی، به ایجاد معیشت پایدار، کاهش فقر و توسعهٔ روستاها کمک می‌کنند (فرگوسن، ۲۰۱۲؛ کلیانتوس و همکاران، ۲۰۱۹)[5]. در سال‌های اخیر، مطالعات متعددی به بررسی نقش مثبت تعاونی‌ها در توسعهٔ روستایی، اجتماعی و حتی سیاسی پرداخته‌اند (کومار و همکاران، ۲۰۱۵؛ اورتمن و کینگ، ۲۰۰۷؛ پومروی و همکاران، ۲۰۰۶)[6]. تجربهٔ کشورهایی مانند فیلیپین نشان می‌دهد که تعاونی‌ها توانسته‌اند وضعیت اقتصادی گروه‌های مختلف مانند ماهیگیران و کشاورزان کوچک را بهبود بخشند (باتی‌کادوس و همکاران، ۱۹۹۸؛ خیمنس و همکاران، ۲۰۱۸)[۷]. به‌همین ترتیب، در ایران نیز تعاونی‌های روستایی در زمینه‌های مختلف اجتماعی–اقتصادی فعال بوده‌اند و توانسته‌اند به‌عنوان ابزار مؤثر توسعهٔ روستایی، نقش‌آفرینی کنند (عارف و سارجیت، ۲۰۰۹).

1. Hong
2. ICA
3. Lawangen
4. Shafii et al., Mhembwe & Dube
5. Ferguson., Kleanthous et al
6. Kumar et al., Ortmann & King; Pomeroy et al.
7. Baticados et al., Jimenes et al

از منظر توسعهٔ اقتصادی، تعاونی‌ها می‌توانند بستر مناسبی برای کاهش تصدی‌گری دولت، ارتقای کارآفرینی و بهره‌گیری از سرمایه‌های اجتماعی فراهم سازند (عزیزی و معصومی، ۱۳۹۳). ترویج فرهنگ تعاون و باور به مزایای آن، از جمله روش‌هایی است که می‌توان از طریق آن، مشکلات اقتصادی و اجتماعی را حل کرد (رستم‌نژاد، ۱۳۸۱، مالکوم[1]، ۲۰۰۴). سرمایهٔ اجتماعی که شامل مفاهیمی چون اعتماد، مسئولیت‌پذیری و همکاری جمعی است، در ساختار و عملکرد تعاونی‌ها نمود بارزی دارد (دل‌انگیز، ۱۳۸۴). از سوی دیگر، تعاونی‌ها با آموزش و تمرین دموکراسی مشارکتی، زمینه‌ساز تربیت سیاسی و توسعهٔ حس مسئولیت‌پذیری در جوامع می‌شوند (جعفرپیشه، ۱۳۸۴).

تعاونی‌های روستایی با اهدافی چون ارتقای سطح زندگی روستاییان، افزایش بهره‌وری و فراهم‌سازی آموزش، به توسعهٔ پایدار کمک می‌کنند (کریم، ۱۳۹۴). از جمله مهم‌ترین آثار اقتصادی آن‌ها می‌توان به ایجاد مشاغل درآمدزا، توسعهٔ منابع انسانی، افزایش تجارت بین‌بخشی و دسترسی بهتر به بازارها اشاره کرد (عبدالرحمان[2]، ۲۰۱۷). در حوزهٔ اجتماعی نیز، تعاونی‌ها باعث تقویت انسجام اجتماعی، ارتقای سلامت اجتماعی و افزایش عدالت درآمدی می‌شوند (کوکسال و همکاران[3]، ۲۰۱۶؛ زارع‌آبادی و همکاران، ۲۰۱۵).

بااین‌وجود، تعاونی‌ها در مسیر رشد با چالش‌هایی مواجه‌اند. از جمله این چالش‌ها می‌توان به کمبود منابع مالی، ضعف در زیرساخت‌ها، ناکارآمدی مدیریتی، عدم مشارکت جوانان و دشواری در جذب نیروی انسانی متخصص اشاره کرد (دینگ، ۲۰۲۴؛ انگوا، ۲۰۲۲؛ رزمیاتی، ۲۰۲۳)[4]. همچنین، دسترسی محدود به بازارها و رقابت‌پذیری پایین نیز توان تعاونی‌ها را در توسعهٔ اقتصادی کاهش داده است (پرکاسا، ۲۰۲۳؛ وانر، ۲۰۱۹)[5]. در برخی کشورها مانند اتیوپی، نیجریه و آفریقای جنوبی،

1 . malkom
2 - Abdel-Rahman
3 - Koksal et al
4. Ding; Ngwa., Rosmayati
5. Perkasa., Wanner

تعاونی‌ها با چالش‌هایی مانند بی‌سوادی اعضا، ضعف حکمرانی و نرخ بالای ترک عضویت مواجه‌اند که عملکرد آن‌ها را تضعیف کرده است (نوانکو، ۲۰۱۲؛ خومالو، ۲۰۱۴)[1].

در این بین ادراک ذی‌نفعان، شامل اعضای تعاونی‌ها، مدیران، کارشناسان و متخصصان، نقش محوری در شناسایی و اولویت‌بندی موانع توسعهٔ تعاونی‌های روستایی ایفا می‌کند، زیرا این ادراکات نه‌تنها بازتاب‌دهندهٔ چالش‌های عینی مانند مشکلات اقتصادی یا قانونی هستند، بلکه تحت تأثیر عوامل اجتماعی، فرهنگی، و منطقه‌ای قرار دارند (واگنر، ۲۰۱۹)[2]. تفاوت در برداشت ذی‌نفعان از موانع که می‌تواند ناشی از سطح آگاهی، تجربهٔ کاری یا شرایط جغرافیایی باشد، به شناسایی شکاف‌های موجود بین سیاست‌گذاری و اجرا کمک می‌کند (ونکتاراگهاون، ۲۰۲۱)[3]. برای مثال، اعضای تعاونی‌ها ممکن است موانع اقتصادی را پررنگ‌تر ببینند، درحالی‌که کارشناسان بر مشکلات مدیریتی تأکید کنند. تحلیل این تفاوت‌های ادراکی، به‌ویژه در مناطق مختلف با ویژگی‌های بومی متفاوت، امکان تدوین راهکارهای هدفمند و متناسب با نیازهای محلی را فراهم می‌سازد و به توسعهٔ پایدار تعاونی‌ها کمک می‌کند (سایمونز و برچال، ۲۰۰۸)[4].تحلیل ادراک ذی‌نفعان از تعاونی‌ها به‌ویژه در مناطق خاصی مانند استان گیلان می‌تواند به شناسایی الگوهای تمرکز مشکلات و تدوین سیاست‌های اثربخش کمک کند. بررسی این ادراکات و چالش‌ها برای تدوین برنامه‌های دقیق‌تر توسعهٔ تعاونی‌های روستایی، افزایش کارایی و ارتقای پایداری آن‌ها در این منطقه ضروری است.

1. ETEFA., Nwankwo., Khumalo
2. Wagner, 2019
3. Venkataraghavan, 2021
4. Simons & Birchall, 2008

۵. یافته‌های تحقیق

در این پژوهش، یافته‌ها در سه محور اصلی شامل توصیف ویژگی‌های جمعیت‌شناختی پاسخ‌دهندگان، شناسایی و اولویت‌بندی موانع توسعهٔ تعاونی‌های روستایی در استان گیلان و تحلیل تفاوت ادراکات ذی‌نفعان از این موانع ارائه شده است.

در ارتباط با ویژگی‌های جمعیت شناختی، بررسی‌های اولیه نشان داد که عمدهٔ پاسخ‌دهندگان (بیش از ۶۰ درصد) در رده سنی ۳۶ تا ۴۵ سال قرار دارند و بیش از ۲۵ درصد نیز بین ۴۶ تا ۵۵ سال سن داشتند. اکثریت پاسخ‌دهندگان زن بودند و نزدیک به ۴۰ درصد از آن‌ها مدرک کارشناسی داشتند. همچنین، نیمی از پاسخ‌دهندگان دارای شغل آزاد بوده و یک‌چهارم از آنها در ادارات و فعالیت‌های دولتی اشتغال داشتند.

در ادامه به‌منظور ارزیابی نقش و جایگاه موانع شناسایی‌شده در ارتباط با ایجاد و توسعهٔ تعاونی‌های روستایی از آزمون دوجمله‌ای استفاده شد. با توجه به جدول شمارهٔ ۳ مشخص شد که نتایج در همهٔ شاخص‌ها معنادار بوده است. در شاخص آگاهی ۷۹ درصد از پاسخ‌دهندگان اعتقاد داشتند در استان گیلان موارد مربوط به آگاهی و اطلاع‌رسانی مانع جدی برای توسعهٔ تعاونی‌های روستایی محسوب می‌شود. این موضوع نشان‌دهندهٔ اهمیت آموزش و اطلاع‌رسانی به جامعهٔ هدف روستایی دربارهٔ تعاونی‌ها، اهداف، نحوهٔ تأسیس تعاونی‌ها، مزایا، موارد حقوقی و غیره است. در حقیقت بسیاری از متخصصان، مدیران و کارشناسان مربوط و اعضای تعاونی‌ها قائل به ضعف در این حوزه هستند. در شاخص قوانین نیز ۷۴ درصد پاسخ‌دهندگان اعتقاد بر زیاد و خیلی‌زیاد بودن این مانع دارند. درواقع موانع قانونی مانند فرآیند اخذ مجوزها یا تغییرات قوانین می‌تواند روند ایجاد یا توسعهٔ تعاونی‌ها را متوقف نماید. در شاخص اجتماعی و فرهنگی نیز ۷۸ درصد پاسخ‌دهندگان بالاتر از میانگین یعنی عدد ۳ نظر داشتند. به‌صورت کلی این شاخص به‌عنوان موضوعی اساسی در شکل‌گیری و توسعهٔ تعاونی‌ها مطرح می‌شود که می‌تواند بقیهٔ شاخص‌ها را نیز تحت‌تأثیر قرار دهد؛ چراکه درواقع ذی‌نفعان اصلی تعاونی‌ها، عامهٔ مردم و در موضوع مورد تحقیق روستاییان هستند که

چنانچه از لحاظ فرهنگی آمادگی پذیرش تعاونی‌ها را داشته باشند، این امر می‌تواند کمک بزرگی برای توسعهٔ آن محسوب گردد. در شاخص اقتصادی نیز ۸۵ درصد از افراد به زیاد و خیلی‌زیاد بودن این مانع اعتقاد داشتند. در این شاخص نگرانی‌های بسیاری از هر سه گروه پاسخ‌دهنده (متخصصان، کارشناسان و اعضای تعاونی‌های روستایی) مطرح شده است که از مهم‌ترین آنها ضعف بنیهٔ مالی و فرایند سخت دریافت تسهیلات یا نبود تسهیلات بانکی را می‌توان ذکر نمود. در همهٔ این مورد نکتهٔ قابل توجه آن است که بسیاری از اعضای تعاونی‌ها و حتی روستاییان غیرعضو در تعاونی‌ها، انتظارات بسیاری بالایی از نهادهای مربوطه به‌ویژه ادارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی جهت پرداخت تسهیلات دارند. حتی می‌توان ذکر نمود که برخی از افراد صرفاً به دلیل دریافت تسهیلات اقدام به تأسیس تعاونی نموده و عموماً پس از عدم توفیق در دریافت وام، اعلام انحلال نموده و یا اصلاً مراجعه‌ای جهت پیگیری امور تعاونی ندارند. آخرین شاخص نیز در بحث مدیریتی و نهادی است که به‌زعم ۸۴ درصد از پاسخ‌دهندگان مانعی بیش از حد متوسط محسوب می‌گردد.

جدول ۱. نتایج آزمون دو جمله‌ای مربوط به شاخص‌های مورد بررسی

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۳

گویه		طبقه	فراوانی	فراوانی مشاهده‌شده	فراوانی مورد انتظار	معناداری برای فراوانی مورد انتظار
آگاهی	گروه اول	۳ =>	۵۸	۰/۲۱	۰/۵۰	۰/۰۰۰
	گروه دوم	۳ <	۲۱۹	۰/۷۹		
	جمع		۲۷۷	۱		
قوانین	گروه اول	۳ =>	۷۰	۰/۲۶	۰/۵۰	۰/۰۰۰
	گروه دوم	۳ <	۱۹۸	۰/۷۴		
	جمع		۲۶۸	۱		
اجتماعی و فرهنگی	گروه اول	۳ =>	۵۸	۰/۲۲	۰/۵۰	۰/۰۰۰
	گروه دوم	۳ <	۲۱۰	۰/۷۸		
	جمع		۲۶۸	۱		

گویه		طبقه	فراوانی	فراوانی مشاهده‌شده	فراوانی مورد انتظار	معناداری برای فراوانی مورد انتظار
اقتصادی	گروه اول	۳ =>	۴۲	۰/۱۵	۰/۵۰	۰/۰۰۰
	گروه دوم	۳ <	۲۳۲	۰/۸۵		
	جمع		۲۷۴	۱		
نهادی و مدیریتی	گروه اول	۳ =>	۴۳	۰/۱۶	۰/۵۰	۰/۰۰۰
	گروه دوم	۳ <	۲۳۴	۰/۸۴		
	جمع		۲۷۷	۱		

در ادامه برای رتبه‌بندی شاخص‌های مربوط به موانع ایجاد و توسعهٔ تعاونی‌های روستایی در استان گیلان از آزمون فریدمن استفاده شد. نتیاج این آزمون نشان می‌دهد به‌ترتیب شاخص اقتصادی، مدیریتی و نهادی، قوانین، آگاهی و اجتماعی و فرهنگی به‌عنوان مهم‌ترین موانع قلمداد می‌شوند.

جدول ۲- نتایج آزمون فریدمن در سطح شاخص‌های مورد بررسی

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۳

رتبه	میانگین رتبه ای	شاخص
۱	۳/۵۸	اقتصادی
۲	۳/۰۰	نهادی و مدیریتی
۳	۲/۸۷	قوانین
۴	۲/۸۶	آگاهی
۵	۲/۶۹	اجتماعی و فرهنگی
۰/۰۰۰		معناداری

در جدول زیر نتایج آزمون دو جمله‌ای مربوط به گویه‌های شاخص آگاهی مشاهده می‌شود. در گویه عدم مهارت و تخصص مدیر، ۶۲ درصد پاسخ‌دهندگان اذعان دارند که این مانع بیش از حد متوسط یعنی ۳ به‌عنوان چالش مطرح است. حضور افراد بدون تخصص و مهارت لازم، عدم

بهره‌مندی از دوره‌های آموزشی، عدم الزام به شرکت در کلاس‌های آموزشی قبل از تأسیس شرکت و ناآشنایی اعضا با اصول تعاونی نیز از دیگر گویه‌های معنادار آزمون دو جمله‌ای بودند که در همهٔ آنها بیش از ۶۰ درصد افراد اعتقاد به مانع زیاد و خیلی‌زیاد داشتند.

در شاخص قوانین براساس آزمون دوجمله‌ای، گویهٔ مالیات‌های سنگین و نبود سازکار مشخص در خصوص دریافت آن با ۶۳ درصد مهم‌ترین مانع محاسبه گردید.

براساس آزمون دوجمله‌ای در شاخص اجتماعی و فرهنگی، گویه‌های عدم توانایی ابتکار و نوآوری با ۶۱ درصد، عدم حمایت از ایده‌های جدید و بروز با ۵۸ درصد، غیرعلمی بودن مدیریت با ۶۱ درصد، عدم بکارگیری نیروی‌های متخصّص با ۶۶ درصد، انتخاب نکردن افراد شایسته در کادر اجرایی با ۶۰ درصد، توزیع ناعادلانهٔ وام و تسهیلات دیگر براساس پارتی و سفارش با ۵۸ درصد، عدم تمایل اعضا به ارتقای دانش کاری با ۶۰ درصد و عدم انگیزهٔ افراد برای ادامهٔ کار به واسطهٔ مشکلات و موانع موجود با ۶۱ درصد بالاتر از حد متوسط موانع معنادار هستند.

نتایج آزمون دو جمله‌ای مربوط به گویه‌های شاخص اقتصادی نشان می‌دهد که تقریباً همهٔ موانع معنادار هستند، اما گویه‌های افزایش هزینه‌های تولید و فرآیند پیچیدهٔ تخصیص وام بالاترین درصد موافقت با عدد بیشتر از میانگین یعنی ۳ را داشتند.

رتبه‌بندی گویه‌های نهادی مدیریتی با استفاده از آزمون فریدمن نیز نشان داده که به‌ترتیب حمایت نشدن کارهای تولیدی در سیاست‌های کلان مملکتی، عدم حمایت سازمان‌های ذی‌ربط در زمینهٔ فروش و ضعف زیرساخت‌های توسعه‌ای مهم‌ترین موانع این شاخص برای ایجاد و توسعهٔ شرکت‌های تعاونی روستایی استان گیلان هستند.

در ادامه جهت بررسی تفاوت نظرات بین سه گروه متخصصان، کارشناسان و اعضای تعاونی‌ها از آزمون کروسکال والیس استفاده شد. نتایج نشان می‌دهد تفاوت معناداری بین نظرات سه گروه فوق‌الذکر وجود ندارد.

جدول ۳. نتایج آزمون کروسکال والیس بین نظرات سه گروه متخصصان، کارشناسان و اعضای تعاونی‌ها

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۳

پاسخ‌دهندگان	تعداد	میانگین رتبه‌ای
متخصصان	۲۳	۱۶۶/۲۶
کارشناسان	۱۸	۱۲۲/۹۲
اعضای تعاونی‌ها	۲۳۶	۱۳۷/۵۷
جمع	۲۷۷	
معناداری	۰/۱۷۷	

اما جهت بررسی تفاوت نظرات اعضای تعاونی‌ها در نواحی مختلف استان گیلان از تقسیم‌بندی نواحی چهارگانه کلان برنامه‌ریزی که در طرح آمایش سرزمین استان گیلان پیشنهاد شده است، استفاده گردید. این آزمون غیرپارامتریک برای مقایسهٔ توزیع داده‌ها در گروه‌های مختلف (نواحی چهارگانه) مناسب است، به‌ویژه زمانی که داده‌ها (مانند امتیازات طیف لیکرت) نرمال نیستند. این آزمون امکان شناسایی تفاوت‌های معنادار بین نواحی را فراهم کرد.

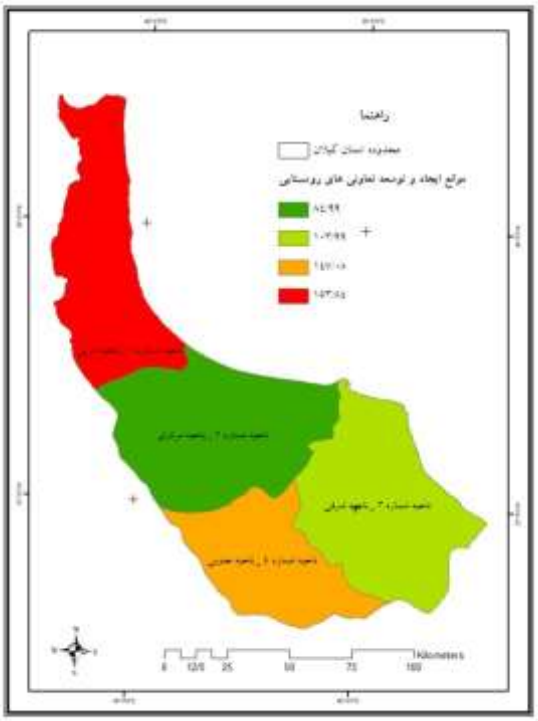
نتایج آزمون کروسکال والیس برای بررسی تفاوت نظرات اعضای تعاونی‌ها در نواحی چهارگانه کلان برنامه‌ریزی آمایش سرزمین استان گیلان نشان می‌دهد که تفاوت معناداری بین نظرات اعضای تعاونی‌های این چهار ناحیه وجود دارد. براین‌اساس ناحیهٔ غربی با بیشترین مانع در ایجاد و توسعهٔ تعاونی‌های روستایی مواجه است و پس از آن ناحیهٔ جنوبی، شرقی و مرکزی قرار دارند.

جدول ۴. نتایج آزمون کروسکال والیس بین نظرات اعضای تعاونی‌ها در نواحی چهارگانه برنامه‌ریزی

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۳

نواحی چهارگانه برنامه‌ریزی	تعداد	میانگین رتبه‌ای
ناحیه شماره ۱ – ناحیه غربی	۸۳	۱۵۳/۸۴
ناحیه شماره ۲ – ناحیه مرکزی	۶۷	۸۴/۹۹
ناحیه شماره ۳ – ناحیه شرقی	۷۳	۱۰۳/۹۹

میانگین رتبه‌ای	تعداد	نواحی چهارگانه برنامه‌ریزی
۱۴۷/۰۸	۱۳	ناحیه شماره ۴ – ناحیه جنوبی
۲۳۶		جمع
۰/۰۰۰		معناداری



شکل ۱- نتایج آزمون کروسکال والیس بین نظرات اعضای تعاونی‌ها در نواحی چهارگانه برنامه‌ریزی به‌صورت کلی

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۳

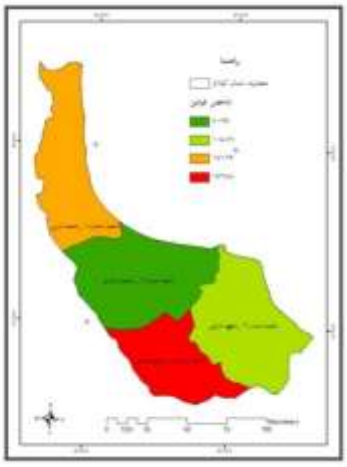
اما نتایج آزمون کروسکال والیس برای بررسی تفاوت نظرات اعضای تعاونی‌ها در نواحی چهارگانه کلان برنامه‌ریزی آمایش سرزمین استان گیلان در شاخص‌های مختلف نیز نشان می‌دهد که تفاوت معناداری بین نظرات اعضای تعاونی‌های این چهار ناحیه وجود دارد. در شاخص آگاهی ناحیهٔ غربی با بیشترین مشکل مواجه است و پس از آن ناحیهٔ جنوبی، شرقی و مرکزی قرار دارند. در شاخص قوانین بیشترین مشکل مربوط به ناحیهٔ جنوبی، غربی، شرقی و مرکزی است. در شاخص اجتماعی و فرهنگی نیز به‌ترتیب نواحی جنوبی، غربی، شرقی و مرکزی قرار دارند. در شاخص اقتصادی به‌ترتیب نواحی غربی، جنوبی، شرقی و مرکزی قرار دارند. در شاخص نهادی و مدیریتی نیز نواحی جنوبی، غربی، شرقی و مرکزی قرار دارند.

جدول ۵. نتایج آزمون کروسکال والیس بین نظرات اعضای تعاونی‌ها در نواحی چهارگانه برنامه‌ریزی براساس شاخص‌های مختلف

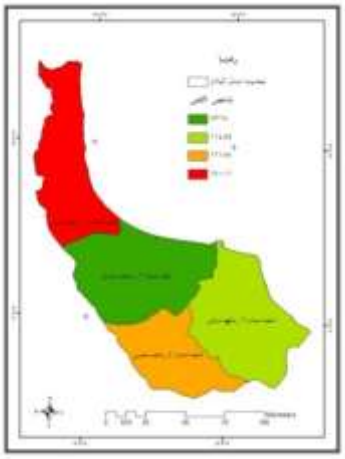
منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۳

شاخص	نواحی چهارگانه برنامه‌ریزی	تعداد	میانگین رتبه‌ای
آگاهی	ناحیه شماره ۱ – ناحیه غربی	۸۳	۱۵۰/۰۱
	ناحیه شماره ۲ – ناحیه مرکزی	۶۷	۸۳/۱۸
	ناحیه شماره ۳ – ناحیه شرقی	۷۳	۱۱۴/۴۹
	ناحیه شماره ۴ – ناحیه جنوبی	۱۳	۱۲۱/۸۸
	جمع	۲۳۶	
قوانین	ناحیه شماره ۱ – ناحیه غربی	۸۱	۱۴۱/۲۹
	ناحیه شماره ۲ – ناحیه مرکزی	۶۵	۸۰/۹۸
	ناحیه شماره ۳ – ناحیه شرقی	۶۸	۱۰۴/۸۶
	ناحیه شماره ۴ – ناحیه جنوبی	۱۳	۱۵۶/۸۸
	جمع	۲۲۷	
اجتماعی و فرهنگی	ناحیه شماره ۱ – ناحیه غربی	۸۱	۱۳۷/۱۴
	ناحیه شماره ۲ – ناحیه مرکزی	۶۵	۸۷/۱۲
	ناحیه شماره ۳ – ناحیه شرقی	۶۸	۱۰۶/۸۵
	ناحیه شماره ۴ – ناحیه جنوبی	۱۳	۱۴۱/۶۲

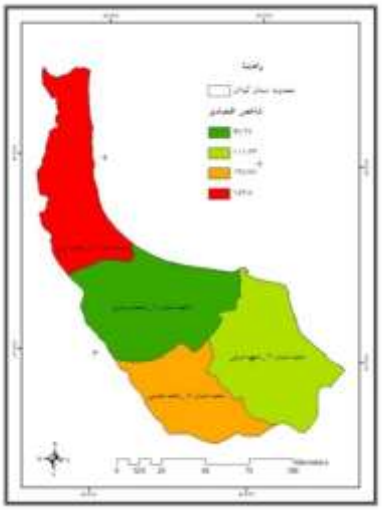
شاخص	نواحی چهارگانه برنامه‌ریزی	تعداد	میانگین رتبه‌ای
	جمع	۲۲۷	
اقتصادی	ناحیه شماره ۱ – ناحیه غربی	۸۱	۱۴۳/۸
	ناحیه شماره ۲ – ناحیه مرکزی	۶۶	۹۷/۲۷
	ناحیه شماره ۳ – ناحیه شرقی	۷۳	۱۰۱/۲۳
	ناحیه شماره ۴ – ناحیه جنوبی	۱۳	۱۳۸/۷۷
	جمع	۲۳۳	
مدیریتی	ناحیه شماره ۱ – ناحیه غربی	۸۳	۱۴۸/۸۵
	ناحیه شماره ۲ – ناحیه مرکزی	۶۷	۹۴/۴
	ناحیه شماره ۳ – ناحیه شرقی	۷۳	۱۰۲/۹۳
	ناحیه شماره ۴ – ناحیه جنوبی	۱۳	۱۳۶/۳۵
	جمع	۲۳۶	
معناداری		۰/۰۰۰	



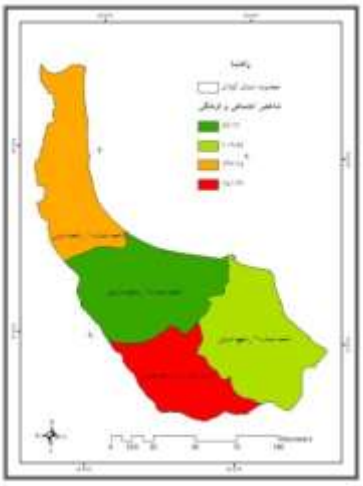
شکل۲- نتایج آزمون کروسکال والیس بین نظرات اعضای تعاونی‌ها در نواحی چهارگانه برنامه‌ریزی در شاخص قوانین



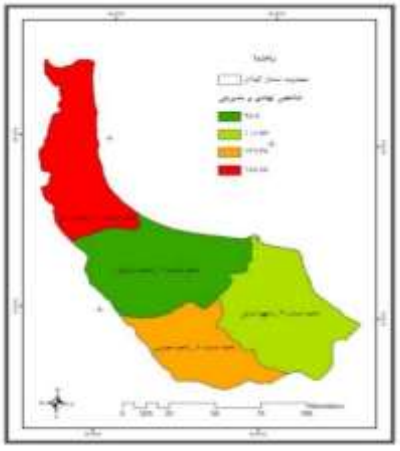
شکل۳- نتایج آزمون کروسکال والیس بین نظرات اعضای تعاونی‌ها در نواحی چهارگانه برنامه‌ریزی در شاخص آگاهی



شکل ۴- نتایج آزمون کروسکال والیس بین نظرات اعضای تعاونی‌ها در نواحی چهارگانه برنامه‌ریزی در شاخص اقتصادی



شکل ۵- نتایج آزمون کروسکال والیس بین نظرات اعضای تعاونی‌ها در نواحی چهارگانه برنامه‌ریزی در شاخص اجتماعی و فرهنگی



شکل ۶- نتایج آزمون کروسکال والیس بین نظرات اعضای تعاونی‌ها در نواحی چهارگانه برنامه‌ریزی در شاخص نهادی و مدیریتی

۶. نتیجه‌گیری

با توجه به اینکه هدف تعاونی‌ها پیروی از یک هدف مشترک برای کلیهٔ اعضا است، مشکلات موجود در این مسیر نیز مربوط به همهٔ ذی‌نفعان می‌شود. گسترش فرهنگ تعاون در جامعه می‌تواند بسیاری از چالش‌های موجود را رفع نماید. البته این چالش‌ها در بین ذی‌نفعان مختلف تعاونی‌ها (مدیران و کارشناسان نهادهای دولتی، اعضای هیئت مدیره و مدیران عامل تعاونی‌ها، اعضای تعاونی‌ها، روستاییان و غیره) دارای تفاوت است. مسئلهٔ مهم دراین‌باره، شناسایی دقیق موانع و برنامه‌ریزی در جهت رفع آنها است.

استان گیلان دارای ۲۴۵۴ تعاونی فعال است که از این تعداد ۱۵۱۷ تعاونی در مناطق شهری (۶۱. ۸۲ درصد) و ۹۳۷ تعاونی در مناطق روستایی (۳۸. ۱۸ درصد) قرار دارند. با توجه به اینکه در این استان ۲۸۹۵ روستا وجود دارد که از این تعداد، ۴۸۰ روستا دارای ۹۳۷ تعاونی به‌صورت عمومی هستند، مشخص است که بسیاری از مناطق روستایی تعاونی نداشته و یا انحلال تعاونی‌ها صورت گرفته است. بنابراین ارزیابی موانع این موضوع بسیار ضروری است.

در تحقیق حاضر، واکاوی و ارزیابی تفاوت ادراک ذی‌نفعان روستایی از موانع توسعهٔ تعاونی‌ها در استان گیلان مورد بررسی قرار گرفت. نتایج به‌دست آمده نشان می‌دهد که به‌ترتیب پنج مؤلفهٔ اقتصادی، نهادی – مدیریتی، قوانین، آگاهی و اجتماعی – فرهنگی مهم‌ترین موانع به شمار می‌روند. این موانع از دیدگاه ۲۳ نفر از متخصصان، ۱۸ نفر از کارشناسان ادارات کار، تعاون و رفاه اجتماعی شهرستان‌های استان گیلان و ۲۳۶ نفر از اعضای تعاونی‌های روستایی استان منتج شده است.

تفاوت در سطح ادراکات جامعهٔ هدف در نواحی چهارگانه استان گیلان، خود نشان‌دهندهٔ لزوم برنامه‌ریزی‌های منطقه‌ای و هدفمند است. در شاخص آگاهی، نیاز بیشتر اعضای تعاونی‌ها به آموزش و اطلاع‌رسانی برای رسیدن به سطح مطلوب آگاهی، به‌ویژه در ناحیهٔ غربی، برجسته است. این

موضوع می‌تواند به دلیل ضعف زیرساخت‌های آموزشی و اطلاع‌رسانی در این مناطق باشد که منجر به عدم آشنایی کافی با مزایای تعاونی‌ها و اصول آن شده است.

در شاخص قوانین، تفاوت‌ها در ادراک موانع قانونی، به‌ویژه در ناحیهٔ جنوبی، ممکن است ناشی از چالش‌های خاص در اجرای قوانین محلی و ملی در این نواحی باشد که نیاز به بررسی دقیق‌تر و اصلاحات قانونی دارد. این چالش‌ها می‌تواند شامل فرآیندهای پیچیدهٔ اخذ مجوز یا مشکلات ناشی از مالیات‌های سنگین باشد که در این مناطق بیشتر احساس می‌شود.

در شاخص اجتماعی و فرهنگی، نتایج نشان می‌دهد که نواحی جنوبی نیاز به تقویت تعاملات اجتماعی و فرهنگی و تشویق مشارکت اعضا دارند. این موضوع می‌تواند بیانگر ضعف سرمایهٔ اجتماعی و روحیهٔ مشارکت‌پذیری پایین‌تر در این مناطق باشد که مانع از بهره‌مندی کامل از پتانسیل‌های تعاونی‌ها می‌شود.

در شاخص اقتصادی، تفاوت‌ها در ادراک موانع اقتصادی، به‌ویژه در نواحی غربی و جنوبی، ممکن است به دلیل تفاوت در سطح سرمایه‌گذاری، دسترسی به تسهیلات مالی و میزان تولید ناخالص داخلی در این نواحی باشد که نیاز به برنامه‌ریزی اقتصادی دقیق‌تر دارد. این امر می‌تواند شامل نیاز مبرم به وام‌های کم‌بهره و کاهش هزینه‌های تولید باشد.

در شاخص نهادی و مدیریتی نیز، نتایج نشان می‌دهد که نواحی جنوبی و غربی نیاز به بهبود رهبری، برنامه‌ریزی مدیریتی و حمایت‌های سازمانی دارند تا بتوانند به سطح مطلوبی از کارایی نهادی دست یابند. این ضعف می‌تواند ناشی از نبود مدیران متخصص، عدم نظارت کافی و عدم حمایت از کارهای تولیدی در سیاست‌های کلان باشد.

این تفاوت‌های منطقه‌ای در ادراکات، اهمیت برنامه‌ریزی‌های متناسب با ویژگی‌های بومی هر ناحیه را برای دستیابی به توسعهٔ پایدار و متوازن در استان گیلان از طریق ایجاد و تقویت تعاونی‌های روستایی نشان می‌دهد.

۷. پیشنهادها

براساس یافته‌های تحقیق، برای رفع موانع توسعهٔ تعاونی‌های روستایی در استان گیلان، راهکارهای مشخص زیر پیشنهاد می‌شود:

- حوزهٔ اقتصادی: با توجه به اهمیت بالای این مانع، ارائهٔ وام‌های کم‌بهره با فرآیند ساده، به‌ویژه در نواحی غربی و جنوبی که بیشتر با مشکلات اقتصادی مواجه‌اند، ضروری است. همچنین، کاهش هزینه‌های تولید از طریق یارانهٔ نهاده‌ها و ایجاد بازارهای محلی می‌تواند به بهبود وضعیت اقتصادی تعاونی‌ها کمک کند.
- حوزهٔ نهادی–مدیریتی: حمایت از تعاونی‌ها در سیاست‌های کلان کشوری، بهبود زیرساخت‌های تولیدی و آموزش مستمر مدیران در زمینهٔ مدیریت مالی، بازاریابی و اصول تعاونی‌ها از اهمیت بالایی برخوردار است.
- حوزهٔ قوانین: ارائهٔ معافیت‌های مالیاتی و تسهیل فرآیند اخذ مجوز، به‌ویژه در ناحیهٔ جنوبی که با مشکلات قانونی بیشتری دست‌وپنجه نرم می‌کند، می‌تواند به رونق تعاونی‌ها کمک کند. آموزش قوانین تعاونی به اعضا و کارشناسان نیز برای رفع ابهامات و افزایش آگاهی حقوقی ضروری است.
- حوزهٔ آگاهی: برگزاری دوره‌های آموزشی اجباری پیش از تأسیس تعاونی‌ها، به‌ویژه در ناحیهٔ غربی که با چالش آگاهی بیشتری مواجه است و اجرای کمپین‌های اطلاع‌رسانی گسترده برای ترویج فرهنگ تعاون و مزایای آن، به افزایش دانش و مشارکت اعضا منجر خواهد شد.
- حوزهٔ اجتماعی–فرهنگی: تقویت سرمایهٔ اجتماعی از طریق برگزاری کارگاه‌های تعاملی، تشویق مشارکت فعال اعضا و حمایت از ایده‌های نوآورانه، به‌ویژه در ناحیهٔ جنوبی، برای ایجاد انگیزه و رفع مشکلات اجتماعی–فرهنگی تعاونی‌ها ضرورت دارد.

- به‌صورت منطقه‌ای، ناحیهٔ غربی به آموزش گسترده و حمایت مالی، ناحیهٔ جنوبی به اصلاح قوانین و تقویت مدیریت و نواحی شرقی و مرکزی به بهبود بازاریابی و زیرساخت‌ها نیاز دارند. در نهایت، ایجاد شبکهٔ همکاری بین تعاونی‌ها، نظارت مستمر بر عملکرد آن‌ها و تقویت مشارکت دولت و بخش خصوصی برای تأمین منابع و حمایت‌های لازم، توسعهٔ پایدار تعاونی‌ها در استان گیلان را تضمین خواهد کرد.

کتابنامه

۱. آجیلی، ع؛ کاظمی، پ؛ و خسروی‌پور، ب. (۱۴۰۱). تحلیل عوامل بازدارنده و پیش‌برندهٔ توسعهٔ تعاونی‌های تولید روستایی شرق کرمانشاه (سنقر، صحنه و کنگاور). *جغرافیا و روابط انسانی*، ۵(۱)، ۱۸۸-۲۰۶.

۲. امدادی، ا؛ محبوبی، م؛ و عبدالله‌زاده، غ. (۱۳۹۷). آسیب‌شناسی تعاونی‌های توسعهٔ روستایی در راستای تدوین راهبردهای توسعهٔ کارآفرینی. نشریهٔ کارآفرینی در کشاورزی، ۵(۱)،۶۱-۷۶.

۳. جعفرپیشه، ج. (۱۳۸۴). تعاون نواندیشی در سیاست‌های تولید اشتغال. در *مجموعه مقالات منتخب کنفرانس تعاون و اشتغال و توسعه* (جلد اول)، ۱-۷.

۴. حسام، م؛ و محمودی‌چناری، ح. (۱۴۰۴). شناسایی موانع ایجاد و گسترش تعاونی‌های روستایی در استان گیلان. *مجلهٔ پژوهش‌های روستایی*، ۱۳(۲)، ۱-۱۴.

۵. حضرتی، م؛ مجیدی، ب؛ و رحمانی، ب. (۱۳۸۹). شناسایی عوامل مؤثر بر موفقیت تعاونی‌های کشاورزی در توسعهٔ اقتصاد روستایی بخش مرکزی شهرستان خدابنده. *نشریهٔ تعاون و کشاورزی*، ۲۱(۳)، ۹۰-۱۱۱.

۶. درویشی، م؛ شریف‌زاده، م؛ و عبدالله‌زاده، غ. (۱۳۹۶). واکاوی نقش شرکت‌های تعاونی روستایی در پیشبرد توسعهٔ پایدار: رویکرد مسئولیت‌پذیری اجتماعی. *فصلنامهٔ روستا و توسعه*، ۲۰(۳)، ۴۳-۶۴.

۷. دل‌انگیز، س. (۱۳۸۴). رهیافتی بر سیاست‌گذاری تعاونی‌های تولیدی. در *مجموعه مقالات منتخب کنفرانس تعاون و اشتغال و توسعه* (جلد اول)،۵۲-۶۳.

۸. رستم‌نژاد، م. (۱۳۸۱). رویکردهای فرهنگی ترویج تعاون. *ماهنامهٔ تعاون*، ۱۳۰، ۴-۵.

۹. زارع‌شاه‌آبادی، ا؛ حاجی‌زاده‌میمندی، م؛ و سیارخلج، ح. (۱۳۹۴). عوامل اجتماعی ـ فرهنگی مرتبط با موفقیت تعاونی‌های تولیدی شهر یزد. *توسعهٔ اجتماعی، ۱۰*(۱)، ۱۲۷-۱۵۶.

۱۰. صالحی، ا. (۱۳۸۶). نقش تعاونی‌ها در اشتغال‌زایی. *مجلهٔ تعاون، ۱۸۹ و ۱۹۰*، ۹۸-۱۰۲.

۱۱. صفری، ح؛ آریان‌فر، خ؛ و ابراهیمی، ع. (۱۳۸۸). عوامل مؤثر بر موفقیت شرکت‌های تعاونی مصرف برتر. *فصلنامهٔ تعاون و کشاورزی، ۲۰*(۲۱۲)، ۳۳-۵۱.

۱۲. عزیزی، ج؛ و معصومی، ح. (۱۳۹۳). بررسی عوامل مؤثر بر فرهنگ تعاونی بخش کشاورزی استان گیلان. *تحقیقات اقتصاد کشاورزی، ۶*(۴)، ۱۲۹-۱۴۶.

۱۳. کریم، م.ح. (۱۳۹۴). چالش‌های شبکه‌های تعاونی روستایی ایران. *فصلنامهٔ اقتصاد فضا و توسعهٔ روستایی، ۴*(۳)، ۱۷۳-۱۹۶.

۱۴. گوهریان، ف. (۱۳۹۰).بررسی مسائل و مشکلات شرکت‌های تعاونی اعتبار با رویکرد اصلاح قانون بخش تعاون. *ماهنامهٔ گزارش‌های کارشناسی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۹*(۲) -۸۷ ۱۱۹.

۱۵. نظام‌شهیدی، م. (۱۳۸۱). *اصول مدیریت تعاونی‌ها در ایرانا*. تهران: روشنگران نصر.

۱۶. نظری، ه، خیری، ح؛ و نصیری، م. (۱۴۰۴). *تحلیل جامعه‌شناختی چالش‌های توسعهٔ شرکت‌های تعاونی روستایی. پژوهش‌های جامعه‌شناختی، ۱۹*(۲)، ۱۳۰-۱۶۴.

۱۷. نوروزی‌اجیرلو، ر؛ سلیمان‌پور، م؛ رئیسی، م. ک؛ و اصغری‌راد، ج. (۱۴۰۳). واکاوی موانع و مشکلات توسعهٔ کارآفرینی روستایی در شرکت‌های تعاونی و کشاورزی راهبردهای. *راهبردهای توسعهٔ روستایی، ۱۱*(۲)، ۱۷۴-۱۹۱. https://doi.org/10.22048/rdsj.2024.397143.2099 .

18. Hong, H. N. (2017). Factors affecting sustainable development of agricultural cooperatives in the Mekong River Delta, Vietnam. *American Journal of Applied Sciences, 14*(10), 1005–1010.
19. Koksal, K., Erdal, Y. E., & Demir., O. (2016). Farmers' attitudes towards agricultural cooperatives: the case of IGDIR Province of Turkey. *Can J. App Sci*, *6*(3), 1–7.

20. Abdel-Rahman, A. T. (2017). Factors affecting farmers' benefits from agricultural cooperatives services: The case of Kafrelsheikh Governorate, Egypt. *International Journal of Economic Research, 14*(10), 129–144.
21. Malkom, H. (2004). *Cooperative success*. Practical Action Publishing.
22. Kuntoro, B. A. (2006). Analyses on characteristics of tree dairy cooperatives sampled in east java. *Journal of Applied Sciences*, *6*(4), 757–762.
23. Crop, R. (2005). Cooperative Leadership*. University of Wisconsin Center for Cooperatives(UWCC) Bulletin No. 9*, July Cooperatives in Wisconsin, Lynn Pitman,
24. Coulter, M. (2005). *Entrepreneurship in action* (2th ed.). Prentice Hall Publishing. Publisher: Pearson,
25. Fulton, M. (1999). Cooperatives and member commitment. *The Finnish Journal of Business* Economics, *4,* 418-437.
26. Ding, Y. (2024). Challenges in cooperative development: A managerial perspective. *Journal of Cooperative Studies*, *45*(2), 123–135.
27. Ngwa, P. (2022). Financial constraints in rural cooperatives. *International Journal of Rural Development, 39*(4), 567–580.
28. Wanner, M. (2019). Infrastructure challenges in cooperative growth. *Rural Economics Review, 28*(3), 245–260.
29. Wagner, S. (2019). Spatial analysis of stakeholder perceptions in rural cooperatives. *Geographical Research*, *37*(1), 89–102.
30. Venkataraghavan, R. (2021). Improving resource allocation through spatial analysis. *Journal of Spatial Planning, 33*(2), 201–215.
31. Simons, R., & Birchall, J. (2008). Cooperatives and the Millennium Development Goals. *Journal of Cooperative Studies, 41*(2), 5–15.
32. Wanyama, F. O., Develtere, P., & Pollet, I. (2008). Reinventing the wheel? African cooperatives in a liberalized economic environment. *Annals of Public and Cooperative Economics, 79*(3–4), 361–392.
33. Shafii, Z., Samad, R. R., & Yunanda, R. A. (2019). Shari'ah governance in Shari'ah-based cooperatives in Malaysia and Indonesia. In T. Azid, A. A. Alnodel, & M. A. Qureshi (Eds.), *Research in Corporate and Shari'ah Governance in the Muslim World: Theory and Practice* (pp. 279–286). Emerald Publishing.
34. Mhembwe, S., & Dube, E. (2017). The role of cooperatives in sustaining the livelihoods of rural communities: the case of rural cooperatives in Shurugwi District, Zimbabwe. Jamba*: Journal of Disaster Risk Studies*, *9*(1), a341.

35. Kumar, V., Wankhede, K. G., & Gena, H. C. (2015). Role of cooperatives in improving livelihood of farmers on sustainable basis. *American Journal of Educational Research*, *3*(10), 1258–1266.
36. Ferguson, J. A. (2012). Generating sustainable livelihoods; the role of cooperatives *[Conference presentation]. Harnessing the Cooperative Advantage to Build a Better World,* Ottawa, Canada.
37. Kleanthous, A., Paton, R. A., & Wilson, F. M. (2019). Credit unions, co-operatives, sustainability and accountability in a time of change: a case study of credit unions in Cyprus. *International Journal of Social Economics*, *46*(2), 309–323.
38. Ortmann, G. F., & King, R. P. (2007). Agricultural cooperatives I: history, theory and problems. *Agrekon, 46*(1), 18–46.
39. Baticados, D. B., Agbayani, R., & Gentoral, F. (1998). Fishing cooperatives in Capiz, central Philippines: their importance in managing fishery resources. *Fisheries Research, 34*(2), 137–149.
40. Nozawa, K. (2011). Oil palm production and cooperatives in the Philippines , *UPSE Discussion Paper No. 2011-13*). 42-45
41. cooperatives in the Philippines [Conference presentation]. 2006 FFTC-NACF *International Seminar on Agricultural Cooperatives in Asia: Innovations and Opportunities in the 21st Century*, Seoul, Korea.
42. *International Cooperative Alliance* [ICA]. (2005). What is a cooperative? Retrieved from https://www.ica.coop/en
43. Lawangen, A. (2021). Rural cooperatives in disaster risk reduction and management: contributions and challenges.Disaster Prevention and Management: *An International Journal, vol. 31*, issue 2, pp. 144-157
44. Aref, F. (2011). Barriers to community capacity building for tourism development in communities in Shiraz, Iran. *Journal of Sustainable Tourism, 19*(3), 347–359. https://doi.org/10.1080/09669582.2010.517314
45. Aref, F. (2010b). Residents' attitudes towards tourism impacts: A case study of Shiraz, Iran. *Tourism Analysis, 15*(2), 253–261.
46. Aref, F., & Sarjit, S. G. (2009). Rural tourism development through rural cooperatives. *Nature and Science, 7*(10), 68–73.
47. Birchall, J. (2003). Rediscovering the cooperative advantage; Poverty reduction through self-help. International Labour Office (ILO). *Cooperative Branch International Labour Office, Geneva, First published 2003*. 54-58
48. Simons, R., & Birchall, J. (2008). Cooperatives and the Millennium Development Goals. *Journal of Cooperative Studies*, *41*(2), 5–15.

49. Venkataraghavan, R. (2021). Improving resource allocation through spatial analysis. *Journal of Spatial Planning, 33*(2), 201–215.
50. Wagner, S. (2019). Spatial analysis of stakeholder perceptions in rural cooperatives. *Geographical Research, 37*(1), 89–102.

Journal of Geography and Regional Development Vol 23, No. 3 (2025) – Serial Number 52

An Analysis of the Quality of City Entrances in View of Citizens and Travelers (Case Study: Shirvan City)

Mehdi Zanganeh[1]
Assistant Professor in Geography and Urban Planning, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran

Zohreh Pirzadeh
MA in Geography and Urban Planning, Faculty of Literature and Humanities, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

Mobina Rajabi
PhD Student in Geography and Urban Planning, Faculty of Literature and Humanities, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

Received: 25 April 2025 Revised: 30 June 2025 Accepted: 11 August 2025

Abstract

The city entrance, as a showcase of cultural identity and character, represents the unique personality of each city. City gateways, as one of the key components of a city's spatial-physical structure, have often been transformed into fragmented and chaotic spaces with no identity due to the arrangement of incompatible, uncoordinated, and unorganized land uses. This is an applied study with a descriptive-analytical design. The goal is to evaluate the quality of Shirvan city entrances from the perspective of citizens and travelers. Data are collected using both documentary analysis and field methods. In the documentary section, the data for formulating theoretical foundations and research background are obtained by reviewing books, articles, theses, reports, research projects, and statistical yearbooks. Furthermore, to understand physical and visual characteristics and gather the opinions of travelers and visitors, field methods including observation and questionnaires are employed. The data analysis is conducted using descriptive and inferential statistical methods, including mean comparison tests, in SPSS software. Seven variables were examined in this paper: attractive elements and landscapes,

1. Corresponding Author. Email: m.zanganeh@hsu.ac.ir

©2024 The author(s). This is an open access article under the CC BY license: https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/

How to cite this article: Zanganeh, M., Pirzadeh, Z. and Rajabi, M. (2025). An Analysis of the Quality of City Entrances in View of Citizens and Travelers (Case Study: Shirvan City). Journal of Geography and Regional Development, 23(3), 223-255. Doi: 10.22067/jgrd.2025.93181.1553

disturbing elements, respondents' feelings upon entering the city, and the physical characteristics, hospitality, legibility, and distinctiveness. The results obtained from a random sample of 350 people revealed that the quality of the Mashhad entrance is significantly higher than the Bojnurd-Shirvan entrance. The score of the Mashhad-Shirvan entrance was above average in all dimensions, while the Bojnurd-Shirvan entrance, except for legibility and hospitality, was rated below average. The unfitting land uses, such as auto repair shops and disturbing industries, along with a lack of welfare services and irregular advertising billboards, are the main challenges facing the entrances to Shirvan.

Keywords: City Entrance, Quality Assessment, Visitor Perception, Shirvan City.

https://doi.org/10.22067/jgrd.2025.93181.1553
مقالهٔ پژوهشی

واکاوی کیفیت ورودی‌های شهرها از دیدگاه شهروندان و مسافران، مطالعه موردی شهر شیروان

مهدی زنگنه (استادیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران، نویسندهٔ مسئول)
m.zanganeh@hsu.ac.ir
زهره پیرزاده (کارشناسی‌ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)
zohreh.pirzadeh@mail.um.ac.ir
مبینا رجبی (دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)
rajabi1999.m@gmail.com

چکیده

ورودی شهر، به‌عنوان ویترینی از هویت و شناسنامهٔ فرهنگی، نمایانگر شخصیت منحصربه‌فرد هر شهر است. مبادی ورودی شهرها به‌عنوان یکی از اجزای ساختار کالبدی فضایی شهر، با چیدمان کاربری‌های ناسازگار و ناهماهنگ و سازمان‌نیافته به فضایی با ساختار منفصل، فاقد هویت و مغشوش مبدل شده است. این پژوهش ازنظر هدف کاربردی و ازنظر ماهیت و روش توصیفی – تحلیلی است. هدف این پژوهش ارزیابی کیفیت ورودی‌های شهر شیروان از دیدگاه شهروندان و مسافران است. برای گردآوری داده‌های موردنیاز، از دو روش اسنادی و میدانی استفاده شده است. در بخش اسنادی، با مراجعه به کتاب‌ها، مقالات، پایان‌نامه‌ها، گزارش‌ها، طرح‌های پژوهشی و آمارنامه‌ها، اطلاعات لازم برای تدوین مبانی نظری و پیشینهٔ تحقیق فراهم گردیده است. همچنین، به‌منظور شناخت ویژگی‌های کالبدی و بصری و جمع‌آوری نظرات مسافران و بازدیدکنندگان، روش میدانی شامل مشاهده و پرسشنامه به کار گرفته شده است. داده‌های گردآوری‌شده با استفاده از روش‌های آمار توصیفی و استنباطی، از جمله آزمون مقایسهٔ میانگین‌ها و با بهره‌گیری از نرم‌افزار SPSS، تجزیه‌وتحلیل شده‌اند. هفت متغیر در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفت که شامل: عناصر و مناظر جالب و جذاب، عناصر آزاردهنده، احساس پاسخگویان در بدو ورود به شهر و ویژگی‌های

نشریه جغرافیا و توسعه ناحیه ای، سال بیست و سوم، شماره ۳، پاییز ۱۴۰۴، شماره پیاپی ۵۲ صص ۲۵۵-۲۲۳
تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۰۶ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۴/۱۰ تاریخ تصویب: ۱۴۰۴/۰۵/۲۱

کالبدی، پذیرندگی، خوانایی و تشخص، است. با نمونه‌گیری تصادفی از ۳۵۰ نفر، کیفیت ورودی مشهد به‌طور معناداری بالاتر از ورودی بجنورد–شیروان ارزیابی شد. ورودی مشهد–شیروان در همهٔ ابعاد بالاتر از حد متوسط و ورودی بجنورد–شیروان، به‌جز خوانایی و پذیرش، زیر حد متوسط ارزیابی شده است. وجود کاربری‌های نامناسب مانند تعمیرگاه‌های خودرو و صنایع مزاحم، به همراه کمبود خدمات رفاهی و تابلوهای تبلیغاتی نامنظم، ازجمله چالش‌های اصلی در ورودی‌های شیروان محسوب می‌شوند

واژگان کلیدی: شهر شیروان، ورودی شهر، ادراک بازدیدکنندگان، ارزیابی کیفیت.

۱. مقدمه

ورودی‌های شهری به‌عنوان نخستین سطوح تماس و برخورد بصری، نقشی حیاتی در شکل‌گیری تصویر ذهنی از شهر ایفا می‌کنند. این فضاهای انتقالی که مرز میان محیط طبیعی خارج شهر و فضای مصنوع درون آن را مشخص می‌سازند (نورایی[1] و همکاران، ۲۰۱۵: ۱۲۱۴) درواقع ویترینی از هویت و شخصیت یک شهر محسوب می‌شوند. شهر شیروان به‌عنوان یکی از شهرهای تاریخی استان خراسان شمالی با پیشینهٔ فرهنگی غنی، از این قاعده مستثنی نیست و کیفیت ورودی‌های آن تأثیر مستقیمی بر ادراک مخاطبان دارد.

در بافت تاریخی شهرها، دروازه‌ها نه‌تنها عملکرد دفاعی داشتند، بلکه به‌عنوان عناصری نمادین و هویت‌بخش، تبلور کالبدی فرهنگ و تمدن شهری بودند. این فضاها از سویی نشانگر اقتدار حکومتی و از سوی دیگر بیانگر هنر و معماری بومی هر منطقه به شمار می‌رفتند. بااین‌حال، تحولات سریع شهرنشینی در دهه‌های اخیر و توسعهٔ بی‌ضابطه حاشیه‌های شهری، این کیفیت‌های ارزشمند را به‌شدت تحت تأثیر قرار داده است (ثبوتی و همکاران، ۱۳۹۰: ۵۳). نتیجهٔ این روند، ظهور فضاهایی بی‌هویت و یکسان در شهرهایی با پیشینه‌های فرهنگی متفاوت بوده است (بهنود و همکاران، ۱۳۹۴). ماهیت ورودی‌های شهری در عصر حاضر دچار تحولات بنیادین شده است. درحالی‌که درگذشته دروازه‌های شهری عمدتاً در مسیرهای زمینی قرار داشتند، امروزه با توسعهٔ سیستم‌های حمل‌ونقل، فرودگاه‌ها، ایستگاه‌های قطار و پایانه‌های مسافربری به‌عنوان

1. Noraei

دروازه‌های جدید شهرها مطرح‌شده‌اند (ترابی، سیما[1]، ۲۰۱۳: ۵۳). این تحول، نیازمند بازتعریف مفاهیم و استانداردهای طراحی فضایی است. در مورد شهر شیروان، بررسی‌های اولیه نشان می‌دهد که چهار ورودی اصلی این شهر (محورهای بجنورد، اسفراین، فاروج) با چالش‌های متعددی روبه‌رو هستند. فقدان نشانه‌های شهری متمایز، نبود خوانایی فضایی، اغتشاش بصری ناشی از تبلیغات محیطی بی‌ضابطه و ضعف در امکانات رفاهی ازجمله این مشکلات محسوب می‌شوند (کثیری بیدهندی و همکاران، ۱۴۰۳: ۱۱).

این در حالی است که شیروان به‌عنوان یکی از مقاصد گردشگری منطقه، سالانه پذیرای تعداد قابل‌توجهی از مسافران است که اولین برخورد آن‌ها با شهر از طریق همین مبادی ورودی صورت می‌گیرد. کیفیت طراحی این فضاها از چند جنبه حائز اهمیت است؛ نخست آنکه این فضاها به‌عنوان اولین سطح تماس، تصویر ذهنی پایدار از شهر را در اذهان شکل می‌دهند. دوم آنکه این فضاها می‌توانند بیانگر هویت تاریخی و فرهنگی منطقه باشند. سوم آنکه طراحی مناسب آن‌ها به بهبود تجربهٔ سفر و افزایش رضایت گردشگران منجر می‌شود. درنهایت، این فضاها می‌توانند به تقویت حس تعلق مکانی ساکنان کمک کنند (اسدی و همکاران، ۱۴۰۳: ۸).

لازم به‌ذکر است که در بسیاری از شهرهای موفق جهان، طراحی ورودی‌های شهری با حساسیت ویژه‌ای انجام می‌شود. این فضاها نه‌تنها به‌عنوان نقاط عطف شهری عمل می‌کنند، بلکه با بهره‌گیری از المان‌های طراحی هوشمندانه، هم‌زمان عملکردهای مختلفی ازجمله جهت‌یابی، اطلاع‌رسانی و ارائهٔ خدمات به مسافران را بر عهده‌دارند (رحیمی و نقش‌بندی، ۱۴۰۲: ۳۳). در مقابل، ورودی‌های نامناسب می‌توانند تصویری مخدوش و ناخوشایند از شهر ارائه دهند. در این میان، توجه به ویژگی‌های بومی و اقلیمی منطقه در طراحی ورودی‌های شیروان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. استفاده از عناصر معماری سنتی، توجه به بافت گیاهی منطقه و

1. Torabi&Sima

انعکاس فرهنگ محلی می‌تواند به ایجاد فضاهایی با هویت متمایز منجر شود (کثیری‌بیدهندی و همکاران، ۱۴۰۳: ۱۰).

این امر به‌ویژه در شهری مانند شیروان که از جاذبه‌های تاریخی و طبیعی متنوعی برخوردار است، از اهمیت مضاعفی برخوردار است. با توجه به این مسائل، مطالعهٔ حاضر بر آن است تا با بررسی جامع وضعیت موجود ورودی‌های شهر شیروان و تحلیل ادراک کاربران از این فضاها، راهکارهای مناسبی برای ارتقای کیفی آن‌ها ارائه نماید. این پژوهش می‌تواند مبنای مناسبی برای برنامه‌ریزی‌های آتی درزمینهٔ ساماندهی مبادی ورودی شهرها باشد. نوآوری این پژوهش در ارائهٔ رویکردی جامع به طراحی ورودی‌های شهری است که نه‌تنها به جنبه‌های عملکردی و بصری توجه دارد، بلکه بر پیوند این فضاها با هویت بومی و ارزش‌های فرهنگی منطقه تأکید می‌کند. شگفتی این تحقیق در امکان ارائهٔ مدل‌های طراحی خلاقانه و پایدار است که با کمترین هزینه، بیشترین تأثیر را بر ارتقای کیفیت زندگی شهروندان و تجربهٔ گردشگران داشته باشد.

سؤالات اساسی تحقیق که یافتن پاسخی مستدل و منطقی به آن‌ها هدف اصلی تحقیق را تشکیل می‌دهد عبارتنداز:

ـ از نظر شما عناصر و مناظر جالب و جذاب در ورودی شهر شیروان کدام است؟

ـ عناصر آزاردهنده از نظر شما در ابتدای ورود به شهرشیروان کدام است؟

ـ از نظر شما احساس در بدو ورود به شهر شیروان چگونه است؟

– آیا در ارزیابی کیفیّت دو ورودی بین نظر مسافران و شهروندان تفاوت معنی‌داری وجود دارد؟

۲. پیشینهٔ پژوهش

در بررسی سیر تحول مطالعات مربوط به ورودی‌های شهری، ملاحظه می‌شود که اکثر مطالعات انجام‌شده دراین‌زمینه عمدتاً باهدف ارائهٔ ضوابط اجرایی و اصول ساماندهی کالبدی و ترافیکی تدوین‌شده‌اند. تحقیقات اولیه مانند پژوهش‌های بحرینی و علی‌طالب‌بابلی (۱۳۸۱) و قریب (۱۳۸۲) عمدتاً بر ارتقای کیفی، بصری و عملکردی ورودی شهرها متمرکز بودند و به ارائهٔ الگوهایی برای پیوند فضای شهر با محیط خارج

آن پرداختند. به‌موازات این مطالعات، پژوهش‌هایی مانند تحقیق طالشی و امیرفخریان (۱۳۸۸) در مشهد به بررسی ساماندهی کاربری‌های شهری و حسین‌زاده‌دلیر و همکاران (۱۳۹۰) در تبریز به مقایسهٔ محورهای ورودی پرداختند که نشان‌دهندهٔ توجه محققان به ابعاد عملیاتی و منطقه‌ای بوده است.

در سال‌های اخیر، شاهد تحول قابل‌توجهی در رویکردهای پژوهشی هستیم که به‌تدریج از تمرکز صرف بر جنبه‌های کالبدی و عملکردی فاصله گرفته و به ابعاد ادراکی و ذهنی کاربران توجه بیشتری نشان داده‌اند. رحمانی و همکاران (۱۴۰۰) به مطالعهٔ ورودی شرقی مشهد و زارع و موسوی (۱۴۰۱) به‌طور خاص به تحلیل عوامل مؤثر بر تصویر ذهنی کاربران پرداختند و دریافتند که عواملی مانند خوانایی فضایی، وجود نشانه‌های شهری و کیفیت منظر نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری ادراک مثبت دارند. این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های قبلی مانند مطالعهٔ بهنود و همکاران (۱۳۹۴) که بر جنبه‌های ادراکی–عملکردی ورودی‌های مشهد تأکید داشت، همسو است.

تحقیقات جدیدتر با تلفیق رویکردهای مختلف، به بررسی جامع‌تر موضوع پرداخته‌اند. کریمی و نجفی (۱۴۰۲) در مطالعهٔ ورودی اصفهان با رویکرد توسعهٔ پایدار و محمدی و رضوی (۱۴۰۳) با تأکید بر نقش هویت‌ساز ورودی‌ها، نشان دادند که طراحی باید با ویژگی‌های فرهنگی و تاریخی شهر هماهنگ باشد. این یافته‌ها با نتایج پژوهش باقری و امیرمنصوری (۱۳۹۷) که ورودی شهر را عنصری هویت‌ساز می‌دانستند، همخوانی دارد. همچنین، مطالعاتی مانند شریف‌زاده و همکاران (۱۴۰۳) در شیراز و فتح‌اللهی و امینی (۱۴۰۴) در تبریز با استفاده از روش‌های ترکیبی، به بررسی تفاوت‌های ادراکی ساکنان و مسافران پرداخته‌اند که نشان‌دهندهٔ تکامل روش‌شناختی در این حوزه است.

باوجود پیشرفت‌های صورت گرفته، همچنان شکاف تحقیقاتی در زمینهٔ بررسی ادراک کاربران از ورودی‌های شهرهای متوسط مانند شیروان محسوس است. این در حالی است که مطالعاتی مانند ماستیانی و همکاران (۱۳۹۷) در تهران نشان داده‌اند که نیازهای واقعی کاربران ممکن است با تئوری‌های موجود

همخوانی کامل نداشته باشد؛ بنابراین، انجام پژوهش‌های جامع‌تر که هم‌زمان به ابعاد کالبدی، عملکردی و ادراکی با تأکید بر ویژگی‌های بومی و فرهنگی هر منطقه بپردازند، می‌تواند به غنای ادبیات این حوزه کمک شایانی نماید.

ورودی‌های شهری به‌عنوان اولین نقطهٔ تماس و مواجهه با فضای شهر، نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌دهی به ادراک و تجربهٔ شهروندان و بازدیدکنندگان ایفا می‌کند. همان‌گونه که پاکزاد (۱۳۹۳) اشاره می‌کند، ورودی هر فضا اولین مکانی است که با حضور در آن، خصوصیات کلی فضا، آداب ورود، حدود حریم خصوصی و عمومی و سایر ویژگی‌های محیطی کشف می‌شود. این فضا به‌مثابه مفصلی حیاتی عمل می‌کند که هم در عرصه داخلی و هم در عرصه خارجی شهر نفوذ دارد، به‌طوری‌که ویژگی‌های آن به‌تدریج و با حرکت از بیرون به درون، به ویژگی‌های عرصهٔ داخلی نزدیک‌تر می‌شود و بالعکس.

جغرافیدانان و برنامه‌ریزان شهری براین نکته تأکید دارند که دروازه‌های شهری در نگاه به‌عنوان مدخلی عمل (کارمونا وتایسدل، ۱۳۸۵) می‌کنند که امکان حضور و حرکت در محیط شهری را فراهم می‌سازند. کاربران به‌محض ورود به یک فضای شهری به‌سرعت امکان‌ها، گزینه‌ها و جذابیت‌های آن را شناسایی کرده و براین اساس دربارهٔ حرکتی بعدی خود تصمیم‌گیری می‌کنند. این فرآیند ادراکی و رفتاری نشان‌دهندهٔ اهمیت طراحی هوشمندانهٔ ورودی‌های شهری است. از دیدگاه یاراحمدی (۱۳۸۹)، ورودی‌های شهری به‌عنوان لبه‌های شهر، واجد دو بعد متمایز عینی و ذهنی هستند. بعد عینی شامل عناصر طبیعی مانند کوه‌ها، دشت‌ها و رودخانه‌ها و همچنین عناصر مصنوعی مانند بزرگراه‌ها، خطوط راه‌آهن، توده‌های ساختمانی و حصارها می‌شود. در مقابل، بعد ذهنی اگرچه فاقد کالبد فیزیکی است، اما در ذهن شهروندان مرزی نمادین ایجاد کرده و نقاط مختلف شهری را به یکدیگر متصل می‌سازد.

باقری و امیرمنصوری (۱۳۹۷) با نگاهی عمیق‌تر به این موضوع اشاره می‌کنند که خصوصیات کالبدی ورودی‌های شهری به‌شدت متأثر از موقعیت مکانی آن‌هاست، درحالی‌که ویژگی‌های تعاملی آن‌ها در رابطهٔ سه‌جانبه میان شهروندان، محیط طبیعی و شرایط اقتصادی شکل می‌گیرد. این محققان براین باورند که ادراک کارآمد از ورودی‌های شهری مستلزم توجه هم‌زمان به بعد معنایی حضور در کنار بعد فیزیکی است. ازاین‌رو،

معنا بخشی به مناظر شهری و تقویت قابلیت‌های خاطره‌انگیزی در فضاهای ورودی، از عوامل کلیدی در تقویت حس تعلق و حضور فعال در شهر محسوب می‌شوند.

مطالعات اخیر نشان می‌دهند که طراحی ورودی‌های شهری در عصر حاضر با چالش‌های جدیدی مواجه شده است. براساس پژوهش سمیته و همکاران (۲۰۲۳)، فناوری‌های دیجیتال و نشانه‌های تعاملی می‌توانند نقش مهمی در ارتقای تجربه ادراکی کاربران از ورودی‌های شهری ایفا کنند. از سوی دیگر، گزارش سازمان جهانی بهداشت (WHO، ۲۰۲۲) بر لزوم توجه به معیارهای سلامت روانی و کاهش استرس در طراحی فضاهای ورودی تأکید دارد.

ژانگ[1](۲۰۲۳) در پژوهشی به بررسی تأثیر نورپردازی هوشمند پویا بر ادراک حسی کاربران از ورودی‌های شهری پرداخته و نشان داده است که این عناصر می‌توانند به‌طور معناداری بر تجربهٔ ورود به شهر تأثیر بگذارند. همچنین، مرکز مطالعات شهری اروپا (۲۰۲۳) در گزارشی تحت عنوان "ورودی‌های شهری در عصر پایداری"، بر ضرورت یکپارچه‌سازی اصول توسعهٔ پایدار در طراحی این فضاها تأکید کرده است.

با توجه به مباحث مطرح‌شده، می‌توان نتیجه گرفت که ورودی‌های شهری نه‌تنها ازنظر کالبدی، بلکه از منظر ادراکی و معنایی نیز نقش حیاتی در شکل‌دهی به تصویر ذهنی از شهر ایفا می‌کنند. این فضاها به‌عنوان پلی میان محیط طبیعی و مصنوع، امکان اتصال دو گسترهٔ متفاوت را فراهم می‌سازند. طراحی موفق ورودی‌های شهری در عصر حاضر مستلزم توجه هم‌زمان به ابعاد کالبدی، ادراکی و پایدار است تا بتواند پاسخگوی نیازهای متنوع کاربران در شرایط مختلف باشد. تفاوت این تحقیق با سایر پژوهش‌ها این است که هم‌زمان هفت شاخص کیفیت ورودی شهرها شامل عناصر جذاب و مناظر زیبا، عناصر آزاردهنده، احساس در بدو ورود شهر، بعد کالبد، بعد پذیرندگی، بعد خوانایی، بعد تشخص را براساس دیدگاه‌های

1. Zhang

نظریه‌پردازان حوزهٔ فضاهای شهری در هفت دسته تقسیم‌بندی کرده و برمبنای دیدگاه شهروندان و مسافران به بررسی کیفیت ورودی محور بجنورد – شیروان، محور شیروان مشهد پرداخته است.

۳. روش‌شناسی پژوهش

۳. ۱. روش پژوهش

این پژوهش ازنظر هدف کاربردی و ازنظر ماهیت و روش توصیفی – تحلیلی و داده‌های موردنیاز به دو روش اسنادی و میدانی گردآوری‌شده است. برای تدوین مبانی نظری و همچنین جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات رسمی، روش اسنادی به کار گرفته‌شده است. در این روش با مراجعه به کتاب‌ها، مقالات، پایان‌نامه‌ها، گزارش‌ها طرح‌های پژوهشی و آمارنامه‌ها، مطالب و اطلاعات موردنیاز برای تدوین مبانی نظری و پیشینهٔ تحقیق جمع‌آوری‌شده است. علاوه براین با توجه به نیاز به ویژگی‌های کالبدی و بصری و همچنین آگاهی ازنظر مسافران و بازدیدکنندگان، روش میدانی (مشاهده و پرسشنامه) به کار گرفته‌شده است. داده‌های گردآوری‌شده با استفاده از روش‌های آمار توصیفی و استنباطی ازجمله آزمون مقایسه میانگین‌ها و با به‌کارگیری نرم‌افزار spss تجزیه‌وتحلیل شده است.
جامعهٔ آماری ازنظر مکانی ورودی‌های اصلی شهر شیروان شامل محور بجنورد – شیروان و مشهد– شیروان است. برای گردآوری داده‌های پرسشنامه‌ای جامعهٔ آماری در این تحقیق کلیهٔ واردشوندگان به شهر شیروان اعم از ساکنان و گردشگران را شامل می‌شود. براین اساس جامعهٔ آماری نامحدود محسوب شده و براساس فرمول زیر حداقل حجم نمونه ۱۷۱ به‌دست‌آمده است (مؤمنی، ۱۳۸۷: ۲۲۱). برای اطمینان بیشتر، تعداد ۱۷۵ نفر از هر ورودی و درمجموع تعداد ۳۵۰ نفر به‌عنوان نمونه و به‌صورت تصادفی انتخاب‌شده‌اند.

$$\sigma \approx \frac{5-1}{6} = 0.667 \qquad , \quad Z_{\alpha/2} = 1.96$$

$$n = \left(\frac{Z_{\alpha/2} \times \sigma}{\varepsilon} \right)^2 = \left(\frac{1.96 \times 0.667}{0.1} \right)^2 \cong 171$$

در این رابطه، Z مقدار احتمال نرمال استاندارد است که براساس احتمال‌های نرمال استاندارد استخراج می‌شود، α سطح خطا، σ انحراف معیار و ε دقت موردنظر است.

۳. ۲. تعریف عملیاتی متغیرهای تحقیق

متغیرهای مورداستفاده در این پژوهش را می‌توان در سه گروه اصلی دسته‌بندی کرد:

گروه اول متغیرهایی که بیان‌کنندهٔ ویژگی‌های فردی پاسخ‌گویان است، ازجمله جنسیت، سن، وضعیت سکونت و سطح تحصیلات.

گروه دوم متغیرهایی که بخش عمدهٔ سؤالات پرسشنامه را به خود اختصاص می‌دهد و نظر پاسخگویان را در مورد ابعاد مختلف ورودی‌ها مورد سنجش قرار می‌دهد. قسمتی از این سؤالات در رابطه با نظر پاسخگویان در مورد مهم‌ترین عناصر جالب و جذاب و همچنین عناصر آزاردهنده و نامناسب مشاهده شده در ابتدای ورود به شهر بوده است. قسمت دوم پرسشنامه که سؤالات آن به‌صورت بسته طراحی‌شده است، هر یک از ابعاد مختلف ورودی‌ها در قالب یک مؤلفه تعریف و با چند گویه مورد سؤال قرارگرفته است. این مؤلفه‌ها به شرح زیر است:

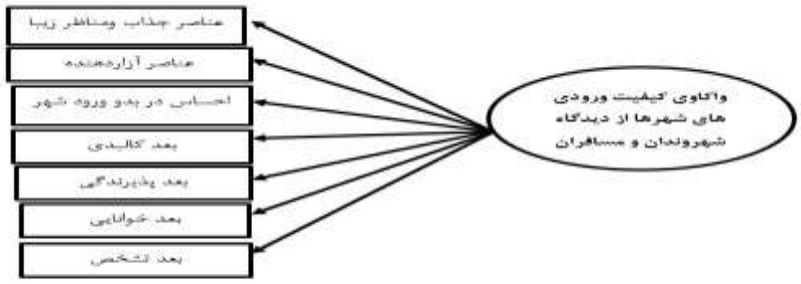
بعد کالبدی، شامل: تناسب و پیوستگی ساختمان‌های ساخته‌شده در دو طرف، تناسب کاربری‌های مختلف، وضعیت روشنایی مسیر، کیفیت علائم و تابلوهای راهنمایی و رانندگی نصب‌شده در مسیر، عرض مسیر ورودی و کشش مسیر برای حجم ترافیک عبوری.

مؤلفهٔ پذیرندگی، شامل: زیبایی و جذابیت مناظر طبیعی در دو طرف مسیر، زیبایی و جذابیت نمادها و بناهای ساخته‌شده در دو طرف مسیر، زیبایی و جذابیت فضای سبز فضای سبز طراحی‌شده در مسیر ورودی، وجود خدمات و تسهیلات رفاهی و پذیرایی (سرویس بهداشتی، رستوران، سوپرمارکت، اغذیه‌فروشی و ...)، وجود خدمات مرتبط با اتومبیل (پمپ‌بنزین، تعمیرگاه، پارکینگ‌ها و ...).

مؤلفهٔ خوانایی، شـــامل: هدایت‌کنندگی مســـیر، وضـــوح علائم و تابلوها، حرکت تدریجی از طبیعت به شهر، ظرفیت و کشش ترافیکی مسیر

بعد تشخّص و هویت‌بخشی شامل: هویت‌بخشی عناصر ورودی، خاطره‌انگیز بودن مناظر ورودی، نزدیکی تصورات قبل و بعد از سفر به شهر.

چهارچوب مفهومی و روابط متغیرهای تحقیق در شکل زیر نشان داده‌شده است:



شکل ۱. چهارچوب مفهومی تحقیق و روابط متغیرهای تحقیق

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۴

۳. ۳. قلمرو پژوهش

شهر شیروان در شمال شرقی استان خراسان شمالی و در موقعیت ریاضی ۳۷ درجه و ۵۴ دقیقه عرض شمالی و ۵۸ درجه و ۱۸ دقیقه طول شرقی واقع‌شده است. این شهر با شهرستان فاروج از شرق، شهرستان بجنورد از غرب، شهرستان اسفراین از جنوب و با کشور ترکمنستان از شمال دارای ۷۵ کیلومتر مرز مشترک است (شکل ۲). شهر شیروان ازلحاظ وسعت، ۱۳ درصد و ازنظر جمعیت حدود ۱۷ درصد کل جمعیت استان را به خود اختصاص داده است. محدودهٔ موردمطالعه ورودی‌های اصلی شهر شیروان شامل محور بجنورد – شیروان و مشهد –شیروان است (شکل ۳). ازنظر زمانی

پرسشنامه‌های این پژوهش در تعطیلات عید نوروز سال ۱۴۰۴ بین بازدیدکنندگان و ساکنان شهر پر شده است و پژوهش‌های میدانی در فروردین همان سال انجام‌شده است.



شکل ۲. موقعیت تقسیمات استان خراسان شمالی و شهر شیروان

منبع: ادارهٔ راه و شهرسازی شهرستان شیروان، ۱۴۰۴

۴. مبانی نظری پژوهش

ورودی شهر، از دیرباز به‌عنوان یکی از عناصر بنیادین ساختار شهری، تحت تأثیر عوامل گوناگون، اشکال متنوعی به خود گرفته است. در تمدن‌های باستانی، مکان‌یابی ورودی‌های شهر با اعتقادات سنتی گره‌خورده بود؛ به‌عنوان‌مثال، شهرهای چینی براساس باور به جهان مربع شکل و محصور در دیوارها ساخته می‌شدند (مدنی‌پور، ۲۰۱۱: ۱۳). در ایران نیز، دروازه، عنصری مهم و شاخص در فضاهای ورودی شهرهای قدیمی

به‌شمار می‌رفت. این دروازه‌ها که در امتداد جاده‌ها و راه‌های منتهی به شهر قرار داشتند، اغلب جنبه‌ای نمادین داشتند و با نمایان شدن مزارع و باغات اطراف، حس ورود به شهر را در مسافران برمی‌انگیختند (پاکزاد، ۱۳۸۵: ۹). علاوه براین، دروازه‌های بیرونی وفضای پیرامونی آن‌ها، کارکردهای ارتباطی، نظارتی، امنیتی، اقتصادی و اجتماعی متنوعی نظیر گذران اوقات فراغت، مجازات مجرمان، مبادلات اقتصادی، بدرقه و استقبال را نیز بر عهده داشتند (سلطان‌زاده، ۱۳۷۲: ۴۲). این رویکرد تاریخی نشان می‌دهد که ورودی شهر از همان ابتدا، صرفاً یک گذرگاه نبوده، بلکه مکانی با بار معنایی و کارکردی عمیق بوده است که می‌توان آن را با مفاهیم (هویت مکانی) و (تشخص) مرتبط دانست؛ جایی که اولین تأثیرات و تصورات از شهر شکل می‌گرفته است. در رویکرد راپاپورت، عواملی نظیر ایمنی، امنیت، راحتی، زمان و مکان و شرایط جوی، کیفیت محیط حرکت، زیبایی و جذابیت مسیر در میزان ترجیحات عابر برای استفاده از فضاها تأثیرگذار است و از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار می‌توان به پیوستگی مسیر پیاده، کوتاهی و جذابیت مسیر، زیبایی و امنیت، ایمنی و راحتی اشاره کرد (مؤیدفر و رفیع، ۱۳۹۷). در تئوری مدل مکان[1]، دیوید کانتراز پیشگامان تحقیقات ادراکی معماری و طراحی شهری، در حیطهٔ نظری خود که به مدل مکان مشهور است، محیط شهری را به‌مثابه یک مکان از سه بعد به هم متصل «کالبد، فعالیت‌ها و معنا یا تصورات» می‌داند (رحیمی، صبوری، ۱۳۹۶). در تئوری جهانشاه پاکزاد: ۱۰ معیار کیفی سنجش فضا معرفی می‌شود که عبارتنداز: ۱- میزان پاسخگویی به حضور گروه‌های ویژه (سالمندان، کودکان وغیره) ۲- سرزندگی یا میزان استفادهٔ مرتب و دائمی شهروندان در تمام ساعات شبانه‌روز ۳- میزان پاسخگویی به شخصیت افراد ۴- میزان ایجاد حس تعلق به جامعه و فضا ۵- میزان امکان ایجاد این‌همانی با فضا در فرد یا جامعه ۶- میزان به‌کارگیری حواس مختلف انسان ۷- میزان برانگیختن حس کنجکاوی و کاوش در استفاده‌کننده ۸- میزان کارایی فضا و پاسخگو بودن به نیازها و توقعات افراد ۹- میزان تسهیل مشارکت ۱۰- میزان موفقیت در یادآوری خاطره‌ها (پاکزاد، ۲۰۰۶).

1. Location Model Theory

امروزه، توسعهٔ سریع شهرها و گسترش بی‌رویهٔ آن‌ها، تغییرات چشمگیری در سیمای حومه و حاشیهٔ شهرها ایجاد کرده است. این تحولات، به تداخل نواحی روستایی و عرصه‌های طبیعی با فضای شهری منجر شده و مبادی ورودی شهرها را به ساختاری فضایی و کالبدی منفصل، فاقد انسجام و هویت تبدیل کرده است (بحرینی و همکاران، ۱۳۸۱: ۱۷). در چنین شرایطی، نظریه‌های مربوط به (کیفیت زندگی شهری) و (طراحی منظر شهری) اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کنند. از این منظر، ورودی شهر به‌عنوان اولین تجربهٔ فضایی برای مسافران و بازتابی از کیفیت کلی شهر، باید بتواند انتظارات کاربران را برآورده سازد. به‌طورکلی، نقش و انتظارات از ورودی شهر را می‌توان در سه مفهوم کلیدی پذیرندگی، خوانایی و تشخص دسته‌بندی کرد که هر کدام با نظریه‌های مرتبط قابل تبیین هستند.

پذیرندگی: نخستین انتظار هر فرد هنگام ورود به شهر، حس پذیرفته شدن و خوشامدگویی است. ایجاد فضایی دلپذیر با حضور عناصر طبیعی و تغییر تدریجی از فضای طبیعی به مصنوع، این حس را تقویت می‌کند. به همین دلیل، پوشش گیاهی در حاشیهٔ جاده‌های ورودی، با محدود کردن دید و کاهش سرعت، به بهبود منظر ورودی کمک می‌کند (پاکزاد، ۱۳۹۳: ۱۲). همچنین، ایجاد باندهای تندرو و کندرو در مسیر ورودی‌ها، امکان دسترسی آسان به خدمات بین‌راهی و کاربری‌های موردنیاز مسافران و ساکنان را فراهم می‌سازد (لنگ، ۱۳۹۸).

خوانایی: در ورودی شهرها، به دلیل حاکمیت سواره، خوانایی مسیر اهمیت ویژه‌ای دارد و به افزایش ایمنی و راحتی مسافران کمک می‌کند. مسیر ورودی باید دارای وضوح کافی بوده و رانندگان را به‌راحتی هدایت کند. ادامهٔ مسیر باید در روز و شب قابل‌رؤیت بوده و عاری از موانع دید باشد. نشانه‌های شاخص شهر، اعم از عناصر طبیعی یا مصنوع، باید به‌گونه‌ای قرار گیرند که فرد بتواند موقعیت خود را نسبت به آن‌ها ارزیابی کند (پاکزاد، ۱۳۹۳: ۱۲). استفاده از سامانه‌های اطلاع‌رسانی هوشمند و تابلوهای راهنمای خوانا نیز به ارتقای خوانایی ورودی کمک می‌کند (شولتز، ۲۰۲۰).

تشخص: یکی از مشکلات اساسی ورودی شهرهای کنونی، عدم تشخص و هویت مستقل آن‌هاست. الگوهای تقلیدی به کار گرفته‌شده، پاسخگوی نیازهای متفاوت شهرهای ساحلی، کویری و کوهستانی نیستند. ورودی شهر باید نمایانگر هویت و شخصیت شهر باشد و با ایجاد عناصری نمادین، تصویری متمایز در ذهن مخاطب ایجاد کند. مسافران و ساکنان انتظار دارند که هنگام ورود به شهر، با عناصری روبه‌رو شوند که با تصورات ذهنی آن‌ها از شهر همخوانی داشته باشد. حفظ نقاط خاطره‌انگیز، اعم از بناها یا عرصه‌های طبیعی، به تقویت این تصویر ذهنی کمک می‌کند (پاکزاد، ۱۳۹۳: ۱۲). استفاده از المان‌های بومی، مصالح محلی و هنر منطقه‌ای می‌تواند به ایجاد تشخص در ورودی شهر کمک کند (منتظری، ۱۴۰۰). علاوه بر ابعاد موضوعی یادشده، ورودی شهرها دارای کارکردهای موضعی نیز هستند که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به کارکرد انتقالی و ارتباطی، کارکرد اجتماعی و اقتصادی، نقش انتقال‌دهندهٔ آگاهی و اطلاعات، کارکرد معرف و شهرنما، نقش توقفگاه، تعریف‌کنندهٔ سلسله‌مراتب ورود، جداکنندهٔ شهر و حومه و کارکرد فضای مبدل حرکتی اشاره کرد (قوام‌پور، ۲۰۰۶: ۲۵).

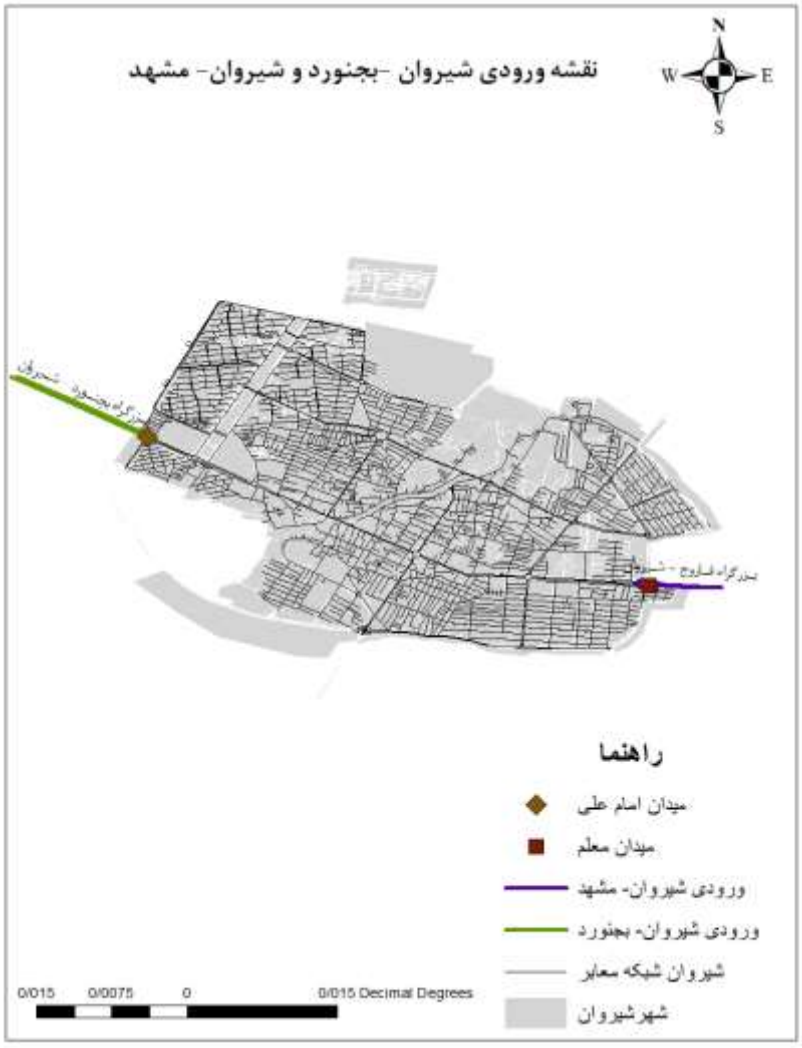
۵. یافته‌های پژوهش

۵. ۱. یافته‌های حاصل از مشاهده

نتایج مشاهدات میدانی از ورودی شیروان از سمت بجنورد نشان می‌دهد که این ورودی از پذیرندگی مطلوبی برخوردار است. ازجمله عناصری که در پذیرندگی این ورودی مؤثر است می‌توان به وجود فضای سبز و باغ‌ها و زمین‌های کشاورزی در بخشی از مسیر این ورودی، وجود امکانات و تسهیلات گردشگری و اقامتی، زیبایی مسیر، پیاده‌روها و ساختمان‌هایی با معماری زیبا اشاره کرد. باوجوداین از ویژگی‌های خوانایی در این مسیر می‌توان به پارک ملی گلستان، تپه باستانی ارگ شیروان، مقبرهٔ امامزاده حمزه رضا در شهر زیارت، وجود تالار پذیرایی مهرپویان، پارک کوثر شیروان و وجود گلخانه‌ها در نزدیکی ورود شهر شیروان اشاره کرد. از طرفی وجود تابلوها و آگهی‌نماهای تبلیغاتی و حجم ترافیک سنگین در ایام خاصی از سال از عوامل تضعیف‌کنندهٔ مؤلفهٔ خوانایی در این

مسیر شده است. از ویژگی داشتن انعطاف، می‌توان پیوند شهر زیارت و روستای حسین‌آباد و روستای توریستی زوارم با شهر و وجود کاربری‌های اجتماعی در این مسیر را نام برد.

محور شیروان به مشهد از سمت جنوب شرق به شهر وارد می‌شود. در ابتدا آنچه در این ورودی جلب‌توجه می‌کند زمین‌های خالی، وجود زمین‌های کشاورزی و حضور محیط طبیعی به‌ویژه در سمت راست مسیر است. علاوه براین عنصر مناسب مسیر، وجود انبوه تالارهای پذیرایی و هتل رضا و باغ تالار نزدیک نیروگاه برق شیروان، فضای سبز و گل‌کاری شدهٔ اولین میدان واقع در این مسیر (میدان معلم) تقویت‌کنندهٔ پذیرندگی این ورودی است. در مقابل استقرار شهرک صنعتی امیرآباد و وجود انبوه کاربری‌های مرتبط با تعمیرات و خدمات اتومبیل و عدم وجود خدمات پذیرایی و اقامتگاهی عنصر پذیرندگی مسیر را با اختلال مواجه می‌سازد. قرارگیری نسبت مناسب تابلوهای راهنمایی‌ورانندگی، شیب مناسب و عدم وجود پیچ‌وخم در مسیر، ویژگی خوانایی این مسیر را تقویت کرده و در مقابل وجود زمین‌های خالی به‌ویژه در اطراف شهرک بسیج، برخی پروژه‌های نیمه‌کاره و وجود انبوه تابلوهای تبلیغاتی تضعیف‌کنندهٔ خوانایی مسیر است.



شکل ۳. نقشهٔ کاربری اراضی شهری در محدودهٔ دو ورودی مشهد و بجنورد شهر شیروان

منبع: ادارهٔ راه و شهرسازی شهرستان شیروان،۱۴۰۳

۵. ۲. یافته‌های استنباطی

یافته‌های توصیفی داده‌های پرسشنامه‌ای نشان می‌دهد که از مجموع ۳۵۰ نفری که در این تحقیق به‌عنوان نمونه نظر آن‌ها را در مورد دو ورودی موردمطالعه جویا شده‌ایم، ۶۵ درصد مرد و ۳۵ درصد زن بوده‌اند. دلیل این تفاوت را می‌توان در تفاوت ترکیب جنسی جامعهٔ آماری، به‌ویژه مسافران واردشده به شهر جستجو کرد. ازنظر ترکیب سنی، بیشترین تعداد مربوط به گروه سنی ۳۵-۲۶ سال با ۴۳ درصد بوده است. پس‌ازاین گروه، گروه‌های سنی ۴۵-۳۶ سال با ۲۳/۵ درصد و ۲۵-۱۵ سال با ۲۷/۵ درصد پاسخگویان را به خود اختصاص می‌دهند. ازنظر سطح تحصیلات، ۳۰ درصد پاسخگویان دارای مدرک فوق‌دیپلم و لیسانس، ۴۱ درصد دیپلم، ۷ درصد راهنمایی و متوسطه و ۲۲ درصد فوق‌لیسانس و دکترا بوده‌اند. از حیث وضعیت سکونت در شیروان، ۴۷ درصد ساکن این شهر و ۵۳ درصد مسافرانی بوده‌اند که از سایر نقاط به این شهر واردشده‌اند.

عناصر جذاب در ابتدای ورودی شهر ازنظر پاسخگویان: یکی از سؤالاتی که برای افراد نمونه طرح شد این بود که عناصر و مناظر جالب و جذاب در ورودی شهر ازنظر شما کدام است؟ پاسخ‌ها به این سؤال در جدول زیر خلاصه‌شده است:

جدول ۱-توزیع فراوانی و درصد فراوانی عناصر جذاب مشاهده‌شده توسط پاسخگویان

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۴

عناصر جذاب در ابتدای ورودی	شیروان- بجنورد		شیروان-مشهد		کل	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
فضای سبز زیبا	۶۷	۴۹/۱	۴۷	۲۶/۸۵	۱۱۴	۳۶/۸۵
نمادها و مجسمه‌ها در میدان‌ها	۱۰	۲/۲	۲۲	۱۲/۵۷	۳۹	۸/۲۸
مناظر طبیعی زیبا	۵۹	۴۰/۳	۶۸	۳۸/۸۵	۱۲۷	۳۰/۸۵
ساختمان‌های زیبا	۳۹	۹/۱	۳۱	۲۱/۷۱	۷۰	۲۴

همان‌گونه که از جدول (۱) قابل‌مشاهده است جذاب‌ترین عنصر در ورودی شیروان – بجنورد فضای سبز زیبا است که ۴۹/۱ درصد است، این در حالی است که در ورودی شیروان–مشهد مناظر طبیعی زیبا عنوان جذاب‌ترین را با ۳۸/۸۵ درصد به خود اختصاص می‌دهد. مناظر طبیعی زیبا و ساختمان‌های زیبا به‌ترتیب ۴۰/۳ درصد و ۹/۱ درصد رتبه‌های دوم و سوم را در ورودی شیروان–بجنورد دارند.

در ورودی شیروان–مشهد به‌ترتیب فضای سبز زیبا ۲۶/۸۵ درصد و ساختمان‌ها زیبا با ۲۱/۷۱ درصد در رتبه‌های دوم و سوم قرار می‌گیرند. در پاسخ به این سؤال که عناصر آزاردهنده ازنظر شما در ابتدای ورود به شهر چیست؟ افراد نمونه به شرح جدول زیر پاسخ گفته‌اند.

جدول ۲ – توزیع فراوانی پاسخگویان در دو ورودی شهر در مورد عناصر آزاردهنده در هر دو ورودی

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۴

عناصر آزاردهنده در مسیر ورودی	شیروان- بجنورد		شیروان–مشهد		کل	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
نمای نامناسب ساختمان‌ها	۱۸	۵/۵	۸۴	۴۹/۲	۱۰۲	۵۴/۷
به‌هم‌ریختگی تابلوهای تجاری و تبلیغاتی	۵۰	۳۵/۲	۵۱	۳۶	۱۰۱	۵۱
پروژه‌های عمرانی نیمه‌کاره	۶	۳/۱۵	۱۲	۲/۱	۱۸	۸/۵۷
تعمیرگاه‌های اتومبیل	۹۶	۵۴/۸۵	۲۳	۱۰.۱	۱۱۹	۹۵/۶۴
صنایع و کارگاه‌های تولیدی	۵	۲/۸۵	۵	۲/۷۰	۱۰	۲/۸۵

همان‌گونه که از جدول فوق قابل‌مشاهده است بیشترین عنصر آزاردهنده در ورودی شیروان–بجنورد تعمیرگاه‌های اتومبیل است که ۵۴/۸۵ درصد است، در حالی است که در ورودی شیروان–مشهد نمای نامناسب ساختمان‌ها عنوان آزاردهنده‌ترین عنصر را با ۴۹/۲ درصد به خود اختصاص داده است. تعمیرگاه‌های اتومبیل با ۵۴.۸۵ درصد، به‌هم‌ریختگی تابلوهای تجاری و تبلیغاتی با ۳۵.۲

درصد، رده‌های دوم و سوم را برای ورودی از سمت بجنورد دارند. برای ورودی شیروان–مشهد به‌هم‌ریختگی تابلوهای تجاری و تبلیغاتی ۳۶ درصد و تعمیرگاه‌های اتومبیل ۱۰.۱ درصد در جایگاه دوم و سوم عناصر و مناظر نامطلوب و آزاردهنده قرار می‌گیرند.

جدول ۳-توزیع فراوانی پاسخگویان در دو ورودی شهر براساس احساس در بدو ورود به شهر

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۴

احساس در بدو ورود به شهر	شیروان- بجنورد		شیروان-مشهد		کل	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
آرام‌آرام وارد شهر شدم	۹۰	۵۰.۱۴	۵۳	۳۰/۲۸	۱۴۳	۳۹/۴۳
ناگهان خودم در میان شلوغی یافتم	۵۴	۳۷/۳۴	۸۴	۴۸	۱۳۸	۳۷.۷۱
چیز خاصی احساس نکردم	۱۰	۲.۱	۲۱	۱۲	۳۱	۱۲
یادم نیست	۲۱	۱۰.۵	۱۷	۹/۷۱	۳۸	۱۰/۸۵

همان‌طور که از داده‌های جدول (۳) قابل‌درک است احساس وارد شدن آرام‌آرام در ورودی شیروان- بجنورد ۵۰.۱۴ درصد است، درحالی‌که برای ورودی شیروان–مشهد ۳۰/۲۸ درصد است. وارد شدن ناگهانی برای ورودی شیروان- بجنورد ۳۷.۳۴ درصد و برای ورودی شیروان–مشهد ۴۸ درصد بوده است. به‌عبارت‌دیگر مسافرانی که از ورودی شیروان–مشهدوارد می‌شوند بیشتر احساس اینکه به‌صورت ناگهانی و یک‌دفعه وارد محیط شلوغی شدند را تجربه کرده‌اند.

قبل از تحلیل یافته‌های پرسشنامه‌ها برای بررسی روایی سؤالات پرسشنامه قبل از اقدام به تکمیل کردن آن‌ها، گویه‌های طراحی‌شده برای سنجش مؤلفه‌های مورد بررسی توسط ۸ نفر از متخصصان رشته‌های برنامه‌ریزی شهری و علوم اجتماعی مورد تأیید قرار گرفت. برای اطمینان از

پایایی ابزار سنجش، آزمون پایایی با استفاده از روش آلفای کرونباخ انجام شد. نتایج به تفکیک مؤلفه‌های مورداستفاده برای سنجش کیفیت ورودی‌ها در جدول زیر آمده است.

جدول ۴- ضرایب آلفای کرونباخ به تفکیک مؤلفه

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۴

مؤلفه‌ها	تعداد گویه‌ها	ضریب آلفا	ضریب آلفای کل
کیفیت کالبدی	۶	۰/۷۳۰	۰/۷۸۹
پذیرندگی	۷	۰/۷۲۶	
خوانایی	۶	۰/۷۲۵	
تشخّص	۵	۰/۷۵۰	

نتایج نشان می‌دهد که ضریب آلفا در مورد همهٔ مؤلفه‌ها بیشتر از ۰/۷ است که بیانگر پایایی قابل‌قبول ابزار سنجش یعنی پرسشنامه است. پس از اطمینان از روایی و پایایی ابزار سنجش، ابتدا ویژگی‌های فردی و اجتماعی – اقتصادی پاسخگویان مورد بررسی قرار گرفت.

برای سنجش وضعیت ادراک کیفیت ورودی‌های موردمطالعه توسط مسافران و ساکنان از آزمون مقایسهٔ میانگین‌ها استفاده‌شده است. در اینجا ابتدا میانگین نمرهٔ گویه‌های تشکیل‌دهندهٔ هر یک از مؤلفه‌ها از طریق دستور (Compute) محاسبه‌شده است. سپس با توجه به اینکه سؤالات پرسشنامه در طیف پنج گزینهٔ لیکرت (از رتبهٔ ۱: خیلی‌کم تا ۵: خیلی‌زیاد) طبقه‌بندی‌شده‌اند، مقدار ۳ به‌عنوان حد متوسط در نظر گرفته‌شده و میانگین نمونه با آن مقایسه شده است. نتایج این آزمون در جدول زیر باحالت مقایسه‌ای برای هر دو ورودی نشان داده می‌شود.

جدول ۵-نتایج آزمون مقایسه میانگین مولفه های ورودی شهرشیروان

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۴

مؤلفه	ورودی	مقدار حد متوسط=۳			
		میانگین	درجه آزادی	مقدار آماره t	سطح معنی‌داری
کیفیت کالبدی	شیروان- بجنورد	۲/۹۰	۱۷۴	-۳/۶۵	-/۰۰۵
	شیروان-مشهد	۳/۶۰	۱۷۴	۴/۶۵	۰/۰۰۰
پذیرندگی	شیروان- بجنورد	۳.۲۰	۱۷۴	-۴/۰۲	۰/۰۰۰
	شیروان-مشهد	۳/۵۴	۱۷۴	۴/۱۲	۰/۰۰۰
خوانایی	شیروان- بجنورد	۳/۸۵	۱۷۴	۴/۵۰	۰/۰۰۰
	شیروان-مشهد	۳/۵۵	۱۷۴	۴/۷۲	۰/۰۰۰
تشخّص	شیروان- بجنورد	۲/۲۰	۱۷۴	-۵/۲۳	۰/۰۰۰
	شیروان-مشهد	۳/۷۵	۱۷۴	۱۳/۴۶	۰/۰۰۰
میانگین کل	شیروان- بجنورد	۲/۹۵	۲۴۹	-۲/۱۵	۰/۰۰۰
	شیروان- بجنورد	۳/۷۵	۲۴۹	۹/۴۶	۰/۰۰۰

نتایج آزمون مقایسه میانگین‌ها نشان می‌دهد که نمرهٔ میانگین در همه مؤلفه‌های چهارگانه کالبدی، پذیرندگی، خوانایی و تشخص در ورودی شیروان از سمت مشهد از دیدگاه مسافران و بازدیدکنندگان بیشتر از حد متوسط است ولی این رقم در مورد ورودی شیروان- بجنورد به‌جز مؤلفهٔ خوانایی که بالاتر از حد متوسط است، در بقیهٔ مؤلفه‌ها کمتر از حد متوسط ارزیابی‌شده است. برای مقایسهٔ میانگین نظر پاسخگویان در دو ورودی، با توجه به اینکه در فایل داده‌ها نظر پاسخگویان در دو ورودی با دو کد جداگانه از هم تفکیک‌شده بودند، برای آزمون این فرضیه از آزمون مقایسهٔ میانگین‌ها (حالت مقایسه بین گروهی) استفاده شد. لازم به توضیح است که برای آزمون برابری واریانس‌ها براساس آزمون لون (Levene's Test)، واریانس‌ها در هر دو گروه مساوی فرض شده‌اند. نتایج نشان

داد که میانگین شاخص کل در ورودی از سمت مشهد با رقم ۳.۷۵ به‌طور معنی‌داری از میانگین مربوط به ورودی از طرف بجنورد با رقم ۲.۹۵ بالاتر است.

به‌منظور بررسی و مقایسهٔ دقیق‌تر کیفیت ادراکی دو ورودی از دیدگاه پاسخگویان، میانگین‌ها به تفکیک هر یک از گویه‌های تشکیل‌دهندهٔ مؤلفه‌های چهارگانه محاسبه‌شده که نتایج در جدول زیر خلاصه شده است.

جدول ۶ -میانگین ابعاد کالبدی موردسنجش قرارگرفته به‌صورت جداگانه

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۴

مؤلفه‌ها	گویه‌های تشکیل‌دهنده هر مؤلفه	میانگین در هر یک از ورودی‌ها	
		شیروان- بجنورد	شیروان- مشهد
کالبدی	تناسب و پیوستگی ساختمان‌ها	۲.۵۰	۲.۹۲
	تناسب کاربری‌ها	۲.۰۱	۳.۰۷
	وضعیت روشنایی در شب	۳.۵۰	۳.۳۴
	یادبودها و مجسمه‌ها	۲.۶۳	۳.۸۲
پذیرندگی	جذابیت منظر طبیعی	۳.۵۵	۳.۹۷
	زیبایی نمادها و بناها	۲.۲۰	۲.۹۰
	زیبایی فضای سبز	۳.۰۱	۳.۲۳
	زیبایی بلوارها، پل‌ها و میدان‌ها	۳.۰۰	۳
	خدمات رفاهی و پذیرایی	۳.۲۹	۳.۵۱
	خدمات مرتبط با اتومبیل	۳.۳۲	۲.۹۰
خوانایی	هدایت‌کنندگی مسیر	۳.۰۰	۳.۷۹
	وضوح علائم و تابلوها	۲.۴۵	۳.۶۳
	حرکت تدریجی از طبیعت به شهر	۳.۲۰	۲.۸۶
	ظرفیت و کشش ترافیکی مسیر	۳.۵۸	۲.۸۴
تشخّص	معرف کارکرد و هویت شهر	۲.۷۱	۳.۸۵
	خاطره‌انگیز بودن مسیر	۲.۶۱	۳.۸۸
	نزدیکی تصورات قبل و بعد سفر	۲.۷۴	۳.۷۲

داده‌های جدول بالا نشان می‌دهد که میانگین در مورد مؤلفهٔ کالبدی در ورودی شیروان–بجنورد به‌جز گویهٔ وضعیت روشنایی در شب که در حد متوسط است، در بقیهٔ گویه‌ها کمتر از حد متوسط (عدد ۳) است، اما در ورودی از سمت مشهد به‌غیراز گویهٔ تناسب و پیوستگی ساختمان‌ها و تناسب کاربری‌ها که در حد متوسط است در سایر گویه‌ها بیشتر از حد متوسط بوده است. در رابطه با مؤلفهٔ پذیرندگی، در ورودی از طرف بجنورد، گویهٔ جذابیت منظر طبیعی، گویهٔ خدمات مرتبط با اتومبیل بیشتر از حد متوسط و زیبایی فضای سبز و زیبایی بلوارها میدان ازنظر پاسخگویان در حد متوسط و ارزیابی‌شده است و سایر گویه‌های تشکیل‌دهندهٔ این مؤلفه پایین‌تر از حد متوسط تشخیص داده‌شده است. در مورد ورودی از سمت مشهد گویه‌های زیبایی نمادها و بناها، زیبایی بلوارها و میدان‌ها و وجود خدمات مرتبط با اتومبیل در حد متوسط و سایر گویه‌ها بیشتر از حد متوسط ارزیابی‌شده است. از بین گویه‌های تشکیل‌دهنده مؤلفهٔ خوانایی در ورودی از طرف بجنورد، گویه‌های هدایت‌کنندگی مسیر، وضوح علائم و تابلوها و ظرفیت و کشش ترافیکی مسیر بیشتر از حد متوسط و گویهٔ حرکت تدریجی از طبیعت به‌سوی شهر در حد متوسط بوده است. یکی دیگر از سؤالات اساسی این پژوهش این بود که در ارزیابی سطح کیفیت ورودی‌های شهر آیا بین دیدگاه ساکنان و بازدیدکنندگان تفاوت معنی‌داری وجود دارد؟ با توجه به اینکه در فایل داده‌ها نظر بازدیدکنندگان و ساکنان با دو کد جداگانه از هم تفکیک‌شده بودند، برای آزمون این فرضیه از آزمون مقایسهٔ میانگین‌ها (حالت مقایسهٔ بین گروهی) استفاده شد. نتایج در جدول زیر نشان داده‌شده است. لازم به توضیح است که برای آزمون برابری واریانس‌ها براساس آزمون لون (Levene's Test)، در مورد همهٔ مؤلفه‌ها واریانس‌ها در هر دو گروه مساوی فرض شده‌اند.

جدول ۷. میانگین نمرهٔ شاخص کل و مؤلفه‌های تشکیل‌دهندهٔ آن به تفکیک دو ورودی

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۴

شاخص‌ها و مؤلفه‌ها	محور ورودی	تعداد	میانگین	آماره t	سطح معنی‌داری
میانگین شاخص کل	ساکنان شیروان	۱۰۰	۳/۴۹۵	-۱/۸۸۸	۰/۰۷۵
	بازدیدکنندگان	۱۰۰	۳/۵۵۰		
میانگین مؤلفه کیفیت کالبدی	ساکنان شیروان	۱۰۰	۲/۵۹	-۱/۰۰	۰/۲۶۲
	بازدیدکنندگان	۱۰۰	۳/۰۷۱		
میانگین مؤلفه پذیرندگی	ساکنان شیروان	۱۰۰	۲/۷۸۰	-۱/۸۶۸	۰/۰۶۳
	بازدیدکنندگان	۱۰۰	۳/۰۶۳		
میانگین مؤلفه خوانایی	ساکنان شیروان	۱۰۰	۳/۲۱۵	-۰/۶۲۰	۰/۵۳۶
	بازدیدکنندگان	۱۰۰	۳/۱۰۴		
میانگین مؤلفه تشخّص	ساکنان شیروان	۱۰۰	۳/۳۸۷	-۰/۷۷۶	۰/۴۳۹
	بازدیدکنندگان	۱۰۰	۳/۴۷۸		

نتایج نشان می‌دهد که با توجه به نزدیک بودن میانگین نظر ساکنان (۳/۴۹۵) و بازدیدکنندگان (۳/۵۵۰) و همچنین نظر به اینکه سطح معنی‌داری آزمون (۰/۰۷۵) کمتر از ۰/۰۵ نیست، می‌توان ادعا کرد که بین نظر ساکنان شیروان و مسافران در رابطه با میانگین نمرهٔ شاخص کل کیفیت ورودی‌ها تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. این وضعیت در مورد مؤلفه‌های کالبدی، پذیرندگی، خوانایی و تشخّص هم صادق است. به‌عبارت‌دیگر می‌توان گفت که بین برداشت و دیدگاه ساکنان شیروان و بازدیدکنندگان غیر ساکن این شهر در مورد ابعاد مختلف کیفیت ورودی‌های این شهر تفاوت معنی‌داری وجود ندارد.

۶. نتیجه‌گیری

توجه به مبادی ورودی شهرها به‌ویژه از جمله شهر شیروان که در مسیر استان خراسان رضوی و استان‌های شمالی کشور قرار دارد ازجمله این شهر دارای مکان‌های پارک شیرکوه، آیه ارگ باستانی و همچنین روستاهای

توریستی زوارم و مقبره امامزاده حمزه رضا در نزدیکی شیروان و همچنین دارای چندین هتل ازجمله هتل رضا و بیمارستان هاشمی رفسنجانی در کمربندی شیروان – بجنورد و شیروان –مشهد است. ورودی شهرها ازاین‌رو حائز اهمیت است که این فضاها، نخستین عرصه‌های شهری هستند که مسافران با آن‌ها مواجه می‌شوند. کیفیت طراحی این ورودی‌ها می‌تواند نقشی بسزا در هویت‌بخشی به شهر و ایجاد تصویری ماندگار و خوانا در ذهن بازدیدکنندگان ایفا کند؛ در مقابل، نابسامانی و بی‌هویتی این فضاها، تأثیری معکوس بر جای خواهد گذاشت. این پژوهش باهدف ارزیابی کیفیت دو ورودی اصلی شهر شیروان (مسیرهای بجنورد–شیروان و مشهد–شیروان) با تأکید بر ابعاد کالبدی، پذیرندگی، خوانایی و تشخص انجام‌شده است. ورودی بجنورد–شیروان، به دلیل قرارگیری در مسیر یکی از قطب‌های گردشگری استان خراسان شمالی (شهر بجنورد) و کلان‌شهر مشهد، پذیرای حجم قابل‌توجهی از گردشگران بوده و از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

نتایج حاصل از بررسی‌های میدانی در ورودی شیروان از سمت مشهد نشان می‌دهد که وجود فضای سبز، باغ‌ها و زمین‌های کشاورزی در بخشی از مسیر، تسهیلات و امکانات گردشگری و اقامتی، زیبایی بصری مسیر، پیاده‌روهای مناسب و ساختمان‌هایی با معماری چشم‌نواز، موجب ارتقای سطح پذیرندگی این ورودی شده است. همچنین، وجود خدمات پذیرایی از مسافران در این مسیر، به بهبود این شاخص کمک کرده است. خوانایی این مسیر نیز به دلیل جانمایی مناسب و نصب تابلوهای راهنمایی‌ورانندگی و انتقال تدریجی از مناظر طبیعی به فضاهای شهری، در وضعیت مطلوبی قرار دارد. بااین‌وجود، حجم بالای ترافیک در ایام خاصی از سال، از میزان پذیرندگی این مسیر کاسته است. ازجمله ویژگی‌های تقویت‌کنندهٔ حس تشخص و عناصر هویت‌بخش در این ورودی می‌توان به استقرار ساختمان‌های شاخصی همچون تالارها، باغ تالارها، هتل جهانگرد، بیمارستان

هاشمی‌رفسنجانی و نیروگاه اشاره کرد. همچنین، انعطاف‌پذیری با شهر و وجود کاربری‌های اجتماعی در این مسیر، به تقویت این ویژگی کمک کرده است.

در محور شیروان به بجنورد، آنچه بیش از هر چیز به چشم می‌آید، زمین‌های بایر، زمین‌های کشاورزی و حضور پررنگ طبیعت، به‌ویژه در سمت راست مسیر است. علاوه براین، فضای سبز و گل‌کاری‌شده‌ی میدان امام علی (نخستین میدان در این مسیر)، روستای توریستی زوارم و تالار پذیرایی مهر پویان، ازجمله عوامل تقویت‌کنندهٔ پذیرندگی این ورودی هستند. در مقابل، استقرار کارخانه قند شیروان و وجود انبوه کاربری‌های مرتبط با تعمیرات و خدمات خودرو و نبود خدمات پذیرایی و اقامتی، این عنصر را با اختلال مواجه می‌سازد. جانمایی مناسب تابلوهای راهنمایی و رانندگی، شیب مناسب و عدم وجود پیچ‌وخم در مسیر، به تقویت ویژگی خوانایی این مسیر کمک کرده، اما وجود زمین‌های خالی (به‌ویژه در اطراف میدان امام علی، کلانتر ۱۱ شهرستان شیروان)، برخی پروژه‌های نیمه‌کاره و انبوه تابلوهای تبلیغاتی، این ویژگی را تضعیف می‌کند.

نتایج حاصل از تجزیه‌وتحلیل داده‌های پرسشنامه‌ها نشان می‌دهد سؤال عناصر و مناظر جالب و جذاب در ورودی شهر ازنظر شما کدام است؟ ازنظر پاسخ‌دهندگان، ورود شیروان – بجنورد فضای سبز زیبا که ۴۹.۱ درصد است و در ورودی شیروان – مشهد مناظر طبیعی زیبا عنوان جذاب‌ترین با ۳۸.۸۵ درصد رت به خود اختصاص داده است. ساختمان‌های زیبا، مناظر طبیعی زیبا، به‌عنوان عناصر جذاب ورودی‌ها تلقی می‌شوند. در پاسخ به این سؤال که عناصر آزاردهنده ازنظر شما در ابتدای ورود به شهر چیست؟ افراد نمونه به شرح جدول زیر (۴) در مقابل، حضور گستردهٔ دست‌فروشان در اطراف میدان معلم و شلوغی این محدوده در ورودی از سمت مشهد و تعمیرگاه‌های خودرو و نابسامانی تابلوهای تجاری و تبلیغاتی در ورودی از سمت بجنورد، به‌عنوان عوامل آزاردهنده یاد شده‌اند. در مورداحساس ورود به شهر، در ورودی شیروان–بجنورد، ۵۰.۱۴ درصد از پاسخ‌دهندگان اظهار داشته‌اند که احساس کرده‌اند به‌تدریج وارد شهر شده‌اند، درحالی‌که این رقم در ورودی

شیروان–مشهد ۳۰.۲۸ درصد بوده است. در مقابل، ۴۸ درصد از پاسخ‌دهندگان در ورودی از سمت مشهد به این نکته اشاره‌کرده‌اند که ناگهان خود را در شلوغی شهر یافته‌اند.

تحلیل استنباطی یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که درمجموع، میانگین نظر پاسخ‌دهندگان در مورد ویژگی‌ها و کیفیت کالبدی ورودی شیروان–بجنورد با میانگین ۲.۹۰ در حد کمتر از متوسط و میانگین مربوط به محور شیروان–مشهد ۳.۶۰ بیشتر از حد متوسط بوده است. در این مؤلفه، میانگین نظر پاسخ‌دهندگان در وردی مشهد–شیروان بیشتر از ورودی از سمت بجنورد بوده است. میانگین نظر پاسخ‌دهندگان در مؤلفهٔ پذیرندگی نیز در ورودی از سمت مشهد به‌طور معنی‌داری از ورودی بجنورد–شیروان بالاتر بوده است. براین مؤلفه به‌جز گویه خدمات مرتبط با اتومبیل که در ورودی از سمت بجنورد رقم بالاتری از ورودی از طرف مشهد را نشان می‌دهد، در بقیهٔ گویه‌ها برعکس است. ازنظر خوانایی به‌جز در مورد هدایت‌کنندگی مسیر که میانگین ورودی از سمت مشهد به‌طور قابل‌ملاحظه‌ای از ورودی بجنورد بیشتر است، در سایر گویه ها میانگین در ورودی از سمت بجنورد با تفاوت اندکی از رقم مربوط به ورودی از سمت مشهد بیشتر است. در مورد مؤلفهٔ تشخص در همهٔ گویه‌ها میانگین نمرهٔ ورودی از سمت مشهد بالاتر از ورودی از طرف بجنورد بوده است. مقایسهٔ مؤلفه‌های دو ورودی ازنظر پاسخ‌دهندگان نتایج نشان داد که میانگین شاخص کل در دو ورودی باهم تفاوت معنی‌داری داشته‌اند (۳.۷۵ در محور مشهد در مقابل ۲/۹۵ در محور بجنورد). به این معنی که میانگین در محور مشهد به‌طور معنی‌داری بیشتر از محور بجنورد بوده است. این نتایج با مشاهدات میدانی مطابقت دارد.

یکی دیگر از سؤالات اساسی این پژوهش این بود که در ارزیابی سطح کیفیت ورودی‌های شهر آیا بین دیدگاه ساکنان و بازدیدکنندگان تفاوت معنی‌داری وجود دارد؟ با توجه به اینکه در فایل داده‌ها نظر بازدیدکنندگان و ساکنان با دو کد جداگانه از هم تفکیک‌شده بودند، برای آزمون این

فرضیه از آزمون مقایسهٔ میانگین‌ها (حالت مقایسه بین گروهی) استفاده شد. در این رابطه نتایج آزمون مقایسهٔ میانگین‌ها نشان داد که درمجموع و همچنین در هیچ‌یک از مؤلفه‌های چهارگانه تفاوت معنی‌داری بین نظر ساکنان و بازدیدکنندگان وجود ندارد.

براساس یافته‌های این پژوهش، ورودی‌های شهر شیروان، همچون سایر شهرها، دارای نقاط قوت و ضعفی هستند که بر کیفیت تجربهٔ بازدیدکنندگان و ساکنان تأثیر می‌گذارند؛ درحالی‌که وجود عناصر طبیعی و فضای سبز در برخی از ورودی‌ها، حس خوشایندی را القا می‌کند، وجود کاربری‌های نامناسب مانند تعمیرگاه‌های خودرو و صنایع مزاحم، به همراه کمبود خدمات رفاهی و تابلوهای تبلیغاتی نامنظم، ازجمله چالش‌های اصلی در ورودی‌های شیروان محسوب می‌شوند. همچنین، نتایج نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد که استفاده از نمادها و المان‌های فرهنگی و تاریخی شهر در ورودی‌ها، می‌تواند به ارتقای هویت و تشخص این فضاها کمک کند و احساس مثبتی را در بازدیدکنندگان ایجاد نماید. به‌طورکلی، ورودی‌های شهر شیروان نیازمند توجه و ساماندهی بیشتری هستند تا بتوانند به‌عنوان دروازه‌هایی جذاب و به‌یادماندنی، نقش مؤثری در جذب گردشگر و ارتقای هویت شهری ایفا کنند. و از این جهت می توان گفت با پژوهش رضایی (۱۳۹۷) هم راستا است؛ زیرا یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که گردشگران، کیفیت ورودی‌های شهر یزد را از نظر شاخص‌های مورد نظر در حد متوسط ارزیابی کرده‌اند؛ به‌طوری که هیچ کدام از ورودی‌ها به بازخوانی هویت شهر نمی‌پردازند و در مقایسه سه ورودی با یکدیگر، ورودی یزد کرمان از نظر گردشگران در سطح پایین‌تری قرار دارد. پژوهش زارنجی و همکاران (۱۴۰۲) نتایج به‌دست آمده حاکی از آن است در بین ورودی‌های مورد مطالعه ورودی تهران- اردبیل وضعیت مطلوبی نداشته و در سطحی نامساعد به سر می‌برد. لازم است این ورودی در اولویت مداخلهٔ برنامه‌ریزان و مدیران شهری قرار گیرد. پژوهش براتی و همکاران (۱۳۹۵) براساس نتایج به‌دست‌آمده زیبایی، خوانایی و اثر معرفی شهر، سه معیار اصلی نماد ورودی اصلی یک شهر است. عمده ضعف موجود در ورودی شهر قزوین، عدم ارتباط این سه معیار با هویت شهر است. پژوهش جمالیان و همکاران (۱۴۰۳) با این تحقیق در یک

راستا است؛ زیرا نتایج پژوهش بیانگر آن است که ورودی دروازه قرآن با حفظ ویژگی‌های هویتی خود، توانسته حس تعلق و آشنایی شهروندان و مسافران را تقویت کند. به‌ویژه، هم‌جواری‌های ورودی با بافت شهری اطراف و نحوهٔ استقرار آن در منظر شهری، نقش برجسته‌ای در ایجاد خاطرات جمعی و تقویت هویت شهری شیراز دارد. پژوهش باقری و منصوری (۱۳۹۷) متفاوت از این پژوهش است؛ چراکه آنها به این نتیجه رسیده‌اند که ورودی، دریچه‌ای برای ادراک منظر شهر است و عنصری است صرفاً جهت ایجاد هویت مستقل برای منظر شهری؛ درحالی‌که ادراک ورودی نیاز به توجه به بعد معنایی حضور در کنار بعد فیزیکی نیز دارد. در این پژوهش تأکید شده که ورودی ضمن تشخص کالبدی، لازم است تا تشخص معنایی نیز داشته باشد.

۷. پیشنهادها

براساس نتایج از این پژوهش و با شناختی که از نقاط قوت و ضعف موجود در کیفیت دو ورودی موردمطالعه حاصل شد، برای بهبود و ارتقاء کیفیت آن‌ها پیشنهادهایی به شرح ذیل ارائه می‌گردد:

- توسعهٔ فضای سبز و ایجاد منظر طبیعی: با توجه به اهمیت فضای سبز در ارتقای پذیرندگی ورودی‌ها، پیشنهاد می‌شود که نسبت به توسعهٔ فضای سبز، کاشت درختان بومی و ایجاد مناظر طبیعی در حاشیهٔ ورودی‌های شهر شیروان اقدام شود.
- ایجاد امکانات رفاهی و خدماتی: احداث سرویس‌های بهداشتی مناسب، نمازخانه، استراحتگاه و سایر امکانات رفاهی و خدماتی در ورودی‌های شهر، می‌تواند به افزایش رضایت بازدیدکنندگان و مسافران کمک کند.
- بهبود سیستم حمل‌ونقل و ترافیک: ایجاد مسیرهای ویژه برای دوچرخه‌سواری و پیاده‌روی، ساماندهی ایستگاه‌های حمل‌ونقل عمومی و مدیریت ترافیک، می‌تواند به بهبود دسترسی و

کاهش ترافیک در ورودی‌های شهر کمک کند. با اجرای این پیشنهادها، می‌توان ورودی‌های شهر شیروان را به فضاهایی جذاب، هویت‌مند و کارآمد تبدیل کرد که نقش مؤثری در جذب گردشگر، ارتقای هویت شهری و بهبود کیفیت زندگی ساکنان ایفا می‌کنند.

- بهبود روشنایی و نورپردازی: طراحی و اجرای سیستم روشنایی مناسب و نورپردازی جذاب در ورودی‌های شهر، می‌تواند به بهبود ایمنی و زیبایی این فضاها در شب کمک کند.
- طراحی و نصب المان‌های معماری و نمادهای فرهنگی و تاریخی شهر شیروان در ورودی‌ها، می‌تواند به ارتقای هویت و تشخص این فضاها کمک کند و احساس مثبتی را بازدیدکنندگان ایجاد نماید. به‌طور مثال، استفاده از آلمان‌های مرتبط با صنایع‌دستی شیروان، موسیقی محلی و آداب رسومی محلی می‌تواند در این زمینه مؤثر باشد.
- انتقال مشاغل مرتبط با تعمیرات اتومبیل به لایهٔ دوم مسیر ورودی شیروان–بجنورد و همچنین استفادهٔ بیشتر از نمادها و مجسمهٔ معرف هویت و تاریخ شهر در این ورودی برای کاهش مناظر نامطلوب و آزاردهنده.
- تسریع روند طراحی و جایگذاری بیشتر نشانه‌ها و نمادها قبل از رسیدن به شهر در ورودی مشهد – بجنورد.

کتابنامه

۱. اسدی، ف؛ مبارکی، ا؛ و سامی، ا. (۱۴۰۳). ارزیابی وضعیت کیفیت محیط شهری، مورد مطالعاتی: نواحی ۲ و ۳ شهر مراغه. *معماری و شهرسازی آرمان‌شهر*، *۱۷*(۴۸)، ۱-۱۴.

۲. براتی، ن؛ و نجفی‌تروجنی، ن. (۱۳۹۵). ارزیابی نماد ورودی شهرها برمبنای مؤلفه‌های کالبدی طراحی مطالعه موردی: نماد ورودی شرقی شهر قزوین. *فصلنامهٔ علمی پژوهشی مطالعات شهری، ۵(۱۹)*، ۸۱-۹۱.

۳. باقری، ی؛ و منصوری، ا. (۱۳۹۷). ورودی شهر به‌مثابه عنصری جهت ایجاد هویت مستقل برای منظرشهری. *نشریهٔ باغ نظر، ۱۵(۶۰)*، ۵ -۱۴.

٤. بحرینی، س؛ و علی‌طالب‌بابلی، ن. (۱۳۸۲). تدوین اصول و ضوابط طراحی محیطی ورودی شهر. *فصلنامهٔ محیط‌شناسی*، ۲۹(۳۱) ، ۱۳ -۳۶.

٥. پاکزاد، ج. (۱۳۸۶). *راهنمای طراحی فضاهای شهری در ایران*. چاپ دوم. تهران: وزارت مسکن و شهرسازی، معاونت شهرسازی و معماری.

٦. پاکزاد، ج. (۱۳۹۳). *مبانی نظری و فرایند طراحی شهری*. تهران: انتشارات شهیدی.

۷. جمالیان، س؛ پروا، م؛ و نصر، ط. (۱۴۰۳). واکاوی عوامل معماری مؤثر بر بازتولید هویت در ورودی‌های شهری (مطالعه موردی دروازه قرآن شیراز). *فصلنامهٔ* علمی *پژوهشی مدیریت شهری و روستایی*، ۲۳ (۷۵)، ۸-۲۳.

۸. ترابی، ز؛ و سیما، ی. (۱۳۹۳). طراحی ورودی شهر با رویکرد هویت‌بخشی به فضای شهری نمونه موردی: ورودی شرقی شهر زنجان.*نشریه مدیریت شهری*، *۳۶*(۱۳)، ۸۳ -۱۰۴.

۹. ثبوتی، ه؛ و سیما، ی. (۱۳۹۰). اثرات نامطلوب ورودی‌های شهر در ایران و ضرورت اصلاح آنها. *مجلهٔ مهندسی عمران شریف*، *۲۷* (۳)، ۵۳-۶۵.

۱۰. چوبساز، س؛ و حسین‌زاده‌دلیر، ک. (۱۳۹۰). تحلیل مقایسه‌ای محورهای ورودی منطقهٔ بزرگ شهری تبریز. *نشریهٔ جغرافیا و برنامه‌ریزی*، *۱۶* (۳۶).

۱۱. رحیمی، ا؛ و نقش‌بندی، س. (۱۴۰۲). ارتقای کیفیت محیطی ورودی شهرها با توجه به دیدگاه مردم نمونهٔ پژوهش: ورودی‌های شهر سقز. *جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی*، ۳۴(۱)، ۱-۲۴.

۱۲. رضایی، م. (۱۳۹۷). بررسی کیفیت کالبدی و عملکردی مبادی ورودی شهر یزد ازنظر گردشگران. *فصلنامهٔ شهر پایدار*، *۱*(۲)، ۱۱۳-۱۲۸.

۱۳. رحیمی، ل؛ و صبوری، ص. (۱۳۹۶). امنیت زنان در فضاهای عمومی شهری و بررسی عوامل فیزیکی مؤثر بر آن (نمونه موردی: پارک ائل‌گلی تبریز). *مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان*، *۱۵* (۴)، ۲۹-۷۷.

۱۴. زارنجی،ژ؛ یزدانی، م.ح؛ خاک‌زند، م؛ و ولایتی، ش. (۱۴۰۲). ارزیابی مؤلفه‌های کالبدی- محیطی منظر شهری در فضاهای ورودی شهر اردبیل. *جغرافیا و روابط انسانی*، *۶*(۱)، ۳۴۸-۳۶۵.

۱۵. سلطان‌زاده، ح. (۱۳۷۲). *فضاهای شهری در بافت‌های تاریخی ایران*. تهران: شرکت توسعهٔ فضاهای فرهنگی.

۱۶. شولتز، ک. (۲۰۲۰). *طراحی سیستم‌های اطلاع‌رسانی شهری*. (پارسی. ح.ر؛ و محمدی. م، مترجمان). تهران: انتشارات سیمای شهر.

۱۷. طالشی، م؛ و امیرفخریان، م. (۱۳۸۷). ساماندهی کاربری‌های شهری در ورودی کلان‌شهرهای منطقه‌ای (نمونه: منطقهٔ ۷ کلان‌شهر مشهد). *فصلنامهٔ جغرافیا*، *۱۹*(۱۸)، ۹۹- ۱۱۹.

۱۸. قریب، ف. (۱۳۸۲). ضوابط ساماندهی و معیارهای طراحی شهری برای مبادی ورودی شهرها، *مجلهٔ هنرهای زیبا*، ۱۵(۱۵)، ۲۸-۴۱.

۱۹. کثیری‌بیدهندی، ح؛ ارمغان، س؛ و آزادبخت، ب. (۱۴۰۳). ارائهٔ الگوی مبلمان شهری در ارتقاء کیفیت زندگی منطقه ۲ تهران با تأکید بر ابعاد فرهنگی- اجتماعی. *فصلنامهٔ جغرافیا (برنامه‌ریزی منطقه‌ای)*، *۱۳*(۵۳)، ۵۳۲-۵۴۸.

۲۰. لنگ، ج. (۱۳۹۸). *آفرینش فضاهای شهری*. (حائری. م.ر، مترجم). تهران: انتشارات آرمان‌شهر.

۲۱. ماستیانی، م؛ شیخی، م؛ و دانشپور، ع. (۱۳۹۷). بررسی تطبیقی الزامات ساماندهی کالبدی- فضایی مبادی ورودی شهرها از دیدگاه گروه‌های استفاده‌کننده از آن‌ها با مدل مکان پایدار، مورد مطالعاتی: جنوب شرق تهران. *نشریهٔ معماری و شهرسازی آرمان شهر*، ۲۳، ۲۵۱ -۲۶۴.

۲۲. منتظری، م. (۱۴۰۰). *طراحی شهری بومی: رویکردی نو به هویت و اصالت در طراحی شهری*. تهران: انتشارات دانشگاه هنر.

۲۳. مؤمنی، م. (۱۳۸۷). *تحلیل‌های آماری با استفاده از SPSS*. تهران: انتشارات کتاب نو.

۲۴. مؤیدفر، س؛ و رفیع، س. (۱۳۹۷). برنامه‌ریزی ایجاد فضاهای امن شهری با تأکید بر توسعهٔ گردشگری (مطالعه موردی: بافت تاریخی میبد). *مجلهٔ جغرافیا و توسعهٔ فضای شهری*، *۵*(۱)، ۱۳۱-۱۵۲.

۲۵. یاراحمدی، س. (۱۳۸۹). لبه‌های شهری؛ بررسی نقش لبه‌ها در تحقق اهداف منظر. *نشریهٔ منظر، ویژهٔ منظر شهری*، ۲(۱۱)، ۳۰-۳۷.

26. Carmona, M., & Tiesdell, S. (2011). *Urban Design Reader*. New York, Elsevier: 263-307.
27. Noraei, S., Shekarforoush, Z. S., & Hesari, B.A. (2015). City Entrance as Suitable Potentials to Gain Identity: A Case Study in West Entrance of Bojnoord, Cumhuriyet University Faculty of Science, *Science Journal (CSJ), 36*, 4.
28. Smith, J. A., Jones, B. C., & Davis, K. L. (2023). The impact of digital technologies and interactive signage on user experience. *Journal of Applied Technology, 15*(2), 123-145.
29. Torabi, Z., & Sima, Y. (2013). Urban Identity in the Entrance of City. *International Journal of Architecture and Urban Development, 3*(4), 47- 54.
30. *World Health Organization*. (2022). Global report on healthy workplaces. https://www.who.int/publications/i/item/9789240052734

Journal of Geography and Regional Development Vol 23, No. 3 (2025) – Serial Number 52

Explaining the Model of Cooperation Network of Organizational Stakeholders in Rural Development Based on Macro and Meso Indicators (Case Study: Qazvin Province)[1]

Forozan Ghasemi
PhD Student in Geography and Rural Planning, Faculty of Geography,University of Tehran, Tehran, Iran

Mohammadreza Rezvani[2]
Professor, Department of Human Geography and Planning, Faculty of Geography, University of Tehran, Tehran, Iran

Seyedali Badri
Associate Professor, Department of Human Geography and Planning, Faculty of Geography, University of Tehran, Tehran, Iran

Alireza Darban Astaneh
Associate Professor, Department of Human Geography and Planning, Faculty of Geography, University of Tehran, Tehran, Iran

Received: 4 May 2025 ***Revised: 27 May 2025*** ***Accepted: 29 June 2025***

Abstract

Rural development, due to its multiple dimensions, has a multi-sectoral nature, and for this reason, several and diverse stakeholders, organizations, and institutions, including governmental, public, private, and non-governmental organizations, can have a part to play and exert an impact. Hence, one of the main conditions for efficient management and planning in rural development is cooperation and cohesion of stakeholders. Network analysis is a method well suited for identifying and assessing the

1. The article is an excerpt from the doctoral dissertation of the first author submitted to the University of Tehran.
2. Corresponding Author. Email: rrezvani@ut.ac.ir



©2024 The author(s). This is an open access article under the CC BY license: https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/

How to cite this article: Ghasemi, F. , Rezvani, M. , Badri, S. and Darban Astaneh, A. (2025). Explaining the Model of Cooperation Network of Organizational Stakeholders in Rural Development Based on Macro and Meso Indicators (Case Study: Qazvin Province). Journal of Geography and Regional Development, 23(3), 257-292. Doi: 10.22067/jgrd.2025.93184.1556

level of cooperation and cohesion of organizational stakeholders. The present study was conducted to analyze the model of the cooperation network of organizational stakeholders in rural development in Qazvin province. This is an applied study with a descriptive and analytical design. Semi-structured interviews were used to collect data. The statistical population of the study consisted of 36 organizations and institutions involved in rural development of the province. Network analysis indicators at both macro and intermediate levels, and UciNet and NetDraw software were used for research analysis. The results showed that despite the importance of cooperation between rural development stakeholders, it is still undesirable at the provincial level. Accordingly, the network density is 37.3%, the transferability is 27.2%, and the network size is 47% of the total links, indicating poor stability and low institutionalization of links in the cooperation network. Also, most of the established links among stakeholders suggest high concentration on external links (46.77%) compared to internal links (32.08%), which exhibits the pivotal role of central actors in network links. It is also the main factor underpinning the weak level of cooperation and convergence in the rural development network of the province. In this regard, promoting and improving convergence in the cooperation network and strengthening the position of intermediary organizations are considered key strategies to foster the cooperation network of rural development stakeholders in Qazvin province.

Keywords: Cooperation Network, Rural Development, Rural Stakeholders, Network Analysis, Qazvin Province.

https://doi.org/10.22067/jgrd.2025.93184.1556
مقالهٔ پژوهشی

تبیین الگوی شبکهٔ همکاری دست‌اندرکاران سازمانی توسعهٔ روستایی براساس شاخص‌های کلان و میانی (مطالعه موردی: استان قزوین)[1]

فروزان قاسمی (دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشکدهٔ جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ایران)
fo.ghasemi@ut.ac.ir
محمدرضا رضوانی (استاد گروه جغرافیای انسانی و برنامه‌ریزی، دانشکدهٔ جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ایران، نویسندهٔ مسئول)
rrezvani@ut.ac.ir
سیدعلی بدری (دانشیار گروه جغرافیای انسانی و برنامه‌ریزی، دانشکدهٔ جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ایران)
sabadri@ut.ac.ir
علیرضا دربان آستانه (دانشیار گروه جغرافیای انسانی و برنامه‌ریزی،دانشکدهٔ جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ایران)
astaneali@ut.ac.ir

چکیده

توسعهٔ روستایی به دلیل ابعاد مختلف آن، ماهیت چندبخشی دارد و به همین دلیل دست‌اندرکاران و سازمان‌های و نهادهای متعدد و متنوع اعم از دولتی، عمومی، خصوصی و مردم‌نهاد در آن مشارکت داشته و تأثیرگذارند.در این راستا، یکی از شروط اساسی مدیریت و برنامه‌ریزی مؤثر و کارآمد در توسعهٔ روستایی همکاری و انسجام دست‌اندرکاران است. تحلیل شبکه روش و ابزار مناسبی برای شناسایی و ارزیابی میزان همکاری و انسجام دست‌اندرکاران سازمانی است. پژوهش حاضر با هدف تحلیل الگوی شبکهٔ همکاری دست‌اندرکاران سازمانی توسعهٔ روستایی در استان قزوین انجام شده است. روش تحقیق ازنظر هدف، توصیفی و تحلیلی و از لحاظ جهت‌گیری، ماهیت کاربردی دارد. برای گردآوری داده‌ها از مصاحبهٔ نیمه‌ساختاریافته استفاده‌شده و جامعهٔ آماری پژوهش را ۳۶ سازمان و نهاد اصلی مؤثر در توسعهٔ روستایی استان تشکیل می‌دهند. برای تجزیه‌وتحلیل پژوهش نیز از شاخص‌های تحلیل شبکه در دو سطح کلان و میانی و

۱. این مقاله مستخرج از رسالهٔ دکتری نویسندهٔ اول در دانشگاه تهران است.

نشریه جغرافیا و توسعه ناحیه ای، سال بیست و سوم، شماره ۳، پاییز ۱۴۰۴، شماره پیاپی ۵۲ صص ۲۹۲-۲۵۷
تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۱۵ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۳/۰۷ تاریخ تصویب: ۱۴۰۴/۰۴/۰۹

نرم‌افزارهای UciNet و NetDraw استفاده‌شده است. نتایج پژوهش نشان داد که باوجود ضرورت توجه به همکاری بین دست‌اندرکاران توسعهٔ روستایی، وضعیت مطلوبی در سطح استان برخوردار وجود ندارد؛ به‌طوری‌که تراکم شبکه برابر با ۳۷/۳ درصد، انتقال‌یافتگی ۲۷/۲ درصد و اندازه شبکه برابر با ۴۷ درصد کل پیوندها بوده و نشان‌دهندهٔ پایداری ضعیف و میزان کم نهادینه شدن پیوندها در شبکهٔ همکاری است. همچنین اغلب پیوندهای برقرارشده بین دست‌اندرکاران، نشانگر درصد بالای تمرکز در پیوندهای بیرونی (۴۶/۷۷ درصد) نسبت به پیوندهای درونی (۳۲/۰۸ درصد) است که این امر بیانگر نقش مهم کنشگران مرکزی در پیوندهای شبکه و عامل اصلی ضعف سطح همکاری و همگرایی در شبکهٔ توسعهٔ روستایی استان است. در این راستا، ارتقاء و بهبود همگرایی در شبکهٔ همکاری و تقویت جایگاه سازمان‌های بینابینی، به‌عنوان راهبردهای کلیدی برای تقویت شبکهٔ همکاری دست‌اندرکاران توسعهٔ روستایی استان قزوین محسوب می‌گردد.

واژگان کلیدی: شبکهٔ همکاری، توسعهٔ روستایی، دست‌اندرکاران روستایی، تحلیل شبکه، استان قزوین.

۱. مقدمه

جامعهٔ روستایی را می‌توان نوعی تشکل اجتماعی دانست که بر پایهٔ ارتباط بین مردم و نهادهای محلی مرتبط با آن‌ها شکل‌گرفته (نادری، ۱۳۹۴: ۱۸۸) و به‌عنوان قاعده نظام سکونت و فعالیت ملی، نقش اساسی در توسعهٔ ملی ایفا می‌کنند؛ چراکه توسعهٔ پایدار سرزمین درگرو پایداری فضاهای روستایی در ابعاد مختلف است (شیخی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۸ به نقل از رضوانی، ۱۳۸۳: ۱۲). نقش و جایگاه روستاها در فرآیندهای توسعه در مقیاس محلی، منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی و پیامدهای توسعه‌نیافتگی مناطق روستایی چون فقر گسترده، نابرابری فزاینده، رشد سریع جمعیت، بیکاری و حاشیه‌نشینی شهری موجب توجه به توسعهٔ روستایی و حتی تقدم آن بر توسعهٔ شهری شده است (عطایی و همکاران، ۱۳۹۹: ۴۱۶)؛ به‌طوری‌که مایکل تودارو ضرورت تقدم و توجه به توسعهٔ روستایی نسبت به توسعهٔ شهری را به علت اینکه راه‌حل نهایی مشکلات شهری، بهبود محیط

روستایی است، عنوان می‌کند (صیدایی و همکاران، ۱۳۹۳: ۲). بدین‌سان، توسعهٔ روستایی و ساماندهی به وضعیت روستاییان در چند دههٔ اخیر همواره دغدغهٔ اندیشمندان و سیاست‌گذاران توسعه بوده است (رضوانی و همکاران، ۱۳۹۶؛ خسروی‌پور و اسدی، ۱۳۹۸: ۸۴). نواحی روستایی به‌عنوان ارگانیسمی در فضای جغرافیایی، همواره در مسیر تغییر و تحولات بی‌شماری بوده است (افراخته و حجی‌پور، ۱۳۹۲: ۱). یکی از مهم‌ترین مسائل روستایی، مدیریت آن است (کومار و شرما[1]،۲۰۲۱: ۱) که به مسئله‌ای چالش‌برانگیز برای برنامه‌ریزان تبدیل‌شده است (مرل[2]،۲۰۲۲: ۱) به‌گونه‌ای که توجه به ساختار مدیریت روستایی از محورهای اساسی در تحلیل مسائل روستایی است (احمدی‌میبدی و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۵۸؛ برقی و قنبری، ۱۳۹۶: ۱۰۴). این واحد اجتماعی به لحاظ وجود مناسبات اجتماعی، اقتصادی و پایبند بودن افراد به قوانین عرفی و مدنی نمی‌تواند از تشکیلات سازمان مدیریتی بی‌نیاز باشد (ایزدی و علوی‌زاده، ۱۳۹۷: ۲۰۰). آنچه درزمینهٔ مدیریت روستایی بسیار مهم است، ابعاد مدیریتی نهادها و سازمان‌های مربوط به توسعهٔ روستاها است (جوادی چهارراه و همکاران، ۱۴۰۲: ۱۲۸). جهت پایداری روستاها در راستای توسعه، عملکرد نهادها و سازمان‌های مطابق با وظایف خود بسیارمهم و دارای اهمیت است؛ چراکه این نهادها و سازمان‌ها هستند که با برنامه‌ریزی و هدایت جامعهٔ روستایی ازنظر ساختاری – کارکردی می‌توانند سبب توسعهٔ و پایدارسازی آن شوند یا اینکه با عملکرد نادرست ناشی از عدم شناخت و برنامه‌ریزی مناسب، روند توسعه را کند و یا به‌طورکلی متوقف نمایند (ابراهیمی و یعقوبی، ۱۴۰۱: ۹۱). بسته به این روابط متقابل، عملکرد نهادها و سازمان‌ها می‌توانند سازگار، منسجم یا مکمل باشند یا برعکس، می‌توانند نامتقارن باشند(گلاکلر و بتلت[3]،۲۰۱۷: ۱۲). اثربخشی سازمان‌های توسعهٔ روستایی در ارتقای توسعهٔ روستایی را فقط می‌توان برحسب میزانی مشخص نمود که از منافع روستاییان حمایت

1. Kumar & Sharma
2. Merrell
3. Gluckler & Bathelt

نموده‌اند (بوذرجمهری و جوانی، ۱۳۹۳: ۶)؛ بنابراین مدیریت توسعهٔ روستایی درواقع فرایند سازمان‌دهی و هدایت محیط روستایی از طریق شکل دادن به سازمان‌ها و نهادهایی است که زیربنای توسعهٔ روستایی هستند. لذا می‌توان بیان نمود که عملکرد موفق و کارآمد توسعهٔ روستایی منوط به همکاری و تعامل مؤثر نهادهای دخیل در فرایند توسعه روستایی است (بصری‌پارسا، ۱۳۸۹)؛ بنابراین در راستای پایداری روستاها، عملکرد نهادها و سازمان‌های دخیل در توسعهٔ روستایی یک منطقه در تعاملات با یکدیگر بسیار مهم است. در کشور ما به‌واسطهٔ برنامه‌ریزی‌های بخشی انجام‌گرفته، مدیریت و سیاست‌گذاری بخش‌های مختلف روستایی به نهادهای مختلف واگذارشده است که در پاره‌ای از موارد وظایف این نهادها با هم تداخل پیدا کرده و سردرگمی روستاییان را به دنبال دارد (شمس‌الدینی و جمینی، ۱۳۹۵: ۳۶). می‌توان استدلال نمود که فقدان و یا کمبود انسجام بین سازمان‌های توسعهٔ روستایی ایران و عدم ارتباط و هماهنگی لازم بین آن‌ها، از توانایی نهادها و سازمان‌ها در مواجهه با مشکلات پیش روی آن‌ها و تغییرات طبیعی رخ‌داده کاسته است که این خود یکی از مهم‌ترین دلایل عدم تحقق اهداف مدیریتی است. به سخنی دیگر برنامه‌ریزی روستایی همواره از دیدگاه برنامه‌ریزان «رویکرد بالا به پایین و بخشی» بوده است که برای شرایط منحصربه‌فرد روستایی پیامدهای زیانباری را در پی داشته است (بابازاده و همکاران، ۱۴۰۱: ۲). روند کاهشی وضعیت اقتصادی جامعهٔ روستایی، گسترش تنگدستی و بیکاری و مواردی ازاین‌گونه نشان می‌دهد که در عمل، برنامه‌ریزی و هدف‌های حیاتی توسعهٔ پایدار در نواحی روستایی کشور را با دشواری روبه‌رو کرده است (ثانی‌حیدری و همکاران، ۱۳۹۹). ازاین‌رو ضعف مدیریت یکپارچه و سازماندهی ناقص، ویژگی سازمان‌ها و نهادهای جدید روستایی بوده، به‌گونه‌ای که بخش روستایی کشور از متولیان مختلف برخوردار شده است (رکن‌الدین‌افتخاری و همکاران، ۱۳۸۶: ۴). در بسیاری از مطالعات صورت گرفته در کشور، در ارزیابی عملکرد متولیان امور روستایی به بررسی نقش عملکرد مدیران نوین روستایی (دهیاران و شوراها) اکتفا شده است، درحالی‌که متولیان امور روستایی که

مستقیماً با مسائل روستاییان درگیر هستند، به مدیران نوین روستایی محدود نشده و نهادهای دیگری همچون بنیاد مسکن، جهاد کشاورزی و ... را در برمی‌گیرد. محققان در پژوهش حاضر با دیدگاهی متفاوت، مبنی بر اینکه نهادهای دیگری که مجموعه گسترده را در برمی‌گیرند، بر توسعهٔ جوامع روستایی تأثیر دارند، سعی دارند به تبیین الگوی شبکهٔ همکاری دست‌اندرکاران توسعهٔ روستایی استان قزوین بپردازند. استان قزوین نیز همانند روند کلی حاکم بر فضای سازمانی توسعهٔ روستایی کشور با ضعف الگوی شبکه‌ای همکاری دست‌اندرکاران سازمانی توسعهٔ روستایی مواجه است. از این رو، استان قزوین به‌عنوان نمونه موردمطالعه کشور در جهت ارائهٔ الگوی شبکهٔ همکاری دست‌اندرکاران سازمانی توسعهٔ روستایی تعیین‌شده است که نتایج کلی آن قابلیت تعمیم به کل کشور را دارد.

۲. پیشینهٔ تحقیق

در زمینهٔ تحلیل شبکهٔ دست‌اندرکاران با توجه به اهمیت و کاربرد آن در زمینه‌های مختلف، پژوهش‌های متعدد داخلی و خارجی انجام شده است که مشخصات مهم‌ترین آن در جدول ۱ ارائه شده است. به‌ویژه نتایج مطالعات داخلی، نشان‌دهندهٔ همکاری ضعیف تا متوسط در بین دست‌اندرکاران است که در واقع ضعف انسجام سازمانی را نشان می‌دهد. پژوهش حاضر بر شناسایی و تحلیل شبکهٔ همکاری نهادها و سازمان‌های مرتبط با توسعهٔ روستایی در یک استان متمرکز است و به دلیل تنوع و تعدد نهادهای مرتبط و تمرکز آن بر زمینهٔ همکاری در توسعهٔ روستایی با پژوهش‌های قبلی متفاوت است و نوآوری خاص خود را دارد.

جدول ۱. تجربیات و مطالعات داخلی و خارجی پیرامون موضوع پژوهش

مأخذ: یافته‌های پژوهش

	محقق	سال	عنوان	یافته
مطالعات داخلی	قربانی و همکاران	۱۴۰۳	پویایی سرمایهٔ اجتماعی شبکه ذی‌نفعان محلی در راستای مدیریت مشارکت روستایی شهرستان گچساران	با سنجش شاخص‌های کلان شبکه مشخص گردید که پس از اجرای پروژه، میزان اعتماد، مشارکت و سرمایهٔ اجتماعی افزایش پیداکرده و به حد مطلوبی رسیده است
	صادقی‌زاده قوی‌فکر و همکاران	۱۴۰۳	تحلیل شبکه کنشگران کلیدی تغییر کاربری زمین بخش مرکزی شهریار	شهرداری، فرمانداری و بخش‌داری مؤثرترین کنشگر درزمینهٔ تغییر اراضی در مناطق روستایی این شهرستان هستند و اداره جهاد کشاورزی و شورای اسلامی روستاها مورد اعتمادترین کنشگران بوده‌اند.
	رکن‌الدین افتخاری و همکاران	۱۳۹۹	تحلیل شبکه روابط بین سازمانی در مدیریت طرح هادی روستای اسلام رود طرقبه – شاندیز	میزان تراکم در پیوند تبادل اطلاعات در شبکه ۳۴/۵ درصد است که با بررسی سایر شاخص‌های کلان شبکه، میزان تحقق‌پذیری طرح متوسط و تا حدودی کم است.
	قاسمی‌سیانی و همکاران	۱۳۹۸	تحلیلی بر یکپارچگی فضایی نواحی روستایی مبتنی بر تحلیل شبکه	الگوی جریان‌ها، الگویی روزانه، منظم و یک‌سویه است. این الگو در بسیاری از جهات مطابق با نظریه قطب رشد است و از الگوی شبکه‌ای فاصله دارد.
	سعیدی و همکاران	۱۳۹۶	تحلیل شبکه سازمانی مؤثر بر خزش روستایی در سکونتگاه‌های روستایی پیرامون همدان	نیمی از دست‌اندرکاران نهادی بیش از ۵ نوع تضاد با دیگر نهادها دارند. یک‌سوم از پیوندهای شبکه در اختیار دست‌اندرکاران مرکزی و نهادهای کلیدی قرار دارد و بقیه نهادها نقش حاشیه‌ای و تسهیل‌کننده دارند.
	قربانی و همکاران	۱۳۹۵	شناسایی دست‌اندرکاران کلیدی در مدیریت پایدار سرزمین	میزان انسجام سازمانی و شاخص دوسویگی پیوندها طی دو مرحله پایش از شرایط متوسط به شرایط زیاد ارتقا و از میزان تمرکز در تصمیم‌گیری کاسته شده است.
	صادقی و همکاران	۱۳۹۵	ارزیابی عملکرد نهادها و سازمان‌های مرتبط با پایداری روستاها (بخش دهدز شهرستان ایذه)	عملکرد نهادها و سازمان‌ها ازنظر اقتصادی، اجتماعی – فرهنگی، زیست‌محیطی و کالبدی – فیزیکی در پایداری روستاها با سطح معناداری کمتر از ۰/۰۰۵ مناسب و در سطح متوسطی است.

	محقق	سال	عنوان	یافته
مطالعات خارجی	ژانگ و لی[1]	۲۰۲۴	نگاهی تطبیقی به تحلیل شبکه‌های اجتماعی در جوامع روستایی چین و فراتر از آن	این مطالعه به تشریح کاربردهای فعلی و جهت‌گیری‌های بالقوه تحلیل شبکه در مطالعات جوامع روستایی، چه در چین و چه در سطح بین‌المللی، حکایت دارد.
	ازیاماما و آنتونی اوفوزوبا[2]	۲۰۲۳	نقش دولت‌های محلی در توسعهٔ روستایی نیجریه، مطالعه موردی: منطقه دولت محلی اکوسیگو در ایالت آنامبرا	دولت محلی در ایالت آنامبرا، سهم قابل‌توجهی در توسعهٔ کشاورزی، توسعه زیرساخت‌ها، ایجاد اشتغال داشته است. این مطالعه توصیه می‌کند دولت باید تلاش‌های هماهنگ‌تری برای توسعهٔ مناطق روستایی در زمینه‌های افزایش تخصیص بودجه، اجرای مؤثر سیاست‌ها و تکمیل آنها داشته باشد.
	هایله ماریام زیکارگای[3] و همکاران	۲۰۲۲	ارزیابی نقش ذینفعان در پروژه‌های اجتماعی بر امنیت زیست‌محیطی و معیشت جامعه روستایی فقیر اتیوپی	نتایج این پژوهش نشان داد که مشاوره، همکاری و مشارکت مهم‌ترین مؤلفه‌های کلیدی بر سازمان‌دهی و شبکه همکاری دست‌اندرکاران توسعه روستای و ذینفعان به شمار می‌آید.
	علی‌محمد و همکاران	۲۰۲۲	شبکه‌سازی مشارکتی بین تعاونی‌های تولید کشاورزی استان البرز	نتایج نشان داد که سازوکارهای سیاست‌گذاری با ضریب ۰/۵۳۹ اقتصادی با ضریب ۰/۴۹۹، قانونی با ضریب ۰/۲۰۸ و آموزشی با ضریب ۰/۱۳۰ بیشترین تأثیر را داشته‌اند، درحالی‌که سازوکارهای فنی و اجتماعی نقشی در توسعهٔ شبکه‌سازی مشارکتی نداشته‌اند.
	ژائو[4] و همکاران	۲۰۲۰	بررسی نقش کنشگران مختلف در تجاری‌سازی اراضی مناطق روستایی	فرمانداری و شرکت‌های سهامی زراعی بیشترین نقش را دارند و روستاییان صاحب زمین در حاشیه شبکه قرارگرفته‌اند

1. Zhang & Li
2. Ezeamama & Anthony Ofozoba
3. Hailemariam Zikargae
4. Zhou

	محقق	سال	عنوان	یافته
	وانگ[1] و همکاران	۲۰۱۷	تحلیل شبکهٔ اجتماعی کنشگران در توسعهٔ روستایی: مطالعه موردی روستای یانه، استان هوبئی، چین	سازمان‌های مردم‌نهاد رهبران بهبود محیط‌زیست روستایی، تعاونی‌های روستایی، مروجان توسعهٔ اقتصادی روستایی و بنگاه‌های اقتصادی، شتاب‌دهندهٔ ساخت‌وساز روستایی هستند. به‌صورت خلاصه پیچیدگی شبکه کنشگران توسعهٔ روستایی در این منطقه وجود دارد.

در مجموع با ارزیابی ادبیات تحقیق می‌توان بیان نمود که اغلب پژوهش‌های صورت گرفته بر حوزهٔ مدیریت نوین توسعهٔ روستایی در کشور (شوراها و دهیاری‌ها)، نقش دولت و ذی‌نفعان (مردم) تأکید داشته‌اند و تاکنون نگاهی جامع که تمامی سازمان‌ها و ارگان‌های درگیر را مطالعه و عملکرد آن‌ها در قبال یکدیگر را به شکل کیفی ارزیابی نماید، انجام‌نشده است.

۳. روش‌شناسی تحقیق

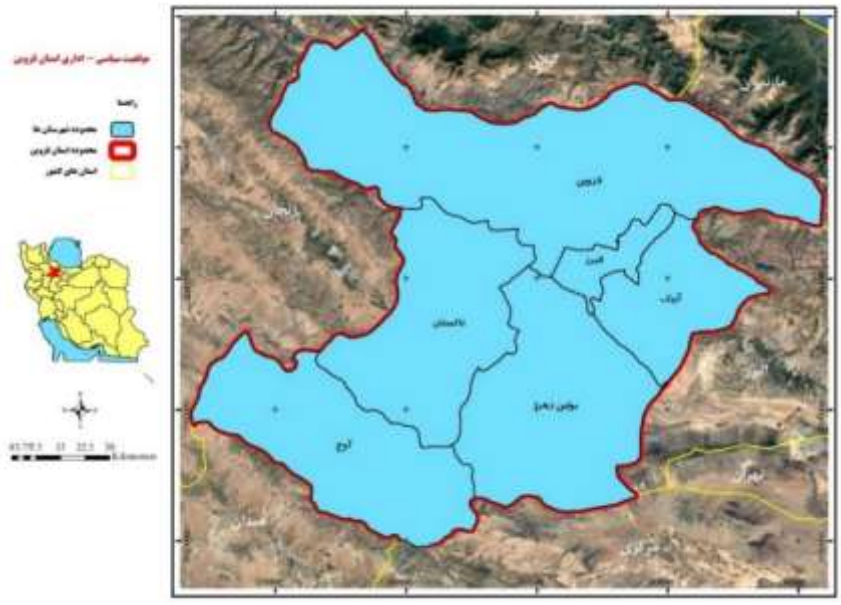
استان قزوین با مساحتی معادل ۱۵۶۲۶ کیلومترمربع در حوزهٔ مرکزی ایران بین ۴۸ درجه و ۴۴ دقیقه تا ۵۰ درجه و ۵۳ دقیقه طول شرقی از نصف‌النهار گرینویچ و ۳۵ درجه و ۲۳ دقیقه تا ۳۶ درجه و ۴۹ دقیقه عرض شمالی نسبت به خط استوا قرار دارد. این استان از سمت شمال به استان‌های مازندران و گیلان، از سمت غرب به استان‌های زنجان و همدان، از سمت جنوب به استان مرکزی و از سمت شرق به استان البرز محدود می‌شود (تقی‌پور و استعلاجی، ۱۴۰۲: ۳۷۴). با توجه به موضوع پژوهش، نهادها و سازمان‌هایی که به‌نوعی مرتبط با توسعهٔ روستایی استان قزوین هستند، به‌عنوان دست‌اندرکاران توسعهٔ روستایی و نمونه‌های مطالعاتی پژوهش محسوب می‌شوند که در جدول (۳) به تفکیک حوزه فعالیت ذکرشده‌اند.

1. Wang

جدول ۲. نهادها و سازمان‌های مرتبط با توسعهٔ روستایی استان قزوین

مأخذ: مطالعات نگارندگان، ۱۴۰۰

حوزه فعالیت	نهاد و سازمان
مالی – اعتباری	بانک کشاورزی، صندوق بیمه کشاورزی، صندوق سرمایه‌گذاری کشاورزی، کارآفرینی امید
اجتماعی و خدماتی	آموزش‌وپرورش، بنیاد برکت، بنیاد علوی، دانشگاه بین‌الملل، سازمان بسیج، سانکا (سازمان نظام‌مهندسی)، شرکت‌های دانش‌بنیان و سمن‌ها، صنایع‌دستی، کمیته امداد، میراث فرهنگی، بنیاد مستضعفان، گردشگری
امور توسعه کالبدی و زیربنایی	بنیاد مسکن، اداره آب منطقه‌ای، اداره آبفام، اداره برق، راهداری، شرکت نفت و گاز، مخابرات و فن‌آوری (ای سی تی روستایی)
سازمان‌های تولیدی	اداره امور اراضی، اداره امور عشایر، اداره امور غله، اداره شیلات، اداره کل پشتیبانی و امور دام، اداره کل دامپزشکی، تعاون روستایی، مرکز تحقیقات و آموزش کشاورزی، شرکت مادر تخصصی صندوق حمایت از توسعه سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی
امور محیطی	محیط‌زیست، منابع طبیعی
فعالیت‌های امور سیاسی – قضایی	استانداری (دفتر امور روستایی)، استانداری (مدیریت بحران)



شکل ۱. محدودهٔ مورد مطالعه پژوهش

مأخذ: (نگارندگان،۱۴۰۳)

پژوهش حاضر ازنظر روش انجام تحقیق، توصیفی و تحلیلی است که به دلیل کاربردپذیر بودن یافته‌ها در تدوین راهبردهای توسعهٔ روستایی و به‌کارگیری روش تحلیل شبکه در برنامه‌ریزی روستایی و منطقه‌ای، جهت‌گیری کاربردی دارد. جامعهٔ آماری تحقیق حاضر کلیه نهادها و سازمان‌های دست‌اندرکار توسعهٔ روستایی در استان قزوین هستند. انتخاب نمونه‌ها به‌صورت تمام شماری بوده و مصاحبه‌ها با تمامی مدیران و کارشناسان سازمان‌های دخیل در توسعهٔ روستایی استان بوده است. تعداد سازمان‌های شرکت‌کننده در مصاحبهٔ اکتشافی و نیمه‌ساختاریافته، شامل ۳۶ سازمان و نهاد مرتبط با توسعهٔ روستایی بوده است. در راستای تحلیل وضعیت همکاری دست‌اندرکاران از شاخص‌های تحلیل شبکه در دو سطح کلان و میانه بهره گرفته شد. در این روش از ماتریس وضعیت

روابط بین سازمان‌ها برای ثبت و ورود داده‌ها و اطلاعات و از گراف‌ها برای نمایش اطلاعات و داده‌های مربوط به الگوهای ارتباطی استفاده شده است. در مدل‌سازی شبکه معمولاً داده‌ها به‌صورت صفر و یک وارد شوند. عدد صفر به معنی نبود پیوند تبادل ارتباطات و همکاری و یک به معنی وجود پیوند تبادل اطلاعات و همکاری است. در سطح کلان تحلیل شبکهٔ همکاری از شاخص‌های میزان تمرکز، اندازهٔ شبکه، دوسویگی پیوندها، انتقال‌یافتگی پیوندها و میانگین فاصله ژئودزیک، در سطح میانه تحلیل شبکه از شاخص‌های بلوک‌ها و نقاط تقاطع، مرکز – پیرامون، خوشه‌بندی و پیوندهای درون‌گروهی و برون‌گروهی استفاده شده است. قابل‌ذکر است که برای تحلیل داده‌ها، از نرم‌افزارهای Ucinet (محاسبهٔ شاخص‌های شبکه) و NetDraw (برای ترسیم گراف‌ها) استفاده‌شده است.

۴. مبانی نظری تحقیق

نواحی روستایی به‌عنوان یک ارگانیسم در فضای جغرافیایی، همواره در مسیر تغییر و تحولات بی‌شماری بوده است (افراخته و حجی‌پور، ۱۳۹۲: ۱). ازاین‌رو برخی از برنامه‌ریزی‌ها در راستای سکونتگاه‌های روستایی به پیش‌بینی و شناخت اولیه بستگی دارد که این شناخت و پیش‌بینی نیاز به مدیریت صحیح در قالب نهادها و سازمان‌های مختلف دارد (صادقی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۲۲). در این مرحله است که جایگاه شبکهٔ همکاری نهادها و سازمان‌های مرتبط با توسعهٔ روستاها مشخص می‌گردد. تحلیل میزان روابط، همکاری و هماهنگی بین سازمانی توسعهٔ روستایی، یکی از مهم‌ترین نیازهای نظام مدیریت روستایی به شمار می‌آید (رکن‌الدین‌افتخاری و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۱۰). تحلیل شبکهٔ روابط میان سازمان‌های توسعهٔ روستایی و شناسایی کنشگران کلیدی و روابط میان آنها از مهم‌ترین فاکتورهای پیشرفت پروژه‌های روستایی است. در دو دههٔ اخیر، توسعهٔ شبکه همکاری به‌عنوان راهبردی برای خلق و مدیریت دانش و ابزاری برای ارتقاء توانمندی‌های علم و فناوری

کشورها، از طرف سیاست‌گذاران، مدیران و محققان موردتوجه قرارگرفته است (سلطانی‌نژاد و امیرزاده، ۱۴۰۰: ۴۰). تحلیل شبکهٔ رهیافتی برای مطالعهٔ ساختارهای اجتماعی است که خاستگاه اصلی آن حوزه‌های علوم اجتماعی، علوم سیاسی، مردم‌شناسی و تئوری گراف‌ها است و قدمت آن به ۵۰ سال پیش می‌رسد، اما فعالیت‌های آن از دههٔ ۱۹۷۰ میلادی آغازشده است (محمدی‌کنگرانی، ۱۹۱: ۸۲). این روش طرفداران بسیاری را در انسان‌شناسی، زیست‌شناسی، مطالعات اقتصادی، جغرافیا و ... به دست آورده است (نصیری‌زارع و ریاحی، ۱۴۰۲: ۲۱). شبکه‌های اجتماعی را می‌توان مجموعه‌ای از گره‌ها (افراد یا سازمان‌ها) و یال‌های (ارتباطات) مرتبط با هر یک از این گره‌ها معرفی کرد (برودکا و همکاران[1]، ۲۰۱۱: ۲۳۷). بنیان تبیین تحلیل شبکهٔ اجتماعی[2] بر الگوی روابط بین کنشگران استوار است و بزرگ‌ترین قدرت آن در توانایی تحلیل رفتار کنشگران منفرد و رفتار کل شبکه قرار دارد (عباسی‌رستمی و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۹۸). رویکرد تحلیل شبکهٔ اجتماعی (SNA) با مطالعهٔ چگونگی الگوی روابط متقابل بین کنشگران مختلف و ذی‌نفعان مختلف قادر است کیفیت مدیریت و حکمرانی را تحت تأثیر قرار دهد (قربانی و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۱۵). یکی از انواع مهم شبکه‌های اجتماعی، شبکه‌های همکاری است. شبکهٔ همکاری یا شبکهٔ بین سازمانی توسط گروهی از سازمان‌هایی درزمینهٔ تبادل و اشتراک‌گذاری منابع و ظرفیت‌های خود برای دستیابی به یک هدف خاص استراتژیک مشترک گاهی تشکیل می‌شوند (سلطانی‌نژاد و امیرزاده، ۱۴۰۰: ۴۰). این دسته از شبکه‌ها به‌عنوان یکی از ابزارهای کارآمد برای مدیریت بهینهٔ منابع، انتقال دانش بین عوامل، به اشتراک‌گذاری دارایی‌ها و کاهش ریسک‌های توسعه در عرصهٔ اقتصاد، کسب‌وکار و دانش شناخته شده‌اند (ثقفی و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۴). شبکهٔ روابط بین سازمانی، از همکاری میان چند سازمان و مبتنی بر مجموعه‌ی اهداف و انگیزه‌های همسو و مکمل شکل می‌گیرد (عبدی‌دانش‌پور و همکاران،

1. Brodka et al
2. Social Network Analysis

۱۳۹۵: ۲۶). این رویکرد از طریق تحلیل ویژگی‌های کنشگران در شبکهٔ همکاری و الگوی روابط آن‌ها با دیگر کنشگران بیان می‌کند که چرا برخی از بازیگران در راستای دسترسی و انباشت سرمایه بهتر از دیگران عمل می‌کنند (ارنستون[1]، ۲۰۰۸: ۳) با اشغال کردن موقعیت‌های مرکزی در یک شبکهٔ همکاری، بازیگران مرکزی قادرند بر روی دیگر افراد و نهادها در شبکه تأثیر گذاشته و با دریافت حمایت‌های بیشتر، موقعیت خود را در شبکه تقویت نمایند (قربانی و همکاران، ۱۴۰۳: ۱۱۳؛لینرت[2] و همکاران، ۲۰۱۳: ۱۳۶؛کرکمو [3]و همکاران، ۲۰۱۴: ۶) تحلیل بازیگران و کنشگران یکی از بهترین روش‌ها برای دگرگونی ساختار سازمانی مدیریت توسعهٔ روستایی متناسب با اهمیت هر کنشگر است (فیروزنیا و قرنی‌آرانی، ۱۳۹۴: ۹۱۵-۸۹۵). به سخنی دیگر، تجزیه‌وتحلیل شبکهٔ همکاری، تکنیکی برای شناسایی و ارزیابی بازیگران کلیدی و یا سازمان‌هایی است که ممکن است به‌طور قابل‌توجهی در موفقیت فعالیت‌ها و پروژه‌ها تأثیرگذار باشند (ابطحی‌فروشانی و دیگران، ۱۳۹۴: ۳۳). برخی از محققان شبکه‌های همکاری بین سازمانی را دارای سه بعد اصلی می‌دانند؛ بعد رابطه‌ای، ساختاری، نتایج یا عملکرد. بعد رابطه‌ای تأثیر پیوند عامل‌های اجتماعی (افراد یا سازمان‌ها) را روی همکاری‌های آن‌ها بررسی می‌کند، درحالی‌که بعد ساختاری، ساختار و شکل این روابط را موردبررسی قرار می‌دهد (تیموری و همکاران، ۱۳۹۰: ۶۴-۶۳). در حقیقت بعد ساختاری با الگوی کلی ارتباطات بین کنشگران اشاره دارد، مهم‌ترین جنبه‌های این بعد، وجود یا نبود پیوندهای شبکه‌ای بین بازیگران، وضعیت کلی شبکه و سازمان‌های کلیدی است (بابایی و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۰). تحلیل شبکه بر مبنای دو نظریه گراف‌ها و نظریهٔ شبکه‌ای بنا نهاده شده است؛ نظریهٔ گراف‌ها چکیده‌ای از جنبه‌های ساختاری مدل بوده و شبکه را در قالب ریاضیات شبیه‌سازی می‌نماید (برندس و ارلباک[4]، ۲۰۰۵: ۲۲) نظریهٔ شبکه

1. Ernstone
2. Lienert
3. Carcamo
4. Brandes & Erlebach

به بررسی روابط دلالت دارد. مهم‌ترین ویژگی این نظریه این است که تفسیر و تحلیل جزئی برحسب ویژگی‌های موضوعات مستقل را به تفسیر و تحلیل پدیده‌ها برحسب روابط میان کنشگران مستقل یک سیستم تبدیل نموده (برگاتی[1]،۲۰۲۵: ۵۷) و کانون توجه از افراد و ویژگی‌هایشان را به جفت افراد و ارتباطات میانشان تغییر داده است (محمدی‌کنگرانی، ۱۳۸۹: ۲۵). در ارتباط با مطالعات همکاری در سطوح مختلف (بین سازمان‌ها/ادارات، شرکت‌ها و ...)، شش رویکرد/ نظریهٔ معرفی‌شده است که در جدول ۳ ارائه شده است (بریتلی[2]،۲۰۱۱: ۲۴).

جدول ۳. رویکردها/ نظریه‌های شبکهٔ همکاری بین سازمانی

مأخذ: صداقت زادگان، ۱۳۹۵: ۱۱۶-۱۱۴؛ زارعی و زارعی، ۱۳۸۶: ۵۹

ردیف	نظریه/ رویکرد	توضیح
۱	نظریهٔ بازی[3]:	مهم‌ترین نظریه‌ای که به‌طور ویژه اصول روحیه همکاری را در خود دارد. هدف اصلی آن یافتن راهبرد بهینه برای بازیکنان است؛ یعنی منفعت گروهی به همکاری منجر می‌شود.
۲	نظریهٔ انتخاب عقلایی[4]:	انتخاب و تصمیم عاقلانه برای کسب حداکثر سود و مزایاست. رفتار عقلانی، اعتماد، همکاری، ترک همکاری و منفعت شخصی از مؤلفه‌های اساسی این نظریه است.
۳	تحلیل نهادی[5]:	بازهای مشارکتی در یک بسترسازمانی با ضوابط، قوانین و هنجارهای مختلف اتفاق می‌افتد.
۴	وابستگی به منابع[6]:	یکی از عمده‌ترین دلایل شکل‌گیری ارتباطات بین سازمانی، ایجاد مزیت رقابتی از منابع مکمل است. سازمان‌ها به‌واسطه مشارکت با یکدیگر به منابعی دسترسی پیدا می‌کنند که تکمیل‌کننده ظرفیت و توانمندی اولیه آن‌هاست (زارعی و زارعی، ۱۳۸۶: ۵۱). سازمان‌ها منابع مختلفی در اختیار دارند که مبنای قدرت‌اند و به دلیل شرایط متفاوتشان به یکدیگر وابسته‌اند

1. Borgatti
2. Beritelli
3. Game theory
4. Rational Choice Theory
5. Institutional Analysis
6. Resource Dependence Theory

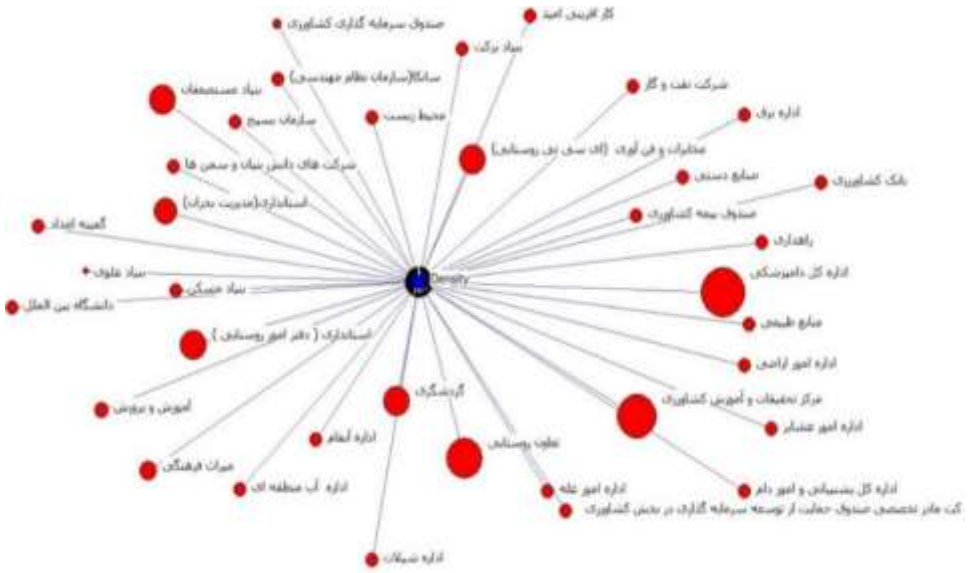
ردیف	نظریه/ رویکرد	توضیح
۵	اقتصاد هزینه معامله[1]:	چگونگی سازماندهی فعالیت‌های بین سازمان‌ها به‌گونه‌ای که مجموع هزینه‌های تولید و مبادله به حداقل برسد.
۶	تئوری مبادله اجتماعی[2]:	بر ویژگی‌های اجتماعی بازی‌های مشارکتی مانند اقدام متقابل پیش‌بینی‌شده، سود مورد انتظار در شهرت و نفوذ، نوع‌دوستی و درک سودمندی و درجه تأثیر و همین‌طور پاداش مستقیم تأکید می‌کند.

۵. یافته‌های تحقیق

در راستای تحلیل وضعیت کلان شبکهٔ همکاری توسعهٔ روستایی استان، شاخص‌های تراکم شبکه، اندازه، دوسویگی پیوندها، انتقال‌یافتگی پیوندها، تمرکز و فاصله ژئودزیک براساس نظرات مدیران و کارشناسان سازمان‌ها موردسنجش و ارزیابی قرارگرفته است. شایان‌ذکر است که نحوهٔ سنجش شاخص‌های کلان و میانی شبکه براساس میزان روابط بین دست‌اندرکاران سازمانی توسعهٔ روستایی استان بوده است.

شاخص تراکم[3] شبکه: هرچه تراکم شبکه بیشتر باشد، گره‌ها در شبکه دارای پیوندهای زیاد و شبکه از انسجام بیشتری برخوردار است. نتایج میزان تراکم شبکهٔ همکاری در سطح کل سازمان‌های توسعهٔ روستایی استان قزوین برابر با ۳۷/۳ درصد است که به‌طورکلی نشان‌دهندهٔ میزان تراکم پیوند کم در شبکهٔ همکاری سازمان‌های توسعهٔ روستایی استان است.

1. Transaction cost Economics
2. Social Exchange Theory
3. Density



شکل ۲. شاخص تراکم شبکهٔ همکاری دست‌اندرکاران توسعهٔ روستایی استان

مأخذ: (یافته‌های تحقیق،۱۴۰۳)

شاخص اندازه[1] شبکه: تعداد بیشتر پیوندهای همکاری در شبکه سبب افزایش فعالیت‌های مشارکتی شده و از بروز عدم هماهنگی و فعالیت ضعیف کاسته و سبب توسعهٔ روستایی منظم و هماهنگ می‌گردد. قابل‌ذکر است که نحوهٔ سنجش شاخص اندازهٔ شبکه براساس میزان روابط بین دست‌اندرکاران سازمانی توسعهٔ روستایی استان بوده است. براساس نتایج محاسبه گردیده از کل پیوندهای ممکن (۱۲۶۰ پیوند) در سطح کل شبکهٔ همکاری ۵۹۶ پیوند برقرارشده است که نزدیک به ۴۷ درصد پیوندهای مورد انتظار است و نشان از نیاز به عزم جدی به‌منظور ارتقاء این سطح به حد مطلوب است.

1. Size

شاخص دوسویگی پیوندها[1]: هر چه شاخص میزان دو سوگی پیوندها بیشتر باشد میزان همکاری متقابل بیشتر است و شبکه از پایداری بیشتری برخوردار خواهد بود. در مورد شبکهٔ همکاری سازمان‌های توسعهٔ روستایی استان قزوین این شاخص ۵۸ درصد بوده که نشان‌دهندهٔ میزان متوسط پایداری شبکه است.

شاخص انتقال‌یافتگی پیوندها[2]: هرچه روابط سه‌گانه در بین سازمان‌ها و کنشگران بیشتر باشد، شبکه متعادل‌تر و متوازن‌تر است و شکنندگی آن کمتر خواهد بود. نتایج نشان می‌دهد میزان انتقال‌پذیری شبکه همکاری برابر با ۲۷/۲ درصد است که نشان‌دهندهٔ میزان پایداری کم در شبکه و همچنین میزان کم نهادینه شدن پیوندها در شبکهٔ موردبررسی است.

میانگین فاصله ژئودزیک[3] **(کوتاه‌ترین فاصله میان دو کنشگر)**: هرچه میانگین شاخص ژئودزیک کمتر باشد، سرعت گردش و تبادل اطلاعات و درنتیجه اتحاد و یگانگی در بین کنشگران افزایش می‌یابد. نتایج محاسبه‌شده این شاخص برای سازمان‌های توسعهٔ روستایی استان قزوین برابر با ۱/۶۷ است. درواقع سرعت همکاری در بین سازمان‌ها در حد متوسط و هماهنگی و دسترسی سازمان‌ها به یکدیگر با صرف زمان امکان‌پذیر است.

جدول ۴. اندازهٔ شاخص‌ها در سطح کلان در شبکهٔ همکاری دست‌اندرکاران توسعهٔ روستایی استان قزوین

مأخذ: یافته‌های پژوهش،۱۴۰۳

تعداد	کل پیوندهای مورد انتظار	تراکم (٪)	دوسویگی پیوندها (٪)	اندازه شبکه	انتقال‌یافتگی پیوندها (٪)	میانگین فاصله ژئودزیک
۳۶	۱۲۶۰	۳۷/۳	۵۸	۵۹۶	۲۷/۲	۱/۶۷

1. Reciprocity
2. Transitivity
3. Average geodesic distance

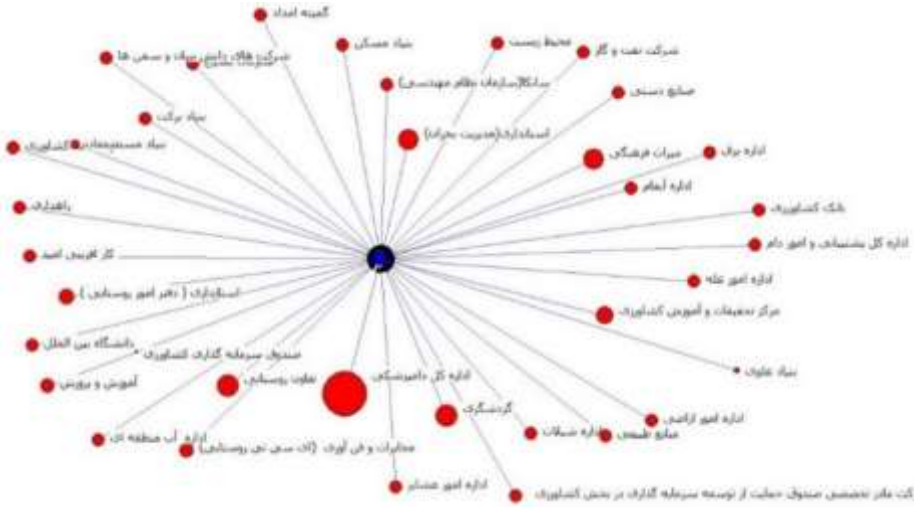
شاخص تمرکز[1] (مرکزیت کل): نتایج به‌دست‌آمده از این شاخص که در جدول (۵) نشان داده‌شده است، مؤید درصد بالای تمرکز در پیوندهای بیرونی نسبت به پیوندهای درونی است. این نتیجه چند نکته را روشن می‌سازد: نکتهٔ اول که در مقایسهٔ کلی درجه تمرکز بیرونی و درونی می‌توان اشاره کرد این است که دریافت همکاری (تمرکز شبکه در پیوندهای درونی) در مقایسه با پخش همکاری (تمرکز شبکه در پیوندهای بیرونی) توسط کنشگران (سازمان‌ها) از وضعیت مناسب‌تری برخوردار است. همچنین از همین مقایسه پیوندهای بیرونی و درونی می‌توان فهمید که در شبکهٔ همکاری با توجه به میزان بالای تمرکز در پیوندهای بیرونی نسبت به پیوندهای درونی، کنشگران مرکزی از نقش مهم‌تری در سطح شبکه برخوردارند. از طرفی درجهٔ بالای تمرکز در شبکه باعث شده است تا همکاری سازمان‌های توسعهٔ روستایی کاهش یابد، زیرا در سطح کل شبکه درصد پیوند بالایی بر تنها یک یا چند کنشگر تمرکزیافته است. درصورتی‌که شبکهٔ همکاری مطلوب نیازمند این است که پراکندگی پیوندهای همکاری در کل شبکه گسترده شود تا تنها محدود به چند کنشگر نشود.

جدول ۵. اندازهٔ شاخص تمرکز شبکهٔ همکاری در پیوندهای درون‌گروهی و برون‌گروهی

مأخذ: یافته‌های پژوهش،۱۴۰۳

نوع تمرکز	درصد
مرکزیت شبکه کل براساس پیوندهای درونی	۳۲٫۰۸
مرکزیت شبکه کل براساس پیوندهای بیرونی	۴۶٫۷۷

1. Centralization



شکل ۳. شاخص تمرکز شبکهٔ همکاری دست‌اندرکاران توسعهٔ روستایی استان

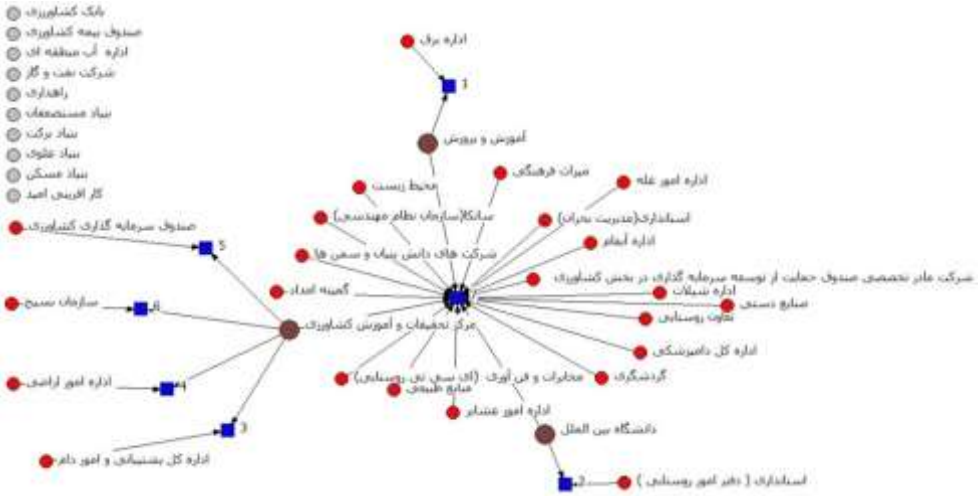
مأخذ: (یافته‌های تحقیق،۱۴۰۳)

در راستای تحلیل وضعیت سطح میانی شبکهٔ همکاری توسعهٔ روستایی استان، شاخص‌های بلوک‌ها و نقاط تقاطع، مرکز-پیرامون، خوشه‌ها و پیوندهای درون‌گروهی و برون‌گروهی موردسنجش و ارزیابی قرارگرفته است.

بلوک‌ها و نقاط تقاطع[1]: نقاط قطع در شبکه گره‌هایی هستند که اگر از شبکه حذف شوند، شبکه به قسمت‌های مجزا تقسیم خواهد شد. به بیانی دیگر در شبکهٔ روابط، اگر چنین کنشگری از شبکه حذف شود، شبکهٔ باقی‌مانده دو زیرمجموعه خواهد داشت که بین آن‌ها نمی‌تواند رابطه‌ای وجود داشته باشد. از سویی دیگر هرچه تعداد نقاط قطع در شبکه بیشتر باشد، سطح اتصال شبکه بیشتر است؛ چراکه باید گره‌های زیادی از شبکه حذف شوند تا شبکهٔ اتصالات خود را از دست بدهد. نتایج شاخص قطعات و نقاط برشی شبکه همکاری استان براساس زمینهٔ همکاری تحقیق، آموزش

1. Blocks and Cut point

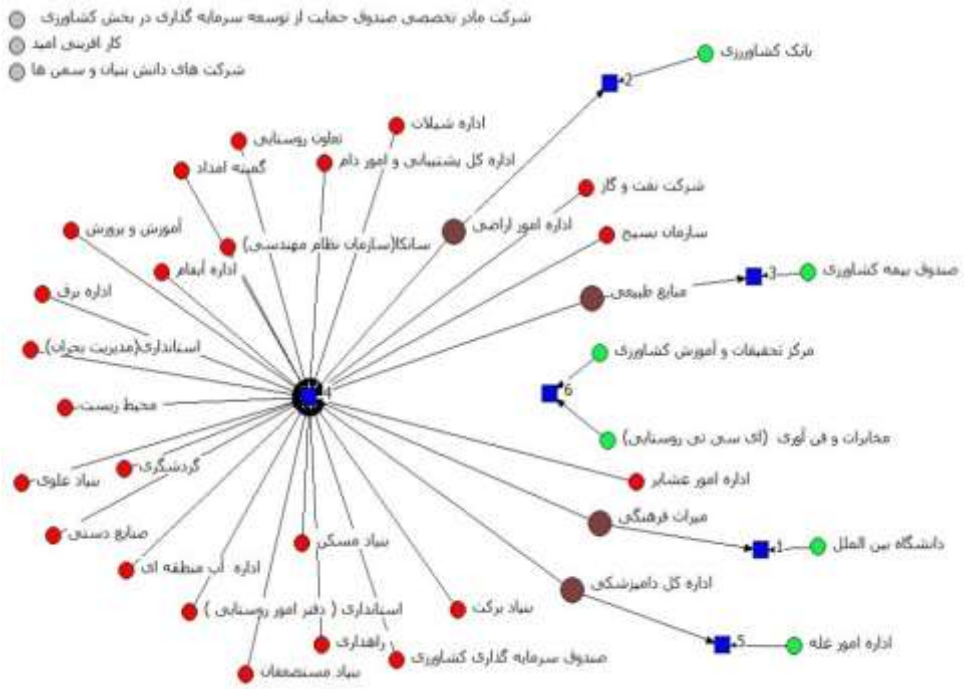
و پژوهش حاکی از آن است که سه سازمان آموزش‌وپرورش، مرکز تحقیقات و آموزش کشاورزی و دانشگاه بین‌الملل به‌عنوان کنشگران حیاتی و نقاط برشی شبکه همکاری استان شناخته می‌شوند. این سه دست‌اندرکار با ایجاد انسجام ساختاری در سطح شبکه همکاری اغلب سازمان‌ها و مراکز را سبب شده‌اند.



شکل ۴. شاخص قطعات و نقاط تقاطع شبکهٔ همکاری استان براساس مؤلفهٔ تحقیق، آموزش و پژوهش

مأخذ: (یافته‌های تحقیق،۱۴۰۳)

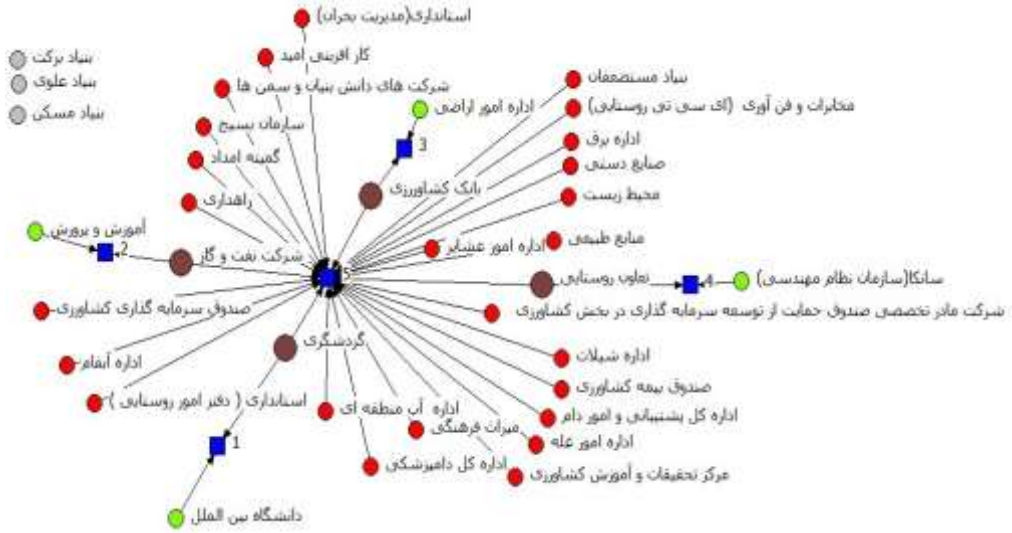
نتایج شاخص قطعات و نقاط برشی شبکه همکاری استان براساس زمینهٔ همکاری برنامه‌ریزی و نظارت حاکی از آن است که چهار ادارهٔ امور دامپزشکی، ادارهٔ امور اراضی، منابع طبیعی و میراث فرهنگی به‌عنوان کنشگران حیاتی و نقاط برشی شبکهٔ همکاری استان شناخته می‌شوند.



شکل ۵. شاخص قطعات و نقاط تقاطع شبکهٔ همکاری استان براساس مؤلفهٔ برنامه‌ریزی و نظارت

مأخذ: (یافته‌های تحقیق،۱۴۰۳)

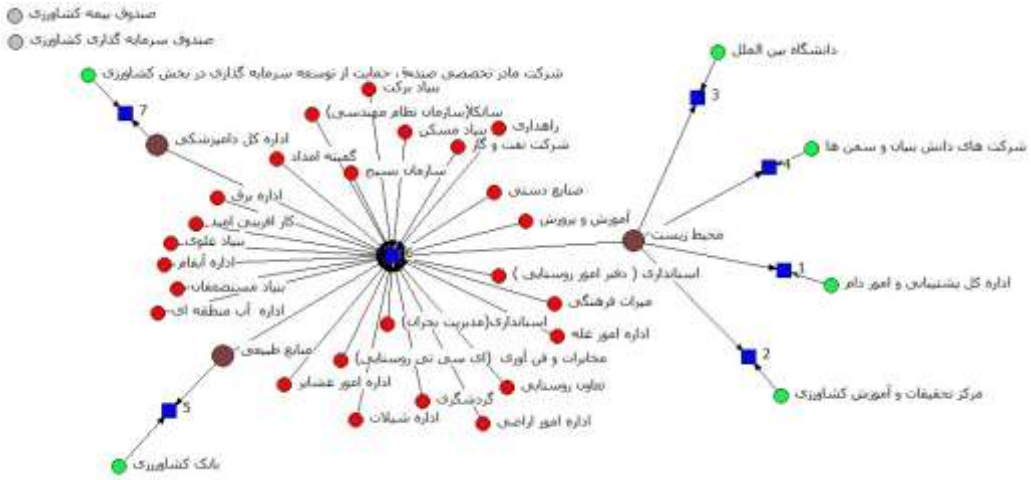
براساس مؤلفهٔ تأمین و توزیع زیرساخت‌ها و خدمات، چهار نهاد بانک کشاورزی، تعاونی روستایی، شرکت نفت و گاز و دفتر امور روستایی استانداری به‌عنوان کنشگران حیاتی شبکه همکاری استان شمرده می‌شوند.



شکل ۶. شاخص قطعات و نقاط تقاطع شبکه همکاری استان براساس مؤلفهٔ تأمین و توزیع زیرساخت‌ها و خدمات

مأخذ: (یافته‌های تحقیق،۱۴۰۳)

براساس مؤلفهٔ صدور مجوز، سه سازمان محیط‌زیست، ادارهٔ کل دامپزشکی و منابع طبیعی به‌عنوان کنشگران حیاتی و نقاط برشی شبکهٔ همکاری استان براساس مؤلفهٔ صدور مجوز شناخته می‌شوند. سه دست‌اندرکار مذکور با ایجاد انسجام ساختاری دارای نقش حیاتی در سطح شبکهٔ همکاری استان است که در غیاب و حذف آن‌ها قطع ارتباط در شبکه را موجب می‌شوند.



شکل ۷. شاخص قطعات و نقاط تقاطع شبکهٔ همکاری استان براساس مؤلفهٔ صدور مجوز

مأخذ: (یافته‌های تحقیق،۱۴۰۳)

شاخص مرکز – پیرامون[1]: به‌وسیلهٔ این شاخص همهٔ اعضا به دودسته مرکز و پیرامون تقسیم می‌شوند. دسته مرکزی باهم ارتباط زیادی دارند و تراکم شبکهٔ آن‌ها زیاد است؛ اما در دستهٔ پیرامونی‌ها، روابط کم و تراکم شبکه هم کم است. کنشگران کلیدی و مؤثر در شبکه در زیرگروه‌های مرکزی قرار می‌گیرند که از نقش و اثرگذاری بیشتری نسبت به گروه حاشیه‌ای برخوردار هستند. نتایج نشان می‌دهد که ادارهٔ کل دامپزشکی، ادارهٔ شیلات، منابع طبیعی، ادارهٔ امور اراضی، میراث فرهنگی، ادارهٔ آبفام، گردشگری، ادارهٔ برق، ادارهٔ آب منطقه‌ای، محیط‌زیست، استانداری، راهداری، بنیاد مسکن، سانکا و سازمان بسیج جزو کنشگران مرکزی مشخص‌شده‌اند. همچنین می‌توان گفت که کنشگران مرکزی به‌اندازه ۰/۳۴ در مسائل کنشگران پیرامونی مشارکت دارند و کنشگران پیرامونی تا حدود ۰/۲۷ در مسائل کنشگران مرکزی مشارکت می‌کنند.

1. Core/Periphery

جدول ۶. ضریب چگالی کنشگران مرکزی و پیرامونی شبکهٔ همکاری دست‌اندرکاران توسعهٔ روستایی استان،۱۴۰۳

مأخذ: یافته‌های پژوهش

	کنشگران مرکزی	کنشگران پیرامونی
کنشگران مرکزی	۰,۸۱۹	۰,۳۴۳
کنشگران پیرامونی	۰,۲۷۳	۰,۲۵

جدول ۷. کنشگران مرکزی و پیرامونی شبکهٔ همکاری توسعهٔ روستایی استان،۱۴۰۳

مأخذ: یافته‌های پژوهش

کنشگران مرکزی	کنشگران پیرامونی
ادارهٔ کل دامپزشکی، ادارهٔ شیلات، منابع طبیعی، ادارهٔ امور اراضی، میراث فرهنگی، ادارهٔ آبفام، گردشگری، ادارهٔ برق، ادارهٔ آب منطقه‌ای، محیط‌زیست، استانداری، راهداری، بنیاد مسکن، سانکا و سازمان بسیج	ادارهٔ امور عشایر، ادارهٔ کل پشتیبانی و امور دام، مرکز تحقیقات و آموزش کشاورزی، تعاون روستایی، بانک کشاورزی، شرکت مادر تخصصی صندوق حمایت از توسعه سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی، ادارهٔ امور غله، صنایع‌دستی، مخابرات و فن‌آوری، استانداری (دفتر امور روستایی)، دانشگاه بین‌الملل، آموزش‌وپرورش، شرکت نفت و گاز، صندوق بیمه کشاورزی، بنیاد مستضعفان، بنیاد برکت، بنیاد علوی، صندوق سرمایه‌گذاری کشاورزی، کمیته امداد، کارآفرینی امید و شرکت‌های دانش‌بنیان و سمن‌ها

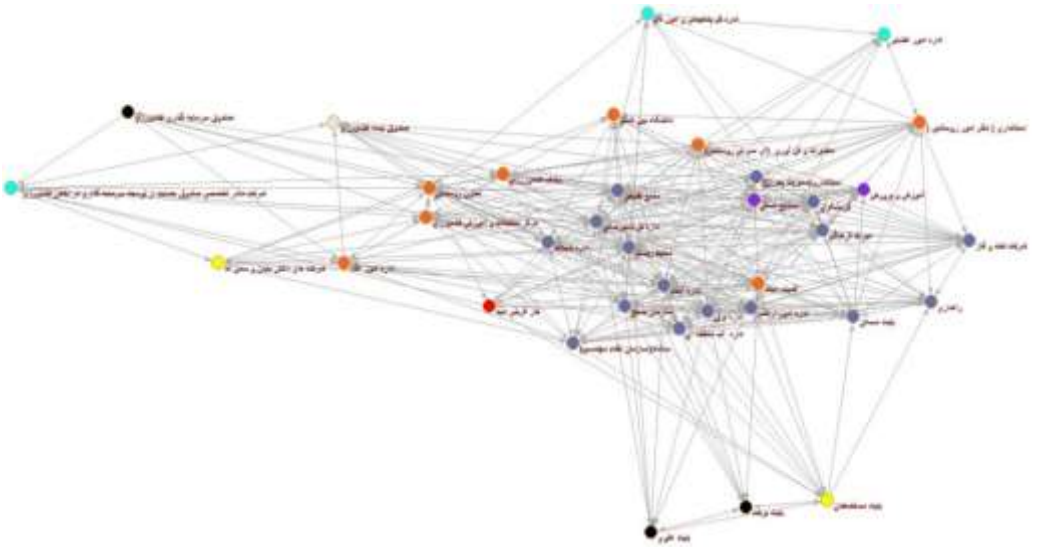
شاخص خوشه‌ها: وضعیت خوشه‌های شبکه تراکم همکاری استان براساس ارزش هسته‌ای نشان می‌دهد که سازمان‌های اداره کل دامپزشکی، ادارهٔ شیلات، منابع طبیعی، ادارهٔ امور اراضی، محیط‌زیست، ادارهٔ آبفام، ادارهٔ برق، ادارهٔ آب منطقه‌ای، استانداری (مدیریت بحران)، صنایع‌دستی، گردشگری، بنیاد مسکن، راهداری، شرکت نفت و گاز، میراث فرهنگی، آموزش‌وپرورش، سازمان بسیج و سانکا با اکتساب بیشترین میزان ارزش هسته‌ای، خوشهٔ مرکزی و قوی را تشکیل داده‌اند. می‌توان گفت که خوشهٔ یک دارای بیشترین میزان پیوند همکاری و ارزش هسته‌ای است و خوشهٔ

هفت که شامل بنیاد برکت، بنیاد علوی و صندوق سرمایه‌گذاری کشاورزی است، دارای کمترین میزان پیوند همکاری است.

جدول ۸. خوشه‌های شبکه همکاری استان براساس ارزش هسته‌ای،۱۴۰۳

مأخذ: یافته‌های پژوهش

خوشه	دست‌اندرکار	ارزش هسته‌ای
خوشه ۱	ادارهٔ کل دامپزشکی، ادارهٔ شیلات، منابع طبیعی، ادارهٔ امور اراضی، محیط‌زیست، ادارهٔ آبفام، ادارهٔ برق، ادارهٔ آب منطقه‌ای، استانداری (مدیریت بحران)، صنایع‌دستی، گردشگری، بنیاد مسکن، راهداری، شرکت نفت و گاز، میراث فرهنگی، آموزش‌وپرورش، سازمان بسیج و سانکا	۱۹
خوشه ۲	صنایع‌دستی و آموزش‌وپرورش	۱۸
خوشه ۳	استانداری (دفتر امور روستایی)، مخابرات و فن‌آوری، دانشگاه بین‌الملل، بانک کشاورزی، تعاونی روستایی، کمیته امداد، ادارهٔ امور غله، مرکز تحقیقات و آموزش کشاورزی، کارآفرینی امید	۱۷
خوشه ۴	صندوق بیمه کشاورزی	۱۵
خوشه ۵	بنیاد مستضعفان و شرکت‌های دانش‌بنیان و سمن‌ها	۱۲
خوشه ۶	ادارهٔ امور عشایر، ادارهٔ کل پشتیبانی و امور دام، شرکت مادر تخصصی صندوق حمایت از توسعهٔ سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی	۱۱
خوشه ۷	بنیاد برکت، بنیاد علوی و صندوق سرمایه‌گذاری کشاورزی	۱۰



شکل ۸ خوشه‌های شبکهٔ همکاری استان براساس ارزش هسته‌ای

مأخذ: (یافته‌های تحقیق،۱۴۰۳)

شاخص پیوندهای درون‌گروهی و برون‌گروهی: اندازهٔ (۱-) این شاخص نشان‌دهندهٔ این موضوع است که تمامی پیوندها در شبکهٔ درون‌گروهی بوده و کنشگران علاقه‌مند به تقویت انسجام اجتماعی و افزایش میزان همبستگی در شبکه هستند. اندازهٔ (۱+) به معنای این است که کلیهٔ پیوندها برون‌گروهی و صفر در این شاخص بیانگر برابری پیوندهای درون‌گروهی و برون‌گروهی است. نتایج نشان می‌دهد که در این شاخص از مجموع ۶۳۰ پیوند موجود، ۳۰۲ پیوند و یا ۵۰/۷ درصد پیوندهای درون‌گروهی و ۲۹۴ پیوند یا ۴۹/۳ درصد پیوندها، برون‌گروهی است. حداکثر پیوند مورد انتظار در داخل کل زیرگروه‌های شبکه ۶۳۰ پیوند بوده که دارای تراکم ۴۷/۹ درصدی است و این نشان‌دهندهٔ میزان تراکم متوسط پیوندهای درون‌گروهی در شبکهٔ همکاری دست‌اندرکاران توسعهٔ روستایی استان بوده است. اندازهٔ منفی شاخص E-I نشان می‌دهد پیوندهای درون‌گروهی در شبکه بیشتر از پیوندهای

برون‌گروهی است؛ به‌نحوی‌که مقدار ۱۳- درصد نشان می‌دهد، پیوندهای درون‌گروهی برابر با مقدار ۱۳ درصد بیشتر از پیوندهای برون‌گروهی در شبکهٔ همکاری توسعهٔ روستایی استان است. اگر این شاخص مثبت باشد، یعنی پیوندهای برون‌گروهی بیشتر از درون‌گروهی است. در صورت مثبت بودن این شاخص که نشان‌دهندهٔ برتری پیوندهای برون‌گروهی نسبت به درون‌گروهی است، باعث می‌شود میزان همکاری کنشگران به داخل زیرگروه محدود نباشد و در خارج از زیرگروه خود نیز مورد اعتماد سایرین باشند که در مورد شبکهٔ توسعهٔ روستایی استان قزوین این امر محقق نشده و دست‌اندرکاران بیشتر به درون زیرگروه خود محدود هستند که برای مدیریت توسعهٔ روستایی، می‌تواند مشکل‌ساز باشد.

جدول ۹. پیوندهای درون‌گروهی و برون‌گروهی و شاخص E-I در سطح کل شبکهٔ توسعهٔ روستایی استان قزوین

مأخذ: یافته‌های پژوهش(۱۴۰۳)

مرز اکولوژیک	مؤلفه	تعداد	درصد	حداکثر میزان مورد انتظار	تراکم
استان قزوین	پیوندهای درون‌گروهی	۳۰۲	۵۰/۷	۶۳۰	۴۷/۹
	پیوندهای برون گروهی	۲۹۴	۴۹/۳	۶۳۰	۴۶/۷
	شاخص E-I	-۸	-۱۳	۰	۰

۶. نتیجه‌گیری

در راستای تبیین الگوی شبکه همکاری دست‌اندرکاران توسعهٔ روستایی استان قزوین با استفاده از نتایج به‌دست آمده در روش‌های تحلیل شبکه در دو سطح کلان و میانی می‌توان بیان کرد، در سطح کلان شاخص‌های تحلیل شبکهٔ همکاری، نتایج تراکم، اندازه و انتقال‌پذیری شبکه کاملاً مشخص نمود که پیوند همکاری بین دست‌اندرکاران شبکه ضعیف و میزان کم نهادینه شدن پیوندها است؛ به‌نحوی‌که اغلب پیوندهای برقرارشده بین دست‌اندرکاران مؤید درصد بالای تمرکز در

پیوندهای بیرونی نسبت به پیوندهای درونی است. این امر بیانگر نقش مهم کنشگران مرکزی در پیوندهای شبکه و عامل اصلی ضعیف بودن سطح همکاری و همگرایی شبکهٔ توسعهٔ روستایی استان است. میزان پایداری شبکه براساس دو شاخص میزان دوسویگی پیوندها و سرعت گردش همکاری استان در سطح متوسط به‌دست آمده است. نتایج سطح میانه شاخص‌های تحلیل شبکه همکاری استان نشان می‌دهد که در شاخص قطعات و نقاط برشی براساس مؤلفه تحقیق، آموزش و پژوهش، سه سازمان آموزش‌وپرورش، مرکز تحقیقات و آموزش کشاورزی و دانشگاه بین‌الملل، در مؤلفهٔ برنامه‌ریزی و نظارت، چهار ادارهٔ امور دامپزشکی، ادارهٔ امور اراضی، منابع طبیعی و میراث فرهنگی، در مؤلفهٔ تأمین و توزیع زیرساخت‌ها و خدمات، چهار بانک کشاورزی، تعاونی روستایی، شرکت نفت و گاز و دفتر امور روستایی استانداری، در مؤلفهٔ صدور مجوز، سه سازمان محیط‌زیست، ادارهٔ کل دامپزشکی و منابع طبیعی به‌عنوان کنشگران حیاتی و نقاط برشی شبکهٔ همکاری استان شناخته می‌شوند. سازمان‌های فوق در هر یک از مؤلفه‌های همکاری با ایجاد انسجام ساختاری دارای نقش حیاتی در سطح شبکهٔ همکاری استان هستند که در غیاب و حذف آن‌ها، قطع ارتباط در شبکه را موجب می‌شوند. در شاخص مرکز – پیرامون، ادارهٔ کل دامپزشکی، ادارهٔ شیلات، منابع طبیعی، ادارهٔ امور اراضی، میراث فرهنگی، ادارهٔ آبفا، گردشگری، ادارهٔ برق، ادارهٔ آب منطقه‌ای، محیط‌زیست، استانداری، راهداری، بنیاد مسکن، سانکا و سازمان بسیج جزو کنشگران مرکزی و سایر دست‌اندرکاران به‌عنوان کنشگران پیرامونی مشخص‌شده‌اند. از سویی دیگر، تراکم پیوندهای درون‌گروهی و پیوندهای برون‌گروهی نشانگر میزان تراکم و انسجام ضعیف تا متوسط پیوندهای درون‌گروهی و برون‌گروهی در شبکهٔ همکاری دست‌اندرکاران توسعهٔ روستایی استان است. در این میان پیوندهای درون‌گروهی در شبکه به میزان ۱۳ درصد بیشتر از پیوندهای برون‌گروهی است. اندازهٔ منفی به‌دست آمدهٔ این شاخص (۱۳-) باعث می‌شود که پیوند همکاری دست‌اندرکاران، بیشتر به درون زیرگروه خود محدود باشند که برای مدیریت توسعهٔ روستایی، می‌تواند مشکل‌ساز باشد.

به‌صورت خلاصه می‌توان نتیجه گرفت که همکاری ضعیف و میزان کم نهادینه شدن پیوندها بین سازمان‌های دست‌اندرکار توسعهٔ روستایی استان قزوین وجود دارد و درصد بالایی از تمرکز در پیوندهای بیرونی نسبت به پیوندهای درونی مشاهده می‌شود و کنشگران مرکزی (ادارهٔ کل دامپزشکی، ادارهٔ شیلات، منابع طبیعی، ادارهٔ امور اراضی، میراث فرهنگی، ادارهٔ آبفام، گردشگری، ادارهٔ برق، ادارهٔ آب منطقه‌ای، محیط‌زیست، استانداری، راهداری، بنیاد مسکن) نقش کلیدی در سطح شبکه دارند که این امر منجر به کاهش سطح همکاری دست‌اندرکاران توسعهٔ روستایی استان شده است. نتایج این پژوهش با یافته‌های متولی و همکاران (۱۴۰۳)، قربانی و همکاران (۱۴۰۳)، محمودی و مهرابی (۱۴۰۱)، رستمی و همکاران (۱۴۰۱)، رکن‌الدین‌افتخاری و همکاران (۱۳۹۹)، حسام (۱۳۹۷)، سعیدی و همکاران (۱۳۹۶)، قربانی و همکاران (۱۳۹۵)، فیروزروز و همکاران (۱۳۹۴)، ابراهیمی آذرخواران و همکاران (۱۳۹۴)، قربانی و همکاران (۱۳۹۱)، درزمینهٔ همکاری ضعیف بین سازمانی، واگرایی شبکهٔ همکاری و وجود کنشگران کلیدی مطابقت دارد.

۷. پیشنهادها

برای تقویت همکاری و انجام سازمانی نهادهای توسعهٔ روستایی در کشور و از جمله در استان قزوین پیشنهادهای زیر قابل ارائه است:

- ارتقای حکمرانی توسعهٔ روستایی کشور با تقویت شبکهٔ همکاری و ایجاد انسجام در برنامه‌ریزی و مدیریت کلان توسعهٔ روستایی کشور با ایجاد یک سازمان متولی و پاسخگو و نیز تقسیم کار مناسب در بین سازمانهای مرتبط.
- استفاده از فناوری‌های نوین و هوشمند به‌منظور ایجاد بستر سخت‌افزاری و نرم‌افزاری مناسب برای تسهیل و تقویت شبکهٔ همکاری و ارتباطات بین‌سازمانی و درون سازمانی توسعهٔ روستایی

- ارتقاء و بهبود وضعیت همگرایی شبکهٔ همکاری: با توجه ضریب تراکم برابر با ۳۷.۳ (همگرایی ضعیف) شبکهٔ همکاری توسعهٔ روستایی استان قزوین، تقویت تعامل و همکاری بین سازمان‌های دخیل در توسعهٔ روستایی استان می‌تواند به افزایش همگرایی و ساختار کارکردی مناسب کمک کند.
- تقویت قدرت و جایگاه سازمان‌های بینابینی: با توجه به اینکه شبکهٔ میزان همکاری وابسته به چند گره (سازمان) مانند محیط‌زیست، ادارهٔ کل دامپزشکی و ادارهٔ آبفا است، تقویت وضعیت درجهٔ بینابینی سایر سازمان‌ها می‌تواند به افزایش قدرت چانه‌زنی برای تعامل سازنده بین سازمان‌های ضعیف کمک نماید.

کتابنامه

۱. ابراهیمی‌آذرخواران، ف؛ قربانی، م؛ سلاجقه، ع؛ و محسنی‌ساوری، م. (۱۳۹۴). تحلیل شبکهٔ اجتماعی؛ قدرت اجتماعی و کنشگران کلیدی در برنامهٔ عمل مدیریت مشارکتی منابع آب (مطالعه موردی: رودخانه جاجرود، حوزهٔ آبخیز لتیان–روستای دربندسر). *علوم و مهندسی آبخیزداری ایران*، ۹(۲۸)، ۲۱–۳۲.

۲. ابراهیمی، م؛ و یعقوبی، م. (۱۴۰۱). اهمیت و اثربخشی نهادهای تأثیرگذار بر توسعهٔ گردشگری روستایی (کاربرد روش تحلیل شبکه). *روستا و توسعه*، ۲۵ (۹۸)، ۸۹–۱۱۰.

۳. ابطحی‌فروشانی، ز؛ فرصتکار، ا؛ خوشنواپور، ن؛ و ابطحی‌فروشانی، ن. (۱۳۹۴). تحلیل ذی‌نفعان کلیدی با استفاده از ماتریس علاقه – قدرت، مطالعه موردی: طرح توسعهٔ میادین منطقه پارس جنوبی. *اکتشافات و تولید گاز و نفت، پیاپی ۱۲۷*، ۳۲–۳۹.

۴. احمدی‌میبدی، ج؛ احمدیان، م؛ و جعفری، ح. (۱۴۰۱). تحلیل فضایی عملکرد دهیاری‌ها در توسعهٔ اقتصاد روستایی بخش مرکزی شهرستان مشهد. *جغرافیا و توسعهٔ ناحیه‌ای*، ۲۰ (۱)، ۱۵۵–۱۸۶.

۵. افراخته، ح؛ و حجی‌پور، م. (۱۳۹۲). تحول نظام مالکیت اراضی روستایی؛ علل و پیامدها (مورد: روستاهای تقاب و معصوم‌آباد در شهرستان خوسف). *فصلنامهٔ اقتصاد فضا و توسعهٔ روستایی*، ۲ (۳)، ۱–۲۱.

۶. ایزدی، ع؛ و علوی‌زاده، ا. (۱۳۹۷). واکاوی نقش توانمندی روان‌شناختی دهیاران در روند مدیریت و توسعهٔ روستایی (مطالعه موردی: دهستان رشتخوار). *کاوش‌های جغرافیایی مناطق بیابانی*، *۶*(۱)، ۱۹۹-۲۲۷.

۷. بابازاده، ک؛ امیرکبیری، ع؛ جمشیدی آ. م؛ و ربیعی‌مندجین، م. (۱۴۰۱). تبیین اثر نهادگرایی یکپارچه بر توسعهٔ پایدار روستاهای استان آذربایجان غربی. *جغرافیا و پایداری محیط*، *۱۲*(۱)، ۱-۱۷.

۸. بابایی، ح؛ رفیعیان، م؛ روستا، م؛ و پاسیان‌خمری، ر. (۱۳۹۷). تحلیل شبکهٔ سازمانی مدیریت مشارکتی نوزایی شهری در بافت تاریخی گرگان. *باغ منظر*، *۱۵*(۶۳)، ۱۷-۲۸.

۹. برقی، ح؛ و قنبری، ی. (۱۳۹۶). بررسی مؤلفه‌های تأثیرگذار بر عملکرد دهیاران نواحی روستایی شهرستان اصفهان. *روستا و توسعه*، ۲۰(۱)، ۱۰۳-۱۲۲.

۱۰. بصیری‌پارسا، ن. (۱۳۸۹). بررسی نهادهای مؤثر در مدیریت توسعهٔ روستایی مطالعه موردی: استان همدان، *همایش ملی انسان، محیط‌زیست و توسعهٔ پایدار*، همدان.

۱۱. بوذرجمهری، خ؛ وجوانی، خ. (۱۳۹۳). عملکرد تشکل‌های غیردولتی با تأکید بر باشگاه کشاورزان جوان بر توسعهٔ پایدار روستاهای شهرستان تربت‌حیدریه. *همایش ملی مباحث نوین در کشاورزی*، اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۳، تهران.

۱۲. تقی‌پور، س؛ و استعلاجی، ع. (۱۴۰۲). تأثیر جایگاه ICT روستایی در توسعهٔ اقتصادی پایدار روستاهای استان قزوین با تأکید بر سیماک. *مهندسی جغرافیایی سرزمین*، *۷*(۲)، ۳۶۷-۳۸۴.

۱۳. تیموری، ا؛ فشارکی، م؛ و بازیار، ا. (۱۳۹۰). مدل‌سازی روابط بین سازمانی: بررسی تأثیر عوامل رابطه‌ای روی شکل‌گیری ساختار مشارکتی. *پژوهش‌های مدیریت در ایران*، *۱۵*(۳)، ۶۱-۸۵.

۱۴. ثانی‌حیدری، ع؛ دانشورکاخکی، م؛ شاهنوشی، ن؛ و صبوحی‌صابونی، م. (۱۳۹۹). تحلیل اثرگذاری‌های اعتبارات خرد بر مؤلفه‌های توسعهٔ پایدار روستایی: به‌کارگیری رهیافت رگرسیون جورسازی بر پایهٔ نمرهٔ تمایل و الگوریتم بوت استرپ. *اقتصاد کشاورزی*، *۱۴*(۱)، ۵۱-۹۳.

۱۵. ثقفی، ف؛ مزارعی، ح؛ خوانساری، م؛ محمدی‌کنگرانی، ح؛ و اسدی‌فرد، ر. (۱۳۹۸). فراترکیب عوامل مؤثر بر تقویت روابط بین اعضای شبکه‌های همکاری علم و فناوری از نگاه نظریهٔ سرمایه‌داری اجتماعی. *مدیریت نوآوری*، *۸*(۳)، ۲۳-۵۲.

۱۶. جوادی‌چهارراه، م؛ جعفری، ح؛ و علیزاده، ک. (۱۴۰۲). تأثیر عملکرد سازمان‌ها و نهادها در توسعهٔ کارآفرینی روستایی (مطالعه موردی: روستاهای شهرستان کلات). *مجلهٔ علوم جغرافیایی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد*، *۱۹*(۴۴)، ۱۱۴-۱۲۸.

۱۷. حسام، م. (۱۳۹۷). تحلیل شبکهٔ مشارکت روستاییان در طرح‌های بهسازی بافت با ارزش تاریخی (مطالعه موردی: روستای شاهکوه سفلی، شهرستان گرگان). مسکن و محیط روستا، *۳۷*(۱۶۱)، ۶۱-۷۶.

۱۸. خسروی‌پور، ب؛ و اسدی، ز. (۱۳۹۸). نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در توسعهٔ پایدار روستایی. *جغرافیا و روابط انسانی*، ۲(۲)، ۸۳-۹۸.

۱۹. رضوانی، م. ر. (۱۳۸۳). *مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعهٔ روستایی در ایران*. تهران: نشر قومس.

۲۰. رضوانی، م. ر؛ بدری، س. ع؛ ترابی، ذ؛ و هاجری، ب. (۱۳۹۶). شناسایی راهکارهای توسعهٔ روستایی با استفاده از چارچوب مشارکتی-SOAR مورد: روستای میغان. *فصلنامهٔ اقتصاد فضا و توسعهٔ روستایی*، ۵(۱۸)، ۴۳-۲۷.

۲۱. رکن‌الدین‌افتخاری، ع؛ امیدوار، ن؛ و زنجانیان، ح. (۱۳۹۹). تحلیل شبکهٔ روابط بین سازمانی در مدیریت طرح هادی روستایی مطالعه موردی: روستای اسلام‌رود در شهرستان طرقبه-شاندیز. *برنامه‌ریزی و آمایش فضا*، ۲۴(۳)، ۱۰۵-۱۳۷.

۲۲. رکن‌الدین‌افتخاری، ع؛ سجادی‌قیداری، ح؛ و عینالی، ج. (۱۳۸۶). نگرشی نو به مدیریت روستایی با تأکید برنهادهای تأثیرگذار. *فصلنامهٔ روستا و توسعه*، *۱۰*(۲)، ۱-۳۱.

۲۳. زارعی، ب؛ و زارعی، ع. (۱۳۸۶). پارادایم‌های تئوریک تبیین‌کنندهٔ شکل‌گیری ارتباطات بین سازمانی. *مجلهٔ دانش مدیریت*، ۲۰(۷۸)، ۴۵-۶۲.

۲۴. سعیدی، ع؛ طالشی، م؛ و ضیاء نوشین، م. م. (۱۳۹۶). تحلیل شبکهٔ سازمانی مؤثر بر خزش روستایی در سکونتگاه‌های روستایی پیرامون همدان. *پژوهش‌های روستایی*، *۸*(۳)، ۴۵۴-۴۶۹.

۲۵. سلطانی‌نژاد، ح؛ و امیرزاده، م. (۱۴۰۰). شناسایی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری شبکه‌های همکاری در صنایع تولیدی (مطالعه موردی شرکت‌های فعال در حوزهٔ صنایع فلزی استان کرمان). *دوماهنامهٔ بررسی‌های بازرگانی*، *۱۹*(۱۰۹)، ۳۹-۵۲.

۲۶. شمس‌الدینی، ع؛ و جمینی، د. (۱۳۹۵). ارزیابی عملکرد نهادهای متولی در توسعهٔ سکونتگاه‌های روستایی با رویکرد معادلات ساختاری موردمطالعه: شهرستان جوانرود. *جغرافیا و توسعه*، *۴۳*، ۳۵-۵۰.

۲۷. شیخی، ح؛ پریزادی، ط؛ و ورمزیار، ب. (۱۳۹۲). بررسی و ارزیابی عملکرد دهیاران در روند مدیریت و توسعهٔ روستایی (مطالعه موردی: شهرستان همدان). *برنامه‌ریزی فضایی*، ۳(۳)، ۱۷-۳۲.

۲۸. صادقی‌زاده قوی‌فکر، س؛ طهماسبی، ا؛ و عزیزپور، ف. (۱۴۰۳). تحلیل شبکهٔ کنشگران کلیدی تغییر کاربری زمین در مناطق روستایی موردمطالعه: بخش مرکزی شهرستان شهریار. *تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی*، ۲۴(۷۳)، ۹۳-۱۱۴.

۲۹. صادقی، ح؛ صیدائی، ا؛ قبادی، ش؛ و صالحی، م. (۱۳۹۵). ارزیابی عملکرد نهادها و سازمان‌های مرتبط با پایداری روستاها مورد: بخش دهدز در شهرستان ایذه. *فصلنامهٔ اقتصاد فضا و توسعهٔ روستایی*، *۵*(۲)، ۱۱۹-۱۴۰.

۳۰. صداقت‌زادگان، ش. (۱۳۹۵). مطالعهٔ راهبردی ارتباط همکاری بین‌سازمانی با فعالیت‌های خدماتی و صنعتی. *فصلنامهٔ راهبرد*، ۲۴(۷۵)، ۱۰۹-۱۳۷.

۳۱. صیدایی، ا؛ جمینی، د؛ جمشیدی، ع؛ و جمشیدی، م. (۱۳۹۳). بررسی و تحلیل عملکرد مدیران نوین روستایی در توسعهٔ روستایی (مطالعه موردی: منطقهٔ اورامانات استان کرمانشاه). *برنامه‌ریزی فضایی (جغرافیا)*، ۴(۴)، ۱-۲۴.

۳۲. عباسی‌رستمی، ع؛ یزدان‌پناه، م؛ عبدشاهی، م؛ عزیزی‌خلیلی، ط؛ و سواری، م. (۱۴۰۱). تحلیل شبکهٔ اجتماعی کنشگران حکمرانی مدیریت به‌هم‌پیوسته منابع آب کشاورزی در استان مازندران. *پژوهشنامهٔ مدیریت حوزهٔ آبخیز*، *۱۳*(۲۵)، ۱۹۷-۲۰۹.

۳۳. عبدی‌دانش‌پور، ز؛ فلاحی، ع؛ و مرادی، د. (۱۳۹۵). تحلیل روابط بین‌سازمانی در مدیریت بحران در شهر اصفهان. *مدیریت بحران*، *۵*(۱)، ۲۵-۳۷.

۳۴. عطایی، س؛ افراخته، ح؛ و توکلی‌کجانی، ح. (۱۳۹۹). جایگاه مدیریت نوین روستایی در تحولات اقتصادی و اجتماعی مناطق روستایی (موردمطالعه: بخش کهریزک). *فصلنامهٔ راهبردهای توسعهٔ روستایی*، *۷*(۴)، ۴۱۵-۴۳۱.

۳۵. فیروزروز، م؛ عرفان‌زاده، ر؛ قربانی، م؛ و راسخی، س. (۱۳۹۴). تحلیل شبکهٔ اجتماعی و الگوی ساختاری روابط اجتماعی بهره‌برداران مرتع (مطالعه موردی: روستای تاکر شهرستان نور). *نشریهٔ مرتع*، *۹*(۳)، ۲۴۴-۲۵۴.

۳۶. فیروزنیا، ق؛ و آرانی، ب. (۱۳۹۴). به‌کارگیری تحلیل بازیگران در فرایند ساماندهی نظام مدیریت و برنامه‌ریزی توسعهٔ روستایی. *پژوهش‌های روستایی*، *۶*(۴)، ۹۱۵-۸۹۵.

۳۷. قاسمی‌سیانی، م؛ افراخته، ح؛ عزیزپور، ف؛ و ریاحی، و. (۱۳۹۸). تحلیلی بر یکپارچگی فضایی نواحی روستایی مبتنی بر تحلیل شبکه‌ای جریان‌های فضایی (موردشناسی: بخش بن رود و جلگهٔ شهرستان اصفهان). *جغرافیا و آمایش شهری-منطقه‌ای*، *۹*(۳۱)، ۳۵-۵۲.

۳۸. قربانی، م؛ آذرنیوند، ح؛ مهرابی، ع؛ باستانی، س؛ جعفری، م؛ و نایبی، ه. (۱۳۹۱). تحلیل شبکهٔ اجتماعی: رویکردی نوین در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی مدیریت مشارکتی منابع طبیعی، *مجلهٔ منابع طبیعی ایران*، *۶۵*(۴)، ۵۵۳-۵۶۸.

۳۹. قربانی، م؛ سلیمی‌کوچی، ج؛ ابراهیمی، پ؛ و راسخی، س. (۱۳۹۸). کاربرد تحلیل شبکه در شناخت کنشگران کلیدی شبکهٔ ذی‌نفعان محلی در راستای استقرار مدیریت مشارکتی منابع طبیعی (منطقه موردمطالعه: حوزهٔ آبخیز سرایان، استان خراسان جنوبی). *منابع طبیعی ایران*، *۷۲*(۱)، ۲۱۳-۲۲۶.

۴۰. قربانی، م؛ گرگانی، ا؛ عوض‌پور، ل؛ یزدان‌پرست، م؛ و امیری، س. (۱۴۰۳). پویایی سرمایهٔ اجتماعی شبکهٔ ذی‌نفعان محلی در راستای مدیریت مشارکتی روستایی مطالعه موردی: شهرستان گچساران. *پژوهش‌های روستایی*، *۱۵*(۳)، ۱۰۹-۱۲۵.

۴۱. قربانی، م؛ متولی، ح؛ راسخی، س؛ و عوض‌پور، ل. (۱۳۹۵). انسجام سازمانی و شناسایی دست‌اندرکاران کلیدی در مدیریت پایدار سرزمین (منطقه موردمطالعه: شهرستان محلات-استان مرکزی). *پژوهش‌های دانش زمین*، *۷*(۲۸)، ۱۱۹-۱۳۸.

۴۲. متولی، ح؛ رضایی، ا؛ حجازی، ی؛ و علم‌بیگی، ا. (۱۴۰۳). تحلیل شبکهٔ سیاست‌گذاری در مدیریت مشارکتی منابع طبیعی (مطالعه موردی حوزهٔ آبخیز حبله‌رود). *مجلهٔ تحقیقات اقتصاد و توسعهٔ کشاورزی ایران*، ۵۵(۲)، ۲۸۹-۳۰۸.

۴۳. محمدی‌کنگرانی، ح. (۱۳۹۱). معرفی تحلیل شبکه‌ای و کاربردهای آن در مدیریت و سیاست‌گذاری منابع طبیعی (مطالعهٔ قانون برنامهٔ چهارم توسعه). *حفاظت و بهره‌برداری از منابع طبیعی*، *۱*(۱)، ۷۹-۹۲.

۴۴. محمودی، ا؛ و مهرابی، ع. (۱۴۰۱). بررسی شبکهٔ همکاری شرکت‌های کوچک و متوسط مبتنی بر تئوری تحلیل شبکه‌های اجتماعی. *فصلنامهٔ تعاون و کشاورزی*، *۱۱*(۴۴)، ۱۷-۴۱.

۴۵. نصیری‌زارع، س؛ و ریاحی، و. (۱۴۰۲). تحلیل شبکهٔ همکاری‌های علمی در مجلهٔ اقتصاد فضا و توسعهٔ روستایی. *اقتصاد فضا و توسعهٔ روستایی*، *۱۲*(۱)، ۱۹-۳۶.

46. Alimohammad, M., Farajallah Hosseini, J., Mirdamadi, M., & Dehyouri, S. (2022). Collaborative networking among agricultural production cooperatives in Iran. *Heliyon*, *8* (2022) e11846.
47. Beritelli, P. (2011). Cooperation among prominentactors in a tourist destination, *Annals of Tourism Research*, *98* (1), 112–113.
48. Borgatti S. (2005). Centrality and Network Flow. *Social Networks, 27* (1), 55-71.
49. Brandes, U., & Erlebach, Th. (2005). *Network analysis- Methodological foundations*. Springer-Verlag Berlin Heidelberg.
50. Bródka, P., Skibicki, K., Kazienko, P., & Musiał, K., (2011) October, A degree centrality in multilayered social network. In 2011 *International conference on computational aspects of social networks* (CASoN) (pp. 237-242). IEEE.
51. Cárcamo, F., Flühmann, R. & Gaymer, F. (2014). Collaboration and knowledge networks in coastal resources management: How critical stakeholders interact for multiple-use marine protected area implementation. *Journal of Ocean & Coastal Management, 91*, 5-16.

52. Ernstson, H. (2008*). Rhizomia: actors, networks and resilience in urban landscapes*. Stockholm University, Stockholm.
53. Ezeamama, I., & Anthony Ofozoba, C. (2023). Role of Local Governments in Rural Development of Nigeria, A Case Study of Ekwusigo Local Government Area of Anambra State, *British Journal of Marketing Studies*, *11*, (5), 29-43.
54. Glückler, J., & Bathelt, H. (2017). Institutional context and innovation. In H. Bathelt, P. Cohendet, S. Henn, & L. Simon (Eds.). *The Elgar companion to innovation and knowledge creation: A multidisciplinary approach*. Cheltenham: Edward Elgar.
55. Hailemariam Zikargae, M., Gebru Woldearegay, A., & Skjerdal, T. (2022). Assessing the roles of stakeholders in community projects on environmental security and livelihood of impoverished rural society: A nongovernmental organization implementation strategy in focus.
DOI: 10.1016/j.heliyon.2022.e10987.
56. Kumar, B., & Sharma, M. (2020). *MBA Rural Management.* Course Code: MRM-511.
57. Lienert, J., Schnetzer, F., & Ingold, K. (2013). Stakeholder analysis combined with social network analysis provides fine-grained insights into water infrastructure planning processes, *Journal of Environmental Management,125*, 134-148.
58. Merrell, I. (2022). Blockchain for decentralised rural development and governance, *Blockchain: Research and Applications*,*3*(3)1-9.
doi: https://doi.org/10.1016/j.bcra.2022.100086.
59. Wang, X., Wang, X., Wu, J., & Zhao, G. (2017). Social Network Analysis of Actors in Rural Development: A Case Study of Yanhe Village, Hubei Province, China. *Growth and Change, 48* (4), 869-882.
60. Zhang, J., & Li, S. (2024). Decoding rural connections: A comparative insight into social network. *Chinese Journal of Population, Resources and Environment*, *22*(4),501-514.
https://doi.org/10.1016/j.cjpre.2024.11.013.
61. Zhou, L., Zhang, W., Fang, C., Sun, H., & Lin, J. (2020). Actors and network in the marketization of rural collectively-owned commercial construction land (RCOCCL) in China: A pilot case of Langfa, Beijing. *Land Use Policy, 99*, 104990. doi: https://doi.org/10.1016/j.landusepol.2020.104990.

Journal of Geography and Regional Development Vol 23, No. 3 (2025) – Serial Number 52

Analysis of Green Entrepreneurship Development Solutions in Urban Waste Management (Case Study: Kermanshah City)

Nader Nadri[1]
Associate Professor, Department of Management and Entrepreneurship, Razi University, Kermanshah, Iran

Mahtab Zhian
PhD student in Entrepreneurship, Razi University, Kermanshah, Iran

Khadija Azizi
PhD student in Entrepreneurship, Razi University, Kermanshah, Iran

Received: 4 August 2025 Revised: 18 September 2025 Accepted: 9 December 2025

Abstract

Industrialization and economic growth lead to the production of more waste across the world. The efforts of governments and policymakers for urban waste management have paved the way for the development of green entrepreneurship. In the meantime, Kermanshah city has been unable to make significant progress in businesses related to this field due to the large quantity of waste produced. Therefore, the present study aims to investigate solutions for the development of green entrepreneurship in the field of urban waste management in Kermanshah. This study was conducted using a mixed exploratory approach with the fuzzy Delphi technique. The study population consisted of all key informants in the subject of research in Kermanshah city. The documentary analysis and field survey methods were used for data collection. In the qualitative phase, the data collection included document analysis, in-depth and semi-structured interviews, and field note-taking. The quantitative phase covered a questionnaire obtained from the qualitative phase. Data analysis in the qualitative and quantitative

1. Corresponding Author. Email: n.naderi@razi.ac.ir

©2024 The author(s). This is an open access article under the CC BY license: https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/

How to cite this article: Nadri, N., Zhian, M. and Azizi, K. (2025). Analysis of Green Entrepreneurship Development Solutions in Urban Waste Management (Case Study: Kermanshah City). Journal of Geography and Regional Development, 23(3), 293-323. Doi: 10.22067/jgrd.2025.87953.1428

parts was conducted by content analysis and fuzzy Delphi, respectively. According to the findings, the solutions for developing green entrepreneurship in the field of urban waste in Kermanshah are as follows in order of importance: a specific strategic plan for green entrepreneurship, creation of green entrepreneurship infrastructure, empowerment of the private sector, improvement of the waste management system, cultural factors, educational factors, marketing and expansion of the market for green products, improved financial support, organizational factors, enforcement of laws and regulations, and interaction with research and academic centers and relevant organizations. Finally, it should be noted that to develop green entrepreneurship for urban waste management in Kermanshah, all these solutions need to be integrated into a single set, with the absence of each causing problems for green entrepreneurship.

Keywords: Green Entrepreneurship, Urban Waste Management, Sustainable Development, Kermanshah.

https://doi.org/10.22067/jgrd.2025.87953.1428
مقالهٔ پژوهشی

واکاوی راهکارهای توسعهٔ کارآفرینی سبز در حوزهٔ مدیریت پسماندهای شهری (مورد مطالعه: شهر کرمانشاه)

نادر نادری (دانشیار گروه مدیریت و کارآفرینی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران، نویسندهٔ مسئول)
n.naderi@razi.ac.ir

مهتاب ژیان (دانشجوی دکتری کارآفرینی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران)
mahtab.zhian@gmail.com

خدیجه عزیزی (دانشجوی دکتری کارآفرینی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران)
kh.azizi@razi.ac.ir

چکیده

صنعتی‌شدن و رشد اقتصادی تولید مقادیر بیشتر پسماند در سراسر نقاط جهان را در پی دارد. تلاش دولت‌ها و سیاست‌گذاران در جهت مدیریت پسماندهای شهری زمینه‌ساز توسعهٔ کارآفرینی سبز شده است. در این میان شهر کرمانشاه با توجه به حجم بالای پسماندهای تولیدی نتوانسته دستاورد قابل توجهی از کسب‌وکارهای وابسته به این حوزه کسب کند. از این رو پژوهش حاضر به واکاوی راهکارهای توسعهٔ کارآفرینی سبز در حوزهٔ مدیریت پسماندهای شهری در کرمانشاه پرداخته است. این پژوهش با رویکرد آمیخته‌اکتشافی با بهره‌گیری از تکنیک دلفی‌فازی انجام شده است. جامعهٔ مورد مطالعه شامل کلیهٔ مطلّعان کلیدی در زمینهٔ موضوع مورد پژوهش در شهر کرمانشاه بودند. در جمع‌آوری داده‌ها از دو روش اسنادی و میدانی بهره گرفته شد. ابزار جمع‌آوری داده‌ها در فازکیفی، بررسی اسناد و مدارک، مصاحبه‌های عمیق و نیمه‌ساختارمند و یادداشت‌برداری میدانی و در فاز کمّی، پرسشنامهٔ حاصل از داده‌های فاز کیفی بود. داده‌ها در بخش کیفی با به‌کارگیری تکنیک تحلیل محتوا و در بخش کمّی با استفاده از روش دلفی‌فازی تجزیه‌وتحلیل شدند. یافته‌های مطالعه نشان داد راهکارهای توسعهٔ کارآفرینی سبز در حوزهٔ پسماند شهری در کرمانشاه به‌ترتیب اولویت شامل: برنامهٔ راهبردی خاص کارآفرینی سبز، ایجاد زیرساخت‌های کارآفرینی سبز، توانمندسازی بخش خصوصی، ارتقای سیستم مدیریت پسماند، عوامل فرهنگی، عوامل آموزشی، بازاریابی و

نشریه جغرافیا و توسعه ناحیه ای، سال بیست و سوم، شماره ۳، پاییز ۱۴۰۴، شماره پیاپی ۵۲ صص ۳۲۳-۲۹۳
تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۱۴ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۶/۲۸ تاریخ تصویب: ۱۴۰۴/۰۹/۱۹

توسعهٔ بازار محصولات سبز، ارتقای حمایت‌های مالی، عوامل سازمانی، اجرایی کردن قوانین و مقررات و تعامل مراکز تحقیقاتی و دانشگاهی با سازمان‌های ذی‌ربط هستند. در نهایت باید گفت جهت توسعهٔ کارآفرینی سبز در حوزهٔ پسماند شهری در کرمانشاه لازم است به تمام این راهکارها در قالب یک مجموعه واحد و یکپارچه توجه شود که نبود هرکدام کارآفرینی سبز در این حوزه را با مشکل مواجه می‌کند.

واژگان کلیدی: کارآفرینی سبز، مدیریت پسماند شهری، توسعهٔ پایدار، کرمانشاه.

۱. مقدمه

در سال‌های اخیر بحث مواد زائد و ساماندهی آنها توجه زیادی را به خود جلب کرده است (لی و ونگ[1]، ۲۰۲۱) و در بسیاری از کشورها مشکلات زیست‌محیطی چشم‌اندازهای بهداشتی و اقتصادی را تهدید می‌کند، تولید زباله[2] یکی از عوامل اصلی گرمایش جهانی و تخریب محیط‌زیست محسوب می‌شود (تن[3] و همکاران، ۲۰۲۱). تولید انبوه پسماند[4] در بسیاری از جوامع مشکل جدی ایجاد نمی‌کند، بلکه مشکل اصلی از بین بردن بقایا و پسماند کالاهای تولید شده است که باعث توجه هر چه بیشتر به مدیریت پسماند شده است (خیری و آزادارمکی، ۱۳۹۳).

براساس آمار رسمی میزان پسماند تولیدی کل جهان حدود ۳/۲ بیلیون تن است که بیش از ۷۰ درصد آن به‌طور مناسب بازیافت نمی‌شود که با توجه به حجم زیاد آن آثار مخربی بر کره زمین ایجاد می‌کند (زلر[5] و همکاران، ۲۰۱۹)؛ بنابراین مدیریت پایدار پسماندهای شهری یکی از حیاتی‌ترین مسائل برای شهرها در سراسرنقاط جهان خصوصاً شهرهای بزرگی که سالیانه میلیون‌ها تن زباله تولید می‌کنند است. (هی[6] و همکاران، ۲۰۱۷). در ایران نیز روزانه ۶۰ هزار تن پسماند تولید می‌شود که

1. Liu & Wang
2. Garbage
3.Ten
4. waste
5. Zeller
6. Hi

حدود پنجاه درصد آنها دفن می‌شوند، درحالی‌که بخش بزرگی از پسماندها قابل بازیافت و استفاده مجدد هستند (گل‌نظری و همکاران، ۱۳۹۷). در شهر کرمانشاه نیز روزانه بیش از ۶۰۵ تن پسماند تولید می‌شود (زینتی‌زاده و زینتی‌زاده، ۱۳۹۴). این حجم بالای زباله‌های تولیدی نتیجهٔ فعالیت‌های گستردهٔ انسان بوده و مواد زاید به‌صورت چالش بزرگ، جوامع شهری را دربرگرفته است. از طرف دیگر محدودیت فزاینده منابع زمینی و تشدید یافته به‌وسیله رشد جمعیت و بهره‌برداری‌های بی‌رویه، چالش‌های ملموسی را در زمینه مدیریت پسماند آشکار سا.خته است. صاحب‌نظران دریافتند که رویکردهای رایج در دفع زباله، اعم از سوزاندن و دفن زمینی، پیامدهای از قبیل نگرانی‌های زیست‌محیطی و بهداشتی، نیاز به تدوین قوانین و مقررات جامع، و کاهش ظرفیت مکان‌های دفن را به همراه دارد (ژهوا و همکاران[1]، ۲۰۰۹). سیاست‌گذاران اعتقاد دارند که کارآفرینی سبز مرتبط با اقتصاد سبز و الگوی کسب‌وکار پایدار راهکار مناسبی برای حل چالش پسماندها و جلوگیری از خسارات زیست‌محیطی در شهرها است (کریمی و نبوی‌چشمی، ۲۰۱۹). درواقع تغییرات گسترده در محیط‌زیست به‌تدریج باعث ایجاد فرصت‌هایی برای کارآفرینی سبز می‌شود (آلن و میلین[2]، ۲۰۰۸). موکازا[3] (۲۰۲۰) بیان می‌کند از جمله راهکارهای برون‌رفت از وضعیت بحرانی اشتغال و توسعهٔ جوامع، روی‌آوردن به مقولهٔ کارآفرینی و از جمله کارآفرینی سبز است؛ زیرا کارآفرینی می‌تواند از این طریق به راهکاری جدید در نظریه‌های توسعه برای توانمندسازی و ظرفیت‌سازی در راستای دستیابی به توسعهٔ پایدار منجر شود. کارآفرینی سبز به نوبهٔ خود باعث رشد سبز از طریق تولیدات پاک‌تر مبتنی بر مدیریت زیست‌محیطی است (سورو و همکاران[4]، ۲۰۱۲؛ سکر و ابوسنا[5]، ۲۰۱۷؛ ماتوس[6]، ۲۰۱۲). بنابراین، کارآفرینی سبز با جریان کارآفرینی و توسعهٔ پایدار همپوشانی دارد

1. Xua et al
2. Allen & Malin
3. Mukonza
4. Severo
5. Sakry & Abo Sena
6. Mathews

و در مسیر شناسایی اهداف زیست‌محیطی و اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی در حرکت است (چو و همکاران[1]، ۲۰۲۱).

۲. پیشینهٔ پژوهش

براساس بررسی‌های صورت‌گرفته در زمینهٔ موضوع موردمطالعه، پژوهش‌هایی صورت پذیرفته که در ادامه برخی از آن‌ها ارائه شده است.

نتایج پژوهش خسروانی و همکاران (۱۴۰۲) نشان داد که اهداف مدیریت پایدار پسماند مواد غذایی در قالب پنج مقولهٔ نهادی (یکپارچگی و شمولیت ارکان کلیدی سیستم مدیریت پسماند)، فنی و زیرساختی (بهینه‌سازی فرآیندهای موجود در به‌کارگیری فناوری‌ها)، زیست‌محیطی (کمینه‌سازی اثرات سوء بهداشتی و زیست‌محیطی)، اقتصادی (پایداری اقتصادی و مالی) و فرهنگی- اجتماعی (جلب مشارکت حداکثری شهروندان) معرفی می‌شوند. غلامپورارباستان و رضایی (۱۴۰۲) نیز در پژوهش خود نشان دادند که در کشورهای توسعه‌یافته، اقدامات گسترده‌ای به‌منظور جمع‌آوری مجزای جزء ویژه پسماند عادی (خانگی) انجام پذیرفته است؛ لکن در کشورهای درحال‌توسعه به واسطهٔ عدم وجود شیوه‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های مناسب جهت جمع‌آوری، بازیافت و دفع جزء ویژه پسماند عادی (خانگی)، سیستم ساماندهی مناسبی برای جمع‌آوری و مدیریت این‌گونه پسماندها وجود ندارد. نامجو و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان «طراحی الگوی بهره‌برداری از فرصت‌ها در راستای توسعه کارآفرینی در صنعت پسماند ایران»، مؤلفه‌های الگو قوانین و اسناد بالادستی مشتمل بر اصلاح و بهبود قوانین و قوانین حمایتی؛ فرهنگ‌سازی و آموزش مشتمل بر فرهنگ کارآفرینانه در حوزهٔ پسماند، آموزش کارآفرینانه نهادها مشتمل بر نهادهای رسمی و نهادهای غیررسمی؛ فناوری مشتمل بر جذب و کاربرد را به‌عنوان مهم‌ترین مؤلفه‌های پژوهش خود معرفی کردند. اثنی‌عشری (۱۴۰۱) نیز در پژوهش خود نشان داد که مدیریت پسماند بر تأمین مالی تأثیردارد؛ همچنین مدیریت

1. Chu et al

پسماند بر میزان استقراض، جریان نقدینگی، استفاده از سهام رایج به‌عنوان شاخص‌های تأمین مالی تأثیرداشتند؛ بنابراین، هرچه مدیریت پسماند بهبود یابد، تأمین مالی بهبود خواهد یافت. وطنخواه‌کلورزی و همکاران (۱۴۰۰) در مطالعهٔ خود به‌منظور شناسایی عوامل اثرگذار بر توسعهٔ کارآفرینی با بازیافت پسماندهای محصول برنج بیان کردند در بعد اقتصادی عامل تولید و ویژگی‌های محصول، در بعد اجتماعی عامل فرهنگی – اجتماعی، در بعد محیطی عامل حفاظت زیست‌محیطی و در بعد نهادی عامل مدیریت پسماند بیشترین قدرت متغیر وابستهٔ پژوهش را دارا هستند. نتایج پژوهش رستمی و سه‌تلانی (۱۳۹۹) نشان داد ایجاد محیط تسهیل‌گر فرایند کارآفرینی سبز در حوزهٔ پسماند شهری نیازمند ۱-بهبود سازه‌های کلان توسط دولت ۲- زمینه‌سازی مناسب و آماده‌سازی فضای عمومی حاکم بر جامعه ۳- توسعه و بهره‌گیری از پتانسیل‌های منطقه و ۴- مدیریت کارآفرینانه است. نتایج مطالعهٔ واسیلسکو و همکاران (۲۰۲۳) نشان داد کشورهای کمتر توسعه‌یافته در توسعهٔ محصولات و خدمات سبز با مشکلات تأمین مالی روبه‌رو هستند، بنابراین برنامه‌های حمایتی برای ایجاد کارآفرینی سبز مورد نیاز است. آلواکید[1] و همکاران (۲۰۲۱) در پژوهش خود به کارآفرینی سبز به‌عنوان عامل تأثیرگذار بر تمام مؤلفه‌های اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی توسعهٔ پایدار اشاره کردند. بویی[2] و همکاران (۲۰۲۰) در پژوهش خود با عنوان «شناسایی موانع مدیریت پایدار پسماند» نشان دادند که ۱) مشکلات فنی ۲) اشتراک اطلاعات و مشکلات دانش ۳) محدودیت منابع انسانی و ۴) مشکلات مالی و اقتصادی، مهم‌ترین موانع در مدیریت پایدار پسماندهای جامد به شمار می‌آیند. نتایج پژوهش زاپاتا[3] و همکاران (۲۰۱۹) نشان داد سیاست‌های زیست‌محیطی در حال ظهور، برای کارآفرینان نهادی فرصت‌هایی برای تولید ارزش ایجاد می‌کند و از کارآفرینی در شهرها، بـه‌عنوان یک فرایند جمعی و سازمانی یاد می‌کنند. در پژوهشی که کوالهو و سلینا (۲۰۱۸) انجام دادند، به این

1. Alwakid
2. Bui
3. Zapata

نتیجه رسیدند که تمرکز بر جمع‌آوری پسماندهای تفکیک شده، بازیافت و دفع مستقیم آن‌ها راهی برای دستیابی به پایدارترین استراتژی حفظ محیط‌زیست در شهر ریودوژانیرو در کشور برزیل است با توجه به بررسی‌های به‌عمل آمده، تاکنون پژوهش‌های زیادی در حوزهٔ کارآفرینی سبز و مدیریت پسماند به‌صورت جداگانه انجام شده است، اما کمتر با دیدگاه ترکیبی و تلفیقی به این موضوع پرداخته شده است. لذا در این پژوهش سعی بر این است تا با رویکردی آمیخته (کیفی-کمّی) و از نوع متوالی- اکتشافی و با استفاده از دیدگاه خبرگان به شناسایی و اولویت‌بندی راهکارهای توسعهٔ کارآفرینی سبز در حوزهٔ مدیریت پسماند شهری در کرمانشاه پرداخته شود. امید است از این طریق زمینهٔ ایجاد کسب وکارهای سبز در حوزهٔ پسماند شهری در کرمانشاه فراهم گردد.

با توجه به آنچه گفته شد، یکی از مهم‌ترین بخش‌هایی که کارآفرینی سبز در آن از اهمیت بسزایی برخوردار است؛ مدیریت پسماندهای شهری است، اما تاکنون پژوهشی در کرمانشاه به‌منظور توسعهٔ کارآفرینی سبز در حوزهٔ پسماند شهری با دیدگاه تلفیقی انجام نشده است. پس با توجه به اهمیت موضوع و کمبود مطالعات در این زمینه، پژوهش حاضر با نگاهی کاربردی به‌دنبال پاسخگویی به این پرسش است که راهکارهای توسعهٔ کارآفرینی سبز در حوزهٔ مدیریت پسماندهای شهری در کرمانشاه کدامند؟

باتوجه‌به حجم بالای پسماند تولیدی در شهر کرمانشاه، با ایجاد کسب‌وکارهایی در این زمینه علاوه بر کمک به مشکل و معضل بیکاری در کرمانشاه، می‌توان به ایجاد ارزش اقتصادی و اجتماعی، کمک به مشکلات زیست‌محیطی و بهداشتی و کمک به حل مشکل زباله‌گردی در شهر کرمانشاه منجر شود. از طرفی دیگر در این پژوهش سعی شد از نظر متخصصین و خبرگان این حوزه تا دستیابی به توافق جمعی استفاده شود که این اقدامات نتایج این پژوهش را برجسته و کاربردی می‌کند؛ بنابراین نتایج این پژوهش می‌تواند در دستگاه‌های متولی این حوزه موردتوجه و بهره‌برداری قرار گیرد. شهرداری‌ها، وزارت بهداشت، سازمان استاندارد، سازمان حفاظت محیط‌زیست و تحقیقات صنعتی می‌توانند از نتایج این پژوهش بهره‌برداری و استفاده کنند.

۳. مبانی نظری

با ظهور چالش‌های فزایندۀ زیست‌محیطی، کسب‌وکارها به‌طور فزاینده‌ای ضرورت اتخاذ شیوه‌های پایدار را درک می‌کنند. در این زمینه، مفهوم کارآفرینی سبز به‌عنوان یک نیروی محوری که نوآوری و رشد اقتصادی مسئولانه نسبت به محیط‌زیست را هدایت می‌کند، ظهور کرده است (تکالا و همکاران، ۲۰۲۴). کارآفرینی سبز به کسب‌وکارهای پایدارمحور اشاره دارد که با ارائۀ نوآوری در محصولات بر افزایش کارآیی و ارتقای استانداردهای زیست‌محیطی، کاهش ضایعات و استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر تأکید دارد و هدف آن به حداقل رساندن آلودگی و انتشار کربن، هماهنگی شیوه‌های تجاری با حفاظت از محیط‌زیست و مسئولیت اجتماعی و در نتیجه توسعۀ پایدار است (شالتگر[1] و همکاران، ۲۰۱۶). کارآفرینی سبز پیشرفت‌های فناورانه را با جهت‌گیری سودآوری و ایجاد ارزش اقتصادی ترکیب می‌کند تا اثرات اکولوژیکی و زیست‌محیطی اقدامات انسانی را در این کرۀ خاکی کاهش دهد (ماروسک[2] و همکاران، ۲۰۲۱). از طرف دیگر در سال‌های اخیر، محققان کارآفرینی سبز را برای ایجاد فرصت‌های تجاری جدید در اقتصاد چرخشی برای توسعۀ پایدار حیاتی دانسته‌اند (موندال[3] و همکاران، ۲۰۲۳). اقتصاددانان محیط‌زیست نتیجه می‌گیرند که تخریب محیط‌زیست نتیجۀ نقص بازار است؛ در حالی‌که ادبیات کارآفرینی بیان می‌کند که فرصت‌ها به علت نقص در بازار ایجاد می‌شود و ماهیت مشکلات محیط‌زیستی نیازمند راه‌حل‌های کارآفرینانه است و به همین خاطر کارآفرینان بهتر بتواند در زمینۀ ارائۀ نوآوری‌های حفاظت محیط‌زیست پیشگام باشند (دین و مک مول[4]، ۲۰۰۷). اما اهمیت اقتصادی و اجتماعی شناسایی شده کارآفرینی سبز مستلزم تشدید اقدامات حمایتی جهت کشف ارزیابی، ایجاد و بهره‌برداری از فرصت‌های تجاری سبز است. این فرصت‌ها در مقایسه با سایر سرمایه‌گذاری‌های معمول و متعارف تأثیر و ارزش اقتصادی و

1. Schaltegger
2. Marousek
3. Mondal
4. Dean & McMullen

اجتماعی بیشتری خلق کرده و برای ارتقای استانداردهای زیست‌محیطی و کیفیت محیطی نیز قابل توجه هستند (نعمان، ۲۰۲۱). بنابراین هر صنعت یا کسب‌وکار که اصول پایداری را با اقدامات خود ادغام کند و کالا یا خدماتی دارای ارزش افزوده برای حفاظت از محیط‌زیست و ترویج شاخص‌های زیست‌محیطی تولید کند، می‌تواند به‌عنوان کارآفرینی سبز در نظر گرفته شود. این رویکرد بر سودآوری و تأثیر اجتماعی همزمان تأکید می‌کند و مدل‌های تجاری سنتی را بازتعریف می‌کند (عینی و یولیاجی، ۲۰۲۳).

مدیریت پسماند نیز در جهان کنونی به‌عنوان یک راه‌حل پایدار مطرح شده است و برای کشورها چاره‌ای نیست جز آنکه روش‌های مدیریت زبالهٔ خود را بهبود بخشند (ازودو[1] و همکاران، ۲۰۲۱). برای پسماند تعاریف مختلفی ارائه شده است؛ به‌طوری‌که سازمان همکاری اقتصادی و توسعه، پسماند را مواد زائدی تعریف می‌کند که ناشی از فعالیت‌های انسانی است که نه در حال حاضر و نه در آینده‌ای نزدیک به آن‌ها نیازی احساس نمی‌شود، بنابراین دفع آن‌ها امری ضروری است. همچنین برنامهٔ محیط‌زیست سازمان ملل متحد در تعریف پسماند آن‌ها را موادی می‌داند که مالکین به وجودشان نیازی ندارند و درصدد دفع و پردازش آن‌ها هستند. براساس طبقه‌بندی‌ها، پسماند شهری، مجموع پسماندهای تجاری و خانگی است که ۱۰ درصد کل پسماند را تشکیل می‌دهد (برنامهٔ زیست‌محیطی سازمان ملل[2]، ۲۰۰۲). به‌هرحال، پسماند محصول جانبی فعالیت‌های انسانی است. از نظر فیزیکی موادی که در پسماند یافت می‌شود همان موادی است که در محصولات مفید وجود دارد .تفاوت آنها فقط در ارزشمندبودن یا بی‌ارزش بودن آنهاست. در اکثر موادی که بی‌ارزش شناخته می‌شوند مواد مفیدی یافت می‌شود که مخلوطی با سایر مواد هستند و با فرایند جداسازی می‌توان این مخلوط‌ها را از هم تفکیک نموده و به مواد باارزشی دست یافت (مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران، ۱۳۹۲). باید توجه داشت که پسماند در فصل‌های مختلف، از کشوری به کشور دیگر،

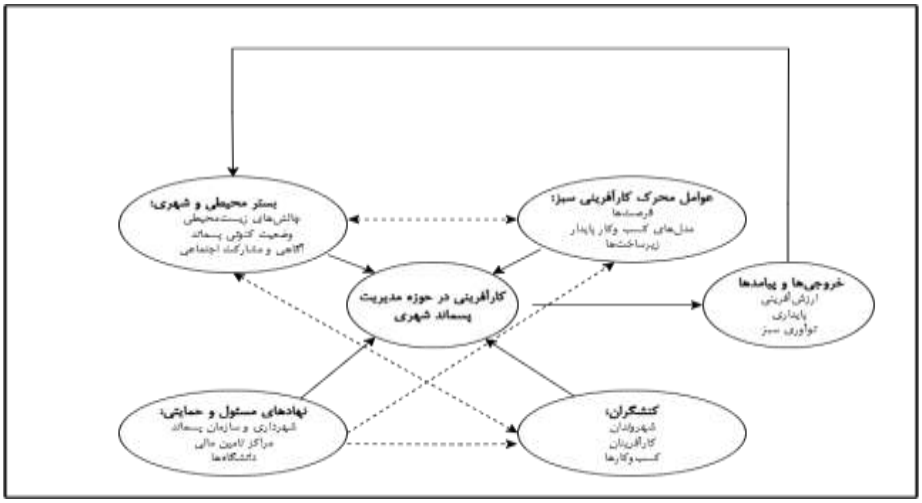
1. Azevedo
2. UNEP GMA

شهری به شهر دیگر و به‌طورکلی در مناطق جغرافیایی مختلف متفاوت است و این عوامل مانع از ایجاد یک نسخهٔ واحد برای همهٔ شهرها می‌شود (خداوردی‌ازغندی و کلاهی، ۱۳۹۸). وضعیت تولید پسماند در ایران در مقایسه با کشورهای پیشرفته و توسعه‌یافته، بسیار نامطلوب است و آنچه که بر میزان نامطلوب بودن این وضعیت افزوده، بی‌توجهی به موضوع بازیافت پسماند تولید شده است (حیدری و رضویان، ۱۳۹۹). جهت استقرار سیستم مدیریتی مواد زائد شهری به شکل اصولی و فنی در یک منطقه و طراحی و اجرای برنامه‌های مربوط به نگهداری، جمع‌آوری، حمل‌ونقل، دفع نهایی و نیز طرح‌های احیاء منابع از قبیل تهیه کود کمپوست، کسب انرژی از زباله، بازیافت و استفادهٔ مجدد، نیاز به تعیین حجم دقیق ویژگی‌ها و خصوصیات فیزیکی و شیمیایی و نیز مقادیر زبالهٔ تولیدی در آن منطقه است. میزان تولید زباله و ترکیبات فیزیکی زباله از قبیل مواد فسادپذیر، کاغذ و کارتن، پلاستیک، پارچه و منسوجات، فلزات، شیشه و چوب به عوامل متعددی بستگی دارد که این عوامل در مناطق مختلف متفاوت است. عواملی مانند موقعیت جغرافیایی، فصول سال، بسامد جمع‌آوری، وضعیت اقتصادی و آداب‌ورسوم در تعین حجم و ویژگی‌های دقیق زباله مؤثرند. براین‌اساس پروژه‌هایی را که در شهرهای دیگر انجام شده است نمی‌توان شبیه‌سازی و اجرا کرد (علوی[1] و همکاران، ۲۰۱۶؛ دیز[2] ۱۹۹۳).

اقتصاد مدور با تمرکز خاص بر چرخهٔ پسماند و به‌عنوان یک پارادایم اقتصادی جدید و فلسفهٔ مدرن توسعه یافته است. در یک رویکرد برد – برد به‌عنوان یک استراتژی برای مقابله با سیستم سنتی باز و با هدف مقابله با مشکلات کمبود منابع و دفع ضایعات و دیدگاهی سیستمی و ارزش‌محور و اقتصادی تعریف می‌شود (هومریچ و همکاران[3]، ۲۰۱۸). کسب‌وکار مدور را می‌توان به‌عنوان نوعی جدید از مدل‌های کسب‌وکار تعریف کرد که در آن خلق ارزش بر پایهٔ حفظ ارزش اقتصادی نهفته

1. Alavi
2. Diaz
3. Homrich

در محصولات پس از استفاده و بهره‌برداری از آن برای ارائه‌های جدید بازار است. مدل‌های کسب‌وکار توصیف می‌کنند که شرکت‌ها چگونه ارزش را ایجاد، جذب و ارائه می‌کنند. در مدل‌های خطی، ارزش محصول پس از مصرف از دست می‌رود، درحالی که مدل‌های کسب‌وکار مدور با هدف حفظ ارزش، از طریق کند کردن چرخه‌های منابع یا بستن چرخه‌ها عمل می‌کنند (فریشارما و پاردیا[1]، ۲۰۱۹). با توجه به مرور هدفمند ادبیات مرتبط جهت بررسی جامع ابعاد موضوع موردمطالعه و در ادامه هدایت سایر مراحل پژوهش نیازمند مدل مفهومی پژوهش هستیم که در ادامه ارائه می‌شود.



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

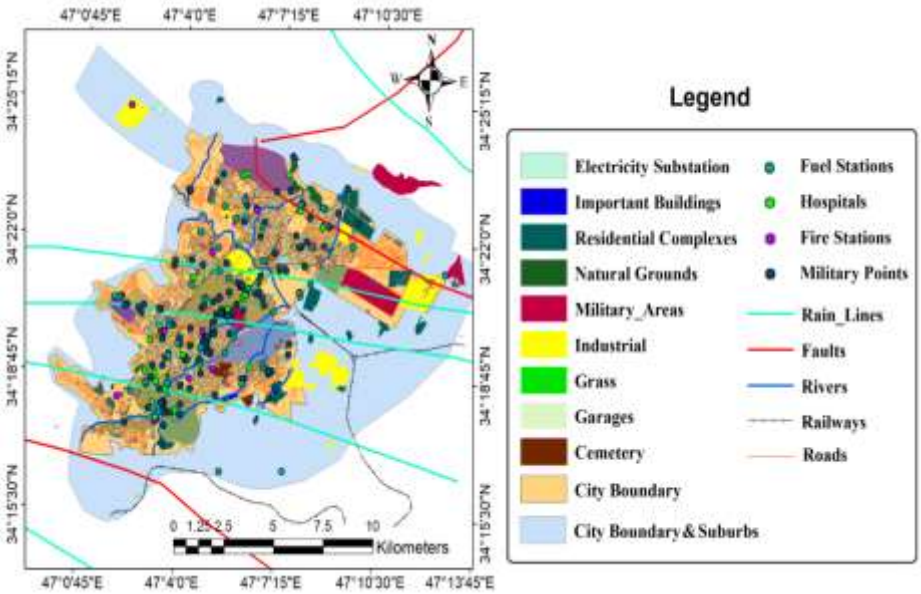
منبع: (یافته‌های پژوهش،۱۴۰۳)

۴. محدودهٔ موردمطالعه

محدودهٔ مورد مطالعه در این پژوهش کلان‌شهر کرمانشاه با جمعیتی بیش از یک میلیون نفر است که در میانهٔ ضلع غربی ایران واقع شده است. این شهر با موقعیت ۳۴ درجه و ۱۹ دقیقه عرض شمالی از استوا و ۴۷ درجه و ۷ دقیقه طول شرقی از نصف‌النهار گرینویچ در شرق استان کرمانشاه قرار

1. Frishammar & Parida

گرفته است و مساحتی بالغ بر ۹۵۶۸/۶ هکتار دارد (بهدوست و پوراحمد، ۱۳۹۴ و مرکز آمار ایران، ۱۴۰۰). میزان تولید روزانهٔ پسماند در شهر کرمانشاه با ۸ منطقهٔ شهری، حدود یک‌هزار و پانصد متر مکعب می‌شود. به عبارت دیگر تولید روزانهٔ پسماند این شهر به بیش از ۶۵۰ تن می‌رسد که میزان تولید سرانه و روزانه برای هر شخص به‌طور متوسط ۷۰۰ گرم در روز است. اما حجم بسیاری از این پسماندها توسط زباله‌گردها جمع‌آوری شده و بدون آنکه در شهر کرمانشاه صنایع تبدیلی فراهم باشد به سایر شهرها ارسال می‌شود و مابقی نیز به تنها شرکت بازیافت شهر منتقل شده و قسمت اعظم آن (سالیانه ۶۰ هزار تن) به کمپوست تبدیل می‌شود. با فعالیت شرکت بازیافت در کرمانشاه فرصت اشتغال مستقیم ۱۸۰ نفر ایجاد شده، از انتشار ۷۰۰ هزار تن گاز گلخانه‌ایی و ورود ده هزار متر مکعب شیرابه به محیط‌زیست جلوگیری شده است.



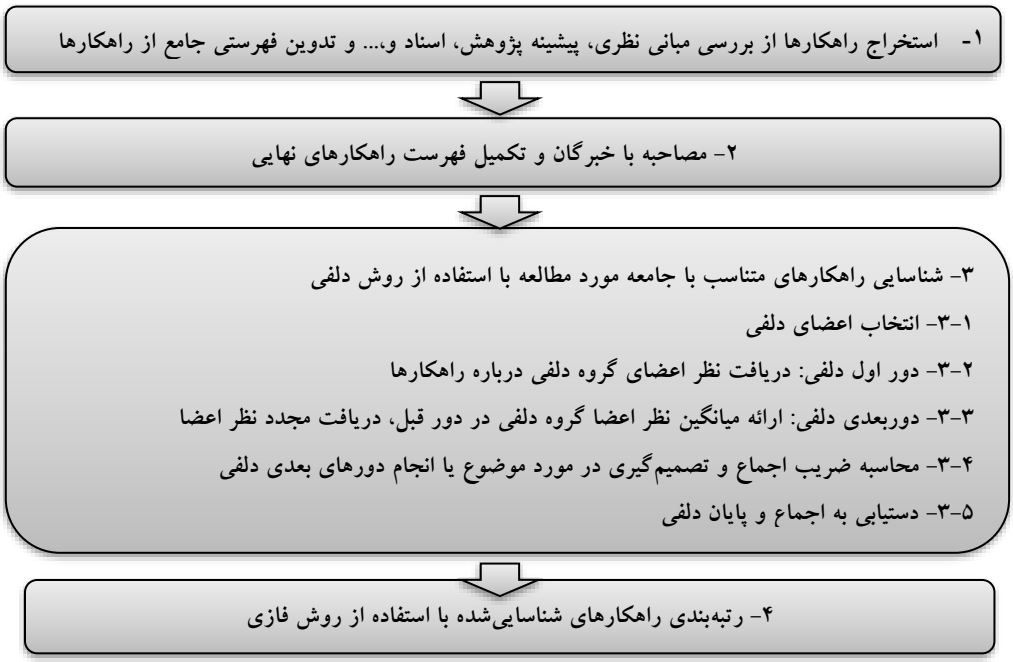
شکل۲. نقشه شهر کرمانشاه

منبع: (سایت جی‌آی‌اس آکادمی، ۱۴۰۴)

۵. روش پژوهش

رویکرد پژوهش حاضر آمیخته (کیفی-کمّی) از نوع متوالی- اکتشافی است که در بخش کیفی از روش دلفی و در بخش کمّی از روش فازی استفاده شد. روش دلفی یک روش پژوهشی ساختاریافته است که برای جمع‌آوری نظرات متخصصان و رسیدن به اجماع در مورد یک موضوع خاص که با استفاده از دورهای پرسشنامه‌ای و با حفظ گمنامی مشارکت‌کنندگان صورت می‌پذیرد (پایوزی[1] و همکاران، ۲۰۲۳). این پژوهش ازنظر هدف؛ کاربردی، ازلحاظ کنترل متغیرها از نوع غیرآزمایشی و ازلحاظ گردآوری داده‌ها از نوع اسنادی – میدانی است. به‌منظور دستیابی به هدف پژوهش، از نظرات آن دسته از متخصصین و خبرگان کارآفرینی سبز در حوزهٔ مدیریت پسماند شهری بهره گرفته شد که دارای ۱۰ تا ۲۵ سال سابقه و تجربه در زمینهٔ موضوع موردمطالعه بودند. همچنین از ویژگی‌هایی نظیر تخصص، داشتن تمایل و زمان کافی برای همکاری، تناسب رشتهٔ تحصیلی و سابقهٔ پژوهشی و تألیفی در این زمینه برخوردار بودند. به‌منظور جمع‌آوری داده‌های موردمطالعه این پژوهش، ۴ گام طراحی شد که در شکل ۱ عنوان شده‌اند. روش جمع‌آوری داده‌ها به‌صورت اسنادی – میدانی بود، لذا در بخش اسنادی از فاز کیفی به استخراج عوامل از بررسی مبانی نظری، پیشینهٔ پژوهش، اسناد و...، و تدوین فهرستی جامع از راهکارها (مرحلهٔ دوم در شکل ۳) پرداخته شد.

1. Piozzi



شکل۳. مهندسی فرآیند پژوهش

منبع: (نادری و همکاران، ۱۴۰۱)

سپس در بخش میدانی از فاز کیفی، پژوهشگران با بهره‌گیری از نمونه‌گیری هدفمند با انجام مصاحبه با خبرگان نسبت به تکمیل فهرست راهکارها مبادرت ورزیدند؛ بدین‌گونه داده‌های حاصل از جامعهٔ هدف با انجام مصاحبه با ۱۳ نفر از خبرگان (۲ نفر از کارآفرینان این حوزه، ۵ نفر از کارشناسان سازمان مدیریت پسماند شهرداری کرمانشاه، ۴ نفر اعضای هیأت علمی گروه کارآفرینی و مهندسی بهداشت محیط دانشگاه رازی و ۲ نفر از پژوهشگران این حوزه) گردآوری شد و اشباع نظری حاصل شد؛ یعنی زمانی که داده‌های جدید هیچ بینش و کد تازه‌ای را برای طبقات آشکار نمی‌کرد، فهرست راهکارها با بهره‌گیری از تکنیک تحلیل محتوا تجزیه‌وتحلیل و مقوله‌بندی شدند.

در فاز کمّی پرسشنامه‌ایی بر مبنای یافته‌های بخش کیفی و در قالب طیف لیکرت پنج قسمی (۱= خیلی‌کم تا ۵= خیلی‌زیاد) تدوین شد و سرانجام برای تعیین وزن هر یک از زیرمعیارها در اختیار ۲۰ نفر از خبرگان (افزون بر ۱۳ نفرمشارکت‌کنندهٔ فاز نخست)، ۷ نفر از مدیران و کارشناسان باسابقهٔ بالا و خبره در شرکت‌های فعال و کارآفرین در حوزهٔ مدیریت پسماند شهری در کرمانشاه قرار داده شد. به این علت که پاسخ سؤالات در پرسشنامه به‌صورت اعداد کیفی پنج گزینه‌ای از خیلی‌کم تا خیلی‌زیاد در جهت مشخص کردن میزان اهمیت راهکارها تنظیم شده بود، برای تبدیل این اعداد به اعداد فازی قطعی، ابتدا به هر یک از گزینه‌ها یک عدد مثلثی فازی مشابه جدول (۱) لحاظ شد.

جدول۱. جدول تبدیل اعداد فازی مثلثی به اعداد قطعی

منبع: (حیدری نژاد و همکاران، ۱۳۸۳ به نقل از گراوندی، ۱۴۰۰)

گزینه	عدد کیفی	عدد فازی مثلثی	عدد فازی قطعی
۱	خیلی کم	(۰،۰ ،۰/۱)	۰/۰۲۵
۲	کم	(۰/۲۵ ،۰/۱۵ ،۰/۱۵)	۰/۲۵
۳	متوسط	(۰/۵ ، ۰/۲۵ ،۰/۲۵)	۰/۵
۴	زیاد	(۰/۷۵ ،۰/۱۵ ،۰/۱۵)	۰/۷۵
۵	خیلی زیاد	(۱، ۰/۱۵ ،۰)	۰/۹۷۵

در دنبالهٔ فرایند انجام پژوهش، فراوانی گزینه‌ها و پاسخ‌های اخذ شده از خبرگان و مطلعان کلیدی در اعداد فازی قطعی مربوط به هر یک از اعدادکیفی ضرب شد تا میانگین میزان اهمیت برای هر راهکار مشخص شود (حیدری‌نژاد و همکاران، ۱۳۸۳ به نقل از گراوندی، ۱۴۰۰). بعد از میسر شدن محاسبهٔ اعداد فازی، سعی بر آن شد تا جهت تفسیر و دسته‌بندی راهکارهای شناسایی شده از جدول (۲) بهره‌گیری شود.

جدول۲. طبقه‌بندی حدود وزن‌های داده شده به شاخص‌ها

منبع:(حیدری‌نژاد و همکاران، ۱۳۸۳ به نقل از گراوندی، ۱۴۰۰)

ردیف	میانگین میزان اهمیت	حدود کیفی شاخص
۱	۰/۶۰ به بالا	خیلی زیاد
۲	۰/۵۰ به بالا	زیاد
۳	۰/۴۵ به بالا	متوسط
۴	۰/۳۵ به بالا	کم و خیلی کم

$$A_i = \left(a_1^{(i)}, a_2^{(i)}, a_3^{(i)}\right), i = 1, 2, 3, \dots, n$$

$$A_{ave} = (m_1, m_2, m_3) = \left(\frac{1}{n}\sum_{i=1}^{n} a_1^{(i)}, \frac{1}{n}\sum_{i=1}^{n} a_2^{(i)}, \frac{1}{n}\sum_{i=1}^{n} a_3^{(i)}\right)$$

شایان توجه است جهت محاسبهٔ میانگین فازی رابط زیر مورد استفاده بوده است. در این رابطه، Ai مبین نظرات خبره iام و Aave مبین میانگین نظرات ودیدگاه‌های خبرگان است.

۶. یافته‌های پژوهش

جهت حصول اهداف پژوهش حاضر با بهره‌گیری از روش دلفی فازی به واکاوی راهکارهای توسعهٔ کارآفرینی سبز در حوزهٔ مدیریت پسماندهای شهری در کرمانشاه پرداخته شد. در مرحلهٔ کیفی پژوهش، درمجموع ۴۲ راهکار شناسایی شدند که در قالب ۱۱ مقولهٔ اصلی، ابعاد راهکارهای پژوهش را تشکیل دادند (جدول۳).

جدول ۳. شناسایی مفاهیم و ابعاد راهکارهای توسعهٔ کارآفرینی سبز

منبع: (یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۳)

کدها	مفاهیم (زیرمقوله‌ها)	مقوله‌های اصلی
S_1	تمرکز بر تفکیک در مبدا	ارتقای سیستم مدیریت پسماند (A1)
S_2	آگاهی از کمیت و کیفیت پسماندهای تولید شده	
S_3	بازیافت پسماندها	
S_4	بهبود ساختارهای شهری	ارتقای حمایت‌های مالی (A2)
S_5	اختصاص بودجه از سوی دولت	
S_6	اعطای تسهیلات	
S_7	اعطای معافیت‌های مالیاتی	
S_8	ایجاد مراکز تولید بیوگاز و متان	ایجاد زیرساخت‌های کارآفرینی سبز (A3)
S_9	ایجاد مراکز تولید کمپوست	
S_{10}	ایجاد مراکز تولید انرژی از پسماندها	
S_{11}	ایجاد زباله‌سوزهای سازگار با محیط‌زیست و تولید انرژی از آن	
S_{12}	ایجاد کارخانه‌های بازیافت زباله	
S_{13}	ماشین‌آلات و تجهیزات وابسته به روز	توانمندسازی بخش خصوصی (A4)
S_{14}	سازمان‌دهی زباله گردها، دوره‌گردها پسماند	
S_{15}	ساماندهی دست‌فروشان و خرده فروشان پسماند	
S_{16}	واگذاری بخش‌های حساس و مهم به بخش خصوصی توانمند و متخصص	
S_{17}	به‌روز رسانی قانون مدیریت پسماند	اجرایی کردن قوانین و مقررات (A5)
S_{18}	اعمال قدرت قضایی در برابر ناقضان قانون مدیریت پسماند	
S_{19}	الزام دستگاه‌های دولتی به انجام اقدامات مشخص شده برای آنها در قانون و بخشنامه‌های مدیریت پسماند	
S_{20}	اجباری شدن تفکیک پسماند برای بخش تجاری و خانگی	عوامل فرهنگی (A6)
S_{21}	نظارت بر اجرای صحیح قوانین مرتبط با مدیریت پسماند	
S_{22}	ارتقای مسئولیت اجتماعی شهروندان و بخش تجاری	
S_{23}	فرهنگ‌سازی جهت تفکیک زباله از مبدا با نصب و ارائه مخازن پسماند خشک و تر	

کدها	مفاهیم (زیرمقوله‌ها)	مقوله‌های اصلی
S_{24}	ارتقای فرهنگ پذیرش محصولات سبز از طریق تولید محتوا ، کارگاه‌ها سمینارها و ...	
S_{25}	تعریف و تدوین برنامه‌های زیست‌محیطی جهت گسترش دانش زیست‌محیطی مردم	
S_{26}	ارتقای دانش بهداشت محیطی در بین مردم از طریق رسانه‌ها، فضای مجازی و...	عوامل آموزشی (A7)
S_{27}	اعزام اکیپ‌ها و تیم‌های آموزشی در محلات در زمینه تولید و تفکیک پسماند	
S_{28}	گنجاندن واحدهای درسی(کارآفرینی سبز) در سر فصل های مدارس و دانشگاه‌ها	
S_{29}	حمایت از محصولات تولید شده بازیافتی از طریق برنامه‌های تشویقی مثل تخفیف‌ها و اعطای جوایز جهت تشویق مصرف‌کنندگان	
S_{30}	ارزش‌دهی به برچسب‌گذاری‌های زیست‌محیطی محصولات سبز با نوآوری در محصولات و پایبندی به استانداردها	بازاریابی و توسعه بازار محصولات سبز (A8)
S_{31}	تسهیل تبلیغات محصولات تولید شده بازیافتی و محصولات سبز در صدا و سیما، تبلیغات محیطی و ..	
S_{32}	تسهیل صادرات محصولات تولید شده بازیافتی و محصولات سبز	
S_{33}	تدوین چشم‌انداز شهری با تاکید بر کارآفرینی سبز در حوزه پسماند شهری	برنامه راهبردی خاص کارآفرینی سبز (A9)
S_{34}	انعقاد تفاهم‌نامه‌های مشترک و چندجانبه بلندمدت بین دستگاه‌های مسئول	
S_{35}	دید همه جانبه و یکپارچه به مسائل اقتصادی و زیست‌محیطی	
S_{36}	کاهش بوروکراسی‌های اداری	
S_{37}	تسریع در فرایند اخذ مجوزها	عوامل سازمانی (A10)
S_{38}	حمایت نهادهای ذی‌ربط از محصولات تولید شده	
S_{39}	تقویت نظارت بر رعایت استانداردهای زیست محیطی و بهداشتی	
S_{40}	تعریف بودجه‌ی تحقیقاتی برای تحقیق در حوزه کارآفرینی سبز	تعامل مراکز دانشگاهی با سازمان‌های ذی‌ربط (A11)
S_{41}	مراکز تحقیقاتی مشترک جهت همکاری مشترک دانشگاهیان و سازمان‌های ذیربط	
S_{42}	حمایت از پژوهش‌های کاربردی	

مفاهیم و مقولات شناسایی‌شده در پرسشنامه‌ای با طیف لیکرت تنظیم و تدوین شد و جهت اولویت‌بندی راهکارهای توسعهٔ کارآفرینی سبز در حوزهٔ مدیریت پسماندهای شهری در کرمانشاه برای خبرگان ارسال شدند. بعد از تکمیل پرسشنامه‌ها و مشخص‌شدن تعداد پاسخ‌های داده شده به هر راهکار میانگین اهمیت هرکدام از سؤالات مشخص شد. سپس پژوهشگر به اولویت‌بندی ابعاد راهکارها مبادرت ورزید که در جدول شمارهٔ ۴، میانگین و میزان اهمیت و به‌طور کلی نتایج حاصل از اولویت‌بندی راهکارها قابل مشاهده است.

جدول ۴. میانگین دیدگاه‌های خبرگان حاصل از نظرسنجی

منبع: (یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۳)

تعداد پاسخ‌ها با توجه به میزان اهمیت									
کدها	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	جمع	میانگین	اهمیت	رتبه
A1			۱	۳	۱۶	۲۰	۰/۹۱۷۵	خیلی زیاد	۴
A2	-	-	۳	۳	۱۴	۲۰	۰/۸۷	خیلی زیاد	۸
A3				۱	۱۹	۲۰	۰/۹۳۷۵	خیلی زیاد	۲
A4	-	-	-	۴	۱۶	۲۰	۰/۹۳	خیلی زیاد	۳
A5	-	-	۵	۴	۱۱	۲۰	۰/۸۱۱۲۵	خیلی زیاد	۱۰
A6	-	-	-	۶	۱۴	۲۰	۰/۹۰۷۵	خیلی زیاد	۵
A7			۱	۵	۱۴	۲۰	۰/۸۹۵	خیلی زیاد	۶
A8	-	-	۲	۴	۱۴	۲۰	۰/۸۸۲۵	خیلی زیاد	۷
A9	-	-	-	۳	۱۷	۲۰	۰/۹۴۱۲۵	خیلی زیاد	۱
A10	-	-	۳	۴	۱۳	۲۰	۰/۸۵	خیلی زیاد	۹
A11	-	-	۷	۳	۱۰	۲۰	۰/۷۷۵	خیلی زیاد	۱۱

براساس نتایج حاصل از دلفی فازی اولین اولویت راهکارها برای کارآفرینی سبز در حوزهٔ پسماند شهری در کرمانشاه شامل برنامهٔ راهبردی خاص کارآفرینی سبز است. در این زمینه باید چنین بیان نمود که تدوین چشم‌انداز شهری با تأکید بر کارآفرینی سبز در بخش پسماند شهری مسیر حرکت و

تصمیم‌گیری برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران را مشخص می‌کند. انعقاد تفاهم‌نامه‌های مشترک و چندجانبه بین دستگاه‌های مسئول نیز می‌تواند کمک زیادی به ارتقای این فعالیت‌ها داشته باشد. از طرف دیگر برای توسعهٔ کارآفرینی سبز در حوزهٔ پسماندهای شهری باید دید همه‌جانبه و یکپارچه به مسائل اقتصادی و زیست‌محیطی وجود داشته باشد؛ چراکه در پرتو این دیدگاه نقش هرکدام از بازیگران و کنشگران در اکوسیستم کارآفرینی سبز مشخص شده و چگونگی روابط و تعاملات مطلوب آن‌ها برای توسعهٔ کسب‌وکارهای سبز حوزهٔ پسماند شهری نمایان می‌شود. در تبیین این بخش از یافته‌ها باید بیان کرد که دید همه‌جانبه و یکپارچه هم باید در سطح دولتی و هم در سطح کسب‌وکارهای این حوزه صورت پذیرد. یافته‌های پژوهش در این بخش با پژوهش‌های رستمی و سه‌تلانی (۱۳۹۹) و استفن (۲۰۲۰) همخوانی دارد.

برای دستیابی به راهکار ایجاد زیرساخت‌های کارافرینی سبز، باید به ایجاد مراکز تولید بیوگاز و متان، ایجاد مراکز تولید کمپوست، ایجاد مراکز تولید انرژی از پسماندها، ایجاد زباله‌سوزهای سازگار با محیط‌زیست و تولید انرژی از آن، ایجاد کارخانه‌های بازیافت زباله و نسبت به خرید و راه‌اندازی ماشین‌آلات و تجهیزات وابسته اقدام کرد. این عوامل از بنیادی‌ترین محرک‌ها در پیاده‌سازی اقتصاد چرخشی محسوب می‌شوند. این یافته‌ها با یافته‌های پژوهش نامجو و همکاران (۱۴۰۱)، وطنخواه کلورزی و همکاران (۱۴۰۰)، رضایی و همکاران (۱۳۹۹)، کوالهو و سلینا (۲۰۱۸) و مالنان و برگران (۲۰۱۳) همخوانی دارد.

در مورد راهکار توانمندسازی بخش خصوصی که شامل مواردی از قبیل سازمان‌دهی زباله‌گردها، دوره‌گردهای پسماند در سطح شهر و ساماندهی دست‌فروشان و خرده‌فروشان پسماند و واگذاری بخش‌های حساس و مهم به بخش خصوصی توانمند و متخصص است. مقدار بسیاری زیادی از پسماندهای سطح شهر کرمانشاه به جای اینکه به نفع کارآفرینان این حوزه وارد چرخهٔ بازیافت شوند، توسط زباله‌گردها و خرده‌فروشان و .... جمع‌آوری و فروخته می‌شوند و نهایتاً نیز به شهرهای

دیگر ارسال می‌گردند. اما با ورود شرکت‌های بخش خصوصی که با انگیزهٔ دستیابی به سود بیشتر، از منابع محدود استفادهٔ بهتری می‌کنند هزینه‌ها را کاهش داده و مؤثرتر فعالیت می‌کنند. از طرف دیگر وقتی کسب‌وکارها و بنگاه‌های متعددی وارد عرصهٔ کارآفرینی سبز در حوزهٔ مدیریت پسماند شهری می‌شوند، برای بقا چاره‌ایی ندارند جز آنکه توان رقابتی خود را به طرق مختلف ارتقا دهند و بدین ترتیب اثربخش‌تر شوند. رقابت بین بخش خصوصی می‌تواند با تحریک نوآوری و خلاقیت کسب‌وکارها به بزرگ‌ترین عامل بهبود در کارایی، ارتقاء بهره‌وری و ارتقای کیفیت خدمات و محصولات سبز منجر شود. این نتایج با یافته‌های پژوهش رخشانی‌نسب و صفری (۱۳۹۵) و رستمی و سه‌تلانی (۱۳۹۹)، موهان و همکاران (۲۰۱۶) تطابق دارد.

راهکار چهارم ارتقای سیستم مدیریت پسماند است که از راهکارهای کلیدی و اساسی در توسعهٔ کسب‌وکارهای سبز این حوزه است. در این زمینه باید بیان نمود که برای کارآفرینی سبز در حوزهٔ پسماند شهری توجه به ارتقای سیستم مدیریت پسماند از جنبه‌های زمان و تعداد دفعات جمع‌آوری پسماند، تأکید بر تفکیک از مبدأ، به کارگیری‌های تکنولوژی مناسب، بهبود ساختارهای شهری و سیستم جمع‌آوری و حمل‌ونقل بسیار ضروری است. حتی ارتقای بسیاری از این موارد سبب شکل‌گیری کسب‌وکارهای جدید و نوآور و فناور در این حوزه می‌شود. یافته‌های پژوهش‌های حاضری و سرایی (۱۳۹۸)، آقایی‌ابیانه و همکاران (۱۳۹۴)، یان و یاب (۲۰۱۵)، مورسل لتو (۲۰۲۰) و کوالهو وسلینا (۲۰۱۸) مؤید این بخش از یافته‌های پژوهش حاضر است.

عوامل فرهنگی یکی دیگر از راهکاراهای به دست آمده از پژوهش است که در این زمینه می‌توان به عواملی مثل ارتقای مسئولیت اجتماعی شهروندان و بخش تجاری، فرهنگ‌سازی جهت تفکیک زباله از مبدأ با نصب و ارائهٔ مخازن پسماند خشک و تر و ارتقای فرهنگ پذیرش محصولات سبز از طریق تولید محتوا، کارگاه‌ها سمینارها و... اشاره کرد. در تبیین این راهکار باید بیان کرد که هم شهروندان و هم بخش تجاری باید به مسئولیت اجتماعی خود در قبال پسماند آگاهی داشته باشند و اقدامات لازم برای کاهش تولید پسماند، استفادهٔ مجدد و مدیریت صحیح آنها را تا لحظهٔ جمع‌آوری

انجام دهند. توجه به عوامل فرهنگی را می‌توان در دو بعد فقدان فرهنگ و وجود فرهنگ نامناسب توجیه کرد. در زمینهٔ توسعهٔ کارآفرینی سبز در حوزهٔ پسماند شهری هم به ایجاد فرهنگ مناسب و هم به حذف فرهنگ نامناسب نیاز است. نامجو و همکاران (۱۴۰۱)، وطنخواه کلورزی (۱۴۰۰)، رستمی و سه تلانی (۱۳۹۹) و خسروی و همکاران (۱۳۹۸) در مطالعات خود به نتایج مشابهی در این زمینه دست یافته‌اند.

عوامل آموزشی از نظر میزان اهمیت از دیدگاه مشارکت‌کنندگان در رتبهٔ ششم قرار می‌گیرد و شامل تعریف و تدوین برنامه‌های زیست‌محیطی جهت گسترش دانش زیست‌محیطی مردم، ارتقای دانش بهداشت محیطی در بین مردم از طریق رسانه‌ها، فضای مجازی و... ، اعزام اکیپ‌ها و تیم‌های آموزشی در محلات در زمینهٔ تولید و تفکیک پسماند وگنجاندن واحدهای درسی در دوران تحصیل در مدارس و دانشگاه‌ها در حوزهٔ کارآفرینی سبز است. این عوامل هم باعث ترغیب افراد به کاهش مشکلات این حوزه می‌شود و هم باعث جهت‌دهی افراد برای ایجاد کسب‌وکارهایی سبز در این زمینه می‌گردد که این یافته با نتایج پژوهش نامجو و همکاران (۱۴۰۱)، رستمی و سه‌تلانی(۱۳۹۹) و هو[1] و همکاران (۲۰۲۰) همخوانی دارد.

در خصوص عامل بازاریابی و توسعهٔ بازار محصولات سبز بعضی اقدامات باید توسط کسب‌وکارهای این حوزه انجام شود، مثل حمایت از محصولات تولیدشده بازیافتی از طریق برنامه‌های تشویقی مثل تخفیف‌ها و اعطای جوایز جهت تشویق مصرف‌کنندگان و ارزش‌دهی به برچسب‌گذاری‌های زیست‌محیطی محصولات سبز با نوآوری در محصولات و پایبندی به استانداردها؛ این عوامل باعث ایجاد مزیت رقابتی برای این محصولات در مقایسه با محصولات مشابه دیگر می‌شود. اما برخی اقدامات نیز باید با همکاری نهادهای مربوطه صورت گیرد، مثل تسهیل صادرات محصولات تولید شده بازیافتی و محصولات سبز و تسهیل تبلیغات محصولات تولید شده

1. HOU

بازیافتی و محصولات سبز در صدا و سیما و تبلیغات محیطی. بنابراین هم نقش کسب‌وکارهای این حوزه و هم نقش نهادها در بازاریابی و توسعهٔ بازار این محصولات بسیار حائز اهمیت است. هجنیک و رازیر (۲۰۱۶) نیز در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که نوآوری در فرآیندهای زیست‌محیطی، از مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده عوامل بازار هستند.

راهکار ارتقای حمایت‌های مالی شامل مواردی از قبیل اختصاص بودجه از سوی دولت، اعطای تسهیلات و اعطای معافیت‌های مالیاتی است. در تبیین این راهکار باید بیان کرد که تأمین سرمایهٔ اولیه برای راه‌اندازی کسب‌وکار به‌عنوان یک چالش جدی برای کارآفرینان این حوزه مطرح است، چراکه فرایند ممکن است مدت زیادی به طول بینجامد و از انگیزهٔ افراد برای راه‌اندازی کسب‌وکار در این حوزه بکاهد. وطنخواه‌کلورزی (۱۴۰۰)، رضایی و همکاران (۱۳۹۹)، خسروی و همکاران (۱۳۹۸) و دمیر[1] و همکاران (۲۰۱۵) در مطالعات خود به نتایج مشابهی با نتایج پژوهش حاضر دست یافتند.

عوامل سازمانی که شامل تسریع در فرایند اخذ مجوزها، کاهش بوروکراسی‌های اداری، حمایت نهادهای ذی‌ربط از محصولات تولید شده و تقویت نظارت بر رعایت استانداردهای زیست‌محیطی و بهداشتی است راهکار شناسایی‌شدهٔ بعدی است. از یک طرف نبود حمایت‌های کافی از طرف نهادهای مرتبط فرایند توسعهٔ کسب‌وکارهای این حوزه باعث تأخیر در تأسیس، توسعه و پذیرش این فعالیت‌ها می‌شود. از طرف دیگر جلب اعتماد و پذیرش مشتریان محصولات سبز در گرو رعایت این استانداردها و معیارهای بهداشتی توسط نهادهای ذی‌ربط چه در حین جمع‌آوری پسماندها چه در زمان فرایند تولید محصولات بازیافتی است. در این راستا یافته‌های نامجو و همکاران (۱۴۰۱)، رضایی و همکاران (۱۳۹۹)، خسروی و همکاران (۱۳۹۸)، دمیر و همکاران (۲۰۱۵) و ریموند و همکاران (۲۰۱۳) با نتایج پژوهش حاضر هم‌خوانی دارد.

1. Demir

اولویت دهم به اجرایی کردن قوانین و مقررات اشاره دارد. در این زمینه می‌توان به مواردی مثل به‌روزرسانی قانون مدیریت پسماند، اعمال قدرت قضایی در برابر ناقضان قانون مدیریت پسماند، الزام دستگاه‌های دولتی به انجام اقدامات مشخص‌شده برای آنها در قانون و بخشنامه‌های مدیریت پسماند، اجباری شدن تفکیک پسماند برای بخش تجاری و خانگی، نظارت بر اجرای صحیح قوانین مرتبط با مدیریت پسماند اشاره کرد. از آنجایی که برای موفقیت و توسعهٔ کارآفرینی سبز در حوزهٔ پسماند شهری مفاهیمی مثل تفکیک از مبدأ و بازیافت نقش حیاتی و اساسی دارند و هرگونه کاستی دراین زمینه کارآفرینی سبز در حوزهٔ مدیریت پسماندهای شهری را تحت تأثیر قرار می‌دهد، بنابراین توجه به قانون‌گذاری و اجرای قوانین اهمیت خاصی پیدا می‌کند. البته با صرف قانون‌گذاری در حوزهٔ پسماند نمی‌توان به نتایج مطلوبی در این حوزه دست یافت، بلکه زمینه‌سازی برای اجرایی کردن آن‌ها و نظارت بر اجرای صحیح آن‌ها دارای اهمیتی برابر با قانون‌گذاری در این حوزه است. بنابراین هنگامی که نظارت‌ها برقرار باشد، قوانین به‌درستی اجرا می‌شود و همین امر هم توسعهٔ کارآفرینی سبز در حوزهٔ پسماند شهری را به دنبال دارد. این بخش از یافته‌ها با نتایج نامجو (۱۴۰۱)، لتون و همکاران (۲۰۲۰)، ریموند و همکاران (۲۰۱۳) همخوانی دارد.

تعامل مراکز تحقیقاتی و دانشگاهی با سازمان‌های ذی‌ربط آخرین راهکار شناسایی‌شده در این حوزه است. برای دست‌یابی به این راهکار باید فعالیت‌های تحقیق و توسعه در این حوزه در سازمان‌های متولی توسعه یابد و برای تحقیقاتی در زمینهٔ کارآفرینی در حوزهٔ پسماند بودجه تعیین شود و مراکز تحقیقاتی مشترک جهت همکاری مشترک دانشگاهیان و سازمان‌های متولی و ذیربط ایجاد شود. لازم به ذکر است که حمایت از پژوهش‌های کاربردی این حوزه توسط سازمان‌های ذی‌ربط می‌تواند در توسعهٔ کارآفرینی سبز در حوزهٔ پسماند شهری مؤثر باشد. رضایی و همکاران (۱۳۹۹) نیز در پژوهش خود به نقش دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی در توسعهٔ کارآفرینی سبز در بخش کشاورزی پرداخته است.

۷. نتیجه‌گیری

رشد روزافزون جمعیت در سراسر نقاط جهان و افزایش کیفیت استانداردهای زندگی سبب افزایش تولید پسماندهای شهر شده و مشکلات زیست‌محیطی زیادی خصوصاً در مناطق کمتر توسعه‌یافته را به دنبال دارد که مجموع این عوامل باعث عدم دستیابی به توسعهٔ پایدار می‌گردد، اما تلفیق کارآفرینی سبز با حوزهٔ مدیریت پسماندهای شهری به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های محیطی جهت دستیابی به توسعهٔ پایدار و رفع مشکلات فوق شناخته‌شده است، بنابراین این پژوهش با هدف واکاوی راهکارهای توسعهٔ کارآفرینی سبز در حوزهٔ مدیریت پسماند شهری درکرمانشاه با استفاده از روش دلفی فازی انجام شد. پس از طی مراحل پژوهش راهکارهای توسعهٔ کارآفرینی سبز در حوزهٔ پسماند شهری در کرمانشاه شناسایی شدند که به‌ترتیب اولویت عبارتنداز: ۱- برنامهٔ راهبردی خاص کارآفرینی سبز ۲- ایجاد زیرساخت‌های کارآفرینی سبز ۳- توانمندسازی بخش خصوصی ۴- ارتقای سیستم مدیریت پسماند ۵- عوامل فرهنگی ۶- عوامل آموزشی ۷-بازاریابی و توسعهٔ بازار محصولات سبز ۸- ارتقای حمایت‌های مالی ۹- عوامل سازمانی ۱۰- اجرایی کردن قوانین و مقررات و ۱۱- تعامل مراکز تحقیقاتی و دانشگاهی با سازمان‌های ذی‌ربط.

در یک جمع‌بندی می‌توان چنین بیان داشت: توسعهٔ کارآفرینی سبز در حوزهٔ پسماند شهری در کرمانشاه نیازمند یک خرد جمعی، درک همگانی و تعامل در سطح سیاست‌گذاران، مجریان و مسئولین و هم‌چنین عموم جامعه است. از طرفی دیگر علی‌رغم اولویت‌بندی راهکارها باید بیان داشت ارتباط بین راهکارهای شناسایی‌شده به‌صورت طولی نیست؛ بلکه برای اینکه شاهد توسعهٔ کارآفرینی سبز در حوزهٔ پسماند شهری در کرمانشاه باشیم، لازم است به تمام این راهکارها در قالب یک مجموعهٔ واحد و یکپارچه که در بسیاری از جهات با هم در تعامل و ارتباط متقابل هستند، بنگریم زیرا نبود هرکدام کارآفرینی سبز در این حوزه را با مشکل مواجه می‌کند. بنابراین اقدامات مؤثر در این زمینه می‌تواند منجر به دستیابی به مزایای اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی و در یک کلام دستیابی به توسعهٔ پایدار شهری شود.

۸. پیشنهادها

با توجه به نتایج حاصل از پژوهش، پیشنهادهای اجرایی زیر ارائه می‌گردد:

- پیشنهاد می‌شود سازمان‌های ذی‌ربط و مسئولان با پژوهش‌های آینده‌نگارانه در زمینهٔ کارآفرینی سبز به حوزهٔ پسماند شهری روی آورند تا علاوه بر پیش‌بینی آینده به ساختن آیندهٔ مطلوب و سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی بلندمدت در این زمینه بپردازند.
- اجرایی کردن ایدهٔ لجستیک معکوس در سطح شهر کرمانشاه که در این ایده شهروندان اقلام قابل بازیافت را پس از پایان عمر مصرف از طریق مراکز معتبر (ایجاد کیوسک‌های بازیافت) بازگشت می‌دهند. با اجرایی شدن این ایده حجم بسیاری از پسماندها به جای جمع‌آوری توسط زباله‌گردها و ضایعاتی‌ها به نفع کارآفرینان این حوزه جمع‌آوری می‌گردد.
- کرمانشاه باید به سمت هوشمندسازی ساختارهای شهری حرکت کند. استفاده از هوش مصنوعی مثل سطل‌های هوشمند جمع‌آوری پسماند علاوه بر پیش‌بینی میزان تولید پسماند، بهبود فرایند لجستیک و ارتقای روش‌های پردازش و دفع پسماندها باعث ایجاد فرصت‌های شغلی جدید نیز خواهد شد.
- طراحی و توسعهٔ اپلیکیشن‌های بومی جهت ارتباط شهروندان با مرکز بازیافت، شهروندان لوکیشن خود را ثبت کرده و در برنامه جهت جمع‌آوری پسماندهای خود درخواست می‌دهند.
- برگزاری رویدادهای کارآفرینی با محوریت پسماند با همکاری دانشگاه‌های کرمانشاه و سازمان‌های ذینفع علاوه بر شناسایی ایده‌ها و فرصت‌های این حوزه باعث توانمندسازی، شبکه‌سازی و جذب سرمایه‌گذاران در این حوزه می‌شود.
- با حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان زمینهٔ ورود آنها به این صنعت فراهم گردد. تولید سوخت و بنزین از ضایعات پلاستیکی و پلیمری یکی از فرصت‌های قابل توجه این حوزه است.

جهت علاقه‌مندان به پیگیری در راستای پژوهش حاضر می‌توان پیشنهادهای پژوهشی از قبیل شناسایی و نیازسنجی کسب‌وکارهای سبز در بستر پسماندهای شهری کرمانشاه و بررسی راهکارهای توسعهٔ بازار محصولات سبز در حوزهٔ پسماند شهری بیان نمود. از مهم‌ترین محدودیت‌های این پژوهش می‌توان به مراجعات مکرر پژوهشگر، عدم تمایل به همکاری و پاسخ‌دهی برخی از صاحب‌نظران اشاره نمود.

کتابنامه

۱. آقایی‌ابیانه، ب؛ صالحی، ص؛ و کلانتری، ع. (۱۳۹۴). بررسی تأثیر هنجارهای زیست‌محیطی بر بازیافت پسماندهای خانگی: موردمطالعهٔ منطقهٔ هفت تهران. *بررسی مسائل اجتماعی ایران*، *۶*(۲)، ۲۱۵-۲۳۶.

۲. اثنی‌عشری، ه. (۱۴۰۱). تأثیر مدیریت پسماند بر روش‌های تأمین مالی، مطالعه موردی شهرداری شهر کرمان. *نخستین کنفرانس ملی چالش‌های محیط زیست*، صنعت ومعدن سبز، تهران.

۳. بهدوست، ف؛ و پوراحمد، ا. (۱۳۹۴). بررسی تأثیرات گردشگری شهری در توسعهٔ شهر کرمانشاه. *فضای گردشگری*، ۴(۱۴)، ۱۱۵-۱۳۳.

۴. حاضری، م؛ و سرایی، م. ح. (۱۳۹۸). تبیین و ارزیابی شاخص‌های مؤثر بر ارتقای کارایی سیستم مدیریت پسماند مطالعه موردی: شهر یزد. *فصلنامهٔ شهر پایدار*، ۲(۲)، ۱۹-۳۳.

۵. خداوردی ازغندی، ز؛ و کلاهی، م. (۱۳۹۸). افق پیش روی سیاست‌گذاری و مدیریت پسماند. *رهیافت*، ۲۹(۷۳)، ۶۸-۵۵.

۶. خسروانی، ف؛ عباسی، ع؛ چوبچیان، ش؛ و جلیلی‌قاضی‌زاده، م. (۱۴۰۲). استخراج اهداف مدیریت پایدار پسماند مواد غذایی: تحلیل اسناد فرادست. *محیط‌شناسی*، ۴۹(۲)، ۲۲۱-۲۳۸.

۷. خسروی، س؛ مهدیزاده، ح؛ و میرکزاده، ع.ا. (۱۳۹۸). راه‌اندازی کارآفرینی سبز به‌عنوان راهکاری در جهت توانمندسازی فقرای روستایی (مورد مطالعه: اساتید دانشکدهٔ کشاورزی دانشگاه رازی). *فصلنامهٔ علوم و تکنولوژی محیط‌زیست*، ۲۱(۱)، ۹۹-۱۱۱.

۸. خیری، ش؛ و آزادارمکی، ا. (۱۳۹۳). شناسایی عوامل مؤثر بر پذیرش مدیریت پسماند توسط شهروندان شهر تهران. *مطالعات مدیریت شهری*، *۶*(۱، پیاپی ۱۷)، ۶۷-۷۹.

۹. رخشانی‌نسب، ح.ر؛ و صفری، خ. (۱۳۹۵). برنامه‌ریزی راهبردی مدیریت پسماند شهر زاهدان به روش SWOT. *علوم و تکنولوژی محیط زیست*، *۱۸*(۳)، ۱۴۹-۱۶۴.

۱۰. رستمی، س؛ و *درویشی* سه‌تلانی، ف. (۱۳۹۹). شناسایی و تحلیل عوامل تسهیل‌کننده فرایند کارآفرینی سبز در حوزهٔ پسماند شهری. *سلامت و محیط‌زیست*، *۱۳*(۳)، ۵۵۹-۵۷۸.

۱۱. رضایی، ب؛ کهریزی، د؛ و نجف‌پور، ه. (۱۳۹۵). بررسی موانع و چالش‌های توسعهٔ کارآفرینی سبز در بخش کشاورزی. *مطالعات کارآفرینی و توسعهٔ پایدار کشاورزی*، *۳*(۱)، ۳۵-۵۳.

۱۲. رضایی، ب؛ نادری، ن؛ و رستمی، س. (۱۳۹۹). طراحی مدل توسعهٔ کارآفرینی سبز در بخش کشاورزی (مطالعه موردی: شهرستان کرمانشاه). *فصلنامهٔ علمی آموزش محیط زیست و توسعهٔ پایدار*، *۹*(۱)، ۱۷۱-۱۹۱.

۱۳. زینتی‌زاده، س؛ و زینتی‌زاده، ع.ا. (۱۳۹۴). بررسی وضعیت مدیریت پسماند جامد شهرکرمانشاه (جمع‌آوری و حمل‌ونقل). *کنفرانس بین المللی محیط زیست و منابع طبیعی*. شیراز.

۱۴. غلامپورارباستان، ه؛ و رضایی، م. (۱۴۰۲). جزء ویژه پسماند عادی (خانگی) بخش مغفول مدیریت پسماندهای عادی در کشور. *ماهنامهٔ گزارش‌های کارشناسی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی*، *۳۱*(۳).

۱۵. گراوندی، ش. (۱۴۰۰). آینده‌پژوهی توسعهٔ باغ‌ویلاها در اراضی زراعی (مطالعه موردی: شهرستان کرمانشاه). *مدیریت اراضی*، *۹*(۱)، ۱-۱۱.

۱۶. گل‌نظری، ع.ر؛ فرخ‌شوره‌دل، ج؛ ملکان، ج؛ و شعبانی‌نژاد، ج. (۱۳۹۷). مدیریت پسماند در ایران و مقایسه با کشورهای دیگر. *اولین همایش بررسی چالش‌ها و ارائهٔ راهکارهای نوین مدیریت شهری*، تهران.

۱۷. مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران. (۱۳۹۲). *بررسی فرآیند مدیریت پسماند در جهان و ایران. گزارش شماره ۲۰۷*.

۱۸. نادری، ن؛ خسروی، ا؛ و کرمیان، ف. (۱۴۰۱). واکاوی راهکارهای توسعهٔ بازار محصولات سالم و ارگانیک واحدهای صنایع غذایی استان کرمانشاه. *نشریهٔ علمی پژوهشی مدیریت کسب‌وکارهای بین‌المللی*، ۵(۴)، ۲۲۷-۲۴۷.

۱۹. نامجو، ف؛ محرابی، ج؛ و ساکتی، پ. (۱۴۰۱). طراحی الگوی بهره‌برداری از فرصت‌ها در راستای توسعهٔ کارآفرینی در صنعت پسماند ایران. *توسعه و سرمایه*، ۷(۲)، ۲۵۳-۲۷۲.

۲۰. وطنخواه‌کلورزی، ژ؛ رضوانی، م.ر؛ و دربان‌آستانه، ع.ر. (۱۴۰۰). شناسایی عوامل اثرگذار بر توسعهٔ کارآفرینی با بازیافت پسماندهای محصول برنج (مورد مطالعه: استان گیلان). *روستا و توسعهٔ پایدار فضا*، ۲(۲)، ۳۲-۱۷.

21. Alavi, S., Shamshiri, S., Pariz, Z., Dargahi, A., Mohamadi, M., Fathi, S., & Amirian, T. (2016). Evaluating the palm leaves efficiency as a natural adsorbent for removing cadmium from aqueous solutions: Isotherm adsorption study. *International Journal of Pharmacy and Technology*, *8*(2), 13919-13929.
22. Allen, J. C., & Malin, S. (2008). Green entrepreneurship: A method for managing natural resources?. *Society and natural resources, 21*(9), 828-844.
23. Alwakid, W., Aparicio, S., & Urbano, D. (2021). The influence of green entrepreneurship on sustainable development in Saudi Arabia: The role of formal institutions. *International journal of environmental research and public health, 18*(10), 5433.
24. Azevedo, B. D., Scavarda, L. F., Caiado, R. G. G., & Fuss, M. (2021). Improving urban household solid waste management in developing countries based on the German experience. *Waste management*, *120*, 772-783.
25. Bui, T. D., Tsai, F. M., Tseng, M. L., & Ali, M. H. (2020). Identifying sustainable solid waste management barriers in practice using the fuzzy Delphi method. *Resources, conservation and recycling, 154*, 104625.
26. Chu, F., Zhang, W., & Jiang, Y. (2021). How does policy perception affect green entrepreneurship behavior? An empirical analysis from China. *Discrete Dynamics in Nature and Society*, *2021*(1), 7973046.
27. Dean, T. J., & McMullen, J. S. (2007). Toward a theory of sustainable entrepreneurship: Reducing environmental degradation through entrepreneurial action. *Journal of business venturing, 22*(1), 50-76.

28. Demir, U., Yeter, H.Y., & Demir, E. (2015). Applicability to Green Entrepreneurship in Turkey: A Situation Analysis, World Conference on Technology. *Innovation and Entrepreneurship, 195,* 1238-1245.
29. Diaz, LF., Savage, GM., Eggerth, LL., & Golueke, CG. (1993). *Composting and recycling municipal solid waste.* Lewis Publishers; 1993.
30. Frishammar, J., & Parida, V. (2019). Circular Business Model Transformation: A Roadmap for Incumbent Firms. *California Management Review, 61*(2), 5-29.
31. He, Z., Xiong, J., Ng, T. S., Fan, B., & Shoemaker, C. A. (2017). Managing competitive municipal solid waste treatment systems: An agent-based approach. *European Journal of Operational Research, 263*(3), 1063-1077.
32. Homrich, A. S., Galvao, G., Abadia, L. G., & Carvalho, M. M. (2018). The circular economy umbrella: trends and gaps on integrating pathways. *Journal of Cleaner Production, 175*, 525–543.
33. Hou, X., Ma, Y., Wu, Y., & Wang, W. (2020). Implementing green education of urban families: An action research project in Beijing, China. *Action Research, 18*(1), 19-47.
34. Karimi, R. F., & Nabavi Chashmi, S. A. (2019). Designing green entrepreneurship model in sustainable development consistent with the performance of Tehran industrial towns. *Journal of business-to-business marketing, 26*(1), 95-102.
35. Kerdsuwan, S., Laohalidanond, K., & Jangsawang, W. (2015). Sustainable development and eco-friendly waste disposal technology for the local community. *Energy Procedia, 79*, 119-124.
36. Lehtonen, M., Kojo, M., Jartti, T., Litmanen, T., & Kari, M. (2020). The roles of the state and social licence to operate? Lessons from nuclear waste management in Finland, France, and Sweden. *Energy Research & Social Science, 61*, 101353.
37. Li, W., & Wang, J. (2021). Household waste management in Shanghai and its implications for the second-tier cities in China. *Journal of Cleaner Production, 321*, 128980.
38. Liu, X., Wang, E., & Cai, D. (2019). Green credit policy, property rights and debt financing: Quasi-natural experimental evidence from China. *Finance Research Letters, 29*, 129-135.
39. Mathews, J. A. (2012). Green growth strategies—Korean initiatives. *Futures, 44*(8), 761-769.
40. Mohan, G., Sinha, U. K., & Lal, M. (2016). Managing of solid waste through public private partnership model. *Procedia Environmental Sciences, 35*, 158-168.

41. Mukonza, C. (2020). An analysis of factors influencing green entrepreneurship activities in South Africa. In: C, Atewamba., & D, Yong Ngondjeb. (eds). *Inclusive Green Growth: Challenges and Opportunities for Green Business in Rural Africa,* (pp. 47-67). Cham: Springer International Publishing.
42. Neumann, T. (2021). The impact of entrepreneurship on economic, social and environmental welfare and its determinants: a systematic review. *Manag Rev Q 71*, 553– 584.
43. Piozzi, G., Lefèvre, J., Molnar, C., Konishi, T., Bianchi, P., Rouanet, P., ...& Kim, S. (2023). International standardization and optimization group for intersphincteric resection (ISOG-ISR): modified Delphi consensus on anatomy, definition, indication, surgical technique, specimen description and functional outcome. *Colorectal Disease, 25*(9), 1896–1909.
44. Raymond, N., Svendsen, E., & Campbell, L. K. (2013). From job training to green jobs: A case study of a young adult employment program centered on environmental restoration in New York City, USA. *Urban Forestry & Urban Greening, 12*(3), 287-295.
45. Sakr, D., & Sena, A. A. (2017). Cleaner production status in the Middle East and North Africa region with special focus on Egypt. *Journal of cleaner production, 141*, 1074-1086.
46. Severo, E. A., de Guimarães, J. C. F., & Dorion, E. C. H. (2017). Cleaner production and environmental management as sustainable product innovation antecedents: A survey in Brazilian industries. *Journal of Cleaner Production, 142*, 87-97.
47. Stephens, M. (2020). Cities as custodians for entrepreneurial opportunity. In: M. Iftikhar., J. Justice., & D. Audretsch. (eds) *Urban studies and entrepreneurship*, (pp. 31-49). Cham: Springer International Publishing.
48. Tekala, K., Baradarani, S., Alzubi, A., & Berberoğlu, A. (2024). Green Entrepreneurship for Business Sustainability: Do Environmental Dynamism and Green Structural Capital Matter? *Sustainability*, *16*(13), 5291.
49. UNEP GMA. (2002). *United Nations Environment Programme*. Chemicals, Geneva, Switzerland.
50. Vasilescu, M. D., Dimian, G. C., & Gradinaru, G. I. (2023). Green entrepreneurship in challenging times: a quantitative approach for European countries. *Economic research-Ekonomska istraživanja, 36*(1), 1828-1847.
51. Xua,Y., Huanga, G. H., Qinc, X. & Caoa, M.f. (2009). Ast- ochastic robust chanceconstrained Programming model for municipal solid waste management under uncertainty . Elsevier. *Conservation and recycling, 53*, 352-363.

52. Yuan, Y., & Yabe, M. (2015). Residents' preferences for household kitchen waste source separation services in Beijing: A choice experiment approach. *International journal of environmental research and public health, 12*(1), 176-190.
53. Zapata, P., & Zapata Campos, M. J. (2019). Cities, institutional entrepreneurship and the emergence of new environmental policies: The organizing of waste prevention in the City of Gothenburg, Sweden. Environment and Planning C: *Politics and Space, 37*(2), 339-359.
54. Zeller, V., Towa, E., Degrez, M., & Achten, W. M. (2019). Urban waste flows and their potential for a circular economy model at city-region level. *Waste management, 83*, 83-94.

Journal of Geography and Regional Development (**Peer-Reviewed Journal**)
Vol 23, No.3, Autumn 2025, Serial Number 52

FERDOWSI UNIVERSITY
OF MASHHAD

Contents ***Page***

- **Analysis of the Effects of Rural Farmers' Actions on Drought Hazard Management and Adaptation (Case Study: Kakhk Rural District, Gonabad County) 1**
  Somayeh Ali Hosseini, Tahereh Sadeghloo, Khadijah Bozarjomehri

- **Analysis of the Impact of Marginalization Indicators on Urban Poverty: (Case Study: Marginal Settlements in Mashhad) 2**
  Hasan Aama Bandeh Gharaei, Javad Taherizadeh Anaripour, Ahmad Lotfi

- **Presenting the Empirical Model of Determinants of Rural Women's Empowerment in the Medicinal Plants Sector (Case Study: Chaharmahal and Bakhtiari Province) 3**
  Ayda Alahdinivandi, Yousef Ghanbari, Hamid Barghi

- **The Role of Urban Tourism in Sustainable Urban Development (Case Study: Shirvan City) 4**
  Robabe Hosseinnezhad Devin, Mohammad Motamedi, Ramazanali Naderi Mayvan

- **Analysis of Development Inequalities between the Border and Central Provinces of Iran 5**
  Habibollah Fasihi, Taher Parizadi, Atefeh Kolyaei, Farima Najafi

- **Exploring the Relationship between Characteristics of Sociable Spaces and Security of Residential Complexes in Kermanshah City 6**
  Zohreh Khamoushiz, Sara Jalalian, Mohammad Mehdi Soroush

- **Analysis of Perceptual Differences of Rural Stakeholders Regarding Obstacles to Cooperative Development in Gilan Province 7**
  Mehdi Hesam, Habib Mahmoudi Chenari

- **An Analysis of the Quality of City Entrances in View of Citizens and Travelers (Case Study: Shirvan City) 8**
  Mehdi Zanganeh, Zohreh Pirzadeh, Mobina Rajabi

- **Explaining the Model of Cooperation Network of Organizational Stakeholders in Rural Development Based on Macro and Meso Indicators (Case Study: Qazvin Province) 9**
  Forozan Ghasemi, Mohammadreza Rezvani, Seyedali Badri, Alireza Darban Astaneh

- **Analysis of Green Entrepreneurship Development Solutions in Urban Waste Management (Case Study: Kermanshah City) 10**
  Nader Nadri, Mahtab Zhian, Khadija Azizi

Ferdowsi University of Mashhad

Journal of Geography and Regional Development

Vol 22, No. 2, Summer 2024,
Serial Number 47

License Holder
Ferdowsi University of Mashhad

General Director
Dr. M. R. Rahnama

Editor-in-Chief
Dr. H. Shayan

Editorial Board

Dr. M. Ahmadiyan
Islamic Azad University Mashhad Branch

Dr. A. Roknoddin Eftekhari
Tarbiat Modarres University,Tehran

Dr. M. Pourtahari
Tarbiat Modares University, Tehran

Dr. S. R. Hoseinzadeh
Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad

Dr. K. Hoseinzade Dalir
University of Tabriz, Tabriz

Dr. M. R. Rahnama
Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad

Dr. S. Roostaei
University of Tabriz, Tabriz

Dr. H. Sojasi Qeydari
Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad

Dr. H. Shayan
Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad

Dr. H. Kamran
University of Tehran,Tehran

Dr. H. Lashkari
Shahid Beheshti University, Tehran

Dr. E. Mafi
Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad

Dr. G. Mozafari
Yazd University, Yazd

Dr. S. Velayati
Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad

Dr. V. Ghasemi
Universidade Europeia, Lisboa, Portugal

Dr. K. Muhabbatov
Academy of Sciences of the Republic of Tajikistan

Internal Editor:
Dr. R. Doostan
Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad

English Language Editor:
Dr.V. Mardani Kalate Gheshlagh

Persian Editing of Articles:
R. Kamali

Excutive Manager:
Z. Baniasad

Typesetting:
M. Iranpak

Publisher:
Ferdowsi University of Mashhad Press

Circulation: 30
Price: 20000 Rials
Subscription:
25 US$ (USA)
20 $ (other)

Address:
Faculty of Letters & Humanities
Ferdowsi University Campus
Azadi Sq. Mashhad-Iran
Postal Code:
9177948883
Tel: (+98 513) 8806724
Fax: (+98 513) 8807060
E-mail:
jrd@ferdowsi.um.ac.ir
Website:
http://jgrd.um.ac.ir/

In the Name of Allah

Ferdowsi University of Mashhad

Journal of Geography and Regional Development

(Peer-reviewed Journal)

Vol 23, No. 3, Autumn 2025, Serial Number 52

- **Analysis of the Effects of Rural Farmers' Actions on Drought Hazard Management and Adaptation (Case Study: Kakhk Rural District, Gonabad County)** 1
  Somayeh Ali Hosseini; Tahereh Sadeghloo; Khadijah Bozarjomehri
- **Analysis of the Impact of Marginalization Indicators on Urban Poverty: (Case Study: Marginal Settlements in Mashhad)** 2
  Hasan Aama Bandeh Gharaei; Javad Taherizadeh Anaripour; Ahmad Lotfi
- **Presenting the Empirical Model of Determinants of Rural Women's Empowerment in the Medicinal Plants Sector (Case Study: Chaharmahal and Bakhtiari Province)** 3
  Ayda Alahdinivandi; Yousef Ghanbari; Hamid Barghi
- **The Role of Urban Tourism in Sustainable Urban Development (Case Study: Shirvan City)** 4
  Robabe Hosseinnezhad Devin; Mohammad Motamedi; Ramazanali Naderi Mayvan
- **Analysis of Development Inequalities between the Border and Central Provinces of Iran** 5
  Habibollah Fasihi; Taher Parizadi; Atefeh Kolyaei; Farima Najafi
- **Exploring the Relationship between Characteristics of Sociable Spaces and Security of Residential Complexes in Kermanshah City** 6
  Zohreh Khamoushiz; Sara Jalalian; Mohammad Mehdi Soroush
- **Analysis of Perceptual Differences of Rural Stakeholders Regarding Obstacles to Cooperative Development in Gilan Province** 7
  Mehdi Hesam; Habib Mahmoudi Chenari
- **An Analysis of the Quality of City Entrances in View of Citizens and Travelers (Case Study: Shirvan City)** 8
  Mehdi Zanganeh; Zohreh Pirzadeh; Mobina Rajabi
- **Explaining the Model of Cooperation Network of Organizational Stakeholders in Rural Development Based on Macro and Meso Indicators (Case Study: Qazvin Province)** 9
  Forozan Ghasemi; Mohammadreza Rezvani; Seyedali Badri; Alireza Darban Astaneh
- **Analysis of Green Entrepreneurship Development Solutions in Urban Waste Management (Case Study: Kermanshah City)** 10
  Nader Nadri; Mahtab Zhian; Khadija Azizi

ISSN: 2008-1391